

کتابخانه شیعه امامیه

پژوهشی در منابع و مستندات

هَدْيُ الْأَحْكَامِ

شیخ طوسی (قدس سره)

پژوهش و تحقیق:

مجتربین صفاخواه

عبدالحسین طالقانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پژوهش برگزیده سال ۱۳۷۶

کتابشناخت شیعه امامیه

۱

پژوهشی در منابع و مستندات

«تهذیب الاحکام»

شیخ طوسی رحمته الله علیه

پژوهش و تحقیق:

محمد حسین صفاخواه
عبدالحسین طالعی



Z صفخواه، محمدحسین

۸۵۰۳ پژوهشی در منابع و مستندات «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی قدس سره / پژوهش و تحقیق
۴ پ ۷ ص / محمدحسین صفخواه، عبدالحسین طالعی - تهران: ابرون، ۱۳۸۰.
۶۲۰ ص. جدول، نمونه - (کتابشناخت شیعه امامیه: ۱)

ISBN: 964 - 5642 - 79 - s

شابک: ۹۶۴ - ۵۶۴۲ - ۷۹ - ۵

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

M. H. Safakhah, A. H. Taleie. Research in references of Tahzib - Al - Ahkam. ص.ع. به انگلیسی:

کتابنامه: ص. [۶۲۵ - ۶۲۵]

۱. طوسی، محمدبن حسن، ۲۸۵ - ۴۶۰ ق. تهذیب الاحکام - ماخذ. ۲. احادیث شیعه - قرن ۵ ق - ماخذ. ۳. طوسی، محمدبن حسن، ۲۸۵ - ۴۶۰ ق - نقد و تفسیر. ۴. طوسی، محمدبن حسن، ۲۸۵ - ۴۶۰ ق. تهذیب الاحکام - کتابشناسی الف - طالعی، عبدالحسین، ۱۳۲۰ - . محقق. ب. عنوان.

۰۱۶/۲۹۷۲۱۲

۲ پ ۷ ص / ۲۸۵۰۳ Z

[۲۹۷/۲۱۲۰۱۶]

م ۷۹ - ۱۷۹۵۵

کتابخانه ملی ایران



آدرس: میدان فردوسی - خیابان فرصت - شماره ۹۸ - طبقه اول

تلفن: ۸۸۴۴۰۴۴ - ۸۸۴۶۸۹۱

نام کتاب: پژوهشی در منابع و مستندات «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی قدس سره

(کتابشناخت شیعه امامیه - ۱)

پژوهش و تحقیق: محمد حسین صفخواه - عبدالحسین طالعی

ناشر: انتشارات ابرون

نوبت چاپ: ۱۳۸۰ م

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

ISBN: 964 - 5642 - 79 - 5

شابک: ۹۶۴ - ۵۶۴۲ - ۷۹ - ۵

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

همه حقوق محفوظ است. ©

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

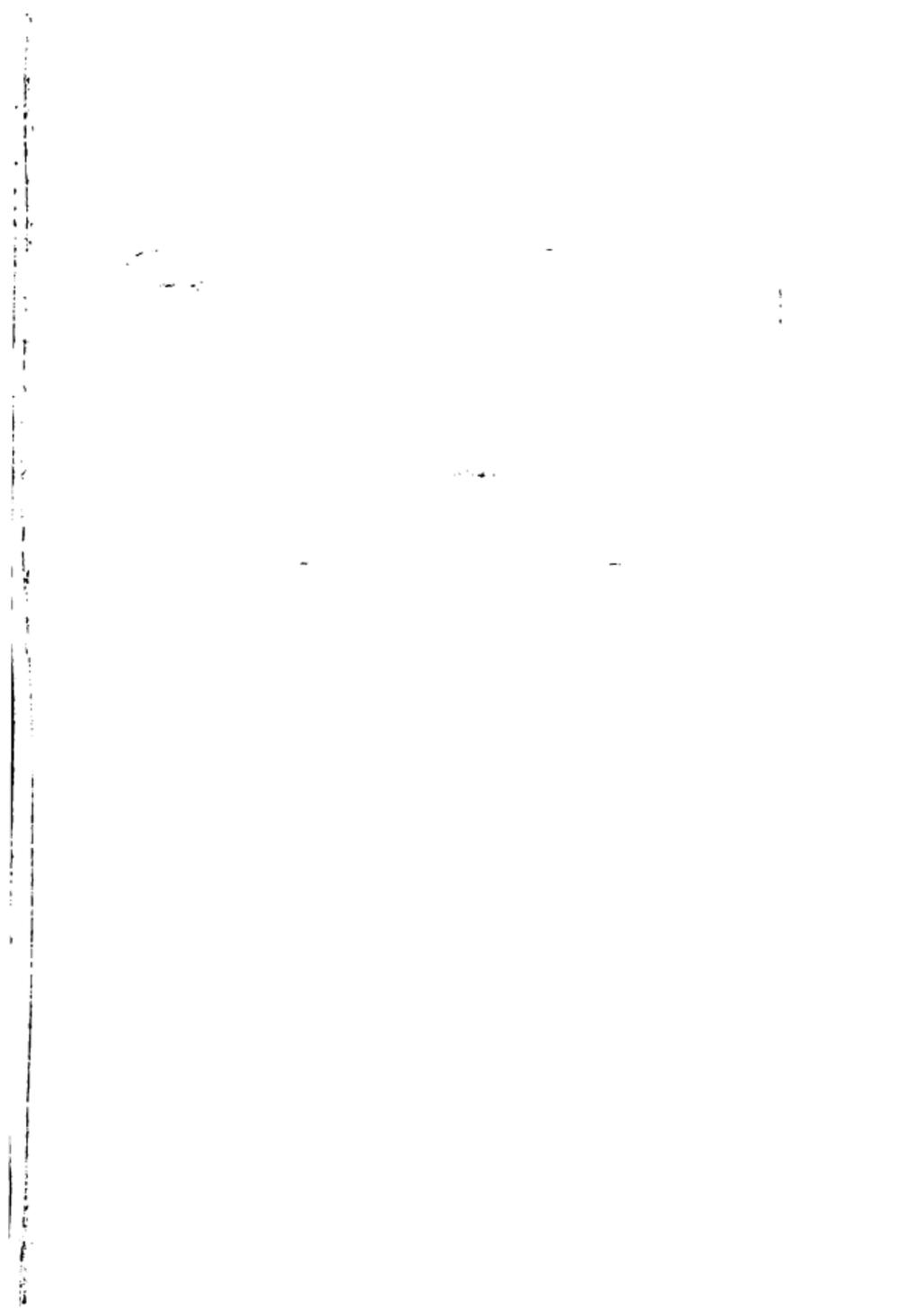
تقدیم به

پیشگاه آن عزیز بازمانده خاندان نور، که تکلیف سنگین تهذیب احکام و
حقایق دین را خدای مَنان به حضرتش سپرده است:

محبوب موعود

حجّت معبود

حضرت مهدی ارواحنافداه

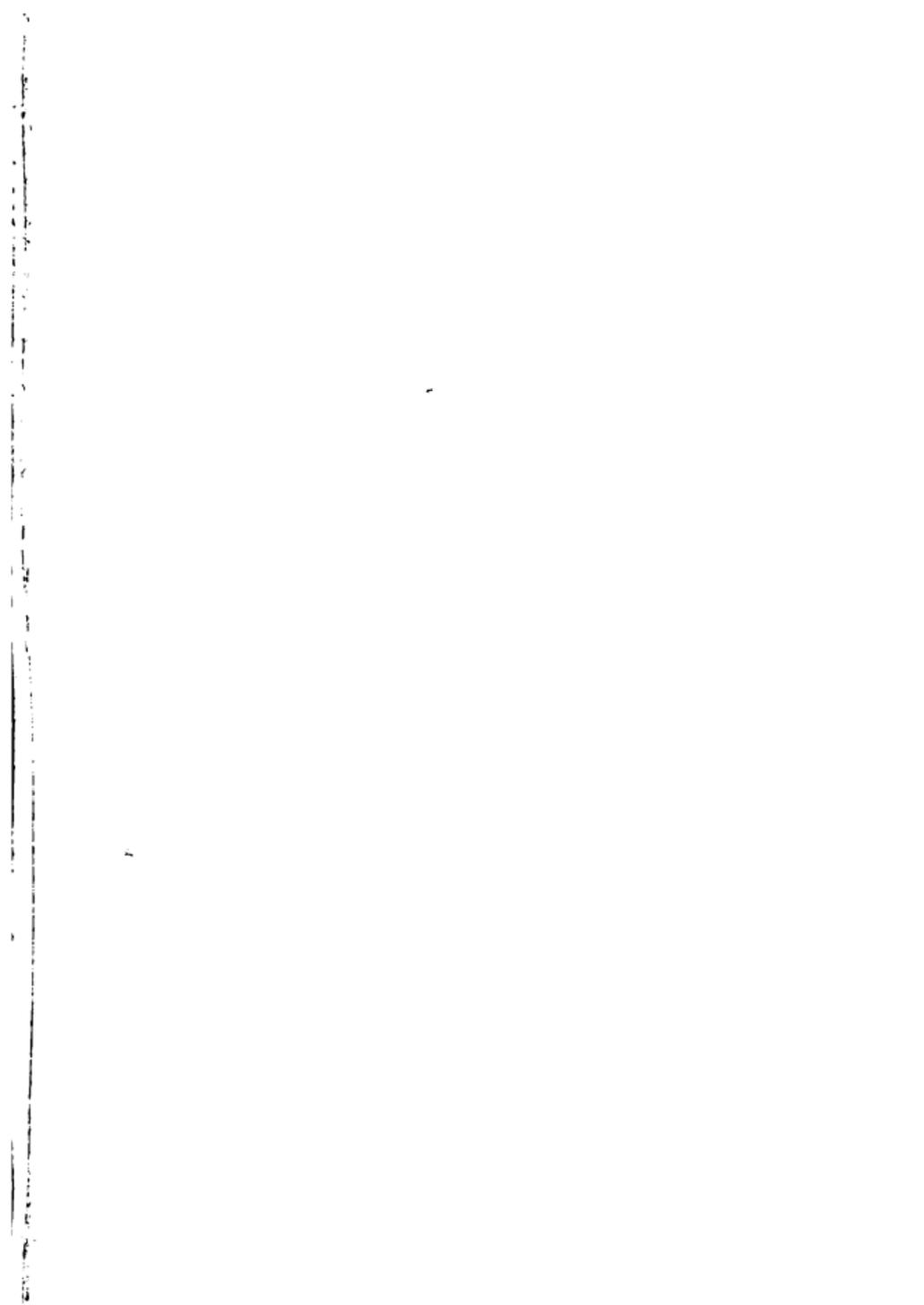


فهرست مطالب

۹	طلیعه
۱۱	مقدمه
۱۹	فصل ۱: مشخصات تحقیق
۳۱	فصل ۲: تاریخ تدوین حدیث
۸۱	فصل ۳: چهارصد اصل و چهار کتاب
۱۲۷	فصل ۴: شیخ طوسی: زندگی و آثار
۱۷۳	فصل ۵: آشنایی با تهذیب الاحکام
۲۱۵	فصل ۶: گزیده نسخه خطی تهذیب
۲۸۵	فصل ۷: کتابشناسی تهذیب
۳۲۳	فصل ۸: منابع و مستندات تهذیب (جلد اول تا پنجم)
۳۹۵	فصل ۹: آشنایی با مؤلفان منابع تهذیب
۴۳۳	فصل ۱۰: پایان کلام و آغاز راه

پیوستها

۴۴۵	پیوست ۱: شخصیت علمی و مشایخ شیخ طوسی
		از: مرحوم علامه سید عبدالعزیز طباطبائی قدس سره
۵۲۱	پیوست ۲: تطبیق صفحات چاپ سنگی تهذیب با چاپ نجف
۵۴۳	پیوست ۳: نمونه نسخه‌های تهذیب
۶۱۷	معرفی کهن‌ترین نسخه شناسایی شده «کتاب تهذیب الاحکام»
۶۲۳	فهرست منابع و مآخذ



طلیعه

«تهذیب الاحکام» یکی از چهار کتاب اصلی حدیث شیعه است، که شیخ ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ هجری قمری) در شرح کتاب «مقنعه» شیخ ابوعبدالله مفید (متوفی ۴۱۳) نوشته است.

تهذیب الاحکام، همراه با سه کتاب دیگر (کافی، استبصار، من لایحضره الفقیه) به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در اندیشه شیعی دارد، توجهی ویژه می‌طلبد که تاکنون دانشگاه‌های ما - چنانکه باید و شاید - به آن نپرداخته‌اند.

در این رساله، پس از بررسی اجمالی تاریخ تدوین حدیث و آشنایی با چهارصد اصل (کتابهایی که اصحاب ائمه نوشته‌اند) و چهار کتاب یاد شده، به بررسی زندگی علمی و تألیفات شیخ طوسی می‌پردازیم. و آنگاه، آشنایی با تهذیب الاحکام، نسخه‌های خطی و کتابهای نگاشته شده پیرامون آن به عنوان مقدمه‌ای بر موضوع اصلی رساله مطرح می‌شود.

بخش اصلی رساله، شامل معرفی حدود ۱۶۰ کتاب از کتابهای قدیم است که منابع تألیف کتاب تهذیب بوده‌اند. در اینجا نام این کتابها به همراه مؤلفان آنها، شماره‌ی احادیثی از تهذیب (جلد ۱ تا ۵) که از این منابع نقل شده، و سپس شرح حال اجمالی مؤلفان این منابع می‌آید.

این منابع، شامل کتب موجود، مانند کافی کلینی؛ و کتب غیر موجود (چه مجموعه‌های فقهی حسین بن سعید، محمد بن احمد بن عیسی اشعری؛ و چه تک نگاشتها مانند کتاب الحج موسی بن قاسم بجللی) می‌شود.

با این نگرش به تهذیب، گلبرگهایی پراکنده از گل‌های پرپر شده گلستان علم دین به دست می‌آید. کار نگارندگان در اینجا به باستان‌شناسی شباهت دارد که با کشف قطعات بازمانده از آثار کهن و بازسازی این آثار، جلوه‌هایی از تمدن سده‌های پیشین را در معرض دید همگان می‌گذارد.

بخشی از قسمت پایانی رساله، فصلی است با عنوان:

«پایان کلام و آغاز راه.»

و در نهایت، پایان رساله را با ضائمی به پایان بردیم که امید است در راه معرفی کتاب نفیس تهذیب الاحکام و مؤلف آن، پژوهندگان را راهنما باشد.

در مراحل پایانی چاپ کتاب، نسخه کهن و ارزشمند تاریخ‌داری به دستمان رسید که به جهت ارزش نسخه و تاریخ کتابت آن، دریغمان آمد به معرفی آن نپردازیم.

لذا پس از آوردن نمونه بعضی از نسخ خطی تهذیب، فصلی را به اختصار به این مهم اختصاص دادیم.

و توفیق از خداست.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه

حمد خدای منان را که ما را آفرید و هدایت کرد، و درود بی پایان بر رسولش و خاندان پاک نهاد او که بذر هدایت افشاندند و انسانها را به راه صواب رهنمون شدند. و لعنت خدا بر دشمنان نور، و ظلمت پرستانی که مانع نشر حقایق بیت شریف رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام گردیدند.

(۱)

خدای متعال، نامه نور را فرو فرستاد، و تبیین آن را به پیامبرش سپرد:

و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم. [نحل / ۴۴]

فانما یسرناه بلسانک لعلهم یتذکرون. [دخان / ۵۸]

پیامبر اکرم عدل قرآن است، و کلامش مبین قرآن.

این کلام، رافع اختلافات است، که به امر الهی بدان مراجعه می شود:

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و

الیوم الآخر. [نساء / ۵۹]

و ما انزلنا الیک الذکر الا لتبین لهم الذی اختلفوا فیه و هدی و رحمة

لقوم یؤمنون. [نحل / ۶۴]

این اصل (تبیین قرآن به کمک رسول)، مکمل اصل دیگری است از اصول تفکر اسلامی، که عصمت رسول خدا صلی الله علیه و آله را - در تمام احوال و اطوار - بیان می‌دارد، کلام او را چنین وصف می‌کند:

و ما ينطق عن الهوى ان هو الا وحى يوحى. [نجم / ۳ - ۴]

و عمل او را:

من يطع الرسول فقد اطاع الله. [نساء / ۸۰]
 قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله. [آل عمران / ۳۱]

و در تمام این مقامات، «اولی الامر» را نیز با او همراه می‌دارد:

يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم.
 [نساء / ۵۹]
 و لو ردّوه الى الرسول و الى اولى الامر منهم لعلمه الذين يستنبطونه
 منهم. [نساء / ۸۳]

همین «اولی الامر» را، گاه به عنوان «راسخون در علم» معرفی می‌کند، که علم تأویل قرآن، منحصرأ نزد آنهاست:

و ما يعلم تأويله الا الله و الراسخون فى العلم. [آل عمران / ۷]

و گاه به عنوان «الذین اوتوا العلم» شناسانده، که سینۀ آنان، جایگاه کلام الهی - در کمال وضوح آن - است:

بل هو آيات بينات فى صدور الذين اوتوا العلم. [عنكبوت / ۴۹]

در جایی دیگر، آنان را «اهل البيت» می‌نامد، و عصمت آنان را از هر خطا و لغزشی - به عمد یا سهو - بیان می‌دارد:

انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهيراً.

[احزاب / ۳۳]

شناخت آنان را «حکمت» نام می‌نهد که به هر کس داده شد، «خیر کثیر» به او اعطا شده است:

و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً. [بقره / ۲۶۹]

و این شناخت، معرفت به باطن قرآن است، که عمل به آن را در پی دارد. بدیهی است که «هر چیز به مخالف خود شناخته می‌شود.» و «حکمت الهی» زمانی در بنده حکیم کامل می‌شود که دشمنان خاندان نور را درست بشناسد. و از آن پس، خانه را جز از در وارد نشود. و این، روح ایمان و تقوی است:

و لیس البران تأتوا البیوت من ظهورها ولكن البر من اتقى و اتوا
البیوت من ابوابها. [بقره / ۱۸۹]

آنان، معنی «صراط مستقیم» اند، که هر بار در فاتحه‌الکتاب، تکرار می‌شود:

اهدنا الصراط المستقیم. [حمد / ۶]

و هر راه دیگر به جز این راه، طریقی است که به شیطان می‌رسد:

و انّ هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن

سیله. [انعام / ۱۵۳]

کسی که به «حبل الله» چنگ نزند، و از گرد آن پراکنده شود، و عصیان امر الهی کند:

و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا. [آل عمران / ۱۰۳]

به کجا می‌رسد، جز پیروی گامهای شیطان؟

ادخلوا فی السلم كافة، و لا تتبعوا خطوات الشيطان. [بقره / ۲۰۸]

پس، لازمه اعتصام به رشته محکم الهی، کفر به دشمنان است:

فمن یكفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لا

انفصام لها. [بقره / ۲۵۶]

«نور» با «ظلمت» جمع نمی‌شود. هر که ظلمت را از جان خود دور ساخت،

خود را در معرض نور قرار داد:

و من یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم. [آل عمران / ۱۰۱]

و این فضل و رحمت الهی است، که اگر نصیب انسان گردد، در مسیر پیروی

گام می‌نهد:

ولولا فضل الله علیکم و رحمته لا تبعتم الشيطان الا قليلا. [نساء / ۸۳]

فاما الذین آمنوا بالله و اعتصموا به فسید خلهم فی رحمة منه و فضل

[نساء / ۱۷۵]

در تعبیر دیگر، برهان و نور خداست، که مایه هدایت تمامی مردمان است:

یا ایها الناس قد جاءکم برهان من ربکم و انزلنا الیکم نوراً مبیناً.

[نساء / ۱۷۴]

هرکس در پرتو این نور نیاید، مرده‌ای است میان زندگان:

او من کان میتا فأحییناه و جعلنا له نوراً یمشی به فی الناس کمن مثله
فی الظلمات لیس بخارج منها؟ [انعام / ۱۲۲]

(۲)

اینک؛ قَبسی از این نور بر می‌گیریم و به معرفی کتابی می‌نشینیم که خود مشعلی است روشن فراراه حق‌جویان و حقیقت‌پژوهان.

کتاب «تهذیب الاحکام» اثر جاویدان شیخ‌الطائفه، ابوجعفر محمد بن حسن ابن علی طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ هجری قمری)، در شمار کتابهایی است که تا هماره تاریخ، آموزگار انسانهاست، گرچه قدر نشناسند و از آن کمک نگیرند. شناخت آفاق و ابعاد عظمت این کتابِ نفیس، کاری است فراتر از توان نگارندگان، که داعیه آن هم نیست. کافی است به تلاش‌های عظیم بزرگانی بیندیشیم که عمر پر برکت خود را بر سر این کار نهادند، و خستگی نشناختند، و با این همه، به عجز خود اقرار آوردند.

«تهذیب الاحکام» را شیخ طوسی برای مسند ساختن رسالهٔ مختصر «المُقتنه» نگاشت، که استادش شیخ مفید، در حدّ رسالهٔ عملیهٔ فتوایی نوشته بود. کار طوسی در تهذیب، از این فراتر رفت، و وظیفهٔ تبیین احادیث مورد اختلاف، و وجه جمع بین آنها را به عهده گرفت. و در پرتو این انجام وظیفه، بسیاری از احادیث موجود در کتابهای نفیس آن روزگار را در این مجموعه گردآورد، و برای آیندگان به یادگار گذاشت.

قطره‌ای از دریای عظمت کتاب و مؤلف، در فصل‌های آینده بیان شده است. در اینجا فقط به این نکته اشاره می‌شود که این همه غفلت جامعهٔ فرهنگی ما از

این مواریت گرانقدر پیشینیان، به هیچ روی جای گذشت ندارد. چگونه می‌دانیم در اوج فلک چیست، که ندانیم در خانه‌مان کیست؟ مگر آنکه خانه دل و اندیشه را به بیگانگان سپرده باشیم، که گناهی بزرگتر است.

اگر چنین نبود، راهی که در این وجیزه پیموده شده، کمی هموارتر بود. و این‌گونه موضوع‌ها و روش‌ها به ذهن و فکر جامعه اهل اندیشه - چه دانشگاهی و چه حوزوی - آشنا تر می‌آمد.

اما جای خوشوقتی است - و سپاس ولی‌النعم را - که توفیق برداشتن این گام کوچک نصیب شد، و دریچه‌ای دیگر بر روی اهل تحقیق گشوده گردید، تا بدانیم که چه چیزهایی نمی‌دانیم، و از ساحت عظیم بی‌خبری خود، خبردار شویم، باشد که این آگاهی بسیط، انگیزه تلاش‌هایی جدی گردد، و نتایجی بزرگ به دست آید.

(۳)

در این وجیزه، برآنیم تا منابع شیخ طوسی را که در تألیف «تهذیب الاحکام» از آنها بهره گرفته - باز شناسیم^(۱) غالب این منابع، در قرن چهارم و پنجم در کتابخانه‌های آباد بغداد موجود بوده‌اند، و امروز وجود ندارد.

نگاهی به تهذیب از این منظر، بایی برای بررسی دیگر کتابها و مواریت کهن می‌گشاید، و بازشناسی منابع مفقود را آسان می‌سازد، که اگر گل را نیافتیم، بوی آن را از گلاب بجویم.

روش، حوزه، موضوع، و محدودیت‌های پژوهش در فصل اول بیان شده، و نیازی به تکرار نیست. تاریخ تدوین حدیث و بحثی پیرامون اصول

چهارصدگانه در فصل دوم آمده است.

فصل سوم، به شناخت مختصر کتب اربعه می‌پردازد. و در فصل چهارم، زندگی علمی و آثار شیخ طوسی - در حد فشرده - بررسی می‌شود. فصل پنجم، به آشنایی با کتاب تهذیب الاحکام، انگیزه و روش تألیف، و فهرست کلی آن کتاب - همراه با فهرستی از ملاذالاخیار (شرح علامه محمدباقر مجلسی بر تهذیب) - اختصاص دارد.

نظر به اهمیت کتاب تهذیب در طول حیات علمی - اعتقادی - فقهی شیعه، در فصل ششم، گزیده‌ای از نسخه‌های خطی معتبر تهذیب، از قرن ششم تا چهاردهم (حدود ۲۳۰ نسخه) معرفی شده است، و به همین عنایت، فهرستی از آثار مربوط به تهذیب (شرح، ترجمه، حاشیه، نقد و بررسی رجال یا مشیخه) در فصل هفتم آمده، که مشخصات حدود ۹۰ کتاب ارائه می‌گردد.

فصل هشتم، موضوع اصلی رساله - یعنی پژوهش در منابع و مستندات تهذیب - را به عهده دارد. در اینجا، نام حدود ۱۶۰ کتاب از آثار پیشینیان استخراج شده، که احادیث جلد اول تا پنجم تهذیب، از آن کتابها نقل گردیده است. فصل نهم، معرفی صاحبان آن آثار را متکفل است که حدّ وسطی بین توصیف تاریخی و رجالی از این بزرگان و دانشوران پیشین را به دست می‌دهد. فصل دهم، به نتیجه‌گیری و خلاصه مباحث و بیان ناگفته‌ها و بایسته‌های پژوهشی می‌پردازد.

پس از فصول ده‌گانه، ضmann به ضرورت، افزوده شده است، که برای اهل تحقیق مغتنم خواهد بود.

فهارس فنی نیز پایان‌بخش کتاب است.

چنانکه پیشتر گفته آمد، این موضوع و این‌گونه بررسی، در نوع خود کاملاً ابتکاری و بدیع است. و اولین گام در راهی طولانی و ناهموار به شمار می‌آید. از این‌رو، نگارندگان، هرگونه نقد و بررسی از صاحب‌نظران را به جان می‌پذیرند.

و پیشاپیش، به نقص کار خود اقرار می‌کنند. و امید تکمیل این کار و گامهای بعدی این راه را در آینده دارند.

(۴)

در اینجا از سروران و بزرگانی که در این پژوهش ما را یاری دادند و راهنمایی‌های ارزشمند خود را از ما دریغ نداشتند؛ تشکر و قدردانی می‌نماییم. - استاد محقق جناب آقای علی اکبر غفاری، که با پیشنهاد موضوع و بیان ضرورت و فواید این تحقیق و سرپرستی و نظارت آن، بابت ناگشوده را در وادی تحقیقات اسلامی گشود، که امید است این راه همچنان ادامه یابد.

- استاد علامه محقق، مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید عبدالعزیز طباطبایی یزدی قدس سره، کتابشناس بزرگ و ناشناخته معاصر، که علاوه بر رهنمودهای ارزشمند، نسخ‌گرانهایی از کتابخانه شخصی خود را در اختیار نگارندگان قرار دادند.

- اساتید محترم، آقایان دکتر عباس حرّی و غلامرضا فدایی عراقی که در جهت روشمند کردن یافته‌های این پژوهش، وادی دیگری به عالم تحقیقات کتابداری معرفی کردند.

- آقای عبدالحسن طالعی، که در تدوین مطالب پراکنده، کمک‌های قابل توجهی در این مجموعه نمودند.

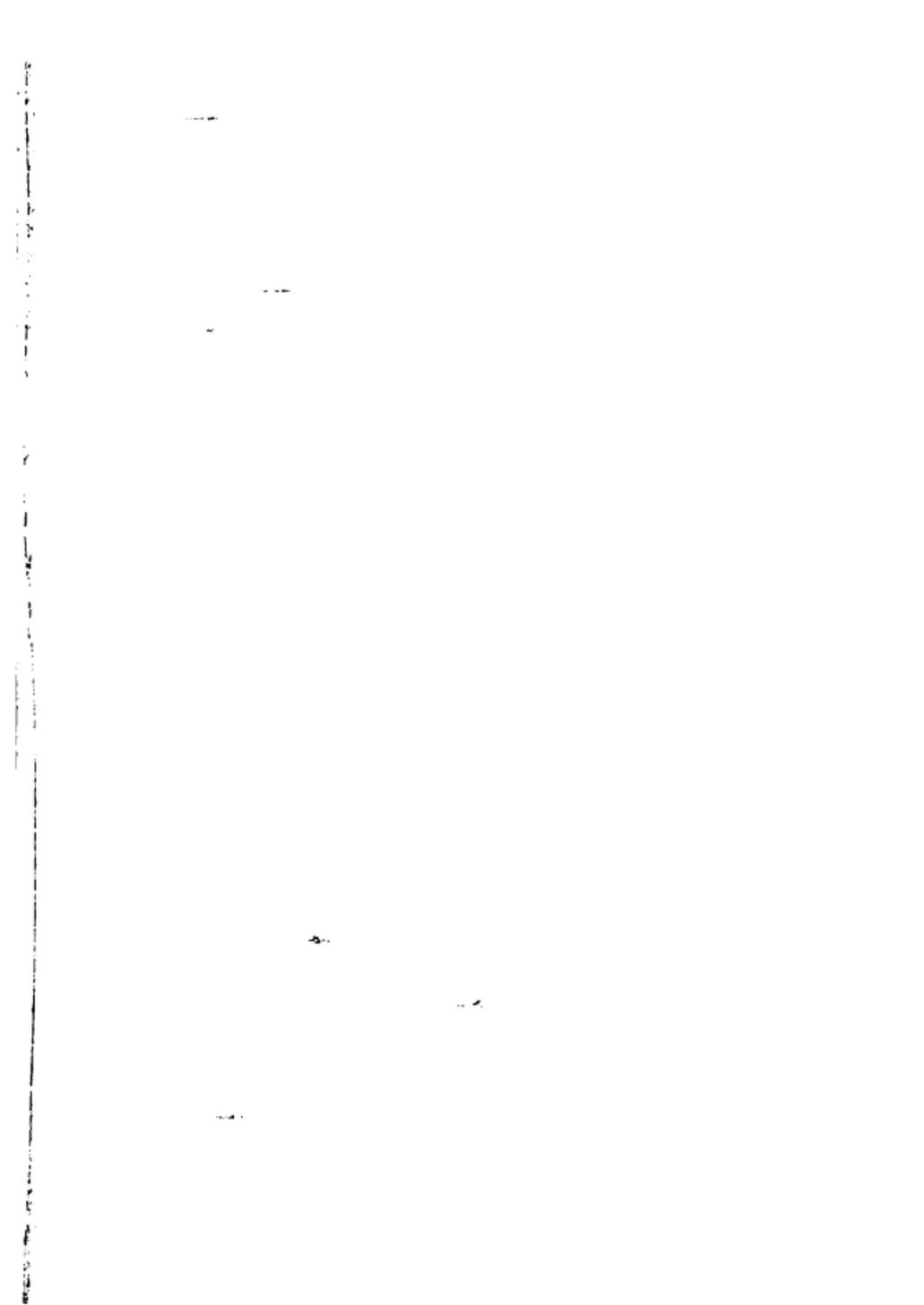
امید است این تلاش، مورد قبول هادی امت، حجّت دهر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گرفته، و تمامی دست‌اندرکاران این مجموعه از دعای خیر حضرتش بهره‌مند گردند.

والسلام علی عبادالله الصالحین

محمدحسین صفاخواه - عبدالحسین طالعی

فصل اول

مشخصات تحقیق



معرفی پژوهش

به دلیل اهمیتی که بررسی‌های استنادی روی متون قدیم در بررسی تاریخ کتابداری شرقی - خصوصاً شیعی - دارد، و برای یافتن امکانات بالقوه تحقیق در زمینه متون شیعی که علیرغم کثرت مراکز پژوهشی، همچنان بدون متولی و بدون مجری باقی مانده است، و به منظور پی‌جویی و پیشنهاد راههای بهتر، پژوهش حاضر در مورد «منابع و مستندات تهذیب الاحکام شیخ طوسی» انجام گرفته که توضیحات مربوط به آن در سطور آینده بیان می‌شود.

این تحقیق، برای یافتن منابع و مستندات احادیث موجود (۷۰۰۷ حدیث) در جلد ۱ تا ۵ تهذیب الاحکام انجام شده است.

نتایج بررسی به صورت فهرست‌هایی عرضه شده که در صدر هر کدام از آنها، نام کتاب موردنظر (منبع کتاب تهذیب) و نام مؤلف آن آمده است. و ذیل این دو، شماره جلد تهذیب الاحکام و شماره‌های احادیث موجود در تهذیب منقول از آن منبع، به ترتیب مجلدات تهذیب آمده است.

اصل پژوهش در فصل هشتم ارائه شده، و فصل نهم، توضیحاتی درباره منابع و مؤلفان آنها دربردارد. فصول دیگر نیز شامل مقدماتی است که بخشی، آشنایی با زمینه اصلی پژوهش را برای افراد مبتدی و متوسط هموار می‌سازد (فصل ۲ تا ۵)

بخشی دیگر، محققان کتاب‌شناس را به کار می‌آید و زمینه‌های پژوهش‌های بعدی را به آنها می‌شناساند (فصل ۶ و ۷). فصل دهم نیز به خلاصه، نتیجه‌گیری، ارائه پیشنهادها و بیان ناگفته‌ها اختصاص دارد.

مورد پژوهش

هدف یافتن منابع و مستندات احادیث کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی (در جلد ۱ تا ۵) است.

سوالات تحقیق

- پژوهش حاضر به این پرسشها پاسخ می‌گوید:
- منابع مورد استفاده شیخ طوسی در تألیف جلد ۱ تا ۵ تهذیب الاحکام چه کتابهایی بوده است؟
- این منابع، به چه زمانهایی تعلق دارد؟
- شیخ طوسی، چه احادیثی را از چه کتابهایی نقل کرده است؟

هدف و فایده تحقیق

این پژوهش، در ساحت‌های مختلف فکری، اهداف و فوایدی در بردارد:

* اول - کتابداری و کتاب‌شناسی:

بخشی از کارهای کتابداری در هر مرز و بوم، شناخت تاریخی سابقه کتابداری در آن دیار است. ایران، پیوندی ناگسستنی با اسلام دارد. و در میان مذاهب مختلف، گرایش به تشیع از دیرباز در این کشور وجود داشته است. همین گرایش، گاهی مرزها را درنور دیده، و تاریخ ایران را به تاریخ کشورهای

همجوار - بویژه عراق که محل استقرار ائمه طاهرین (ع) بوده - پیوند داده است، همان پیوندی که شیخ طوسی را برای ادامه تحصیل علوم دینی از طوس به بغداد و نجف کشانده است. از این رو بررسی تاریخی کتابداری در ایران، مستلزم بررسی تاریخی کتابداری در عالم اسلام - به ویژه شیعه امامیه - است. منابع شیعه نیز، بدلیل سلطه مخالفان و حوادث تلخ روزگار، اکثراً از بین رفته و امروزه در دسترس نیست. نام و نشانی اگر به جا مانده، در پرتو منقولات از آنها در کتابهای دیگر است. برای یافتن این مشخصات، از تهذیب الاحکام می توان کمک گرفت.

※ دوم - تحقیقات اسلامی:

یکی از مبانی مهم در پژوهشهای علوم انسانی عموماً، و علوم اسلامی خصوصاً، بررسی تاریخ تحول و سابقه مطلب به ترتیب زمانی است. لازمه این کار پژوهش در دیدگاهها و تحول آنها است. برای این کار، باید رجال قدیم و کتابهای آنها را شناخت.

※ سوم - فقه و حدیث:

در راه پژوهشهای فقهی و حدیثی، مشکلاتی موجود است، مانند:

۱ - راویان مشترک: چند راوی، مثلاً به نام احمد، یا حتی احمد بن حسن، که هر کدام اشاره به کسی دارند، و به قرینه تمایز می یابند و شناخت منبع اصلی مصنف، از بهترین قرائن است.

۲ - حلقه های مفقوده در اسانید روایات: گاهی در سند یک روایت، نام یک یا چند راوی نیامده. و این کار، یا عمداً - به جهت اختصار و غیر آن - توسط مؤلف کتاب صورت گرفته، و یا سهواً، به دلیل اشتباه کاتبان و مانند آن انجام شده است. این کار، موجب قلت اعتماد به آن حدیث می شود.

کارهایی که در زمینه طبقات روایات انجام شده - خصوصاً سلسله «تجرید

الاسانید» مرحوم آیت الله بروجردی و «معجم رجال الحدیث» آیت الله خوئی - این مشکل را تا حد زیادی حل می‌کند و بخشی از آن نیز در گرو شناخت منابع است.

۳- یافتن احادیث مشترک: حدیثی که فرضاً در کتاب حسین بن سعید آمده، و پس از آن به ترتیب در کافی و در تهذیب نقل شده، گرچه در منابع مختلف بیان شده، ولی عملاً یک حدیث است. مرحوم آیت الله بروجردی در سلسله «جامع احادیث الشیعه» با مشترک یابی، روش جدیدی در روایت حدیث به دست آورد، که امتیازات این روش، در مقدمه همان کتاب بیان شده است. مقدمه این روش، عملاً شناخت منابع است، گرچه در آن کار بیان نشود.

۴- گردآوری مسندهای راویان مختلف: چنانچه در کارهایی مانند «مسند محمد بن قیس البجلی» (تألیف بشیر محمدی مازندرانی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹) و «النور المشتعل من کتاب منازل» (قسمت‌هایی یافته شده از کتاب ابونعیم اصفهانی، تدوین محمدباقر محمودی، چاپ وزارت ارشاد اسلامی) انجام شده است.

تعریف برخی اصطلاحات:

۱- سند حدیث: در علم الحدیث، احادیث به گونه‌های مختلف تقسیم شده‌اند، که تفصیل آن در اینجا مورد بحث ما نیست. تنها به یک تقسیم اشاره می‌شود: حدیث مرسل و مسند.

حدیث مرسل، حدیثی است که بدون ذکر افراد واسطه، کلام مستقیماً از معصوم (ع) نقل می‌شود. اما در حدیث مسند، نام تمام افراد واسطه بیان می‌گردد. بخشی از حدیث که شامل نام این افراد است، «سند» نام دارد.

۲- متن حدیث: متن حدیث شامل بیان معصوم (ع) است که گاهی تماماً بیان

معصوم (پیامبر یا امام) است، و گاهی در ضمن سؤال و جواب با راوی بیان گردیده است.

۳- راوی: اولین کسی است که کلام را از معصوم نقل می‌کند و به دیگران می‌رساند.

۴- مشیخه: در بعضی از کتابهای حدیث، صاحب کتاب، سند خود را تا منبع مکتوب، در تک تک احادیث یاد نمی‌کند. و فقط نام منبع یا صاحب آن را در ابتدای سند حدیث می‌آورد. آنگاه سندهای خود را تا منابع یا مؤلفان آنها در بخشی از کتاب به نام «مشیخه» گرد آورده و بیان می‌دارد. مشیخه تهذیب، مشیخه من لایحضره الفقیه، مشیخه بحارالانوار (که به نام کتاب الاجازات هم نامیده می‌شود)، از نمونه‌های مشیخه در کتب حدیث هستند.

۵- فهرست: کتابهایی که دانشمندان قدیم برای بیان آثار دانشوران قبل از خود و ارزیابی آنها نوشته‌اند. در کتابهای فهرست، کمتر به احوال دانشوران پرداخته‌اند. فهرست ابن ندیم، فهرست شیخ طوسی، فهرست منتجب‌الدین، در میان شیعه، شهرت فراوان دارند.

۶- رجال: سلسله کتابهایی که بیشتر به احوال دانشمندان می‌پردازد تا آثار آنها. رجال کشی، رجال نجاشی، رجال برقی، و رجال شیخ طوسی، نمونه‌هایی از کتب رجال شیعه به شمار می‌آیند.

۷- اصل: برخی از کتابها مستقیماً از زبان معصوم (ع) بیان می‌گردد. نویسنده آن، کسی از معاصران یا اصحاب معصوم است که کلمات معصوم و پاسخ وی به سؤالها را در آن گرد می‌آورد. این گونه کتابها «اصل» نامیده می‌شود. در کتب رجال، بین کتاب و «اصل» تمایزی قائل شده‌اند، که تفصیل آن در جای خود بیان می‌شود.

۸- صاحب کتاب و صاحب اجازه: گاهی فردی که در سند حدیث واقع

شده، خود صاحب منبع نقل حدیث است، و گاهی فقط راوی کتابهای افراد قبل از خود. این تمایز، معمولاً از مشیخه کتاب به دست می‌آید.

روش پژوهش و گردآوری اطلاعات

این پژوهش فرضیه ندارد. پژوهشی توصیفی است و روش تحقیق، روش سندی یا کتابخانه‌ای است. مراحل کار در پژوهش به ترتیب زیر است:

- ۱- سند هر حدیث خوانده می‌شود.
- ۲- شیخ طوسی، در مقدمه تهذیب الاحکام خود تصریح می‌کند که اولین کسی که نام او در صدر سند حدیث آمده، یا صاحب کتاب است یا صاحب اجازه.
- ۳- برای یافتن نامی که در صدر سند آمده، به مشیخه تهذیب مراجعه می‌شود. مثلاً:

یکی از عبارات شیخ به این صورت بیان شده است:

«ما ذکرته عن علی بن الحسن الطاطری، فقد اخبرنی به احمد بن عبدون، عن علی بن محمد بن الزبیر، عن ابی الملک احمد بن عمرو بن کیسبة، عن علی بن الحسن الطاطری.»

این عبارت نشان می‌دهد که اگر «علی بن الحسن الطاطری» در صدر سند ذکر شود، حدیث از کتاب طاطری نقل شده، و اگر نام احمد بن عبدون در صدر سند باشد، و سند به طاطری برسد، باید منبع را کتاب طاطری بدانیم. چنانکه از هر دو مورد، نمونه دیده شد.

- ۴- اینک می‌خواهیم بدانیم که حدیث مورد نظر، فی‌المثل از کدام کتاب طاطری نقل شده است. برای این کار دو منبع در اختیار داریم:
- اول - متن حدیث، که موضوع حدیث را معین می‌کند.

دوم - مراجعه به کتاب فهرست شیخ طوسی، که اسامی منابع کتاب تهذیب، تفصیلاً در آنجا مذکور است، به این قرینه که خود شیخ در آخر مشیخه می‌گوید:

«قد اوردت جملاً من الطرق الی هذه المصنفات و الاصول. و لتفصیل ذلك شرح يطول و هو مذکور فی الفهارس المصنفه فی هذا الباب للشیوخ رحمهم الله، من اراده اخذه من هناك ان شاء الله. و قد ذکرنا نحن مستوفی فی کتاب فهرست الشیعه»

از سوی دیگر می‌بینیم که در کتاب فهرست برای بعضی از دانشمندان صاحب کتاب، کتابهای مختلفی ذکر می‌کند و می‌گوید: «اخبرنا بجمع کتبه ...» یعنی این کتابها، به طریق روایت - با این سند - به دست من رسیده است.

اگر حسین بن سعید اهوازی، کتابی به نام «کتاب الوضوء» داشته، و از سوی دیگر، نام حسین بن سعید در صدر احادیث مربوط به وضوء از تهذیب الاحکام باشد، می‌توان با احتمال قریب به یقین گفت: منبع این احادیث، «کتاب الوضوء» تألیف حسین بن سعید است.

۵- همین کتاب فهرست، خود قرینه‌ای است که میان دانشمندان صاحب کتاب و صاحب اجازه تمایز می‌دهد. کسانی که در کتاب فهرست، نامی از آنان نیست، تنها صاحب اجازه‌اند، یعنی عمر خود را به تدریس کتاب دیگران گذراندند، و خود کتابی ننوشتند، یا نوشته‌اند و به دست شیخ طوسی نرسیده است. نمونه ایشان، احمد بن محمد بن حسن بن ولید و احمد بن عبدون است، که اولی عمدتاً راوی کتابهای پدرش محمد بن حسن بن ولید است، و دومی راوی کتابهای چهارده تن از بزرگان قبل از خود، که از مشیخه و فهرست به دست می‌آید.

۶- در مواردی بسیار معدود، شیخ طوسی، منبع خود را در متن کتاب ذکر کرده، مانند «الصیام» ابن ربیع و «المشیخه» حسن بن محبوب، یا در مشیخه نام

برده مانند «النوادر» احمد بن محمد بن عیسی اشعری.

۷- مرحله بعد، شناخت منبع است. منابع ما چهار گروه‌اند:

اول - آنان که با بررسی متن حدیث، می‌توان گفت که از چه کتابی است (که نمونه‌ای از آن در بند ۴ بیان شد).

دوم - آنان که کتاب جامع یا کتاب نوادر دارند، یا کتابی با نام دیگر، که از توصیف آن، جامعیت آن در تمام ابواب فقهی برمی‌آید.

سوم - آنان که تنها یک کتاب از آنان را شیخ طوسی روایت کرده، و آن کتاب نام خاصی ندارد.

چهارم - در مواردی، دانشمندی چندین کتاب نوشته، و این چند کتاب را در مجموعه‌ای به نامی دیگر گرد آورده است. نمونه موجود از این کتابها، کافی کلینی و محاسن برقی است، که عنوان کتاب گاهی بر مجموع اطلاق می‌شود، و گاهی بر ابواب جداگانه.

۸- در مواردی شیخ طوسی، خود نام کتابهای صاحب کتاب را ذکر نمی‌کند. فقط چنین می‌گوید که او کتابهایی دارد مثلاً:

در معرفی محمد بن حسن صفار می‌نویسد:

«محمد بن حسن الصفار، قمی. له کتب مثل کتب الحسین بن سعید، و زیادة کتاب بصائر الدرجات و غیره، و له مسائل کتب بها الی ابی محمد الحسن بن علی العسکری (ع)، اخبرنا بجمع کتبه و روایاته ابن ابی جید عن ابن الولید عنه...».

در معرفی همین شخص در رجال نجاشی، حدود ۳۵ کتاب از او نام می‌برد، که تمام آنها را روایت کرده، و طریق روایتی او به عینه طریق روایتی شیخ طوسی است. در حالی که می‌دانیم، نجاشی و طوسی معاصر بوده، و هر دو در

بغداد می زیسته‌اند. پس می توان گفت آنجا که طوسی گفته «جمع کتبه و روایاته»، کلام او را می توان با تفصیل نجاشی تفسیر کرد. قبلاً نیز در کلام طوسی دیدیم که به «فهارس مصنفه در این باب توسط شیوخ» ارجاع داده است. به همین دلیل، گاهی نام کتاب، از روی رجال نجاشی به دست آمده است. باید افزود که رجال نجاشی بر خلاف نام خود، علاوه بر رجال، کتاب فهرست هم هست.

محدودیت‌های تحقیق

۱- نخستین و مهمترین محدودیت این تحقیق، فقدان غالب منابع کتاب است. در میان منابع، فقط کافی کلینی، قسمت‌هایی از نوادر اشعری، تفسیر قمی، مسائل علی بن جعفر علیه السلام، و چند کتاب دیگر یافتیم که احادیث تهذیب با آن انطباق داشت.

در سایر موارد، یافته‌های ما قرین احتمال است، گرچه احتمال بالای ۹۰٪ باشد.

۲- در تعیین راویان مشترک، اعتماد اصلی ما بر کتاب «معجم رجال الحدیث» مرحوم آیت الله خوئی بود، که خود، علاوه بر نظر به کلام علمای رجال قبل، به متن احادیث در کتب اربعه بیشترین تکیه را داشته است. و می دانیم که منابع کتب اربعه، تا حد زیادی با هم مشترک بوده‌اند. با این همه، نظرات آن فقید سعید، یافته‌های علمی است و نمی توان با قطع و یقین از آنها سخن گفت.

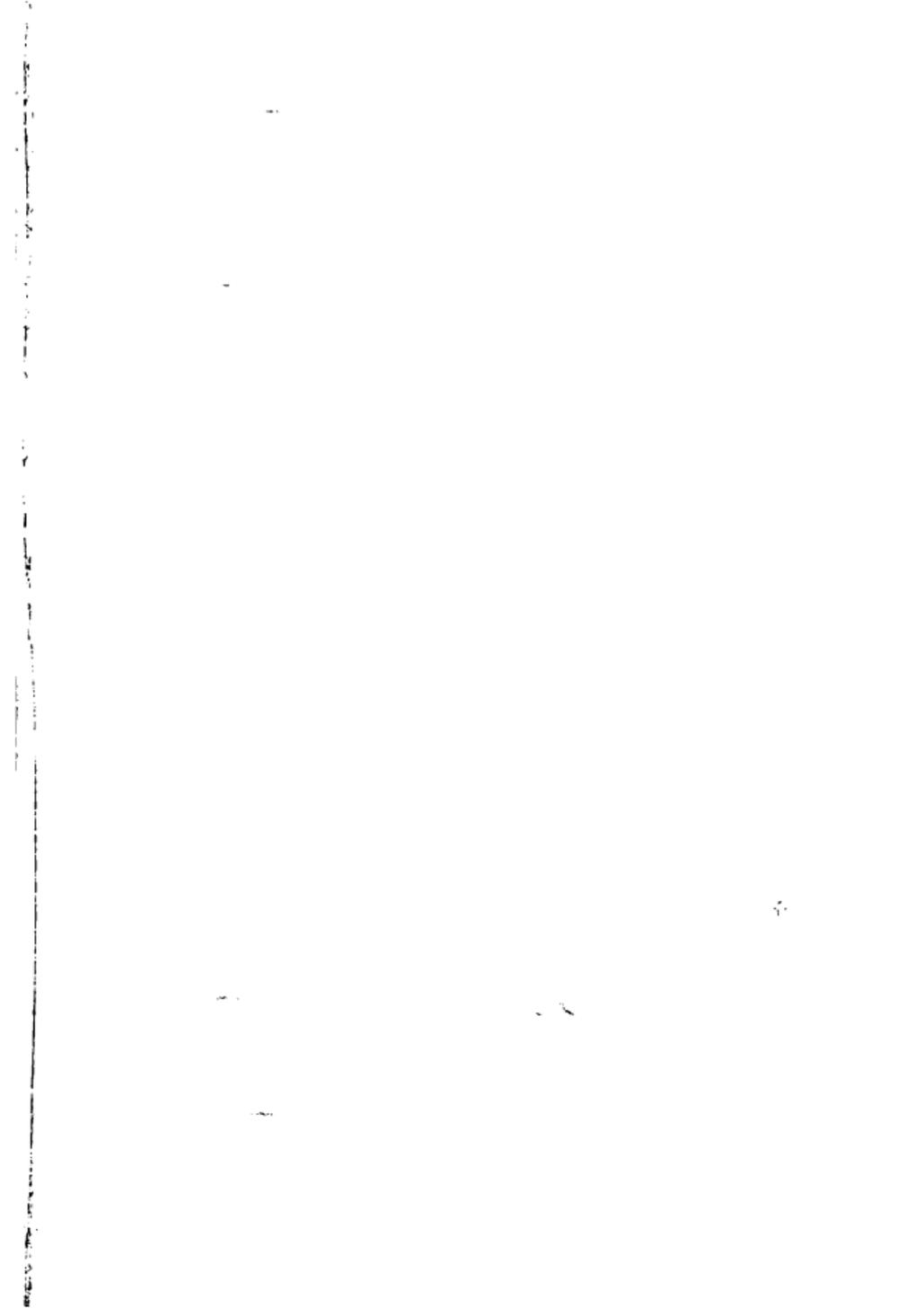
۳- نبودن موضوع تحقیق، چه در دانشگاه و چه در حوزه.

۴- فقدان فرصت و فراغت کافی برای عرضه کاری ایده‌آل و مطلوب. هرچند همین گام اول، نسبت به بسیاری از کارهای تحقیقاتی امروزه دانشگاهها، کاری پیشرفته به حساب می آید. اما اهمیت موضوع، فراغتی بیشتر نیاز داشت، که امید است در آینده به دست آید.

- ۵- فقدان نسخه‌های تصحیح شده از مصادر و مآخذ رساله.
- ۶- تعدادی معدود احادیث مرسل، که در تهذیب هست و البته در استنباط احکام اثری ندارد، ولی در این پژوهش به شمار نیامد، به این ترتیب:
- جلد اول، احادیث ۶۴۳، ۹۵۲، ۹۵۳. و جلد دوم، احادیث ۵۱۸ تا ۵۲۰.
- همچنین احادیث زیر از ابن زبیر روایت شده‌اند که نام صاحب کتاب را نیافتیم:
- جلد ۱/ ح ۲۸۸، ۸۵۲، ۸۸۳، ۸۹۲، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۹۴، ۱۴۰۳، ۱۴۰۵، ۱۵۰۶
- جلد ۲/ ح ۱۰۶۸، ۱۲۳۸، ۱۵۶۶.

فصل دوم

تاریخ تدوین حدیث



روزگاری بود که شمارهٔ کسانی که قدرت خواندن داشتند، در سراسر حجاز اندک بود. و شمارهٔ آنان که بر نوشتن توانا بودند، کمتر.

در روزگاری که غالب عهد و پیمانها در بایگانی حافظه نگهداری می‌شد، و کمتر اثری از نوشتن پیمانها بود، قرآن از مردم خواست تا تمام موارد دین و وام را بنویسند، و بر این نوشته شاهد بگیرند.

پیش از بیان روایات نبوی در امر به نگارش حدیث، تذکر این نکته ضروری است که در سوادآموزی قدیم - و حتی تا قرن گذشته - سواد نوشتن، مقوله‌ای بود علاوه بر سواد خواندن. کم نبودند کسانی که فقط سواد خواندن داشتند و قادر بر نوشتن نبودند، حتی در میان بزرگان. در این فضا، تأکید رسول امین بر نگارش حدیث، از اهمیت اصل نگارش حکایت می‌کند.

اینک به چند روایت بنگرید که چگونه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌بر نگارش، به ویژه نگارش حدیث، امر و تأکید می‌فرماید.^(۱)

۱- این احادیث، به عنایتی خاص، فقط از متون اهل سنت انتخاب شد. علت این

- ۱- رسول خدا فرمود: «علم را به قید و بند بکشید». گفتم: چگونه؟ فرمود: با نوشتن. (۱)
- ۲- شخصی از کمبود حافظه‌اش به پیامبر شکایت برد. فرمودند: «از دست راست خود برای حافظه‌ات کمک بگیر»، یعنی بنویس. (۲)
- ۳- فدیة اسیران بدر را پرداخت چهار هزار دینار یا تعلیم خطّ قرار داد. (۳)
- ۴- عبدالله بن عمر گفت: من هر چیز را که از پیامبر می‌شنیدم و می‌خواستم حفظ کنم، می‌نوشتم. قریش مرا از این کار بازداشتند و گفتند: نیازی به نوشتن همه گفته‌های پیامبر نیست، چه، او انسانی است که در حال رضا و غضب سخن می‌گوید!
- من، دست از نوشتن کشیدم. و آن سخن را به پیامبر یادآور شدم. فرمود: «بنویس. قسم به آن کسی که جان من به دست اوست، از این - اشاره به دهان خود - جز حقّ بیرون نیاید». (۴)
- ۵- رافع بن خدیج گفت: از رسول خدا پرسیدم: آیا آنچه را از شما می‌شنویم، بنویسیم؟ فرمود: بنویسید، باکی نیست. (۵)
- ۶- در موردی دیگر فرمود: «این علم را بنویسید، که شما از آن سود می‌برید،



مطلب در سطور آینده مشخص می‌گردد.

۱- تقیید العلم / ۶۹، خطیب بغدادی.

۲- همان / ۶۵.

۳- طبقات کبری ۲/ ۲۲.

۴- مسند احمد حنبل ۲/ ۱۶۲، مستدرک حاکم ۱/ ۱۵ - ۱۶.

۵- محاسن الاطلاع / ۳۰۰.

در دنیا یا در آخرت خود. و علم، صاحب خود را ضایع نمی‌سازد.»^(۱)
در موارد یاد شده، خوف نسیان و تغییر و تصحیف و تحریف بود. اما در جایی که چنین احتمالی هم نمی‌رفت، امر پیامبر به کتاب حدیث، بسیار گویا و جالب است. رسول امین، پس از تعلیم علوم خود به امیرالمؤمنین، او را به نوشتن آن مطالب امر فرمود.

پیامبر فرمود: «ای علی، آنچه بر تو املاء می‌کنم، بنویس.»

گفتم: ای رسول خدا، آیا از فراموشی من می‌ترسی؟

فرمود: نه. از خدای عزوجل خواستم تا تو را حافظ قرار دهد. اما (بنویس)

برای شریکان تو، یعنی امامان از فرزندان تو...^(۲)

پیش از ادامه کلام، بهتر است مختصری از منع تدوین حدیث سخن گوئیم.

منع تدوین حدیث

پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، پس از عمری جهاد در راه تبلیغ دین خدا، به عالم بقا شتافت. و ابوبکر به عنوان «خلیفه رسول الله» به مردم معرفی شد. علل این معرفی چه بود؟ و نصوص متواتر پیامبر بر امامت و خلافت علی علیه السلام چگونه توجیه شد؟ مقالی است که در این مجال ننگند.
یکی از کارهایی که در نخستین روزهای خلافت ابوبکر انجام شد، در نقل

۱- کنز العمال ۱۰/۱۵۷.

این احادیث، متخیی از احادیثی هستند که سید محمدرضا جلالی در کتاب تدوین السنة الشریفة / ۸۷- ۱۰۵ آورده، و به ۴۳ حدیث می‌رسد.

۲- الامامة والتبصرة / ۱۸۳، بصائر الدرجات / ۱۶۷، کمال الدین / ۲۰۶، امالی صدوق / ۳۲۷.

تفصیل این سخن، در آینده خواهد آمد.

تاریخی زیر بیان شده است:

«ابوبکر، مردم را گرد آورد. و گفت: شما از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله احادیثی گرد آورده‌اید. من به شما می‌گویم: از رسول خدا سخن نقل نکنید. هر کس از شما پرسید، بگوید: میان ما و شما، کتاب خدا حَکَم است، حلال آن را حلال بدانید و حرامش را حرام بشمارید.»^(۱)

منع از نقل حدیث، منع از کتابت حدیث را نیز در پی داشت.

او، خود، قبل از همه به این دستور عمل کرد. و روزی پانصد حدیث را که در اوراقی نوشته بود، از دخترش عایشه خواست. و صبح فردا، آنها را آتش زد.^(۲) این دستور، سرمنشأ دستورات دیگر شد، که تا سال ۱۰۰ هجری و فرمان عمر بن عبدالعزیز به تدوین و نگارش احادیث ادامه داشت.

و رسول خدا، به وحی الهی، چه زیبا از این حوادث خبر داده بود:

«نزدیک است که مردی، بر اریکه خود تکیه دهد، و آنگاه که سخنی از سخنان مرا بشنود، بگوید: «بین ما و شما کتاب خدای عزوجل حکم است. هر چه در قرآن، حلال و حرام یافتیم، به همانها عمل می‌کنیم» آگاه باشید که هر چه رسول خدا حرام اعلام کند، مانند احکامی است که خدا حرام داشته است.»^(۳)

در روایت ابن حزم آمده که پیامبر فرمود:

«کسی که بر اریکه تکیه زده، گمان می‌کند که خدای تعالی چیزی را حرام نداشته مگر آنچه در قرآن است. آگاه باشید که من، امر و موعظه و نهی می‌کنم در

۱- تذکره الحفاظ ذهبی ۳/۱، تدوین السنة / ۲۶۵.

۲- تدوین السنة / ۲۶۴.

۳- برای مدارک فراوان این کلام نبوی، با الفاظ و اسانید مختلف آن، بنگرید:

تدوین السنة / ۳۵۲-۳۵۹.

کارهایی، که (این امر و نهی و موعظه) مثل قرآن است». و بیهقی، این پیشگویی رسول خدا را از بزرگترین دلایل پیامبری حضرتش می‌داند. (۱)

اینک، «تکیه‌زندگان بر اریکه» پیش آمده‌اند، تا میان کلام الهی و سنت نبوی فرق گذارند.

پس از ابوبکر، عمر بن خطاب به خلافت رسید. وی در مورد نوشتن احادیث، از اصحاب نظر خواست، آنان نظر مثبت دادند. اما در مقابل رأی آنان، عمر گفت: «من، کتاب خدا را هیچگاه با کلامی دیگر در نمی‌آمیزم» (۲) و آنگاه به تمام شهرها حکم کرد: «هرکس چیزی از سنت پیامبر در اختیار دارد، باید محو کند» (۳) به نقل دیگر: امر کرد تا همه نوشته‌های حدیث را آوردند. سپس آنان را در آتش سوزانید. (۴) برخی نیز خود، کتابهایشان را به آب شستند، یا وصیت کردند که با آنان دفن شود. (۵)

این همه، در برابر اوامر صریح رسول خدا به نوشتن حدیث بود، علاوه بر حکم عقل، که کلام بزرگان را بزرگ می‌دارد. و چه زیبا گفت ابن عباس:

«اراهم سیهلکون. اقول: قال النبی صلی الله علیه و آله، و یقول: نهی ابوبکر و عمر.»

۱- مدرک قبل.

۲- تدوین السنة / ۲۷۲.

۳- همان / ۲۷۳.

۴- همان / ۲۷۴.

۵- همان / ۲۷۸.

«من می بینم که این مردم هلاک می شوند، چرا که من می گویم: پیامبر چنین فرموده. اما اینان می گویند: ابوبکر و عمر نهی کرده اند!»^(۱)

خلفای بعد - تا زمان عمر بن عبدالعزیز - همه، به مجوز دستورات سلیقه‌ای خلیفه اول و دوم، تدوین حدیث را منع کردند.^(۲) جالب‌تر از آن، عمل محدثانی است که به نفع اینان حدیث ساختند، و بیانات فقیهانی که عذر بدتر از گناه آورده و کار گذشتگان را توجیه کرده و می‌کنند.^(۳)

منع تدوین، آثاری در پی داشت، از جمله:

۱- فقدان برخی از احادیث

قبلاً دیدیم که ابوبکر، ۵۰۰ حدیث از نوشته‌های خود را سوزانده بود. آنچه اکنون در کتب اهل سنت از احادیث وی موجود است، تنها به ۱۴۲ حدیث می‌رسد.^(۴) بقیه این احادیث، تلف شده است.

یزید بن هارون گفت: از یحیی بن سعید، سه هزار حدیث شنیدم که در اثر بیماری، نیمی از آن را فراموش کردم.^(۵)

- ۱- مسند احمد ۴۸/۵ ح ۳۱۲۱، به نقل: تدوین السنة / ۲۸۲.
- ۲- چنانکه عثمان اعلام کرد: هیچ کس مجاز نیست حدیثی از رسول خدا روایت کند که، در زمان ابوبکر و عمر شنیده نشده است. (تدوین السنة / ۴۷۲، مقدمه معجم ۲۱/۱). و معاویه از روایت تمام احادیث نبوی نهی کرده بود، مگر آنچه در زمان عمر بوده، و عمر بر آن صحه گذارده است. (تدوین السنة / ۴۷۳ - ۴۷۶)
- ۳- در مورد این توجیحات و جواب آنها، بنگرید: تدوین السنة / ۲۸۷ - ۴۰۸، مقدمه معجم بحار الانوار ۲۰/۱ - ۲۴.
- ۴- تاریخ الخلفاء / ۶۶.
- ۵- مقدمه معجم بحار ۲۱/۱.

۲ - پیدایش زمینه برای جعل حدیث

جعل حدیث، از زمان پیامبر آغاز شده بود، تا آنجا که حضرتش بر فراز منبر فرمود:

«ای مردم، دروغگویان بر من زیاد شده‌اند. هرکس بر من عمداً دروغ ببندد، جایگاه خود را در آتش آماده سازد.»^(۱)

آنگاه که در زمان حیات پیامبر، بر حضرتش دروغ ببندند، پس از طی دوره منع صد سال - یک قرن سکوت از کلمات نبوی و فاصله گرفتن مردم از روح بیانات وحی - چگونه راه برای جعل احادیث باز خواهد شد.

فراموش نشود که مدتی مدید و سرنوشت‌ساز از این دوره، به سلطه معاویه اختصاص داشت که صریحاً دستور جعل حدیث در فضائل خلفا داده بود.^(۲)

ابن قتیبه گوید: «راویان، یاد علی علیه‌السلام را به اهمال سپردند، و در مقابل، به جمع فضائل برای عمرو عاص و معاویه پرداختند.»

عبدالله فرزند احمد حنبل گوید: «از پدرم پرسیدم: درباره علی و معاویه چه می‌گویید؟ احمد، لختی اندیشید و سپس گفت: علی، دشمنان زیادی داشت، که عیبی در وجود او جستند و نیافتند. در نتیجه به دشمن او پناه بردند، و فقط برای دشمنی با او به مدح دشمن پرداختند.»^(۳)

ابن اثیر گوید: «حجاج بن یوسف ثقفی، دست جابر بن عبدالله انصاری و گردن سهل بن سعد ساعدی و انس بن مالک - خادم پیامبر - را برای ذلیل کردن

۱- این حدیث، از احادیث متواتره در نظر فریقین است.

۲- شرح نهج البلاغه (ابن ابی‌الحدید) ۴۴/۱۱ - ۴۶.

۳- تدوین السنة / ۴۹۸ - ۴۹۹.

آنان بسته، و امر کرد که مردم از آنان دوری گزینند و حدیث از آنان نشنوند»^(۱) چرا چنین نکند؟ مگر پیش از او عمر، ابن مسعود و ابو درداء و ابو مسعود انصاری را به جرم نقل حدیث از پیامبر زندانی نکرده بود؟^(۲) و مگر عثمان، ابوذر را به همین جرم، تبعید نکرده بود؟ و معاویه دستور نداده بود که هیچکس با ابوذر مجالست نکند؟^(۳) و مگر حجر بن عدی و یارانش در زمان معاویه کشته نشدند؟ و رشید هجری و میثم تمار به همین جرم بر بالای دار نرفتند؟ کنار رفتن اینان از میدان، یعنی راه یافتن جاعلان به وادی حدیث. و شد آنچه شد.

۳ - نشر اسرائیلیات

همزمان با محدودیت فرزندان، نوادگان و اصحاب پیامبر در بیان حدیث، زمینه فعالیت دانشمندان یهود و نصاری - یا به نام تازه مسلمانان و یا به نام اهل کتاب - گسترش یافت.

قصه خوانان (= قضاصون) اجازه یافتند روزهای جمعه، در مسجد برای مردم، قصه‌ها گویند، و این قصه‌ها غالباً از روی تورات و انجیل تحریف شده یا کتب ایرانی و هندی و یونانی قبل از اسلام بود. در نتیجه فرهنگ غیراسلامی به ذهن و اندیشه مسلمانان راه یافت، و رنگ اسلام به خود گرفت.

در همان زمان که عمر، کتابهای حدیث ابن مسعود را می‌سوزاند، تفسیر آیات را از کعب الاحبار می‌پرسید که در زمان خلافت خلیفه دوم اسلام آورده و

۱- اسد الغابة ۲/۴۷۲، شرح حال سهل ساعدی.

۲- معالم المدرستین ۲/۴۵ - ۴۶.

۳- همان / ۴۷.

از یمن به مدینه آمده بود.^(۱) و قصه‌های وهب بن منبه، مأخذ اصلی در تاریخ انبیاء معرفی شد.^(۲) تمیم داری، راهب نصرانی بود که همزمان با غزوه تبوک به مدینه آمد. و به دلیل اتهام سرقتی که برایش قطعی شد، اظهار اسلام کرد تا مال دنیا را از دست ندهد! وی نیز از دانشمندان مهم زمان خلفا شد.^(۳) این نفوذ اهل کتاب تا آنجا رسید که سرجون رومی از مشاوران مخصوص معاویه، و غیاث اخلط، شاعر مخصوص او گردید.^(۴) و اینان، از هر فرصتی برای بیان افکار خود تحت پوشش اسلام بهره می‌گرفتند.^(۵)

۴- تحریف دین

بیان و کتابت حدیث پیامبر ممنوع شد، راه برای افکار بیگانه باز شد، و دهان مفسران حقیقی دین را بستند. در نتیجه، اسلام، تنها در «لشکرکشی» خلاصه شد، در فتوحاتی که به دست افراد ناآشنا به دین انجام می‌شد، جیب خلیفه را پر می‌کرد و مردم را از دین دور می‌ساخت.

۱- مقدمه معجم بحار ۱/ ۲۶- ۲۷.

۲- شیخ صدوق، اظهار تعجب می‌کند از جماعتی که اخبار وارده از ناحیه وهب و کعب الاحبار را می‌پذیرند، اما سخن پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام را در اخبارهای غیبی قبول ندارند. بنگرید: بحار الانوار ۲۰۱/ ۵۲

علامه مجلسی نیز پس از بیان بعضی از مطالب که سند آن به وهب می‌رسد، می‌نویسد: به قصه‌های نقل شده از وهب، اعتمادی نیست. بحار الانوار ۱۴/ ۳۷۰. مشابه این سخن را شیخ عباس قمی نیز گفته است: سفینه البحار ۲/ ۶۹۳.

۳- معالم المدرستین ۲/ ۴۸.

۴- همان / ۵۰.

۵- بنگرید به: قصه خوانان. / رسول جعفریان. قم: حاذق، ۱۳۷۲.

کار به آنجا رسید، که مورخان اهل سنت از حسن بصری نقل کردند: «اگر اصحاب پیامبر سر از گور بردارند، تنها قبله شما را خواهند شناخت.»^(۱) و ابن عباس می‌گفت: «خدایا اینان را لعنت کن، که از دشمنی علی، سنت پیامبر را رها کردند.»^(۲)

در این زمینه، سخن فراوان است. اما تلاشهای فراوان سلمان در صدر اسلام قابل ذکر است: سلمان در میان مردم بود، که عمدتاً در مسجد گرد هم می‌آمدند. هرگاه گروهی برای تحقیق در مورد اسلام به مدینه می‌آمد، طبعاً به مسئولان رسمی حکومت خلفا معرفی می‌شد، که نظرات آنان در عقاید، مورد قبول عقل نبود. لذا به اسلام بدبین می‌شدند و برمی‌گشتند. در این هنگام، سلمان، اینان را به باب مدینه علم نبوی، علی بن ابیطالب علیه‌السلام هدایت می‌کرد، و نزد اسلام خانه‌نشین می‌برد. و غالب اینان با بیانات علوی، اسلام آوردند، که صفحات تاریخ بر این معنی گواه است.^(۳)

۱- مقدمه معجم ۱/۲۷ نقل از: جامع بیان العلم ۲/۶۱.

۲- همان، به نقل از تعلیقه سندی بر سنن نسائی ۵/۲۵۳.

۳- بنگرید: نفس الرحمان فی فضائل سلمان / محدث ثوری.

سلیم بن قیس هلالی می‌گوید: به امیرالمؤمنین علیه‌السلام گفتم: من در تفسیر قرآن و احادیث نبوی، از سلمان و مقداد و ابوذر چیزهایی می‌شنوم برخلاف آنچه نزد مردم است. پس تصدیق مطالب آنها را از شما می‌شنوم. و می‌بینم مردم در تفسیر و حدیث مطالبی دارند که شما با آنها مخالفت می‌کنید، و می‌پندارید که تمام سخنان آنها باطل است. آیا به نظر شما مردم عمداً بر رسول خدا دروغ می‌بندند، و قرآن را به رأی خود تفسیر می‌کنند؟

پاسخ مفصل امام علیه‌السلام به سلیم شنیدنی و خواندنی است، که در کتب

دین تحریف شده، همان است که هنوز در صحاح و مجامیع اهل سنت - در اصول و فروع دین - می‌توان دید. (۱)

۵- اختلاف در دین

در کلام بلندی که از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام رسیده، منشأ اختلاف را جهل دانسته‌اند:

«لوسکت من لایعلم، سقط الاختلاف» (۲)

این حکم عقل سلیم است که: اختلاف از علم ناقص برمی‌خیزد، یعنی جهل. دین خدا، چون هدیه خدا به مردم است، و صف آن تنها از عهده حجت‌های خدا برمی‌آید. و حجت‌های خدا را جز خودش نمی‌شناسد و نمی‌شناساند. آنگاه که حجت خدا ساکت باشد، و جاهلان سخن گویند، پیل در خانه تاریک می‌رود، و هرکس به قدر فهم خود درباره‌اش سخنی می‌گوید، و اختلاف پدید می‌آید.



حدیث آمده است، از جمله کافی ۲/۶۲، خصال صدوق ۲۵۵ - ۲۵۷، نهج البلاغه / خطبه ۲۱۰، الامتاع و المؤانسة ۳/۱۹۷، اربعین شیخ بهایی / ۹۸.

۱- بنگرید: سیری در صحیحین / محمد صادق نجمی.

نقش ائمه در احیاء دین / سید مرتضی عسکری.

همراه با راستگویان / سید محمد تیجانی ترجمه محمد جواد مهری.

از آگاهان پرسید / همان. نویسنده و مترجم.

اهل سنت واقعی / همان. نویسنده و مترجم.

۲- روایت از امیرالمؤمنین علیه‌السلام است:

کنزالفوائد / ۱۴۷، و مشابه این مضمون در کلام امام جواد علیه‌السلام: نوسکت الجاهل

ماختلف الناس - بحارالانوار ۷۸/۸۱، «الامام الجواد من المهدی الی اللحد» / ۳۷۳.

ابوالعباس حنبلی گفته است:

«سبب اختلاف میان علماء، تعارض روایات و نصوص است. و به نظر بعضی، منشأ آن عمر بن خطاب است که صحابه از او برای تدوین سنت نبوی اجازه خواستند، اما او آنان را منع کرد، با اینکه پیامبر فرموده بود: «علم را با نوشتن به بند بکشید.» اگر عمر به صحابه اجازه می‌داد که هر کدام، هرچه از پیامبر شنیده بنویسد، سنت به طور منظم تدوین می‌شد، و این همه اختلاف پدید نمی‌آمد.»^(۱)

عذر بدتر از گناه، تأویل حدیث «اختلاف امتی رحمة» در جهت توجیه اختلاف دینی است.^(۲)

عبدالمؤمن انصاری به امام صادق علیه السلام گفت: اگر اختلاف امت رحمت باشد، اجتماع آنها عذاب است؟ امام علیه السلام در پاسخ، «اختلاف» را به معنی «رفت و آمد مردم نزد رسول خدا و یاد گرفتن احکام از حضرتش، و یاد دادن آنها به دیگران» بیان کرد و فرمود: «مراد، اختلاف (رفت و آمد) آنها در شهرها (به این منظور) است، نه اختلاف در دین خدا، چرا که دین یکی است.»^(۳)

توضیح یک نکته در اینجا ضروری است، که برخلاف نظر بعضی متأخرین، اختلاف در لفظ، حدیث را از حجیت ساقط نمی‌کند. صاحب نظران علم حدیث، در این زمینه و در مورد نقل به معنی، سخنانی گفته‌اند، که طالبان باید به منابع مراجعه کنند.^(۴)

۱- مقدمه معجم بحار ۲۸/۱، نقل از: تاریخ علماء بغداد / ۵۹ و منابع دیگر.

۲- بعضی از دانشمندان اهل سنت، کتابهای خود در فقه تطبیقی را بر همین اساس نام گذاشته‌اند.

۳- معانی الاخبار / ۱۵۷. «اختلاف» به معنی رفت و آمد، در قرآن و ادبیات عرب، مکرراً به کار رفته است.

۴- بنگرید: تدوین السنة الشریفة / ۵۰۴-۵۲۸.

۶- قبول «قیاس» به عنوان اصل

«قیاس»^(۱) در جایی پیش می‌آید که «نصّ شرعی» در میان نباشد. و اگر باشد، نیازی به این ابزارها پیش نمی‌آید، چنانکه در مناظرات مختلف امام صادق و امام کاظم علیهما السلام با ابوحنیفه، بر این مطلب تأکید شده که: دین، با قیاس، نابود می‌شود. و در یکی از این مناظرات، امام کاظم علیه السلام به ابوحنیفه فرمود:

«انتم تلعبون بالدین»؛ یعنی شما با دین بازی می‌کنید.^(۲)

فقدان یا کمبود نصّ شرعی، نتیجه مع تدوین حدیث است.

۷- نادانی نسبت به دین

کار جهل نسبت به دین، به اینجا کشید که چند سال پس از پیامبر، عمر، مسئله شک در نماز را ندانست، و از حاضران پرسید: کدام یک از شما به یاد دارد که پیغمبر چگونه در شک نماز عمل می‌کرد؟^(۳)

مراجعات مکرر خلفای سه گانه، بنی‌امیه و بنی‌عباس به ائمه طاهرين عليهم السلام در تمام زمینه‌های اعتقادی، فقهی، تاریخی و حل مشکلات دیگر، جهل نخبگان امت را نشان می‌دهد، و به تبع آن، جهل امت.

این همان امت است که روزی به امر یزید اموی در برابر فرزند پیامبر در کربلا صف کشید. و صدها سال بعد، دانشمندان این امت، گفتند: «اجتهاد یزید در قتل

۱- قیاس که در اینجا مورد بحث است، به معنای منطقی آن نیست، بلکه در واقع «تمثیل» منطقی است که در اصول فقه اهل سنت - بویژه فقه حنفی «قیاس» نام گرفته است.

۲- الکنی و الانقاب

۳- مسند احمد. حنبلی ۱/۱۹۰؛ اهل سنت واقعی ۱/۶۶.

حسین بن علی، مورد قبول است، و نمی‌توان او را محکوم کرد!»^(۱) این سخنان عالمان، جز جهل چیست؟

۸ - نسبت دادن دین به مخالفت با تمدن

«کتاب» سنگ بنای همه تمدن‌های بشر، از روز نخست بوده است. کسی که با نوشتن کتاب مخالفت کند، آن هم خلیفه پیغمبری که نوشتن احادیث پیغمبر آن دین را مانع شود، چه حکمی دارد؟ و درباره این دین چه می‌شود گفت؟ این سؤال بزرگ، و این تناقض لاینحل، در ذهن بسیاری از افراد غیرمسلمان یا ناآشنا به اسلام، در پی رفتار زشت کسانی پیش آمده است که خود را جانشین پیامبر دانستند.

«اشپرنگر» - خاورشناس و پژوهشگر - در این مورد می‌گوید:

«عمر نمی‌خواست که عرب جاهلی را آموزش دهد، بلکه دوست داشت شجاعت و قوه قهریه را همراه با ایمان دینی قوی در آنها زنده نگاه دارد، تا آنان را حاکمان بر عالم گرداند. و نوشتن و گسترش معرفت، با این هدف تناسب ندارد.»^(۲) کسی، شعر سعدی را به طنز، چنین خواند:

دلایل قوی باید و معنوی؟! نه، رگ‌های گردن به حجت قوی!

ما با اشپرنگر موافقیم که عمر، تربیت چنین نسلی را می‌خواست، اما آن را بیانگر دین نمی‌دانیم، چرا که در تاریخ صحیح مواردی خوانده‌ایم مانند:

۱- بنگرید: سخن ابن کثیر در تاریخ خود ۲۲۳/۸ - ۲۲۴، که در معالم المدرستین ۷۵/۲ نقل شده است. تحریف معنای اجتهاد، در این کتاب به طور دقیق و مستوفی بحث شده است. بنگرید: معالم المدرستین ۵۹/۲ - ۲۹۹.

۲- تدوین السنة / ۵۳۰ نقل از دلائل التوثیق ۲۳۰.

مجالس مناظره امام صادق علیه السلام با ملحدان روزگار خود در مسجد الحرام و مراکز دیگر.

مناظرات علی علیه السلام با سران یهود، و خطاب حضرتش به آنان، با عنوان «یا ابا الیهود».

احتجاجات فراوان امام رضا علیه السلام با تمام اهل ملل و ادیان، مانند: یهود، نصاری، دهریه، فلاسفه، و... (۱)

اگر کسانی مانند «اشپرنگر» بخواهند رفتار این جانشینان را به پیامبر نسبت دهند، نمی پذیریم، چنانکه سخن گلدزیهر را قبول نداریم، که - به دلیل منع تدوین - تمام کتب حدیث را بی اعتبار می داند. (۲)

۹ - ایجاد فاصله بین مسلمانان و اهل بیت علیهم السلام

هدف اصلی از منع تدوین حدیث همین بود. و این نتیجه گرفته شد. در این زمینه، کمی بیشتر توضیح می دهیم:

پیامبر اکرم، در احادیث متواتر فراوانی، مردم را به اهل بیت علیهم السلام ارجاع داده، و علاوه بر خلافت و وصایت، «مرجعیت علمی» آنان را به امت تذکر داد. گونه های مختلف معرفی را ببینید:

- در «حدیث ثقلین»: «عدل قرآن و همراه قرآن تا قیامت

- در «حدیث سفینه»: «کشتی نجات امت از طوفانها

۱- شیخ طبرسی، کتاب «الاحتجاج» را به همین منظور نوشته است. در مورد حضرت رضا علیه السلام، کتاب «عیون اخبار الرضا» تألیف شیخ صدوق، بهترین مأخذ است. همچنین به بحار الانوار ج ۹ و ۱۰ مراجعه شود.

۲- بنگرید: تدوین السنة / ۵۳۱ - ۵۳۳.

- در «حدیث امان»: سبب امان امت از اختلاف و گمراهی
- در «حدیث باب خطّه»: راه نجات مردم، که پس از گناهان خود، باید بدان
درآیند.

- در «حدیث غدیر»: تثبیت ولایت اهل بیت، در همهٔ زمینه‌ها، که در رأس
آن، «ولایت علمی» است.

- در حدیث دیگر: علی با حق و حق با علی است. هیچگاه از هم جدا
نمی‌شوند.

- در حدیث دیگر: علی، مانند کعبه است باید به سوی او بشتابند، اما او به
کسی مراجعه نمی‌کند.

و دهها مورد دیگر. (۱)

قبول این تذکرات پدرانۀ پیامبر، بر گروهی از فرزندان ناخلف - که از خانه
گریخته بودند - دشوار آمد. و بابتی از اختلاف باز کردند که هنوز هم گشوده است.
و بسا کسا که در اثر این ضلالت، به راههای دیگر افتادند.

در این مقام، به اندازهٔ چهارده قرن زمان و گسترۀ اقالیم قبله - از نظر مکان -
سخن هست، که تنها به یک پردهٔ آن اشاره می‌رود. و تفصیل آن، به کتابهای

۱- به کتب جاودانه پیرامون امامت مراجعه کنید. از جمله:

- الشافی فی الامامة / سید مرتضی

- الصراط المستقیم / بیاضی عاملی

- احقاق الحق / قاضی نورالله شوشتری

- دلائل الصدق / علامه محمدحسن مظفر

- الغدیر / علامه امینی

- عقبات الانوار / میرحامد حسین

- غایة المرام / سیدهاشم بحرانی

تخصّصی عقاید و کلام موکول می‌شود.

اشارهٔ این مقام، ریشهٔ تاریخ «منع تدوین حدیث» را نشان می‌دهد، که از زمان حیات پیامبر شروع شد.

توضیح اینکه: پیامبر، نه انسان عادی است، نه نابغه‌ای دانشمند که با علم و عبادت، مقامات معنوی را به دست آورد. مقام او، موهبتی است که خدا به هر کس بخواهد، می‌دهد. با عبادت هم نمی‌توان «موسی کلیم‌الله» شد. این مقام موهبتی، همان است که به عیسی روح‌الله علیه‌السلام داده شد، که کودک چند روزه در قنطاق خود گفت:

«من بندهٔ خدایم، به من کتاب داده و مرا پیغمبر گردانید.»^(۱)

برای درهم شکستن این قداست الهی، از زمان حیات پیامبر کوشیدند. در ابتدای همین فصل، خواندیم که عبدالله بن عمر از پیامبر پرسید: «آیا هر چیز از شما شنیدیم بنویسیم، در حالی که شما انسانی هستید که در حال رضا و غضب سخن می‌گویید؟!»^(۲)

اینان، کلام صریح الهی را زیر پا نهادند، که فرمود:

«پیامبر، از روی هوا سخن نمی‌گوید. کلام او نیست جز وحی الهی»^(۳)

لذا در موارد عدیده در برابر او امر رسول خدا به حضرتش گفتند: «آیا این کلام شماست که می‌گویید یا امر خدا است؟» و هر بار، جواب گرفتند که: «من، جز کلام الهی را باز نمی‌گویم». و مرتبهٔ بعد، دوباره سؤال و جواب تکرار می‌شد.^(۴)

۱- قرآن، سورهٔ مریم / آیهٔ ۳۰

۲- مدارک این سخن، در ابتدای فصل، ذیل حدیث بیان گردیده است.

۳- قرآن، سورهٔ نجم - آیه ۳ و ۴.

۴- از جمله موارد مکرری که پیامبر به بزرگان صحابه دستور داد که به علی

این قصه در سراسر عمر پیامبر تکرار شد، تا آخرین لحظات عمر پیامبر. اینک پیامبری که عرب جاهلی را به هدایت آورده و شاهراه نجات را به آنها نشان داده، در بستر بیماری است. قلم و دواتی می‌خواهد تا کلامی بنویسد که هرگز گمراه نشوند.

این شأن هر پدر مهربانی است که حاصل عمر خود را در چند کلمه به فرزندانش باز گوید. و برای آیندگان - نسل‌های بعد - سندی مکتوب از خود به یادگار بگذارد. «وصیت» حکم عقل سلیم فطری الهی است که هیچ شریعت و دینی آن را رد نکرده، بلکه از اهمّ ضروریات زندگی شمرده‌اند، تا آنجا که «مرگ بی‌وصیت» را «مرگ جاهلی» خوانده‌اند.

این، در مورد هر انسان عادی است. پس کسی که آخرین پیامبر خدا باشد - که تا قیام قیامت، دیگر پیامبری پس از او نخواهد آمد - وصیت در مورد او، چه اهمیتی خواهد داشت؟
به خانه پیامبر باز می‌گردیم.

پیامبر، قلم و دوات می‌طلبد. عمر می‌گوید: «این مرد، هذیان می‌گوید». (ان الرجل لیهجر) و «کتاب خدا ما را بس است» («سینا کتاب الله»). سخنان موافق و مخالف عمر، سر و صدا برمی‌انگیزد، و توجه پیامبر جلب می‌شود. و بالاخره پیامبر رحمت، که هیچگاه چنین غوغاهایی را خوش نداشته، جماعت را بیرون می‌کند که: «سروصدا نزد پیامبران جایز نیست. پرخیزید، بروید». و بالاخره وصیت



علیه‌السلام سلام کنند و «امیرالمؤمنین» بگویند. بنگرید:
الیقین فی امره امیرالمؤمنین / سید ابن طاووس - غایة المرام / سیدهاشم بحرانی - ینابیع المودة / سلیمان قندوزی - مناقب / خوارزمی.

پیامبر - که می توانست وسیله هدایت امت تا قیام قیامت باشد - نانوشته می ماند.

می خواهیم همین جا از تاریخ و وجدان آگاه انسان بپرسیم:

- آیا وصیت، حق هر مسلمانی هست یا نه؟

- آیا پیغمبر، پدر مهربان امت هست یا نه؟

- آیا خود عمر، برای اینکه امت به اختلاف نیفتد، وصیت کرد یا نه؟

- در این کلام پیامبر، چه اختلال و هذیانی بود، که مانع شدند؟

- آیا نمی توانستند مانع نوشتن پیغمبر نشوند، پیغمبر بنویسد، آنگاه اگر باب

میل نبود، به نحو دیگری توجیه کنند، چنانکه در جاهای دیگر چنین کردند؟

- این، ادب امت نسبت به پیغمبرشان است یا ادب رعیت نسبت به سرپرست خود؟

- پیغمبر، چه گناه و تقصیری در حق آنها مرتکب شده بود، که با چنین کلام

زشتی روبرو شد؟

- پیغمبر، که آورنده قرآن است، خودش نمی دانست که قرآن برای هدایت

کافی است یا نه؟

- آیا تفسیر قرآن را به اندازه کافی دانستند؟ جهل آنها به حکم «کلاله» در

ارث چگونه بود؟ (۱)

- آیا از ظاهر قرآن چیزی می دانستند؟ اگر می دانستند، پس چرا - برخلاف

صریح قرآن - فتوی دادند که هرکس آب نیافت تا وضو بگیرد، نماز از او ساقط

است؟ (۲)

۱- کنز العمال ۷۸/۱۱، صحیح مسلم ۳/۱۲۳۶.

۲- صحیح بخاری ۱/۹۰، صحیح مسلم ۱/۱۹۳ باب التیمم.

باری، مانع نوشتن وصیت پیغمبر شدند. ابن عباس بعدها می‌گفت:

«الخمیس، و ما یوم الخمیس!»

«پنجشنبه و چه پنجشنبه‌ای بود!»

آنگاه می‌گریست، و قصهٔ قلم و دوات را باز می‌گفت. (۱)

محقق مصری، عبدالفتاح عبدالمقصود، در تحلیل این قضیه می‌گوید:

«کیست که بتواند برای ابن خطاب، در مورد این اقدام او در آخر عمر پیامبر،

عذری مقبول بیاورد؟

خدای سبحان، حقّ وصیت را برای هر مسلمانی، حقّ شرعی قرار داده است

آیا برای رسول اسلام شایسته نبود، که در اواخر عمر به امتّ خود سفارش‌هایی

کند که برای آنها از تمام دنیا برتر است؟

این چه موضع عجیبی بود که فرزند خطاب در برابر پیامبر گرفت؟ و چه

تفسیر مقبولی دارد؟ سکوت ابوبکر در برابر این کار عمر چگونه توجیه می‌شود؟»

به سخنان گذشته باز می‌گردیم و می‌گوییم:

«بسیاری از افراد عقیده داشته‌اند و دارند، که این اقدامات، نتیجهٔ تدبیر و

تصمیمی بود که این دو نفر قبل از رحلت رسول کریم گرفته بودند.» (۲)

و در جای دیگر می‌گوید:

«دربارهٔ وصیت پیامبر به خلافت علی چه بگوییم؟ ... اگر بخواهیم قضیهٔ

سقیفه را در حدّ معقول انسانی توجیه کنیم، و تعصب را کنار گذاریم، می‌گوییم:

۱- الايضاح / فضل بن شاذان، ص ۳۵۹ - ۳۶۰. مرحوم محدث ارموی در

حاشیه، مدارک مفصل برای کلام ابن عباس آورده است.

۲- السقیفة و الخلافة / عبدالمقصود، ص ۲۴۳.

در مورد این کارها، عذری نمی‌توان آورد. شایسته‌ترین تحلیل نسبت به اوضاع آن روز، و نزدیکترین نظر به طبایع مردم، و زبیده‌ترین کلام نسبت به مسیر حوادث، این است که: خلافت ابوبکر، جانشینی به معنای سیاسی و با مبانی سیاسی بود، نه مفهوم دینی دارد و نه با مبانی دینی سازگار است»^(۱)

این کلام، پاسخی بس مناسب در مقابل مستشرقانی است که نسنجیده درباره وقایع اسلامی اظهار نظر کرده، و چهره تاریخ را مخدوش نموده و حقایق تاریخی را وارونه جلوه‌گر ساخته‌اند.

اختصار کلام را، به همین مقدار بسنده می‌کنیم. ناگفته‌های فراوان را به فرصت دیگر وامی‌گذاریم^(۲) و به رشته اصلی کلام بازگردیم.

شیعه و تدوین حدیث

اوامر الهی رسول خدا به علی علیه‌السلام در مورد نگارش احادیث، سرمنشأ حیات علمی شیعه بود. شیعه، به عنوان اقلیتی که هیچگاه تسلیم موج اکثریت جامعه نشد و تنها سر به خط فرمان رسول خدا و ائمه هدی علیهم‌السلام نهاده

۱- السقیفة والخلافة / عبدالمقصود، ص ۲۵۹.

۲- تفصیل این بحث را در منابع متعدد می‌توان یافت. از جمله:

- معالم المدرستین / سید مرتضی عسکری، ۴۱/۲ - ۵۹

- اهل سنت واقعی / سید محمد تیجانی، ۵۷/۱ - ۹۶

- از آگاهان بیرسید / همو، ۵۵/۲ - ۷۳

- الطرائف ۳۸۱/۲ - ۳۹۲، ۴۳۱ - ۴۳۴

- تدوین السنة الشریفة / ۲۶۱ - ۵۶۶

- مقدمه معجم بحارالانوار ۱۹/۱ - ۳۰

- تاریخ تدوین حدیث / رسول جعفریان.

بود، هیچگاه منع تدوین حدیث را نپذیرفت، تا آنجا که مورخان اهل سنت، نام امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیه السلام را در سرلوحه کسانی نوشته‌اند که تدوین حدیث را - علی‌رغم دستورات خلفا - مجاز دانستند.^(۱)

دکتر شوقی ضیف، در کتاب «تاریخ الادب العربی» می‌گوید:

«شیعه به کتابت فقه، توجه زیادی داشت، به دلیل عقیده‌ای که به امامان خود داشت، به عنوان هدایت‌گران و هدایت‌شدگانی که باید فتوای آنها را ملتزم بود. و به همین دلیل، به فتاوی و احکام علی علیه السلام عنایت خاصی کردند.»^(۲)

در طلیعه این بحث، ابتدا احادیثی را در امر به نگارش حدیث، از پیغمبر اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام می‌آوریم:

※ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:
«علم را با نگارش به بند کشید.»^(۳)

کلامی از امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد اشعار حضرت ابوطالب روایت شده که جای دقت دارد:

۱- مقدمه معجم ۳۰/۱.

۲- همان به نقل از تاریخ الادب العربی ۴۵۳/۲.

۳- همان / ۳۱، به نقل از تقیید العلم / ۹۰.

تذکر این نکته مفید است که اهل سنت، حدیثی در جهت نهی از نگارش حدیث به امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده‌اند، که ضعف این نسبت، در کتاب زیر به طور استدلالی روشن شده است:

تدوین السنة الشریفة / ۱۹۰ - ۱۹۵.

امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام را شگفت می آمد که شعر ابوطالب، روایت و تدوین شود. و می فرمود: آن را فراگیرید، و به فرزندان خود بیاموزید، که ابوطالب بر دین خدا بود، و در شعر او علم زیاد موجود است. (۱)

در جایی که امیرالمؤمنین علیه السلام از روایت شعر ابوطالب خشنود شود - به این دلیل که آخرین وصی پیامبران قبل از رسول خاتم بود (۲)، و علم فراوان در آن اشعار است - چگونه نسبت به تدوین احادیث پیامبر، که تمام علم است، خوشنود نگردد؟

‡ کسی نزد حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها رفت، و گفت: ای دخت پیامبر! آیا رسول خدا یادگاری نزد شما نگاه داشته که به آن بنگریم؟
حضرت صدیقه به یکی از خدمتکاران فرمود: «آن حریره را برای من بیاور».
کنیز گشت و آن را نیافت.

حضرت زهرا فرمود: «وای بر تو! آن را پیدا کن، که در نظر من به اندازه دو فرزندم حسن و حسین ارزش دارد.»
کنیز جست و آن را یافت. در آن نوشته بود:

«پیامبر خاتم فرموده است: کسی که همسایه از آزارش در امان نباشد، مؤمن نیست. کسی که به خدا و به روز جزا ایمان دارد، نباید همسایه اش را اذیت کند. کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد باید سخن خیر گوید یا ساکت باشد...» (۳)

۱- الغدیر ۳۹۳/۷ - ۳۹۴.

۲- مضمون کلام علوی در: الغدیر ۳۸۹/۷.

۳- دلائل الامامة / ۱.

اگر جای مقایسه باشد، جمله حضرت زهرا علیها السلام (این حدیث پیامبر، به

❖ امام حسن مجتبی علیه السلام، فرزندان خود و فرزندان برادرش را گرد آورد و در جمع آنان فرمود:

«ای فرزندان من، و فرزندان برادرم! شما اینک فرزندان کوچک این خانواده‌اید، و به زودی بزرگان خاندان‌های دیگر خواهید بود. پس علم را فراگیرید. و هر کدام از شما نمی‌تواند علم را به دیگران آموزش دهد، آن را بنویسد، و در خانه‌اش نگاه دارد.»^(۱)

❖ امام حسین علیه السلام در خطبه مشهور خود در منی، در جمع بنی‌هاشم و شیعه و صحابه و تابعین، فرمود:

«به سخمن گوش فرا دهید، و گفتارم را بنویسید. پس به شهرها و قبیله‌های خود بازگردید. آنگاه به هر کس اطمینان داشتید، او را دعوت کنید به آنچه از حق ما (خاندان پیامبر) که می‌دانید. چرا که من می‌ترسم این امر کهنه شود، و حق از میان رود.»^(۲)

❖ امام جعفر صادق علیه السلام، امر به نگارش حدیث را به بیانی صریح و لطیف فرمود:

«بنویس، و علم خود را میان برادرانت پراکنده ساز. آنگاه اگر مُردی، کتابهای خود را برای فرزندان‌ت به ارث بگذار، چرا که زمانی بر مردم فرا رسد که زمانه



اندازه دو فرزندم حسن و حسین برابم ارزش دارد) را مقایسه کنید با عمل خلیفه‌ای که پانصد حدیث پیامبر را از دخترش خواست، و آنها را آتش زد. بین تفاوت ره، از کجاست تابه کجا.

۱- بحارالانوار ۱۵۲/۲. در مورد مدارک این جمله از اهل سنت، بنگرید: تدوین السنة الشریفة / ۱۴۸.

۲- کتاب سلیم بن قیس / ۱۶۵.

آشوب است، و مردم در آن دوره، انس نمی‌گیرند مگر به کتابهایشان.»^(۱)
و فرمود:

«کتابها (و نوشته‌های خود را نگاه دارید، که به زودی به آن نیازمند خواهید شد.»^(۲)

در جای دیگر به ابوبصیر فرمود:

«گروهی از اهل بصره نزد من آمدند، احادیث از من پرسیدند، و آن را نوشتند. چه چیزی مانع از نوشتن شما می‌شود؟ آگاه باشید که هیچگاه حفظ نمی‌کنید تا بنویسید.»^(۳)

و در موردی دیگر، ابوبصیر - که نابینا بود - از امام صادق علیه‌السلام درباره اصحاب حضرت مهدی علیه‌السلام پرسید.

امام قبل از پاسخ دادن پرسید:

«تو، نمی‌توانی حفظ کنی. دوست همراه تو که برایت حدیث می‌نوشت، کجاست؟»

ابوبصیر گفت: «گمان می‌کنم که کاری داشت. و نخواستم مزاحم او شوم.»

امام به کسی که در آنجا بود، فرمود: «برایش بنویس.»^(۴)

در حدیث مفصل توحید مفضل، امام علیه‌السلام به مفضل، اجازه نگارش داد.^(۵)
و در مواردی، امام صادق علیه‌السلام برای نشان دادن اهمیت حدیث، به

۱- بحارالانوار ۱۵۲/۲، نقل از کافی.

۲- همان.

۳- بحارالانوار ۱۵۳/۲، نقل از اصل عاصم حناط (که ضمن اصول الستة عشر چاپ شده است).

۴- دلائل الامامة طبری / ۳۰۸.

۵- توحید مفضل - رجوع شود به متن کامل این رساله در جلد سوم بحارالانوار.

راوی می‌فرمود: «این حدیث را با آب طلا بنویس.» (۱)

✽ امام ابوالحسن موسی بن جعفر علیه‌السلام گروهی را به محضر خود پذیرفت، که الواحی در دست داشتند، و سخنان حضرتش را می‌نوشتند. و امام آنها را نهی نکرد. (۲)

✽ امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام، علی بن اسباط را به حضور پذیرفت. وی، در مورد تفسیر آیه‌ای از امام پرسید. و گفت: دوست دارم آن را بنویسم. اما، با دست خود به دوات اشاره کرد. و علی بن اسباط دوات را گرفت و نوشت. (۳)
حضرت بقیة‌الله مهدی منتظر علیه‌السلام، در حکایت تشرف شیخ حر عاملی به خدمت ایشان، آنگاه که سؤال از امام موعود پرسید، حضرت، ابتدا امر به نگارش فرمود، و سپس به سؤال محدث عاملی پاسخ داد. (۴)

- ۱- وسائل الشیعه / کتاب الحج، ابواب المزار، باب ۲۳، حدیث ۳.
- بنگرید: کلام شیخ حر عاملی را در ذیل حدیث، که درباره‌ی اهتمام به نگارش حدیث سخن می‌گوید.
- ۲- مهج الدعوات / ۲۱۹ - ۲۲۰. توضیح اینکه در نظر شیعه، تقریر امام (اظهار رضایت او از کاری که در حضورش انجام می‌شود) در غیر مورد تقیه، هم رتبه قول و فعل امام، استناد و حجیت شرعی دارد.
- ۳- تدوین السنة الشریفة / ۱۷۶. در مورد اذن امام، توضیح سطور قبل را بخوانید.
- ۴- اثبات الهداة ۳/ ۷۱۱ باب ۳۳. شیخ محمد غروی نائینی در کتاب خود «المختار من کلمات الامام المهدی علیه‌السلام» در این مورد، بحث مستوفی آورده است. (المختار ۱/ ۲۲۸ - ۲۳۲: اکتبها لأکتب لک الجواب فانه ابعده من النسیان.)

مکتوباتی که مستقلاً از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده است

«امیرالمؤمنین علیه السلام:

۱- کتاب علی علیه السلام:

این نام مشترک، بر مجموعه‌ای از نوشته‌های حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اطلاق می‌شود که حضرتش از بیانات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نوشته، و نزد خود نگاه می‌داشت. امام صادق علیه السلام در مورد این نوشته‌ها می‌فرماید:

«این نوشته‌ها، نزد علی علیه السلام بود. وقتی به عراق رفت، آنها را به ام سلمه سپرد.

پس از شهادت علی علیه السلام ام سلمه آنها را به امام حسن تحویل داد، امام حسن به امام حسین، امام حسین به امام سجاد، و امام سجاد به پدرم سپرد.»

مرحوم آیت الله بروجردی به بیانی جامع، پس از نقل این حدیث و احادیث دیگر به این مضمون می‌نویسد:

«از اینگونه احادیث، چند مطلب برمی‌آید:

اول - رسول خدا صلی الله علیه و آله، امت را پس از خود، وانگذاشت که بدون امام هادی و بیان شافی باشند. بلکه امامان هادی بر آنها گماشت، که آثار حضرتش را حافظ باشند.

برای آنها، معارف الهی، فرائض دینی، سنن و آداب، حلال و حرام، حکمتها و آثار، و تمام مسائل موردنیاز امت تا روز قیامت را در آنها ثبت کرد. رسول خدا

به هیچ احدی اجازه نداد که در دین خدا به رأی و نظر خود، یا به قیاس حکم کنند، به این بهانه که در آن مسأله از جانب خدای دانای حکیم، دستوری محکم از جانب خدای تعالی نرسیده است.

بلکه رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام آن شریعت‌ها و احکام را بر امام علی بن ابی طالب علیه السلام املاء کرده و به او دستور داد تا آن مجموعه را بنویسد، نگاه دارد، و به امامان از فرزندان خود بسیار داد. امام علی علیه السلام این دستور را اطاعت کرد، و آن نوشته را به اهلش سپرد.

دوم - رسول خدا، تمامی این علم را فقط بر علی علیه السلام املاء کرد، و هیچکس را به آن آگاه نساخت. و وصیت کرد که این کتاب، پس از او، منحصرأ در اختیار ائمه اطهار علیهم السلام باشد. پس این امت، باید علم حلال و حرام و مایحتاج دین خود را فقط از امامان فراگیرند، که آنان رازدار پیامبر، و نگاهبان علم نبوی و حافظ دین حضرتش هستند.

سوم - این کتاب، نزد ائمه علیهم السلام موجود بوده است. در مواردی، امام باقر و امام صادق علیهما السلام، آن را به برخی از اصحاب خود - چه شیعه و چه سنی - نشان دادند، تا سند مکتوب بر جمیع فتاوی خود نشان دهند. در آن هنگام به خدای بزرگ سوگند یاد می‌کردند که این کتاب، املاء پیامبر صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام است.

چهارم - این کتاب، نزد خاصه و عامه مشهور است. چرا که آن دو امام بزرگوار علیهما السلام، در جواب استفتانات بسیاری - از جمله غیاث بن ابراهیم، طلحه بن زید، سکونی، سفیان بن عیینه، حکم بن عتیبه، یحیی بن سعید، و مانند آنها - و در پاسخ مسائل جمعی دیگر - مانند زراره، محمد بن مسلم، ابن سنان، ابو حمزه، ابن بکیر، و دیگران - به کتاب علی علیه السلام و محتوای آن استناد می‌کردند.

پنجم - علم حلال و حرام و شرایع و احکام که نزد ائمه اطهار علیهم السلام بوده، تماماً جبرئیل از نزد خدای تعالی آورده است، و امامان ما، آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گرفتند. پس آنچه در برابر احادیث ائمه ساخته شد - از فتواهای مبتنی بر رأی و قیاس و اجتهاد بی پایه و مانند آن - مخالفت کلام نبوی بود. و وظیفه امت در مسائل دینی مراجعه به احادیث و بیانات ائمه اطهار است. (۱)

این بیان جامع فقیه فقید، مستندات فراوان از کتب حدیث و رجال دارد، که در این مختصر، مجال بیان آن نیست. در این فرصت کوتاه، فقط نام بعضی از کتابهای تألیف شده یا تدوین شده توسط علی علیه السلام را بیان می‌داریم، و تفصیل را به کتابهای مفصل مربوط ارجاع می‌دهیم.

۲ - تفسیر قرآن:

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«هیچ آیه‌ای بر رسول خدا نازل نشد، مگر آنکه پیامبر بر من خواند و املاء فرمود. و من به خط خود، تأویل و تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه آن را نگاشتم. رسول، از خدا خواست که فهم و حفظ آن را به من بیاموزد. پس از آن، هیچ آیه‌ای از قرآن را، و هیچ علمی را که به من املاء کرده و نوشته بودم، از یاد نبردم.» (۲)

این کتاب را علامه سیدشرف الدین، نخستین کتابی می‌داند که امیرالمؤمنین علیه السلام تدوین کرده است. (۳)

۱- جامع احادیث الشیعه ۲۶/۱.

۲- کمال الدین ۲۸۴/۱.

۳- المراجعات / ۴۱۱.

امروز، کتابی شامل شصت نوع از علوم قرآنی در دست است که سعد بن عبدالله اشعری قمی، محمد بن ابراهیم نعمانی و سید مرتضی علم الهدی آن را روایت کرده‌اند. و تمامی آن را، علامه مجلسی نقل کرده است.^(۱)

۳- السنن و القضايا و الاحکام:

کتابی بزرگ، که شامل ابواب فقه، و قضاوت‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام در برخی حوادث بود.

این کتاب را، بعضی از اصحاب امام علیه‌السلام، گاهی به همین عنوان، و گاهی به عنوان بعضی از ابواب آن یاد و روایت کرده‌اند. از جمله: عمر فرزند امام علیه‌السلام، ابو رافع صاحب بیت‌المال و فرزندانش عبیدالله و علی که کاتب حضرتش بودند، ربیع بن سمیع، محمد بن قیس بجلي، یعلی بن مره ثقفی، حارث بن عبدالله همدانی، اصعب بن نباته مجاشعی^(۲)، عبدالله بن عباس، میثم ابن یحیی تمار^(۳)، ظریف بن ناصح.^(۴) و^(۵)

۱- بحار الانوار ۱/۹۳ - ۹۷.

۲- وی، بخش قضاء از این کتاب را روایت کرده، که نسخه‌های خطی آن موجود است. و مرحوم سید محسن امین براساس نسخه‌ای کهن از آن، مورخ ۴۱۰، به نام «عجائب احکام امیرالمؤمنین علیه‌السلام» به چاپ رسانید. (دمشق: مطبعة الاتقان، ۱۳۶۶ هجری قمری).

۳- این بخش از کتاب، در اختیار فرزندان میثم بوده، و اشاره به آن در احادیث مختلف آمده است. همچنین اصل کتاب تا قرن ۷ موجود بوده که طبری در بشارة المصطفی از آن مستقیماً نقل می‌کند.

۴- وی راوی «کتاب الديات» است، که در اختیار ثقة الاسلام کلینی و شیخ صدوق و یحیی بن سعید حلی بود، که در کتب خود آن را تماماً نقل کردند:

کافی ۷/ ۳۳۰-۳۶۳، من لایحضره الفقیه ۴/ ۵۴-۶۶، الجامع للشرایع / ۶۰۵-۶۲۴.

۴ - عهد مالک اشتر

پیمان نامه‌ای حاوی دستورات حکومتی که امیرالمؤمنین علیه السلام، به مالک هنگام ولایت او بر مصر نوشت. درباره این پیمان و ارزش آن، سخن بسیار گفته‌اند که قطره‌ای از دریا است. در اینجا، به کلامی از استاد مصری عبدالفتاح عبدالمقصود اشاره می‌شود:

«امام علیه السلام کارگزاران خود بر مردم را به حال خود رها نکرد که بدون مشعلهای روشن در راه حکومت گام نهند، یا حدودی روشن برای سلوک راه ولایت در امور دنیا و دین نداشته باشند. برای دلالت بر این کلام مراجعه به عهد اشتر کافی است تا بدانیم که چه دستوراتی برای سیاست امور و تدبیر مردم داده است ... این قانون، بر مبناهایی استوار شده که با اجتماعات انسانی در همه زمانها تناسب دارد و فعالیتهای روزانه مردم در جوانب روحی و عقلی - از عقیده و علم و تربیت روانی و سلوک اجتماعی و غیر آنها - را پاسخ می‌گوید. و در زمینه مسائل مالی، اقتصادی، مدیریت، جهاد نظامی و دیگر مشکلات اجتماعی سخن‌ها دارد ...»^(۱) این پیمان از جمله رسائل امیرالمؤمنین علیه السلام است که اصیغ بن نباته آن را روایت کرده است.^(۲)

۵- علاوه بر اینان در مسند احمد حنبل نیز به این کتاب اشاره و از آن نقل حدیث شده است. بنگرید: تدوین السنة الشریفة / ۱۳۸ - ۱۴۳.

۱- السقیفة والخلافه / ۳۱۶ - ۳۱۷.

۲- ثقة الاسلام کلینی کتابی به نام رسائل الاثمه داشته که در آن نامه‌های ائمه اطهار علیهم السلام را آورده است. این کتاب امروز موجود نیست، اما در اختیار سید ابن طاووس بوده چنانکه ابن طاووس در دو کتاب خود «کشف المحجبه» و «فتح الابواب» از آن نقل قول می‌کند.

امام سجّاد علیه السلام

از امام سجّاد علیه السلام، کتابها و رساله‌های زیر روایت شده است:

۱- صحیفه کامله سجّادیه

مجموعه ۵۴ دعا، در موضوعات مختلف و مناسبت‌های گوناگون، که امام علیه السلام بر دو فرزند خود - امام محمدباقر علیه السلام و زید شهید - املاء فرمود. این کتاب نفیس که امروز روشنی‌بخش محافل است، با هزاران سند شیعی و زیدی و حنفی روایت شده، که استاد محقق سید محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، این اسناد را به ضمیمه کتاب خود (الصحیفه السجّادیه الجامعة) گرد آورده و نشر داده است. در کتاب یاد شده، علاوه بر دعاهای صحیفه کامله، سایر دعاهای روایت شده از امام سجّاد علیه السلام گرد آمده، که در کتب حدیث و دعا موجود است، و به ۲۷۰ دعا بالغ می‌گردد. صحیفه جامعه، با اعراب متن و فهارس عدیده به چاپ رسیده است. (۱)



بنگريد: الشيخ الكليني البغدادي و كتابه الكافي / ۱۱۷ - ۱۱۹، كتابخانه ابن طاووس / اتان كلبرگ، ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان. قم: كتابخانه مرعشی.

اگر این کتاب امروز در دست ما بود در مورد عهد مالک و دیگر رساله‌های ائمه علیهم السلام اطلاعات بیشتر در اختیار داشتیم. البته در قرن یازدهم محمد علم الهدی فرزند فیض کاشانی کتابی به نام «مکاتیب الائمه» نگاشت که تا حدی این نقیصه را جبران می‌کند که این کتاب، موجود و مطبوع است.

۱- الصحیفه السجّادیه الجامعة / سید محمدباقر موحد ابطحی. قم: مدرسه الامام المهدي عليه السلام.

علاوه بر این، دهها شرح و ترجمه بر صحیفهٔ کاملهٔ سجّادیه نوشته شده، که حتی فهرست نامهای آنها، به کتابی جداگانه نیاز دارد.

۲- رسالهٔ الحقوق

رساله‌ای کم‌برگ و پربار، که حقوق خدای تعالی بر انسان، و پس از آن حقوق اعضای بدن، حقوق پیشوایان، رعیت، خویشاوندان، همسایگان، شریکان، مشاوران، آموزگاران و دیگر افراد جامعه بر انسان را، با کوتاه‌ترین و گویاترین عبارات بیان می‌دارد.

این رساله را که ابو حمزه ثمالی روایت کرده، شیخ صدوق در کتاب خصال ۵۶۴/۲ - ۵۷۰، و ابن شعبه حرانی در تحف العقول با اختلافی مختصر نقل کرده‌اند. و با تحقیق سید محمدباقر موحد ابطحی، به ضمیمهٔ عوالم العلوم جلد ۱۸ نیز چاپ شده است.

۳- صحیفهٔ فی الزهد

ابو حمزه ثمالی گوید: صحیفهٔ امام سجّاد علیه‌السلام را در زهد خواندم و نوشتم. و با خط امام مقابله و تصحیح کردم. کلینی در کافی ۱۴/۸ - ۱۷، آن را نقل کرده است.

۴- مناسک الحج

رساله‌ای در سی باب در مناسک حج، که فرزندان امام سجّاد علیه‌السلام از حضرتش روایت کرده‌اند. این رساله، موجود و چاپ شده است.

۵- الجامع فی الفقه

مجموعه‌ای که به گفتهٔ نجاشی، ابو حمزه ثمالی از امام علیه‌السلام روایت کرده است. (۱)

۱- در مورد این کتاب و دیگر کتب رسیده از امام سجّاد علیه‌السلام، بنگرید: تدوین السنة الشریفه / ۱۵۰ - ۱۵۲، مقدمهٔ معجم بحار ۱/ ۳۵ - ۳۶.

امام محمد باقر علیه السلام

برخی از کتب روایت شده از حضرتش در اینجا یاد می شود:

۱- رساله خطاب به سعد بن عبدالملک اموی (سعد الخیر)

این رساله را ثقة الاسلام کلینی در کافی ۸/ ۵۲- ۵۵ آورده، و شامل تذکراتی درباره تقوی، تفسیر به رأی جاهلان و معاندان از قرآن، وظایف دانشمندان در برابر بدعتها، و نکات ضروری دیگر است.

۲- تفسیر قرآن

ابوالجارود عبدی روایت کرده، و روایاتی از آن در تفسیر علی بن ابراهیم قمی نقل شده است. این کتاب در اختیار ابن ندیم بوده است.

۳- کتاب

کتابی که عبدالؤمن انصاری کوفی روایت کرده، و در اختیار نجاشی بوده است.

۴- کتابی

کتابی که زرارۀ بن اعین شیبانی کوفی روایت کرده، و مرحوم سید حسن صدر نام می برد. (۱)

۱- در مورد این کتابها و دیگر کتابهای روایت شده از امام محمد باقر علیه السلام بنگرید: تدوین السنة الشریفة / ۱۵۵ - ۱۵۶، مقدمه معجم بحار ۱/ ۳۸.

امام جعفر صادق علیه السلام

در زمان امام صادق علیه السلام، به دلیل آزادی نسبی و فرصت مناسبی که دست داد، امکان بهتری برای ترویج دین پدید آمد. به علاوه، این دوره، همزمان بود با آغاز دوره آزادی تدوین حدیث که توسط عمر بن عبدالعزیز اعلام شده بود. عمده اصول چهارصد گانه شیعه در همین زمان نوشته شد، که در صفحات آینده بررسی می شود. اما بعضی از کتب و رسائل^(۱) اختصاصاً از امام صادق علیه السلام بود که در اینجا، فقط کتب موجود یاد شده، و تفصیل بحث به منابع دیگر موکول می گردد:

۱- توحید مفضل

این کتاب را امام صادق علیه السلام در چهار جلسه به مفضل بن عمر کوفی القاء فرمود. از آنجا که امام، مکرراً به مفضل فرموده: «فکر یا مفضل» (ای مفضل بیندیش)، به کتاب «فکر» نیز شهرت دارد. شیخ آقا بزرگ تهرانی گوید: «نجاشی، از آن به «کتاب فکر» تعبیر کرده، و

۱- توجه شود که «کتاب» در سراسر این فصل و در کتب رجال و فهرست، به معنی لغوی آن است، یعنی «نوشته» که گاهی شامل رساله های مختصر هم می شود. رساله در زمان قدیم، مترادف با مقاله در زمان حاضر بوده است. در اینجا حجم کتاب و رساله مورد نظر نیست، بلکه یک اصل مهم در این فصل، نوشتن حدیث توسط ائمه اطهار علیهم السلام از زمان حیات پیامبر تاکنون است، که خود دلیلی محکم و سندی مکتوب بر اصالت تشیع است. علاوه بر ارائه طریق هدایت که این نور الهی جز در خانه آل محمد - صلوات الله علیهم - یافته نمی شود.

یکی از فضلاء، آن را «گنجینه حقایق و معارف» نامیده است. (۱)
 سید بن طاووس در کتاب ارزشمند «کشف المحجّه» (۲) به فرزندش مطالعه
 این کتاب را توصیه می‌کند. و در کتاب دیگر خود «الامان من اخطار الاسفار»
 سفارش می‌کند که این کتاب را در سفر همراه داشته باشد، زیرا که در زمینه
 موضوع خود، کتابی شگفت است. (۳)

علامه سید محسن امین عاملی می‌نویسد:

«این کتاب، بهترین کتاب در توحید و ردّ منکران وجود خدا است.» (۴)
 «توحید مفضل» را علامه مجلسی در بحار الانوار ۵۷/۳ - ۱۵۴، به طور
 کامل با شرح و توضیح نقل کرده، و به فارسی نیز برگردانده است، در شمار
 معدود کتابهایی که مجلسی تماماً ترجمه کرده است. (۵)

۱- الذریعه ۴/۴۸۲.

۲- «کشف المحجّه»، مجموعه سفارشهای سید بن طاووس به فرزندش سید
 محمد، که گنجینه‌ای گرانبار در عقاید و اخلاق، و سندی مهم از وضع علمی قرن
 هفتم است، که توسط عالمی جامع الاطراف به عنوان حاصل عمر بیان گردیده
 است. این کتاب، بارها به فارسی ترجمه شده است، به ویژه ترجمه زیبا و سلیس
 شادروان دکتر اسدالله مبشری، که از آخرین کارهای علمی آن فقیه است.
 بنگرید: فانوس، ترجمه کشف المحجّه / سید ابن طاووس، ترجمه دکتر اسدالله
 مبشری. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۳- کشف المحجّه / ۵۰، امان الاخطار / ۹۱.

۴- اعیان الشیعه ۱/۱۶۸.

۵- کتابشناسی مجلسی / ۱۸۰ - ۱۸۲. کتابهای فارسی علامه مجلسی، غالباً
 ترجمه‌های احادیث منتخب از کتب مختلف است. و کمتر، کتابی را از اول تا آخر
 ترجمه و منتشر کرده است. مگر توحید مفضل، فرحة الغری، و یکی دو کتاب
 دیگر.

۲- اهللیجة

رساله‌ای که امام علیه‌السلام در پاسخ به شبهات ملحدان، به درخواست مفضل بن عمر نگاشت، در مورد این رساله نیز، سید بن طاووس - مانند توحید مفضل - به فرزندش سفارش کرده تا همواره بخواند، و در سفر همراه داشته باشد.^(۱) شیخ محمدحسین مظفر می‌نویسد:

«این رساله، رشته‌هایی از علم را با دلایل قوی و بیان نیکو در بردارد.»^(۲) علامه مجلسی، این رساله را نیز تماماً در بحارالانوار ۳/ ۱۵۲ - ۱۹۶ نقل کرده است.

۳- اهوازیه

رساله‌ای که امام علیه‌السلام به درخواست عبدالله نجاشی نوشت. نجاشی، از شیعیان امام بود که از طرف منصور به حکومت اهواز منصوب - و به تعبیر خودش: مبتلی و گرفتار - شده بود. و از امام صادق علیه‌السلام، دستورالعملی برای حکومت خواست.

رساله اهوازیه، شامل دستوراتی در اخلاق فردی و آیین اداره حکومت است، که بزرگان حدیث، آن را در رتبه عهدنامه مالک اشتر می‌دانند.

متن رساله را، ابن زهره در «اربعین» خود، شهید ثانی در «کشف الریبه»، علامه مجلسی در «بحارالانوار»،^(۳) و ترجمه آن را مجلسی به ضمیمه «ترجمه

۱- کشف المحجبه / ۵۱، امان الاخطار / ۹۱.

۲- الامام الصادق علیه‌السلام ۱/ ۱۶۸.

۳- اربعین ابن زهره / ۴۶-۴۷، کشف الریبه / ۱۲۲-۱۲۷، بحارالانوار ۷۸/ ۲۷۱-۲۷۷.

عهدنامه مالک» آورده است. (۱)

۴- رساله‌ای به اصحاب

این رساله را امام صادق علیه‌السلام به شیعیان خود فرستاده، و به آنان امر فرمود که پیوسته در آن بنگرند، از یاد نبرند، و به آن عمل کنند. شیعیان نیز آن را در خانه‌های خود در محلّ نماز گذارده، و پس از نماز به آن می‌نگریستند. موضوع اصلی رساله، فتنه‌های عقیدتی و اجتماعی آن روز، تأکید بر امر امامت و تعظیم آن، تفسیر برخی آیات، توصیه‌های اخلاقی، ردّ قیاس و رأی شخصی در دین، و نکات مهم دیگر است. و تمام آن را ثقة‌الاسلام کلینی در کافی ۲/۸-۱۴ و ۳۹۷-۴۰۸ آورده است.

از جمله توصیه‌های امام علیه‌السلام به شیعیان چنین است (نقل به مضمون):

- * با اهل باطل معاشرت و مدارا کنید، بدون اینکه از آنان اثر پذیرید.
- * زبان خود را از کلام بیهوده و گناه ببندید.
- * از صالحان امت‌های قبل، درس بگیرید.
- * هیچ کس را نرسد که دین خدا را از هوی و رأی و مقیاس خود فراگیرد.
- * خدای حکیم، با آیات محکم کتاب خود، - که تفسیر آن را نزد اهل علم آن سپرده - مردم را از رأی و قیاس شخصی بی‌نیاز کرده است.
- * هر ضلالتی بدعت است. و هر بدعتی، در آتش.

۱- ترجمه عهد مالک و رساله‌ی اهوازیه و چند جزء دیگر در این زمینه را علامه مجلسی در رساله «سیر و سلوک با رعیت» آورده است. بنگرید: بیست و پنج رساله فارسی / محمدباقر مجلسی، تصحیح: سید مهدی رجایی. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.

در مورد نسخه‌های خطی این رساله، بنگرید: کتابشناسی مجلسی / ۱۹۳-۱۹۴.

✽ دربارهٔ مسلمانان فقیر، تقوای خدا پیشه کنید، که آنان را بر شما حقی است.
که آنان را دوست بدارید، که خدا پیامبرش را به دوستی آنان امر فرموده است.
✽ از کبر و بزرگ شماری خود بپرهیزید.

میرزا علاءالدین گلستانه - از عالمان قرن یازدهم هجری - شرحی فارسی بر این رساله، به نام «منهج الیقین» نوشته، که نسخه‌های خطی آن در دانشگاه تهران (شمارهٔ ۵۹۶)، مسجد اعظم قم و موزهٔ بریتانیا موجود است. نسخهٔ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، با خط خوش در سال ۱۰۸۳ (دو سال پس از سال تألیف آن: ۱۰۸۱) کتابت شده، و شامل ۲۰۳ برگ است. بخش مهمی از این کتاب (برگ ۳۵ تا ۱۱۳ در نسخهٔ دانشگاه) در شرح گناهان کبیره است. مؤلف، علت شرح خود را این می‌داند که وصیت امام صادق علیه‌السلام، «از جمله کنوز مشتمله بر صنوف جواهر معارف و درر آبدار حکم که بنا بر قصور هم در زوایای کتب اخبار مخفی و مستور مانده...» (منهج الیقین، نسخهٔ دانشگاه تهران، برگ ۲).

۵- رسالهٔ فی وجوه معایش العباد

این رسالهٔ کوتاه در مورد چگونگی کسب معیشت، همکاری انسان با افراد جامعه، انواع حرفه‌ها، تجارت‌ها و صنعت‌ها است. و این شعبه حرانی در «تحف العقول»، آورده است. چنانچه شیخ انصاری در ابتدای کتاب «مکاسب» به آن اعتماد کرده و در «حدائق» نیز آمده است.^(۱)

۱- تحف العقول / ۳۳۱ به بعد، مکاسب ۱/ ۱۸ - ۴۹ (چاپ کلاتر)، الحدائق الناظرة ۱۸/ ۶۷ - ۷۰.

۶- جعفریات

مجموعه‌ای در فقه، که محمد بن اشعث کوفی از امام کاظم علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام روایت کرده است. لذا گاهی «اشعثیات» و عمدتاً «جعفریات» نامیده می‌شود.

این کتاب نیز در زمان حیات مرحوم آیت الله بروجردی و به امر ایشان، همراه با «قرب الاسناد» چاپ شده است.^(۱)

- آثار دیگر

بعضی نویسندگان کتب جابر بن حیان را نیز در شمار آثار امام صادق علیه‌السلام دانسته‌اند.^(۲) اما در هیچ کدام از کتب حدیثی، روایتی از او نقل نشده، و در کتب رجال نیز مذکور نیست. مرحوم آیت الله خویی می‌نویسد:

«بسیاری از عالمان، از عدم تعرض شیخ طوسی و نجاشی (و دیگر دانشمندان رجالی) نسبت به ترجمه او تعجب کرده‌اند ... شگفت‌ترین چیزی که در شرح حال او دیده‌ام، آنکه اروپایی‌ها بیش از مسلمانان به شرح حال و آثار او اهتمام ورزیده‌اند...»^(۳)

چون در کتب حدیث، از او یاد نشده، نسبت این کتابها به امام صادق علیه‌السلام را معتبر ندانستیم و تذکر ندادیم. کتب دیگری که از امام صادق علیه‌السلام روایت شده، و اکنون موجود نیست، در منابع خود یاد شده است.^(۴)

۱- بنگرید: تدوین السنة / ۱۶۶ - ۱۶۷، مقدمه معجم ۴۱/۱ - ۴۲.

۲- مقدمه معجم بحار ۴۲/۱.

۳- معجم رجال الحدیث ۹/۴ - ۱۰ شماره ۲۰۰۹.

۴- بنگرید: تدوین السنة / ۱۶۶ - ۱۷۲، مقدمه معجم بحار ۴۲/۱.

امام موسی کاظم علیه السلام

از آثار مکتوب و مدوّن آن حضرت، کتب زیر یاد می‌شود:

۱- مسند الامام موسی بن جعفر علیه السلام

مجموعه ۵۹ حدیث، که ابو عمران موسی بن ابراهیم مروزی بغدادی در زندان هارون عباسی، از امام علیه السلام شنیده است.

این کتاب، با تحقیق سید محمد حسین جلالی، بارها چاپ شده است. (۱)

۲- مسائل

به روایت حسن بن علی بن یقظین، که از منابع تهذیب شیخ طوسی است. (۲)

۳- رساله به علی بن سويد

علی بن سويد، از شیعیان امام علیه السلام بود. وی در زمانی که حضرتش در زندان به سر می‌برد، نامه‌ای نوشت تا هم حال امام را بپرسد، و هم چند مسأله عقیدتی و فقهی را از ایشان سؤال کند. جالب اینکه به دلیل تقیّه شدید، مسائل عقیدتی را نیز به شکل ظریفی در قالب سؤالهای فقهی درآورد. و بالاخره پس از چند ماه جواب گرفت.

ثقة الاسلام کلینی، متن این رساله را در کافی آورده است. (۳)

۱- بنگرید: تدوین السنة / ۱۶۶- ۱۷۲، مقدمه معجم بحار ۴۲/۱.

۲- بنگرید: فصل هشتم و نهم همین رساله.

۳- کافی ۱۲۴/۸- ۱۲۶.

فاضل مالکی، شرحی بر این حدیث نوشته، و همراه با شرح حال راوی، در ضمن رساله‌ای مستقل آورده است: علی بن سويد السائی / فاضل مالکی. مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۱۱ هجری قمری.

۴- کتاب، به روایت بکر بن اشعث کوفی.

۵- کتاب، به روایت خلف بن حماد کوفی.

۶- نسخه، به روایت علی بن حمرة بن حسن علوی.

۷- کتاب، به روایت محمد بن صدقة.

۸- نسخه، به روایت محمد بن ثابت.

۹- نسخه به روایت محمد بن زرقان. (۱)

۱۰- مسائل علی بن جعفر علیه السلام.

این مسائل را که علی بن جعفر علیه السلام از برادر بزرگوارش امام موسی کاظم علیه السلام پرسید و جواب گرفت، موجود است و مکرراً چاپ شده است. (۲) و ضمناً در سلسله منابع کتب مختلف - از جمله تهذیب الاحکام - وجود دارد. (۳)

نکته مهم اینکه: این همه احادیث و کتابها در شرایطی از امام موسی بن جعفر علیه السلام صادر می شد که بردن نام حضرتش جرم بود، تا چه رسد به امکان رفت و آمد نزد ایشان. شیخ صدوق، با اشاره به این دشواری، مجلس مناظره ای را گزارش می کند که یحیی بن خالد برمکی برای هشام بن حکم - صحابی حضرت کاظم علیه السلام - ترتیب داد. و پس از آن مجلس مناظره، هشام متواری شد، تا در کوفه درگذشت. (۴)

۱- رجال نجاشی، به ترتیب: شماره های ۲۷۵، ۳۹۹، ۷۱۴، ۹۸۳، ۱۰۰۳، ۱۰۰۶.

۲- مسائل علی بن جعفر علیه السلام، تصحیح و نشر: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم.

۳- بنگرید: فصل هشتم و نهم از همین رساله.

۴- بنگرید: کمال الدین ۲/۳۶۱-۳۶۸.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

در زمان امام رضا علیه السلام به دلیل آزادی ظاهری و تشکیل جلسات مختلف برای بحث با حضرتش، کتابهایی از ناحیه ایشان پدید آمد از جمله:

۱- صحیفة الرضا علیه السلام

شامل مجموعه روایاتی که امام علیه السلام به طور مستند، از پیامبر خدا نقل می‌کند. شیعه امامیه، زیدیه و اهل سنت، با طرق و اسناد مختلف آن را روایت کرده‌اند، که تفضیل این سندها و راویان در چاپ تحقیقی آن - به اهتمام استاد سید محمدباقر مؤحد ابطحی - آمده است. (۱)

به نوشته سید جلالی، این رساله، در سال ۱۳۶۵ قمری نیز در قم، به نام «کتاب ابن ابی الجعد» (کنیه راوی صحیفه: احمد بن عامر بن سلیمان طائی) به چاپ رسیده است.

۲- الرسالة الذهبیة

رساله‌ای است که امام علیه السلام در پاسخ به درخواست مأون عباسی در مورد نصایح طبری نوشت. این رساله، با تحقیق شیخ محمد مهدی نجف، در سال ۱۴۰۲ در قم چاپ شده و تمام آن را علامه مجلسی در بحار الانوار ۱۷۴/۶۲ - ۱۸۷ (با شرح و توضیح مفصل) و سید نعمه الله جزائری در الانوار النعمانیة ۱۷۴/۴ - ۱۸۷ نقل کرده‌اند.



این مجلس با حضور بزرگان متکلمان آن روزگار تشکیل شد و هشام، امامت را به بیان عقلی استدلالی توضیح داده است. در پایان این مناظره، هارون الرشید که در مجلس (پشت پرده) حاضر بوده، می‌گوید: «به خدا قسم، این زبان، بهتر از صدها هزار شمشیر در دلهای مردم می‌نشیند.»

۱- قم: مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۸ قمری

۳- مجالس با اهل ادیان

مجالس فراوانی از امام رضا علیه السلام با اهل ملل و نحل، که حسین بن محمد بن فضل - از راویان موثق آن روز - به نگارش درآورده و نجاشی آن را روایت کرده است.

۴- علل و حکمتها

مجموعه پرسش‌هایی در زمینه علت‌ها و حکمت‌های مسائلی مانند تکلیف بر خلاق، توحید، نبوت، امامت، نماز، وضوء، غسل، اذان، قرائت نماز، نماز جماعت، اوقات نماز، نماز جمعه و عید، نماز و غسل و دفن میت، نماز آیات، روزه، حج که فضل بن شاذان برای علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری - که از خواص یاران و شاگردان او بود - بیان داشت.

این قتیبه گوید: «پس از شنیدن کلّ مطالب، به فضل گفتم: این علت‌ها برای احکام را از روی استنباط و استخراج عقلی گفتی یا از روی شنیدن و روایت خبر؟» فضل گفت: «من نمی‌توانم مراد خدای عزوجل و مراد پیامبر او را در امور شریعت، از جانب خودم تعلیل کنم، بلکه تمام آن را از مولایم ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام در مجالس گوناگون شنیدم، و آن را گرد آوردم.»

حدیث علل و حکمتها را شیخ صدوق در «علل الشرایع» و «عیون اخبار الرضا علیه السلام» به دو سند، از فضل بن شاذان روایت کرده، و علامه مجلسی نیز تماماً در «بحار الانوار» ۵۸/۶ - ۹۳ با شرح و توضیح آورده است.

۵- علل شرایع

این حدیث را امام رضا علیه السلام در پاسخ به سؤالات محمد بن سنان در مورد علل شرایع نوشته‌اند، که صدوق در «عیون اخبار الرضا علیه السلام» و مجلسی در «بحار الانوار» ۹۳/۶ - ۱۰۷ با شرح و توضیح آورده است.

۶- امالی امام رضا علیه السلام

رساله‌ای که ابوالحسن علی خزاعی - برادر دعبل خزاعی شاعر بزرگوار شیعه در قرن سوم - از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که حضرتش در ماه رجب سال ۱۹۸ در طوس املاء فرمود.

این رساله را تماماً شیخ طوسی در کتاب «امالی» ۱/ ۳۶۹-۳۸۲ (جزء ۱۲ و ۱۳ بر اساس تقسیم مؤلف) نقل کرده است.

۷- نسخه

مجموعه‌ای از احادیث که عباس بن هلال شامی از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده و شیخ طوسی در «تهذیب الاحکام» ج ۲ / حدیث ۴۴۰ از آن نقل می‌کند.^(۱)

امام علی بن محمد هادی علیه السلام

در میان کتابهایی که از امام هادی علیه السلام روایت شده، به رعایت اختصار، تنها به دو نوشته کوتاه و ژرف از حضرتش اشاره می‌شود:

۱- رساله در بیان معنی جبر و تفویض

این رساله را امام علیه السلام خطاب به اهل اهواز نوشته و در آن مبحث عدل الهی و منشأ افعال انسان را به نحو دقیق و روشن بیان داشته است. بعضی از بزرگان رساله جبر و تفویض را از معجزات امام هادی علیه السلام شمرده‌اند.

۱- نام و وصف رسائل دیگر که حضرت رضا علیه السلام نوشته، در کتاب تدوین السنة الشریفة / ۱۷۹ - ۱۸۲ مذکور است.

متن رساله را ابن شعبه در «تحف العقول»، طبرسی در «احتجاج» و مجلسی در «بحارالانوار» (جلد ۵) نقل کرده‌اند.

۲- زیارت جامعه کبیره

زیارتی برای ائمه اطهار علیهم السلام که امام هادی به موسی بن عبدالله نخعی املاء فرمود:

این زیارت، در عین کوتاهی حجم، از ارزشمندترین متون شیعی در مورد امامت و معرفی جایگاه امام در اندیشه الهی شیعه است. متن زیارت را شیخ طوسی در «تهذیب الاحکام» ۹۵/۶ - ۱۰۱، شیخ صدوق در «عیون اخبار الرضا علیه السلام» ۲۷۲/۲ - ۲۷۷، علامه مجلسی در «بحارالانوار» ۱۲۷/۱۰۲ - ۱۴۴ (با شرح و توضیح) آورده است. و گروهی از بزرگان شیعه شرح مبسوط بر آن نگاشته‌اند، که در کتاب الذریعه ج ۱۳ یاد شده‌اند.



امام حسن بن علی عسکری علیه السلام

در این بخش نیز به دو متن مکتوب از حضرتش که هم اکنون موجود است، اشاره می‌شود:

۱- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام

تفسیری بر قرآن، که امام عسکری علیه السلام بر دو تن از اصحاب خود املاء فرمود و شامل تفسیر سوره حمد و آیاتی از سوره بقره است.

این تفسیر در اختیار بزرگانی مانند صدوق، طبرسی، شهید ثانی، بحرانی و مجلسی بوده و به آن اعتماد کرده‌اند. و به همین دلیل، اخباری فراوان به نقل از آن در کتابهای گذشته آمده است. آخرین چاپ کتاب، چاپی مصحح و منقح

است، براساس چندین نسخه، از جمله نسخه مورخ ۸۸۶، که به اهتمام آقای سید محمدباقر موحّد ابطّحی انجام شده است.

درباره این کتاب بنگرید: مقاله رضا استادی در مجله نور علم شماره ۱۳ ص. ۱۱۸ - ۱۵۱، مقدمه آقای سید محمدباقر ابطّحی بر تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام چاپ مدرسه الامام المهدی علیه السلام، قم.

۲- صلوات بر چهارده معصوم

دعایی که امام حسن عسکری علیه السلام در صلوات بر پیغمبر و حضرت زهرا و خاندان پیامبر علیهم السلام، بر عبدالله بن محمد عابد املاء فرمود، که نکات مهمی در تاریخ و فضائل این بزرگواران در بر دارد. دعا در «مصباح المتهدج» / ۳۵۷ به بعد، «جمال الاسبوع» / ۴۸۳ - ۴۹۴، و «شرح و فضائل صلوات» / ۱۸۸ - ۱۹۳ نقل شده است.

امام مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه

توقیعاتی که در زمان غیبت صغری و کبری، از ناحیه حضرت بقیة الله علیه السلام صادر شد. این توقیعات، در سالهای فتنه زای ابتدای غیبت و پس از آن، چراغ راه شیعه بود و در غالب کتب حدیث روایت شده اند از جمله:

«غیبت طوسی»، «کمال الدین»، «بحار الانوار» جلد ۵۳. کتابهایی مستقل نیز در این زمینه تألیف شده، از «توقیعات» ابوالعباس حمیری (متوفی ۲۹۹) - که امروزه موجود نیست - گرفته تا «کلمة الامام المهدی» تألیف سید حسن شیرازی و «المختار من کلمات الامام المهدی علیه السلام» محمد غروی نایینی.

نکته مهم

فعالیت علمی پیامبر و حضرت زهرا و ائمه اطهار علیهم السلام، منحصر به کتب یاد شده نیست. این کتابها و رساله‌ها، گوشه‌ای از تلاش علمی مکتب اهل بیت را در پاسداری از دین مبین در برابر هجوم دشمنان و تحریف منافقان نشان می‌دهد. هزاران حدیث موجود در کتب شیعه - که بخشی از احادیث روایت شده از معصومان پاک نهاد است - تاکنون چراغ راه هدایت بوده و همچنان هست.

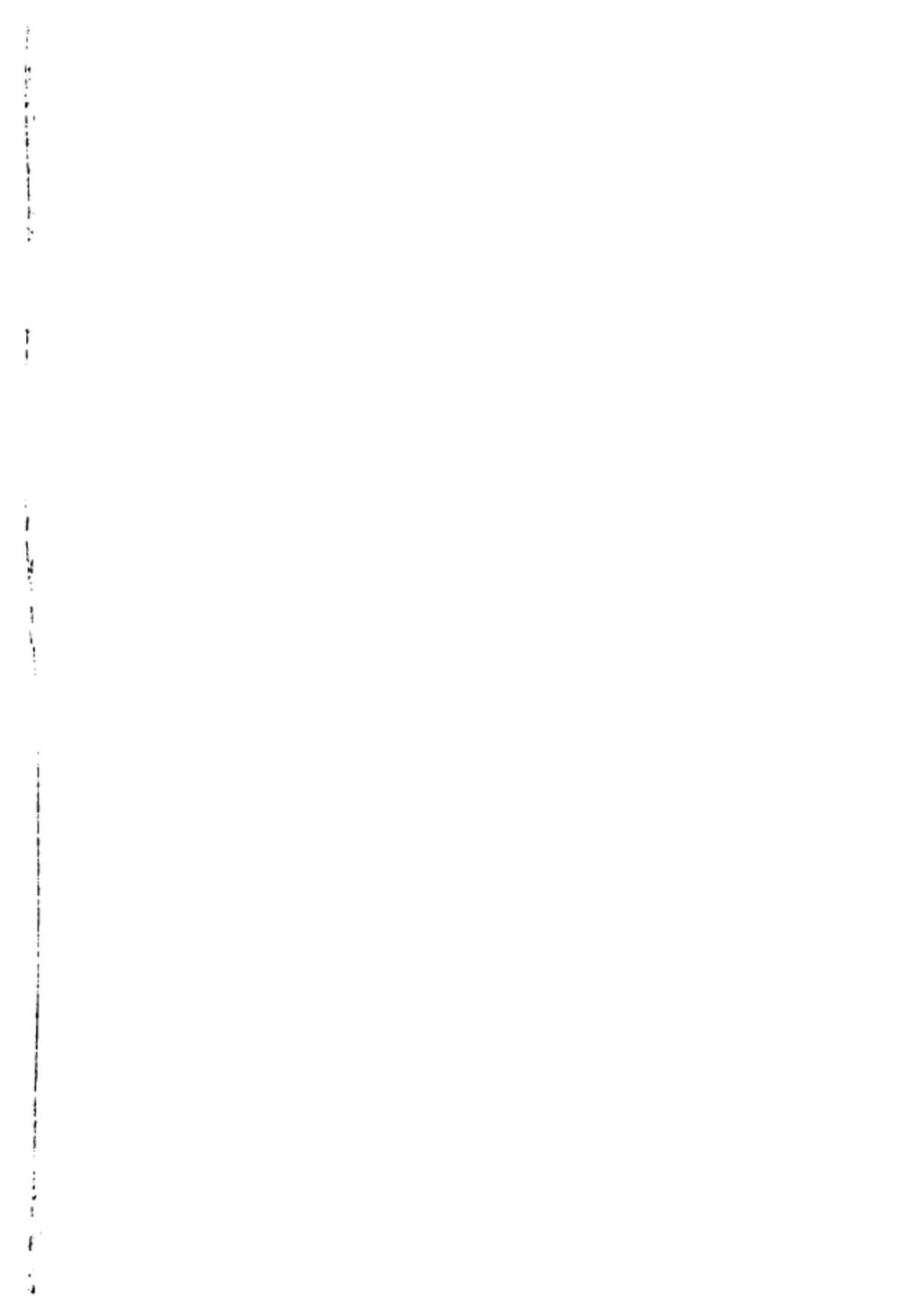
این تلاش مخلصانه، تاریخ مفصلی دارد، که گوشه‌ای از جلوه مکتوب آن در «اصول اربعمائة = اصول چهارصد گانه» نمودار است.

این اصول، منابع اصلی اندیشه شیعه در عقاید، فقه، تاریخ، اخلاق و دیگر زمینه‌های فکری را تشکیل می‌دهد که بیشتر آنها به صورت اصلی موجود نیست، ولی در کتب شیعه از قرن چهارم به بعد، نقل قولهایی فراوان از آنها انجام شده است، به ویژه در کتب «اربعه» که کتاب «تهذیب الاحکام» یکی از آنهاست.

توضیح کلی در مورد «اصول اربعمائة» و کتب اربعه، در فصل سوم می‌آید و در فصل پنجم، با کتاب تهذیب آشنا خواهیم شد.

فصل سوم

چهار صد اصل و چهار کتاب



اصول اربعمائه

در صفحات گذشته، تاریخ تدوین حدیث به اختصار بررسی شد. اینک بخشی دیگر از این تاریخ را مرور می‌کنیم، که تلاش بی‌دریغ شیعه را در راه نگاهبانی از حریم حرمت رسول خدا و جانشینان بر حق حضرتش علیهم‌السلام نشان می‌دهد.

این بخش به معرفی «اصول اربعمائه» - بطور کلی و اجمالی - اختصاص دارد. کلام را با تعریف «اصل» و بیان تفاوت آن با کتاب آغاز می‌کنیم:

- مولی عنایة الله قهپایی: اصل، مجموعه نصوص عبارات معصوم علیه‌السلام است. و کتاب علاوه بر آن، استدلال‌ها و استنباط‌های شرعی و عقلی را دربر می‌گیرد.

- سیدمهدی بحرالعلوم: اصل، یعنی کتابی مورد اعتماد، که از کتابی دیگر گرفته نشده است.

- مولی محمدباقر وحید بهبهانی: اصل، کتابی است، شامل احادیثی که مصنف اصل، مستقیماً یا به یک واسطه از معصوم روایت کند. احادیث معتمد موجود در

کتاب، غالباً از اصل گرفته می‌شود. (۱)

برای معرفی «اصل»، کلام جامع شیخ آقا بزرگ تهرانی را مرور می‌کنیم:
 اصل، عنوانی است برای نامیدن بعضی از کتب حدیث، چنانچه کتاب بر تمام کتاب‌های قدما اطلاق می‌شود. نامگذاری «اصل» برای آن کتابها، نه به جعل عالمان، بلکه به معنی لغوی این کلمه است. زیرا در کتاب حدیث، تمام احادیث را مؤلف از امام علیه‌السلام روایت می‌کند، یا نقل مستقیم، یا روایت با واسطه. اما اگر احادیث یک مجموعه، مستقیماً یا فقط با یک واسطه از معصوم روایت شد، در نتیجه، این مجموعه، از کتابی دیگر گرفته نشده، و «اصل» برای کتابهای بعدی است، و کتاب‌های بعدی، فرع بر آن اصل خواهد بود. وحید بهبهانی در تعریف خود از اصل، به همین معنی اشاره می‌کند. و این معنی با معنی اصل و فرع در نسخه‌برداری از کتاب تفاوت دارد. در این مورد، گفته می‌شود: نسخه اصلی اصل (خط مؤلف) و نسخه‌های فرعی آن. به عبارت دیگر، گاهی تقسیم اصل و فرع به اعتبار کتابشناسی است، و گاه به اعتبار نسخه‌شناسی.

بدیهی است که احتمال سهو و خطا و نسیان در اصلی که از امام یا به نقل راوی از امام شنیده شده، کمتر است تا کتابی که از اصل نقل شود. بنای متقدمان بر این بود که در حجیت حدیثی که از اصل معتمد - تألیف شده به وسیله راوی معتمد - نقل شود، هیچ تردیدی نکنند. شیخ بهایی در مشرق‌الشمسین، اموری نام می‌برد که متقدمان براساس آن ضوابط به صحت حدیث حکم می‌کردند، از جمله: وجود حدیث در یکی از چهارصد کتاب مشهور متداول، تکرر حدیث در یک یا دو اصل با سندهای مختلف، وجود حدیث در اصل یکی از اصحاب اجماع.

۱- تعریف‌های سه‌گانه، منقول از: مقدمه معجم بحار ۱/ ۴۶ - ۴۷.

محقق داماد، در «رواشح السماویة» همین مضمون را گفته است.

اما چنین کلامی در مورد کتب دیگر گفته نشده است. این مزیت اصول، به اعتبار نویسندگان اصول است. از این رو، یکی از جملات بیانگر مدح راویان حدیث، این است که: «او را اصلی است». این جمله نشان می‌دهد که او به ضبط عین الفاظ معصوم و حفظ آنها از خطا و اشتباه اهتمام داشته است. به دلیل همین اهتمام، گذشتگان ما، قرائت، روایت، حفظ، تصحیح و توجه به این اصول را - بیش از کتاب‌ها - مدنظر داشتند. و حتی برای این اصول و شرح حال صاحبان آنها فهرست‌های مخصوصی تدوین کردند. ابوالحسین غضائری - معاصر شیخ طوسی - چنین فهرستی نوشته بود، که به دست ما نرسیده است، اما شیخ طوسی در ابتدای کتاب الفهرست خود، از آن نام برده است.

تعداد دقیق اصحاب اصول روشن نیست. شیخ طوسی در ابتدای کتاب الفهرست خود می‌گوید: «من استیفای کتابهای شیعه را تضمین نمی‌کنم، چرا که کتابها و اصول دانشمندان شیعه، به دلیل گسترش آنها در شهرهای مختلف، قابل گردآوری نیست». در جایی که دانشمندی بزرگ مانند شیخ طوسی - با وجود قرب زمانی به دوره تألیف اصول، و وجود کتابخانه‌های معظم بغداد در آن روزگار - از استقصای اصول اظهار عجز کند، ما امروز چه باید بگوییم؟

اما - با وجود این مطلب - عنوان «چهار صد اصل» شهرت تاریخی یافته است. امین الاسلام طبرسی (متوفی ۵۴۸) در «اعلام الوری» گوید:

«چهار هزار تن از مشهوران اهل علم، از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند. و چهار صد کتاب در جواب مسائل نوشته شده، به نام اصول، که اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت کرده‌اند.»

این مضمون را محقق حلی (م ۶۷۶) در کتاب «المعتبر»، شهید اول در «ذکری»، شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی در «درایة»، میرداماد در «الرواشح

السماویة"، شهیدثانی در "شرح درایة"، و دیگران گفته‌اند.

تاریخ تألیف این اصول و سال وفات صاحبان اصول در کتابهای رجالی معین نشده است. اگرچه اجمالاً بتوان به قطع - مانند شیخ مفید - زمان تألیف آنها را از زمان امیرالمؤمنین تا آغاز زمان غیبت حضرت مهدی علیه‌السلام دانست. برای جمع بین این کلام و کلام قبلی (که اصول را مربوط به دوره امام صادق علیه‌السلام می‌داند) می‌گوییم که عمده غالب اصول - بجز تعداد اندکی از آنها - در زمان امام صادق علیه‌السلام نوشته شده، چرا که امکان انتشار علوم اهل بیت در آن زمان بیش از دوره‌های دیگر به دست آمد. گذشتگان شیعه نیز از این فرصت، بهره‌ای شایان بردند، که خدا آنان را جزای خیر دهد.

وصف این اصول و صاحبان آنها، در کتاب‌های رجالی قرن سوم بیان شد، مانند: رجال عبدالله بن جبلة کنانی (م ۲۱۹)، مشیخه حسن بن محبوب (م ۲۲۴)، رجال حسن بن فضال (م ۲۲۴)، رجال احمد بن محمد برقی (م ۲۷۴)، رجال احمد عقیقی (م ۲۸۰). اما به تصریح شیخ طوسی، در هیچکدام از این کتاب‌ها، بنا بر استقصای تام نبود. و لذا شرح حال بسیاری از اینان به دست ما نرسید.

شرایط اجتماعی آن روزگار نیز به انزوای این دانشوران کمک می‌کرد. و لذا، عمدتاً طبقات روایتی اینان شناخته شد. کتب رجالی قرن چهارم مطالبی دیگر داشتند، مانند: رجال حمید دهقان (م ۳۱۰)، رجال کشی (م ۳۲۸)، رجال کلینی (م ۳۲۹)، رجال ابن عقده (م ۳۳۳). و پس از آن نوبت به کتابهای رجالی قرن پنجم رسید.

باری، از این کتابهای رجال، شرح حال ۴۵۰۰ تن از یاران ائمه علیهم‌السلام بر می‌آید، که ۴۰۰۰ تن از آنان در زمان امام صادق بودند و ۵۰۰ نفر، اصحاب دیگر امامان علیهم‌السلام. در این میان، تعداد مصنفان از میان این اصحاب، به ۱۳۰۰ نفر نمی‌رسد. طبیعی است که بیشتر این مصنفان در زمان امام صادق

علیه‌السلام باشند، و اصول، عمدتاً در این زمان پدید آمده باشد. تمام این اصول موجودند: معدودی به همان شکل اولیّه سابق خود، و بیشتر، به شکل نقل قول در مجموعه‌های حدیثی منظم و موبّ، که امکان استفاده از آنها بهتر است. چرا که اصول، ترتیب موضوعی ندارند. و مجموعه‌هایی هستند از مطالبی که راوی از محضر امام معصوم علیه‌السلام استفاده کرده و نوشته است. پس از اینکه احادیث چهارصد اصل، در کتابهای فراوانی - به ویژه چهار کتاب مهم شیعه - نقل شد، اصول فراموش گردید و روایت و استنساخ آنها تحت الشعاع کتابهای جدید قرار گرفت، که علاوه بر اعتبار، ترتیب موضوعی هم داشتند، و استفاده از آنها آسانتر بود. لذا استنساخ از آنها انجام نگرفت. و نسخه‌های قدیم به تدریج نابود شد، به ویژه در آتش‌سوزی کتابخانه شاپور در کرخ بغداد در سال ۴۴۸.

بعضی از اصول، به همان شکل اولیه تا زمان ابن‌ادریس حلی موجود بود که وی در خاتمه کتاب «سرائر» خود از آنها نقل می‌کند. سیدابن طاووس (م ۶۶۴) نیز برخی از اصول را در اختیار داشت، که در آثار مختلف خود، مطالب آنها را نقل کرد. آنگاه به تدریج، نسخه‌های اصول از میان رفت. و شاید امروز بتوان بعضی از آنها را در گوشه و کنار دنیا پیدا کرد. (۱)

شیخ عبدالله مامقانی در بیان اختلاف اصل با کتاب می‌گوید:
صاحبان کتابهای رجال، برای ابن‌ابی عمیر، ۹۴ کتاب، و برای علی‌بن مهزیار، ۳۵ کتاب، فضل‌بن شاذان ۱۸۰ کتاب، یونس‌بن عبدالرحمن بیش از ۳۰۰ کتاب، و محمدبن احمدبن ابراهیم صابونی، بیش از ۷۰ کتاب بر شمرده‌اند. وقتی این پنج نفر، بیش از ۶۹۷ کتاب داشته باشند، مسلماً تعداد کتابهای علمای

شیعه بیش از اینهاست. (۱)

این چند نکته را به کلام علامه تهرانی می‌افزاییم که بعضی از اصول، در اختیار شهید اول بوده، که به گفته او، بر شیخ طوسی قرائت شده است. فهرست این اصول را میرزا حسین نوری در مستدرک الوسائل ۳/ ۲۹۸ - ۲۹۹ (چاپ قدیم) آورده است. و برخی دیگر که محدث عاملی ندیده، و در اختیار علامه مجلسی بوده و او نیز نسخه‌های آنها را منتشر ساخته است. (۲)

در مقدمه «جامع احادیث الشیعه» مرحوم آیه الله بروجردی آمده است:

«بعضی از فقهای شیعه در قرن سوم - که از طبقه ششم راویان حدیث، و عمدتاً اصحاب امام رضا علیه السلام بودند - مانند احمد بزنتی، جعفر بن بشیر، حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال، حماد بن عیسی، صفوان بن یحیی، و مانند آنها، به جمع و ضبط و تدوین اصول در «کتابهای جامع» همت گماشتند. نسل بعدی، بزرگانی همچون حسن بن سعید، حسین بن سعید، علی بن مهزیار کتابهای دیگری نگاشتند. و این همه، مصادر چهار کتاب شیعه (کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار) شد. (۳)

پیش از اینکه نام برخی از اصول را بیاوریم، به نمونه‌هایی از زحمات و تلاشهای محدثان برای حفظ احادیث اشاره می‌کنیم، و کلام را به یادی از سیدالوصیین و خاتم‌الوصیاء علیهما السلام زینت می‌بخشیم:

۱- مقباس الهدایة ۳/ ۲۳. شرح حال این افراد را در تنقیح‌المقال ببینید.

۲- تفصیل بحث در: مستدرک الوسائل ۳/ ۲۹۶ - ۳۰۷. و پس از آن: مختصری از اصل علاء بن رزین: همان منبع / ۳۰۷ - ۳۰۸ (چاپ قدیم). همچنین مرحوم شیخ علی نمازی شاهرودی، هفت اصل مخطوط و ۱۶ اصل مطبوع که در اختیار دارد، وصف می‌کند: الاعلام الهادیة الرفیعة / ۱۲۹ - ۱۳۰.

۳- الاعلام الهادیة الرفیعة / ۱۷۱ - ۱۷۲ به نقل از جامع احادیث الشیعه ۱/ ۳.

‡ جابر بن ارقم می‌گوید: در مجلسی با برادرم زید بن ارقم نشسته بودیم، که شخصی سوار بر اسب با زئی سفر پیش آمد، و سلام کرد. آنگاه ایستاد و پرسید: آیا زید بن ارقم در میان شماست؟ زید گفت: زید بن ارقم منم. چه خواهی؟ گفت: می‌دانی از کجا آمده‌ام؟ گفت: نه. گفت: از فسطاط مصر آمده‌ام تا در مورد حدیثی بیرسم که شنیده‌ام تو از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌به‌یاد داری. زید گفت: کدام حدیث؟ گفت حدیث غدیر خم ... آنگاه زید، حدیث غدیر را برایش باز گفت. (۱)

‡ ابوبrahیم کوفی گوید: بر امام صادق علیه‌السلام وارد شدم، در حالی که فرزندش ابوالحسن موسی بن جعفر علیه‌السلام در سنین نوجوانی نزد ایشان بود. امام صادق علیه‌السلام سخنی در مورد کاظم و حضرت مهدی علیهما‌السلام آغاز کرد. در حین سخن، مردی از حوالی بنی‌امیه وارد شد. امام علیه‌السلام، کلام را قطع کرد. پس از آن یازده بار نزد حضرتش رفتم تا باقی حدیث را بشنوم، اما نتوانستم. چون سال بعد فرا رسید، خدمت امام شتافتم. و بقیه حدیث را از ایشان فرا گرفتم. (۲) آری، به تعبیر شیخ یوسف بحرانی:

«احادیثی که در دست ماست، با بیداری شبها در تصحیح نصوص، و ذوب شدن گوشت بدنها در مقابله، و طی طریق در نقل، و ترک همسر و فرزندان در روایت به دست ما رسیده است، که بر پژوهشگر احادیث مخفی نیست...» (۳)

۱- بحارالانوار ۱۵۱/۳۷ - ۱۵۳، نقل از تفسیر عیاشی.

۲- بحارالانوار ۱۲۹/۵۲ نقل از کمال‌الدین.

این دو مورد، به کمک مستدرک سفینه‌البحار ۲/۲۲۵ و ۲۲۷ ذیل ماده

«حدث» و الاعلام الهادیة الرفیعة / ۱۴۷ استخراج و نقل شد.

۳- الاعلام الهادیة / ۱۷۰ نقل از حدائق الناضرة.

اسامی اصول موجود و مطبوع، و منابعی که درباره آنها توضیح داده در جدول زیر، به ترتیب الفبای نویسندگان آمده است.

نام صاحب اصل	منابع	موجود در
جعفر بن محمد بن شریح حصرمی	الذریعه ۱۲۲/۲ - ۱۲۵	الاصول السنة عشر / ۶۰ - ۸۳
جعفر بن محمد قریشی	معجم رجال الحديث ۱۳۰/۴	همان / ۹۲ - ۹۸
حسین بن عثمان بن شریک	الذریعه ۱۲۷/۲	همان / ۱۰۸ - ۱۱۴
خلاد سندی کوفی	الفهرست / ۱۲۴، الذریعه ۱۲۹/۲	همان / ۱۰۶ - ۱۰۷
درست بن ابی منصور داسطی	معجم رجال الحديث ۱۴۰/۷ - ۱۴۳	همان / ۱۵۸ - ۱۶۹
زید زراد	معالم العلماء / ۵۱، الذریعه ۱۵۱/۲	همان / ۲ - ۱۴
زید نوسی	معالم العلماء / ۵۱، الفهرست / ۱۴۷، الذریعه ۱۵۱/۲	همان / ۲۳ - ۶۰
سلام بن ابی عمیره خراسانی	الذریعه ۱۵۲/۲	همان / ۱۱۷ - ۱۲۱
عاصم بن حمید حناط کوفی	الذریعه ۱۶۲/۲	همان / ۲۱ - ۲۳
عباد عصفری کوفی	الذریعه ۱۶۳/۲	همان / ۱۵ - ۲۱
عبدالله بن جبیر	معجم رجال الحديث ۱۳۱/۱۰	همان / ۱۳۴ - ۱۵۰
عبدالله بن یحیی کاهلی	الذریعه ۱۶۳/۲	همان / ۱۱۴ - ۱۱۷
عبدالملک بن حکیم خثعمی کوفی	الذریعه ۱۶۳/۲	همان / ۹۸ - ۱۰۲
علی بن اسباط کوفی	الفهرست / ۲۱۱، معالم العلماء / ۶۳	همان / ۱۲۱ - ۱۲۳
علاء بن رزین ثقفی	الذریعه ۱۶۴/۲	همان / ۱۵۰ - ۱۵۸
منثی بن ولید حناط کوفی	الذریعه ۱۶۵/۲	همان / ۱۰۲ - ۱۰۸
محمد بن جعفر بزار قرشی	الذریعه ۱۶۵/۲ - ۱۶۶	همان / ۹۲ - ۹۸
محمد بن منثی حصرمی	الذریعه ۱۶۶/۲	همان / ۸۳ - ۹۲
سلیم بن قیس کوفی	بارها چاپ شده است. آخرین چاپ مصحح آن در سه جلد، با مقدمه و فهرس مبسوط در دسترس است.	

در منابع زیر، فهرستی از بعضی اصول که نام و نشانی از آنها به دست ما رسیده، آمده است:

- الذریعه ۱۳۵/۲ - ۱۶۷ (۱۱۸ عنوان).

- الذریعه ۴۷/۲۶ - ۴۹ (۴ عنوان).

- مقدمه معجم بحار ۴۹/۱ - ۵۲ (۱۲۲ عنوان).

- الاعلام الهادية الرفیعة ۵/ - ۱۲۸ (۶۵ عنوان).^(۱)

تفصیل کلام در مورد چهارصد اصل، در این مختصر نمی‌گنجد، طالبان به کتب رجال و حدیث، و نیز رساله "دراسة حول الاصول الاربعمائة" تألیف سید محمد حسین حسینی جلالی مراجعه کنند.

۱- ۵۲ عنوان از این ۶۵ عنوان، اصولی است که نام آنها در الذریعه نیامده است.

چهار کتاب

«دین را کتب اربعه چون جان باشد
این چار، چهار رکن ایمان باشد
هنگام جهاد نفس، این چهار کتاب
چار آینه صاحب عرفان باشد»^(۱)



«ای آنکه تو را غلط روی عادت و خوست
روکن به رهی که منزل رحمت اوست
می خوان کتب اربعه، کز وی هر سطر
راهی است که راست می رود تادردوست»^(۲)

اینک در برابر رشته‌ای از نور قرار داریم که در زمانی کمتر از دو قرن پدید آمد. و تاکنون بیش از هزار سال است که این کهکشان در آسمان علم و دین، نور می‌افشاند.

چهار کتاب، که با اخلاص، تلاش، و جهاد سه اندیشمند دردمند قرن چهارم و پنجم پدید آمد، هر کدام در اجابت خواسته‌ای و برای حلّ مشکلی. و اکنون نیز رکن و عماد اصلی شیعه و سند مکتوب حقانیت این دین مبین است. این چهار کتاب، از تبویب و تنظیم موضوعی چهارصد اصل پدید آمد، هر کدام با هدفی ویژه و روشی جداگانه، که اکنون به معرفی کتابها و نویسندگان آنها می‌پردازیم.

۱- سفینه النجاة / مولی محمد طاهر قمی - ص ۱۳۷.

۲- همان مدرک.

۱/۱ - ثقة الاسلام کلینی

ثقة الاسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (۱)

نسب او از طریق پدر چنین بود. و از طریق مادر نیز به خاندانی دانشور می‌رسد، که در میان آنها دایی او علی بن محمد بن ابراهیم علان کلینی، جد او محمد بن ابراهیم، عموی مادرش و جد مادرش احمد بن ابراهیم، ابراهیم کلینی شهرتی دارند. (۲)

سال تولد او روشن نیست. اما به قرینه بعضی از مشایخ او در حدیث - مانند احمد بن محمد بن عیسی اشعری، محمد بن حسن صفار، سهل بن زیاد آدمی رازی - و نیز شرکت در تشییع جنازه «احمد بن محمد بن خالد برقی» (متوفی ۲۷۴ یا ۲۸۰)، می‌توان گفت که در نیمه دوم قرن سوم می‌زیسته است.

در «کلین» زاده شده و در ری علم آموخت، سپس به بغداد کوچید و آنجا درگذشت و مدفون گردید.

مشایخی داشت، از جمله:

عبدالله بن جعفر حمیری، قاسم بن علاء آذربایجانی، محمد بن احمد قمی، محمد بن حسن طایبی رازی، و علان کلینی. و شاگردانی داشت، از جمله: احمد بن ابراهیم صیمری، ابوالحسن بن داوود، احمد بن محمد ابو غالب زراری، جعفر بن محمد (ابن قولویه)، علی بن عبدالله وراق، محمد بن ابراهیم نعمانی، محمد بن احمد صفوانی، محمد بن حسین بزوفری، ابوالفضل شیبانی، ابوالرجاء

۱- «کلین» - بر وزن حسین - از توابع شهر ری بوده که هم اکنون قبر یعقوب بن اسحاق - پدر کلینی - در آن موجود و مشهور است. کلینی، قطعاً ایرانی بوده که در سالهای آخر عمر، برای ترویج کتاب کافی به بغداد رفت، و همانجا درگذشت.

۲- الشیخ الكلینی / ثامر هاشم، ص ۶۹.

بلدی، محمد بن عصام کلینی، هارون بن موسی تلعبری. (۱)

نگاهی به تألیفات کلینی - به جز کافی - جامعیت علمی او را نشان می‌دهد، گرچه متأسفانه هیچکدام جز کافی به دست ما نرسیده است. این آثار، تا آنجا که در کتابهای تراجم و رجال یاد شده، چنین است:

۱ - تعبیر الرؤیا. کلینی، احادیث چندی در روضه کافی در مورد تعبیر خواب روایت کرده (از جمله: حدیث ۹۰، ۹۱، ۲۲۲، ۲۵۷، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۳۵، ۳۳۶). ولی این کتاب، مستقلاً در این موضوع بوده است.

۲ - الردّ علی القرامطة. این کتاب، در زمانی نوشته شد که حرکات زیانبار قرامطه علیه جامعه اسلامی - خصوصاً هجوم به بیت‌الحرام در سال ۳۱۷ هجری - مشکلاتی ایجاد کرده بود. از این ردّ، علی بن حاتم قزوینی، خلیل بن ظفر اسدی، و پیش از آنها فضل بن شاذان نیشابوری نیز کتاب‌هایی در ردّ قرامطه نوشته بودند.

۳ - رسائل الائمة. شامل نامه‌هایی که ائمه اطهار علیهم السلام به دیگران نوشته بودند. این کتاب، در اختیار سید ابن طاووس بوده، و در کشف المحجّة، وصیت‌نامه امیرالمؤمنین به امام حسن مجتبی علیهما السلام را از رسائل کلینی نقل کرده، و روایت کلینی را بر روایت دیگری از این وصیت‌نامه ترجیح می‌دهد. سید ابن طاووس در «فتح الابواب» نیز روایاتی از رسائل کلینی نقل کرده است.

۴ - رجال. این کتاب نیز از کتب مفقوده کلینی است که در صورت وجود، اطلاعات مفید و مهمی از رجال و فرقه‌ها و تراجم بزرگان صدر اسلام به دست می‌داد.

۵ - ماقیل فی الائمة علیهم السلام من الشعر. شعرای فراوانی در طول حیات علمی، در مدح ائمه اطهار علیهم السلام شعر سرودند. چنانکه در فصل چهارم اشاره شده، دیوانهای بسیاری از اینان طعمه حریق شده و از میان رفته است. به هر حال، این کتاب، فصلی مشبع از ادبیات عرب را تشکیل می‌داده است.

۱/۲ - کافی

گویاترین کلام در مورد انگیزه تألیف این کتاب شریف - که به تعبیر شیخ مفید، از برترین و پرفایده‌ترین کتابهای شیعه است و تدوین آن بیست سال طول کشیده - سخن نویسنده بزرگوار در مقدمه کتاب است، که در عین اختصار، حقایق بسیاری را بیان کرده است. و با وجود اهمیت فراوان، کمتر به آن مراجعه و از آن استفاده می‌گردد.

به همین دلیل، ترجمه آن - به طور کامل و تمام - نقل می‌شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستایش خدای راست که برای نعمتش ستایش شده و برای قدرتش پرستیده گشته، در سلطنت خویش فرمانرواست و به جهت شوکتش از او بیم دارند، بدانچه نزد اوست رغبت شده، فرمانش بر همه مخلوق جاری است، والاست در نهایت والائی، نزدیک است و در عین حال بلند مرتبه، از دیدگاه بینندگان فرا رفته، نا آغازست و بی‌انتهای، پیش از همه چیز برجا بوده و همیشه نگهدار آنها است، زبردستی که نگهداری همه چیزش خسته نکند، توانائی که به عظمتش در سلطه آسمانی فرید است و به قدرتش در بزرگ‌منشی وحید، آیاتش را به حکمتش بر مخلوق هویدا کرد، همه چیز را بی‌سابقه آفرید و به قدرت و حکمت خویش نقشه آنها را آغاز نمود، ماده‌ای نبود تا اختراع صدق

نکند و علتی نداشت تا ابتداء درست نیاید.

آنچه را خواست چنانکه خواست آفرید و برای نمایاندن حکمت و حقیقت ربوبیتش در این آفرینش یکتاست، خردهایش فرا نگیرند و اندیشه‌ها بدو نرسند، دیدگانش در نیابند و اندازه بر او احاطه نکند، بیان از وصفش ناتوان است و دیدگان در آستانش نایبنا و هرگونه توصیفی در مقامش نارسا، بی‌مانع نهان است و بی‌پرده پنهان، نادیده شناخته شده و بی‌شکل توصیف گشته و بی‌جسم تعریفش کنند، معبودی جز خدای بزرگ و والا نیست، اندیشه‌ها از رسیدن به حقیقتش حیران شده و خردها از درک نهایتش سرگردان، خیال تیز پر به وی نرسد و دیده‌گذرا درکش نکند و اوست شنوا و دانا.

با فرستادگانش بر مخلوق حجت آورد و هر امری را با دلیل خود روشن ساخت. پیمبران را مژده دهان و بیم دهان فرستاد تا هر که هلاک شود به دلیلی روشن هلاک شود و هر که زنده و سعادت‌مند گردد به دلیلی روشن زنده ماند و تا بندگان آنچه نمی‌دانند از پروردگارش بیاموزند و ربوبیتش را پس از آنکه منکر بودند معترف شوند و بعد از آنکه با شریکش می‌پنداشتند یکتا پرست گردند. او را می‌ستایم چنانکه درمان روانها و موجب خرسندی وی و شکرانه نعمتهای شایان و فراوان و آزمایش نیک او باشد.

و گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه بی‌شریک نیست، خدائی یکتا، بی‌مانند، بی‌نیاز که نه همسری گیرد و نه فرزندی دارد.

و گواهی دهم که محمد صلی‌الله‌علیه و آله بنده‌ای است که او را برگزیده و فرستاده‌ای است که او را برانگیخت در زمان فترت رسولان و خواب دراز ملتها و گسترش نادانی و سرکشی فتنه و گسیختن اساس محکم و کوری از دریافت حق و سربچی ستم و نابودی دیانت.

و قرآن را به سویی فرستاد که در اوست بیان و توضیح حقیقت، قرآنی است به لسان عربی، بدون کجی و انحراف تا شاید مردم

پرهیزکار شوند. قرآن را برای مردم بیان کرد و توضیح داد، با برنامه روشنی که تشریحش فرمود و دینی که توضیحش داد، دستوراتی که آن را لازم شمرد و امور دیگری که برای مخلوقش آشکار و هویدا ساخت، در آن امور است رهنمائی به سوی نجات و نشانه‌هائی که به هدایت کشاند.

پیغمبر هم مأموریت خویش را تبلیغ نمود و دستور خود آشکار ساخت و تکلیفش را که بار نبوت بود به منزل رسانید و برای رضای پروردگارش صبر کرد و در راهش جهد نمود و امت خود را نصیحت کرد و به راه نجاتشان دعوت فرمود و به یاد خدا و ادا کرد.

و برای پس از خود هم ایشان را به راه هدایت دلالت فرمود، به سبب راههای روشن و انگیزه‌هائی که برای بندگان پایه‌گذاری فرمود و پرچمهای مناره‌های روشن را بر ایشان برافراشت (یعنی امامان دوازده‌گانه را برای رهبری امت معرفی فرمود). تا پس از وی گمراه نگردند چون نسبت به ایشان مهربان و دلسوز بود.

و چون روزگارش سپری و عمرش به پایان رسید خدایش به سوی خود خواند و روحش را دریافت داشت در حالتی که کردارش پسندیده خدا و بهره‌اش بسیار و مقامش شامخ بود. او درگذشت و در میان امتش کتاب خدا و جانشینش امیرمؤمنان و پیشوای پرهیزکاران علیه‌السلام را به جای گذاشت که دو همدم خو گرفته بودند و هر یک گواه درستی دیگری.

(گواهی ایشان چنین است که) آنچه را خدا بر بندگان در قرآن واجب فرموده امام از جانب حق بیان می‌کند مانند اطاعت خدا و اطاعت امام و دوستی امام و حق لازم وی که به وسیله آن خدا خواست دینش را کامل و امرش را ظاهر کند و با حجت‌های خویش اقامه حجت کند و از نور خود او بندگان پرتو گیرند، نوری که در معادن برگزیدگانش و انتخاب شده از نیکانش می‌باشد.

و خدا به وسیله پیشوایان هدایت - که خاندان پیغمبر ما می باشند - دینش را آشکار نمود و راههای راست خود را روشن ساخت و حقیقت چشمه های دانش خویش را بر گشود، ایشان را طریق معرفتش و نشانه های دینش و دربانان بین خود و خلقتش و باب شناسائی حقش قرار داد و محرم اسرار نهفته خویش ساخت.

هرگاه یکی از آن امامان در می گذشت از دنبال او امامی هویدا و رهبری پرتو افکن و پیشوائی نگهدار بر می گماشت، همه به حق هدایت می کردند و به حق حکم می نمودند، ایشان حجت های خدا و خوانندگان به سویس و سرپرستان خلقتش بودند تا بندگان به رهبری آنان دینداری کنند، و شهرها به نور علم ایشان روشن باشند، خدا ایشان را مایه زندگی مردم و چراغهای تاریکی و کلیدهای سخنوری و ارکان اسلام قرار داد و نظام اطاعت و تمامیت دستور واجب خویش را در احکامی که معلوم است، پذیرفتن از ایشان و در آنچه نامعلوم است، ارجاع دادن به آنها مقرر داشت.

و پیشدستی کردن دیگران را در اعتقاد به آنچه نمی دانند و انکار آنچه می دانند روا ندانست، چون اراده فرمود هر که را از مخلوقش بخواهد از پیش آمدهای تاریک و مجهولات پوشیده دست گیری کند، درود خدا بر محمد و خاندان نیکش که خدا پلیدی را از آنها شسته و به خوبی پاکشان فرمود.

اما بعد: ای برادر! آگاه شدم از آن شکایت که نسبت به مردم زمان ما نمودی که ایشان بر نادانی با هم سازش نموده و در آبادانی راه جهالت همدست و کوشایند تا آنجا که نزدیک است دانش به کلی از ایشان رخت بر بندد و ریشه کن گردد، چون ایشان بر اعتماد به جهل و تباہ ساختن دانش و دانشمند خرسند گشته اند.

و پرسیدی که آیا رواست مردم بر نادانی بپایند و از روی گمان به دین دل خوش کنند. چون در ظاهر به دین اسلام گرویده اند ولی

مقرراتش را به طور دلخواه و عادت و تقلید از پدران و نیاکان و بزرگان باور کرده و در مطالب مهم و غیر مهم به عقل خود اعتماد می‌کنند.

پس بدان ای برادر - که خدایت رحمت کند - خدای تبارک و تعالی به سبب هوش و عقلی که در خلقت بندگانش آمیخت ایشان را از چارپایان ممتاز ساخت و شایسته امر و نهی فرمود و آنها را دو دسته ساخت: (گروهی) مردم سالم و بی‌عیب، (و گروهی دیگر) و کوران و زمین‌گیران (مراد به دسته اول آنهاست که شرایط تکلیف را دارند و مقصود از دسته دوم دیوانگان و کودکانند که تکلیف ندارند).

پس در مورد سالمان بعد از آنکه ابزار تکلیفشان را کامل ساخت، به امر و نهی مخصوص گردانید و از معیوبان تکلیف را برداشت. زیرا آفرینش ایشان را طوری قرار داد که تحمّل آموزش و پرورش نتوانند کرد. و سالمان را سبب بقای ایشان قرار داد و بقاء سالمان را به آموزش و پرورش مقرر فرمود. اگر برای سالمان جهالت روا باشد، روا است که تکلیف از ایشان برداشته شود و در آن صورت آمدن دستورات و کتب آسمانی و پیمبران بیهوده باشد و این خود موجب فساد تدبیر و رجوع به گفتار طبیعین است.

بنابراین مقتضای عدل و حکمت الهی این است که مخلوقی را که قابل تکلیف آفریده، امر و نهی کند تا وجود ایشان بیهوده و مهمل نباشد و به عظمت و یگانگی و ربوبیتش اقرار کنند، و بدانند که او خالق و رازق ایشان است، زیرا گواهان پروردگارش هویدا و حجت‌های آشکار و روشن و علاماتش واضح است، مردم را به یگانگی خدای عزوجل دعوت کنند و به ربوبیت سازنده خویش گواهی دهند زیرا آثار صنع خدا و شگفتی‌های تدبیرش در آنها نمایانست.

خدا هم این مردم را به شناسائی خود دعوت بر خود نموده تا شناختن خود و دین و احکامش را بر مردم روا نداشته باشد، زیرا شخص حکیم جهالت و انکار دین را روا نداند. از این جهت فرموده

است «مگر در کتاب از آنها پیمان گرفته نشد که درباره خدا جز حق نگویند» (اعراف / ۱۶۹) و نیز فرمود: «بلکه تکذیب کردند چیزی را علمش را خوب فرا نگرفتند» (یونس / ۴۱) بنابراین وظیفه مردم منحصر در اطاعت امر و نهی الهی است و نیز به گفتار حق مأمورند، پایداری بر نادانی را اجازه ندارند. خدای ایشان را به پرسش و فهمیدن امور دین امر کرده و فرموده است «چرا از هر گروه ایشان جمعی سفر نکنند تا در امر دین دانش اندوزند و چون بازگشتند قوم خود را بیم دهند». (توبه / ۱۲۴) و نیز فرمود «اگر خودتان نمی دانید از اهل کتاب بپرسید». (نحل / ۴۳)

پس اگر برای سالمان پایداری بر نادانی روا بود، ایشان را به پرسش امر نمی فرمود و به فرستادن پیمبران و کتب و دستورات نیازی نبود. و در این صورت ایشان مانند چارپایان و ناسالمان بودند. و چون چنین می بودند، چشم به هم زدنی باقی نمی ماندند.

و چون بقائشان جز با تعلیم و تربیت روا نباشد، لازم شد هر که خلقتش سالم و ابزار تکلیفش کامل است، برای خود معلم و رهنما و مشاور و فرمانده و بازدارنده گیرد، و راه آموزش و پرورش و پرسش پوید.

پس سزاوارتر چیزی که عاقل برگیرد و متفکر باهوش آن را جوید و شخص با توفیق و درست‌رو در آن کوشد، همانا علم دین و شناختن روش عبادتی است که خدا از خلقتش خواسته و آن توحید و مقررات و احکام و امر و نهی و جلوگیریها و آداب او می باشد. زیرا حجت تمام است و تکلیف، لازم و عمر، کوتاه و تأخیر، ناپذیرفته، و در روش عبادتی که خدا از خلقتش خواسته، شرط است که تمام واجبات را مردم از روی علم و یقین و بصیرت به جای آرند که در این صورت، به جای آورنده آنها نزد خدا پسندیده و سزاوار ثواب و پاداش بزرگ او گردد.

زیرا کسی که بی‌دانش و بصیرت کاری انجام دهد، نمی‌داند چه می‌کند و برای کی انجام می‌دهد و چون نادان است به کار خود اطمینان و تصدیق ندارد، زیرا تا زمانی که کسی به معتقداتش بدون شک و تردید آشنا نباشد، او را تصدیق کننده نگویند. زیرا شک دارنده، شوق و ترس و خضوع و تقرب عالم با یقین را ندارد و خدای عزوجل فرموده است «مگر کسانی که به حق گواهی داده و خودشان علم داشته باشند». (سوره زخرف، آیه ۸۶)

پس گواهی پذیرفته شد به جهت علم به آن. و اگر علم به گواهی نباشد، پذیرفته نیست. و کسی که از روی شک و بدون علم و بصیرت انجام وظیفه می‌کند، کارش با خداست، اگر خواهد بر او تفضل نموده، عملش بپذیرد و اگر خواهد نپذیرد، زیرا خدا با او شرط کرده که واجباتش را از روی علم و بصیرت و یقین انجام دهد، تا از آنها نباشد که خدایشان چنین توصیف نمود «از جمله مردمان، کسی است که خدا را با دو دلی پرستد، اگر چیزی به او رسد به خداپرستی قرار گیرد، و اگر بلائی به او رسد روی بگرداند، دنیا و آخرت را زیان کند و زیان آشکار همین است». (سوره حج، آیه ۱۲)

چون او بدون علم و یقین در دین داخل شده، خروجش از دین هم بی‌علم و یقین است. و امام علیه‌السلام فرموده است: «کسی که از روی علم داخل ایمان شود ثابت ماند و ایمانش او را سود بخشد. و کسی که بدون علم داخل شود» و همچنانکه داخل شده خارج می‌شود و نیز فرموده است: «هر که دینش را از کتاب خدا و سنت پیغمبرش (ص) برگیرد از کوهها استوارتر است و کسی که دینش را از دهان مردم گیرد همان مردمش از دین برگردانند». و باز فرمود: «هر که امر امامت ما را از قرآن نفهمد از فتنه‌ها بیرون نرود».

از این روست که بر مردم روزگار ما کیشهای باطل و مذاهب زشتی - که تمام شرایط کفر و شرک را دارد - رخنه کرده است. اینها همه به

توفیق و خذلان خدای متعال بستگی دارد. هر که را خدا خواهد موفق باشد و ایمانش ثابت برجا ماند، اسبابی برایش فراهم کند که او دینش را از کتاب خدا و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله با علم و یقین و بصیرت برگیرد. این است آنکه در دین خود از کوههای محکم استوارتر است.

و هر که را خواهد واگذارد و دینش عاریت و ناپایدار باشد - پناه به خدا می‌بریم از این حالت - برایش اسباب دلخواهی و تقلید و تأویل بی‌علم و بصیرت فراهم سازد. و کارش به خواست خدا مربوط است، اگر خواهد ایمان ناقصش را کامل کند و اگر خواهد از او بگیرد. و در امان نیست که صبح مؤمن باشد و شب کافر، یا شب مؤمن باشد و صبح کافر، زیرا که چنین شخصی هرگاه یکی از بزرگان را ببندد و گراید و هر چه را خوش ظاهر ببندد بپذیرد، در صورتی که امام علیه‌السلام فرموده است: «خدای عز و جل پیمبران را برای پیمبری آفرید و جز آن نباشند و اوصیاء را برای وصایت آفرید و جز آن نباشند و ایمان مردمی را هم عاریت قرار داد، اگر خواهد ثابتش قرار دهد و اگر خواهد از ایشان جدا کند» و درباره‌ی ایشان صادق است گفتار الهی: «ایمان برخی پابرجاست و از بعضی ناپایدار.» (سوره انعام، آیه ۹۸)

و تو یادآور شدی که مطالبی برایت مشکل شده که به واسطه‌ی اختلاف روایات وارده در آنها حقیقت آنها را نمی‌فهمی. و دانسته‌ای که اختلاف روایت مربوط به اختلاف علل و اسباب آن است. و به دانشمند مورد اعتمادی که در این قسمت وارد باشد دسترسی نداری تا با او مذاکره و گفتگو کنی. و گفتمی که می‌خواهم کتابی داشته باشم که تمام قسمتهای علم دین در آن باشد که دانشجو را بی‌نیاز کند و مرجع هدایت خواه باشد: و کسی که علم دین و عمل به اخبار صحیح امامان صادق و سنتهای ثابتة مورد عمل را خواهد از آن کتاب برگیرد، و واجبات خدا و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله را از روی آن کتاب

انجام دهد.

و گفتی که اگر چنین کتابی باشد، امیدوارم خدای تعالی به وسیله آن و به یاری و توفیق خویش، برادران و هم مذهبان ما را اصلاح کند و به هدایتشان متوجه کند.

پس بدان ای برادر - که خدایت هدایت کند - کسی را نمی‌رسد که به نظر خویش روایات مختلفه‌ای را که از امامان علیهم‌السلام رسیده است تشخیص دهد مگر به دستور خود امام علیه‌السلام و آن به یکی از سه راه است:

۱ - روایت را با قرآن بسنجید. آن را که مطابق قرآن است بگیرید و آن را که مخالف است رد کنید.

۲ - روایتی که مطابق گفتار عامه است رها کنید زیرا هدایت در مخالفت ایشان است.

۳ - روایتی که مورد اتفاق است بگیرید زیرا در مورد اتفاق تردیدی نیست.

و ما با این دستور، فقط مقدار کمی از روایات را تشخیص می‌دهیم و (نسبت به باقی روایات مختلف) راهی وسیعتر و با احتیاط‌تر از این نمی‌دانیم که علم آنها را به خود امام رد کنیم و دستور آسانی که امام علیه‌السلام داده است بپذیریم که فرموده است: «هر کدام از دو روایت مختلف را که گردن نهید برای شما جایز است.»

خدا را شکر که تألیف کتابی را که خواستی میسر کرد. امیدوارم چنانکه خواستی باشد. اگر در آن کوتاهی رفته باشد در نیت ما که خیرخواهی است کوتاهی نبوده. زیرا خیرخواهی برادران و هم مذهبان بر ما واجب است.

به علاوه ما امیدواریم که با مردم این زمان و آنها که تا پایان دنیا از این کتاب استفاده و به آن عمل می‌کنند در ثواب شریک باشیم، زیرا پروردگار بزرگ و عزیز یکی است و پیغمبر محمد آخرین پیمبران -

حق - (صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین) یکی است و شریعت یکی است، حلال محمد صلی الله علیه و آله حلال، و حرامش حرام است تا روز قیامت.

ما اندکی کتاب حجت را تفصیل دادیم، اگر چه چنانچه سزاوارش بود تکمیل نکردیم، زیرا نخواستیم تمام بهره‌های آن را کاهش دهیم. و امیدوارم که خدای عزوجل امضاء این نیت ما را تسهیل فرماید تا اگر اجل مهلت دهد کتابی مفصلتر و کاملتر از این بنویسیم که تمام حقش ادا کنیم به خواست خدا و به حول و قول او.

امید افزون شدن کمک و توفیق تنها به او است. و درود بر سید ما محمد پیمبر و خاندان نیک طاهرش.

من این تصنیفم را با کتاب عقل و فضائل علم و بلندی درجه و ارجمندی دانشمندان و نقص جهل و پستی و بی‌ارزشی جاهلان شروع می‌کنم زیرا عقل محوری است که همه مدار بر آن است، و سود و زیان ثواب و کیفر متوجه او است [و خداست توفیق ده].*

* اصول کافی ۱/۱ - ۱۰، ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه مرحوم سید جواد مصطفوی. تهران: اسلامیه، ۱۳۵۱.

توضیح در مورد کتاب کافی

کتاب کافی، سه قسمت اصلی دارد: اصول، فروع، روضه.

اول - اصول

شامل عقائد و اخلاق است. بخش عقائد، در چهار عنوان (عقل و جهل، فضل علم، توحید، حجّت)، و بخش اخلاق در چهار عنوان (ایمان و کفر، دعاء، فضل قرآن، معاشرت) این مباحث را در ضمن ۳۷۸۳ حدیث - تحت عنوان ۵۰۵ باب - آورده است. ثقة الاسلام کلینی در نظر داشته در مورد امامت کتابی مستقل بنویسد، چنانچه در معرفی کتاب الحجة بیان می‌دارد.

قدرت علمی شیخ کلینی - در زمینه فقه، تاریخ، کلام و ادبیات - در معدود تعلیقات او بر احادیث روشن است. اصول کافی، از آنجا که قدیم‌ترین کتاب مستند شیعه در اصول عقائد است، بیش از دیگر بخشهای کافی در معرض استفاده، مراجعه، تدریس، شرح و ترجمه قرار گرفته است.

دوم - فروع

بخش فقهی کافی، که نخستین تنظیم و ترتیب فقهی را ارائه کرد، و اکثر کتابهای فقهی و جوامع حدیثی فقهی، روش او را پیروی کردند. از کتاب طهارت آغاز، و به کتاب سوگندها و نذرها و کفّارات ختم می‌شود. این بخش از کافی در جلد قرار دارد.

کتاب «الشیخ کلینی و کتاب الکافی»، تحلیلی است استنادی از این بخش کافی، که منابع آن را شناسانده است.

سوم - روضه

شامل احادیث متفرقه از خطبه‌ها، نامه‌ها و مواعظ ائمه اطهار علیهم السلام، اخباری در تفسیر آیات قرآن، اخلاق، قصص انبیاء علیهم السلام و مباحث دیگر، که بدون نظم و ترتیب موضوعی در کنار هم گرد آمده‌اند. و به ۵۹۷ حدیث می‌رسد.

این بخش نیز به فارسی ترجمه شده است، ولی - به دلیل عدم تبویب یا دلیل دیگر - از نظر شهرت به پایه اصول کافی نمی‌رسد.

دهها کتاب در مورد کافی نوشته شده، که نامر هاشم حبیب در کتاب خود (الشیخ الكلینی) تحت عنوان «جهود العلماء حول الكافي» به صورت زیر تقسیم کرده است:

شروح کل کتاب، شروح بعضی از احادیث، حواشی کافی، تحقیق در بعضی موارد کافی (عمدتاً آسانید)، اختصار احادیث، ترجمه‌ها به زبان فارسی، چاپهای مختلف، فهارس کافی.

وی تحت هر عنوان، مواردی مختلف آورده است. (الشیخ الكلینی / ۱۶۰ - ۱۷۷). مشهورترین شرح کافی، مرآة العقول علامه مجلسی در شرح تمام کتاب و شرح کافی مولی محمد صالح مازندرانی در شرح قسمت اصول و روضه است. از جمله مزایای کافی برشمرده‌اند:

- ۱ - نزدیکی زمان ثقة الاسلام کلینی به دوره اصول چهارصدگانه.
- ۲ - عناوین گویا برای ابواب، در کمال اختصار و روشنی.
- ۳ - بیان احادیث مربوط به هر باب در همان باب.
- ۴ - نقل متن کامل احادیث، بدون نقل به مضمون یا اختصار، و جداسازی توضیحات از متن به شکل روشن.

۵ - بیان سلسله سند در ابتدای همه احادیث، و پرهیز از اختصار در این مورد.

۶- احتراز از نقل روایات متعارض با عنوان باب، که قطعاً به دلیل عدم اطلاع ثقة الاسلام کلینی از این اخبار نبوده، بلکه به هدف تألیف بر می‌گردد.

۷- اهتمام و دقت شیخ کلینی در ترتیب ابواب، که سرمشق دیگر محدثان شده است.

۸- آغاز از کتاب العقل و الجهل، که عقل موهبتی فطری الهی را به عنوان حجت باطنه الهی - در کنار حجت ظاهره (پیامبران و امامان) - می‌شناساند. تقدّم کتاب عقل و جهل بر کتاب توحید، نشان می‌دهد که توحید نیز به عقل شناخته می‌شود و البته این عقل، همان عقل به معنی رایج فلسفی آن نیست.

کافی، شامل ۱۶۱۹۹ حدیث است، در حالی که مجموع روایات صحیح مسلم و صحیح بخاری - مهمترین کتب اهل سنت - به ۷۰۰۰ نمی‌رسد. و مجموع اخبار چهار کتاب دیگر مهم اهل سنت، به ۹۰۰۰ بالغ نمی‌گردد. یعنی روایات کافی، به تنهایی از شش کتاب مهم اهل سنت بیشتر است.

این مقایسه کمی خود گویای اهمیت کافی است. و اگر مقایسه کیفی و محتوایی را نیز بدان بیافزاییم، به نتایج عمیق‌تر دست می‌یابیم، دین حق را - دینی که با عقل فطری موهبتی الهی سازگار است - به خوبی و روشنی به اهل انصاف نشان می‌دهد.

۲/۱ - شیخ صدوق

شیخ صدوق (محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی) در حدود ۳۰۶ هجری قمری به دعای حضرت صاحب الامر علیه السلام در شهر قم دیده به جهان گشود. و در سال ۳۸۱ هجری در ری درگذشت.

پدرش علی بن حسین بن بابویه - که گاهی صدوق اول نامیده می‌شود - در زمان غیبت صغری می‌زیست. و برای طلب فرزند، نامه‌ای به خدمت حضرت

صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه نگاشت. و توسط حسین بن روح نوبختی به خدمت حضرتش فرستاد، و از امام زمان علیه السلام خواست تا برای فرزنددار شدن وی دعا کند. چندی بعد، پاسخ امام علیه السلام رسید که او را به داشتن دو فرزند فقیه پرخیر و برکت در آینده بشارت می داد. و در مورد "محمد"، تعبیراتی بکار رفته بود، مانند "فقیه خیر مبارک ینفع الله به". شیخ صدوق، در کتاب «کمال الدین»، که در اوایل غیبت کبری در زمینه اثبات وجود و امامت حضرت حجة بن الحسن ارواحنا فداه نوشته، یکی از دلایل وجود امام زمان را وجود خودش می داند. و می گوید:

«من خودم، به دعای صاحب الامر علیه السلام زاده شدم.»^(۱)

صدوق، از خاندانی دانش پرور بود که نام و شرح حال بعضی از آنها را شیخ سلیمان بحرانی در "رسالة علماء آل بابویه" آورده، و در منابع دیگر هم اشاره به آنها شده است.^(۲)

اولین استاد صدوق پدرش بود، که از مشایخ مهم قم به شمار می آمد. عمری پر برکت داشت. ابن ندیم، تعداد کتابهای او را ۲۰۰ کتاب می داند، که تنها دو کتاب «الهدایة» و «الامامة و التبصرة» او، به دست ما رسیده است.

از خلال این کتابها و نیز احادیث روایت شده از او در کتابهای مختلف، نام ۳۷ استاد و ۱۰ شاگرد او را استخراج کرده اند.^(۳)

۱- کمال الدین ۵۰۳/۲، رجال نجاشی / ۲۶۱.

۲- رسالة علماء آل بابویه / شیخ سلیمان بحرانی، تصحیح: سیداحمد حسینی. قم: کتابخانه مرعشی.

نیز بنگرید: مقدمه معانی الاخبار / ۷۸ - ۹۴، که بیش از بیست تن از آنان را برشمرده است.

۳- مقدمه معانی الاخبار / ۷۸ - ۸۷.

وی، در حدود سال ۲۶۰ زاده شد، و سال ۳۲۹ در قم درگذشت، و همانجا مدفون شد.

شیخ صدوق، علاوه بر او صدها استاد و شیخ اجازه داشت، که نام ۲۵۲ تن از آنها از خلال آثار موجود صدوق، استخراج و تدوین شده است.^(۱) چنانچه نام ۲۷ تن از شاگردان وی نیز به دست آمده است.^(۲)

سفرهای علمی زیادی به شهرها داشت. تا آنجا که از کتابهای موجود او بر می آید، به ترتیب زیر:

- رجب ۳۵۲: مشهد

- شعبان ۳۵۲: نیشابور و مرورود (بین مروشاه جهان و نیشابور).

- سال ۳۵۲: بغداد

- سال ۳۵۴: کوفه، فید (بین کوفه و مکه)

- سال ۳۵۴: همدان

- سال ۳۵۵: بغداد

- سال ۳۶۷: مشهد

- سال ۳۶۸: ری

- شعبان ۳۶۸: ماوراءالنهر و بلخ

- همچنین سرخس، ایلاق^(۳)، سمرقند، فرغانه^(۴)

شیخ صدوق، در مقدمه من لایحضره الفقیه، تعداد آثار خود را ۲۴۵ کتاب

۱- همان / ۳۷- ۶۸.

۲- همان / ۶۹- ۷۲.

۳- من لایحضره الفقیه در این منطقه تألیف شده است.

۴- تفصیل این سفرها و زمان آنها و مدارک آن از کتابهای صدوق، در مقدمه معانی الاخبار / ۱۷- ۲۵ آمده است.

می‌داند. که در زمان تألیف فقیه، تمام این کتابها را در «ایلاق» در اختیار داشته است.

از این کتابها، امروزه کمتر از ۳۰ کتاب موجود است. در ارزش این کتابها همین بس، که کمتر مجلسی از مجالس علمی شیعه در هزار سال اخیر، بدون استفاده از آثار صدوق تشکیل شده است.

علاوه بر این تلاشهای علمی، مناظرات او با دانشمندان گوناگون قابل ذکر است، که صورت یکی از این مناظرات را - که در محضر رکن الدوله دیلمی بوده - قاضی نورالله مرعشی در «مجالس المؤمنین» آورده است.^(۱)

همچنین پاسخهای او به پرسشهای وارده از شهرهای مختلف - از جمله: واسط، قزوین، مصر، بصره، کوفه، مدائن، نیشابور، بغداد، ری و قم مرجعیت علمی او را در زمان خود نشان می‌دهد.

صدوق در سال ۳۸۱ هجری قمری درگذشت. مدفن او در شهر ری، مزاری مشهور است.^(۲)

۱- جعفرین محمد دورستی (طرشتی) از شاگردان صدوق، این مجلس را گزارش کرده است. برای ترجمه فارسی آن، بنگرید: مقدمه معانی الاخبار / ۲۷- ۳۵. صدوق، خود، خلاصه مناظره خود با یکی از ملحدان را در کتاب کمال‌الدین گزارش داده است.

۲- در مورد شیخ صدوق، به سه منبع زیر می‌توان مراجعه کرد:
الف - مقدمه مرحوم شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی بر کتاب «معانی الاخبار» شیخ صدوق، چاپ جدید.

ب - کتاب فقیه ری / سیدحسن موسوی خراسان، ترجمه علیرضا میرزا محمد، انتشارات روزنامه اطلاعات.

ج - شیخ صدوق / محمدعلی خسروی، انتشارات اسوه، تهران.

۲/۲ - من لایحضره الفقیه

بهترین منبع برای شناخت انگیزه و روش تألیف این کتاب، مقدمه نویسنده است، که ترجمه آن عیناً نقل می‌شود: (۱)

بنام خداوند بخشاینده مهربان

بارها! به راستی که من تو را می‌ستایم، و سپاست می‌گویم، و به تو دلگرم و امیدوارم، و بر تو توکل می‌کنم، و به درگاه حضرتت، به گناه خویش اعتراف می‌نمایم، و تو را گواه می‌گیرم که حقیقتاً به یکتائیت اقرار دارم، و مبرّایت می‌دارم از هر پیرایه که سزاوار تو نیست. پیرایه‌ای که به تو نسبت داده آنکس که برایت نظیر و هم‌تا انگاشته، و از راهت منحرف گشته است.

و ایمان دارم که تو در هر حکم که فرمائی عادلّی، و در آنچه اجرا نمائی درستکاری، و به هر چه که اراده کنی بی‌شتاب و پرمهر و دقیقی، بندگان را از روی نیاز نیافریدی، و جز به کمتر از توانائیشان مأمور نساختی، و خود به اعطاء وجودشان از سر رحمت آغاز کردی، و از سر حکمت مورد استحقاقی لطفشان قرار دادی.

پس عقل هر مکلفی را کامل کردی و راه را بر او واضح و روشن ساختی، و هیچ کس را بدون اندام و اسباب، به کاری که بدون آن اسباب و اندام انجام نپذیرد نگماشتی، و بدانچه بدون خیردهنده راستگو، دانستن و فهمش ممکن نیست مکلف نمودی.

آنگاه فرستادگان خود را بشارت دهنده و ترساننده برانگیختی، و آنان را به گماشتن راهنمایانی محفوظ از خطا و نسیان امر فرمودی، تا بندگان را به راه تو، با برهان و دلیل روشن و نیز زبان خوش و اندرز

۱- من لایحضره الفقیه ۱۲/۱ - ۱۸، ترجمه علی اکبر غفاری. تهران: صدوق،

بخوانند. تا مردم را پس از فرستادن ایشان بر تو عذر و بهانه‌ای نباشد، و هر کس تباه شدنی است پس از اتمام حجّت هلاک شود، و هر کس شایسته زندگی ابدی است با دلیل به حیات جاوید رسد.

و از این رو احسان و رحمت خویش را بر جهانیان بزرگ ساختی و ثنای خویش بر ایشان واجب و لازم شمردی، پس سپاس تو را، به شمار آنچه کتابت ثبت کرده، و آنچه علمت بر آن احاطه یافته، و تو خود بسیار بالاتر و برتری از آنچه کجروان و ستمکاران درباره‌ات گویند.

شیخ أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی گردآورنده این کتاب - که خداوند روانش را شاد فرماید - گوید:

هنگامی که خواست و مشیّت باری، مرا به سوی بلاد غربت روانه ساخت، و دست تقدیر و سرنوشت، گذارم را به سرزمین بلخ قصبه ایلاق انداخت، سید متعهد و پایبند دین - أبو عبد الله محمد بن حسن بن اسحاق بن [حسن بن] حسین بن اسحاق بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام که، که معروف است به «نعمت» - به آن قصبه وارد شد، و من به مجالست با وی بسیار خرسند و شادمان گشتم، و با همدمی و همصحبتی او قلبم روشن و سینه‌ام گشوده شد، و به دوستی و محبتش بسیار مفتخر و سرافراز گشتم، به جهت اخلاق ستوده‌ای که بر شرافت و اصالت خانوادگی خود افزوده بود، از حیاء و شایستگی، آرامش دل، هیبت، دینداری و تعهد، پاکدامنی، پرهیزگارت و فروتنی.

وی روزی از کتاب محمد بن زکریای رازی طبیب که نامش را «من لایحضره الطیب» گذارده یاد کرد و گفت آن کتابی است در موضوع خود (با کمی حجمش) جامع و وافی، و از من درخواست کرد که در فقه و حلال و حرام و قوانین و مقررات شرع کتابی بنویسم، به قسمی که همه آنچه را که در موضوعات مختلف فقه (از طهارت تا دیات) تاکنون نوشته‌ام در برداشته باشد و آن را «کتاب من لایحضره الفقیه» نام نهادم، تا به وقت نیاز بدان مراجعه کرده و مورد اعتماد و اطمینانش باشد و به

آن عمل کند، و با کسانی که آن را مطالعه کرده و از آن نسخه برداشته و به آنچه در آن است عمل کنند در اجر شریک باشد، در صورتی که وی از بیشتر کتابهایم که همراه خود داشتم نسخه برداشته، و یا از من به گوش خویش احادیثش را شنیده و اجازه روایتش را نیز گرفته بود، و بر تمامی آنها که حدود ۲۴۵ مجلد می‌شد آگاهی داشت.

من چون او را - که خدای توفیقش دهد - اهل و شایسته یافتم پیشنهادش را به این کار پذیرفتم، و این کتاب را با حذف اسانید - که مبدا به سبب نقل آن حجم کتاب زیاد شود - تألیف کردم، اگرچه در ذکر اسانید، فائده بسیار بود.

و در این کتاب بخصوص، نظر نداشتم هر چه به من روایت کرده‌اند همه را بیاورم، مانند دیگر مصنفان که آنچه شنیده‌اند می‌آورند، بلکه منظورم این بود که آن دسته از روایاتی که بدان فتوا می‌دهم و به صحت صدورش از معصومین علیهم السلام - به هر دلیل - وثوق و قطع دارم و بدان حکم می‌کنم بیاورم، و اکنون اعتقادم درباره‌اش چنین است که آن حجت میان من و پروردگارم - که نامش مقدس و قدرتش والا - می‌باشد.

و آنچه در این کتاب ذکر شده، تمامی مأخوذ و دریافت شده از اصول مشهوری است که همه اعتماد بر آنهاست و احکام (مذهب جعفری) را از آنها باید گرفت مانند:

کتاب حرزین عبدالله سجستانی* (۱)، و کتاب عبیدالله بن

* همه پاورقی‌های صفحات ۱۱۳ تا ۱۱۸، از استاد علی اکبر غفاری است.
 ۱- وی اهل کوفه است و مورد وثوق، و چون برای تجارت به سیستان سفر بسیار می‌کرده و بالاخره در آنجا اقامت گزیده به سجستانی که همان سیستان است معروف گشته دارای کتابهایی است که همه از اصول به شمار می‌رود، در سیستان بدست خوارج کشته شده.

علی حلبی (۱) و کتابهای علی بن مهزیار اهوازی (۲)، و کتابهای حسین بن سعید (۳)، و نوادر أحمد بن محمد بن عیسی (۴)، و کتاب

۱- وی ثقہ و صحیح الحدیث است، اہل کوفہ بودہ ولی چون بسیار با پدر و برادرش بہ تجارت بہ حلب مسافرت می کردہ از این رو حلبی نسبتش دادہ اند، او دارای کتابی است کہ آن را با امام صادق علیہ السلام عرضه داشتہ و حضرتش را خوش آمدہ و او را تحسین فرمودہ و کتابش را تصدیق کردہ، و فرمودہ: در میان اینان (یعنی مخالفین) کسی بمانند این کتاب تالیف نکرده است.

۲- علی بن مهزیار از اصحاب امام رضا و حضرت جواد و حضرت ہادی علیہم السلام است و بسیار جلیل القدر و مورد وثوق ہمگان بودہ و دارای ۳۳ کتاب است کہ جملگی از اصول چہار صدگانہ بشمار می روند، در زمان حضرت ہادی یا عسکری علیہما السلام از دنیا رفتہ است.

۳- حسین بن سعید کوفی است و از اصحاب حضرت رضا و امام جواد و امام ہادی علیہم السلام بودہ و در اواسط عمر با برادرش حسن بہ اهواز رفتہ و بعد خود تنہا بہ قم مسافرت کردہ و در منزل حسن بن ابان وارد شدہ و در همان دیار از دنیا رفتہ است، دارای ۳۰ مجلہ کتاب است و در میان اصحاب چنان معروف است کہ کتب دیگران را بہ آن قیاس می کنند.

۴- احمد بن محمد بن عیسی از جملہ اشعریانی است کہ از مدینہ بہ کوفہ رفتند و در آنجا اخبار اہل بیت علیہم السلام را ترویج کردند و جمعی از آنجا بہ قم مسافرت کردہ و در آنجا اقامت گزیدند و بہ نشر اخبار و احادیث معصومین (ع) پرداختند و احمد بن محمد بن عیسی یک تن از معروفین آنها بہ شمار می رود کہ خود شیخ اجازہ و استاد بیشتر محدثین قم می باشد مانند محمد بن یحیای عطار، و محمد بن حسن صفار، و علی بن ابراہیم و بسیاری دیگر از قمیین و رئیس مطاع آنها است و زمان امام ہشتم و نهم و دہم علیہم السلام را درک کردہ و حضرت رضا علیہ السلام را ملاقات نمودہ، و کتابهای بسیاری نوشتہ کہ شیخ طوسی بارہ ای از آنها از

«نوادِرِ الحکمة» تصنیف محمد بن أحمد بن یحیی بن عمران اشعری^(۱) و
 «کتاب الرحمة» از سعد بن عبدالله^(۲)، و جامع أستاذمان محمد بن
 الحسن الولید - رضی الله عنه^(۳)، - و نوادرِ محمد بن أبی عمیر^(۴)،



جمله کتاب نوادر را در فهرست نامبرده است و گوید این کتاب میوَب (یعنی فصل بندی و باب باب) نبوده و ابوسلیمان داود بن کوره قمی آن کتاب را باب بندی کرده، و محمد بن حسن بن ولید از آن کتاب میوَب شده به اجازه محمد بن یحیی نقل می کند.

۱- محمد بن أحمد بن یحیی ابوجعفر الاشعری خود ثقه و جلیل القدر است ولی چون از پاره‌ای ضعفاء روایت می کرده و به احادیث مرسل اعتماد می نموده لاجرم محمد بن حسن بن ولید از کتاب نوادر الحکمة که کتابی بزرگ و نیکو است بعض افراد را بنام روایانشان رد کرده و آنها را از آن کتاب استثنا می کند و بقیه مورد اعتماد همگان است و صدوق نیز از عمل استادش محمد بن الحسن تبعیت کرده، باری این کتاب را به جهت اینکه دارای احادیثی راجع به همه موضوعات دینی و مذهبی بوده محدثین قم «دبّة الشیب» می گفته اند چه آنکه شیب نامی در قم می زیسته و دبّه‌ای داشته دارای خانه‌های بسیار، و هر نوع روغنی از وی می خواستند از همان دبّه می داده از این رو این کتاب را به آن دبّه تشبیه کرده اند.

۲- سعد بن عبدالله اشعری را گویند ثقه و جلیل القدر است و دارای چندین کتاب معتبر و مورد وثوق و اطمینان، و گویند خدمت امام عسکری رسیده است و قصه‌ای طولانی نقل می کنند ولی ثابت نیست و علائم وضع و جعل در آن دیده می شود. وی در سنه ۳۰۰ یا ۲۹۹ در روز چهارشنبه ۲۷ شوال وفات یافته است.

۳- محمد بن حسن بن ولید استاد مؤلف است و جلالت قدرش مستغنی از بیان، دارای دو کتاب معتبر است یکی به نام جامع و دیگری به نام تفسیر، و کتاب جامع او از اصول و کتب مرجع به شمار می رفته است.

۴- محمد بن أبی عمیر پارسا ترین و خداترس ترین مردم عصر خویش بوده و





حضرات موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی علیهم السلام را درک کرده و در راه مذهبش سختی و مصیبت بسیار دیده گویند در زمان رشید منصب قضای بغداد را به او پیشنهاد کردند وی نپذیرفت، از او خواستند که شیعیان را به نام و نشان معرفی کند، امتناع ورزید، او را به تازیانه بستند و چندین بار زدند و تمام اموالش را مصادره کردند و بالاخره در زمان مأمون به زندانش افکندند. مدت چهار سال در زندان بود.

تألیفاتش را که ۹۴ مجلد بود، یکی از خواهرانش سعیده یا آمنه جمع کرده در غرفه‌ای نهاد، در این مدت باران بیش از نیمی از آنها را ضایع و تباہ ساخت. چون از زندان خلاصی شد، حدیث را از حفظ یا از نسخه‌هایی که مردم از روی کتابهای او پیش از تلف شدن نوشته بودند، نقل می‌کرد. و از این رو علمای مذهب مراسیل او را در حکم مسانید می‌دانند، گویند سندی بن شاهک به امر هارون او را صد و بیست تازیانه زد به جهت تشییع او و حکم زندانش را صادر کرد و محمد بن ابی عمیر یکصد و بیست هزار درهم نقد بداد و خود را خلاص کرد، و نیز گویند یک وقت او را برای معرفی شیعیان تازیانه زدند، چون شماره تازیانه‌ها به صد رسید، طاقتش تمام شد و چیزی نمانده بود که نام بعضی را بگوید که صدای محمد بن یونس بن عبدالرحمن را شنید. می‌گفت:

«یا محمد اذکر موقفک بین یدی اللّٰه»

یعنی: ای محمد! موقف خود را در قیامت در پیشگاه خداوند به یاد آر که چه جواب خواهی گفت؟

لذا اسم کسی را نبرد و احدی را گیر نینداخت، صدوق از استادش از علی بن ابراهیم و او از پدرش نقل کرده که ابن ابی عمیر بزاز بود و از مردی ده هزار درهم طلب داشت چون اموال ابن ابی عمیر مصادره شده بود فقیر و بینوا شد آن مرد که



کتابهای احمد بن ابی عبدالله برقی بنام کتابهای احمد بن ابی عبدالله برقی بنام «محاسن»^(۱) و رساله عملیه‌ای که پدرم - رضی الله عنه^(۲)



به او مدیون بود خانه خود را به ده هزار درهم فروخت و پولش را برای ابن ابی عمیر آورد و گفت: این طلبی است که از من داشتی اکنون بستان.

ابن ابی عمیر پرسید: این مال را از کجا تحصیل کرده‌ای آیا به ارث به تو رسیده یا کسی به تو بخشیده؟

گفت: هیچکدام.

پرسید: پس از کجا است؟

گفت: خانه‌ای داشتم که محل سکونت خود و عیالم بود، چون وضع شما را این چنین دیدم آن را برای اداء دینم بفروختم تا شما را کمکی باشد.

ابن ابی عمیر فرمود: ذریح محاربی از امام صادق علیه السلام برای من حدیث کرد که فرمود:

«لا یخرج الرجل عن مسقط رأسه بالدين»

یعنی: انسان به جهت دین ترک خانه خود نمی‌کند. و گفت: این مال را بگیر و من حاجت به چنین پولی ندارم، با آنکه به خدا سوگند فعلاً محتاج به یک درهم می‌باشم، و از این پولها یک درهم هم قبول نخواهم کرد. بالجمله وفاتش در سنه ۲۱۷ هجری قمری بوده است.

۱- احمد بن ابی عبدالله محمد بن خالد برقی أبو جعفر از اهل کوفه است. پدرش محمد بن خالد را از اصحاب حضرت رضا علیه السلام دانند و برقی منسوب به برقه رود قم می‌باشد و آن در پنج فرسخی قم واقع شده است و دارای هوای خوب و مطلوبی است و پدرش از مهاجرینی است که از عراق به ایران سفر کرده و در آنجا (برقه رود) منزل کرده است. و احمد فرزندش از محدثین معروف قبه به شمار می‌رود و خود به شخصه مورد وثوق است، هلم در کتابهایش است.

- برای من فرستاد، و کتب دیگر از اصول و نوشته‌هایی که طریق روایت من از آنها در فهرست کتبی که اجازه روایت آن از مشایخ حدیثم و نیز از گذشتگانم به من رسیده معروف است، و تمام کوشش خود را در این راه بکار بردم، در حالی که از خدایم یاری خواسته و بدو توکل جسته، و از او پوزش تقصیر و کوتاهی در عمل طلبیده، و این موفقیت جز از جانب او نیست و بر او توکل می‌کنم، و به سؤیوش باز می‌گردم، و او تنها مرا کافی است و والاترین و بهترین کسی است که کار بدو سپرده شود.



کرده و از ضعفا زیاد روایت می‌کند و به احادیث مرسل اعتماد دارد و کتاب زیاد نوشته از جمله آنها کتاب محاسن است که ۱۱ بخش آن که گویند نزدیک ۸۰ بخش بوده، و باقی نابود شده در زمان ما وجود دارد و طبع شده است.

۲- پدر مؤلف ابوالحسن علی بن الحسین بابویه از بزرگان مشایخ حدیث قم است و مورد اعتماد و فقیه و بحدی مورد توجه است که فقهاء عظام فتاوی وی را در حکم اخبار و نصوص می‌دانند، و ابن ندیم گوید: به خط پسرش محمد در پشت کتابی دیدم که نوشته بود تمامی کتب پدرم که ۲۰۰ کتاب است را به فلانی اجازه روایت می‌دهم با ۱۸ مجلد از نوشته‌های خودم، وی در قم به کار تجارت و کسب مشغول بوده و کتبش در موضوعات مختلف است، و اما رساله‌ای که صدوق نام می‌برد یا همان فقه الرضای مطبوع و معروف است که گویند:

آن رساله عملیه محمد بن علی شلمغانی است که به ابن ابی العزاقر معروف است و یا رساله‌ای مستقل تألیف علی بن بابویه می‌باشد، (که توضیح آن در کتاب مستطاب الذریعه مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی رضوان الله تعالی علیه آمده است).

باری وفات علی بن الحسین در سنه ۳۲۹ هجری قمری در شهر مقدس قم اتفاق افتاده و در آنجا دفن شده و قبرش دارای رواق و بقعه است.

توضیح

صدوق، به ضرورت نگارش کتاب فتوایی، کمتر به سند حدیث اشاره کرده، و اسانید را در کتاب مشیخه فقیه آورده، البته به دلیل حذف سند، طریق صدوق تا راویان حدیث - که تعداد ۱۲۰ راوی است - مشخص نیست. جدول زیر، تعداد احادیث فقیه، و تقسیم آن به احادیث مسند و مرسل را - براساس استخراج شیخ بهایی - نشان می‌دهد (۱).

تعداد ابواب	تعداد احادیث	احادیث مسند	احادیث مرسل	
۸۷	۱۶۱۸	۷۷۷	۸۴۱	جلد اول
۲۲۸	۱۶۶۷	۱۰۹۴	۵۷۳	جلد دوم
۱۷۳	۱۸۱۰	۱۲۹۵	۵۱۵	جلد سوم
۱۷۸	۹۰۳	۷۷۷	۱۲۶	جلد چهارم

حواشی و شروح «من لایحضره الفقیه» فراوان، و مشهورتر از همه دو شرح مولی محمد تقی مجلسی است: «روضه‌المتقین» به زبان عربی، و «لوامع صاحب‌قرانی» به زبان فارسی.

۳ و ۴ - تهذیب و استبصار

در این قسمت، اشاره می‌کنیم که شرح حال و آثار شیخ طوسی در فصل چهارم به تفصیل می‌آید. همچنین معرفی تهذیب با تفصیل تمام، در فصل پنجم خواهد آمد. اما در این مجال مختصر، به معرفی استبصار می‌پردازیم.

استبصار، تلخیصی از تهذیب است، به ترتیبی که از مقدمه آن برمی‌آید.

این کتاب، ۵۵۱۱ حدیث در ۹۱۵ باب در بردارد، چنانکه نویسنده احادیث آن را شمرده تا کم و زیادی در نسخه‌های کتاب پیش نیاید.

استبصار و تهذیب را گاهی «دو تهذیب» (=التهذیبان) می‌نامند، چنانچه در فصل هفتم، کتابهایی تحت عنوان «مشیخة التهذیبین» می‌بینیم.

روش و انگیزه تألیف کتاب را از زبان مؤلف بزرگوار آن، در صفحات آینده می‌بینیم. اما به عنوان مقدمه، بهتر است اشاره شود که اختلاف در اخبار، علتهایی دارد، از جمله:

۱ - سوء فهم احادیث و تفسیر نامناسب آنها.

۲ - تعمیم روایات خاص به موارد کلی.

۳ - تقطیع روایات، که باعث می‌شود قرائن برای فهم معنی واقعی کلام از دست رود.

۴ - عدم کتابت حدیث در هنگام نوشتن، و خطاهای ناشی از نقل به مضمون.

۵ - بیان تدریجی احکام توسط ائمه علیهم‌السلام. در نتیجه گاهی یک راوی حدیثی شنیده، و راوی دیگر در مورد همان حکم، حدیث دیگر شنیده است.

۶ - تقیة ائمه اطهار به دلیل سلطه طاغوتهای زمان، و ضرورت شرعی حفظ جان - و حفظ ایمان - مردم.

به دلیل همین ضرورتها، بیان وجه جمع در احادیث مختلف ضرورت دارد. هدف اصلی «دو تهذیب»، دفاع از دین بود در برابر دشمنانی که به بهانه اختلاف

هجوم آورده بودند.

از این رو می‌بینیم که - بر خلاف «کافی» و «من لایحضره الفقیه» که فقط احادیث مورد فتوای نویسندگان آنها بیان شده - در دو تہذیب، خلاء موجود (عدم بیان وجه جمع بین احادیث مختلف) پر شده است.

استبصار، به دلیل پیروی از تہذیب، طبعاً از ترتیب آن پیروی می‌کند، که خود، ترتیب «کتاب المقنعة» شیخ مفید است.

این روش شرح (بیان احادیث ذیل یک کتاب فقهی) همان روش شیخ حرّ عاملی است که کتاب «وسائل الشیعه» را به ترتیب ابواب و مطالب «شرایع الاسلام» محقق حلی نوشته است.

نویسنده، در نیمه اول استبصار، سند حدیث را کامل نوشته، اما در نیمه دوم برای رعایت اختصار، فقط نام راوی را بیان می‌کند که حدیث از کتاب یا اصل او نقل شده است.

استبصار، نخستین کتاب نوشته شده در زمینه جمع میان اخبار مختلف است، چنانکه تا امروز هم در میان کتب این وادی بی‌نظیر است. (۱)

اکنون به مقدمه استبصار می‌نگریم، و ترجمه آن را می‌خوانیم. (۲)

۱- آشنایی با استبصار، کلاً با تلخیص، از مقدمه معجم بحار الانوار ۱/ ۶۹ - ۷۲ نقل شد.

۲- ترجمه مقدمه استبصار، توسط فاضل گرامی جناب آقای عبدالحسن طالعی انجام شد، که از ایشان سپاسگزاری می‌شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ولي الحمد و مستحقه و الصلاة على خيرته من خلقه
محمد و آله الطاهرين من عترته و سلم تسليماً

اما بعد، وقتی که دیدم گروهی از علمای ما، در کتاب بزرگمان
موسوم به «تهذیب الاحکام» نگریسته و آنچه از اخبار مربوط به حلال
و حرام است در آن یافتند و دیدند:

۱ - آنچه در آن است اکثراً مباحث فقه از ابواب احکام است و
متعرض موارد شاذ و نادری که احادیث اصحاب و اصول چهارصدگانه
و کتابهای علمای متقدم آمده، نشده است.

۲ - شایسته است که کتابی تنظیم و تألیف شود که برای تفقه و
یادگیری مبتدی وسیله باشد، و کسی را که به نهایت فقه رسیده، تذکر
دهد، و برای فقیه هر دو جنبه را دارا باشد که هر کس با مراجعه به آن،
به خواسته خود برسد.

۳ - لذا تشویق شدند که آنچه مربوط به احادیث است در حالت
اختصار و منفرداً جمع آوری شده و همه اقشار فوق به آن انس گیرند،
خصوصاً فقیه متوسط و فقیه جامع الشرائط که چه بسا آنها به خاطر
تنگی وقت، امکان جستجوی کتابها و پیگیری آثار گذشتگان را
نداشته و لذا به روایات اختلافی دست نیابند. به همین دلیل، سود این
تألیف بیشتر به این دو طایفه علمی می رسد، اگرچه مبتدی را نیز فایده
می رساند.

۴ - همچنین دیدند که هیچیک از علمای متقدم ما، دست به چنین
تألیفی نزده اند.

به همین جهت از من خواستند که دست به این گردآوری و تلخیص
بزنم، به این ترتیب که در هر باب فتوای علما، احادیث دال بر آن،
احادیثی که با آنها مخالف است، بعد از آن وجه جمع بین آنها را بیان
کنم به نحوی که هیچ مسأله ای از قلم نیفتد. به همان شیوه ای که در
تهذیب انجام داده ام.

اگرچه در ابتدای کتاب، از آنچه بر احادیث دیگر رجحان داشته
است ذکر کرده ام. و این کار را به نحو اختصار انجام داده ام چرا که جای

شرح آن در اینجا نیست؛ بلکه در کتب مفصّله مصنّفین ما است که به طور تفصیل در اصول فقه بحث مکفی کرده‌اند.

[چگونگی عمل به اخبار مختلف:]*

بدان که اخبار بر دو قسمند: ۱- احادیث متواتر ۲- غیر متواتر متواتر آن است که از آن به «علم» برسیم. پس هر خبر متواتری واجب‌العمل است و نیازی به هیچ ترجیحی و اضافه کردن دلیل دیگری بر آن نیست. در چنین صورتی نه تعارض و نه تضاد در اخبار معصومین علیهم‌السلام مطرح است چرا که خبر «متواتر» است. و اما غیر متواتر بر دو قسم است:

۱- گاهی از همان غیر متواتر به علم می‌رسیم به این شکل که آن خبر «قرینه» ای دارد برای رسیدن به علم.^(۱) در این صورت هم، چنین خبری واجب‌العمل است. و این قسم در حکم قسم اول (خبر متواتر) است.

* عنوان افزوده مترجم است.

۱- قرائن، مسائل فراوانی می‌توانند باشند؛ از جمله:

(الف) آنچه که مطابق با ادله عقل و مقتضای عقل باشد.

(ب) آنچه که مطابق ظاهر قرآن باشد، چه از ظاهرش، چه عموماً، چه دلیل خطابش و چه فحوای کلامش، به هر حال همه این قرائن موجب علمند. در این حالت، خبر از جمله اخبار آحاد خارج شده، و در باب معلوم داخل می‌شود.

(ج) دیگر از جمله قرائن، مطابقت قطعی با سنت است، چه با صراحت باشد، چه دلیل بر آن و چه فحوای کلام یا عموم سنت.

(د) و نیز تطابق آن با اجماع همه مسلمانان.

(ه) و نیز مطابقت کامل با آنچه که فرقه محقه (شیعه اثنی عشری) بر آن اجماع

کرده‌اند.

همه این قرائن، خبر را از جمله اخبار احادیث خارج ساخته و آن را «واجب

العمل» می‌سازند. (توضیح از شیخ طوسی است.)

۲- قسم دیگر از خبر غیر متواتر، اخباری است که نه متواتر است و نه آن قرائن در آن دخیل است. چنین خبری را خبر واحد گویند. عمل به چنین خبری جایز است اما به شرط آنکه:

خبر دیگری با آن تعارض نکند و در چنین صورتی آن خبر واجب العمل می شود. چرا که از باب اجماعی می شود که اجماع منقول است، مگر آنکه باز هم فتاوی خلافت شنیده شود که به آن جهت، عمل به آن ترک شود اگرچه معارض آن موجود باشد.

✽ پس شایسته است که در دو خبر متعارض دقت شده و به عادلترین راویان حدیث در هر دو خبر تکیه نمود. و اگر هر دو، از جهت عدالت مساوی باشند عمل به خبری می شود که تعداد راویان آن بیشتر است.

✽ حال اگر هم در عدالت مساوی باشند و هم تعداد راویان آن مساوی باشند و هیچ قرینه دیگری نیز (از قرائنی که بیان کردیم) در آن نباشد، می نگریم که کدام خبر است که با عمل به آن خبر دیگر را کنار نزنیم، بلکه با انجام آن بتوانیم - حتی اگر شده در بعضی مواقع هم - به آن دیگری عمل کنیم؟ در آن صورت آن خبر را می گیریم. [اما اگر خبر دیگر را بگیریم که با گرفتن آن مجبور به ترک خبر دیگر باشیم و آن را کنار می گذاریم. | چرا که با گرفتن آن به هر دو خبر چنگ زده ایم. ✽ حال اگر به دو خبر برخوردیم که امکان عمل به هر دو، ممکن باشد و حمل دیگری بر بعضی از وجوه و انواع تأویل، اما از طرفی برای یکی خبری پشتیبان باشد که با بعضی از وجوه تصریحی یا تلویحی - چه از جهت لفظی یا دلالتی - بتوان به آن چنگ زد، اما دیگری هیچ خبری و روایتی در پشتیبانی موضوعش نباشد، عمل به روایت اولی جایز تر است از عمل به روایتی که روایت پشتیبان نداشته باشد.

✽ حال اگر خبر دیگری برای تأویل نباشد و هر دو مساوی باشند، عامل بین عمل به هر کدام از هر دو خبر مخیر است، هر کدام را خواست بگیرد.

✽ حال اگر گرفتن یکی مستلزم رها کردن دیگری باشد، باز هم عامل، مخیر است به عمل به هر کدام از آن دو که بخواهد، از جهت

تسلیم امر الهی بودن و مطیع ائمه علیهم السلام بودن، و در آن صورت اگر دو نفر هر کدام به هر دو روایت متخالف عمل کنند، عمل هر دو صواب است و هیچکدام خاطی و تجاوزگر از حدّ درست راست نیستند. چرا که:

۱- از خود معصومین علیهم السلام روایت شده که فرموده‌اند:

«إذا آورد علیکم حدیثان و لا ترجحون به احدهما علی الآخر
مما ذکرناه کنتم مخیرین فی العمل بهما»

۲- وقتی که دو خبر متعارض باشد و بین شیعیان نیز اجماعی بر صحّت یکی از دو خبر یا ابطال خبر دیگر نباشد، در آن حالت، گویی اجماع بر صحّت هر دو خبر است. و وقتی که اجماع بر صحّت هر دو خبر باشد عمل به هر دو جایز است.

اگر در این تقسیم‌بندی دقت شود، می‌بینی که اخبار پیامبر و ائمه علیهم السلام از این اقسام خارج نیستند. و عمل ما را نیز در این کتب و یا در سایر کتاب فتاوی‌مان جز این اقسام نمی‌بینی.

در ابتدای بیشتر ابواب، علّت ترجیح بعضی اخبار را بر برخی دیگر یاد نکردیم، نه در همه جا، تا ایجاز و اختصار رعایت شود. به همان معدود یاد شده اکتفا کردیم، تا هدف از این کتاب - راهنمایی افراد متوسط - تحقق یابد. و با اندکی تأمل، این کلام روشن می‌شود. اکنون کتاب را آغاز می‌کنیم، و اخبار مختلف را می‌آوریم، به ترتیبی که در کتاب «النهاية فی الفتاوی» و هدف آن کتاب عمل کرده‌ایم. و خداست توفیق‌دهنده بر راه راست.

فصل چهارم

شیخ طوسی: زندگی و آثار



قرن چهارم و پنجم، از دوره‌های شکوفایی علمی - و در عین حال، پرحادثه - در عالم اسلام است.

نگاهی به فهرست اسامی دانشمندان در این دو قرن، و نقشی که تا کنون در زمینه‌های مختلف علمی دارند، شکوفایی علمی را نشان می‌دهد، و نگاهی به حوادث تلخ و تعصب‌های کور و زیانبار، وجه‌ای دیگر از آن روزگار را بیانگر است. این دو امر، با وجود تناقض ظاهری چگونه با هم جمع می‌شوند؟ جای شگفتی است، اما به هر حال واقعیت دارد.

شیخ ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی، در همین روزگار شگفت، در ماه رمضان ۳۸۵ در طوس دیده به جهان گشود، و در ۲۲ محرم ۴۶۰ در نجف از جهان رفت.

به نظر می‌رسد که اشاره‌ای اجمالی به بعضی از حوادث این دوره - در هر دو جهت - بیانگر نکات مهمی باشد:

سال ۳۸۱ - وفات شیخ صدوق.

۳۸۴ - پایان گرفتن شاهنامه فردوسی، که در سال ۴۰۱ تکمیل شد، و به

سلطان محمود ارسال گردید، که به جرم رافضی بودن حکیم طوس، صله و احترام شایسته‌ای نیافت.

۳۸۵- وفات ابن ندیم صاحب‌الفهرست، ابومحمد هارون تلعکبری، و صاحب‌بن عباد از بزرگان شیعه، و نیز درگذشت دارمی، دارقطنی، از محدثان اهل سنت.

۳۸۷- رحلت ابوالفضل محمد شبیانی، از محدثان بزرگ امامیه.

۳۸۹- درگذشت خواجه نظام‌الملک، وزیر مشهور.

۳۹۰- درگذشت احمدبن فارس رازی، لغوی برجسته.

۳۹۵- درگذشت ابو هلال عسکری، از ادبای نامی.

۳۹۶- درگذشت خواجه عبدالله انصاری، صوفی شافعی شهیر.

۳۹۸- درگذشت بدیع‌الزمان همدانی، ادیب برجسته.

۳۹۹- رحلت ابن حجاج، شاعر شیعه.

۴۰۰- رحلت ابوحنان توحیدی، دانشمند شافعی، و ابوالفتح بستی شاعر بنام.

۴۰۱- رحلت ابن عیاش فقیه شیعه، خزاز قمی محدث جلیل شیعه، و بن‌دار رازی شاعر شیعه ایرانی.

۴۰۲- رحلت ابومحمد نوبختی محدث شیعه.

۴۰۳- درگذشت قاضی ابوبکر باقلانی متکلم اشعری.

۴۰۵- درگذشت حاکم نیشابوری محدث مشهور اهل سنت.

۴۰۶- رحلت سید رضی صاحب «نهج البلاغه».

۴۰۹- وفات ابن صلت اهوازی استاد شیخ طوسی.

۴۱۱- درگذشت فردوسی طوسی، شاعر بزرگ و شیعه ایران، و رحلت غضائری استاد شیخ طوسی.

۴۱۳- رحلت شیخ مفید، دانشمند بزرگ شیعه و استاد شیخ طوسی.

- ۴۱۵ - درگذشت قاضی عبدالجبار همدانی صاحب کتاب «مغنی»، که سید مرتضی - استاد دیگر شیخ طوسی - کتاب شافی را بر رد مبحث «امامت» مغنی نگاشت.
- ۴۱۶ - رحلت ابوالحسن تهامی شاعر بزرگ شیعه در زندان، و ابوالحسن علی نوبختی شاعر دیگر شیعه از خاندان نوبختی.
- ۴۱۷ - وفات قفال مزوری فقیه شافعی.
- ۴۲۱ - وفات ابن مسکویه، از اعیان فلاسفه.
- ۴۲۳ - وفات ابن بواب، خطاط شیعه مشهور.
- ۴۲۵ - وفات ابوالحسن خرقانی، از بزرگان صوفیه.
- ۴۲۶ - رحلت مهیار دیلمی، شاعر بزرگ شیعه.
- ۴۲۷ - درگذشت ابن سینا، دانشمند نامور.
- ۴۲۸ - درگذشت ناصر خسرو، فیلسوف و شاعر مشهور.
- ۴۲۹ - درگذشت ثعالبی، مورخ بزرگ.
- ۴۳۶ - رحلت سید مرتضی، استاد شیخ طوسی.
- ۴۴۰ - درگذشت ابوریحان بیرونی.
- ۴۴۰ - وفات ابوسعید ابی‌الخیر، از بزرگان صوفیه.
- ۴۴۴ - وفات ابونعیم اصفهانی، محدث و مورخ شافعی.
- ۴۴۷ - رحلت ابوالصلاح، فقیه و متلکم شیعه.
- ۴۴۸ - رحلت ابوالفتح کراچکی، دانشمند ذوفنون شیعه، و ابوالعلاء معری فیلسوف شهر.
- ۴۵۰ - رحلت ابوالعباس نجاشی رجالی بزرگ شیعه.
- ۴۵۲ - وفات ابوالحسن اخفش، از اساتید ادب عرب.
- ۴۵۶ - وفات ابن حزم، از فقها و ادبای زمان خود.

۴۵۸- وفات بهمنیار، شاگرد شهیر ابن سینا.

۴۶۰- رحلت شیخ طوسی. (۱)

نگاهی گذرا به همین فهرست مختصر، نشان می‌دهد که در کمتر زمانی، این همه فقیه، ادیب، محدث، مورخ، متکلم و دیگر دانشمندان، در کنار هم گرد می‌آیند.

بازار بحث و مجادله گرم بود، و شمار زیادی از آثار شیخ مفید و سیدمرتضی و دیگر بزرگان شیعه را مجادلات علمی با بزرگان فرقه‌های دیگر تشکیل می‌دهد. (۲)

بعضی از این آثار - مانند «شافی» سیدمرتضی - هنوز از مهمترین کتابها در اثبات امامت از دیدگاه عقلی به حساب می‌آید.

باری شیخ طوسی، در اوان نوجوانی به بغداد رفت، به طوری که در ۲۶ سالگی، استادش شیخ مفید را از دست داد. و قبل از آن تاریخ، به امر استاد، شرح جاودانه خود بر «مقنعه» مفید را به نام «تهذیب الاحکام» آغاز کرده بود. با ارتحال شیخ مفید در ۴۱۳، مقام زعامت شیعه به سیدمرتضی تفویض شد، که تا سال ۴۳۶ (رحلت سیدمرتضی) ادامه یافت. و پس از آن، دوره زعامت و مرجعیت شیخ طوسی آغاز شد، که تا سال وفات او (۴۶۰) همچنان - در بغداد و نجف - برقرار بود.

۱- نقل - به اختصار تمام - از مقاله رجال عصر شیخ طوسی / محمد باقر ساعدی، در هزاره شیخ طوسی ۱۱۸/۱ - ۱۵۰.

۲- بنگرید به مقاله الکلام عند الامامیه: نشأته، تطوره، و موقع الشیخ المفید منه / محمد رضا جعفری. در: تراثنا، شماره ۳۰ - ۳۱، صفحه ۱۴۴ - ۲۹۹.

اما در طول سالهای اقامت شیخ در بغداد، در جوار بحثهای علمی سازنده و مفید، اقدامات خشونت‌آمیز از طرف متعصبان سلجوقی جریان داشت. دو روی سکه تاریخ در اینجا خود را به خوبی نشان داد: تلاشهای علمی، کتابخانه‌های آبادی پدید آورد، و تعصب‌ها، کتابخانه‌ها را سوزانید. آقای محمد واعظزاده خراسانی می‌نویسد:

«حدیث شیعه از آغاز، دو مرکز مهم داشت: «کوفه و قم». و بغداد محل تلاقی این دو رشته حدیث بوده است، زیرا محدثان «کوفه و قم» مرتباً به آنجا می‌آمدند و معلومات خود را روایت می‌کردند. و احياناً در آنجا مقیم می‌شدند. به نسبت اجتماع علمای شیعه در «بغداد»، کتب این طائفه نیز از بلاد دور و نزدیک در آنجا گرد آمد. مثلاً محمدبن مسعود عیاشی یکی از دانشمندان شیعه ساکن «سمرقند» و دارای تألیفات زیاد بوده است، و ابوالحسن قزوینی قاضی در سال ۳۵۶ برای اولین بار قسمتی از کتب وی را با خود به بغداد آورد.^(۱) و در نتیجه کتابخانه‌های معتبری برای شیعه فراهم آمد، از جمله کتابخانه ابی‌نصر شاپور بن اردشیر^(۲) وزیر بهاءالدوله بویهی فرزند عضدالدوله است که در سال

۱- خلاصة الاقوال / ۱۰۱ علامه حلی.

۲- به گفته ابن اثیر در «کامل» ۷ / ۳۲۴: «وی کاتبی سدید بود و در سال ۳۸۱ کتابخانه را تأسیس نمود و بیش از ده هزار جلد کتاب در آن گرد آورد.» در حاشیه این کتاب نوشته شده: «وی سه بار وزارت بهاءالدوله و مشرف‌الدوله را عهده‌دار شد. مردی عقیف، نیکوکار، سلیم النفس و خوش معاشرت بود. لیکن عمال خود را زود عزل می‌کرد تا به عیش و نوش و خوش‌گذرانی نگریند. بر کتابخانه املاک و عایدات بسیار وقف کرد و هنگام مرگ در سال ۴۱۶ نزدیک ۹۰ سال عمر داشت.»

۳۸۱ در محله «بین السورین» یکی از محلات «کرخ» بغداد^(۱) به همت آن وزیر دانشمند شیعه مذهب، تأسیس شد و از لحاظ جامعیت و اشتغال بر نفائس کتب، بی نظیر بود و با کتابخانه «بیت الحکمه» رقابت می نمود، و نیز کتابخانه شخصی سید مرتضی - به طوریکه نوشته اند - مشتمل بر هشتاد هزار جلد کتاب بوده است.^(۲) و همچنین برادر وی سید رضی، محلی به نام «دارالعلم» تأسیس کرد که دارای کتابخانه مهمی بوده است.^(۳) علاوه بر این سه کتابخانه، به طور حتم دانشمندان و رجال دیگر شیعه، کتابخانه های شخصی داشته اند، و از فهرست «ابن ندیم» به دست می آید که کتب شیعه در آن تاریخ در «بغداد» رواج داشته، و قسمت مهمی از آن کتب به دست «ابن ندیم» رسیده و نام آنها را در فهرست خود با پاره ای خصوصیات ضبط کرده است.

موقعیت و نفوذ شیعه در «بغداد»، بیشتر مرهون رجالی امثال علی بن یقطین است که از ابتدای خلافت بنی عباس در دستگاه آنان اعتبار و شخصیتی داشته اند. و همچنین بر مکیان با دانشمندان شیعه بی ارتباط نبودند، از جمله هشام بن الحکم غالباً ملازم و همنشین یحیی بن خالد برمکی بوده است.

۱- احتمالاً محل کتابخانه شاپور فیصل داخلی شهر اصلی بوده که در آن هنگام بین السورین نامیده می شده است. دلیل خریطه بغداد ص ۴۹ ملاحظه شود.

۲- ابوالقاسم تنوخی ملازم سید مرتضی گفته است:

کتب سید را شماره کردیم، هشتاد هزار مجلد از مصنفات و محفوظات و مقررات وی بود. و به گفته ثعالبی، به سی هزار دینار تقویم گردید پس از اینکه قسمت عمده آن را به وزراء و رؤسا اهدا کردند. (روضات الجنات / ۳۸۳ - ۳۸۴، چاپ قدیم)

۳- دارالعلم شریف رضی مدرسه ای بوده که طلاب علم در آن سکنی داشته اند و کلیه مایحتاج ایشان - از جمله کتابخانه - در آن آماده شده بود. (روضات الجنات / ۵۷۵)

از مطالعه تاریخ و حدیث به دست می‌آید که همواره رجال شیعه دارای مناصب مهمی در مرکز خلافت و سایر بلاد بوده‌اند، و از اینکه خلفا به طرد و تکفیر پیشوایان شیعه ترتیب اثر می‌داده‌اند و کسانی مانند ابن ابی‌العزاقر و حسین بن منصور حلاج را که مورد طرد آنان واقع می‌شدند اعدام می‌کردند، این امر مسلم می‌شود که طائفه شیعه در قرن چهارم در بغداد رسمیت داشته‌اند و سخن علمای آنان منشاء اثر بوده است.

با توجه و اعتراف به این سوابق، در عین حال نمی‌توان انکار کرد که قدرت و عظمت شیعیان در «بغداد» و به‌طور کلی در «عراق و ایران»، در دوره «دیالمه» به اوج خود رسید.

این سلسله ایرانی‌الاصل شیعه مذهب، مدت صد و سیزده سال (از سال ۳۳۴ تا سال ۴۴۷ هجری) بر شهر بغداد مرکز خلافت عباسی، با کمال اقتدار حکومت می‌کردند. به‌طوری که از خلیفه به‌جز نام و تشریفات اثری نبود. و معتبرترین پادشاه این سلسله عضالدوله است که در سال ۳۶۷ «بغداد» را ضمیمه قلمرو حکومت خود نمود و تا سال ۳۷۲ در قید حیات بود. وی در اسلام، نخستین پادشاهی است که به‌عنوان «ملک» پس از نام خلیفه در خطبه نام برده شد، محل دفن امیرالمؤمنین علیه‌السلام را گسترش داد، و بر آن بقعه و بارگاه ساخت، و وصیت نمود که او را در جوار آن حضرت به خاک سپارند.^(۱)

این پادشاه، توجه و علاقه خاصی به شیخ مفید داشت، و گاهی برای ملاقات مفید به منزلش می‌رفت. به‌طور کلی مجامع و محافل شیعه، از لحاظ کمیت و کیفیت در عصر دیالمه نضج گرفت، و حوزه‌های درس و بحث و مجالس مناظره آنان با ارباب مذاهب در بغداد علنی بود. دانشمندان شیعه در همه جا با سلاطین

«دیالمه» و وزیرای آنان مرتبط و منظور نظر ایشان بودند. از جمله باید رابطه شیخ صدوق و برادرش حسین بن علی بن بابویه با صاحب بن عباد وزیر دانشمند و ادب پرور «دیالمه»^(۱) و مجالس مناظره صدوق در حضور رکن الدوله پدر عضدالدوله را در ری یادآور شویم.^(۲)

قدرت شیعه در بغداد، هنگام تسلط دیالمه بر آن شهر، به جایی رسید که رفته رفته در محله کرخ به طور جدا از اهل سنت مجتمع شدند، و به نبردهای علنی با آنان پرداختند، و همواره از طرف خلیفه برای آنان نقیبی تعیین می شد، و به احتمال قوی، نقیب شیعه همان نقیب علویان بود که به شریف ابواحمد، و پس از وی به ترتیب به فرزندان سیدرضی و سیدمرتضی، و بعداً به فرزند سیدرضی ابواحمد عدنان و اگذار گردید، و این خاندان در آن عصر، مشخص ترین خاندان شیعه در بغداد و مرجع خاص و عام بودند و علاوه بر منصب تقابت، امارت حج و نظارت بر مظالم و برخی از نواحی عراق به آنان محول می گردید.^(۳)

در باره کتاب سوزی های سلاجقه، آقای علی دوانی می نویسد:

«وجود سلاطین شیعه آل بابویه و تسلط آنها بر دستگاه خلافت بنی عباس - که متجاوز از یک قرن ادامه داشت - باعث گردید که خلیفه القائم بامرالله، پنهانی

۱- صدوق، کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام را برای صاحب بن عباد نوشته، و در آغاز آن فضائل و محاسن اخلاق و نیز شعر وی در مدح حضرت رضا علیه السلام را آورده است. و اما برادر صدوق، حسین بن بابویه که مردی دانشمند و کثیر الروایه بوده، نیز کتابی برای صاحب نوشته است. (رجال نجاشی / ۵۴)

۲- درباره وضعیت صحابه پس از پیامبر و نظر شیعه نسبت به آنان، بنگرید: روضات الجنات / ۵۶۰ به بعد، و ترجمه آن در: مجالس المومنین.

۳- شرح حال و آثار شیخ طوسی / محمد واعظزاده خراسانی، در: هزاره شیخ طوسی / ۱- ۴۲- ۴۶.

طغرل بیگ حکمران سلجوقی را که سنی متعصبی بود، تشویق به اشغال بغداد و جلوگیری از نضج گرفتن کار بساسیری و منقرض ساختن آل بویه نماید. ارسلان ترکی معروف به بساسیری که مردم را دعوت به اطاعت از خلفای فاطمی مصر نمود، در آن اوقات قدرت زیادی به دست آورده بود، و خلافت آل عباس سخت در مخاطره قرار داشت. طغرل بیگ در سال (۴۴۷) وارد بغداد شد و خلیفه را نجات داد. بساسیری فرار کرد و سلسله آل بویه در بغداد به کلی منقرض گشتند.

از آن روز، سخت گیری نسبت به شیعیان رو به فزونی نهاد. زیرا دولت و ملت، خود را از قید تسلط دودمان آل بویه آزاد دیدند، و موقع را برای خالی کردن عقده های خود نسبت به شیعه و نفوذ علماء و دانشمندان آنها در یک قرن گذشته، غنیمت شمردند.

با ورود طغرل سلجوقی، شیعیان محله کرخ از گفتن «حی علی خیر العمل» در اذان ممنوع شدند، و مأمور گشتند که به جای آن به شیوه اهل تسنن در نماز صبح «الصلاة خیر من النوم» بگویند! به علاوه تمام شعارها و کتیبه هایی که شیعیان بر دیوارها و دروازه های کرخ نوشته بودند، مانند «محمد و علی خیر البشر» را محو کردند.

سپس مداحان اهل تسنن، وارد کرخ شدند و با صدای بلند اشعاری در مدح خلفا قرائت نمودند. به امر ابن سلمه رئیس الرؤسا، ابو عبدالله جلاب «گلاب»، رئیس بزازهای کرخ را به جرم غلو در تشیع به قتل رساندند و بر در مغازه اش به دار آویختند. شیخ طوسی نیز پنهان شد و خانه اش غارت گردید. (۱)

در ماه صفر سال ۴۴۹ چند بار کتابهای شیخ الطائفه را جلوی مسجد نصر آوردند و در ملاء عام آتش زدند، و شیخ نیز چند نوبت پنهان گردید. (۱)

چگونگی سوزاندن کتب شیخ و فرار وی و غارت خانه‌اش بدین‌قرار بوده است که: در حمله‌ای به محله کرخ، خانه شیخ نیز که رئیس شیعیان بود مورد حمله قرار گرفت، چون دسترسی به وی پیدا نکردند کلیه موجودی خانه‌اش را غارت نمودند. سپس کتابها و کرسی تدریس او را به محله کرخ آورده، و سه پرچم سفید را که در قدیم شیعیان هنگام زیارت مولای متقیان باخود حمل می‌کردند، روی آنها نهاده و همه را طعمه حریق ساختند. (۲)

متواری گشتن شیخ و عزیمت او به نجف اشرف، به‌طور قطع در سال ۴۴۷ اتفاق افتاد، چون قول دیگری ذکر نشده است. ولی ماجرای غارت خانه و کتابخانه و کرسی استادی وی به نقل ابن‌اثیر و ابن‌جوزی در سال ۴۴۹ و بعد از هجرت شیخ روی داده و به گفته ابن‌کثیر شامی در همان سال (۴۴۸) مستعاقب عزیمت شیخ الطائفه به نجف به وقوع پیوست. (۳)

هجرت شیخ بسیار به موقع بود. زیرا در سال بعد که «بساسیری» قدرت بیشتری یافت و یک‌سال تمام در غیبت طغرل سلجوقی بر بغداد حکومت کرد و نفوذ خلیفه را به صفر رسانید، شیعیان نیز فرصت یافتند و انتقام خود را از مخالفان در حمله به کرخ و آتش‌زدن و غارت خانه‌ها و مغازه‌های خود گرفتند. ولی دیری نپایید که طغرل سلجوقی مجدداً به بغداد بازگشت و بساسیری فرار

۱- لسان المیزان ۱۳۵/۵، ابن حجر.

۲- المنتظم ۱۷۹/۸.

۳- البدایه والنهایه ۹۷/۱۲.

کرد و بعد کشته شد، و بغداد به تصرف طرفداران خلافت عباسی درآمد.

حمله عمومی به محله کرخ از سرگرفته شد. بسیاری از خانه‌ها و اماکن به تاراج رفت و دود آتش از هر سوی کرخ برخاست. کتابخانه شاهپور بن اردشیر وزیر بهاء الدوله پسر عضدالدوله دیلمی که مردی دانشمند و دانش دوست بود، و در تشیع قدمی راسخ و نیتی خالص داشت، طعمه حریق گردید (سال ۴۵۱).

شاپورین اردشیر، این کتابخانه را در سال ۳۸۱ هجری در محله کرخ به منظور استفاده دانشمندان و افراد باسواد شیعه تأسیس کرد و از نفیس‌ترین کتابخانه‌های آن روز بود، این کتابخانه دارای ده هزار و چهارصد جلد کتاب نفیس و بی نظیر بود، که به امر آن وزیر هوشمند و با ایمان، از روی کتابهای ایران و روم و چین و هند و عراق استنساخ کرده بودند و بسیاری از آنها نیز به خط مؤلفان بود. حتی یکصد جلد قرآن نفیس به خط اولاد ابن مقله خوشنویس معروف عرب داشت که از هر جهت بر مزیت و نفاست کتابخانه مزبور می‌افزود. (۱)

مخالفان، اغلب این کتابها را آتش زدند. قسمتی را مردم و قسمتی را عمیدالملک وزیر به غارت بردند و جامعه اسلامی را از داشتن این گنجینه نفیس و بی نظیر محروم ساختند. ابن اثیر می‌نویسد:

«عمیدالملک با این عمل زشت، اثر نامطلوبی از خود به یادگار گذارد، به عکس نظام الملک که مدرسه می‌ساخت و در «نظامیه» خود علم و عالم را ترویج و تشویق می‌کرد». (۲)

شهر بغداد، در نیمه اول قرن چهارم، پذیرای ثقة الاسلام کلینی بود، که کتاب «کافی» خود را - که در ری نوشته بود - در بغداد ترویج کرد. «علی بن بابویه قمی» در این شهر در سال ۳۲۸ با نواب خاصه امام مهدی صلوات الله علیه ملاقات داشت. و فرزندش «محمد بن علی بن بابویه» (شیخ صدوق) در سال ۳۵۵ به بغداد وارد شد. در سال ۳۵۶ نیز، ابوالحسن قزوینی، قسمتی از کتابهای محدث جلیل محمد بن مسعود عیاشی (صاحب تفسیر معروف) را به بغداد آورد. وضع این شهر در نتیجه اقدامات زشت سلاجقه^(۱)، به آنجا رسید که شیخ مفید، در سال ۴۰۹، از بغداد تبعید شد، شیخ طوسی در سال ۴۴۸ از بغداد به نجف مهاجرت کرد. و نجاشی فقیه رجالی، جایی برای اقامت خود در بغداد نیافت، تا آنجا که اواخر عمر خود را در گوشه انزوای روستای «مطیرآباد» - از روستاهای سامراء - گذراند، تا به سال ۴۵۰ درگذشت.

هنگامی که در سال ۴۵۷، «نظامیه بغداد» برای تدریس و آموزش فقهای شافعی تأسیس شد، و در سال ۴۵۹ افتتاح گردید، هدف از آن همه اقدامات ایذایی و فراری دادن شیعیان از بغداد بر همگان روشن شد،^(۲) در حالی که وجود شیخ طوسی و امثال او، هیچگاه مانع تأسیس نظامیه شافعی و امثال آن

۴

۱۶/۱ - ۱۸. توضیحات دیگر در این مورد در مقاله واعظزاده خراسانی، همان ۶۲/۱ - ۶۵.

۱- از جمله: حوادث سالهای ۴۰۸، ۴۱۷، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۴۰، ۴۴۳، ۴۴۵ که طی آن جماعت بسیاری کشته و مجروح شدند، و خانه‌ها و اموال زیادی به تاراج رفت. (مفاخر اسلام ۳/۳۸۴)

۲- شواهد تاریخی متن، از گفتار واعظزاده نقل شد: هزاره شیخ طوسی ۶۲/۱ - ۶۵ و ۴۱ - ۴۲. مدارک این حوادث در همان مقاله آمده است.

نمود. و اصولاً دخالت دادن قدرت نظامی - سیاسی در عرصه تلاشهای علمی، هیچگاه نتیجه مثبتی نداشته است.

دکتر مصطفی جواد بغدادی، در مقاله‌ای با اشاره به دواوین بعضی از شاعران شیعه - مانند سید حمیری، ابن حماد، ناشی‌اصغر، ابن علویه اصفهانی، و راق قمی و ابن عودی نیلی - می‌نویسد:

«وقتی این شهر آشوب مازندرانی (متوفی ۵۸۸) در اواسط قرن ششم وارد بغداد شد، شعر ابن عودی را در کمال قوت و شهرت دید، و بخشهایی از آن را - همچون اشعار دیگر شاعران یاد شده - در کتاب خود «مناقب آل ابی طالب» جای داد. پس از آن که ابن شهر آشوب، از عراق به شام رفت، فتنه‌هایی در بغداد روی داد، که حنبلی‌ها به شهر هجوم آوردند، و تمام این دیوان‌ها را سوزاندند، و بسیاری از مواریت ادبیات عرب طعمه آتش شد.»^(۱)

بخشی از آن همه مواریت فرهنگی، اینک به واسطه کتاب «مناقب» ابن شهر آشوب در اختیار ماست، چنانچه بخشهایی از منابع کتابخانه‌های یاد شده بغداد در قرن چهارم و پنجم، به برکت بحث و تدریس شیخ مفید و طوسی، و آثار علمی آنان به ما رسیده است. یکی از جهات ارزش کتاب تهذیب شیخ طوسی - صرف نظر از جنبه مذهبی و اعتقادی آن - در همین جا نمودار می‌شود.

برده‌ای دیگر از این غمنامه را در بیان محقق فقید، مرحوم سید محمد محیط طباطبایی چنین می‌خوانیم:

«در بغداد، کشمکش میان محلات سنی‌نشین بغداد با شیعه کرخ، وارد مرحله حادثی شد. و دامنه آن از زندگان به مردگان رسید. و سنیان باب البصرة و رصافه،

۱- مقاله دکتر مصطفی جواد درباره ابن عودی نیلی، که در مجله «الغری» سال ۷ شماره ۲۲ و ۲۳ آمده و تمام آن را مرحوم علامه امینی در الغدیر ۴/۳۷۹ به بعد، عیناً آورده است.

اموات شیعه را در مقابر کرخ، از قبور برآوردند و بسوختند.»^(۱)
 در همین زمان، تدبیر و درایت شیخ طوسی دیدنی است.
 شیخ یوسف بحرانی، از دو کتاب «محبوب القلوب»، و «مجالس المؤمنین»
 نقل می‌کند:

«بعضی از معاندان به خلیفه عباسی گفتند که شیخ، صحابه را سب می‌کند.»
 آنجا که در دعای روز عاشورا در کتاب خود «مصباح» - از چهار ظالم یاد
 می‌کند.^(۲)

خلیفه شیخ را فراخواند. و جمله یاد شده را به او گوشزد کرد. شیخ طوسی
 بدیهتاً گفت: مراد از اولین ظالم، قابیل قاتل هابیل است، که کار قتل را در میان
 بنی آدم آغاز کرد. دومین، قیدار بن سالف، قاتل ناقه صالح است. سومین، قاتل
 یحیی بن زکریا پیامبر خدا، و چهارمین، ابن مجلم قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام
 است. چون خلیفه این را شنید، شیخ را بزرگ داشت، و از سعایت‌کننده انتقام
 کشید.»^(۳)

جرج عطیه مستشرق آمریکایی و عبدالقادر قره‌خان اندیشمند ترکیه، از این

۱- مقاله مرحوم سید محمد محیط طباطبایی در: یادنامه شیخ طوسی ۴۷/۳.

۲- مراد این جمله است:

اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی و ابدأ به اولاً ثم العن الثانی و الثالث و
 الرابع. اللهم العن یزید خامساً...

در مورد این جملات و شرح آنها به کتاب «شفاء الصدور فی شرح زیارت
 العاشور» میرزا ابوالفضل تهرانی - که بهترین شرح زیارة عاشورا است - مراجعه
 شود.

۳- لؤلؤة البحرين / ۲۹۴.

حادثه به عنوان نکته‌ای مهم در زندگی شیخ یاد کرده‌اند.^(۱) قره‌خان می‌افزاید: «داستان بالا به خوبی نشان می‌دهد که شیخ طوسی دانشمندی است، فوق‌العاده آسان‌گیر، و در مقابل مسائل مختلف صاحب صبر و تدبیر، و در سایه این هوش خدادادی در دوران طوفانی با آرامش نسبی، حیات خود را از خطرات دور داشته است.»^(۲)

بر کلام او می‌افزاییم: «نه تنها حیات خود، بلکه حیات عموم مسلمانان را از خطرات دور داشت. و اهمیت زندگی شیخ در این است که از خود گذشت، تا خون مسلمانان محفوظ بماند.»

به گفتهٔ مرحوم استاد علامه سید عبدالعزیز طباطبایی:

«سه بار کتابخانهٔ شیخ را در جلوی چشمانش سوزاندند. و او به همان دلیل، هیچ سخنی نگفت.»^(۳) و در این کار، به سیرهٔ ائمه طاهرين عليهم السلام اقتدا کرد. از سویی کوشید تا خون مسلمانان نریزد، و از سوی دیگر با برقراری مجالس بحث و درس، کتابها را محفوظ داشت، و در کنار اینها، در مواقع بحرانی - مانند قصهٔ زیارت عاشورا - هم متن حدیث را از سقوط و تحریف مصون داشت، و هم دهان مخالفان معاند را بست. به همین دلیل خلیفهٔ عباسی (القائم بامرالله)، کرسی تدریس کلام را به شیخ طوسی تفویض کرد، که اولین و آخرین انتصاب یک عالم در کرسی تدریس کلام، از طرف القائم بود، آنهم در مرکز خلافت بنی‌عباس، در محیط اهل سنت، برای یک عالم بزرگ شیعه.

۱- شیخ طوسی و خاورشناسان / جرج عطیه. در هزارهٔ شیخ طوسی ۱/۲۶۴. آثار دست‌نویس شیخ طوسی در کتابخانه‌های اسلامبول / عبدالقادر قره‌خان. همان منبع ۱/۲۴۷.

۲- همان منبع / ۲۴۸.

۳- از افادات شفاهی استاد فقید (قدس سرّه).

به ویژه دانشمندی ایرانی که در یک محیط عربی به چنین منصبی دست می یافت. (۱)
 بالاخره در سال ۴۴۸ با انقراض سلطنت آل بویه و سلطه طغرل سلجوقی بر
 بغداد، شیخ به نجف مهاجرت کرد، در حالی که قبل از آن نجف، موقعیت علمی
 نداشت. و تنها به دلیل وجود حرم امیرالمؤمنین صلوات الله علیه، معدودی
 شیعه، با محدودیت های فراوان، در آنجا می زیستند.

شیخ طوسی که اینک وارث زعامت و مقام علمی شیخ مفید و سید مرتضی
 بود، با گذار از حوادث تلخ بغداد، وارد نجف اشرف شد. و با ورود او، مجلس
 درس و بحث وی نیز به این شهر انتقال یافت، مجلس درسی که تا کنون حدود
 هزار سال ادامه پیدا کرده است.

در مورد این دوره پربرکت نوشته اند:

«بیش از ۳۰۰ دانشمند شیعه از مکتب شیخ در رشته فقه و حدیث بیرون
 آمدند، علاوه بر دیگر شاگردان از اهل سنت، یا آنها که در زمینه های دیگر از
 محضر وی بهره بردند.» (۲)

در باره سخت کوشی علمی او خواجه نصیر طوسی می نویسد:

«محمد بن حسن طوسی شبها را بیدار می ماند و سرگرم مطالعه بود. کتابهایی
 چند نزد خود می گذاشت. هنگامی که از مطالعه یک نوع خسته می شد، به مطالعه
 نوع دیگر می پرداخت. نیز ظرف آبی پهلوی خود می نهاد، تا بدان وسیله خواب
 را از چشم خود دور کند. چون وقت سحر می شد و بر اثر مطالعه مشکلاتش حل
 می گردید، می گفت: کجا فرزندان پادشاهان این لذت را درک می کنند.» (۳)

علاوه بر اینان، فرزندان دانشمندی نیز در خانه شیخ الطائفه تربیت شدند که

۱- مفاخر اسلام ۳/۳۷۴، علی دوانی.

۲- مفاخر اسلام ۳/۳۸۳، به نقل از مقابس الانوار، روضات الجنات.

۳- همان / ۳۸۴، به نقل از آداب المتعلمین.

نامشان هنوز بر تارک تاریخ می‌درخشد. (۱)

۱- ابوعلی حسن بن محمد طوسی، که کلیه تصانیف پدرش را بر وی قرائت نمود.

کتاب «المرشد الی سبیل التبعده» و «شرح النهایه شیخ طوسی» و تکمیل کتاب «امالی» پدرش را نیز از آثار او شمرده‌اند. نقش اساسی او در ادامه مکتب پدرش را، می‌توان از کثرت دانشمندان شیعه یافت، که طریق روایتی آنان به ابوعلی می‌رسد، و از آنجا به شیخ طوسی.

ابوعلی، خود فرزندان دانشمند داشته، از جمله: ابوالنصر محمدبن حسن، که محدث نوری او را به «دانشمند بزرگ شیعه» توصیف کرده است و در سال ۵۴۰ درگذشت.

ابن عماد حنبلی در «شذرات الذهب» خود، از رفت و آمد طوائف شیعه نزد او برای کسب علم سخن گفته، سمعانی از وی ستایش نموده، و عماد الدین طبری، فضل او را ستوده است.

۲- دختر شیخ طوسی، که نام او را ننوشته‌اند، ولی همسر محمدبن احمدبن شهریار فقیه و خازن حرم امیرالمؤمنین (ع) بوده، در محضر شیخ درس خوانده و فرزندی به نام ابوطالب داشته است.

۳- دختر دیگر شیخ، جدّه سید رضی‌الدین ابن طاووس و همسر محمدبن جعفر بن طاووس بوده که بر همین اساس، ابن طاووس در کتب خود مکرراً شیخ طوسی را به عنوان جدّ خود یاد می‌کند.

شیخ آقابزرگ تهرانی، دختران شیخ را به عنوان «اهل روایت و درایت» می‌ستاید. (۲)

۱- نقل به تلخیص از: معجم رجال‌الحديث، مفاخر اسلام جلد ۳ و منابع دیگر.

۲- مقدمه التبیان، آقابزرگ تهرانی.

آثار و تألیفات شیخ طوسی^(۱)

نظر به تبحر و خبرویت شیخ طوسی در همه رشته‌های علوم دینی رائج عصر خویش، در تمام آن رشته‌ها از خود آثاری به جای گذارده که هر کدام در موضوع خود از بهترین کتب به شمار می‌رود. آثار شیخ، واجد چند امتیاز مهم است:

- ۱- عبارت آنها به روش معمول زمان در نهایت سادگی و خالی از اغلاق و ابهام و بسیار روان و شیرین است.
- ۲- نوشته‌های شیخ غالباً از نظم کامل در ابواب و فصول و دسته‌بندی و کلاسه کردن مطالب برخوردار است.
- ۳- شیخ در هر یک از آثار خود هدف مشخص و معقولی داشته و طبقه خاصی از طلاب علم از قبیل مبتدیان یا منتهیان و متوسطان در علم را در نظر می‌گرفته و به علاوه فنون مختلف یک علم مانند علم فقه را به هم نمی‌آمیخته بلکه در هر رشته، کتاب جداگانه تألیف کرده است و شاید همین امر باعث آن است که وی در آثار خود مخصوصاً در تفسیر نبیان هر بحثی را به کتاب خاص آن بحث از کتب خود ارجاع داده است.
- ۴- مجموع این امتیازات به ضمیمه شخصیت بارز وی که سرفصلی برای مذهب

۱- نقل از: هزاره شیخ طوسی ۱/۶۶ - ۷۱ و ۲۰۸ - ۲۲۷، مقالات سید هاشم رسولی و محمد واعظزاده خراسانی با تصرف و تخلص.

تشیّع به شمار می‌رود آثار او را جاودان نموده و هیچگاه دانشمندان از آنها بی‌نیاز نخواهد شد.

شماره آثار وی اعم از کتاب و رساله بالغ بر ۵۰ مجلد و جمعاً تحت نه موضوع مندرج است. بدین قرار:

۱- حدیث و اخبار ۲- رجال و تراجم و فهرست ۳- تفسیر ۴- فقه
۵- اصول ۶- کلام ۷- ادعیه و اعمال ۸- تاریخ و مقتل ۹- جواب سؤالات
مختلف مربوط به یک یا چند موضوع از موضوعات فوق که خود حاکی از
مرجعیت علمی شیخ در بلاد دور و نزدیک است.
و ما به همین ترتیب آن آثار را یاد می‌کنیم:

اول- کتب حدیث، سه کتاب

- ۱- «تهذیب الاحکام» یکی از کتب اربعه شیعه، شرح کتاب «مقنعه» شیخ مفید. (ش ۱۲)(۱)
- ۲- «الاستبصار فیما اختلف من الاخبار»، یکی دیگر از کتب اربعه (ش ۲).
- ۳- «امالی» یا «المجالس فی الاخبار» شامل ۴۵ مجلس درس و املاء حدیث شیخ طوسی. (ش ۵)

دوم- کتب فهرست و رجال، سه کتاب

- ۱- «الابواب» معروف به «رجال شیخ طوسی» شامل اسامی قریب ۹۸۰۰ تن از راویان حدیث. (ش ۱۵)

۱- شماره‌های ذکر شده، اشاره دارد به توضیح مختصر کتابها که پس از این به ترتیب الفبایی خواهد آمد.

- ۲- «الفهرست»، شامل نام و ترجمهٔ بیش از ۹۰۰ نفر از مصنفین و کتب آنان. (ش ۲۰)
- ۳- «اختیار الرجال» انتخاب «رجال کشی» موسوم به «معرفة الناقلين عن الائمة الصادقين». (ش ۱)

سوم - کتب تفسیر، سه کتاب

- ۱- «التبیان فی تفسیر القرآن» ده جزء با مقدمه‌ای راجع به قرآن و تفسیر. (ش ۸)
- ۲- «المسائل الدمشقیه فی تفسیر القرآن»، شامل دوازده مسأله راجع به تفسیر قرآن. (ش ۳۹)
- ۳- «المسائل الرجیبه فی تفسیر آی من القرآن» به گفتهٔ مؤلف مانند آن تصنیف نگردیده است. (ش ۴۱)

چهارم - کتب فقه، دوازده کتاب

- ۱- «النهایه فی مجرد الفقه والفتوی»، یک دورهٔ فقه منصوص و متخذ از متون اخبار. (ش ۴۹)
- ۲- «المبسوط فی الفقه»، یک دورهٔ جامع و مفصل فقه تفریعی به ضمیمهٔ فقه منصوص. (ش ۲۲)
- ۳- «الجمل و العقود فی العبادات»، متن منظم و فشرده‌ای در عبادات خمس. (ش ۱۳)
- ۴- «الخلافا فی الاحکام» یا «مسائل الخلاف» راجع به فقه تطبیقی و موازنه بین مذاهب فقهی اسلام. (ش ۱۴)
- ۵- «الایجاز فی الفرائض»، متن موجز و مختصر در احکام ارث. (ش ۷)
- ۶- «مناسک الحج فی مجرد العمل». (ش ۴۷)

- ۷- «المسائل الحلیبیه فی الفقه». (ش ۳۸)
- ۸- «المسائل الجنبلائیة فی الفقه»، شامل ۲۴ مسئله فقهی. (ش ۳۶)
- ۹- «المسائل الحائریة فی الفقه»، شامل قریب ۳۰۰ مسئله فقهی. (ش ۳۷)
- ۱۰- «مسئله فی وجوب الجزیه علی الیهود و المنتمین الی الجابرة» (ش ۳۱)
- ۱۱- «مسئله فی تحریم الفقاع». (ش ۳۲)
- ۱۲- «مسئله فی مواقیة الصلاة». (ش ۴۲)
- ینجم - کتب اصول فقه، دو کتاب**
- ۱- «العدة فی الاصول» یا «عدة الاصول»، مبسوط ترین کتاب اصول نزد قدما (ش ۱۸)
- ۲- «مسئله فی العمل بخبر الواحد و بیان حجیة الاخبار». (ش ۲۹)
- ششم - کتب کلامیه، هیجده کتاب**
- ۱- «تلخیص الشافی فی الامامة»، تلخیص و تنظیم کتاب الشافی سیدمرتضی. (ش ۱۰)
- ۲- «تمهید الاصول» یا «التمهید فی الاصول»، شرح بخش کلام از «جمل العلم و العمل» سید مرتضی. (ش ۱۱)
- ۳- «الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد فیما یجب علی العباد من اصول العقاید و العبادات الشرعیة». (ش ۴)
- ۴- «المفصح فی الامامة»، کتاب جامع و مختصری در بحث امامت. (ش ۲۳)
- ۵- «مالایسع المکلف الاخلال به» (ش ۴۳)
- ۶- «مایعلل و مالایعلل». (ش ۴۴)
- ۷- «مقدمة فی المدخل الی علم الکلام»، که مانند آن، به گفته مؤلف نوشته شده است. (ش ۴۵)

- ۸- «رياضة العقول»، شرح «مقدمة فی المدخل الی علم الکلام». (ش ۱۶)
- ۹- «انس الوحید»، ناتمام، در بحث «توحید» و قسمتی از «عدل» نوشته شده. (ش ۶)
- ۱۰- «شرح الشرح فی الاصول»، احتمالاً این کتاب عین کتاب سابق و شرحی است بر کتاب «تمهید الاصول» یا «شرح جمل» که قبلاً نام برده شده. (ش ۱۷)
- ۱۱- «الغیبة»، راجع به غیبت امام منتظر عجل الله فرجه. (ش ۱۹)
- ۱۲- «مسئله فی الاصول»، به گفته مؤلف رساله ملیحی است. (ش ۳۰)
- ۱۳- «الفرق بین النبی و الامام» یا «المسائل فی الفرق بین النبی و الامام». (ش ۳۳)
- ۱۴- «المسائل الرازیة فی الوعید»، شامل ۱۵ مسأله که از «ری» بر سید مرتضی وارد شده، و سید و شیخ هر دو به آن پاسخ گفته‌اند. (ش ۴۰)
- ۱۵- «النقض علی ابن شاذان فی مسئله الغار». (ش ۴۸)
- ۱۶- «مسائل اصول الدین»، یا «مسائل الطوسی» متن مختصری در عقائد. (ش ۳)
- ۱۷- «الکافی» در علم کلام (ش ۲۱)
- ۱۸- «تعلیق مالایسع» (ش ۹)

هفتم - کتب ادعیه و اعمال عبادی، چهار کتاب

- ۱- «مصباح المتهدج فی اعمال السنة»، کتاب منظمی در آداب و ادعیه و اعمال سال. (ش ۲۵)
- ۲- «مختصر المصباح فی الادعیه و العبادات» یا «المصباح الصیغر» مختصر کتاب سابق. (ش ۲۵)

۳- «مختصر فی عمل یوم و لیلۃ فی العبادات» یا «یوم و لیلۃ» راجع به نمازهای یومیّه و تعقیبات. (ش ۲۷)

۴- «هدایة المسترشد و بصیرة المعتبد فی الادعیة و العبادات». (ش ۵۰)

هشتم- کتب تاریخ و مقتل، دو کتاب

۱- «مختصر اخبار المختار بن ابی عبیدة الثقفی» یا «اخبار المختار». (ش ۲۶)

۲- «مقتل الحسین علیه السلام». (ش ۴۶)

نهم- جواب سوالات مختلف، سه کتاب

۱- «المسائل القمیة»، یا «جوابات المسائل القمیة». (ش ۲۸)

۲- «مسائل ابن البراج»، احتمالاً در فقه است. (ش ۳۴)

۳- «المسائل الالیاسیة»، صد مسأله در فنون مختلف. (ش ۳۵)

آشنایی مختصر با کتابهای شیخ طوسی^(۱)

تالیفات شیخ - تا آنجا که در کتابها ذکر شده - جمعاً پنجاه کتاب است که حدود چهل کتاب آن را خود شیخ در «فهرست» نقل کرده است. مابقی را یا پس از تألیف فهرست نوشته و یا در «فهرست» ذکر نکرده است، چه اینکه وی در «فهرست» در مقام ذکر همه تالیفات خود نبوده است. عبارات «فهرست» چنین است: «محمد بن الحسن بن علی الطوسی مصنف هذا الفهرست له مصنفات منها کتاب تهذیب الاحکام...» و از عبارات فوق می توان استظهار کرد که شیخ

۱- در این بخش، کتب یاد شده پیشین، به ترتیب الفبایی همراه با توضیح خلاصه ذکر می شود.

قسمتی از تألیفات خود را در این کتاب ذکر نکرده است. با تمام اینها، به احتمال قوی تألیفات شیخ بیش از پنجاه کتاب بوده که در جریان حریق خانه شیخ و هجرت او به نجف اشرف، سوخته و یا از بین رفته است.

از این پنجاه کتاب، پانزده کتاب آن تاکنون به طبع رسیده و مابقی، به صورت خطی در کتابخانه‌های شخصی یا عمومی موجود است و یا از بین رفته و فقط نامش به دست ما رسیده است.

اینک به ترتیب حروف تهجی، مؤلفات شیخ یاد می‌شود، و در ذیل هر یک، خصوصیات را که برای آن کتاب به دست آمده ذکر می‌گردد:

۱- اختیار الرجال

این کتاب که اکنون به نام «رجال کشی» معروف است، زبده‌ای از اصل «رجال کشی» است که بنا به گفته نجاشی و علامه در «خلاصه»: چون اصل آن - که ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی از دانشمندان قرن چهارم نگاشته مغلوط و نامرتب بوده، شیخ آن را مرتب کرده و اصلاحاتی در آن نموده است و آن را «اختیار الرجال» نام نهاده است. به گفته علامه نوری در «مستدرک الوسائل» ۵۲۹/۳ آنچه در دست مردم است و به نام رجال کشی شهرت دارد، «اختیار الرجال شیخ طوسی است»، و اصل کتاب کشی اکنون در دست نیست، و چنانچه ابن شهر آشوب در «معالم العلماء» (ص ۹۰) فرموده:

«آنچه را کشی (ره) نوشته است به «معرفة الناقلين عن الائمة الصادقين» نام نهاده بوده که اثری از آن در دست نیست، و از پاره‌ای از سخنان ابن حجر در کتاب «لسان المیزان» استفاده می‌شود که «کشی اصل» در دست وی بوده و در تراجم رجال، استفاده زیادی از آن کرده است.»

تاریخ تألیف کتاب «اختیار الرجال» شیخ به دست نیامده و معلوم نیست آن

را در بغداد تألیف کرده یا پس از مهاجرت به نجف اشرف، ولی بنا به گفته سیدابن طاوس در کتاب «فرج المهموم» (ص ۱۳۰ ط نجف) شیخ در نجف، آن را بر شاگردان خود املاء نموده است...
این کتاب چاپ شده است.

۲- استبصار

این کتاب که نام اصلی آن «الاستبصار فیما اختلف من الاخبار» است. یکی از کتب اربعه شیعه و مجامع حدیثی است که از زمان مؤلف تاکنون در نزد فقهای شیعه، مدار استنباط احکام شرعیه بوده است. کتاب مزبور را خود شیخ در سه جزء تنظیم کرده که دو جزء آن در عبادات، و جزء سوم در بقیه ابواب فقه - از عقود و ایقاعات و سایر احکام تا حدود و دیات - می باشد. این کتاب، تمامی کتب (ابواب) تهذیب را در بر دارد با این تفاوت که اخبار این کتاب، منحصر است به اخبار مختلفه و ذکر طریقه جمع بین آنها. ولی کتاب تهذیب جامع اخبار مخالف با یکدیگر و موافق با هم است. کتاب استبصار چاپ شده است...

۳- اصول العقاید

کتاب مزبور را خود شیخ (ره) در فهرست در ضمن تألیفات خود نام برده و علامه تهرانی در «الذریعه» (ج ۲ ص ۱۶۸) گوید: «کتاب مزبور غیر از شرح الشرحی است که شیخ در اصول، نگاشته و نام آن در «فهرست» مذکور نیست، و یکی از شاگردان شیخ به نام حسن بن مهدی سلیقی که ضمناً مباشر غسل او نیز بوده است ذکر کرده که شیخ، مقداری از شرح الشرح را بر ما املاء کرد و کتاب مزبور در موضوع خود بی نظیر است.»

۴- الاقتصاد الیهادی الی طریق الرشاد

این کتاب را شیخ به طور اختصار، در اصول عقاید و عبادات شرعیه نوشته است. و پس از آنکه تمام مسائل اصول و عقاید را نوشته می‌گوید:

«ما به طور مستوفی در این باره در کتاب «تلخیص الشافی» بحث کرده‌ایم و همین مقدار در اینجا کافی است و از اینجا به ذکر جمله‌ای از عبادات می‌پردازیم ... سپس به عبادات پرداخته است.»

علامه تهرانی در «الذریعة» (ج ۲ ص ۲۶۹) گوید:

«چند نسخه خطی از این کتاب را من دیده‌ام، سپس آنها را ذکر فرموده و خصوصیات هر یک را بیان می‌کند.»

متن اصلی و ترجمه کتاب توسط کتابخانه چهلستون مسجد جامع تهران چاپ شده است.

۵- امالی (۱)

کتاب امالی، مشتمل بر هیجده جزء و بیست و هفت مجلس است که طبق آنچه مشهور بوده، اجزاء هیجده گانه آن که قبل از مجالس^(۲) قرار دارد، املاء

۱- حاجی خلیفه در کتاب کشف الظنون (ص ۱۶ ط استانبول) تحت عنوان «امالی» می‌گوید:

«امالی جمع املاء است و معنای آن چنان است که مرد دانشمندی در جایی بنشیند، و گروهی از شاگردانش - قلم و کاغذ به دست - در اطراف او گرد آیند و آن مرد دانشمند آغاز سخن کند، و شاگردان بنویسند و آن را به نام املاء و امالی خوانند...»

علامه بزرگوار آقا بزرگ تهرانی - رحمة الله علیه - در کتاب الذریعة (ج ۲ ص ۳۰۵) تحت عنوان «امالی» گوید:

«امالی غالباً عنوانی است برای برخی از کتب حدیث، و آن کتابی است که شامل حدیث‌هایی باشد که از املاء شیخ شنیده شده یا از کتاب او، و یا غالباً به آنهایی گویند که به ترتیب مجالس سماع، ترتیب یافته و از این رو بدانها مجالس هم اطلاق می‌شود... و امالی از نظر قوت اعتبار و دوری از احتمال سهو و غلط و نسیان، نظیر اصل است، به خصوص اگر املاء شیخ از روی کتاب مصححی و یا از حفظ بوده باشد، البته در صورتی که قوه حافظه و ضبط و دقت شیخ در قسم دوم مورد اطمینان و وثوق باشد.»

۲- در الذریعة (ج ۲/۳۱۳) گوید: «شیخ طوسی (ره) از مشایخ خود مانند ابن غضایری یا ابن عبدون یا ابن شاذان یا ابن صلت و دیگران نیز روایت می‌کند، لکن آنچه از مجالس چاپ شده تمام امالی نیست، زیرا نسخه‌ای از کتاب مجالس شیخ (ره) در کتابخانه شیخ الاسلام زنجانی در زنجان موجود است که تقریباً متجاوز از یک نلت، بزرگتر از کتاب مجالسی است که به چاپ رسیده، و آن نسخه معتبری است که ملاخلیل قزوینی (شارح اصول کافی) در سال ۱۰۴۸ آن را استنساخ

ابوعلی طوسی فرزند شیخ متوفی بعد از سال ۵۱۵، است و بیست و هفت مجلس بعدی که تاریخ هر کدام در آغاز آن مذکور است املاء خود شیخ طوسی (ره) است. ولی مطابق تحقیق آقا بزرگ تهرانی در «الذریعة» (ج ۲ ص ۳۰۹ و ص ۳۱۱) تمامی اجزاء هیجده گانه و مجالس بیست و هفت گانه که جمعاً عدد آنها به چهل و پنج می رسد، امالی شیخ طوسی است. شیخ ابوعلی طوسی آن اجزاء هیجده گانه را که املاء پدر بزرگوارش بوده در سال ۵۰۹ برای شاگردانش املاء فرموده، و روش راویان حدیث نیز در آن زمان این بوده که نام راوی حدیث را در آغاز حدیث بنویسند. از این رو نام ابوعلی را در آغاز اجزاء مزبور ذکر کرده اند و به نام «امالی ابوعلی طوسی» معروف شده، و شاهد بر این مطلب گوید: بسیاری از نسخ امالی یافت شده که نام ابوعلی در صدر احادیث اجزاء هیجده گانه وجود ندارد بلکه در غالب آنها آغاز حدیث بدین نحو است:

«حدثنا الشيخ السعيد ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان المفيد...» و در برخی چنین است:

«اخبرنا جماعة منهم الحسين بن عبیدالله...» و در آغاز جزء چهاردهم چنین است:

«اخبرنا ابو الحسين محمد بن محمد بن محمد بن مخلص في ذي الحجة سنة ۴۱۷ في داره درب السلولى...» و همچنین سایر اجزاء که هر کدام به نام یکی از مشایخ شیخ طوسی (ره) آغاز شده، و از جمله این نسخ، نسخه کتابخانه آقا میرزا محمد



کرده و در پشت نسخه، گواهی داده که این، امالی شیخ ابو جعفر طوسی است؛ در صورتی که آخر نسخه نیز ناقص است و شاید نسخه کاملتری از آن نیز بعداً بدست آید، واللّه العالم.»

تهرانی در سامرا است... سپس شواهد دیگری نیز بر این مطلب ذکر کرده است.»
امالی چاپ شده است.

۶- انس الوحید

کتاب مزبور را شیخ (ره) در کتاب «فهرست» جزء تألیفات خود به شمار آورده، ولی اکنون اثری از آن در دست نیست.

۷- الایجاز فی الفرائض

در این کتاب - چنانکه از نام آن برمی آید - شیخ، فرائض را به طور اختصار ذکر فرموده، و چنانکه از آغاز آن، به دست آید این کار به تقاضای یکی از شاگردان شیخ و یا شخص دیگری صورت گرفته است. مؤلف «الذریعة» که نسخه‌های متعددی از آن را دیده است در (ج ۲ ص ۴۸۶) گوید: آغاز آن چنین است: «الحمد لله رب العالمین - تا آنجا که گوید - سألت ایدک الله املاء مختصر فی الفرائض و الموارث یحیط به جمیع ابوابه علی طریقة الایجاز...»

این کتاب، از مدارک علامه مجلسی (ره) در تألیف «بحار الانوار» بوده و در مقدمه بحار ذکر شده است. کتاب «ایجاز» را شیخ هبة الله راوندی (مشهور به قطب راوندی، متوفی ۵۷۳، مدفون در صحن بزرگ حضرت معصومه علیها السلام در قم) شرح کرده و آن را «الانجاز فی شرح الایجاز فی الفرائض» نامیده است.

ایجاز در سال ۱۳۸۳ در نجف اشرف با چاپ سربی و تصحیح و تعلیق محمد هادی امینی در ۳۳ صفحه چاپ شده است.

۸- تبیان در تفسیر قرآن

این کتاب، یکی از کتب بسیار نفیس شیخ طوسی (ره) است که تا زمان شیخ مانند آن نوشته نشده بود، و خود شیخ نیز در «فهرست» و مقدمه «تبیان» به این مطلب اشاره می‌کند، چنانکه پس از او طبرسی در مقدمه «مجمع البیان»، ابن ادریس در «منتخب التبیان»، و دیگر عالمان در کتابهای خود، به این حقیقت اقرار کرده‌اند. تبیان چاپ شده است.

۹- تعلیق مالایسع

این کتاب را ابن شهر آشوب در «معالم العلماء» جزء مؤلفات شیخ شمرده، ولی اکنون اثری از آن در دست نیست، و علامه بزرگوار آقا بزرگ تهرانی نیز در «الذریعة» نامی از این کتاب نبرده است.

۱۰- تلخیص الشافی

این کتاب - چنانکه از نامش برمی‌آید - تلخیص کتاب «شافی» استاد شیخ یعنی مرحوم سید مرتضی (ره) است که در رد بر کتاب «مغنی» قاضی عبدالجبار معتزلی در موضوع امامت نوشته است. چون کتاب شافی به واسطه اشتغال بر رد و ایرادهای بسیار، مرتب نبوده و گاهی یک سخن چند بار تکرار شده و (چنانکه شیخ در مقدمه کتاب تلخیص یاد آور شده)^(۱). «آن طور که ترتیب کتاب نویسی است موبّوب نبوده، از ابن رو شیخ در صد تلخیص آن برآمده و آن را به سبکی دلپذیر، مرتب و تلخیص نموده و مکرات را اسقاط و متفرقات آن را در یک جا جمع آوری کرده است.» کتاب «تلخیص الشافی» به چاپ رسیده.

۱- برای توضیح بیشتر به مقدمه کتاب مزبور (ج ۱، ص ۶۰-۶۲ ط نجف) مراجعه شود.

۱۱ - تمهید الاصول

این کتاب را شیخ در شرح کتاب «جمل العلم و العمل» سید مرتضی (ره) نوشته است و در کتاب فهرست (ص ۱۸۹ ط نجف) خود شیخ (ره) تصریح کرده فقط قسمتی را که مربوط به اصول بوده شرح کرده، از این رو نجاشی در کتاب رجال خود در ترجمه شیخ (ص ۲۱۶ ط تهران) نام آن را «تمهید الاصول» نهاده، و گرنه عبارت خود شیخ در فهرست در مورد معرفی کتاب مزبور چنین است: «... وله كتاب شرح ما يتعلق بالاصول من جمل العلم و العمل...»

۱۲ - تهذیب الاحکام

این کتاب نیز مانند کتاب استبصار، یکی از کتب اربعه شیعه است و از زمان تألیف آن تا کنون، مدار استنباط احکام در مورد مراجعه علما بوده است. کتاب تهذیب مشتمل بر بیست و سه کتاب است: اول آنها کتاب طهارت و آخر آن کتاب دیات است، مجموع ابواب «تهذیب» سیصد و نود و سه باب و مجموع احادیث آن ۱۳۵۹۰، حدیث است. شیخ (ره) کتاب «تهذیب» را پیش از استبصار نوشته، ولی تاریخ دقیق آن در دست نیست.

شیخ (ره) در مقدمه تهذیب تصریح کرده که ابتداء این کتاب را به عنوان شرح کتاب «مقنعه» استاد خود شیخ مفید تألیف کرده، تمام کتاب طهارت و اوائل کتاب صلاة را در حیات شیخ مفید نوشته است، و شیخ طوسی در آن زمان بیست و پنج یا بیست و شش سال از عمر شریفش گذشته بوده، و مابقی را پس از فوت شیخ مفید (ره) به رشته تحریر درآورده است.

۱۳ - الجمل و العقود فی العبادات

این کتاب را شیخ - به طوری که در مقدمه آن تصریح کرده - به درخواست یکی از فضلاء نوشته، و چنانکه از حاشیه برخی از نسخ کهن کتاب نقل کنند، درخواست کننده: قاضی عبدالعزیز بن نحریر بن عبدالعزیز بن سراج قاضی «طرابلس» و نماینده شیخ در سرزمین «شامات» بوده که سال وفاتش را ۴۸۱ نوشته‌اند.

این کتاب از اول طهارت شروع شده و به امر به معروف و نهی از منکر ختم می‌شود.

ترجمه عبارت شیخ در مقدمه کتاب چنین است:

«سپاس خدای را چنانچه شایسته است... من این کتاب را به درخواست شیخ فاضل که خدایش عمر طولانی دهد نوشتم که درخواست کرده بود کتاب مختصری بنویسم که ذکر عبادات و ذکر عقود و ابواب آن و شماره اجمالی و بیان افعال و انقسام آن به افعال و تروک و تقسیماتی که از نظر وجوب و ندب دارد، دربرگیرد. و در ضمن، ابواب آن را به عدد ضبط نمایم تا برای کسی که می‌خواهد آن را حفظ کند آسان گردد...»

کتاب «الجمل» به چاپ رسیده است.

۱۴ - الخلاف فی الاحکام

این کتاب که «مسائل خلاف» نیز بدان گفته شده به ترتیب کتب فقه تدوین شده و چنانکه شیخ (ره) در اول کتاب (ج ۱ ص ۲ ط تهران) تصریح کرده است، این کتاب را در خصوص مسائل خلافیه بین امامیه و اهل سنت نوشته است، بدین ترتیب، که مسائل خلافیه را از اول کتاب «طهارت» تا به آخر کتاب «امهات الاولاد» عنوان می‌کند. سپس مختار خود را روی قواعد و اصول مذهب

ذکر کرده و پس از آن، اقوال عامه را نقل می‌کند و به دنبال آن، دلیل آنچه را اختیار کرده است مطابق مذهب شیعه می‌آورد. کتاب خلاف چاپ شده است.

۱۵- رجال طوسی

این کتاب به خاطر اینکه در ابوابی ترتیب یافته، کتاب «الابواب» نیز نامیده شده و از کتب نفیس شیخ به شمار می‌رود، و یکی از اصول چهارگانه رجالی مورد اعتماد علمای شیعه است.

در این کتاب نام حدود ۸۹۰۰ نفر از اصحاب پیغمبر اکرم و صلوات‌الله علیهم اجمعین ائمه و راویان دیگری که در زمان غیبت صغری و کبری بوده‌اند تا زمان شیخ، با طبقه‌بندی منظم و به ترتیب حروف تهجی آمده است. چنانکه از کتاب برمی‌آید غرض شیخ از تألیف این کتاب، تنها تعداد اسامی روات و تمیز طبقات ایشان بوده و نظری به مدح و ذم و جرح و تعدیل آنان نداشته است. و اینکه گاهی برخی را توثیق نموده برای دفع شبهه و یا استطرادی است، و گرنه منظور اصلی او توثیق و یا تضعیف کسی نبوده است.

۱۶- ریاضة العقول

این کتاب را شیخ در شرح کتاب دیگرش «مقدمة فی المدخل الی علم الکلام» نوشته است، و در «فهرست» نیز آن را جزء مولفات خود ذکر کرده است. نجاشی در کتاب «رجال»، و ابن شهر آشوب در کتاب «معالم العلماء» نیز، آن را جزء تألیفات شیخ شمرده‌اند، و بیش از این خبر و اثری از کتاب در دست نیست.

۱۷- شرح الشرح فی الاصول

این کتاب را - چنانکه از شهید ثانی نقل شده - شاگرد شیخ، حسن بن محمد

سلیقی از او نقل کرده و گفته است:

«شیخ مقدار قابل توجهی از آن را بر ما املاء کرد و پیش از اتمام، از دنیا رفت». وی در توصیف این کتاب می‌گوید:

«مانند آن در فن خود نوشته نشده است.»

۱۸- العدة فی الاصول

این کتاب را شیخ در زمان حیات استاد خود سید مرتضی (ره) و پس از تألیف «استبصار» و «تهذیب» نوشته چنانکه در صفحه ۵۲ (ط بمبئی) بدان تصریح کرده است، و در نزد قدماء بهترین کتاب این فن شمرده می‌شده است. به طوری که از مقدمه کتاب معلوم می‌شود شیخ آن را به درخواست شاگردانش نوشته است. این کتاب به چاپ رسیده است.

۱۹- غیبت

این کتاب را شیخ در موضوع غیبت حضرت مهدی منتظر عجل الله فرجه تألیف کرده و از مقدمه آن معلوم می‌شود که آن را به درخواست یکی از اساتید خود و بزرگان شیعه نوشته است. کتاب غیبت چاپ شده، و ترجمه فارسی آن به نام «تحفه قدسی» (ترجمه محمد رازی، چاپ اسلامیة) منتشر شده است.

۲۰- فهرست شیخ

شیخ (ره) این کتاب را در معرفی اصحاب کتب و اصول نوشته است و اسانید خود را به آنها ذکر می‌کند و بیش از نهمصد نفر از مصنفین شیعه را در آنجا نام برده، و یکی از آثار بسیار نفیسی به شمار می‌رود که علمای امامیه و دیگران در علم رجال، بدان اعتماد داشته‌اند.

این کتاب را شیخ به درخواست یکی از اساتید خود (که غیبت را نیز به درخواست او نوشته) تألیف کرده. «فهرست» به طبع رسیده است.

۲۱- الکافی - در علم کلام

این کتاب را ابن شهر آشوب در کتاب «معالم العلماء» جزء تألیفات شیخ به شمار آورده و گوید، ناتمام است. و بیش از این اثری از آن در دست نیست.

۲۲- المبسوط

این کتاب را شیخ، در علم فقه تألیف کرده و در «فهرست» نیز نام آن را در زمره تألیفات خود آورده، و این، با آنچه گویند که «مبسوط» آخرین تألیفات شیخ بوده نیز منافاتی ندارد، زیرا ممکن است پس از تألیف، نام آن را در فهرست درج کرده باشد. یا اینکه ترجمه خود را پس از تألیف «مبسوط» در کتاب فهرست نوشته باشد.

به هر صورت شیخ، در کتاب «مبسوط» تمام ابواب فقه را در حدود هشتاد کتاب نوشته است. این کتاب یکی از کتابهای بسیار نفیس و گرانبهای فقهی شیعه است. شیخ این کتاب را بر مسلک مجتهدین نوشته و در فروع مختلف آن، راه اجتهاد و بحث و تحقیق را گشوده است و به این انگیزه در مقدمه آن تصریح می‌کند. مبسوط چاپ شده است...

۲۳- المفصح

این کتاب را که شیخ در بحث امامت نوشته، یکی از کتابهای گرانبهای شیعه است. از عبارت کتاب «تلخیص الشافی» او استفاده می‌شود که آن را پیش از «تلخیص الشافی» تألیف کرده و برخی از مباحث امامت را بدین کتاب احاله

فرموده است. به گفته صاحب «الذریعة» نسخ خطی بسیاری از آن موجود است که از آن جمله است:

نسخه کتابخانه راجه فیض آباد هند، و نسخه علامه حاج میرزا حسین نوری که از روی نسخه‌ای دیگر که تاریخ نوشتن آن در روز سه‌شنبه ۱۵ ربیع‌الآخر سال ۵۱۷ بوده، نوشته شده است. آنگاه جماعتی از روی آن نسخه، استنساخ کرده‌اند که یکی از آنها علامه مرحوم حاج میرزا محمد تهرانی رحمه‌الله علیه بوده و در کتابخانه ایشان موجود می‌باشد.

این کتاب در مجموعه «الرسائل العشر» شیخ طوسی چاپ شده است.

۲۴ - مصباح المتعبد و سلاح المتعبد

شیخ (ره) چنانکه از مقدمه این کتاب معلوم می‌شود آن را به درخواست جمعی از شاگردان خود نوشته و یکی از بهترین کتابهایی است که در این موضوع تألیف شده.

کتاب مصباح یک بار در سال ۱۳۳۸ در تهران به صورت سنگی به چاپ رسیده که قطع آن وزیری و در (۶۰۰) صفحه است و مخارج چاپ آن را حاج عباسقلی خان سهم‌الملک عراقی پرداخته است.

در حاشیه این چاپ، ترجمه مصباح، به قلم محدث بزرگوار مرحوم حاج شیخ عباس قمی متوفای سال ۱۳۵۹ نیز چاپ شده و فراغت از ترجمه در سال ۱۳۳۱ بوده است. متصدی چاپ در مقدمه آن ذکر کرده که این نسخه با پنج نسخه مقابله شده است، و سپس خصوصیات نسخ مزبور را ذکر می‌کند.

کتاب «مصباح» را علامه حلی متوفای سال ۷۲۶ تلخیص کرده و «منهاج الصلاح فی مختصر المصباح» نامیده است. این تلخیص که به درخواست وزیر محمد بن محمد قوه‌دهی انجام شده، به ده باب مرتب گردیده و در پایان، باب دیگری از مسائل اصول دین که برای مکلفین دانستن آنها لازم بوده بدان اضافه

نموده و عنوانش را چنین قرار داده: «الباب الحادی عشر فیما یجب علی عامة المکلّفین من معرفة اصول الدین». این باب جامع مسائل اصول عقاید بوده و احتیاج مردم بدان بیش از سایر ابواب بوده لذا آن را جداگانه استنساخ و تدوین کرده‌اند و بارها به چاپ رسیده و به «باب حادی عشر» معروف شده و محل نظر محققین قرار گرفته و شروح و تعلیقات بسیاری بر آن نوشته‌اند که مؤلف «الذریعة» نام بیست و دو شرح آن را (ج ۳ ص ۵-۷) ذکر می‌کند و بسیاری از دانشمندان نیز آن را ترجمه کرده‌اند که «الذریعة» (ج ۳ ص ۷ و ج ۴ ص ۱۳۶ و ج ۱۳ ص ۱۱۷-۱۲۳ و غیر آن) مذکور است.

۲۵- مختصر المصباح

این کتاب را که «مصباح صغیر» نیز بدان گفته‌اند خود شیخ از «مصباح المتهجّد» تلخیص کرده و در فهرست نام آن را جزء تألیفات خود ذکر می‌کند، و نسخ اصلی آن در کتابخانه‌های مختلف موجود است. از جمله: کتابخانه مرعشی، شماره‌های ۵۰۵۷، ۲۰۸۲، ۲۳۴۱، ۷۳۵۹، و کتابخانه رضوی، شماره‌های ۳۴۱۲، ۳۴۱۵، ۶۱۰۶، ۱۳۹۸۶.^(۱)

۲۶- مختصر اخبار

این کتاب در احوال مختار است و شیخ در «فهرست» نیز جزء تألیفات خود به شمار آورده و گاهی از این کتاب به «اخبار مختار بن ابی عبیده» تعبیر شده است.

۱- بنگرید: فهرست الفبایی رضوی / ۵۰۴، التراث العربی فی خزانه مخطوطات مكتبة آية الله المرعشي ۱۹/۵ - ۲۰.

۲۷- مختصر فی عمل یوم و لیلة

این کتاب را برخی به «یوم و لیلة» نامیده‌اند ولی خود شیخ در «فهرست» به همان نام اول ذکر می‌کند، شیخ در این کتاب فرائض و نوافل شبانه‌روزی که پنجاه و یک رکعت است و قسمتی از تعقیبات نمازها را به نحو اختصار ذکر کرده است.

۲۸- المسائل القمیة - یا - جوابات المسائل القمیة

این کتاب را ملا عنایت‌الله قهپانی در کتاب «مجمع الرجال» در زمره مؤلفات شیخ (ره) ذکر کرده ولی در کتاب «فهرست» نام آن مذکور نیست و مؤلف «الذریعة» آن را در حرف جیم به عنوان «جوابات المسائل القمیة» ذکر کرده است.

۲۹- مسألة فی العمل بخبر الواحد

شیخ (ره) این کتاب را به همین عنوان در فهرست جزء تألیفات خود ذکر کرده ولی در «الذریعة» در حرف «حاء» تحت عنوان «حجیة الاخبار» و به همین نام، آن را از «تأسیس الشیعه» نقل می‌کند.

۳۰- مسألة فی الاصول

این کتاب را شیخ در «فهرست» ذکر کرده و در وصف آن گوید «کتاب ملیحی است.»

۳۱- مسألة في وجوب الجزية على اليهود والمنتمين الى الجبارة

این کتاب را نیز مانند «المسائل القمية» ملا عنایت‌الله قهپائی در کتاب «مجمع الرجال» از تألیفات شیخ شمرده و آن را از کتاب «فهرست» نقل کرده است، اما در کتاب فهرست شیخ که اکنون در دست است ذکری از آن نیست. و از اینجا به دست می‌آید نسخه «فهرست» صاحب «مجمع الرجال»، مفصل‌تر از «فهرست» موجود بوده است.

۳۲- مسألة في تحريم الفقاع

این کتاب را شیخ در «فهرست» جزء تألیفات خود ذکر کرده و چنانکه علامه تهرانی در «الذريعة» ۲۰/۳۸۵ ذکر می‌کند نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌ها موجود است.

این رساله و رساله بعد، در ضمن مجموعه «الرسائل العشر» شیخ طوسی چاپ شده است.

۳۳- المسائل في الفرق بين النبي و الامام، يا مسألة الفرق بين النبي و الامام

شیخ (ره) در فهرست از آن نام برده و نسخه‌ای از آن کتاب در کتابخانه ملی ملک موجود است.

۳۴- مسألة ابن البراج

در فهرست مذکور است.

۳۵- المسائل الالياسية

این کتاب مشتمل بر یکصد مسأله در فنون مختلفه است و نام آن در «فهرست» مذکور است.

۳۶- المسائل الجنبلائیة

این کتاب را در فقه نوشته و مشتمل بر ۲۴ مسأله بوده است. «جنبلاء» نام جایی است بین واسط و کوفه (معجم البلدان ۲/۱۶۸).

۳۷- المسائل الحائریة

در این کتاب حدود سیصد مسأله فقهی مورد بحث قرار گرفته و از مصادر کتاب «بحار الانوار» می‌باشد و مجلسی در جلد اول «بحار» (ج ۱ ص ۷) آن را به نام «اجوبة المسائل الحائریة» جزء کتابهای شیخ و منابع «بحار» یاد کرده است، و محمدبن ادریس حلّی نیز در «مستطرفات سرائر» به عنوان «الحائریات» از آن نقل فرموده است.

۳۸- المسائل الحلبيّة

این کتاب نیز فقهی، و در «فهرست» نام آن ذکر شده است.

۳۹- المسائل الدمشقیة

که آن را ضمن ۱۲ مسأله در تفسیر قرآن نوشته، و در «فهرست» نیز جزء تألیفات خود نام برده است.

۴۰- المسائل الرازیة

مؤلف «الذریعة» (در ج ۵ ص ۲۲۱) آن را تحت عنوان «جوابات المسائل الرازیة» در حرف جیم عنوان کرده و آنها روی هم رفته پانزده مسأله بوده که از شهر ری برای استاد شیخ، سید مرتضی، فرستاده بوده‌اند و شیخ نیز به آنها پاسخ گفته است، سؤال اول از فقاخ است و سپس از پیغمبر اکرم (ص) و امیّت او و

مسائل دیگر. در «الذریعة» گوید:

«چند نسخه از این کتاب در کتابخانه «مشهد مقدس» و کتابخانه شیخ هادی کاشف الغطاء در نجف اشرف و سایر کتابخانه‌ها موجود است، لیکن کلیه نسخ موجود در پاسخ سید مرتضی است و از پاسخ شیخ اثری مشهود نیست.»

۴۱- المسائل الرجیبة

این کتاب نیز مانند «المسائل الدمشقیة» در تفسیر قرآن نوشته شده است، و شیخ آن را در «فهرست» ذکر کرده و گوید: مانند آن نوشته نشده است.

۴۲- مسألة فی مواقیت الصلاة

نام این کتاب در «فهرست» مذکور نیست ولی ابن شهر آشوب در «معالم العلماء» به همین عنوان آن را از تألیفات شیخ به شمار آورده است.

۴۳- ما لایسح المکلف الاخلال به

این کتاب در علم کلام نوشته شده و نجاشی آن را در ترجمه شیخ (رد) جزء تألیفات او ذکر می‌کند و خود شیخ نیز در «فهرست» آن را نام برده است.

۴۴- ما یعلل و ما یعلل

این کتاب نیز مانند کتاب قبل در علم کلام است و نجاشی و شیخ آن را ذکر کرده‌اند.

۴۵ - مقدمة فی المدخل الی علم الکلام

شیخ در «فهرست» پس از ذکر این کتاب گوید: مانندش تألیف نشده. و نجاشی نیز آن را از تألیفات شیخ شمرده. و چنانکه نقل شده نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه سید محمد مشکوة در تهران موجود است که در آغاز آن شیخ طوسی به خط خود نوشته است که کاتب، این نسخه را در چند مجلس بر من قرائت کرد که مجلس آخر آن در حوالی بغداد در روز ۲۶ محرم سال ۴۴۵ بود ... و سپس به خط خود آن را امضاء کرده است و نسخه مزبور را شخصی به نام نظام‌الدین محمود بن علی خوارزمی نوشته که معاصر شیخ بوده و تاریخ کتابت آن ۲۶ رجب سال ۴۴۴ است.

۴۶ - مقتل الحسین علیه السلام

این کتاب را نیز شیخ در «فهرست» جزء تألیفات خود ذکر کرده است.

۴۷ - مناسک الحج

این کتاب را نیز شیخ در «فهرست» ذکر فرموده است.

۴۸ - النقض علی ابن شاذان فی مسألة الغار

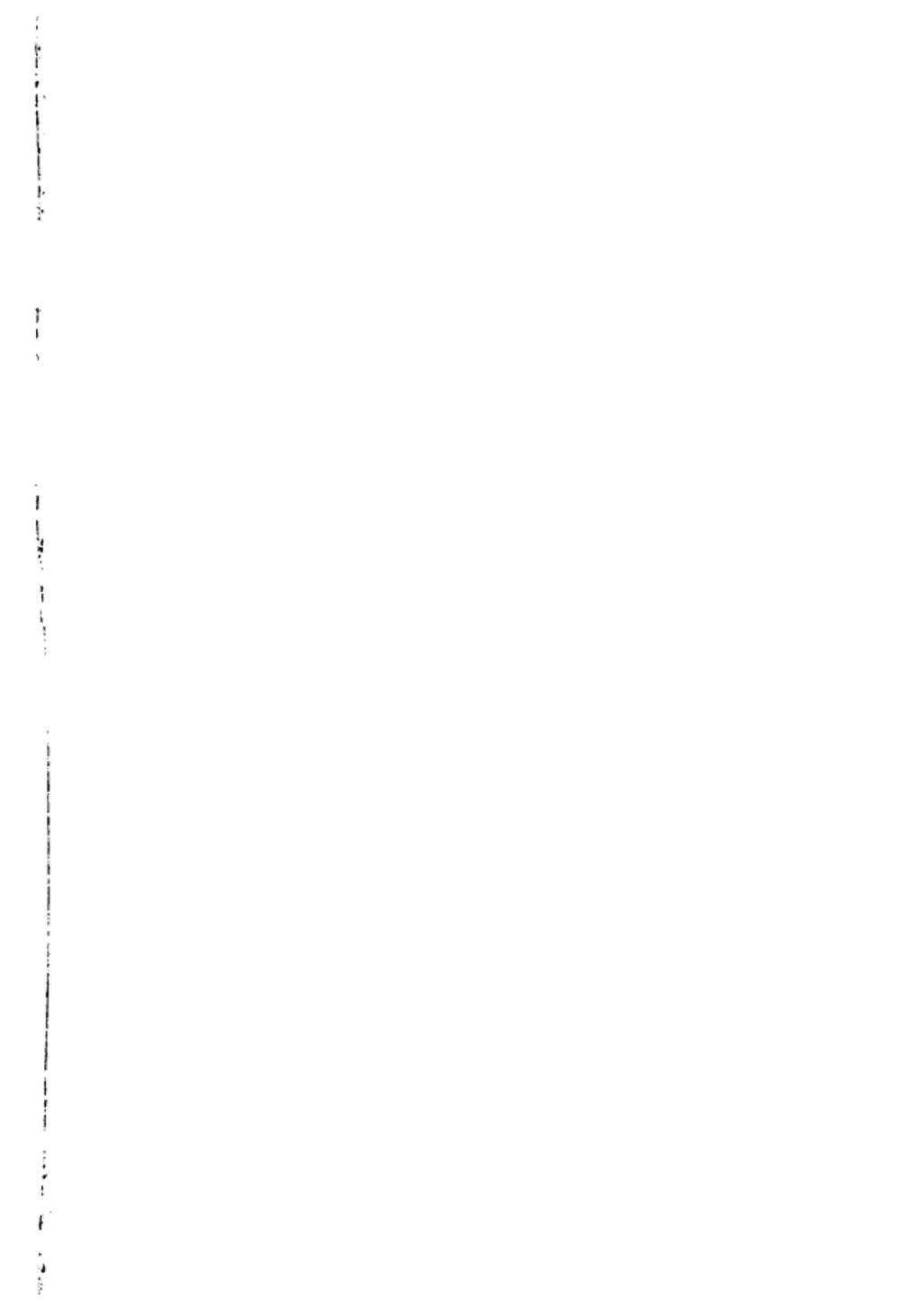
کتاب نقض نیز مانند دو کتاب فوق در «فهرست» شیخ ذکر شده و علامه بزرگوار سید مهدی بحرالعلوم نیز در «فوائد الرجالية» (ج ۳ ص ۲۳۲ ط نجف) آن را ذکر کرده است.

۴۹- النهایة فی مجرد الفقه

این کتاب فقهی را بر طبق مذاق علمای حدیث نوشته و از متون اخبار تجاوز نکرده است چنانکه در کتاب مبسوط بعکس این رفتار نموده است. متن عربی «نهایه» چاپ شده و ترجمه فارسی آن با تصحیح محمد تقی دانش پژوه منتشر گردیده است.

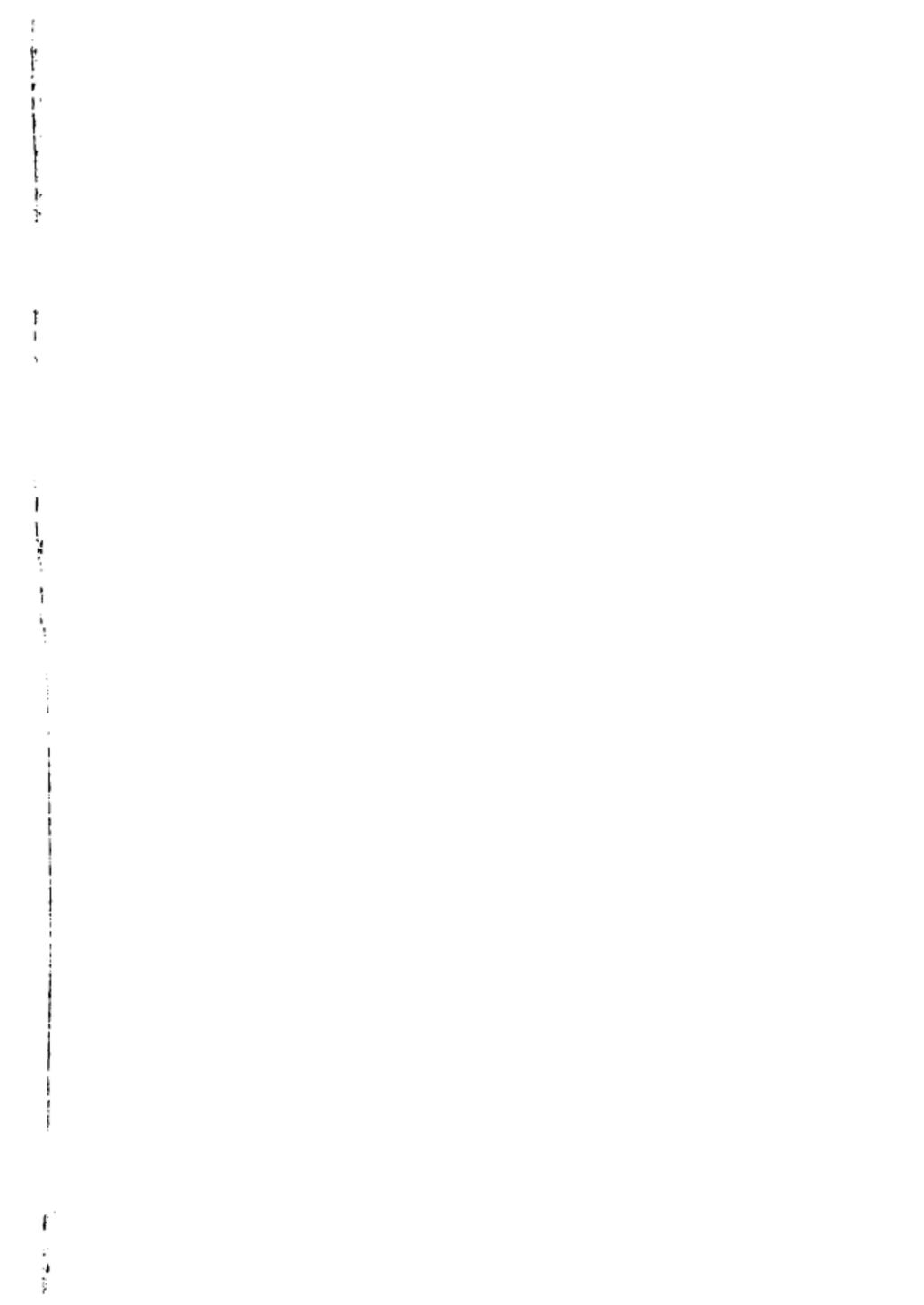
۵۰- هدایة المسترشد و بصیرة المتعبد

این کتاب را شیخ در خصوص عبادات نوشته، در کتاب «فهرست» جزء تألیفات خود به شمار آورده است. و علامه سید بحر العلوم (ره) نیز آن را در «فوائد الرجالية» جزء کتابهای شیخ ذکر کرده است.



فصل پنجم

آشنایی با تهذیب الاحکام



بهترین منبع برای شناخت انگیزه و روش تألیف و محدوده پژوهش شیخ طوسی در کتاب «تهذیب»، مقدمه آن است. این مقدمه را عیناً - بدون تلخیص، با اندکی شرح در موارد معدود - نقل می‌کنیم.

«بسم الله الرحمن الرحيم»

حمد خدای را که ولیّ حمد است و شایسته آن. و درودهای او بر برگزیده آفریدگانش محمد و خاندانش، و سلام خدا بر ایشان.

یکی از دوستان که حق او بر ما واجب شده بود که خدا تأییدش کند، درباره احادیث علمای ما - که خدای تأییدشان کند و رفتگان آنان بیامرزد - و اختلاف و تباین و منافات و تضاد که در این احادیث راه یافته، با من سخن گفت [به من گفت که اختلاف تا آنجا می‌رسد که] هیچ خبری نمی‌توان یافت مگر اینکه ضدّ آن نیز دیده شود. و هیچ حدیثی سالم نمی‌ماند مگر منافای آن در برابرش باشد. تا حدّی که مخالفان ما، این نکته را از بزرگترین حملات بر مذهب ما گرفته‌اند. و از اینجا برای ابطال عقاید ما می‌کوشند.

دشمنان می‌گویند: شما همواره - در گذشته و حال - مخالفان خود را به دلیل اختلاف در دینی که خدای تعالی قرار داده سرزنش می‌کنید، و جدایی کلمه آنها را در فروع دین - که خدای حکیم را نمی‌توان بدان عبادت کرد و برای عمل انسان دانا سزاوار نیست زشت می‌دانید. اما اختلاف و مباحث شما را در فروع و احکام خود، بیش از مخالفان یافته‌ایم. و این اختلافها در حالی که شما اختلاف را باطل می‌دانید، دلیل فساد اصل عقیده شما است.

کار این شبهه‌اندازی به اینجا رسید که در دل گروهی که توان علمی و بصیرت به وجوه نظر و معانی الفاظ نداشتند، شک افتاد و بسیاری از ایشان - آنگاه که وجه امور را مشتبه یافتند، و از حل شبهه ناتوان شدند - از عقیده حق بازگشتند. از استاد ام ابو عبدالله [مفید] شنیدم که ابوالحسین هارونی علوی، به حق عقیده داشت، و به امامت پای‌بند بود. اما بر اثر این اختلاف احادیث و شبهه مخالفان، از حق بازگشت، راه‌ها کرد و به بیراهه رفت، چرا که وجوه معانی در این احادیث مختلف برایش روشن نشده بود.

این قضیه نشان می‌دهد که او در دین خدا بدون بصیرت آمده و مذهب حق را تقلیدی پذیرفته بود، چرا که اختلاف در فروع، ترک اصولی را که با دلیل ثابت شده، نتیجه نمی‌دهد.

دوست ما یادآور شد که چون چنین است، پس اشتغال به شرح کتابی که تأویل اخبار مختلف و احادیث متنافی را دربر داشته باشد، از بزرگترین مهمات دینی و از نزدیکترین راههای قرب خدای تعالی است. به دلیل نفع زیاد برای مبتدی و مؤدب در علم که در آن است.

او از من خواست که رساله استاد، شیخ ابو عبدالله مفید ایده‌الله تعالی موسوم به «مقنعه» را شرح کنم، چرا که در معانی «شافی»، و در اکثر احکام شریعت که مورد نیاز است، «کافی»، و از حشو دور است.

او از من خواست که مباحث عقاید کتاب «مقنعه» را در این شرح رها کنم، و از ابواب طهارت شروع کنم، زیرا شرح مباحث عقاید به طول می‌انجامد. و هدف این کتاب نیز بیان اصول عقاید نیست.

همچنین از من خواست که هر باب را به ترتیب کتاب «مقنعه»، مسأله ذکر کنم،^(۱) و بر آن دلیل آورم، از ظاهر یا صریح یا فحوا یا دلیل یا معنای قرآن؛ و یا سنت محکم، که در اخبار متواتر آمده یا در اخباری که قرائن بر صحت آن حکم می‌کند؛ و یا از اجماع مسلمانان اگر در آن مسأله اجماع باشد؛ و یا از اجماع فرقه بر حق.^(۲)

آنگاه احادیثی را که میان شیعه در آن مسأله شهرت دارد | و در کتابهای آنان آمده | یاد کنم، با منافات و تضادی که دارند؛ و وجه صحیح آن را بیان کنم، یا با تأویلی که بین اخبار جمع کنم، یا وجه فساد یکی از اخبار را یادآور شوم، چه به دلیل ضعف سند و چه به دلیل عمل شیعه به خلاف مضمون آن | به جهت تقیه یا غیر آن |.

پس از آن، اگر دو خبر به گونه‌ای مساوی شدند که هیچ کدام وجهی برای ترجیح بر دیگری نیافت، باید به آن یک عمل شود که با دلالت اصل توافق دارد، و عمل به مخالف آن ترک شود. و همچنین اگر در حکم، نصی نیست که روشن کند، آن را بر مقتضای اصل حمل کردم.

۱- علامه مجلسی می‌نویسد:

مراد این است که عنوان باب مقنعه را تغییر ندهم، گرچه در شرح مطالبی به آن بیفزایم که در اصل مقنعه نیست. شیخ طوسی این کار را بسیار انجام داده است. و اگر خود را محدود به مسائل مقنعه می‌کرد کتاب او، از بسیاری فوائد خالی می‌ماند. (ملاذالاکخیر ۱ / ۱۴ - ۱۵)

۲- برای شرح و توضیح مبسوط این کلمات بنگرید: ملاذالاکخیر ۱ / ۱۴ - ۲۸

تا آنجا که توانستم بعضی احادیث را - بدون تضعیف سند - تأویل کنم، چنان کردم و می‌کوشم که برای بیان تأویل حدیث، حدیثی دیگر بیاورم که همان معنی را به صراحت یا فحوه به نحو روشن‌تر بیان کند، تا اینکه بر فتوا و تأویل به دلیل شرعی عمل کنم. البته این بر ما واجب نیست، اما از تمسک به احادیث، این عادت برای ما دست می‌دهد. این شیوه را تا آخر کتاب ادامه می‌دهم، و توضیحاتی خواهم گفت که وجه روایت بر هر که نظر می‌کند، مشتبه نشود.

پس به این شیوه، کتاب را آغاز کردم، به دلیل منفعت زیاد برای دین و فایده فراوان برای شریعت که در پی داشت، علاوه بر ادای حق برادر دینی ایده‌الله تعالی که بر من واجب بود.

و اینک، امیدوارم که آنگاه که خدای تعالی اتمام این کتاب را چنانکه گفتم، آسان گرداند، و توفیق پایان آن - به این شیوه - دهد، در باب خود کامل باشد و بیشتر احادیث مربوط به احکام شریعت را دربر گیرد، و مسائل دیگر را که در متن کتاب نیست - به دلیل آنکه «مقنعه» رساله‌ای فتوایی بوده - تذکر دهد.

گرچه من قصد ندارم بر کتاب «مقنعه» بیفزایم، زیرا اگر خدا بخواهد، پس از فراغ از این کتاب، بد توفیق الهی، بد شرح کتابی آغاز می‌کنم که جامع تمام یا اکثر احادیث علمای ما باشد، تا آنجا که کوشش من برسد. و در آنجا بطور مستوفی بیان حدیث خواهم کرد، اگر خدا بخواهد. و از خدای تعالی یاری می‌طلبم، و توفیق از او می‌خواهم برای آنچه دوست می‌دارد و رضا می‌دهد، که او ابتدا کننده به نعمتها، و آغازگر بخشش است»^(۱).

شیخ طوسی، در ابتدای کتاب «المشیخة»، سخن دیگری دارد که در زمینه روش تألیف تهذیب، مکمل این کلام خواهد بود.

توضیح اینکه مشیخه، آخرین مبحث از کتاب «تهذیب» - و به عبارت بهتر، پیوست مؤلف بر کتاب - است که پس از پایان تألیف کل کتاب، آن را نگاشته است. اینک ترجمه کلام شیخ طوسی که توجه به آن، مشکلاتی را در زمینه روش تألیف، و ناهمگونی آن در بعضی ابواب، حل می‌کند:

«در ابتدای کتاب شرط کردیم که به شرح رساله مقنعه - به روش مسأله مسأله - اکتفا کنیم، و ظواهر آیات و ادله‌ای را که به علم قطعی منجر می‌شود، بیاوریم، آنگاه بخشی عمده از اخباری را که مخالفان شیعه روایت کرده‌اند، یادآور شویم. سپس مطالب مربوط به احادیث علمای ما را - که خدایشان بیامرزاد - تذکر دهیم، و مسائل مورد اتفاق و اختلاف را بیان کنیم.

به این شرط، در قسمت زیادی از مطالب کتاب «الطهارة» وفا کردیم. پس از آن دیدیم که با این شرح و بسط، کتاب از هدف خود خارج می‌گردد و به علاوه ناقص و غیرمستوفی خواهد شد.

از این رو، از این روش چشم پوشیدیم، و به بیان احادیثی که محدثان شیعه در هر باب آورده‌اند - مختلف و متفق آن - گرویدیم. سپس دیدیم که ادامه کتاب به این روش، بهتر است از اطناب و تفصیل به روش دیگر.

پس بازگشتیم و ابواب زیادات را - در مواردی که فقدان آن اخلال به کتاب می‌زد - افزودیم.

در تمام این موارد، فقط مصنفی را در ابتدای خبر یاد کردیم که خبر را از کتاب او گرفته‌ایم، یا صاحب اصلی را که حدیث را از اصل او گرفته‌ایم.

در مورد احادیث شیعه - مختلف و متفق آن - نهایت کوشش خود را بکار بردیم. وجه تأویل آن را در موارد محل اختلاف، با شرطی که اول کتاب گفتیم بیان داشتیم. و تأویل دو خبر مختلف را به خبری نسبت دادیم که به آن دو خبر ناظر است.

اخبار متفق را نیز آوردیم، تا پناهگاه و تکیه گاهی باشد برای هر که فتوا را از حدیث می جوید.

اینک که خدای تعالی فراغ از اصل کتاب را نصیب ما ساخت، راههایی را بیان می داریم که وصول به روایت این اصول و مصنفات را هموار می سازد. و آنها را در کمال اختصار باز می گوئیم تا اخبار کتاب، از حدّ احادیث مرسل خارج شود، و به مجموعه احادیث مسند پیوند خورد.

باشد که خدای تعالی فراغتی نصیب فرماید تا به شرحی دیگر عزم کنیم، به روشی که ابتدا آغاز کرده بودیم، و با استیفاء و با استقصاء - به مشیت و یاری خدا - بیان داریم». (۱)

نگاهی به متن کتاب

متن کتاب، طبق تقسیم مصنف، شامل شش جزء و یک خاتمه است، که تطبیق با نسخه چاپ نجف به شکل جدول زیر است:

تقسیم مصنف	تجزیه نسخه چاپی
جزء اول	ج ۱/۵ - ج ۲/۲۳۶
زیادات جزء اول	ج ۲/۲۳۶ - ۲۸۳
جزء دوم	ج ۲/۳ - ج ۳/۲۰۶
زیادات جزء دوم	ج ۳/۲۰۷ - ۳۳۴
جزء سوم	ج ۲/۴ - ج ۴/۱۵۰
جزء چهارم	ج ۴/۱۵۱ - ج ۵/۴۹۳
جزء پنجم	ج ۲/۶ - ج ۷/۴۹۱
جزء ششم	ج ۲/۸ - ج ۱۰/۳۱۶
خاتمه (مشیخه)	[بیوست] ج ۱/۱۰ - ۹۲ (شماره صفحات جداگانه)

برای آشنایی بیشتر با ترکیب کلی مطالب، فهرست کتابها و ابواب «تهذیب» را به ترتیبی که در چاپ نجف آمده، نقل می‌کنیم.

برای مزید استفاده، فهرست تهذیب با فهرست کامل کتاب «ملاذ الاخیار» - تنها شرح کامل «تهذیب» که در دسترس است - ادغام و ارائه شده است.

جانب	جانب	جانب	ملاذ	تعداد	روايات	ملاحظات	تقديم		
							شماره	ص	ج
جانب غفاري	جانب شمس الدين	جانب سنكي	الاخبار	٦١	٢٢/١	باب الاحداث الموجبة للطهارة	١	٥	١
تهران	بيروت			—	١١٥/١	باب الطهارة من الاحداث	٢	٢٣	
٤/١	٢٧/١	٢/١	٢٢/١	٦١	١١٧/١	باب آداب الاحداث الموجبة للطهارة	٣	٢٤	
٢٤/١	٦٢/١	٧/١	١١٥/١	—	١١٧/١	باب صفات الرضوء والرض منه والستة والفضيلة فيه	٤	٥٢	
٢٥/١	٦٢/١	٨/١	١١٧/١	٩٠	٢٢٣/١	باب الاغسال المفترضات والمسنونات	٥	١٠٣	
٥٥/١	٩١/١	١٥/١	٢٢٣/١	١١٧	٢٩٠/١	باب حكم الجنابة وصفة الطهارة منها	٦	١١٨	
١٠٧/١	١٢٣/١	٢٣/١	٢٩٠/١	٤١	٢٣٢/١	باب حكم الحيض والاستحاضة والنفس والطهارة من ذلك	٧	١٥١	
١٢٣/١	١٢٧/١	٢٩/١	٢٣٢/١	١١٩	٥٠/١	باب التيمم و أحكامه	٨	١٨٣	
١٥٨/١	١٧٧/١	٥٠/١	٥/٢	٩٨	١٠٠/٢	باب صفة التيمم و أحكام المعدنين منه و ما ينبغي لهم أن يعلموا عليه الخ	٩	٢٠٦	
١٩٢/١	٢٠٥/١	٦٣/١	١٠٠/٢	٧١	١٧٨/٢	باب السبأ و أحكامها و ما يجوز التطهر به و ما لا يجوز	١٠	٢١٤	
٢١٨/١	٢٢٦/١	٧٢/١	١٧٨/٢	٢٠	٢٢٣/١	باب تطهير المياه من النجاسات	١١	٢٣١	
٢٢٦/١	٢٢٣/١	٧٤/١	٢٠٨/٢	٥٢	٢٢٩/١	باب تطهير الثياب و غيرها من النجاسات	١٢	٢٤٩	
٢٤٥/١	٢٢٩/١	٨٢/١	٢٢٩/٢	٤٤	٨٩/١	باب تلقين المحضرين و توجيههم عند الوفاة و ما يصح لهم في تلك الحال الخ	١٣	٢٨٥	
٢٦٤/١	٢٦٤/١	٨٩/١	٢٢٩/٢	١١٩	١٠١/١	ابواب الزيارات في ابواب كتاب الطهارة			
٢٠١/١	٢٩٦/١	١٠١/١	٤٢٢/٢	١٧٦	٥/٣	باب الاحداث غير الموجبة للطهارة	١٤	٢٤٥	
٢٦٧/١	٢٤٥/١	١٢٢/١	٥/٣	٢٩					

تهديب	تعداد روايات		ملاذ الاختيار	چاپ سنگي	چاپ شمس الدين بيروت	چاپ غفاري تهران	چاپ شمارة	ص	ج
	تعداد	روايات							
كتاب الطهارة	٣٧٣/١	٣٥١/١	١٢٤/١	٤١/٣	٣٣	باب آداب الاحداث الموجبة للطهارة	١٥	٣٥١	١
	٣٧٩/١	٣٥٤/١	١٢٧/١	٤٠/٣	٣٧	باب صفة الوضوء والقرض منه والسنة	١٦	٣٥٧	
	٣٨٨/١	٣٤٣/١	١٣٠/١	٤٠/٣	٣٥	باب الاغسال وكيفية الغسل من الجنابة	١٧	٣٤٥	
	٣٩٤/١	٣٧٠/١	١٣٢/١	٨٠/٣	٣٥	باب دخول الحمام و آدابه وسنته	١٨	٣٧٣	
	٤٠٢/١	٣٧٥/١	١٣٤/١	١٠٢/٣	٨٥	باب الحيض والاستحاضة و النفاس	١٩	٣٨٠	
	٤٢٧/١	٣٩٤/١	١٤٢/١	١٥٨/٣	١٩	باب التيمم واحكامه	٢٠	٤٠٣	
	٤٣١/١	٤٠٠/١	١٤٤/١	١٤٨/٣	٤٤	باب المياه و أحكامها	٢١	٤٠٨	
	٤٤٥/١	٤١١/١	١٤٩/١	٢٠٠/٣	٢٨	باب تطهير البدن و الثياب من النجاسات	٢٢	٤٢٠	
	٤٥٢/١	٤١٧/١	١٥١/١	٢١٧/٣	١٨٤	باب تلقين المحضرين	٢٣	٤٢٧	

جانب	جانب	جانب	ملاذ	تعداد روايات	كتاب الصلاة	تهديب		
						شماره	ص	ج
جانب	جانب	جانب				۱	۳	۲
عقاري	شمس الدين	چاپ سنگي				۲	۱۲	
تهران	بيروت					۳	۱۴	
۳/۲	۵/۲	۱۶۶/۱	۳۲۸/۳	۲۶	باب المستنون من الطلوات	۴	۱۸	
۱۳/۳	۱۵/۲	۱۶۹/۱	۳۵۱/۳	۸	باب فرض الصلاة في السفر	۵	۴۲	
۱۵/۲	۱۷/۲	۱۶۹/۱	۳۶۵/۳	۱۵	باب نوافل الصلاة في السفر	۶	۴۹	
۱۹/۳	۱۸/۲	۱۷۰/۱	۳۶۵/۳	۸۳	باب أوقات الصلاة و علامه كل وقت منها	۷	۵۹	
۴۳/۲	۳۹/۲	۱۷۷/۱	۴۲۵/۳	۲۸	باب القبلة	۸	۶۵	
۵۳/۳	۴۶/۲	۱۷۹/۱	۴۵۱/۳	۴۷	باب الأذان و الإقامة	۹	۱۳۹	
۶۴/۲	۵۵/۲	۱۸۲/۱	۴۸۱/۳	۲۵	باب عدد فصول الأذان و الإقامة و صفيها	۱۰	۱۷۶	
۶۹/۳	۶۱/۲	۱۸۴/۱	۴۹۶/۳	۳۱۰	باب كيفية الصلاة و صفيها و ... و المفروض من ذلك و المستنون	۱۱	۲۰۳	
۱۴۹/۲	۱۲۴/۲	۲۰۷/۱	۵/۴	۱۵۷	باب تفصيل ما تقدم ذكره في الصلاة من المفروض و المستنون - الخ			
۱۸۶/۲	۱۵۶/۳	۲۱۷/۱	۱۰۵/۴	۹۳	باب احكام السهو في الصلاة و ما يجب منه إعادة الصلاة			
۲۱۵/۲	۱۸۰/۲	۲۲۵/۱	۱۷۶/۴	۱۳۹	باب ما يجوز الصلاة فيه من اللباس و المكان و ما يجوز الصلاة فيه من ذلك			
					ابواب الزيارات في هذا الجزء			
۲۵۳/۲	۲۰۹/۲	۲۳۵/۱	۲۶۲/۴	۳۲	باب فضل الصلاة و المفروض منها و المستنون			
۲۶۰/۲	۲۱۵/۳	۲۳۷/۱	۲۹۰/۴	۱۳۵	باب المواقيت			
۲۹۸/۲	۲۴۴/۲	۲۴۷/۱	۳۷۱/۴	۴۶	باب الأذان و الإقامة			

باب	شمس الدين بغداد	باب	شمس الدين بيروت	چاپ سنگي	ملاذ الاخبار	تعداد روايات	تهذيب	
							باب	ص
٣٠٩/٢	٢٥١/٢	٢٤٩/١	٢٤٩/١	٣٩٤/٤	٢٤٨	باب كيفية الصلاة و صفتها و المفروض من ذلك و المسنون	١٥	٢٨٤
٣٤٧/٢	٢٩٨/٢	٢٤٥/١	٢٤٥/١	٥٣٥/٤	٥٤	باب أحكام السهو	١٤	٣٤١
٣٨٢/٢	٣٠٩/٢	٢٤٩/١	٢٤٩/١	٥٧٠/٤	١١٥	باب ما يجوز الصلاة فيه من اللباس و المكان و ما لا يجوز	١٧	٣٥٥
٤١٠/٢	٣٣٠/٢	٢٧٤/١	٢٧٤/١	٤٢٤/٤	٨	باب الصبيان متى يؤمرون بالصلاة	١٨	٣٨٠
٤١٢/٢	٣٣٢/٢	٢٧٧/١	٢٧٧/١	٤٣١/٤	٧	باب من الزيادات	١٩	٣٨٢

باب	شمس الدين بغداد	باب	شمس الدين بيروت	چاپ سنگي	ملاذ الاخبار	تعداد روايات	تهذيب	
							باب	ص
٣/٣	٥/٣	٢٧٧/١	٢٧٧/١	٤٣٥/٤	٨١	باب العمل في ليلة الجمعة و يومها	١	٢
٢٧/٢	٢٥/٣	٢٨٤/١	٢٨٤/١	٤٨٩/٤	٧	باب فضل الجماعة	٢	٤٢
٢٩/٢	٢٧/٣	٢٨٤/١	٢٨٤/١	٤٩٤	١٠٩	باب أحكام الجماعة و أقل الجماعة و صفة الامام و... غير ذلك من أحكامها	٣	٢٤
٤٤/٢	٥٧/٣	٢٩٤/١	٢٩٤/١	٥/٥	٣١	باب فضل شهر رمضان و الصلاة فيه زيادة على التوافل المذكورة في سائر الشهور	٤	٥٧
٧٨/٢	٧٠/٣	٢٩٩/١	٢٩٩/١	٣١/٥	٤٠	باب الدعاء بين الركعات	٥	٧١
٨٤/٢	٧٥/٣	٣٠١/١	٣٠١/١	٣١/٥	٤٠	الدعاء بين الركعات العشر المبردة على العشرين في العشر الاواخر	-	٧٧

جانب	جانب	جانب	ملاذ	روایات	تعداد	کتاب الصلاة	تہذیب		
							شماره	ص	ج
جانب	جانب	جانب	ملاذ	روایات	تعداد	کتاب الصلاة	شماره	ص	ج
غزالی	شمس الدین	جانب	الاختیار	روایات	تعداد	کتاب الصلاة	شماره	ص	ج
تہران	بیتوت	جانب	الاختیار	روایات	تعداد	کتاب الصلاة	شماره	ص	ج
۸۶/۳	۷۶/۳	۳۰۲/۱	۵۶/۵	—	—	کتاب الصلاة	باب	۷۹	۳
۱۰۹/۳	۹۲/۳	۳۱۰/۱	۱۰۰/۵	—	—	کتاب الصلاة	باب	۱۰۱	
۱۱۴/۳	۹۶/۳	۳۱۲/۱	۱۱۶/۵	—	—	کتاب الصلاة	باب	۱۰۶	
۱۲۱/۳	۱۰۱/۳	۳۱۴/۱	۱۳۲/۵	—	—	کتاب الصلاة	باب	۱۱۱	
۱۳۴/۳	۱۱۰/۳	۳۱۹/۱	۱۶۲/۵	—	—	کتاب الصلاة	باب	۱۲۲	
۱۳۹/۳	۱۱۳/۳	۳۲۱/۱	۱۷۰/۵	۴۸	—	کتاب الصلاة	باب	۱۲۷	
۱۵۵/۳	۱۲۷/۳	۳۲۶/۱	۲۰۳/۵	۱	—	کتاب الصلاة	باب	۱۴۳	
۱۶۱/۳	۱۳۱/۳	۳۲۹/۱	۲۲۰/۵	۱۱	—	کتاب الصلاة	باب	۱۴۷	
۱۶۴/۳	۱۳۴/۳	۳۳۰/۱	۲۲۵/۵	—	—	کتاب الصلاة	باب	۱۵۱	
۱۶۹/۳	۱۳۷/۳	۳۳۱/۱	۲۵۷/۵	۱۱	—	کتاب الصلاة	باب	۱۵۴	
۱۷۴/۳	۱۴۱/۳	۳۳۲/۱	۲۶۷/۵	۲۴	—	کتاب الصلاة	باب	۱۵۸	
۱۸۶/۳	۱۵۱/۳	۳۲۵/۱	۲۸۷/۵	۵	—	کتاب الصلاة	باب	۱۷۰	
۱۸۸/۳	۱۵۲/۳	۳۲۵/۱	۲۹۱/۵	۵	—	کتاب الصلاة	باب	۱۷۱	
۱۹۰/۳	۱۵۴/۳	۳۲۶/۱	۲۹۸/۵	۴	—	کتاب الصلاة	باب	۱۷۳	
۱۹۱/۳	۱۵۶/۳	۳۲۶/۱	۳۰۱/۵	۱۵	—	کتاب الصلاة	باب	۱۷۴	
<p>باب صلاة البريق و الموتل و المصطر بغير ذلك</p>							شماره	ص	ج
							باب	۱۴	

كتاب	چاپ	شمس‌الدين	چاپ	چابستگى	ملاذ	تعداد روايات	تهذيب	
							ص	ج
كتاب الصلاة							باب	شماره
	١٩٥/٣	١٥٩/٣	چاپ بيروت	٣٣٧/١	٣١٠/٥	٤	١٥	١٧٨
	١٩٧/٣	١٦٠/٣		٣٣٨/١	٣١٣/٥	٨	١٦	١٧٩
	٢٠٠/٣	١٦٢/٣		٣٣٨/١	٣٢٠/٥	٣	١٧	١٨٢
	٢٠١/٣	١٦٣/٣		٣٣٩/١	٣٢١/٥	—	—	١٨٣
	٢٠١/٣	١٦٣/٣		٣٣٩/١	٣٢٥/٥	—	—	١٨٤
	٢٠٢/٣	١٦٣/٣		٣٣٩/١	٣٢٧/٥	١	١٨	١٨٤
	٢٠٣/٣	١٦٤/٣		٣٣٩/١	٣٢٩/٥	١	١٩	١٨٥
	٢٠٤/٣	١٦٥/٣		٣٣٩/١	٣٣٢/٥	٩	٢٠	١٨٦
	٢٠٨/٣	١٦٨/٣		٣٤٠/١	٣٤١/٥	٢٥	٢١	١٨٩
	٢١٧/٣	١٧٥/٣		٣٤٣/١	٣٥٩/٥	٣٨	٢٢	١٩٧
	٢٢٨/٣	١٨٤/٣		٣٤٥/١	٣٨٣/٥	١٢٧	٢٣	٢٠٧
	٢٥٨/٣	٢٠٩/٣		٣٥٢/١	٣٤٩/٥	٦٢	٢٤	٢٢٥
	٢٧٢/٣	٢٢١/٣		٣٥٦/١	٤٤٦/٥	١٦٤	٢٥	٢٤٨
	٣١٤/٣	٢٥١/٣		٣٦٥/١	٥٤٠/٥	٢٩	٢٦	٢٨٤

جانب	جانب	چاپ سنگی	ملاذ	تعداد روایات	کتاب الصلاة	تہذیب		
						شماره	ص	ج
جانب	جانب							
غفاری	شمس الدین							
تہران	بیروت							
۳۲۱/۳	۲۵۶/۳	۳۴۷/۱	۵۵۴/۵	۱۹	باب صلاة الكسوف	۲۷	۲۹۰	۳
۳۲۶/۳	۲۶۰/۳	۳۴۸/۱	۵۶۴/۵	۱۷	باب الصلاة في السفينة	۲۸	۲۹۵	
۳۳۱/۳	۲۶۲/۳	۳۴۹/۱	۵۷۲/۵	۱۳	باب صلاة العوف	۲۹	۲۹۹	
۳۳۴/۳	۲۶۶/۳	۳۷۰/۱	۵۷۹/۵	۲۳	باب صلاة المضطر	۳۰	۳۰۲	
۳۴۱/۳	۲۷۲/۳	۳۷۲/۱	۵۹۰/۵	۲۰	باب من الصلوات المرغب فيها	۳۱	۳۰۹	
۳۴۸/۳	۲۷۷/۳	۳۷۴/۱	۶۰۴/۵	۷۲	باب الصلاة على الأموات	۳۲	۳۱۵	

جانب	جانب	چاپ سنگی	ملاذ	تعداد روایات	کتاب الزکاة	تہذیب		
						شماره	ص	ج
جانب	جانب							
غفاری	شمس الدین							
تہران	بیروت							
۳/۴	۵/۴	۳۸۰/۱	۵/۶	۱۲	باب ما يجب فيه الزكاة	۱	۲	۴
۹/۴	۹/۴	۳۸۱/۱	۱۳/۶	۱۷	باب زكاة الذهب	۲	۶	
۱۶/۴	۱۴/۴	۳۸۲/۱	۲۴/۶	۴	باب زكاة الفضة	۳	۱۲	
۱۷/۴	۱۵/۴	۳۸۳/۱	۲۷/۶	۱۸	باب زكاة الحنطة والتمر والزيب	۴	۱۳	
۲۵/۴	۲۰/۴	۳۸۵/۱	۴۲/۶	۵	باب زكاة الابل	۵	۲۰	

چاپ غفاری تهران	چاپ شمس‌الدین بهبود	چاپ شمس‌النگی	ملاذ الاخبار	تعداد روایات	کتاب‌الزکاة	تهذیب	
						شماره باب	ص ج
۳۱/۴	۲۴/۴	۳۸۶/۱	۵۵/۶	۱	باب زکاة البقر	۶	۲۴
۳۲/۴	۲۵/۴	۳۸۷/۱	۵۸/۶	۲	باب زکاة الغنم	۷	۲۴
۳۵/۴	۲۶/۴	۳۸۷/۱	۶۶/۶	۱۷	باب زکاة مال الاطفال و المجانین	۸	۲۶
۴۱/۴	۳۰/۴	۳۸۹/۱	۷۹/۶	۱۲	باب زکاة مال الغائب والدين و القرض	۹	۳۱
۴۴/۴	۳۲/۴	۳۹۰/۱	۸۹/۶	۲۱	باب وقت الزکاة	۱۰	۳۴
۵۷/۴	۴۰/۴	۳۹۳/۱	۱۱۱/۶	۱۷	باب تعجيل الزکاة و تأخيرها عما تجب فيه من الاوقات	۱۱	۴۳
۶۳/۴	۴۵/۴	۳۹۴/۱	۱۲۲/۶	۳	باب اصناف أهل الزکاة	۱۲	۴۸
۶۶/۴	۴۷/۴	۳۹۵/۱	۱۳۶/۶	۱۴	باب مستحق الزکاة للفقير و المسکنة من جملة الاصناف	۱۳	۵۰
۷۳/۴	۵۰/۴	۳۹۶/۱	۱۴۵/۶	۱۰	باب من تحمل له من الاهدل و تحرم له من الزکاة	۱۴	۵۴
۷۶/۴	۵۳/۴	۳۹۷/۱	۱۵۲/۶	۱۳	باب ما یحل لینی هاشم و یحرم من الزکاة	۱۵	۵۷
۸۱/۴	۵۷/۴	۳۹۸/۱	۱۶۳/۶	۸	باب ما یجب ان ینخرج من الصدقة و اقل ما یطی	۱۶	۶۲
۸۳/۴	۵۸/۴	۳۹۹/۱	۱۶۸/۶	۴	باب حکم الحبوب بأسرها فی الزکاة	۱۷	۶۴
۸۵/۴	۵۹/۴	۳۹۹/۱	۱۷۲/۶	۴	باب حکم الخضر فی الزکاة	۱۸	۶۶
۸۷/۴	۶۰/۴	۳۹۹/۱	۱۷۶/۶	۲	باب حکم الخیل فی الزکاة	۱۹	۶۷
۸۸/۴	۶۱/۴	۴۰۰/۱	۱۷۹/۶	۸	باب حکم امته التجارات فی الزکاة	۲۰	۶۸

		تهذيب	
		صفحة	ج
كتاب الزكاة			
جانب	جانب	جانب	٤
مفتاح	شمس الدين		
تهران	بيروت		
١٥٥/٤	١٠٧/٤	٢٣٩/٦	١٦
١٥١/٤	١٠٥/٤	٢٣٤/٦	٣
١٤٨/٤	١٠٣/٤	٢٣٣/٦	١
١٤٥/٤	١٠٢/٤	٢٣٢/٦	٣
١٤٢/٤	١٠٠/٤	٢٣١/٦	٤
١٣٩/٤	١٠١/٤	٢٣٠/٦	١
١٣٦/٤	١٠٣/٤	٢٢٩/٦	٣
١٣٣/٤	١٠١/٤	٢٢٨/٦	٧
١٣٠/٤	١٠٠/٤	٢٢٧/٦	١٩
١٢٧/٤	٩٩/٤	٢٢٦/٦	١
١٢٤/٤	٩٧/٤	٢٢٥/٦	١١
١٢١/٤	٩٦/٤	٢٢٤/٦	٣
١١٨/٤	٩٥/٤	٢٢٣/٦	٢٣
١١٥/٤	٩٤/٤	٢٢٢/٦	٣٢
١١٢/٤	٩٣/٤	٢٢١/٦	٣٠
١٠٩/٤	٩٢/٤	٢٢٠/٦	٣١
١٠٦/٤	٩١/٤	٢١٩/٦	٣٢
١٠٣/٤	٩٠/٤	٢١٨/٦	٣٣
١٠٠/٤	٨٩/٤	٢١٧/٦	٣٤
٩٧/٤	٨٨/٤	٢١٦/٦	٣٥
٩٤/٤	٨٧/٤	٢١٥/٦	٣٦
٩١/٤	٨٦/٤	٢١٤/٦	٣٧
٨٨/٤	٨٥/٤	٢١٣/٦	٣٨
٨٥/٤	٨٤/٤	٢١٢/٦	٣٩
٨٢/٤	٨٣/٤	٢١١/٦	٤٠
٧٩/٤	٨٢/٤	٢١٠/٦	٤١
٧٦/٤	٨١/٤	٢٠٩/٦	٤٢
٧٣/٤	٨٠/٤	٢٠٨/٦	٤٣
٧٠/٤	٧٩/٤	٢٠٧/٦	٤٤
٦٧/٤	٧٨/٤	٢٠٦/٦	٤٥
٦٤/٤	٧٧/٤	٢٠٥/٦	٤٦
٦١/٤	٧٦/٤	٢٠٤/٦	٤٧
٥٨/٤	٧٥/٤	٢٠٣/٦	٤٨
٥٥/٤	٧٤/٤	٢٠٢/٦	٤٩
٥٢/٤	٧٣/٤	٢٠١/٦	٥٠
٤٩/٤	٧٢/٤	٢٠٠/٦	٥١
٤٦/٤	٧١/٤	١٩٩/٦	٥٢
٤٣/٤	٧٠/٤	١٩٨/٦	٥٣
٤٠/٤	٦٩/٤	١٩٧/٦	٥٤
٣٧/٤	٦٨/٤	١٩٦/٦	٥٥
٣٤/٤	٦٧/٤	١٩٥/٦	٥٦
٣١/٤	٦٦/٤	١٩٤/٦	٥٧
٢٨/٤	٦٥/٤	١٩٣/٦	٥٨
٢٥/٤	٦٤/٤	١٩٢/٦	٥٩
٢٢/٤	٦٣/٤	١٩١/٦	٦٠
١٩/٤	٦٢/٤	١٩٠/٦	٦١
١٦/٤	٦١/٤	١٨٩/٦	٦٢
١٣/٤	٦٠/٤	١٨٨/٦	٦٣
١٠/٤	٥٩/٤	١٨٧/٦	٦٤
٧/٤	٥٨/٤	١٨٦/٦	٦٥
٤/٤	٥٧/٤	١٨٥/٦	٦٦
١/٤	٥٦/٤	١٨٤/٦	٦٧
	٥٥/٤	١٨٣/٦	٦٨
	٥٤/٤	١٨٢/٦	٦٩
	٥٣/٤	١٨١/٦	٧٠
	٥٢/٤	١٨٠/٦	٧١
	٥١/٤	١٧٩/٦	٧٢
	٥٠/٤	١٧٨/٦	٧٣
	٤٩/٤	١٧٧/٦	٧٤
	٤٨/٤	١٧٦/٦	٧٥
	٤٧/٤	١٧٥/٦	٧٦
	٤٦/٤	١٧٤/٦	٧٧
	٤٥/٤	١٧٣/٦	٧٨
	٤٤/٤	١٧٢/٦	٧٩
	٤٣/٤	١٧١/٦	٨٠
	٤٢/٤	١٧٠/٦	٨١
	٤١/٤	١٦٩/٦	٨٢
	٤٠/٤	١٦٨/٦	٨٣
	٣٩/٤	١٦٧/٦	٨٤
	٣٨/٤	١٦٦/٦	٨٥
	٣٧/٤	١٦٥/٦	٨٦
	٣٦/٤	١٦٤/٦	٨٧
	٣٥/٤	١٦٣/٦	٨٨
	٣٤/٤	١٦٢/٦	٨٩
	٣٣/٤	١٦١/٦	٩٠
	٣٢/٤	١٦٠/٦	٩١
	٣١/٤	١٥٩/٦	٩٢
	٣٠/٤	١٥٨/٦	٩٣
	٢٩/٤	١٥٧/٦	٩٤
	٢٨/٤	١٥٦/٦	٩٥
	٢٧/٤	١٥٥/٦	٩٦
	٢٦/٤	١٥٤/٦	٩٧
	٢٥/٤	١٥٣/٦	٩٨
	٢٤/٤	١٥٢/٦	٩٩
	٢٣/٤	١٥١/٦	١٠٠
	٢٢/٤	١٥٠/٦	١٠١
	٢١/٤	١٤٩/٦	١٠٢
	٢٠/٤	١٤٨/٦	١٠٣
	١٩/٤	١٤٧/٦	١٠٤
	١٨/٤	١٤٦/٦	١٠٥
	١٧/٤	١٤٥/٦	١٠٦
	١٦/٤	١٤٤/٦	١٠٧
	١٥/٤	١٤٣/٦	١٠٨
	١٤/٤	١٤٢/٦	١٠٩
	١٣/٤	١٤١/٦	١١٠
	١٢/٤	١٤٠/٦	١١١
	١١/٤	١٣٩/٦	١١٢
	١٠/٤	١٣٨/٦	١١٣
	٩/٤	١٣٧/٦	١١٤
	٨/٤	١٣٦/٦	١١٥
	٧/٤	١٣٥/٦	١١٦
	٦/٤	١٣٤/٦	١١٧
	٥/٤	١٣٣/٦	١١٨
	٤/٤	١٣٢/٦	١١٩
	٣/٤	١٣١/٦	١٢٠
	٢/٤	١٣٠/٦	١٢١
	١/٤	١٢٩/٦	١٢٢
	٠/٤	١٢٨/٦	١٢٣

چاپ	چاپ	شمس الدين	چاپ	چاپ سنګي	ملاذ	تعداد	تهذيب	
							ص	شماره
غفاري	تهران	شمس الدين	بيروت	چاپ	روايات	تعداد	كتاب الزكاة	
١٦١/٤	١١٠/٤	١١١/٤	١١٢/٤	١١٣/٤	١١٤/٤	١١٥/٤	٣٦	باب تمييز أهل الخمس و مستحقه من ذكر الله في القرآن
١٦٥/٤	١١٦/٤	١١٧/٤	١١٨/٤	١١٩/٤	١٢٠/٤	١٢١/٤	٣٧	باب قسمة الغنائم
١٧٣/٤	١١٦/٤	١١٧/٤	١١٨/٤	١١٩/٤	١٢٠/٤	١٢١/٤	٣٨	باب الافعال
١٧٨/٤	١١٨/٤	١١٩/٤	١٢٠/٤	١٢١/٤	١٢٢/٤	١٢٣/٤	٣٩	باب الزيارات

چاپ	چاپ	شمس الدين	چاپ	چاپ سنګي	ملاذ	تعداد	تهذيب	
							ص	شماره
غفاري	تهران	شمس الدين	بيروت	چاپ	روايات	تعداد	كتاب الصيام	
٢٠٣/٤	١٣١/٤	١٣٢/٤	١٣٣/٤	١٣٤/٤	١٣٥/٤	١٣٦/٤	٤٠	باب فرض الصيام
٢٠٨/٤	١٣٣/٤	١٣٤/٤	١٣٥/٤	١٣٦/٤	١٣٧/٤	١٣٨/٤	٤١	باب علامة أول شهر رمضان و آخره و دليل دخوله
٢٤٢/٤	١٥٥/٤	١٥٦/٤	١٥٧/٤	١٥٨/٤	١٥٩/٤	١٦٠/٤	٤٢	باب فضل صيام يوم الشك و الاحتياط لصيام شهر رمضان
٢٤٧/٤	١٥٨/٤	١٥٩/٤	١٦٠/٤	١٦١/٤	١٦٢/٤	١٦٣/٤	٤٣	باب علامة وقت فرض الصيام و ايام التهمر و دليل وقت الافطار
٢٤٩/٤	١٦٠/٤	١٦١/٤	١٦٢/٤	١٦٣/٤	١٦٤/٤	١٦٥/٤	٤٤	باب نية الصيام
٢٥٢/٤	١٦٣/٤	١٦٤/٤	١٦٥/٤	١٦٦/٤	١٦٧/٤	١٦٨/٤	٤٥	باب ماهية الصيام
٢٥٣/٤	١٦٣/٤	١٦٤/٤	١٦٥/٤	١٦٦/٤	١٦٧/٤	١٦٨/٤	٤٦	باب ثواب الصيام

تہذیب		ج	ص	شماره	باب
تعداد	روایات				
۲۳	۲۱/۷	۴۵۳/۱	۲۱۲/۴	۲۱۵/۴	چاپ تہذیب
۷	۵۰۸/۶	۴۳۸/۱	۱۶۵/۴	۲۵۵/۴	چاپ شمس الدین تہذیب
۷	۵۱۴/۶	۴۳۹/۱	۱۶۷/۴	۲۵۸/۴	چاپ شمس الدین تہذیب
۲	۵۱۸/۶	۴۳۹/۱	۱۶۹/۴	۲۶۰/۴	چاپ شمس الدین تہذیب
۳	۵۲۰/۶	۴۴۰/۱	۱۶۹/۴	۲۶۱/۴	چاپ شمس الدین تہذیب
۱۱	۵۲۲/۶	۴۴۰/۱	۱۷۰/۴	۲۶۲/۴	چاپ شمس الدین تہذیب
۳	۵۲۸/۶	۴۴۰/۱	۱۷۲/۴	۲۶۴/۴	چاپ شمس الدین تہذیب
۵	۵۳۱/۶	۴۴۱/۱	۱۷۳/۴	۲۶۵/۴	چاپ شمس الدین تہذیب
۱۰	۵۳۴/۶	۴۴۱/۱	۱۷۴/۴	۲۶۷/۴	چاپ شمس الدین تہذیب
۳۰	۵۴۰/۶	۴۴۲/۱	۱۷۷/۴	۲۷۰/۴	چاپ شمس الدین تہذیب
۲	۵۵۹/۶	۴۴۵/۱	۱۸۶/۴	۲۸۱/۴	چاپ شمس الدین تہذیب
۶۸	۵۶۲/۶	۴۴۵/۱	۱۸۷/۴	۲۸۲/۴	چاپ شمس الدین تہذیب
۱۷	۵/۷	۴۵۱/۱	۲۰۵/۴	۳۰۶/۴	چاپ شمس الدین تہذیب
۱۶	۱۶/۷	۴۵۳/۱	۲۱۰/۴	۳۱۲/۴	چاپ شمس الدین تہذیب
۲۳	۲۱/۷	۴۵۳/۱	۲۱۲/۴	۳۱۵/۴	چاپ شمس الدین تہذیب

کتاب الصیام

باب فقل شهر رمضان
باب سنن الصیام
باب سنن شهر رمضان
باب الدعاء عند طلوع الهلال
باب فقل السحور وما يستحب ان يكون عليه الاططار
باب الفول و الدعاء عند الاططار
باب فقل الطلوع بالخیر
باب ما يفسد الصیام و ما يدخل بشرائط فرضه و يتفرض الصیام
باب الكفار في اعتقاد اططار يوم من شهر رمضان
باب حکم من اططر يوماً من شهر رمضان تصدماً و ما يجب عليه من العقوبة الاططار
باب حکم المسافر و المريض في الصیام
باب العاجز عن الصیام
باب حکم الممضي عليه و صاحب المرأة و المجنون في الصلاة و الصیام
باب من اسلم في شهر رمضان و حکم من بلغ العلم فيه و من مات و قد صام
بعضه أو لم يصم منه شيئاً

ج	ص	شماره	باب
۴	۱۹۲	۴۷	باب فقل شهر رمضان
	۱۹۴	۴۸	باب سنن الصیام
	۱۹۵	۴۹	باب سنن شهر رمضان
	۱۹۶	۵۰	باب الدعاء عند طلوع الهلال
	۱۹۷	۵۱	باب فقل السحور وما يستحب ان يكون عليه الاططار
	۱۹۹	۵۲	باب الفول و الدعاء عند الاططار
	۲۰۱	۵۳	باب فقل الطلوع بالخیر
	۲۰۲	۵۴	باب ما يفسد الصیام و ما يدخل بشرائط فرضه و يتفرض الصیام
	۲۰۵	۵۵	باب الكفار في اعتقاد اططار يوم من شهر رمضان
	۲۱۵	۵۶	باب حکم من اططر يوماً من شهر رمضان تصدماً و ما يجب عليه من العقوبة الاططار
	۲۱۵	۵۷	باب حکم المسافر و المريض في الصیام
	۲۲۷	۵۸	باب العاجز عن الصیام
	۲۴۳	۵۹	باب حکم الممضي عليه و صاحب المرأة و المجنون في الصلاة و الصیام
	۲۴۵	۶۰	باب من اسلم في شهر رمضان و حکم من بلغ العلم فيه و من مات و قد صام بعضه أو لم يصم منه شيئاً

					تهذيب				
					تعداد	ملاز	چاپ سنگي	چاپ	چاپ
					روايات	الاخبار	چاپ سنگي	شمس الدين	فتاوى
					تعداد	ملاز	چاپ سنگي	شمس الدين	فتاوى
					تعداد	ملاز	چاپ سنگي	شمس الدين	فتاوى
٢٠/٥	١٨/٥	٤٨٨/١	١٨١/٧	٤٨	باب وجوب الحج	١	٢	٥	باب وجوب الحج
٢٢/٥	٢٠/٥	٤٨٢/١	٢١١/٧	٦	باب كيفية لزوم فرض الحج من الزمان	٢	١٧		باب كيفية لزوم فرض الحج من الزمان
٢٩/٥	٢٤/٥	٤٨٥/١	٢٢٧/٧	١٧	باب نواب الحج	٣	١٩		باب نواب الحج
٥٤/٥	٤٢/٥	٤٩١/١	٢٧٥/٧	٦٦	باب ضروب الحج	٤	٢٤		باب ضروب الحج
٦٢/٥	٤٨/٥	٤٩٢/١	٢٨٤/٧	١٧	باب العمل والقول عند الخروج	٥	٤٦		باب العمل والقول عند الخروج
٧٣/٥	٥٤/٥	٤٩٥/١	٢٠٧/٧	٢٨	باب المواقيت	٦	٥١		باب المواقيت
١١٢/٥	٨٨/٥	٥٠٤/١	٢٧٠/٧	١٢٤	باب صفوة الاحرام	٧	٦١		باب صفوة الاحرام
١١٧/٥	٩٢/٥	٥٠٧/١	٢٧٨/٧	١٢	باب دخول مكة	٨	٩٧		باب دخول مكة
١٦٥/٥	١٣١/٥	٥١٩/١	٤٥٥/٧	١٤٧	باب الطواف	٩	١٠١		باب الطواف
١٩٠/٥	١٥٢/٥	٥٢٥/١	٥٠١/٧	٧٩	باب الخروج الى الصفا	١٠	١٤٤		باب الخروج الى الصفا
٢٠٠/٥	١٥٩/٥	٥٢٨/١	٥١٨/٧	٢٢	باب الاحرام للحج	١١	١٦٦		باب الاحرام للحج
٢٠٣/٥	١٤٢/٥	٥٢٩/١	٥٢٢/٧	١٠	باب نزول منى	١٢	١٧٥		باب نزول منى
٢١١/٥	١٤٨/٥	٥٣١/١	٥٣٧/٧	٢١	باب القدوم الى عرفات	١٣	١٧٨		باب القدوم الى عرفات
٢١٤/٥	١٧٠/٥	٥٣٢/١	٥٤٢/٧	٦	باب الافاضة من عرفات	١٤	١٨٦		باب الافاضة من عرفات
				٢٨	باب نزول المردنية	١٥	١٨٨		باب نزول المردنية

كتاب الحج	تهذيب		تعداد روايات	ملاذ الاخبار	چاپ سنگي	چاپ نمسا الدين بيروت	چاپ غفاري تهران
	شماره باب	ص ج					
باب الذبيح	١٦	١٩٩	١٤٦	٥/٨	٥٣٥/١	١٨٠/٥	٢٢٦/٥
باب العلق	١٧	٢٤٠	٣٣	٨٢/٨	٥٢٧/١	٢١٧/٥	٢٧١/٥
باب زيارة البيت	١٨	٢٤٩	٤٧	١٠٠/٨	٥٤٩/١	٢٢٥/٥	٢٨١/٥
باب الرجوع الى منى ورمى الجمار	١٩	٢٤١	٣٨	١٢١/٨	٥٥٣/١	٢٢٦/٥	٢٩٥/٥
باب النفر من منى	٢٠	٢٧١	١٦	١٤١/٨	٥٥٦/١	٢٤٦/٥	٣٠٥/٥
باب دخول الكعبة	٢١	٢٧٥	١٤	١٤٨/٨	٥٥٧/١	٢٥٠/٥	٣١٠/٥
باب الوداع	٢٢	٢٨٠	٧	١٥٥/٨	٥٥٨/١	٢٥٤/٥	٣١٥/٥
باب تفصيل فرائض الحج	٢٣	٢٨٣	٣٩	١٦٠/٨	٥٥٩/١	٢٥٦/٥	٣١٨/٥
باب ما يجب على المحرم اجتنابه	٢٤	٢٩٦	٨٥	١٨٢/٨	٥٦٣/١	٢٦٩/٥	٣٣٢/٥
باب الكفارة عن خطأ المحرم و تعديه الشروط	٢٥	٣١٦	٢٦٧	٢٢٠/٨	٥٦٩/١	٢٨٧/٥	٣٥٢/٥
باب من الزيارات في فقه الحج	٢٦	٣٨٨	٤١٧	٣٦٦/٨	٥٨٩/١	٣٥٥/٥	٤٢٩/٥

چاپ	چاپ	چاپ سنگی	ملاذ	تعداد	کتاب المزار	تہذیب		
						شماره	ص	ج
چاپ قطاری	شمس الدین بیروت	چاپ سنگی	الاخبار	روایات	کتاب المزار	۱	۲	۶
۲/۶	۵/۶	۷/۲	۷/۹	—	باب نسب رسول اللہ (ص) و تاریخ مولدہ و وفاتہ و موضع قبرہ	۱	۲	
۴/۶	۵/۶	۲/۲	۹/۹	۷	باب فضل زیارتہ صلی اللہ علیہ و آلہ	۲	۳	
۶/۶	۷/۶	۲/۲	۱۳/۹	۱۲	باب زیارتہ سیدنا رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ	۳	۵	
۱۲/۶	۱۲/۶	۴/۲	۳۰/۹	۱	باب وداع رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ	۴	۱۱	
۱۲/۶	۱۲/۶	۵/۲	۳۱/۹	۲۳	باب تحریم المدینۃ و فضل المسجد - الحج	۵	۱۲	
۲۲/۶	۱۸/۶	۷/۲	۴۸/۹	—	باب نسب مولانا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیہ السلام و تاریخ مولدہ و وفاتہ و موضع قبرہ	۶	۱۹	
۲۳/۶	۱۹/۶	۷/۲	۵۰/۹	۹	باب فضل زیارتہ علیہ السلام	۷	۲۰	
۲۸/۶	۲۲/۶	۹/۲	۵۸/۹	۴	باب زیارتہ علیہ السلام	۸	۲۵	
۳۴/۶	۲۶/۶	۱۱/۲	۷۷/۹	—	باب وداع امیرالمؤمنین علیہ السلام	۹	۳۰	
۳۵/۶	۲۷/۶	۱۱/۲	۷۹/۹	۲۶	باب فضل الکوفۃ و المواضع الیٰی یتسحب فیہا الصلاة بہا - الحج	۱۰	۳۱	
۴۵/۶	۳۳/۶	۱۴/۲	۱۰۰/۹	—	باب نسب ابی محمد الحسن بن علی بن ابی طالب علیہ السلام	۱۱	۳۹	
۴۶/۶	۳۴/۶	۱۴/۲	۱۰۲/۹	۲	باب فضل زیارتہ علیہ السلام	۱۲	۴۰	
۴۶/۶	۳۴/۶	۱۴/۲	۱۰۴/۹	۱	باب زیارتہ علیہ السلام	۱۳	۴۱	
۴۷/۶	۳۵/۶	۱۴/۲	۱۰۷/۹	—	باب وداع ابی محمد الحسن بن علی علیہ السلام	۱۴	۴۱	

چاپ	چاپ	چشم‌الدین	چاپ‌سنگی	ملاذ	تعداد	تهذیب	
						شماره	ص ج
چاپ	چاپ	شمس‌الدین	چاپ‌سنگی	ملاذ	تعداد	روایات	کتاب‌المزار
۴۷/۶	۳۵/۶	تبروت	۱۴/۲	۱۰۸	—	—	باب نسب ابی عبداللہ‌الحسین بن علی علیه‌السلام
۴۸/۶	۳۵/۶	غفاری	۱۴/۲	۱۱۰	۳۸	۳۸	باب فضل زیارتہ علیہ‌السلام
۵۹/۶	۴۳/۶	تہران	۱۷/۲	۱۲۷	۷	۷	باب فضل الفسل للزیارۃ
۶۲/۶	۴۵/۶		۱۸/۲	۱۳۱	۱	۱	باب زیارتہ علیہ‌السلام
۷۷/۶	۵۵/۶		۲۴/۲	۱۷۰	—	—	باب وداع ابی عبداللہ‌الحسین بن علی علیه‌السلام
۷۹/۶	۵۶/۶		۲۴/۲	۱۷۴	—	—	باب وداع الشہداء رضوان‌اللہ علیہم
۸۱/۶	۵۸/۶		۲۵/۲	۱۷۸	—	—	باب وداع العباس علیہ‌السلام
۸۱/۶	۵۸/۶		۲۵/۲	۱۸۰	۲۱	۲۱	باب حد حرم‌الحسین علیہ‌السلام و فضل کربلا - الخ
۸۸/۶	۶۳/۶		۲۷/۲	۱۹۱	—	—	باب نسب ابی محمد علی بن‌الحسین علیہم‌السلام و تاریخ مولدہ و وقت وفاتہ و موضع قبرہ
۸۸/۶	۶۳/۶		۲۷/۲	۱۹۳/۹	—	—	باب نسب ابی جعفر محمد بن علی الباقر (ع) و تاریخ مولدہ و وقت وفاتہ و موضع قبرہ
۸۹/۶	۶۳/۶		۲۷/۲	۱۹۵/۹	—	—	باب نسب ابی عبداللہ جعفر بن محمد (ع) و تاریخ مولدہ و وقت وفاتہ و موضع قبرہ
۸۹/۶	۶۴/۶		۲۷/۲	۱۹۷/۹	۵	۵	باب فضل زیارۃ علی بن‌الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد (ع)
۹۰/۶	۶۵/۶		۲۸/۲	۲۰۰/۹	—	—	باب زیارتہم علیہم‌السلام
۹۲/۶	۶۶/۶		۲۸/۲	۲۰۵/۹	—	—	باب وداع من بالقیع علیہم‌السلام
۹۲/۶	۶۶/۶		۲۸/۲	۲۰۶/۹	—	—	باب نسب ابی‌الحسن موسی (ع) و تاریخ مولدہ و وفاتہ و موضع قبرہ

جانب	تعداد روایات	ملاذ الاجتياز	جانب‌سنجی	جانب شمس‌الدین	جانب غفاری	تفہیذ		
						شماره	ص	ج
۹۲/۶	۵	۲۰۸/۹	۲۸/۲	۶۶/۶	تہران	۳۰	۸۱	۶
۹۳/۶	۲	۲۱۱/۹	۲۹/۲	۶۷/۶	غفاری	۳۱	۸۲	
۹۴/۶	—	۲۱۳/۹	۲۹/۲	۶۸/۶	تہران	۳۲	۸۳	
۹۴/۶	—	۲۱۴/۹	۲۹/۲	۶۸/۶	تہران	۳۳	۸۳	
۹۵/۶	۶	۲۱۶/۹	۲۹/۲	۶۸/۶	تہران	۳۴	۸۴	
۹۷/۶	۱	۲۲۱/۹	۳۰/۲	۷۰/۶	تہران	۳۵	۸۶	
۱۰۱/۶	—	۲۲۹/۹	۳۱/۲	۷۳/۶	تہران	۳۶	۸۹	
۱۰۲/۶	—	۲۳۱/۹	۳۱/۲	۷۳/۶	تہران	۳۷	۹۰	
۱۰۲/۶	۱	۲۳۳/۹	۳۱/۲	۷۳/۶	تہران	۳۸	۹۱	
۱۰۳/۶	۱	۲۳۵/۹	۳۲/۲	۷۴/۶	تہران	۳۹	۹۱	
۱۰۳/۶	—	۲۳۶/۹	۳۲/۲	۷۴/۶	تہران	۴۰	۹۱	
۱۰۴/۶	—	۲۳۷/۹	۳۲/۲	۷۴/۶	تہران	۴۱	۹۲	
۱۰۴/۶	—	۲۳۹/۹	۳۲/۲	۷۵/۶	تہران	۴۲	۹۲	
۱۰۴/۶	۲	۲۴۱/۹	۳۲/۲	۷۵/۶	تہران	۴۳	۹۳	
۱۰۵/۶	—	۲۴۱/۹	۳۲/۲	۷۶/۶	تہران	۴۴	۹۴	

کتاب‌البراز

باب فضل زیارتہ علیہ السلام
باب زیارتہ علیہ السلام
باب وداعہ ابی الحسن موسیٰ علیہ السلام
باب نسب ابی الحسن علی بن موسیٰ الرضا علیہما السلام - الخ
باب فضل زیارتہ علیہ السلام
باب زیارتہ علیہ السلام
باب وداعہ علیہ السلام
باب نسب ابی جعفر الجواد علیہ السلام و تاریخ مولدہ و وفاتہ و موضع قبرہ
باب فضل زیارتہ علیہ السلام
باب زیارتہ علیہ السلام
باب وداعہ علیہ السلام
باب نسب ابی الحسن الہادی علیہ السلام و تاریخ مولدہ و وفاتہ و موضع قبرہ
باب نسب ابی محمد المکرمی علیہ السلام و تاریخ مولدہ و وقت وفاتہ و موضع قبرہ
باب فضل زیارتہ ابی الحسن و ابی محمد علیہما السلام
باب زیارتہما علیہما السلام

چاپ	چاپ شمس الدين غفاري	چاپ بيروت	چاپ سنكي	ملاذ الاختيار	تعداد روايات	تهديب		
						شماره باب	ص	ج
١٠٦/٦	٧٧/٦	٣٣/٢	٢٤٤/٩	-		٤٥	٩٥	٦
١٠٧/٦	٧٧/٦	٣٣/٢	٢٤٧/٩	٢		٤٦	٩٥	
١١٤/٦	٨٢/٦	٣٤/٢	٢٨٠/٩	٢		٤٧	١٠٣	
١١٤/٦	٨٣/٦	٣٤/٢	٢٨٢/٩	١		٤٨	١٠٤	
١١٧/٦	٨٣/٦	٣٤/٢	٢٨٣/٩	١		٤٩	١٠٤	
١١٧/٦	٨٣/٦	٣٤/٢	٢٨٤/٩	٢		٥٠	١٠٥	
١١٨/٦	٨٤/٦	٣٤/٢	٢٨٥/٩	-		٥١	١٠٥	
١١٨/٦	٨٤/٦	٣٤/٢	٢٨٧/٩	٢١		٥٢	١٠٦	
١٢٩/٦	٩٢/٦	٤٠/٢	٣١٠/٩	-		٥٣	١١٦	

چاپ	چاپ شمس الدين غفاري	چاپ بيروت	چاپ سنكي	ملاذ الاختيار	تعداد روايات	تهديب		
						شماره باب	ص	ج
١٣٢/٦	٩٥/٦	٤١/٢	٣١٧/٩	١١		٥٤	١٢١	٦
١٣٤/٦	٩٧/٦	٤٢/٢	٣٢٨/٩	١		٥٥	١٢٤	

ردایات	ملاذ	چاپ سنگی	چاپ	چاپ	تہذیب	
					شماره	ص
۱۲۷/۶	۲۳۱/۹	۴۲/۲	۹۸/۶	باب	۱۲۵	۶
۱۲۸/۶	۲۳۶/۹	۴۳/۲	۹۹/۶	باب	۱۲۶	
۱۲۹/۶	۲۵۱/۹	۴۵/۲	۱۰۴/۶	باب	۱۲۴	
۱۲۹/۶	۲۵۷/۹	۴۶/۲	۱۰۶/۶	باب	۱۲۶	
۱۵۱/۶	۲۶۳/۹	۴۶/۲	۱۰۷/۶	باب	۱۲۸	
۱۵۳/۶	۲۷۰/۹	۴۷/۲	۱۰۹/۶	باب	۱۴۰	
۱۵۵/۶	۲۷۵/۹	۴۷/۲	۱۱۰/۶	باب	۱۴۱	
۱۵۶/۶	۲۷۷/۹	۴۷/۲	۱۱۱/۶	باب	۱۴۲	
۱۵۸/۶	۲۸۳/۹	۴۸/۲	۱۱۲/۶	باب	۱۴۴	
۱۶۰/۶	۲۸۸/۹	۴۸/۲	۱۱۳/۶	باب	۱۴۵	
۱۶۱/۶	۲۹۱/۹	۴۹/۲	۱۱۵/۶	باب	۱۴۶	
۱۶۴/۶	۴۰۱/۹	۵۰/۲	۱۱۹/۶	باب	۱۵۱	
۱۶۷/۶	۴۰۳/۹	۵۱/۲	۱۲۰/۶	باب	۱۵۲	
۱۶۸/۶	۴۰۵/۹	۵۱/۲	۱۲۰/۶	باب	۱۵۲	
۱۶۹/۶	۴۰۹/۹	۵۱/۲	۱۲۱/۶	باب	۱۵۴	

کتاب الجهاد و سيرة الامام عليه السلام

باب المرابطة في سبيل الله عز وجل

باب من يجب عليه الجهاد

باب من يجب معه الجهاد

باب اصاب من يجب جهاده

باب ما ينبغي لوالي الامام ان يفعله اذا سرى في سرية

باب اعطاء الامان

باب الدعوة الى الاسلام

باب كيفية قتال المشركين و من حالف الاسلام

باب قتال اهل البغي من اهل الصلاة

باب السرية تنزرو فتقيم فيلمحها جيش آخر و الجيش اذا قاتل في السبعية

باب كيفية قسمة الغنائم

باب المشرك يسلم في دار الحرب و المسلم يقتل فيها

باب حكم عبيد اهل الشرك

باب احكام الاسارى

باب سيرة الامام عليه السلام

تهديب	كتّاب الجهاد وسيرة الامام عليه السلام		تعداد روايات	ملاذ الاختيار	چاپ سنگي	چاپ شمس الدين غفاري	چاپ بيروت	چاپ شمس الدين غفاري	چاپ تهران
	شماره باب	ص ج							
١٥٦	٧١	باب علة سقوط الجزية عن النساء	١	٤١٤/٩	٥٢/٢	١٢٣/٦	١٢٣/٦	١٧٢/٦	١٧٢/٦
١٥٧	٧٢	باب قتال الحارث والقص	٦	٤١٥/٩	٥٢/٢	١٢٤/٦	١٢٤/٦	١٧٢/٦	١٧٢/٦
١٥٨	٧٣	باب شرائط اهل الذمة ومن يؤخذ منه الجزية	٣	٤١٩/٩	٥٢/٢	١٢٥/٦	١٢٥/٦	١٧٤/٦	١٧٤/٦
١٥٩	٧٤	باب المشركون يأسرون اولاد المسلمين ومما ليكفهم ثم يظفر بهم المسلمون فيأخذونهم	٥	٤٢٢/٩	٥٢/٢	١٢٦/٦	١٢٦/٦	١٧٥/٦	١٧٥/٦
١٦١	٧٥	باب سبي اهل الضلال	٦	٤٢٧/٩	٥٣/٢	١٢٨/٦	١٢٨/٦	١٧٧/٦	١٧٧/٦
١٦٢	٧٦	باب ان الحرب خدعة	٢	٤٣١/٩	٥٣/٢	١٢٩/٦	١٢٩/٦	١٧٩/٦	١٧٩/٦
١٦٣	٧٧	باب ارتباط الخيل وآلات الركوب	١٥	٤٣٥/٩	٥٤/٢	١٢٩/٦	١٢٩/٦	١٨١/٦	١٨١/٦
١٦٤	٧٨	باب الشهداء واحكامهم	٨	٤٤٤/٩	٥٤/٢	١٣٢/٦	١٣٢/٦	١٨٥/٦	١٨٥/٦
١٦٩	٧٩	باب النوادر	٢٩	٤٤٨/٩	٥٥/٢	١٣٤/٦	١٣٤/٦	١٨٧/٦	١٨٧/٦
١٧٦	٨٠	باب الامر بالمعروف والنهي عن المنكر	٢٤	٤٦٦/٩	٥٧/٢	١٤٠/٦	١٤٠/٦	١٩٦/٦	١٩٦/٦

تہذیب		شماره	باب	صفحہ	ج
تہذیب					
چاپ	چاپ	۷۱	۲۸۵/۹	۵۹/۲	۲۰۳/۶
غباری	شمس الدین	۲۳	۵۳۲/۹	۶۲/۲	۲۲۲/۶
تہران	بیروت	۱۴	۵۳۳/۹	۶۵/۲	۲۳۰/۶
		۱۲	۵۵۴/۹	۶۵/۲	۲۳۲/۶
		۶	۵۶۳/۹	۶۶/۲	۲۳۷/۶
		۷	۵۶۷/۹	۶۶/۲	۲۳۸/۶
کتاب الدیون و الکفالات و الصورات و الضمانات و الوکالات					
باب الدیون و احکامها					
باب الفرض و احکامه					
باب الصلح بین الناس					
باب الکفالات و الضمانات					
باب الصورات					
باب الوکالات					

تہذیب		شماره	باب	صفحہ	ج
تہذیب					
چاپ	چاپ	۲۲	۷/۱۰	۶۸/۲	۲۴۲/۶
غباری	شمس الدین	۹	۲۹/۱۰	۷۰/۲	۲۵۲/۳
تہران	بیروت	۲۰	۳۸/۱۰	۷۱/۲	۲۵۵/۶
		۲۶	۵۱/۱۰	۷۲/۲	۲۶۱/۶
		۱۹۸	۷۳/۱۰	۷۴/۲	۲۷۲/۶
		۸۶	۱۸۰/۱۰	۸۷/۲	۳۲۷/۶
کتاب القضاة و الاحکام					
باب من الیہ الحکم و اقسام القضاة و المفتین					
باب آداب المحکام					
باب کیفیت الحکم و القضاء					
باب التبتین یقظان اوردیخج بعضها علی بعض و حکم القرضة باب الیقات					
باب الیقات					
باب من الزیادات فی القضاة و الاحکام					

		تجهيز		
	شماره	ص	ج	
كتاب التصارات	باب			
باب بيع الماء و المنع منه و الكلاء و المراعى و حريم الحقوق و غير ذلك	١٠	١٢٩	٧	
باب احكام الارضين	١١	١٤٧		
باب اجر المسار و الدلال	١٢	١٥٤		
باب التلقى و الصكرة	١٣	١٥٨		
باب التبعة	١٤	١٦٢		
باب الرهن	١٥	١٦٨		
باب الوديعة	١٦	١٧٩		
باب العارية	١٧	١٨٢		
باب الشركة و المضاربة	١٨	١٨٥		
باب المزارعة	١٩	١٩٣		
باب الاجارات	٢٠	٢٠٩		
باب من الزيارات	٢١	٢٢٤		
تعداد	روايات	ملاذ	الاختار	جانب مستغنى
٢٦	٢٥	٢١٠/١١	٢٣٧/١١	بيروت
	٢٥	١٥٤/٢	١٥٨/٢	تهران
	٩	١٤٠/٢	٢٥٨/١١	
	٢٨	١٦١/٢	٢٦٢/١١	
	٢٠	١٦٢/٢	٢٧٤/١١	
	٤٤	١٥٣/٧	٢٨٩/١١	
	١٠	١٦٢/٧	٢١٧/١١	
	١٧	١٦٥/٧	٢٢٥/١١	
	٤٠	١٦٨/٧	٢٣٢/١١	
	٦٤	١٧٥/٧	٢٥٣/١١	
	٦٢	١٨٩/٧	٢٩٤/١١	
	٦٣	١٧٩/٢	٤٢٤/١١	
جانب	جانب	جانب	جانب	جانب
غفارى	شمس الدين	چاپ	چاپ	چاپ
تهران	بيروت			

چاپ	چاپ	شمس الدین	چاپ	چاپ سنگی	ملاذ	تعداد	روایات	تہذیب	
								باب	ص
۲۸۶/۷	۲۱۵/۷	بیروت	۱۸۳/۲	۷/۱۲	۵			۲۲	۳۳۹
۲۸۷/۷	۲۱۶/۷		۱۸۳/۲	۱۱/۱۲	۳۷			۲۳	۳۴۰
۲۹۶/۷	۲۲۳/۷		۱۸۵/۲	۲۶/۱۲	۸۹			۲۳	۳۴۸
۳۲۲/۷	۲۴۴/۷		۱۹۲/۲	۷۳/۱۲	۷۸			۲۵	۳۷۲
۳۴۸/۷	۲۶۶/۷		۱۹۸/۲	۱۱۳/۱۲	۵۰			۲۶	۳۹۶
۳۶۵/۷	۲۸۰/۷		۲۰۳/۲	۱۴۳/۱۲	۵۰			۲۷	۳۱۲
۳۸۱/۷	۲۹۳/۷		۲۰۷/۲	۱۷۴/۱۲	۲۱			۲۸	۳۲۶
۳۸۶/۷	۲۹۸/۷		۲۰۸/۲	۱۸۴/۱۲	۶			۲۹	۳۳۲
۳۸۸/۷	۳۰۰/۷		۲۰۹/۲	۱۸۸/۱۲	۶۸			۳۰	۳۳۴
۴۰۸/۷	۳۱۷/۷		۲۱۴/۲	۲۲۴/۱۲	۸۷			۳۱	۳۵۳
۴۳۶/۷	۳۳۷/۷		۲۲۰/۲	۲۲۴/۱۲	۵۲			۳۲	۳۷۷
۴۵۵/۷	۳۵۲/۷		۲۲۵/۲	۳۰۹/۱۲	۱۵			۳۳	۳۹۴
۴۶۰/۷	۳۵۵/۷		۲۲۶/۲	۳۱۷/۱۲	۳۵			۳۴	۳۹۹
۴۷۰/۷	۳۶۳/۷		۲۲۸/۲	۳۴۱/۱۲	۲			۳۵	۴۰۷
۴۷۱/۷	۳۶۴/۷		۲۲۸/۲	۳۴۳/۱۲	۵۰			۳۶	۴۰۸

کتاب النکاح

باب السنة في النكاح
باب ضروب النكاح
باب تفصيل احكام النكاح
باب من احل الله نكاحه من النساء وحرّم منهن في شرع الاسلام
باب من يحرم نكاحهن بالاسباب دون الانساب
باب ما يحرم من النكاح من الرضاع و ما لا يحرم منه
باب القول في من يفسخ بالمرأة ثم يبدو له في نكاحها
باب نكاح المرأة وعتتها وخالقتها و ما يحرم من ذلك و ما لا يحرم
باب العقود على الاماء و ما يحل من النكاح يملك اليمن
باب المهور و الاجور و ما ينقد من النكاح من ذلك و ما لا ينقد
باب عقد المرأة على نفسها النكاح و اولياء النسبية و احقهم بالمقد عليها
باب الكفاه في النكاح
باب اختيار الأزواج
باب الاستخارة للنكاح و الدعاء قبله
باب السنة في عقود النكاح و زفاف النساء و آداب الخلوّة و الجماع

جانب	جانب	ملاذ	تعداد روايات	ملاذ	تعداد روايات	كتاب النكاح	تهذيب	
							شماره باب	ص ج
جانب قطري	شمس الدين بيروت	جانب سنجي					شماره باب	ص ج
تهران	تهران						٢٧	٤١٩
٤٨٣/٧	٣٧٣/٧	٢٣١/٢	١١	٣٤٩/١٢	١١	باب القسمه للازواج	٢٧	٤١٩
٢٨٤/٧	٣٧٤/٧	٢٣٢/٢	٤٤	٣٧٧/١٢	٤٤	باب التدليس في النكاح و ما يرد منه و ما لا يرد	٢٨	٤٢٢
٥٠١/٧	٣٨٧/٧	٢٣٥/٢	٣	٤٠٣/١٢	٣	باب نظر الرجل الى المرأة قبل ان يتزوجها و ما يعلل من ذلك و ما لا يعلل	٢٩	٤٢٥
٥٠٢/٧	٣٨٨/٧	٢٣٥/٢	٥٤	٤٠٤/١٢	٥٤	باب الولاده و النفاس و العقيقه	٤٠	٤٢٦
٣/٨	٣٩٨/٧	٢٣٩/٢	١٨٠	٤٢٣/١٢	١٨٠	باب من الزيارات في فقه النكاح	٤١	٤٢٨

جانب	جانب	جانب سنجي	ملاذ	تعداد روايات	كتاب الطلاق	تهذيب		
						شماره باب	ص ج	
جانب قطري	شمس الدين بيروت	جانب سنجي					شماره باب	ص ج
تهران	تهران						١	٢
٥٣/٨	٥/٨	١٩٥/٢	٢٥	٧/١٣	٢٥	باب حكم الايلاء	١	٢
٤٢/٨	١١/٨	١٩٤/٢	٥٤	٢٤/١٣	٥٤	باب حكم الطهار	٢	٩
٨٢/٨	٢٧/٨	٢٠١/٢	٢٤٠	٥٨/١٣	٢٤٠	باب احكام الطلاق	٣	٢٥
١٤٤/٨	٨٩/٨	٢١٩/٢	٣٠	١٨٤/١٣	٣٠	باب الخلع و المبرات	٤	٩٥
١٧٤/٨	٩٧/٨	٢٢٢/٢	٥٠	٢٠٤/١٣	٥٠	باب الحكم في اولاد المطلقات من الرضاخ و حكمهم بعده و هم أطفال	٥	١٠٤
١٩٢/٨	١٠٩/٨	٢٣٥/٢	١٧٥	٢٣٢/١٣	١٧٥	باب عدد النساء	٦	١١٦

چاپ	چاپ شمس‌الدین بیروت	چاپ‌سنگی	ملاذ الاخبار	تعداد روایات	تهدیب			
					شماره باب	ص	ج	
چاپ غفاری تهران	۲۵۱/۸	۲۳۹/۲	۳۲۲/۱۳	۶۵	باب حقوق الأولاد بالآباء و ثبوت الأنساب و اقل الحمل و اكثره	۷	۱۶۶	۸
	۲۷۱/۸	۲۴۴/۲	۳۵۷/۱۳	۵۳	باب اللعان	۸	۱۸۴	
	۲۸۸/۸	۲۴۸/۲	۳۸۴/۱۳	۷۳	باب السزای و ملك الايمان	۹	۱۹۸	

چاپ	چاپ شمس‌الدین بیروت	چاپ‌سنگی	ملاذ الاخبار	تعداد روایات	تهدیب				
					شماره باب	ص	ج		
چاپ غفاری تهران	۳۰۹/۸	۲۵۳/۲	۴۲۷/۱۳	۱۷۰	كتاب‌العتق و التدبير و المكاتبة	باب العتق و احكامه	۱	۲۱۶	۸
	۳۶۲/۸	۲۶۴/۲	۵۱۴/۱۳	۳۰	باب التدبير	۲	۲۵۸		
	۳۷۰/۸	۲۶۶/۲	۵۲۹/۱۳	۴۱	باب المكاتبة	۳	۲۶۵		

		تهذيب	
		شماره	ص
جانب	جانب	باب	ج
غفاري	شمس الدين		
تهران	بيروت		
۲۸۳/۸	۲۵۱/۸	۲۷۰/۲	۷/۱۴
۲۱۶/۸	۲۷۴/۸	۲۷۶/۲	۶۱/۱۴
۴۴۱/۸	۲۸۸/۸	۲۸۱/۲	۱۰۰/۱۴
			۲۳
کتاب الايمان والنذور والكفارات			
باب الايمان والأقسام			
باب النذور			
باب الكفارات			
		۴	۲۷۷
		۵	۲۰۳
		۶	۳۱۹

		تهذيب	
		شماره	ص
جانب	جانب	باب	ج
غفاري	شمس الدين		
تهران	بيروت		
۳/۹	۵/۹	۲۸۲/۲	۱۱۷/۱۴
۷۲/۹	۵۹/۹	۲۹۸/۲	۲۴۶/۱۴
			۲۸۸
کتاب الصید و الذبائح			
باب الصید و الذبائح			
باب الذبائح و الاطعمة و ما یحل من ذلک و ما یحرم منه			
		۱	۲
		۲	۶۳

		تهذيب	
		شماره	ص
جانب	جانب	باب	ج
غفاري	شمس الدين		
تهران	بيروت		
۱۵۱/۹	۱۱۵/۹	۲۱۴/۲	۳۹۵/۱۴
۱۷۹/۹	۱۳۳/۹	۳۲۰/۲	۴۴۶/۱۴
			۳۱
کتاب الرقوق و الصدقات			
باب الرقوق و الصدقات			
باب النحل و الهیة			
		۳	۱۲۹
		۴	۱۵۲

چاپ	چاپ شمس‌الدین غفاری	چاپ بیروت	چاپ سنگی	ملاذ الاخبار	تعداد روایات	تہذیب	
						شماره باب	ص ۹
۱۸۸/۹	۱۳۹/۹	۳۲۲/۲	۷/۱۵	۴۶	باب الاقرار فی المرض	۵	۱۵۹
۲۰۲/۹	۱۵۰/۹	۳۲۶/۲	۳۵/۱۵	۱۴	باب الوصیة و وجوبها	۶	۱۷۲
۲۰۹/۹	۱۵۴/۹	۳۲۸/۲	۵۰/۱۵	۱۱	باب الاشهاد علی الوصیة	۷	۱۷۸
۲۱۲/۹	۱۵۷/۹	۳۲۸/۲	۵۷/۱۵	۱۷	باب وصیة الصبی و المحجور علیہ	۸	۱۸۱
۲۱۶/۹	۱۶۰/۹	۳۲۹/۲	۶۶/۱۵	۵	باب الاوصیاء	۹	۱۸۴
۲۱۸/۹	۱۶۱/۹	۳۳۰/۲	۷۳/۱۵	۲۱	باب الرجوع فی الوصیة	۱۰	۱۸۶
۲۲۴/۹	۱۶۴/۹	۳۳۱/۲	۸۲/۱۵	۲۲	باب الوصیة بالتک و اقل منه و اکثر	۱۱	۱۹۱
۲۳۲/۹	۱۷۲/۹	۳۳۲/۲	۹۵/۱۵	۱۳	باب الوصیة للوارث	۱۲	۱۹۹
۲۳۵/۹	۱۷۴/۹	۳۳۴/۲	۱۰۰/۱۵	۱۰	باب الوصیة لاهل الضلال	۱۳	۲۰۱
۲۳۹/۹	۱۷۶/۹	۳۳۵/۲	۱۰۷/۱۵	۶	باب قبول الوصیة	۱۴	۲۰۵
۲۴۱/۹	۱۷۸/۹	۳۳۵/۲	۱۱۱/۱۵	۴	باب وصیة من قتل نفسه أو قتله غیره	۱۵	۲۰۷
۲۴۲/۹	۱۷۹/۹	۳۳۵/۲	۱۱۳/۱۵	۲۶	باب الوصیة السہمة	۱۶	۲۰۸
۲۵۰/۹	۱۸۶/۹	۳۳۷/۲	۱۲۷/۱۵	۱	باب الوصی یوصی الی غیره	۱۷	۲۱۵
۲۵۱/۹	۱۸۶/۹	۳۳۷/۲	۱۲۹/۱۵	۵۲	باب وصیة الانسان لمبعده و عتقہ له قبل موته	۱۸	۲۱۶
۲۶۷/۹	۱۹۸/۹	۳۴۱/۲	۱۵۴/۱۵	۵	باب الموصی له بشئ یموت قبل الموصی	۱۹	۲۳۰
۲۶۹/۹	۱۹۹/۹	۳۴۱/۲	۱۵۸/۱۵	۵	باب من الزیادات	۲۰	۲۳۲

کتاب الوصایا

					تقديم		
					شماره	صف	ج
كتب الترايفس و المواريت					باب		
باب ابطال العول و المصبة	٢١	٢٤٧					
باب الاولى من ذوى الانساب	٢٢	٢٤٨					
باب ميراث الوالدين	٢٣	٢٤٩					
باب ميراث الاولاد	٢٤	٢٧٤					
باب ميراث الوالدين مع الاخوة و الاخوات	٢٥	٢٨٠					
باب ميراث الوالدين مع الازواج	٢٦	٢٨٢					
باب ميراث الازواج	٢٧	٢٨٨					
باب ميراث من علاء الابهاء و حيط من الاولاد	٢٨	٢٠٣					
باب ميراث الاخوة و الاخوات	٢٩	٣١٩					
باب ميراث الاصنام و العتات و الخوال و الخالات	٣٠	٢٥٤					
باب ميراث الموالى مع ذوى الرحم	٣١	٢٧٨					
باب ميراث اذافات و ترك و اربا مملوكا	٣٢	٢٣٢					
باب ميراث ابن الملاصقة	٣٣	٢٧٨					
باب ميراث المكاتب	٣٤	٢٢٩					
باب ميراث العتقى و من يشكل أمره من الناس	٣٥	٢٥٢					
جانب	جانب	جانب	ملاذ	تعداد			
غزوى	شمس الدين	چاپسنگي	الاخبار	روايات			
تهران	بيروت						
٢٨٧/٩	٢١٢/٩	٢٤٤/٢	١٩٢/١٥	١٦			
٢١٢/٩	٢٣٠/٩	٢٥٢/٢	٢٢٢/١٥	٥			
٢١٢/٩	٢٣١/٩	٢٥٤/٢	٢٢٥/١٥	١٢			
٢١٨/٩	٢٣٤/٩	٢٥٥/٢	٢٣٢/١٥	٢٢			
٢٢٢/٩	٢٣٩/٩	٢٥٧/٢	٢٤٥/١٥	١٥			
٢٢٨/٩	٢٤٢/٩	٢٥٨/٢	٢٥٢/١٥	١٣			
٢٣٢/٩	٢٤٥/٩	٢٥٩/٢	٢٥٩/١٥	٢٩			
٢٣٩/٩	٢٥٧/٩	٢٦٢/٢	٢٨٤/١٥	٦٥			
٢٤٥/٩	٢٧١/٩	٢٦٧/٢	٣٠٩/١٥	١٧			
٢٤٩/٩	٢٧٥/٩	٢٦٩/٢	٣١٤/١٥	١٨			
٢٧٢/٩	٢٧٩/٩	٢٧٠/٢	٣٢٥/١٥	١٦			
٢٧٨/٩	٢٨٢/٩	٢٧١/٢	٣٣١/١٥	٢١			
٢٨٢/٩	٢٨٨/٩	٢٧٢/٢	٣٤٠/١٥	٣٧			
٢٩٥/٩	٢٩٧/٩	٢٧٤/٢	٣٥٤/١٥	١٣			
٢٩٨/٩	٣٠٠/٩	٢٧٧/٢	٣٦٢/١٥	١٤			

چاپ	چاپ شمسی الدین بیروت	چاپ سنگی	ملاذ الاختیار	تعداد روایات	کتاب الفرائض و الموارث	تہذیب	
						شماره باب	ص ج
۴۰۵/۹	۳۰۵/۹	۳۷۹/۲	۳۷۵/۱۵	۱۸	باب میراث القرئی و المہدوم علیہم فی وقت واحد	۳۶	۳۵۹
۴۱۱/۹	۳۰۹/۹	۳۸۰/۲	۳۸۴/۱۵	۳	باب میراث المجوس	۳۷	۳۶۴
۴۱۳/۹	۳۱۱/۹	۳۸۰/۲	۳۸۷/۱۵	۲۹	باب میراث أهل الملل المختلفة و الاعتقادات المتباينة	۳۸	۳۶۵
۴۲۰/۹	۳۱۷/۹	۳۸۲/۲	۴۰۱/۱۵	۱	باب اقرار بعض الورثة بدین	۳۹	۳۷۲
۴۲۱/۹	۳۱۷/۹	۳۸۲/۲	۴۰۳/۱۵	۱۶	باب میراث المرتد و من یتحقق الذیة من ذوی الارحام	۴۰	۳۷۳
۴۲۶/۹	۳۲۱/۹	۳۸۳/۲	۴۱۱/۱۵	۱۷	باب میراث القاتل	۴۱	۳۷۷
۴۳۰/۹	۳۲۴/۹	۳۸۴/۲	۴۱۷/۱۵	۳	باب توارث الأزواج من الصیان	۴۲	۳۸۲
۴۳۱/۹	۳۲۵/۹	۳۸۵/۲	۴۲۱/۱۵	۱۱	باب میراث المطلقات	۴۳	۳۸۳
۴۳۴/۹	۳۲۸/۹	۳۸۵/۲	۴۲۶/۱۵	۵	باب میراث من لا وارث له من العصبه و الموالی و ذوی الارحام	۴۴	۳۸۶
۴۳۶/۹	۳۲۹/۹	۳۸۶/۲	۴۲۹/۱۵	۱۲	باب میراث المفقود	۴۵	۳۸۸
۴۳۹/۹	۳۳۲/۹	۳۸۶/۲	۴۳۴/۱۵	۲۹	باب من الزیادات	۴۶	۳۹۱

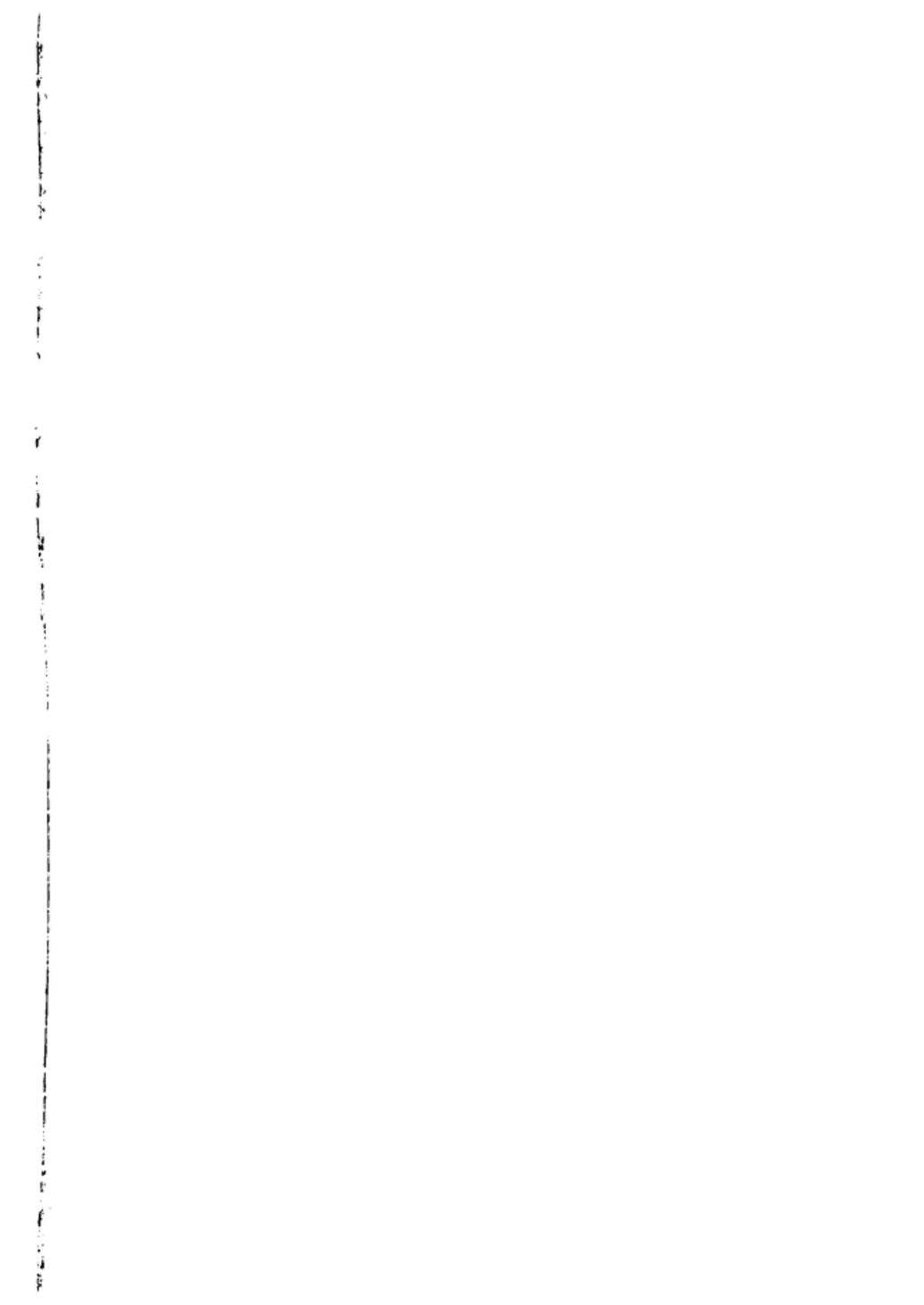
جانب	جانب	جانب	جانب	ملاذ	تعداد	روايات	كتاب العدد	تهذيب		
								شماره	ص	ج
جانب	جانب	جانب	جانب	ملاذ	تعداد	روايات	كتاب العدد	شماره	ص	ج
غفاري	شمس الدين	چاپ سنگي	الاخبار				باب حدود الزنى	١	٢	١٠
تهران	بيروت						باب الحدود في اللواط	٢	٥١	
٣/١٠	٥/١٠	٢٨٩/٢	٧/١٦	١٩١	١٦		باب الحد في السحق	٣	٥٧	
٢٠/١٠	٢٩/١٠	٤٠٣/٢	١٠١/١٦	١٠	١٧		باب الحد في كساح البهائم وكساح الاموات والاستسقاء بالأيدي	٤	٦٠	
٢٢/١٠	٥٥/١٠	٤٠٥/٢	١١٢/١٦	١			باب الحد في اقيادة والجمع بين اهل الجوز	٥	٦٤	
٢٩/١٠	٥٧/١٠	٤٠٥/٢	١١٩/١٦	١٠٨			باب الحد في القرية والسب والتبريض بذلك والتصريح والشهادة بالزور	٦	٦٥	
٣٤/١٠	٦١/١٠	٤٠٧/٢	١٢٧/١٦	٤٠			باب الحد في سكر وشرب المسكر والقتاح وأكل المحظور من الطعام	٧	٨٩	
٧٥/١٠	٦٢/١٠	٤٠٧/٢	١٢٩/١٦	١٥٤			باب الحد في السرقة والغباية والغسله ونبش القبور والختق والفساد في الارضين	٨	٩٩	
١٠٣/١٠	٨٤/١٠	٤١٢/٢	١٧٥/١٦	٣٠			باب حد المرتد والمرتدة	٩	١٣٦	
١١٣/١٠	٩٣/١٠	٤١٤/٢	١٩٤/١٦	٥٢			باب من الريادات	١٠	١٤٤	
١٥٥/١٠	١٢٧/١٠	٤٢٧/٢	٢٧٠/١٦							
١٥٥/١٠	١٣٤/١٠	٤٢٩/٢	٢٨٧/١٦							

چاپ	چاپ شمسا الدين غفاري تهران	چاپ شمسا الدين بيروت	چاپ سنڱي	ملاذ الاخير	تعداد روايات	تہذيب	
						شماره باب	ص ج
۱۷۸/۱۰	۱۴۵/۱۰	۴۳۲/۲	۳۱۱/۱۶	۳۹	باب القضايا في الديات والقصاص	۱۱	۱۰
۱۹۰/۱۰	۵۵/۱۰	۴۳۵/۲	۳۳۸/۱۶	۲۵	باب البيئات على القتل	۱۲	۱۶۶
۲۰۰/۱۰	۱۶۳/۱۰	۴۳۸/۲	۳۵۸/۱۶	۱۸	باب القصاص في اختلاف الأولياء	۱۳	۱۷۵
۲۰۶/۱۰	۱۶۷/۱۰	۴۴۰/۲	۳۶۹/۱۶	۹۲	باب القود بين الرجال والنساء والمسلمين والكفار والاحرار	۱۴	۱۸۰
۲۳۱/۱۰	۱۸۷/۱۰	۴۴۶/۲	۴۱۸/۱۶	۵۲	باب القصاص في قتل الزحام ومن لا يعرف قاتله ومن لادية له ومن ليس لقاتله عاقلة ولا مال يؤدي منه الدية	۱۵	۲۰۱
۲۴۸/۱۰	۲۰۰/۱۰	۴۵۰/۲	۴۵۴/۱۶	۶	باب القاتل في الشهر الحرام والحرم	۱۶	۲۱۵
۲۴۹/۱۰	۲۰۱/۱۰	۴۵۰/۲	۴۵۸/۱۶	۱۴	باب الاتنين اذا قتلوا واحداً والثلاثة يشتركون في القتل بالامساك والرؤية والقتل والواحد يقتل الاثنتين	۱۷	۲۱۷
۲۵۳/۱۰	۲۰۴/۱۰	۴۵۱/۲	۴۶۶/۱۶	۶۱	باب ضمان النفوس وغيرها	۱۸	۲۲۱
۲۷۰/۱۰	۲۱۷/۱۰	۴۵۵/۲	۴۹۶/۱۶	۲۲	باب قتل السيد عبده والوالد ولده	۱۹	۲۳۴
۲۷۴/۱۰	۲۲۰/۱۰	۴۵۶/۲	۵۰۴/۱۶	۱۰	باب الاشتراك في الجنائيات	۲۰	۲۳۹
۲۷۸/۱۰	۲۲۳/۱۰	۴۵۷/۲	۵۱۴/۱۶	۷	باب اشتراك الاحرار والعبيد والنساء والرجال والصبيان والمجانين في القتل	۲۱	۲۴۲
۲۸۲/۱۰	۲۲۶/۱۰	۴۵۸/۲	۵۲۰/۱۶	۸۸	باب ديات الأعضاء والجوارح والقصاص فيها	۲۲	۲۴۵
۳۱۰/۱۰	۲۴۹/۱۰	۴۶۵/۲	۵۷۵/۱۶	۱۹	باب دية عين الاعور ولسان الأخرس واليد المتلاذ والعين المميأة وقطع رأس الميت وأبعاضه	۲۳	۲۶۹

جانب	علاوة الاجتياز	تعداد روايات	تقديم	تقديم		
				شماره	ص	ج
جانب غفاري طهران	۲۵۴/۱۰	۲۴	باب القصاص	۲۴	۲۷۵	۱۰
جانب شمس الدين بيروت	۲۶۰/۱۰	۲۴	باب الصواعل و الصومول و غير ذلك من الأحكام	۲۵	۲۸۱	
	۲۶۶/۱۰	۲۶	باب ديات النجاح و كسر النظام و البنائيات في الوجوه و الرؤوس و الأعضاء	۲۶	۲۸۹	
	۲۸۱/۱۰	۱۱	باب البنائيات على الحيوان	۲۷	۳۰۹	
	۲۸۲/۱۰	۱۸	باب من الزيارات	۲۸	۳۱۱	
		-	كتاب المشيخه	-	۱	
۳۱۷/۱۰	۲۶۷/۲	۵۸۸/۱۶				
۳۲۵/۱۰	۲۶۸/۲	۶۰۰/۱۶				
۳۲۵/۱۰	۴۷۱/۲	۶۱۷/۱۶				
۳۶۱/۱۰	۴۷۷/۲	۶۷۲/۱۶				
۳۶۲/۱۰	۴۷۸/۲	۶۷۸/۱۶				
۳۸۱/۱۰		۶۷۹/۱۶				

فصل ششم

فهرست گزیدهٔ نسخ خطی
تهذیب



از آنجا که تهذیب، یکی از کتب اربعه متقدم بوده، و بسیار مورد استنساخ، مقابله، مراجعه، درس و بحث بوده، نسخه‌های خطی فراوانی از آن تهیه شده است.

در جستجویی شتابزده با امکاناتی ناچیز، به مشخصات حدود ۵۵۰ نسخه دست یافتیم، که بیش از ۹۰٪ این نسخه‌ها در کتابخانه‌های عمومی ایران موجود است و کمتر از ۱۰٪ در کتابخانه‌های عمومی خارج از ایران، یا کتابخانه‌های شخصی.

مسئلاً عدد نسخه‌های موجود تهذیب، بیش از این است، چرا که اکثر کتابخانه‌های عمومی و وقفی - مدارس علمیه، دانشگاهها و غیر آنها - هنوز نسخ خطی زیادی دارند که شناسایی و فهرست نشده است. علاوه بر اینکه کتابخانه‌های مشهور و معتبر ایران نیز هنوز فهرستهای کامل و دقیقی از مخطوطات خود ندارند. (۱)

۱- به عنوان نمونه: بخشی از کتب خطی کتابخانه مرحوم آیه الله گلپایگانی، در

باری این فصل، به عنوان حاشیه‌ای بر کار اصلی - و شاید تنوعی از خستگی‌های محور اصلی کار - انجام شد، اما به نتایجی جالب رسید، که بخشی از آنها در سطور آینده عرضه خواهد شد.

در اواخر همین کار حاشیه‌ای بودیم که به رساله‌ای دست یافتیم، که آقای دکتر سید محمد باقر حجتی با کمک و اشراف استاد علامه سید عبدالعزیز طباطبایی برای کنگره هزاره شیخ طوسی (مشهد - اسفند ۱۳۴۸) نوشته، و نسخه‌های خطی آثار شیخ طوسی - از جمله ۲۱۸ نسخه کتاب تهذیب - را معرفی کرده بود. (۱)

در تطبیق این دو فهرست با هم، موارد معدودی به ۵۵۰ نسخه افزوده گردید، که این توارد ذهنی را - با رعایت «الفضل للمتقدم» - به فال نیک گرفتیم. کوشیدیم تا از بسیاری از نسخه‌ها، نمونه (صفحات اول و آخر و مهم) تهیه کنیم.



سه جلد فهرست معرفی شده، که نسخه‌های تهذیب از میان آنها استخراج گردید. آقای رضا استادی طی مقاله‌ای در مجله نور علم شماره ۵۲، سیاهه‌ای مختصر و کلی از مخطوطات معرفی نشده آن کتابخانه ارائه کرد، که از جمله نوشته شده بود: "تهذیب الاحکام - ۱۶ نسخه" بدون معرفی دقیق نسخه‌ها از نظر کتابشناسی و نسخه‌شناسی. و از این نمونه‌ها فراوان است.

۱- بررسی آثار شیخ طوسی و گزارش نسخه‌های خطی آنها با ترتیب تاریخ
تحریر / سید محمد باقر حجتی در: یادنامه شیخ طوسی ۳/ ۵۹۰ - ۶۷۶، به ویژه
ص ۶۲۸ - ۶۴۹ (نسخه‌های تهذیب).

و به لطف الهی، در موارد زیادی - با وجود موانع و مشکلات اداری موجود در کتابخانه‌ها - توفیق حاصل شد. و حاصل مجموعه‌ای گردید نزدیک به هزار برگ.

زمانی که بار دیگر به ادامه کار رساله بازگشتیم، این مجموعه پر برگ را - که امید است به همان اندازه پربار باشد - باز نگریستیم و با وجود دلبندی به تک تک برگهای آن بخش - که حله‌ای بود، تنیده ز دل، بافته ز جان - به انتخابی ناخواسته دست زدیم، تا هم رساله از موضع اصلی خود منحرف نشود، و هم موجب ملالت خاطر خوانندگان نگردد.

به این ترتیب «گزیده نسخ تهذیب» فراهم آمد.

در این گزینش، نکات زیر مد نظر قرار گرفت:

- ۱ - نسخه‌های شناسایی شده قبل از قرن ۱۰ تماماً معرفی شد.
 - ۲ - نسخه‌های شناخته شده قرن ۱۰ و پس از آن، تنها در صورتی معرفی شد، که کاتب یا مصحح یا مجیز آن، از مشاهیر اعلام باشد. ارواح بلند دانشوران یا کاتبان گمنامی که در نشر و ترویج کتاب شریف «تهذیب» سهمی داشتند، و در این گزینش نام آنها نیامد، نگارندگان را معذور می‌دارند. و امید است کل این مجموعه در فرصتی دیگر به طور مستقل امکان نشر یابد.
- در «گزیده نسخ تهذیب»، اطلاعات زیر در مورد هر نسخه خطی می‌آید:
- ۱ - تاریخ تحریر یا مقابله - آنجا که به طور قطعی مشخص است، و گرنه در حد احتمال منطقی یا قرائن قطعی.

۲- قسمتی از تهذیب را که آن نسخه در بر دارد، به ترتیب ابواب اصلی کتاب تهذیب.

۳- نام کتابخانه و شماره نسخه در آن.

۴- نام کاتب و شهر کتابت یا مقابله

۵- مشخصات کتاب شناسی (تصحیح، بلاغ، مقابله، نسخه‌های مورد استفاده، اجازه‌ها، حواشی، و...) و بخشی از مشخصات نسخه شناسی (تعداد برگها و سطرها)

۶- منبع و مصدر معرفی نسخه. منابع در اینجا به صورت اختصار معرفی شده، و اطلاعات کامل در مورد آنها در فهرست منابع بیان می‌گردد.



برخی از نتایج مهم این فهرست چنین است:

۱- نسخه‌های تصحیح و مقابله شده، شامل تمام ابواب کتاب، که در چاپهای موجود مورد استفاده نبوده، و حق این است که از آنها استفاده شود. مانند شماره‌های: ۳۴، ۳۷، ۴۸، ۵۰، ۵۴، ۵۸، ۶۷، ۸۹، ۱۰۴، ۱۲۰، ۱۳۵، ۱۶۲، ۱۷۲، ۱۷۷، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۸.

۲- چهار تن از دانشوران گذشته، در ترویج «تهذیب» و استنساخ و مقابله و تصحیح و تکثیر نسخ آن نقش مهمی داشتند:

شهید ثانی، شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی (پدر شیخ بهایی)، مولی محمد تقی مجلسی (مجلسی اول)، و علامه محمد باقر مجلسی (مجلسی ثانی).

تا زمان اینان، علاوه بر نسخه اصل «تهذیب» به خط شیخ طوسی، نسخه‌های دیگر به خط فقهای قدیم شیعه یا قرائت شده بر آنان وجود داشت. و اینان، به کمک همان نسخه‌های معتبر، یادگارهای گران بهایی برای ما گذاشتند و گذشتند تا ما با این یادگارها چه کنیم!

۳- پس از دوره این چهار فقیه عالی مقام (۹۵۰-۱۱۲۰) که دوره رواج درس و بحث و کتابت و تصحیح تهذیب است، رکود شدیدی در این کار می‌بینیم. علت آن، حمله افغانها است، یا فقدان بزرگان حدیث، یا رکود سنت تصحیح و مقابله، یا رکود سنت اجازه، که این مطلب، خود، به تحقیق مفصل دیگری نیاز دارد.

۴- از نتایجی که در این تحقیق به دست آمد. و جالب توجه بود، یافتن نسخه‌هایی است که علامه محقق فقید شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب «ذریعه» و «طبقات» و مانند آن در کتابخانه‌های شخصی دیده و با گزارش دقیق معرفی کرده و در بدو امر، مفقود به نظر می‌رسد. اما در بررسی نسخه‌های خطی، دیده می‌شود، که آن نسخه‌ها، پس از پراکندگی کتابخانه‌های شخصی یاد شده، به کتابخانه‌های عمومی منتقل شده، و موجود است.

مانند: شماره‌های ۱۷، ۸۷، ۱۳۴، ۱۵۸، ۱۶۵، ۱۷۴، ۱۵۹، ۲۰۳، ۲۰۴.

۵- گاهی نیمه‌ای از یک نسخه در یک کتابخانه است و نیمه‌ای در محل دیگر. طبعاً این موارد را باید به موارد بند اول افزود. در فهرست حاضر، گاهی دو نیمه تحت یک شماره معرفی شده (مانند شماره ۵۵، ۷۵، ۱۶۵، ۲۰۷) و گاهی دو نیمه با دو شماره، با ارجاع به هم پیوسته‌اند.

(مانند شماره ۵+۷، ۵۱+۷۱، ۷۳+۹۹، ۱۵۹+۲۰۳، ۱۷۰+۱۹۵، ۱۵۹+۲۰۳).

۶- اکنون با معرفی ۲۷ نسخه از دوره کامل کتاب، و دهها نسخه مصحح از ابواب مختلف، بار دیگر ضرورت تحقیق و تصحیح عالمانه و دقیق از کتاب را گوشزد می‌کنیم. و تذکر می‌دهیم که مبدا این امانت گرانها که گذشتگان با زحمات فراوان به نسل حاضر رساندند، با غفلت و کم توجهی ما مفقود شود، یا بی‌استفاده بماند.

۷- از نکات جالب که در بررسی این نسخه‌ها به دست می‌آید، گسترش جغرافیایی حوزه‌های علمی شیعی در قرن ۱۰ تا ۱۲ است. بی‌تردید، اگر در تمام نسخه‌ها، نام شهر و محل کتابت و مقابله توسط کاتب نوشته می‌شد، یا تمام آنچه در نسخه هست، در توصیف نسخه می‌آمد، امروز فهرستی دقیق‌تر در مورد گسترش جغرافیایی حوزه‌های علمی شیعی در دست داشتیم.

اما همین مقدار، سیاهه‌ای است مختصر، که در لحظه اول، شادی می‌بخشد، و با نگاهی عمیق‌تر - که رکود علم را به یاد می‌آورد - گریه‌آور است.

به این شهرها، و شماره نسخه‌ها در فهرست حاضر بنگرید:

مشهد	۲۳، ۲۴، ۸۸، ۱۲۶، ۱۲۸، ۲۰۶، ۲۰۹
بقعه اشرفیه	۱۳۲
نجف	۲، ۸۹، ۲۰۲
ری	۱۷۴
هرات	۱۸
مکه	۳۵، ۴۸، ۵۲، ۱۸۶
کربلا	۳۹، ۲۰۴
شیراز	۴۹، ۶۰، ۷۴، ۹۷، ۱۰۷، ۱۱۲
اصفهان	۵۱، ۵۷، ۱۰۰، ۱۳۹، ۲۰۵
تهران	۵۸

۶۱	کاشان
۶۲	نیشابور
۷۶	مدینه
۱۱۰	تون
۱۱۶	رود بست مازندران
۱۷۱، ۱۲۳	قم
۱۶۳	قزوین

۸- در میان نسخه‌های گزارش شده، بیش از ۹۰٪ آن در کتابخانه‌های عمومی ایران است و کمتر از ۱۰٪ آن در کتابخانه‌های شخصی داخل، یا کتابخانه‌های عمومی خارج از کشور. این مطالب را سالها پیش از استاد سید عبدالعزیز طباطبایی شنیده بودیم. و امروز آمار عینی، مؤیدی بر این سخن است.

۹- در میان نسخه‌های مصحح معتبر، بیشترین آنها در کتابخانهٔ مرحوم آیه‌الله مرعشی است. و این نشانگر حسن انتخاب آن عالم فقید در خرید نسخه است، که بیشتر به ارزش علمی نسخه‌ها نظر داشت تا ارزش هنری آنها. گرچه که این کلام، در مورد اکثر نسخه‌های خطی کتابخانهٔ یاد شده صادق است. همچنین بهترین توصیف نسخه‌ها - از هر جهت: نظم، هماهنگی، دقت، یکسانی - در فهرست کتابخانهٔ مرحوم مرعشی است.

۱۰- توصیف نسخ در بعضی کتابخانه‌ها، ناقص و نارسا است. لذا بعضی از نسخه‌ها که در کتابخانه‌های گلیپایگانی قم، مروی تهران،

سلطانی کاشان، رضوی مشهد، و غیر هم بوده، در این گزینش حذف شده است. البته این حذف، نه به این معنی است که لزوماً نسخه حذف شده، اعتبار علمی نسخ معرفی شده را ندارد، بلکه خود از محدودیت‌های تحقیق بوده که بر اساس معرفی در فهرس انجام شده است.

امید است در فرصتی دیگر، معرفی کامل بر مبنای رؤیت نسخه‌ها انجام گیرد. ولی ضرورت نوشته شدن فهرس دقیق برای نسخه‌های خطی همچنان باقی است، به خصوص برای کتابخانه‌ای با امکانات مالی و علمی کافی و گنجینه‌ای سرشار مانند کتابخانه حضرت ثامن الائمه صلوات الله علیه در مشهد مقدس.

۱۱- از ظرفیت بالقوه منابع خطی استفاده نمی‌شود، خصوصاً در مورد احیای متون قدیم، که بهترین راه بهره‌وری از این سرمایه ملی - تاریخی است، به ویژه در وادی کتب دینی.

نمونه مختصری از کتاب «تهذیب» در اینجا عرضه شد. و دهها نمونه از این قبیل می‌توان بر شمرد، در حالی که سرمایه‌های راکد، کتابخانه‌های راکد، و نیروهای علمی راکد، همه موجود است. و تنها با مدیریت صحیح می‌توان، این رکود را به حرکت مبدل ساخت.

۱۲- باز هم تذکر می‌دهد که مشخصات نسخه‌ها، عمدتاً بر اساس فهرس چاپ شده کتابخانه‌ها تهیه شده، و انتخاب نیز بر همان مبنا بوده است، لذا چنانچه مشخصات نسخه‌ای اشتباه باشد، یا نسخه‌ای معتبر و مصحح - احیاناً معتمدتر از نسخه‌های معرفی شده - در گوشه‌ای از کشور باشد، نگارندگان معذور هستند. و امید دارند که این نقص - به ویژه در مورد نسخه‌های خارج از کشور مانند شماره ۶۱ و ۶۹ و ۷۹ - در اولین فرصت برطرف شود.

۱۳ - نسخه اصل «تهذیب» به خط مصنف، و گردش آن در دست دانشمندان - که تا قرن ۱۳ از آن اطلاع داریم - سرگذشت جالبی دارد، که در فرصتی دیگر باید عرضه شود.

۱۴ - نگارندگان این سطور، نمی‌توانند نسبت به بزرگانی که نام مبارکشان زینت‌افزای این فصل است عرض ادب نکنند، به ویژه نسبت به تلاشهای بی‌دریغ کاتبی مانند محمد بن احمد بن اسمعیل جیبیعی عاملی، که در سال ۱۰۰۳، دوبار تمام کتاب را از اول تا آخر نوشته، و خوشبختانه نسخه‌های هر دو موجود و در اختیار ماست. (شماره ۴۸، ۵۰).

و اینک فهرست نسخه‌های برگزیده از «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی را مرور می‌کنیم.

(۱) قرن ۶ و ۷ - جزء اول (طهارت - صلوة) - منسوب به خط مؤلف (شیخ طوسی)

- کتابخانه شخصی علامه سید محمد حسین طباطبایی
- این نسخه نفیس کهن به دست شیخ بهاء الدین عاملی رسیده، با این ادعا که به خط شیخ طوسی است و شیخ بهائی، این ادعا را در حاشیه نسخه ثبت کرده است.

نسخه در اختیار خاندان شیخ الاسلام طباطبایی تبریز بوده و به طور موروثی به مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبایی (صاحب تفسیر المیزان) رسیده است، چنانکه در فهرست مخطوطات کتابخانه ایشان از آن یاد شده است (تراثنا، شماره ۷ و ۸، ص ۱۵۱ و ۱۵۲).

علامه محقق سید عبدالعزیز طباطبایی اظهار داشت که در جلسه‌ای که همراه با محقق رجالی معاصر حضرت آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی به بررسی نسخه پرداختیم، احتمال انتساب نسخه به شیخ را بعید می‌دانستیم و نتیجه گرفتیم که به احتمال قوی، نسخه به قرن ششم و هفتم بر می‌گردد.

(۲) دوشنبه ۲۲ ذی الحجه ۸۷۳ - زکات تا حج - فیضیه ۵۴۱ - یوسف بن محمد بن حسین بن یوسف ابدال حلی (کاتب)، نجف اشرف - ۲۵۷ برگ، ۲۳ سطر فهرست فیضیه ۵۸/۱، حجتی ۶۲۹/۳.

۳) یکشنبه ۱۹ جمادی الاول ۸۷۶ - صلوة - وزیری ۱۳۶۸ - علی بن منصور
بن حسین مزیدی (کاتب) - ۳۱۱ برگ، ۲۶ سطر
فهرست وزیری ۳۸۷/۱، نشریه ۳۸۰/۴
دو نسخه عکسی از این نسخه دیده شد:
اول - عکسی ۳۵ - الهیات مشهد - فهرست الهیات مشهد ۳/۲۹۹
دوم - میکروفیلم ۲۴۴۹ - مرکزی دانشگاه تهران - فهرست میکرو فیلمهای
دانشگاه تهران ۳۱۱/۱

۴) سال ۸۹۳ - طهارت تا دیات - مرعشی، ۶۱۵ عکسی - با تصحیح
و حواشی - ۳۴۲ برگ، ۲۵ سطر.
فهرست عکسی مرعشی ۱۰۱/۲، ۱۰۲
۵) یکشنبه ۳ جمادی الاول ۹۵۰ - دیون تا نکاح - مرعشی ۲۵۶ - حسین بن
عبد الصمد جباعی (پدر شیخ بهایی) - از روی نسخه‌ای که شیخ طوسی بر آن
اجازه‌ای برای فرزندش و دیگران نوشته، استنساخ شده، و سپس با نسخه‌ای که
بر فخرالمحققین (فرزند علامه حلی) خوانده شده و خط او بر آن بوده، مقابله
گردیده است. ۱۱۶ برگ، ۲۱ سطر.
فهرست مرعشی ۲۸۸/۱، نشریه نسخه‌های خطی ۳۶۳/۶

۶) چهارشنبه ۱۲ محرم ۹۵۵ - طهارت تا صیام - استادی، بی شماره - نسخه
را شهید ثانی با نسخه خط ورام بن ابی فراس مقابله کرده، و به این مقابله گواهی
داده است. ۳۵۷ برگ، ۲۶ سطر.

یکصد و شصت نسخه خطی (فهرست کتابخانه شخصی استادی) ۱۱/۰

(۷) یکشنبه ۱ جمادی الاول ۹۵۵ - زکات تا جهاد - ملک ۹۷۹ - حسین بن عبدالصمد عاملی - مقابله و تصحیح توسط شهید ثانی (مصحح) با نسخه اصل به خط شیخ طوسی - با توجه به تاریخ‌های ۹۵۳ و ۹۵۰ و ۹۵۵، ظاهراً کاتب تدریجاً نسخه را نوشته است.

۲۸۸ برگ، ۲۱ سطر.

فهرست ملک چاپ قدیم ۱۸۳/۱، جدید ۱۳۵/۱

عکس آن در:

الهیات مشهد ۳۳ و ۳۴ - فهرست عکسی الهیات ۱۲۹۷/۳ - ۱۲۹۸

مرعشی ۴۴ و ۴۵ - فهرست عکسی مرعشی ۴۷/۱ - ۴۸

مرکزی دانشگاه تهران ۶۸۶۱ - فهرست میکرو فیلم‌های دانشگاه ۲۶۳/۳.

این نسخه، مکمل نسخه‌ای است که تحت شماره ۵ معرفی شده است.

(۸) یکشنبه ۱۶ محرم ۹۵۶ - حج تا اجازات - استادی (بی‌شماره)

نسخه را شهید ثانی با نسخه خط ورام بن ابی فراس مقابله کرده، و در تاریخ

۱۸ رجب ۹۵۸ به این مقابله گواهی داده است. (جلد دوم نسخه شماره ۶

همین فهرست)

۲۵۷ برگ، ۲۶ سطر

یکصد و شصت نسخه خطی/۱۱.

(۹) دوشنبه ۱۰ جمادی الثانی ۹۶۰ - طهارت تا صوم - مرعشی ۲۸۷۷ - سید

حسین بن زین العابدین جرجانی - کتابت با یک واسط از نسخه مؤلف - تصحیح

محمد باقر لاهیجانی در ۹۸۸.

۳۶۷ برگ، ۲۶ سطر

فهرست مرعشی ۸۳/۸ - ۸۴

- ۱۰) ۱۰ صفر ۹۶۱ - مزار تادیات - سالار جنگ H.I.26
روح الله رضی - نسخه معتمد با مهر تملک ۱۲۰۲ و ۱۲۰۶.
۴۲۹ صفحه، ۲۵ برگ
فهرست سالار جنگ ۴۱/۴.
- ۱۱) پنجشنبه ۱۲ رجب ۹۶۱ - نکاح تادیات - الهیات تهران ۲۴۴ ج - سید مرتضی بن حسین حسینی - خط خوش و خوانا
۴۲۴ برگ، ۱۹ سطر
فهرست الهیات تهران ۱/۵۰۱ - ۵۰۲ و ۱۰۹۵ - ۱۰۹۷
- ۱۲) سال ۹۶۴ - زکات تا حج - مسجد اعظم قم ۳۲۱۷ - علاء بن علاء الدین استرآبادی - نسخه را برای امیر ابراهیم صفوی حسینی نوشته است.
فهرست مسجد اعظم / ۹۷
- ۱۳) ۲۵ ربیع الثانی ۹۶۹ - بخشی از کتاب - دانشگاه تهران ۹۵۵۹ -
هدایة الله بن محمد حافظ اصفهانی کتابت از روی نسخه مورخ ۲۱ صفر ۵۸۰.
فهرست دانشگاه ۱۷/۴۰۵ - ۴۰۶
- ۱۴) چهارشنبه ۹ جمادی الثانی ۹۷۲ - صیام تا تجارت - عمومی اصفهان
۲۸۵۵ - ماجد بن فلاح سعانی - نشان بلاغ دارد - ۷۱۰ صفحه
فهرست عمومی اصفهان ۱/۲۱۲.
- ۱۵) مقابله: جمعه ۳ ماه رمضان ۹۷۴ - صیام تا حج - مرعشی ۶۱۹۸ -
نورالدین علی منقل قمی، نسخه را دو بار مقابله کرده: یکبار با نسخه فاضل

مقداد، و بار دیگر با نسخه‌ای که با نسخه خط مصنف مقابله شده است، همراه با اجازه شیخ ابراهیم بن علی میسی برای نورالحق و الملة والدین.
 ۲۲۰ برگ، ۱۷ سطر.
 فهرست مرعی ۱۶/۱۹۸.

(۱۶) مقابله ۹۷۴ - مزار تا دیات - رضوی ۵۶۸۴ - نسخه را ابوالقاسم محمد بن فتح الله مرعی با نسخ عدیبه مخصوصاً نسخه شهید ثانی مقابله کرده، و بر رجال و اسانید کتاب، حاشیه زده است.
 ۳۳۰ برگ، ۲۹ سطر.
 فهرست رضوی ۵/۶۰ - ۶۱، حجتی ۳/۶۲۹

(۱۷) سال ۹۷۴ - کل کتاب - محمد بن میران استر آبادی، کتاب را در سال ۹۸۶ مقابله و تصحیح کرده، و بر علاء الملک مرعی و جمعی دیگر خوانده است. به علاوه، از آغاز تا باب دیون را با نسخه حسین بن عبدالصمد مقابله کرده است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی این نسخه را در ضمن کتب مولی علی نهاوندی در نجف دیده و از آن یاد کرده است:
 طبقات اعلام الشیعه، قرن ۱۰/۲۰۷ و ۲۵۴، مصفی المقال / ۲۶۳ - ۲۶۵، ذریعه ۶/۵۲ و ۱۰/۱۳۲، یادنامه شیخ طوسی ۱/۲۵۲ و ۲۵۴ و ۳۴۰، برگی از تاریخ قزوین / ۶۷ - ۶۸.

(۱۸) سال ۹۷۷ - دیون تا دیات - رضوی ۱۵۳۵۷ - خضر بن شیخی جان همدانی، هرات - مقابله شده با نسخه خط مصنف

۴۵۳ برگ، ۲۴ سطر.

فهرست الفبایی رضوی / ۶۳۱.

(۱۹) سال ۹۷۸ - تجارت تارث - ملى تبریز ۳۳۴۵ - نسخه در اختیار مکی بن محمد (از علمای قرن دهم و نواده شهید اول) بوده است.

فهرست ملى تبریز ۳۰۷/۱ و ۳۰۸، حجتی ۶۲۹/۳.

(۲۰) سال ۹۷۸ - طهارت تا صلوة - رضوی ۱۶۳۸ - عین القضاء.

۵۷۱ برگ.

فهرست الفبایی رضوی / ۱۵۲.

(۲۱) سال ۹۷۹ - بخشی از کتاب - رضوی ۱۰۰۹۵ - فرج الله حکیمی.

۴۲۷ برگ.

فهرست الفبایی رضوی / ۱۵۲.

(۲۲) ۱۵ شعبان ۹۷۹ - مقدمه و طهارت - دانشکده پزشکی شیراز - جان علی

بن حمزه ابهری - بانسان‌های فراوان ابلاغ و تصحیح و تعلیق

فهرست پزشکی شیراز - میراث اسلامی ایران ۴۱۸/۱.

(۲۳) رجب ۹۸۰ - دیون تا حدود - مرعشی ۱۰۶۸ - عنایت الله بن فتح الله

سمنانی، مشهد (تا پایان تجارت)، عبدالاحد بن عبدالواحد استرآبادی (پایان

ذبیح) تصحیح‌های متعدد در حواشی.

۳۰۹ برگ، ۲۷ سطر.

فهرست مرعشی ۲۵۳/۳.

۲۴) چهارشنبه ۱۸ ماه رمضان ۹۸۰ - آغاز تا صلوة - دانشگاه تهران ۸۹۶۰
 - عبدالامام بن حاجی محمد قمی، مشهد
 ۳۸۱ برگ، ۱۹ سطر.
 فهرست دانشگاه تهران ۲۶۳/۱۷.

۲۵) ۱۴ ذی الحجه ۹۸۰ - مکاسب تامشیخة - دانشگاه تهران ۳۸۶۰ - امیر
 خاکی شکر الله بن قوام الدین حسین شیرازی
 فهرست دانشگاه تهران ۲۸۳۷/۱۲.

۲۶) شنبه ۱۱ محرم ۹۸۳ - زکات تا تجارت - مسجد اعظم قم ۱۲۰ - حجی
 بن نصر الله حمیری - با تملک الخالق عبد قاضی زاده.
 فهرست مسجد اعظم / ۹۷.

۲۷) چهارشنبه ۶ ربیع الاول ۹۸۳ - طهارت تا مزار - فیضیة (بی شماره) -
 عبدالکریم بن ابراهیم میسی عاملی - با حواشی از شیخ لطف الله (بانی مسجد
 معروف در اصفهان و فرزند کاتب) - در پایان کتاب الزکاة، بلاغ «عبدالله»
 (احتمالاً ملا عبدالله شوشتری) دیده می شود.
 ۳۱۷ برگ، ۲۶ سطر.
 فهرست فیضیة ۵۹/۱ - ۶۰.

۲۸) جمادی الاول ۹۸۳ - اوایل کتاب - مرعشی ۴۸۳۹ - احمد بن عبادالله
 ساوجی، مشهد
 ۷۱ برگ، ۲۰ سطر.
 فهرست مرعشی ۳۸/۱۳.

۲۹) پنجشنبه ۲۷ شعبان ۹۸۳ - آغاز تا صلوة - مرعشی ۳۱۵ - احمد بن علی بن حسن نباطی - با تصحیح در حاشیه، و بلاغ‌های متعدد، از جمله به خط مولی محمد تقی مجلسی، و وقفنامه کتاب به خط حسن بن زین‌الدین (فرزند شهید ثانی) به تاریخ ۵ ماه رمضان ۹۵۸.

۲۵۶ برگ، ۲۹ سطر

فهرست مرعشی ۱/۳۵۵.

۳۰) سال ۹۸۳ - جزء اول - گلپایگانی ۲۱۱۹ - با شش نسخه مهم تصحیح شده، از جمله نسخه مصنف - بلاغ به خط سید محمد بن ابی الحسن عاملی صاحب مدارک، انهاء مولی محمد تقی مجلسی، اجازه احمد بن ابی جامع عاملی برای شیخ فاضل دارد.

فهرست گلپایگانی ۳/۱۶۷.

۳۱) ۱۶ ذی الحجه ۹۸۴ - صلوة - دانشگاه تهران ۵۳۸۹ - علاء‌الدین عبدالرحمن بن نورالله گیلانی

۴۰۰ برگ، ۲۱ سطر.

فهرست دانشگاه تهران ۱۵/۴۲۳۳

۳۲) ۲۵ رجب ۹۸۵ - بخشی از کتاب - مرعشی ۱۸۴۱ - محمود بن حسین طیبی - متن با نسخه فاضل تونی و مولی محمد تقی مجلسی و حسین بن عبدالصمد عاملی مقابله شده و در حواشی تصحیح دارد - چندین مهر تملک در سالهای ۱۰۸۳ و بعد از آن.

۴۹۸ برگ، ۲۱ سطر.

فهرست مرعشی ۵/۲۲۷.

(۳۳) ۵ ماه رمضان ۹۸۵ - صلوة تا حج - وزیرى ۱۵۹۵ - صالح بن محمد.

۵۲۷ برگ، ۳۲ سطر.

فهرست وزیرى ۹۹۷/۳.

(۳۴) سال ۹۸۴ تا ۹۸۶ - تمام کتاب - آخوند همدان ۱۰۸۸ (ربع اول)، ۱۰۹۰

(ربع دوم)، ۱۰۹۱ (ربع سوم)، ۱۰۹۳ (ربع چهارم) - معالی بن بابا میر بن تاج

الدین حسن حسینی - با حواشی زیاد و مقابله دقیق.

فهرست کتابخانه آخوند همدان / ۸۰، فهرست رشت و همدان ۱۳۰۱.

(۳۵) ۲۳ شعبان ۹۸۸ - جهاد تا آخر کتاب - مرعشى ۵۳۱۹ - میرزا حسین بن

شمس الدین محمد بن حسین کاشانی - مقابله‌های متعدد با چندین نسخه، از

جمله نسخه شهید ثانی، که از روی نسخه اصل بوده است - اجازه میرزا محمد

استر آبادی برای علی رضا بن آقا جانی در ذی الحجه ۱۰۱۶ در مکه.

۳۴۰ برگ، ۲۷ سطر.

فهرست مرعشى ۱۴/۱۰۵ - ۱۰۶، طبقات اعلام الشیعه قرن ۱۰/۵۷.

(معرفی نسخه در فهرست مرعشى، دقیق تر از طبقات است.)

(۳۶) یکشنبه ۹ ماه رمضان ۹۸۹ - طهارت - رضوی ۱۹۶۶ - ناصر بن محمد.

۱۵۳ برگ، ۲۳ سطر.

فهرست رضوی ۵/۵۸، حجتی ۳/۶۳۰.

(۳۷) سال ۹۹۰ تا ۹۹۲ - کل کتاب - دانشگاه تهران ۵۸۳ (طهارت تا زکات)،

۵۸۴ (صیام تا اجاره)، ۵۸۵ (نکاح تا دیات) - حسن بن حسین غرابات نخعی -

با تصحیح و مقابله‌های فراوان در سالهای مختلف، از جمله با نسخه احمد بن عبدالحسین شیبانی در ۹۵۴، نسخه حاجی محمد در ۱۰۱۲، که اصل نسخه حاجی محمد در ۹۹۳ در نجف و نیز با نسخه قرائت شده بر شهید ثانی در ۹۵۳ مقابله شده، و نسخه شهید ثانی، خود از روی خط مصنف بوده.

حواشی از مولی عبدالله شوشتری، و نیز گواهی مولی حسنعلی شوشتری به قرائت نسخه بر وی، همچنین مقابله با نسخه شیخ زین‌الدین در کربلا، که خود در ۹۶۰ با نسخه اصل شیخ طوسی مقابله شده، و مقابله دیگر با نسخه مقدس اردبیلی، که آن خود با نسخه شهید ثانی و آن با نسخه علامه حلّی مقابله شده، و مقابله دیگر با نسخه حسین بن عبدالصمد عاملی.

۱۴۹ + ۱۴۸ + ۱۴۹ برگ، ۴۱ سطر.

فهرست دانشگاه تهران ۱۲۵۱/۵ - ۱۲۵۴، فهرست واره شیروانی / ۱۴۷.

(۳۸) چهارشنبه ۲۶ ذی‌الحجه ۹۹۱ - جزء اول - ملک ۲۱۸۹ - سید محمد بن احمد بن ناصر الدین حسینی، که برای کتابخانه امیر سید رکن الدین مفرج بن علی بن حماد نوشته، و با نسخه متعدد مقابله کرده، از جمله با نسخه شهید ثانی در ۹۸۵، و مقابله مجدد توسط محمد ابراهیم بن حسین رضوی حسینی قانتی در مکه مشرفه، روز مبارک ۹ ربیع الاول ۱۰۷۸.

۳۳۸ برگ، ۲۷ سطر.

فهرست ملک چاپ قدیم ۱۸۴/۱ (جدید ۱۳۶/۱)، حجتی ۶۲۹/۳.

۳۹) مقابله ۹۹۴ - طهارت و صلوة - مرعشی ۱۷۳۳ - صدر الدین صحاف -
سعدالدین محمد انصاری کاشانی، در ۹۹۴ بر صاعد بن حماد بن حسین در
کربلا خوانده است.

۱۸۲ برگ، ۲۳ سطر.

طبقات اعلام الشیعه، قرن ۹۵/۱۰.

فهرست مرعشی ۱۱۹/۵ - ۱۲۰.

۴۰) سال ۹۹۵ - طهارت تاجح - رضا رام پور، هند، ۱۲۹۹۹D -
غیاث الدین محمد بن محمد بن عبدالخالق بن غیاث الدین (نواده غیاث الدین
جمشید کاشانی صاحب «الرصد»)، کاتب دیگری در ۱۰۸۰ آن را کامل
کرده است.

۴۴۰ برگ، ۲۷ سطر.

فهرست رضا رام پور - هند/۶۱۸.

۴۱) ۱۴ ربیع الثانی ۹۹۶ - طهارت تاجهد - عمومی اصفهان ۲۶۸۱ - باباحی
بن نصیرالدین - دوبار در سالهای ۹۹۶ - ۱۰۸۹ مقابله شده.
فهرست اصفهان ۲۱۱/۱.

۴۲) قرن ۱۰ - کل کتاب - علی بن ادریس بن الحسین (ابن فروج) - تمام
کتاب را با نسخه خطیحی بن سعید حلی مقابله کرده است.
طبقات اعلام الشیعه، قرن ۱۵۹/۱۰.

(۴۳) قرن ۱۰ - طهارت تا صلوة - مدرسهٔ آخوند همدان ۴۵۷۰ - با حواشی زیاد.

فهرست مدرسهٔ آخوند همدان / ۸۱، فهرست رشت و همدان / ۱۳۰۱

(۴۴) قرن ۱۰ - صلوة - الهیات تهران ۳۲۲ ج.

۱۲۳ برگ، ۲۱ سطر.

فهرست الهیات تهران ۵۰/۲.

(۴۵) بخشی از کتاب - مدرسهٔ سلیمان خان مشهد ۱۵ - عبد حاجی الحرمین

حاجی سرور - مقابله شده. حجتی ۶۳۱/۳

(۴۶) قرن ۱۰ - زکات تا حج - مجلس ۴۰۵۳ - با انهاء مولی محمد تقی

مجلسی در ۱۰۶۲

۱۹۲ برگ، ۲۰ سطر

فهرست مجلس ۵۲/۱۱.

(۴۷) پنجشنبه ۱۵ ربیع الثانی ۱۰۰۰ - مزار تا دیات - مرعشی ۳۱۸۳ - حسین

بن میرک حسینی، کربلا - با انهاء علامه محمد باقر مجلسی برای امیر عبدالباقی

در ۱۰۹۷، و اجازهٔ ناصرالدین تونی به محمد مشهدی طوسی در ۱۰۳۲

۳۴۶ برگ، ۲۷ سطر.

فهرست مرعشی ۴۰۶/۸، اجازات الحدیث / ۵۱.

(۴۸) چهارشنبه ۲۴ ربیع الاول ۱۰۰۳ - تمام کتاب - مرعشی ۵۳۳۱ و ۵۳۳۲ - محمد بن احمد بن اسمعیل جیبی عاملی شامی، مکه - کتابت برای سید محمد بن شد قم حسینی مدنی، با تملک محمد بن علی بن خاتون عاملی در ۱۰۳۷ و محمد بن هادی گیلانی در ۱۰۸۱
 ۴۶۰ + ۳۹۹ برگ، ۲۵ سطر.
 فهرست مرعشی ۱۴/۱۱۹ - ۱۲۰.

(۴۹) جمعه ۱۴ ذی القعدة ۱۰۰۳ - آغاز تا صلوة - آستانه حضرت معصومه ۵۸۸۹ - محمد علی بن عضدالدین مسعود حسنی حسینی، شیراز
 ۳۶۰ برگ، ۲۰ سطر.
 فهرست آستان مقدسه قم ۹۷/۹۸ -

(۵۰) سال ۱۰۰۳ - تمام کتاب - فیضیه ۲۲۳ و ۲۳۹ - محمد بن احمد بن اسمعیل جیبی عاملی (همان کاتب نسخه شماره ۴۸ این فهرست، که «تهذیب» را در همان سال، یکبار دیگر نوشته است).
 بخشی از پایان آن، را علی اصغر بن محمد شفیع در ۱۰۷۵ تحریر کرده است.
 در ۱۱۲۸ نیز مجدداً تصحیح و مقابله شده است.
 ۳۱۷ + ۲۸۸ برگ، ۲۷ سطر.
 فهرست فیضیه ۱/۵۶ - ۵۷.

(۵۱) شعبان ۱۰۰۸ - حج - مرعشی ۵۳۱۲ - علی بن محمد بن حسن خوراسکانی، اصفهان - تصحیح در حاشیه، و مقابله محمد صالح بن سلطان محمد اصفهانی در ۱۰۱۳ در مشهد
 ۵۳۰ برگ

فهرست مرعشی ۱۴/۱۰۱. (نیز بنگرید: شماره ۷۱ همین فهرست)

(۵۲) ۱۳ جمادی الاول ۱۰۰۹ - جلد اول - رضوی ۱۶۳۴ - محمد بن شهاب جوذری، با تصدیق محمد بن احمد بن خاتون عاملی در مکه
فهرست الفبائی رضوی / ۱۳۵، فهرست رضوی ۲۳/۱، حجتی ۶۳۱/۱.

(۵۳) سال ۱۰۰۹ - تمام کتاب - ملی تهران ۷۲۲ ع
۵۸۳ برگ، ۲۹ سطر.
فهرست ملی ۱۸۰/۸ - ۱۸۱.

(۵۴) سال ۱۰۱۰ و ۱۱۱۱ - تمام کتاب - مرعشی (عکسی) ۴۲۳ و ۴۲۴ -
جعفر بن فضل الله رضوی - مالک نسخه سید حسین بن حیدر حسینی کرمی
نوشته که آن را با نسخه شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی مقابله کرده، که آن
نسخه، خود با نسخه ای تصحیح شده که خط علامه حلّی بر آن بوده و با نسخه
اصل مؤلف تصحیح شده است.
فهرست عکسی مرعشی ۳۷۲/۱ - ۳۷۴.

(۵۵) سال ۱۰۱۰ و ۱۰۱۳ - تمام کتاب - ادبیات تهران ۴۸۳ (نیمه اول) و
رضوی ۱۵۱۵۳ (نیمه دوم) - محمد مکی بن حسن بن احمد بن سنبغه عاملی
فهرست ادبیات تهران (امام جمعه) ۸۱/، فهرست الفبایی رضوی ۶۳۱/

(۵۶) جمعه ۱۶ ذی الحجه ۱۰۱۵ - حج تا تجارت - رضوی ۵۶۸۵ - محمد بن
محمد جزائری اسدی مقابله و تصحیح شده
۲۲۷ برگ، ۲۷ سطر
فهرست رضوی ۶۰/۵، حجتی ۶۳۱/۳.

- (۵۷) سال ۱۰۱۷ - مزار تا آخر کتاب - پزشکی شیراز ۳۴۳.
- قاسم بن محمد حسنی حسینی طباطبایی در سال ۱۰۱۸ در اصفهان، با نسخه مصححی که قابل اعتماد بوده، مقابله و تصحیح نموده است.
- میراث اسلامی ایران ۴۱۶/۱
- (۵۸) یکشنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۰۱۸ - تمام کتاب - رضوی ۱۹۵۷ - عبدالعلی بن محمد، تهران
- ۵۹۷ برگ، ۲۹ سطر.
- فهرست رضوی ۵۵/۵، حجتی ۶۳۱/۳
- (۵۹) سال ۱۰۱۹ - طهارت تا جهاد - مسجد اعظم قم ۲۰۲۶ و ۲۰۲۸ - محمد هادی بن محمد مهدی قزوینی
- فهرست اعظم قم ۹۷/.
- (۶۰) سال ۱۰۲۰ - مزار تا آخر کتاب - رضوی ۱۶۴۱ - ابوالحسن بن عبدالله کاشی، شیراز
- ۳۱۰ برگ، ۳۳ سطر.
- فهرست الفبائی رضوی ۱۵۳/، فهرست رضوی ۲۳۰/۱، حجتی ۶۳۲/۳.
- (۶۱) سال ۱۰۲۰ - مزار تا آخر کتاب - لس آنجلس M975 - محمد بن حسین طاهر، کاشان
- نشریه نسخه‌های خطی ۱۱ - ۱۸۱/۱۲
- (۶۲) سال ۱۰۲۱ - بخشی از کتاب - وزیری ۲۸۴ - محمد یحیی بن محمد رضا نیشابوری، نیشابور - ۳۲۰ برگ، ۳۵ سطر
- فهرست وزیری ۲۸۷/۱

(۶۳) سال ۱۰۲۲ - مزار تا آخر کتاب - ملی تهران ۷۸۲ ع - محمد باقر بن حسین استرآبادی - مقابله در سال ۱۰۷۲ توسط محمد جعفر بن سلطان علی اهری، با نسخه حسین بن عبدالصمد عاملی، که نسخه عاملی با نسخه اصل مقابله شده بود.

۴۷۶ برگ، ۲۴ سطر.

فهرست ملی ۲۸۶/۸.

(۶۴) پنجشنبه ۱۰ شوال ۱۰۲۳ - طلاق تا آخر کتاب - مرعشی ۶۲۳۹ - هاشم حسینی تفرشی - با تملک چند تن از علماء و فهرست ابواب به خط مولی مراد تفرشی

۳۴۹ برگ، ۲۳ سطر

فهرست مرعشی ۲۲۷/۱۶.

(۶۵) ۱۰ ذی الحجه ۱۰۲۴ - دیون تادیات - ملی تهران ۹۶۲ ع (شماره قبلی در کتابخانه معارف: ۴۵/اخبار)

هدایت الله بن محمد عقیلی راستایی - تصحیح در حاشیه

۴۰۵ برگ، ۲۵ سطر.

فهرست معارف ۶۰/۱، فهرست ملی ۴۵۴/۸ - ۴۵۵.

(۶۶) سال ۱۰۲۷ - دیون تا آخر کتاب - پزشکی شیراز ۳۴۲ و ذیل ۳۴۳ - در آخر کتاب، اجازه روایتی علی بن سلیمان بحرانی در سال ۱۰۳۷ به محمد بن حمدان جزایری آمده است.

میراث اسلامی ایرانی ۴۱۶/۱ و ۴۳۱.

(۶۷) سال ۱۰۲۸ و ۱۰۲۹ - تمام کتاب - الهیات مشهد ۳۴۱۶ - حاجی محمد بن کتاب الله - تصحیح و مقابله شده
 ۶۳۲ برگ، ۲۷ سطر.
 فهرست الهیات مشهد ۲۷/۲.

(۶۸) پنجشنبه ۱۵ ربیع الاول ۱۰۲۹ - طهارت تا امر به معروف - مَلّی شیراز ۱۲/۶۲۴ د - احمد بن شریف بن جبرئیل انصاری - کاتب، این نسخه را در ماه رمضان ۱۰۵۰ بر عموم شیعیان اثنی عشری وقف کرده و متن کامل وقف نامه او در اول کتاب است.
 ۳۶۵ برگ، ۲۵ سطر.
 فهرست مَلّی فارس ۲۱۳/۲ - ۲۱۴.

(۶۹) سال ۱۰۳۰ - بخشی از کتاب - کالج وادهان (آکسفورد)
 نشریه نسخه‌های خطی ۱۱ - ۷۷۴/۱۲.

(۷۰) ذی القعدة ۱۰۳۲ - نکاح تا آخر کتاب - پزشکی شیراز - امیر محمد علی شولستانی - همراه با اجازه عبدعلی بن رحمة (جمعه؟) حویزی به محمد صالح شیرازی در ۱۰۷۰
 میراث اسلامی ایران ۱/۴۲۰.

(۷۱) سال ۱۰۳۲ - بخشی از کتاب - رضوی ۱۴۰۶۸ - علی بن محمد بن حسن خوراسکانی
 ۳۹۴ برگ، ۲۶ سطر.

توضیح: این نسخه، قبلاً در مدرسه فاضلیه مشهد به شماره ۱۹ - اخبار بوده، که حجتی در یادنامه ۳/۶۳۲ متذکر شده است.

ضمناً قطعه‌ای دیگر از همین نسخه کتاب را تحت شماره ۵۱ این فهرست آورده‌ایم، که همین کاتب در شعبان ۱۰۰۸ نوشته است و اکنون در کتابخانه مرعشی موجود است.

فهرست الفبایی رضوی / ۱۵۳، حجتی ۳/ ۶۳۲، مرعشی ۱۴/ ۱۰۱.

(۷۲) سال ۱۰۳۳ - عتق تادیات - گلیایگانی ۱۷۰۷ - محمد عظیم بن حسین تفرشی ساوجی - در سال ۱۰۳۴ مقابله و در ۱۰۸۱ تدریس شده است.
فهرست گلیایگانی ۳/ ۲۳.

(۷۳) سال ۱۰۳۳ - طهارت تا مکاسب - رضا رام پور، هند، 853MK
محمد صالحی - در سال ۱۰۸۴ بر مولی حسن بن علی شوشتری قرائت شده است.

۴۷۰ برگ، ۲۰ سطر. (مجلد بعدی این نسخه - تحریر ۱۰۵۴ - به شماره ۹۹ معرفی شده است).
فهرست رضا رام پور / ۶۱۶.

(۷۴) ۲۵ جمادی الثانی ۱۰۳۵ - بخشی از کتاب - کتابخانه سید محمد صادق بحر العلوم، نجف - محمد بن محمود بن علی طبسی - کاتب، از ۲۴ ماه رمضان ۱۰۳۴، در مدرسه میرزا لطف الله شیراز، کتابت را آغاز کرده، و در ۲۵ جمادی الثانی ۱۰۳۵ به پایان برده است.

اجازه مبسوط استادش شرف الدین علی بن حجة الله شولستانی در جمادی الثانی ۱۰۴۱ در آخر نسخه است. و این نسخه به رؤیت شیخ آقا بزرگ تهرانی رسیده است.

طبقات اعلام الشیعه، قرن ۱۱/ ۵۲۷، قرن ۱۲/ ۵۳۸.

(۷۵) تصحیح ۱۰۳۷ - (احتمالاً) تمام کتاب - پزشکی شیراز ۱۹۳، رضوی ۱۲۵۵۷ - این نسخه با نسخه شیخ بهائی و نسخه علی بن سلیمان بحرانی شده است. کاتب نسخه رضوی، عبدالله بن ربیع بن سراج و تاریخ کتابت آن ۱۰۲۷ است. و این دو قطعه از تهذیب، مکمل هم باید باشد.

فهرست الفبایی رضوی / ۱۵۳، میراث اسلامی ایران ۴۱۷/۱.

(۷۶) سال ۱۰۳۷ - مزار تا آخر کتاب - رضوی ۱۶۴۰ - رضوان جبایی طایی - اصل تهذیب در مدینه مقابله شده، و باب مشیخه به خط خواند میر بن آقا میر ذرماری به نسخه ملحق گردیده است.

۳۶۷ برگ، ۳۰ سطر.

فهرست الفبایی رضوی / ۱۵۳، فهرست رضوی (چاپ قدیم) ۲۴/۱، حجتی ۶۳۲/۳.

(۷۷) سه شنبه آخر شعبان ۱۰۳۸ - طهارت تا صلوة - الهیات مشهد ۸۵۱ - مقابله شده با نسخه‌ای که با نسخه اصل مقابله شده است.

۱۸۹ برگ، ۲۳ سطر.

فهرست الهیات مشهد ۲۷/۲.

(۷۸) سه شنبه ۷ ذی الحجه ۱۰۳۸ - جلد ۱ و ۲ - آستانه حضرت معصومه ۸۳۴۴ - محمد بن عبدالله حالی - با تملک بانو سته بنت حاج علی جارودی در شعبان ۱۱۸۰.

۲۵۹ برگ، ۲۵ سطر

فهرست آستانه مقدسه قم / ۹۸.

- (۷۹) جمادی الاول ۱۰۳۸ - جزو اول - دانشگاه لس آنجلس MIO62 -
محمد باقر واعظ تبریزی
نشریه نسخه‌های خطی ۱۱ - ۱۸۱/۱۲.
- (۸۰) سال ۱۰۳۸ - طهارت تا صلوة - گوهر شاد ۲۴۲ - با تصحیح و مقابله و
حواشی فروان.
۲۳۰ برگ، ۲۰ سطر.
فهرست گوهر شاد / ۲۱۰، فهرست چهار کتابخانه مشهد / ۲۴۶.
- (۸۱) سال ۱۰۳۷ و ۱۰۳۹ - (احتمالاً) تمام کتاب - رضوی ۹۰۷۲ و ۹۰۷۳ -
عبدالله.
۱۹۰ + ۱۷۴ برگ.
فهرست الفبائی رضوی / ۱۵۳.
- (۸۲) سال ۱۰۳۹ - دیون تا دیات - مرعشی ۵۳۱۰ - محمد هاشم بن کمال
الدین حسین کاتب مشهدی - با بلاغ و حواشی.
۳۱۵ برگ، ۲۶ سطر.
فهرست مرعشی ۱۴ / ۱۰۰.
- (۸۳) سال ۱۰۴۱ - بخشی از کتاب - مرعشی؟ - محمد بن مرتضی کاشانی -
کاتب از دانشوران خاندان فیض کاشانی است.
مقدمه معادن الحکمة ۱/۱۲، طبقات، قرن ۱۲/۱۲. ۶۹۳.

۸۴) سال ۱۰۴۵ - صوم تا تجارت - رضوی ۱۷۰۵۳ - مرتضی بن جمال
ال‌دین حسین حسینی - مقابله شده در ۱۰۴۸.
۳۸۱ برگ، ۲۵ سطر.
رؤیت در کتابخانه رضوی به تاریخ ۷۳/۳/۱۲.

۸۵) سال ۱۰۴۶ - طهارت تا فرائض - سهسالار ۲۴۳۱ و ۴۲۶۹ - محمد
صادق بن حاجی محمد حافظ، به خط نسخ بسیار خوب، که به امر شاه صفی
صفوی نوشته است.
۵۵۹ برگ، ۲۵ سطر.
فهرست سهسالار ۲۳۶/۱، ۵۳۳/۳ و ۵۳۷.

۸۶) سه شنبه ۱۶ ربیع‌الاول ۱۰۴۶ - نکاح تا آخر کتاب - مرعشی ۴۸۲۰ -
قربان علی بن قاسم علی سبزواری نیشابوری - با تملک و مهر و سجع احمد بن
حسن بن محمد حر، (برادر زاده یا خواهرزاده صاحب وسایل الشیعه) در ۱۰۸۷
و حواشی مولی محمد تقی مجلسی و محمد باقر مجلسی و جزء آنها
۲۲۵ برگ، ۲۴ سطر.

نسخه از کتابخانه خطی رضا استادی به کتابخانه آیت‌الله مرعشی منتقل
شده است. یکصد و شصت نسخه خطی / ۱۱، فهرست مرعشی ۲۱/۱۳.

۸۷) سال ۱۰۴۷ و ۱۰۴۸ - تمام کتاب - کتابخانه سید محمد حجت کوه
کمره‌ای، قم - محمد حسین بن شمس‌الدین محمد اصفهانی - کاتب از شاگردان
مولی محمد تقی مجلسی بوده، و در موارد عدیده، اجازه مجلسی در نسخه ثبت
است. شیخ آقا بزرگ تهرانی، نسخه را در ضمن کتابهای سید محمد یزدی در

نجف دیده و سپس در ضمن کتب سید محمد حجت نام می‌برد.
این نسخه، اکنون در کتابخانه مرعشی به شماره ۳۷۷۹ و ۸۱۵۴ موجود است.

طبقات، قرن ۱۱/۱۵۸ - ۱۵۹، قرن ۱۲/۴۳۵ و ۶۳۲.

فهرست مرعشی ۱۰/۱۶۴ - ۱۶۵، ۲۱/۱۴۲ - ۱۴۳.

(۸۸) ۱۵ صفر ۱۰۴۷ - تجارت تا آخر کتاب - مرعشی ۷۷۲۵ - ملابنیاد علی بن قوام الدین سریری - با بلاغ و حواشی و تصحیح محمد تقی استرآبادی در مشهد در ۱۰۴۸، و تملکهای ۱۲۷۳ و ۱۲۷۴ و ۱۲۵۰
۲۱۰ برگ، ۳۰ سطر.

فهرست مرعشی ۲۰/۹۹ - ۱۰۰.

(۸۹) مقابله ۱۰۴۸ - تمام کتاب - دانشگاه تهران ۶۳۹ و ۶۴۰ - توسط سید شرف الدین علی بن حجت الله شولستانی (متوفی ۱۰۶۰) در نجف مقابله شده، تاریخ روزهای مختلف این مقابله در سالهای ۱۰۴۸ و ۱۰۵۲، و نیز تملک محمد هادی بن محمد صالح در ۱۰۷۸ در نجف بر نسخه ثبت شده است.
حواشی و تصحیح‌های فراوان دارد.

۲۵۹ + ۲۳۶ برگ، ۳۱ سطر.

فهرست دانشگاه تهران ۵/۱۲۶۵ - ۱۲۶۸، فهرستواره شیروانی ۱۴۷/.

(۹۰) صفر ۱۰۴۹ - طهارت تا جهاد - مدرسه علوی خوانسار (بی‌شماره) - نظام بن محمد شیرازی - با تملک حیدر بن محمد حسن نورالدین عاملی نباطی در ۱۱۷۲.

۳۵۳ برگ، ۳۲ سطر.

آینه پژوهش ۲۲/۹۵ (فهرست مدرسه علوی خوانسار).

(۹۱) سال ۱۰۴۹ - نکاح تا آخر کتاب - سپهسالار ۲۴۳۷ - محمد سعید بن امین‌الدین - تصحیح شمس‌الدین محمد شیرازی بر اساس نسخه صدالدین محمد فسوی در روز دوشنبه ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۰۵۰.
 ۳۸۱ صفحه، ۲۲ سطر.

فهرست سپسالار ۱/۲۳۷، ۳/۵۳۵.

(۹۲) سال ۱۰۵۰ - نکاح تا حدود - مدرسه آخوند همدان ۴۵۶۱ - حسین بن عبد علی بن فیاض
 فهرست مدرسه آخوند همدان ۸۱/، فهرست رشت و همدان ۱/۱۳۰۱.

(۹۳) سال ۱۰۵۰ - جزو اول و دوم - مرعشی ۶۰۱۰ - با انهاء علامه محمد باقر مجلسی برای بهاء‌الدین محمد جیلی (گیلانی) در ذی القعدة ۱۰۷۲.
 ۴۵۷ برگ، ۲۸ سطر.
 فهرست مرعشی ۱۱/۱۶.

(۹۴) سال ۱۰۵۰ و ۱۰۵۵ - حج تا مکاسب - مرعشی ۳۶۶ - منهی بن کمال‌الدین حسین حسینی و ابومسلم بن محمد علی الحشوقانی - با تصحیح: حاج میرزا یحیی بن محمد شفیع اصفهانی (در قرن ۱۴) و محمود بن افضل‌الدین طباطبایی (در ۱۰۷۲ و ۱۰۷۳).

این کتاب، در ضمن کتابهای کتابخانه میرزا یحیی اصفهانی است که تمام آن کتب به مرحوم آیت‌الله مرعشی منتقل شده، و ایشان به کتابخانه عمومی موقوفه خود سپردند.

فهرست مرعشی ۱/۳۸۶.

(۹۵) سالهای ۱۰۵۰ تا ۱۰۵۲ - طهارت تازکات - مدرسه مروی ۱۸ - با آثار
تصحیح و مقابله
فهرست مروی / ۹۶.

(۹۶) ۲۵ ذی القعدة ۱۰۵۱ - آغاز تا صلوة، زکات تا جهاد - سالار جنگ،
هند، H.L. 19, 20 - نسخه معتمد
۲۳۴۷ + ۲۹۶ برگ، ۲۳ سطر.
فهرست سالار جنگ ۳۸/۴ - ۳۹.

(۹۷) سه شنبه ۱۵ جمادی الاول ۱۰۵۲ - زکات تا شهادت - مرعشی ۳۲۳۶ -
تحریر در شیراز - با مهر بلاغ سید شرف الدین علی بن حجت الله شولستانی در
۷ ربیع الثانی ۱۰۵۲ و تملک علی قلی بن فضلعلی در ۱۱۴۰.
۲۷۶ برگ، ۲۹ سطر.
فهرست مرعشی ۳۲/۹ - ۳۳.

(۹۸) سه شنبه ۲۳ ذی الحجه ۱۰۵۴ - جهاد تا آخر کتاب - مرعشی ۶۲۳۶ -
محمد ابراهیم (مشهور به: ابن مغسل) - با اجازه ای از جعفر بن کمال الدین
بحرانی، و وقف نامه ابوالقاسم بن محمد باقر هزار جریبی مازندرانی.
۴۵۸ برگ.
فهرست مرعشی ۲۲۵/۱۶.

(۹۹) سال ۱۰۵۴ - تجارت تا دیات - رضا رام پور هند. 845 MK - محمد
صالحی، اصفهان. در سال ۱۰۸۵ بر مولی حسن بن علی شوشتری قرائت شده
است.

۲۵۹ برگ، ۲۰ سطر.

(مجلدی دیگر از کتاب، و مکمل نسخه شماره ۷۳ است).

فهرست رضا رام پور / ۶۱۶.

۱۰۰ (سال ۱۰۵۶ - حج تا کفارات - سپهسالار ۲۴۳۴ - سید ابو الفتح بن

ابوالقاسم استرآبادی، اصفهان - با حواشی

۴۱۵ صفحه، ۲۰ سطر.

فهرست سپهسالار ۱/۲۳۷، ۳/۵۳۴.

۱۰۱ (یکشنبه ۸ ذی القعدة ۱۰۵۶ - آغاز تا جهاد - مرعی ۸۴۰ - سید

محمد حسین بن محمد شاه حسینی مرعی شوشتری - با علامت بلاغ و

تملک‌های مختلف در سالهای ۱۲۲۰ و ۱۲۷۳ و ۱۳۴۰

۴۰۴ برگ، ۲۵ سطر.

فهرست مرعی ۳/۳۶ - ۳۷.

۱۰۲ (یکشنبه ۲۱ ربیع الثانی ۱۰۵۷ - طهارت تا حج - کتابخانه سلطنتی

۱۲۶۴ - محمد رضا بن علی رضا عباسی تبریزی - نسخ عالی

۷۷۲ صفحه، ۲۹ سطر.

فهرست کتب دینی کتابخانه سلطنتی / ۲۳۶ - ۲۳۸.

۱۰۳ (سال ۱۰۵۸ - جلد دوم - رضوی ۹۴۵۵ - محمود طبسی

۲۹۱ برگ، (شاید همان نسخه شماره ۷۴ باشد، که از کتابخانه بحر العلوم

نجف به کتابخانه رضوی منتقل شده است).

فهرست الفبایی رضوی / ۱۵۳.

۱۰۴ (۱۰۴) محرم ۱۰۵۹ - تمام کتاب - سالار جنگ 16 H.L. - محمد قاسم بن محمد زمان طبیب - نسخ خوب - از روی نسخهٔ اصل نوشته شده.

۴۹۹ برگ، ۳۵ سطر.

فهرست سالار جنگ ۳۵/۴.

۱۰۵ (۱۰۵) سال ۱۰۶۱ - بخشی از کتاب - علی بن فرج الله گلپایگانی - با اجازهٔ علامه محمد باقر مجلسی به سید محمد حسینی در ۱۰۹۲ - این نسخه را شیخ آقا بزرگ تهرانی رؤیت کرده و گزارش داده است.
طبقات اعلام الشیعه، قرن ۶۵۹/۱۲.

۱۰۶ (۱۰۶) آخر صفر ۱۰۶۲ - طهارت تا مزار - رضوی ۱۹۵۸ - نوروز بن اسمعیل - با اجازهٔ روایتی مولی محمد تقی مجلسی برای مولی محمد باقر جزوی در جمادی الاول ۱۰۷۴

۳۶۲ برگ.

فهرست رضوی ۵۶/۵، حجتی ۶۳۳/۳.

۱۰۷ (۱۰۷) جمادی الاول ۱۰۶۲ - بخشی از کتاب - آستانهٔ حضرت عبدالعظیم، ۲۶۶ - محمد صادق بن عبد الباقر لاهیجانی، شیراز
نشریهٔ نسخه‌های خطی ۴۶۰/۳.

۱۰۸ (۱۰۸) سال ۱۰۶۳ - طهارت و صلوة - رضوی ۱۵۳۵۴ - مقابله با نسخهٔ شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی توسط موسی بن ابراهیم خادم تونی در سال ۱۰۸۰
۲۰۷ برگ، ۲۸ سطر.

فهرست الفبایی رضوی ۶۳۱/۱.

۱۰۹) سال ۱۰۵۶ تا ۱۰۶۴ - آغاز تا مزار - حقوق تهران، ۶۹ ج - بخشهای مختلف را کاتبان مختلف در سالهای مختلف نوشته‌اند. مثلاً: کتاب الصلوة توسط محمد تقی بن حاجی ملک محمود قوژدري در ۱۰ ربیع الاول ۱۰۶۴، و کتاب زکات تا مزار توسط عبدالباقي بن بدیع الزمان، و کتاب الصوم در ربیع الاول ۱۰۵۶ نوشته شده است.

بلاغ قرائت در سراسر نسخه، از مولی محمد تقی مجلسی هست، از جمله به تاریخ: نیمه جمادی الاول ۱۰۵۶، ذیقعه ۱۰۵۶، نیمه جمادی الاول ۱۰۵۸. ۴۲۲ برگ، ۲۵ سطر. فهرست حقوق تهران / ۳۱۰.

۱۱۰) یکشنبه ۲۹ جمادی الثانی ۱۰۶۴ - طهارت تا زکات - رضوی ۱۹۶۱ - محمد بن محمد حسین نیکنامی، تون - نسخه، تصحیح و مقابله شده است. ۴۰۳ برگ، ۲۱ سطر. فهرست رضوی ۵۷/۵، حجتی ۶۳۴/۳.

۱۱۱) سال ۱۰۶۵ - حج تا آخر کتاب - آصفیه هند ۱۸۷ - محمد حسین بن سلطان محمد گلپایگانی ۸۷۷ صفحه، ۲۶ سطر. فهرست آصفیه ۱/۴۶۵.

۱۱۲) سال ۱۰۶۵ - طهارت و صلوة - مرعشی ۴۰۳۹ - محمدرضا بن یالکار بن شاهوردی جاملو - با تصحیح و علامت بلاغ و اجازة عبد علی بن جمعه حویزی (صاحب تفسیر نورالثقلین) به سید حسن دهدشتی در ۱۰۶۵ در شیراز ۲۴۹ برگ، ۲۹ سطر. فهرست مرعشی ۱۱/۴۲.

۱۱۳) دوشنبه ۴ جمادی‌الثانی ۱۰۶۶ - مکاسب تا آخر کتاب - مرعشی
 ۴۸۶۹ - با تصحیح و بلاغ به خط علامه محمد باقر مجلسی، و انهاء وی به مولی
 عبدالحسین مازندرانی در ۲۲ ذیقعدہ ۱۰۹۶، و تملک سید جعفر بن محمد
 عاملی در ۱۱۱۴.

۴۶۸ برگ، ۲۵ سطر.

فهرست مرعشی ۱۳/۵۳ - ۵۴.

۱۱۴) سال ۱۰۶۶ تا ۱۰۷۳ - حج تا نکاح - رضوی ۵۶۸۶ - محمد تقی بن
 محمد ولی قاینی - با مقابلهٔ جمعی نزد مولی احمد بن محمد تونی
 ۴۱۴ برگ، ۲۳ سطر.

فهرست رضوی ۵/۶۰، حجتی ۳/۶۳۴.

۱۱۵) سال ۱۰۶۶ - طهارت و صلوة - مرعشی ۶۸۰۹ - محمد رضا بن
 درویش محمد شهمیر زادی - با بلاغ محمد باقر بن محمد مؤمن سبزواری برای
 مولی محمد گیلانی به تاریخ ذیقعدہ ۱۰۷۵
 ۳۲۴ برگ، ۲۳ سطر.

فهرست مرعشی ۱۸/۹.

۱۱۶) یکشنبه ۱۰ محرم ۱۰۶۸ - متاجر تا دیات - استادی (بی‌شماره) -
 عبدالحسین مازندرانی طی چندین مجلس در حضور علامه محمد باقر مجلسی
 آن را مقابله کرده و گواهی علامهٔ مجلسی در این مورد به تاریخ ۲۶ ذی‌القعدہ
 ۱۰۹۶ در کتاب نوشته شده است. مازندرانی که ساکن رود بست بوده، یادداشتی
 دایر بر تملک نسخه در ۱۰۹۲ نوشته است.

۴۷۰ برگ، ۲۵ سطر.

یکصد و شصت نسخهٔ خطی ۱۲/، اجازات الحدیث ۵۷/.

(۱۱۷) سال ۱۰۶۸ - جلد اول - رضوی ۱۶۳۶ - سید علی بن فتح الله نخشبى فارسى - برخى حواشى به خط مولى محمد زمان بن کلبعلی (از شاگردان مولى محمد باقر مجلسى) است.

۲۹۴ برگ، ۲۵ سطر.

فهرست الفبايى رضوی / ۱۵۳، فهرست رضوی / ۱/۲۲، حجتی / ۳/۶۳۴.

(۱۱۸) رجب ۱۰۶۹ - آغاز کتاب تا مزار - الهیات تهران ۱۹۹ ب - محمد زمان بن جعفر شولستانی - با حواشى مختلف که غالباً مشخص است، از جمله مولى محمد باقر مجلسى، مولى محمد تقى مجلسى، آقا جمال خوانسارى، منتقى الجمان و مدارک و تملک: سید محمد جعفر شولستانی و فاضل تونى.

۴۸۸ برگ، ۱۴ سطر.

فهرست الهیات تهران / ۱/۵۰۱.

(۱۱۹) جمادى الاول ۱۰۷۰ - ديون تا آخر کتاب - مرعى ۱۳۲۵ - على بن حيدر گیلانى - با تصحيح علیرضا بن کمال الدین حسین اردکانی شیرازی (مشهور به تجلی)، که در سال ۱۰۷۰ با نسخه شهید ثانی تصحیح کرده، که آن نسخه را شهید ثانی در شب یکشنبه ۵ ربیع الاول ۹۶۰ با نسخه اصل شیخ طوسی تصحیح نموده است.

۳۳۲ برگ، ۲۷ سطر.

فهرست مرعى / ۴/۱۰۹.

(۱۲۰) سال ۱۰۷۰ - تمام کتاب - سالار جنگ - H.L.14,15 - خط نسخ

خوب با مهرهای تملک فراوان

۴۰۴ + ۴۰۹ صفحه، ۲۷ سطر.

فهرست سالار جنگ / ۴/۳۶.

۱۲۱) محرم ۱۰۷۱ - جهاد تا دیات - مجلس ۴۹۳۳ - محمد امین بن حیدر
کاتب محمدی ناینی - با یادداشت استکتاب محمد یوسف بن حسین خان در
۱۰۷۱ با مهر محمد باقر بن محمد تقی موسوی (احتمالاً حجة الاسلام شفتی) و
سید عبدالواسع حسینی و سید نصرالله تقوی، و حواشی در بعض صفحات.
فهرست مجلس ۱۶۳/۱۴.

۱۲۲) ۴ جمادی الاول ۱۰۷۱ - آغاز تا صلوة - مجلس ۴۱۵۶ - سید ابوالفتح
بن محمد حسینی - نسخه مقابله شده، دقیق و محشی
۲۳۲ برگ، ۲۷ سطر.
فهرست مجلس ۱۶۰/۱۱.

۱۲۳) جمادی الثانی ۱۰۷۱ - بخشی از ابتدای کتاب + زکات و صوم و حج -
فیضیه ۲۱۳ - محمد مقیم بن ملک محمد خوانساری، قم
۱۶۱ برگ، ۳۱ سطر.
فهرست فیضیه ۵۶/۱.

۱۲۴) ربیع الاول ۱۰۷۱ - بخشی از کتاب - کتابخانه حسین مفتاح، کاشان،
۷۹ - محمد رضا بن نوروز تهرانی - مقابله عبدالخالق حسینی در دوم ذی الحجه
۱۱۲۶ نزد پدرش با نسخه مجاز از شهید.
نشریه نسخه‌های خطی ۱۲۵/۷.

۱۲۵) شنبه ۸ صفر ۱۰۷۲ - طهارت تا مزار - مرعشی ۲۸۸۷ - علی نقی بن
رمضان علی - با انهاء علامه محمد باقر مجلسی برای کاتب در اواخر
جمادی الثانی ۱۰۷۱
۴۱۸ برگ، ۲۱ سطر.

شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز این نسخه را دیده و وصف کرده است.
فهرست مرعشی ۸/۹۰، اجازات الحدیث / ۸۳، طبقات قرن ۱۲/۵۶۲.

۱۲۶) ۱۰ شوال ۱۰۷۲ - تجارت تا آخر کتاب - مرعشی ۷۰۲۸ - علی اصغر
- حاشیه نویسی و تصحیح علاء الملک بن ابی طالب حسینی موسوی خادم در
۷ ربیع الاول ۱۰۷۸ در مشهد، انهاء احمد بن محمد تونی در ۷ ذی الحجه ۱۰۷۵،
اجازه حر عاملی برای علاء الملک در ۱۵ ربیع الثانی ۱۰۸۶
۳۴۱ برگ، ۲۹ سطر.
فهرست مرعشی ۱۸/۱۹۱ - ۱۹۲.

۱۲۷) ۲۲ شوال ۱۰۷۲ - آغاز تا امر به معروف - ملک ۲۷۴۶ - میرزا
بیک بن حاج محمد زمان رازی - مقابله شاه محمد بن عبدالرحیم سبزواری با
نسخه‌های متعدد، و حواشی فراوان
۳۹۳ برگ، ۳۰ سطر.
فهرست ملک قدیم ۱/۱۸۴. (چاپ جدید ۱/۱۳۶)

۱۲۸) پنجشنبه ۱۷ ذی الحجه ۱۰۷۲ - دیون تا آخر - گوهر شاد ۲۰۳ -
محمد تقی بن احمد فراش انجدانی. اجازه احمد بن محمد تونی در ۱۰۷۵ به
محمد حسن بن محمد باقر، ساکن مشهد. مقابله با محمد امین خادم استرآبادی
در ۱۰۸۷. مقابله دیگر در شوال ۱۱۸۰.
۵۸۴ برگ، ۲۱ سطر.
فهرست گوهر شاد ۱/۱۷۳، فهرست چهار کتابخانه مشهد / ۲۴۶.

۱۲۹) اجازة ۱۰۷۳ - مزار تا آخر - مجلس ۱۳۱۶۷ - نسخه از روی نسخهٔ اصل کتابت شده، با اجازةٔ محقق سبزواری (متوفی ۱۰۹۰) برای محمد بقاء کرزانی در ۱۰۷۹، اجازةٔ علامه محمد باقر مجلسی برای ابوالبقاء در ۱۰۷۳ که تصریح کرده این نسخه بر آن دو دانشمند قرائت و تحت نظر ایشان تصحیح شده، حواشی بسیار به خط علامه محمد باقر مجلسی و مولی محمد تقی مجلسی و حواشی فراوان از کتب فقه و لغت.

۶۳۳ صفحه، ۲۹ سطر.

فهرست مجلس ۸۱/۴

۱۳۰) ۱۵ ربیع الاول ۱۰۷۳ - مزار تا آخر - گلپایگانی ۲۰۴ - محمد قاسم به دستور سید فتح الله بن قطب‌الدین محمد دیباجی حسنی نوشته، با حواشی و تصحیحات در هامش و اشعاری از محمد اکبر بن محمد حسن نمرودی سرودهٔ ۱۲۱۰ در پایان مزار.

۴۵۲ برگ، ۲۶ سطر.

فهرست گلپایگانی ۱۸۱/۱.

۱۳۱) ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۰۷۳ - آغاز تا صلوة - مرعشی ۵۳۶ - تصحیح شده در حاشیه با علامت بلاغ، اجازةٔ عبدالله بن محمد عاملی برای سید عزیز بن مطلب جزائری در اول شعبان ۱۰۷۳.

۲۹۳ برگ، ۲۲ سطر.

فهرست مرعشی ۱۴۰/۲.

(۱۳۲) جمعه ۲ جمادی الثانی ۱۰۷۳ - جهاد تا آخر - حقوق تهران ۵۴/۲ ب
- نورالدین محمد حافظ، بقعه اشرفیه - کاتب، نسخه را برای میرزا آقا بیکا وزیر
گیلان لاهیجان (کذا) نوشته است. حواشی «م ق ر» (محمد باقر مجلسی) و
دیگران دارد.

۵۲۱ برگ، ۲۳ سطر.

فهرست حقوق تهران / ۳۰۹.

(۱۳۳) سال ۱۰۷۳ - طهارت تا صلوة - وزیری ۲۸۰ - جعفر بن احمد بوری -
کاتب، نسخه را برای شیخ عبد الخضر بن لیث بن حمزه بوری نوشته است -
بلاغات زیاد در حواشی و یادداشت تملک ۱۱۳۱ دارد.

۲۱۶ برگ، ۲۹ سطر.

فهرست وزیری / ۲۸۶/۱.

(۱۳۴) سال ۱۰۷۳ - بخشی از کتاب - کتابخانه سید حسن صدر، کاظمین -
محمد بن محمد قاسم کاوگانی - کاتب، حواشی از علامه مجلسی آورده و
حواشی از خودش، که به گواهی شیخ آقا بزرگ تهرانی، دلالت بر تبخّر او در
حدیث و رجال دارد. و ظاهراً این نسخه را بر علامه مجلسی قرائت کرده است.
علامه تهرانی گزارشی از این کتاب داده است.

طبقات، قرن ۱۲ / ۶۹۴.

نسخه‌ای از نیمه اول تهذیب (طهارت تا حج) به خط این کاتب در کتابخانه
گلپایگانی به شماره ۱۶۹۲ هست، که شاید همین باشد.

فهرست گلپایگانی / ۱۹/۳.

۱۳۵) چهارشنبه ۴ رجب ۱۰۷۵ - تمام کتاب - مجلس ۴۱۵۴ - مقابله و تصحیح توسط محمد بن محمد فصیح مراغی در ۱۲۱۹ صورت گرفته، که فهرست تفصیلی در ۲۲ برگ استخراج و در ابتدای کتاب تحریر کرده است.
۵۳۶ برگ، ۲۷ سطر.
فهرست مجلس ۱۱/۱۵۸.

۱۳۶) سال ۱۰۷۵ - طهارت تا صلوة - ملی تهران ۲۵۹۱ع - معزالدین - امضای بلاغ و حواشی توضیحی با استفاده از کتب شیخ بهایی (جبل المتین، مشرق الشمسین) و نیز حواشی لغوی با استفاده از قاموس، صحاح، نهاییه، تاج اللغة، و کنز اللغة دارد.
فهرست ملی ۱۲/۵۴۲ - ۵۴۳.

۱۳۷ - مقابله ۱۰۷۶ - طهارت و صلوة و زکات - رضوی ۱۹۵۹ - تصحیح محمد کاظم بن محمد مؤمن در اواخر صفر ۱۰۷۶، بر اساس نسخه خط شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی، که آن، مستسخ است از نسخه‌ای قدیمی که در شوال ۹۴۹ با نسخه اصل مقابله شده، که خط علامه حلی و اجازه شهید ثانی به تاریخ ۲۰ ربیع الاول ۹۵۵ بر آن بوده است.
فهرست رضوی ۵/۵۷، حجتی ۳/۶۳۶.

۱۳۸) اول رجب ۱۰۷۶ - طلاق تا دیات - آستانه عبدالعظیم ۳۰ - آقا نور بن حاجی محمد باقر ابهری اصفهانی - با تصحیح محمد طاهر در رجب ۱۰۸۴ و نشان تملک محمد زکی بن عبدالصمد در ۱۱۳۵.
نشریه نسخه‌های خطی ۳/۷۴.

۱۳۹ (ذی القعدة ۱۰۷۷ - آغاز تا صیام - گوهر شاد ۳۹ - محمد طاهر تبریزی، اصفهان - خط نسخ خوش، مصحح، دارای سماع و بلاغ، با حواشی آقای حسین خوانساری، مولی محمد باقر مجلسی، و دیگران.

اجازه مرحوم علامه محمد باقر مجلسی به شیخ نظام الدین محمد بسطامی در سوم رجب ۱۰۹۵ دارد. بر اساس برگ ۲۰۶، این نسخه با نسخه ملا محمد تقی مجلسی (که از اصل کتابت شده) مقابله گردیده، و این مقابله در سال ۱۰۹۱ در مدرسه مولانا عبدالله رحمة الله توسط نظام الدین احمد (محمد) صورت گرفته است.

۴۴۲ برگ، ۲۳ سطر.

فهرست گوهر شاد ۱/۳۸ - ۳۹.

۱۴۰ (۱۸ ذی القعدة ۱۰۷۷ - طهارت تا حج - مجلس ۵۰۲۶ - محمد حسین بن محب علی - با حواشی مفید فراوان، متن از روی نسخه ای استنساخ شده که مولی محمد تقی مجلسی در اختیار داشته و به خط شیخ حسین بن عبدالصمد بوده است.

فهرست مجلس ۱۴/۳۳۲.

۱۴۱ (شب یکشنبه ۲ جمادی الثانی ۱۰۷۸ - تجارت تا آخر - لس آنجلس

M 1100.

نشریه نسخه های خطی ۱۱ - ۱۲/۱۸۱.

۱۴۲ (سال ۱۰۷۹ - بخشی از کتاب - رضوی ۱۵۳۸۱ - محمد مؤمن بن

حسنعلی طبسی مقابله شده با نسخه حسین بن عبدالصمد عاملی.

۳۲۹ برگ، ۲۴ سطر.

فهرست الفبایی رضوی ۶۳۱/.

۱۴۳ (سال ۱۰۸۰ - طهارت تا صلوة - استادی (بی شماره) - سید عبدالله بن میر غلامعلی حسینی طالقانی - با حواشی حسین بن فتحعلی جراحی، و مقابله و تصحیح محمد یوسف بن برخوردار مازندرانی در ۱۱۰۱.
 ۳۰۵ برگ، ۲۳ سطر.
 یکصد و شصت نسخه خطی / ۱۲.

۱۴۴ (مقابله: دوشنبه ۸ محرم ۱۰۸۱ - طهارت تا مزار - فیضیه ۱۱۸ - حسن بن هلال حاجی - مقابله در ۱۰۸۱.
 ۴۲۹ - برگ، ۲۸ سطر.
 فهرست فیضیه ۵۶/۱.

۱۴۵ (سه شنبه ۸ ماه رمضان ۱۰۸۱ - حج تا آخر - مرعشی ۲۴۵۷ - حسین بن محمد بن مسلم بحرانی - با حواشی و علامت بلاغ و اجازه صالح بن عبدالکریم بحرانی برای کاتب در ۱۵ ربیع الثانی ۱۰۸۶.
 ۳۳۳ برگ، ۳۵ سطر.
 فهرست مرعشی ۵۳/۷.

۱۴۶ (سال ۱۰۸۳ - بخشی از کتاب، از جمله باب صیام - رشت ۱۲۴ ت - محمد علی بن یوسف گیلانی، با دو نسخه مقابله و تصحیح شده، اجازه انهاء علامه محمد باقر مجلسی به کاتب، و نیز شش اجازه روایتی علامه مجلسی به او، در تاریخ ۱۰۸۴ در نسخه هست.
 فهرست رشت و همدان / ۱۱۰۶.

۱۴۷ (۱۴۷ ذیقعدہ ۱۰۸۴ - نکاح تا آخر - دانشگاه تهران ۶۶۷۲ - احمد بن محمد بن زمان بروجردی - با حواشی علامه محمد باقر مجلسی و دیگران. ۲۵۹ برگ. فهرست دانشگاه ۱۶/۳۳۰.

۱۴۸ (۱۴۸ ذیحجه ۱۰۸۵ - ایمان و نذور تا آخر - رضوی ۱۹۷۳ - علی اصغر بن محمد شفیع سبزواری - تصحیح شده توسط ملا محمد علی مشهدی نزد علامه محمد باقر مجلسی و شیخ حر عاملی، با اجازه روایتی علامه مجلسی به مصحح در ربیع الثانی ۱۰۹۰ و اجازه محدث عاملی در اول شعبان ۱۰۹۲، همچنین اجازه دیگری از علامه مجلسی در تاریخ محرم ۱۰۹۸ به مصحح کتاب. ۲۲۷ برگ، ۲۱ سطر.

طبقات، قرن ۱۲/۵۵۲، فهرست رضوی ۵/۶۱، فهرست الفبایی رضوی ۱۵۳/۱، حجتی ۳/۶۳۸.

۱۴۹ (۱۴۹ سال ۱۰۸۶ - طهارت تا حج - تربیت تبریز ۱۲۹ - گل محمد بن ملاخان محمد گوکانی. فهرست تربیت تبریز / ۳۰ - ۳۲.

۱۵۰ (۱۵۰ ۴ صفر ۱۰۷۸ - طهارت تا مزار - مرعشی ۴۵۶۰ - حیدر بن بشاره خاقانی جزائری نجفی (طهارت تا صوم)، محمد بن عبدالرحمن (ابواب دیگر). آنهاء شیخ احمد جزائری و ابوالحسن شریف عاملی برای شیخ محمد علی بن بشاره خاقانی در سالهای ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳. ۳۵۳ برگ. فهرست مرعشی ۱۲/۱۳۶.

(۱۵۱) دهه اول رجب ۱۰۸۷ - تمام کتاب - سپهسالار ۵۲ - محمد جعفر بن حسین قهپایی (کوهپایه‌ای) - نسخه تصحیح شده و علامه محمد باقر مجلسی حواشی در آن نوشته است.
 ۶۷۱ برگ، ۳۱ سطر.
 فهرست سپهسالار ۵۳۱/۳.

(۱۵۲) سه شنبه ۹ ماه رمضان ۱۰۸۷ - صید و ذبایح تا آخر - استادی (بی شماره) - ابو محمد جمال الدین الموعو بعدالله:
 با حواشی محمد جعفر عفی عنه، و علامه محمد باقر مجلسی و دیگران. و یادداشتی در آخر کتاب الوقوف، که اجازه شیخ طوسی را به فرزندش حسن بن محمد در سال ۴۴۷ نشان می‌دهد.
 ۱۰۹ برگ، ۳۰ سطر.
 یکصد و شصت نسخه خطی / ۱۲.

(۱۵۳) ۱۵ شوال ۱۰۸۷ - حج تا آخر - رضوی ۱۹۷۰ - فخرالدین احمد بن سلطان محمد - تصحیح و مقابله شده.
 ۴۹۹ برگ ۲۸ سطر.
 فهرست رضوی ۶۱/۵، حجتی ۶۳۸/۳.

(۱۵۴) ذیقعدۀ ۱۰۸۸ - نکاح تا دیات - فیضیه ۷۱۱ - کاتب، نسخه را برای محمد محسن بن میر اسماعیل علوی خادم ثامن الائمه علیهم السلام، ظاهراً از روی نسخه حسین بن عبدالصمد عاملی نوشته، و حواشی فراوان دارد.
 ۳۵۷ برگ، ۲۴ سطر.
 فهرست فیضیه ۵۹/۱.

(۱۵۵) سال ۱۰۸۸ - طهارت تا مزار - سپهسالار ۲۴۳۰ - عبدالواحد بن محمد امین شیرازی - تصحیح و مقابله شده، با رموز احادیث (صحیح، حسن، مقبول، ...) در حاشیه صفحات.
 ۳۵۸ صفحه، ۳۱ سطر.
 فهرست سپهسالار ۱/۲۳۹/۳/۵۳۳.

(۱۵۶) ۵ محرم ۱۰۸۹ - جلد اول و دوم - مرعشی ۵۹۷۸ - عبدالخالق بن محمد شفیع قاننی - تصحیح در حواشی، گویا به خط علامه محمد باقر مجلسی، که کار حاشیه نویسی در اول ماه رجب ۱۰۹۸ پایان یافته، با تملکهای ۱۱۸۲ و ۱۲۳۱.

۲۴۱ برگ، ۲۰ سطر.
 فهرست مرعشی ۱۵/۳۵۵.

(۱۵۷) اجازه: ربیع الثانی ۱۰۸۹ - جزء اول - مرعشی ۳۵۹۱ - با بلاغ و حواشی و انهاء موسی حسینی خادم آستانه مقدس رضوی جهت شاگردش محمد بن محمد هادی حسینی مشهدی در آخر ربیع الثانی ۱۰۸۹.
 ۱۰۷ برگ، ۲۶ سطر.
 فهرست مرعشی ۹/۳۷۴.

(۱۵۸) تصحیح: ۱۵ شعبان ۱۰۹۱ و ۱۰۹۲ - طهارت تا صلوة و زکات تا جهاد - رضوی ۲۰۳۲ و ۱۷۰۵۲ - با تصحیح ملا محمد فاضل بن محمد مهدی مشهدی در ۱۵ شعبان ۱۰۹۱ و حسن بن علی نامی در دوشنبه ۲۵ ذیقعدة ۱۱۷۹، این نسخه قبلاً در مدرسه سبزواری بوده، که علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی از آن یاد کرده است.
 ۳۵۲ + ۳۱۳ برگ، ۲۱ سطر.

فهرست رضوی ۵۷/۵-۵۸، حجتی ۶۳۹/۳، طبقات قرن ۱۲/۵۷۵.
توضیح: نسخه ۱۷۰۵۲ هنوز در فهرست معرفی نشده و مشخصات آن بر
اساس رویت اصل نسخه گزارش شده است.

۱۵۹ (۵ صفر ۱۰۹۱ - زکات تا آخر - سنا ۱۳۰۴۵ - شیر علی بن ذوالفقار
علی اصفهانی - محشی، با اجازه و انهاء علامه محمد باقر مجلسی به محمود
طبسی در شوال ۱۰۹۷.
۵۰۰ برگ، ۲۵ سطر.
این نسخه ظاهراً مکمل بخش دیگر کتاب است که به شماره ۲۰۳ می آید.
فهرست سنا ۱/۲۵۶.

۱۶۰ (۱۶۰ چهارشنبه ۴ رجب ۱۰۹۱ - طهارت و صلوة - رضوی ۱۹۶۳ - نسخه
مصحح و مقابله شده با نسخه شیخ بهایی که از روی نسخه اصل مقابله شده.
۵۰۰ برگ، ۱۹ سطر.
فهرست رضوی ۵۷/۵، حجتی ۶۳۹/۳.

۱۶۱ (۱۶۱ دهه سوم صفر ۱۰۹۲ - طهارت و صلوة، و زکات تا مزار - مرعشی ۳۱۲ و
۲۹۹ - عین العارفین حسینی عاشوری قمی - محشی، مصحح، بلاغ به خط علامه
محمد باقر مجلسی، با چند اجازه از مجلسی برای کاتب در ۱۰۹۱ تا ۱۰۹۳.
۲۴۵ + ۲۷۶ برگ.
فهرست مرعشی ۱/۳۵۳ و ۲۵۵.

(۱۶۲) تملک ۱۰۹۳ - تمام کتاب - سالار جنگ 17 & 18 - H. L. - تصحیح شده توسط علامه محمد باقر مجلسی با مهر تملک ۱۰۹۳ - ۱۱۰۲.
 ۵۳۷ + ۳۸۶ صفحه، ۲۳ سطر.
 فهرست سالار جنگ ۳۷/۴.

(۱۶۳) سال ۱۰۹۰ تا ۱۰۹۳ - دیون تا آخر - مجلس، مجموعه امام جمعه خویی ۵۸ - سید محمد بن صالح بن سعید حسینی، مدرسه التفاتیة قزوین - مشیخه را در ۱۰۹۳ و دیگر ابواب را در ۱۰۹۹ با نسخه مولی محمد باقر (مجلسی؟) مقابله کرده، و نشان بلاغ مجلسی هست. حواشی از کتب لغت و رجال و غیره نیز دارد.
 ۸۳۴ صفحه، ۲۵ سطر.
 فهرست مجلس ۵۷/۷.

(۱۶۴) سال ۱۰۹۲ - ۱۰۹۳ - زکات تا مزار - مرعی ۶۴۶۳ - بلاغ به خط علامه محمد باقر مجلسی در آخر کتاب الحج.
 ۲۲۹ برگ، ۱۹ سطر.
 فهرست مرعی ۶۱/۱۷.

(۱۶۵) ۵ شنبه ۱۷ ربیع الثانی ۱۰۹۴ (نیمه اول) و ۱۰۹۹ (نیمه دوم) - تمام کتاب - ادبیات تهران ۳ و حسینیہ شوشریهای نجف ۸۲۷ - جمشید بن محمد زمان کسگری گیلانی، مدرسه سلیمانیه اصفهان - کاتب، کتاب را نزد علامه محمد باقر مجلسی خوانده، و اجازه مجلسی برای وی به تاریخ ۱۴ جمادی الاول ۱۰۹۶ در پایان نیمه دوم کتاب موجود است.

ظاهراً این همان نسخه است که شیخ آقا بزرگ تهرانی نزد شیخ عبدالحسین تهرانی در کربلا دیده و توصیف کرده است.

طبقات اعلام الشیعه قرن ۱۲/۲۱ و ۱۴۹، فهرست ادبیات تهران / ۱۴۰،
نشریه نسخه‌های خطی ۱۱-۱۲/۷۹۵.

(۱۶۶) مقابله ۱۰۹۴- حج و مزار- فیضیه ۲۳۵- در مجلس علامه مجلسی مقابله و تصحیح شده، و مجلسی یادداشت آنها را برای امیر محمد مازندرانی در ذی حجه ۱۰۹۴ نوشته است.

فهرست فیضیه ۱/۵۶-۵۷.

(۱۶۷) پنجشنبه ۱۸ ربیع الاول ۱۰۹۴- آغاز تا صیام- حقوق تهران ۸۷ ب- محمد مهدی- اجازه روایتی شیخ حر عاملی به محمد مؤمن بن حاجی محمد شریف مشهدی در جمادی الاول ۱۰۹۴ و نیز اجازه قرائت محدث عاملی به تاریخ ۱۲ جمادی الثانی ۱۰۹۲ در نسخه موجود است.

۲۸۶ برگ، ۲۷ سطر.

فهرست حقوق تهران / ۳۰۹-۳۱۰.

(۱۶۸) جمادی الاول ۱۰۹۴- آغاز تا جهاد- مدرسه سلیمان خان مشهد ۱۸- محمد رفیع بن محمد حسین تونی- مقابله شده با نسخه احمد بن محمد تونی، که آن نیز با نسخه حسین بن عبدالصمد عاملی مقابله شده بود، و نسخه عاملی از روی نسخه کهن نوشته شده بود که خط علامه حلی بر آن بود.

فهرست چهار کتابخانه مشهد / ۸، طبقات قرن ۱۲/۲۸۰.

۱۶۹) تملک و قرائت ۱۰۹۵ - بخشی از کتاب - کتابخانه سید محمد صادق بحرالعلوم، نجف - با چهار اجازه نامه علامه محمد باقر مجلسی به مولی محمود بن مقیم طبسی در ۱۰۹۵ و ۱۰۹۶.
نسخه را شیخ آقا بزرگ تهرانی دیده است.
طبقات، قرن ۱۲/۷۱۳ - ۷۱۴.

۱۷۰) اجازه ۱۰۹۶ - دیون تا عتق - رضوی ۱۹۷۲ - ملا محمد علی مشهدی این نسخه را نزد علامه محمد باقر مجلسی تصحیح و مقابله کرده و حواشی مجلسی بر این نسخه موجود است. همچنین دو اجازه نامه روایتی مجلسی به مصحح - که از شاگردان او بوده - اولی به تاریخ ۱۴ جمادی الاول ۱۰۹۶ و دومی بدون تاریخ در نسخه هست.
۲۸۱ برگ، ۲۱ سطر.
فهرست رضوی ۶۲/۵، حجتی ۶۴۱/۳.

۱۷۱) سال ۱۰۹۳ تا ۱۰۹۷ - مکاسب تا دیات - مدرسه رضویه قم ۵۰ - ابوالفتوح محمد مقیم بن ابی البقاء اصفهانی (مشهور به قاضی) - نسخه در خدمت فاضل استرآبادی مقابله شده است.
۵۰۳ برگ، ۲۰ سطر.
آشنایی با چند نسخه خطی ۱۳/۱.

۱۷۲) سال ۱۰۹۷ - تمام کتاب - عبدالله بن کرم الله حویزاوی - کاتب، از سید عبدالله حویزاوی و مولی ابوالحسن فتونی شریف عاملی اجازه داشته است. متن این اجازه نامه در آخر نسخه‌ای که شیخ آقا بزرگ تهرانی دیده و گزارش کرده موجود است.
طبقات، ۱۲/۴۶۰ و ۱۷۴، الذریعه ۱۱/۱۳.

۱۷۳) قرائت ۱۰۹۷ - احتمالاً تمام کتاب - کتابخانه سید ابوالقاسم اصفهانی، نجف - اجازه علامه مجلسی به علی خان گلپایگانی در پایان این نسخه آمده که بر اساس آن، این نسخه در چندین مجلس بر مرحوم مجلسی قرائت شده و در جمادی الاول ۱۰۹۷ به اتمام رسیده است.

در مورد این نسخه و این اجازه بنگرید:

الذریعه ۱ / رقم ۷۳۸، ۴ / رقم ۲۲۶۳.

طبقات قرن ۱۲ / ۵۵۰.

۱۷۴) دوشنبه ۲۴ ربیع الثانی ۱۰۹۸ - بخشی از کتاب - مرعشی ۸۶۴۷ - کتیمیر بن ابراهیم حسنی لاریجانی، شهر ری - این نسخه قبلاً در کتابخانه شیخ فضل الله نوری بوده است.

۳۳۱ برگ، ۲۳ سطر.

فهرست مرعشی ۲۲ / ۲۰۶ - ۲۰۷.

۱۷۵) آخر جمادی الثانی ۱۰۹۹ - آغاز تا حج - مجلس، مجموعه امام جمعه خونی، ۴۷ - محمد کاظم بن محمد معلم شه میرزادی - اجازه علامه مجلسی به ابوالبقاء در ماه ربیع الاول ۱۰۷۴ در آخر نسخه موجود است.

۶۸۷ صفحه، ۲۹ سطر.

فهرست مجلس ۷ / ۲۹۱.

۱۷۶) سال ۱۰۹۹ - طهارت تا مزار - حسینیه شوشتریها، نجف ۷۵۵ - حسن بن عبدالعلی محاوایی نجفی، نجف - با اجازه و بلاغ از علامه محمد باقر مجلسی نشریه نسخه های خطی ۱۱ - ۱۲ / ۷۹۵، طبقات قرن ۱۲ / ۱۸۱.

- (۱۷۷) سال ۱۰۹۹ - تمام کتاب - مدرسه آخوند همدان ۸۷۷۰ و ۹۱۵۹ -
محمد بن حسن بن حافظ - نسخ خوش.
فهرست مدرسه آخوند همدان / ۸۲، فهرست رشت و همدان / ۱۰۳۱.
- (۱۷۸) قرن ۱۱ - مزار تانکاح - ملی تهران ۶۹۴ع - با حواشی ملا محمد تقی مجلسی.
۲۲۷ برگ، ۲۵ سطر.
فهرست ملی تهران ۱۵۸/۸ - ۱۵۹.
- (۱۷۹) قرن ۱۱ - جلد اول - دانشگاه تهران ۶۷۴۹ - با تملک محمد باقر بن
محمد شفیع سبزواری در ۱۱۵۸.
۱۱۱ برگ، ۱۸ سطر.
فهرست دانشگاه تهران ۳۵۳/۱۶.
- (۱۸۰) قرن ۱۱ - جهاد تانکاح - دانشگاه تهران ۱۸۶۷ - با حواشی مولی
اسماعیل خواجهویی مازندرانی، بلاغ قرانت علامه محمد باقر مجلسی، و
نشانه‌های بررسی رجالی احادیث در حاشیه.
۲۶۳ برگ، ۱۹ سطر.
فهرست دانشگاه تهران ۴۷۴/۸.
- (۱۸۱) قرن ۱۱ - طهارت تا مزار - دانشگاه تهران ۲۷۶۰ - با تملک محمد
صفی موسوی حسینی در ۱۱۵۳.
۴۷۹ برگ، ۲۹ سطر.
فهرست دانشگاه تهران ۴۷۴/۸.

۱۸۲) قرن ۱۱ - دیون تا طلاق - مَلّی تهران ۲۴۰۶ ع - توضیح لغات متن از صحاح و قاموس و مجمع‌البحرین، توضیح عبارات از شرح شرایع و شرح لمعه و دروس و تحریر و مسالک و نهایه، حواشی ملا محمد تقی مجلسی، علامه محمد باقر مجلسی و دیگران.

۲۲۶ برگ، ۲۰ سطر.

فهرست مَلّی ۱۸۸/۱۲ - ۱۸۹.

۱۸۳) قرن ۱۱ - طهارت و صلوة - رضا رامپور MK. 855 - محمد بن اسدالله - اجازه سید نعمت الله جزائری به بهاء‌الدین محمد جزائری در تاریخ ۱۴ جمادی الثانی ۱۱۰۳ را دارد.

۲۴۸ برگ، ۲۵ سطر.

فهرست رضا رامپور / ۶۱۸.

۱۸۴) قرن ۱۱ - طهارت تا تجارت - مرعشی ۳۵۶۱ - کتابت از روی نسخه شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی که با نسخه شیخ طوسی مقابله شده بود، با انهاء احمد بن محمد تونی در ۱۰۷۳.

۶۷۸ برگ، ۲۵ سطر.

فهرست مرعشی، ۳۵۰/۹.

۱۸۵) قرن ۱۱ - اوایل طهارت - مدرسه سلیمان خان مشهد ۷۲ - با حواشی لغوی و بررسی احادیث در حاشیه صفحات، با رمز صح، ق، کصح.

فهرست چهار کتابخانه مشهد / ۸.

۱۸۶ (قرن ۱۱ - صید تا وصیت - حقوق تهران ۹۴ ب - عبدالمجید بن مظفرین حسن بن محمد بحرانی، مکه - با تملک چند تن از علماء بحرین و حواشی مختلف.

۱۶۰ برگ، ۲۱ سطر.

فهرست حقوق تهران / ۳۱۰.

۱۸۷ (قرن ۱۱ - بخشی از کتاب - ادبیات تهران ۴۹۰ - تملک ۱۱۴۱ دارد - قرائت حسین بن محمد بن عبد النبی بحرانی بر استادش محمد ماحوزی بحرانی و اجازة استاد به او در ذی حجه ۱۱۴۲.

فهرست ادبیات تهران / ۸۱.

۱۸۸ (قرن ۱۱ - زکات تا امر به معروف - رضوی ۱۱۳۲۲ - بلاغ‌هایی به خط شیخ بهایی و حواشی از نهاییه و تعلیقات دیگر دارد.

۳۰۷ برگ، ۲۲ سطر.

فهرست الفبایی رضوی / ۱۵۳.

۱۸۹ (قرن ۱۱ - بخشی از کتاب - رضوی ۱۳۸۰۷ - با وقفنامه علاء الملک به خط مولی محمد تقی مجلسی در صفحه اول.

۲۷۰ برگ.

فهرست الفبایی رضوی / ۱۵۳.

۱۹۰ (قرن ۱۱ - بخشی از کتاب - رضوی ۱۳۸۰۸ - وقف محمد مؤمن

سبزواری در ۱۰۸۸.

۲۹۲ برگ.

فهرست الفبایی رضوی / ۱۵۳.

۱۹۱) قرن ۱۱ - زکات تا مضاربه - عمومی اصفهان ۵۲۸۰ - با حواشی علامه محمد باقر مجلسی، نهایت، منتقى الجمان.

۶۸۰ صفحه، ۲۴ سطر.

فهرست عمومی اصفهان ۲۱۳/۱.

۱۹۲) قرن ۱۱ - نکاح تا دیات - مجلس ۴۵۲۴ - سید رفیع الدین محمد نائینی مقابله کرده و به محمود شیرازی در رجب ۱۰۷۸ اجازه داده است.

۴۳۶ برگ، ۲۵ سطر.

فهرست مجلس ۱۸۹/۱۲.

۱۹۳) قرن ۱۱ - نکاح تا دیات - مرعشی ۵۳۵ - انهاء علامه محمد باقر مجلسی به مولی محمد اردبیلی در ۴ جمادى الثانی ۱۰۷۵ را دارد.

۳۳۴ برگ، ۲۱ سطر.

فهرست مرعشی ۱۳۹/۲.

۱۹۴) قرن ۱۱ - طهارت و صلوة - الهیّات تهران ۳۱۹ ج - حواشی فراوان لغوی و غیر آن دارد.

۲۵۶ برگ، ۲۵ سطر.

فهرست الهیّات تهران ۴۹/۲ - ۵۰.

۱۹۵) قرن ۱۱ - ایمان و نذور تا دیات - رضوی ۴۷۲ - محمد علی مشهدی (ابو محمد ابن محمد شفیع) - کاتب، نسخه را بر علامه محمد باقر مجلسی و شیخ

حر عاملی خوانده و در سالهای ۱۰۹۰ و ۱۰۹۲ از آنها اجازه گرفته است.

علامه مجلسی در یادداشتی بر کتاب در محرم ۱۰۹۸ تصریح می‌کند که بسیاری از کتب حدیث بر او قرائت شده است. - این نسخه احتمالاً مکمل نسخه‌ای است که به شماره ۱۷۰ معرفی شد.
طبقات قرن ۱۲/۵۲۲، فهرست رضوی ۶۱/۵

۱۹۶ (قرن ۱۱ - بخشی از کتاب - در این نسخه به گواهی شیخ آقا بزرگ تهرانی - که آن را دیده - اجازه علامه مجلسی به ملا رجبعلی گیلانی در آخر باب النکاح به تاریخ ۱۰۸۴ موجود است.
طبقات قرن ۱۱/۲۱۵ - ۲۱۶، قرن ۱۲/۵۹.

۱۹۷ (قرن ۱۱ - بخشی از کتاب - شیخ آقا بزرگ تهرانی، اجازه علامه مجلسی را به شاگردش میر محمد حسینی به تاریخ ۱۰۹۲ بر این نسخه دیده است.
طبقات قرن ۱۲/۶۸۸.

۱۹۸ (قرن ۱۱ - مزار تا دیات - کتابخانه میرزا علی ثقة الاسلام، تبریز - این نسخه از روی نسخه مولی محمد تقی مجلسی نوشته شده است. نسخه مجلسی، با نسخه‌های خط شیخ حسین بن عبدالصمد. عاملی و مقدس اردبیلی و ملا عبدالله شوشتری مقابله شده بود. عاملی، نسخه خود را از روی نسخه اصل به خط شیخ طوسی نوشته، و بر استادش شهید ثانی خوانده است.
نشریه نسخه‌های خطی ۵۳۳/۷

۱۹۹۱) قرن ۱۱ - بخشی از کتاب - کتابخانهٔ حسین مفتاح کاشان، ۹۸ - مقابله شده با نسخهٔ اصل به خط شیخ طوسی.

نشریهٔ نسخه‌های خطی ۱۲۶/۷.

۲۰۰) حواشی ۱۱۰۰ - تمام کتاب - دانشگاه تهران ۶۳۵ تا ۶۳۸ - محمد زکی بن محمد شریف - محمد طاهر بن محمد زمان، نوشتن حواشی را در روز جمعه ۱۵ ذی حجه ۱۱۰۰ به پایان برده است. در سالهای ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰، توسط محمد حسین بن محمد جعفر مقابله شده است. حواشی از کتب فقهی، از مجلسی اول و ثانی و شیخ حسن و دیگران هست.

نسخه که در سال ۱۲۴۴ در تملک سید محمد باقر خوانساری (صاحب روضات الجنات) بوده است نسخه‌ای است بسیار نفیس و دقیق و قابل اعتماد.
۲۸۴ + ۲۱۷ + ۲۳۰ + ۱۹۴ برگ.

فهرست دانشگاه ۱۲۵۵/۵ - ۱۲۶۵، فهرست وارده شیروانی /۱۴۷.

۲۰۱) یکشنبه ۲۲ ماه رمضان ۱۱۰۰ - آغاز تا طهارت - گوهر شاد ۲۶۲ - محمد حسین بن یحیی مازندرانی نوری - بلاغ سماع به خط علامهٔ مجلسی و حواشی از مجلسی، فیض، آقا حسین خوانساری و تملک سید عبدالکریم بن محمد هادی مرعشی در ۱۱۶۱ دارد.
۱۲۳ برگ، ۲۳ سطر.

فهرست گوهر شاد ۲۲۹/۱، فهرست چهار کتابخانهٔ مشهد ۲۴۶.

۲۰۲) سال ۱۱۰۱ - تمام کتاب - پزشکی شیراز ۳۴۵ - تمام تهذیب به خط نسخ زیبا که بعضی از قسمتهای آن در نجف نوشته شده است.
میراث اسلامی ایران ۴۱۷/۱.

۲۰۳) ۸ جمادی الاول ۱۱۰۱ - طهارت و صلوة - رضوی ۱۹۶۲ - شیر علی بن ذوالفقار علی اصفهانی - ملا محمود بن غلامعلی طبسی این نسخه را خدمت علامه محمد باقر مجلسی خوانده و مجلسی برایش اجازه‌ای نوشته است. شرح حال طبسی به خط شیخ عباس قمی ذیل این اجازه مذکور است. در اوایل ربیع الاول ۱۱۰۹ تصحیح شده و معلق به حواشی است.

بخشی دیگر از این نسخه به شماره ۱۵۹ معرفی شد.
مرحوم آقا بزرگ تهرانی این نسخه را دیده و گزارشی از آن داده است.
طبقات قرن ۱۲/۷۱۳، فهرست رضوی ۵/۵۶، حجتی ۳/۶۴۳.

۲۰۴) ۲۶ رجب ۱۱۰۴ - صلوة - مرعشی ۳۷۹۵ - نور الله بن ابراهیم مازندرانی - با بلاغ علامه مجلسی و اجازه مفصل شیخ یوسف بحرانی به زین العابدین بن محمد کاظم در ۹ ربیع الثانی ۱۱۶۶، که نسخه را در کربلا برا و خوانده است.

۱۵۲ برگ، ۲۱ سطر.

فهرست مرعشی ۱۰/۱۷۸ - ۱۷۹، طبقات قرن ۱۲/۳۰۲.

۲۰۵) پنجشنبه ۸ ذی الحجه ۱۱۰۴ - زکات تا آخر - رضوی ۱۹۶۹ - جلال‌الدین محمد بن عمادالدین محمود لاهیجی، مدرسه نجفقلی بیگ ناظر، اصفهان - با حواشی علامه مجلسی و دیگران.

۲۷۸ برگ.

طبقات قرن ۱۲/۶۹۷، فهرست رضوی ۵/۵۹، حجتی ۳/۶۴۴، نشریه نسخه‌های خطی ۳/۴۶۰.

۲۰۶) سال ۱۱۰۸ و ۱۱۰۹ - جهاد تا آخر - الهیات مشهد ۸۵۲ - محمد بن یحیی سبزواری، عبدالواحد بن قاری - اجازه سید حسن بن ولی الله رضوی قاینی به شیخ محمد حسین در مشهد، در نسخه موجود است.

۳۹۳ برگ، ۲۷ سطر.

فهرست الهیات مشهد ۲۸/۲.

۲۰۷) ۱۱۱۲ و ۱۱۱۳ - تمام کتاب - رضوی ۱۹۶۰ (نیمه اول: طهارت تا حج) و مروی ۸۹ (نیمه دوم: مزار تا آخر) - محمد مبین بن محمد علی - با تصحیح و مقابله.

۴۰۹ + ... برگ.

فهرست رضوی ۵/۵، حجتی ۳/۶۴۵، فهرست الفبایی رضوی ۱۵۳/، فهرست مروی ۹۶/.

۲۰۸) سال ۱۱۰۹ و ۱۱۱۴ - تمام کتاب - رضوی ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ - ملاً محمد رضا بن محمد صالح قاینی بینا باجی - کاتب، نسخه را نزد ملاً محمد صادق نیشابوری مقابله و تصحیح کرده و نیشابوری در محرم ۱۱۱۵ به او اجازه داده است.

حواشی متفرقه و فهرست ابواب هم دارد.

فهرست رضوی ۵/۶۱ - ۶۲، حجتی ۳/۶۴۴ - ۶۴۵، فهرست الفبایی رضوی ۱۵۳/.

۲۰۹) ۲۲ جمادی الاولی ۱۱۱۶ - بخشی از کتاب - ملک ۱۸۹۹ - حسن بن سلمان عاملی، مشهد.

۴۹۳ برگ، ۲۱ سطر.

فهرست ملک ج ۱ (چاپ قدیم) ۱۸۳/، ج ۱ (چاپ جدید) ۱۳۵/.

(۲۱۰) سال ۱۱۱۶ - طهارت و صلوة - سهسالار ۲۴۲۷ - فاضل حسینی -
رموز احادیث در کنار صفحات نوشته شده است.
۴۳۲ صفحه، ۱۸ سطر.
فهرست سهسالار ۱/۲۴۲/۳، ۵۳۲.

(۲۱۱) محرم ۱۱۲۰ - بخشی از کتاب - کتابخانه میرزا حسن محمود آبادی
یزدی، یزد - محمد زکی بن محمد جعفر حسینی - با یادداشت محمد سامع بن
محمد نصیر یزدی در عید غدیر ۱۱۲۴، مقابله نزد مولانا عبدالحی در ۲۸ محرم
۱۱۲۷، و تملک رکنی در ۱۱۹۶.

نشریه نسخه‌های خطی ۴/۴۵۱.

(۲۱۲) سال ۱۱۲۴ - عتق تا آخر - سهسالار ۸۴۰۹ - تصحیح: بهاء‌الدین
محمد بن محمد باقر حسینی.
۲۳۹ برگ، ۲۰ سطر.
فهرست سهسالار ۳/۵۳۸.

(۲۱۳) حدود ۱۱۴۰ - طهارت تا حج - ریلاند، منچستر 186 - نسخه متعلق
به W. H. morely بوده و مهر او به تاریخ ژوئن ۱۸۵۰ بر کتاب موجود است.
فهرست نسخ عربی ریلاند / ۳۰۰ - ۳۰۱.

(۲۱۴) سال ۱۱۴۷ - (احتمالاً) تمام کتاب - کتابخانه حسین جندقی، کربلا -
میر محمد حسین اصفهانی، تهذیب را بر استادش خاتون آبادی خوانده و استاد،
برای وی اجازه‌ای نوشته که شیخ آقا بزرگ تهرانی نقل می‌کند.
طبقات قرن ۱۲/۱۸۴ - ۱۸۵.

- (۲۱۵) ۲۷ ذیقعدة ۱۱۷۴ - دیون تالغان - رضوی ۶۱۶۱ - با مقابله و تصحیح در ۱۱۷۴ و ۱۱۸۰.
- ۲۵۰ برگ، ۲۱ سطر.
- فهرست رضوی ۶۳/۵، حجتی ۶۴۶/۳.
- (۲۱۶) قرن ۱۲ - طهارت تا خمس - الهیات مشهد ۱۷۳۱ - مصحح و معلق به حواشی آقا حسین خوانساری.
- ۳۵۱ برگ، ۲۱ سطر.
- فهرست الهیات مشهد / ۱۲۲.
- (۲۱۷) قرن ۱۲ - طهارت تا زکات - حسینیه شوشتریها، نجف، ۸۳۳ - اجازه ملامحمد صادق نیشابوری به ملا محمد شوشتری در ۱۱۱۰، که در آن، شیخ بهایی و میرزا محمد استرآبادی را در ضمن مشایخ خود نام می‌برد.
- نشریه نسخه‌های خطی ۱۱ - ۷۹۵/۱۲، طبقات قرن ۱۲ / ۶۷۶.
- (۲۱۸) قرن ۱۲ - طهارت تا زکات، دیون تا دیات - گلپایگانی ۱۷۳۴ - تصحیح شده با نسخه‌های معتمد متعدد، از جمله:
- نسخه مولانا محمد تقی، نسخه‌ای که با نسخه شهید ثانی مقابله شده، نسخه‌ای که با نسخه مولی محمد امین استرآبادی مقابله شده است.
- فهرست گلپایگانی ۳۳/۳.
- (۲۱۹) قرن ۱۲ - صلوة - دانشگاه تهران ۹۹۷۶ - با نشانه قبال و حواشی و اجازه ناصر به محمد بن شیخ حسین بن محمد بحرانی در ۱۱۳۱.
- ۲۹۱ برگ، ۲۴ سطر.
- فهرست دانشگاه تهران ۵۱۹/۱۷.

۲۲۰) تمام کتاب - ابوطالب بن عبدالله بن علی گیلانی اصفهانی - وی بین ۱۰۵۸ تا ۱۱۲۷ می‌زیست. و به نوشته آقا بزرگ تهرانی، شاگرد شیخ الاسلام گیلان و آقا حسین خوانساری در اصفهان بود. وی، مهارتی عجیب در تمام فنون داشت، ولی مباحث نمی‌کرده، و اهل عزلت بود. به جز تهذیب، کتابهای دیگری به خط خودش نوشته، و در کتابخانه‌اش که بیش از پنج هزار جلد کتاب داشت، بر اکثر کتابها حاشیه زده بود.

طبقات قرن ۱۲/۳۹۳ - ۳۹۴.

۲۲۱) قرن ۱۲ - بخشی از کتاب - کتابخانه شیخ عباس قمی - اجازه شیخ حر عاملی به عبدالصمد بن عبدالقادر بحرینی در آخر کتاب الحج آمده است. وی در این اجازه به سه تن از مشایخ خود اشاره می‌کند: حسین بن حسن بن ظهیر الدین عاملی، زین الدین محمد سبط، علی بن محمود (دانی پدرش).

طبقات قرن ۱۲/۶۵۶ - ۶۵۷.

۲۲۲) قرن ۱۲ - بخشی از کتاب - کتابخانه سید نصر الله تقوی، تهران - کلب علی اصطهباناتی این نسخه را برای استادش سید عزیز بن مطلب جزائری خوانده و استاد بر این مطلب گواهی داده است.

پیشتر، از نسخه‌ای سخن گفتیم که سید عزیز الله جزائری در ۲۶ ربیع الثانی ۱۰۷۳ بر استاد خود عبدالله بن محمد عاملی خوانده است. (شماره ۱۳۱ همین فهرست)

طبقات قرن ۱۲/۶۱۶.

۲۲۳) قرن ۱۲ - بخشی از کتاب - علامه مجلسی در این نسخه به محمد کاظم خراسانی شاگرد خود اجازه مبسوطی داده است.

طبقات قرن ۱۲/۶۰۹.

(۲۲۴) سال ۱۲۸۲ - طهارت - گلپایگانی ۲۰۹۵ - با حواشی و مقابله -
فهرست گلپایگانی ۱۶۰/۳.

(۲۲۵) قرن ۱۱ - بخشی از کتاب - رضوی، ضمیمه ۹۵۳۹.
حدود ۱۵۴ برگ از مجموعه یاد شده، بخشی از تهذیب است که در حواشی آن،
بعضی از کلمات کتاب معنا شده، و توضیحات از کتب فقهی و حدیثی آمده
است، از جمله توضیحات علامه محمد باقر مجلسی که در زمان حیات او نوشته
شده است.

فهرست الفبایی رضوی ۱۵۳/.

(۲۲۶) وقف ۱۲۵۴ - تمام کتاب - رضوی ۱۱۱۸۰ - وقف شده توسط یعقوب
بن مقیم بار فروشی مازندرانی به اولاد خود با شرایطی که در وقفنامه نوشته
است. آنگاه شیخ محمد صالح علامه حائری نسخه را به کتابخانه حضرت
رضا صلوات الله علیه اهداء کرده است.

فهرست الفبایی رضوی ۱۵۳/.

(۲۲۷) قرن ۱۱ - جهاد تا آخر - مدرسه سلیمان خان مشهد - نسخ خوش
حواشی مختلف، و قرائت ملا لطف الله نرد ملا احمد بن محمد تونی، و اجازه
روایتی تونی به وی در همین نسخه.

فهرست چهار کتابخانه مشهد ۸/.

(۲۲۸) قرن ۱۱ - دیون تا طلاق - ملی تهران ۲۴۰۶ ع.
با توضیح لغات و شرح احادیث و حواشی با امضاءهای مختلف، از جمله
حواشی علامه محمد باقر مجلسی که در زمان حیات او نوشته شده است.

فهرست ملی ۱۸۸/۱۲.

(۲۲۹) زمان مجهول - آغاز تا صیام - مرعشی ۲۷۴ - ابوالفوارس بن نصر الله موصلی - با تصحیح در حاشیه و تملک ۱۲۸۷ و جز آن - نسخه برای کتابخانه امیراجل سید رکن الدین مفرج بن علی بن حمادی نوشته شده است.
 ۳۹۹ برگ، ۲۹ سطر.
 فهرست مرعشی ۳۰۳/۱

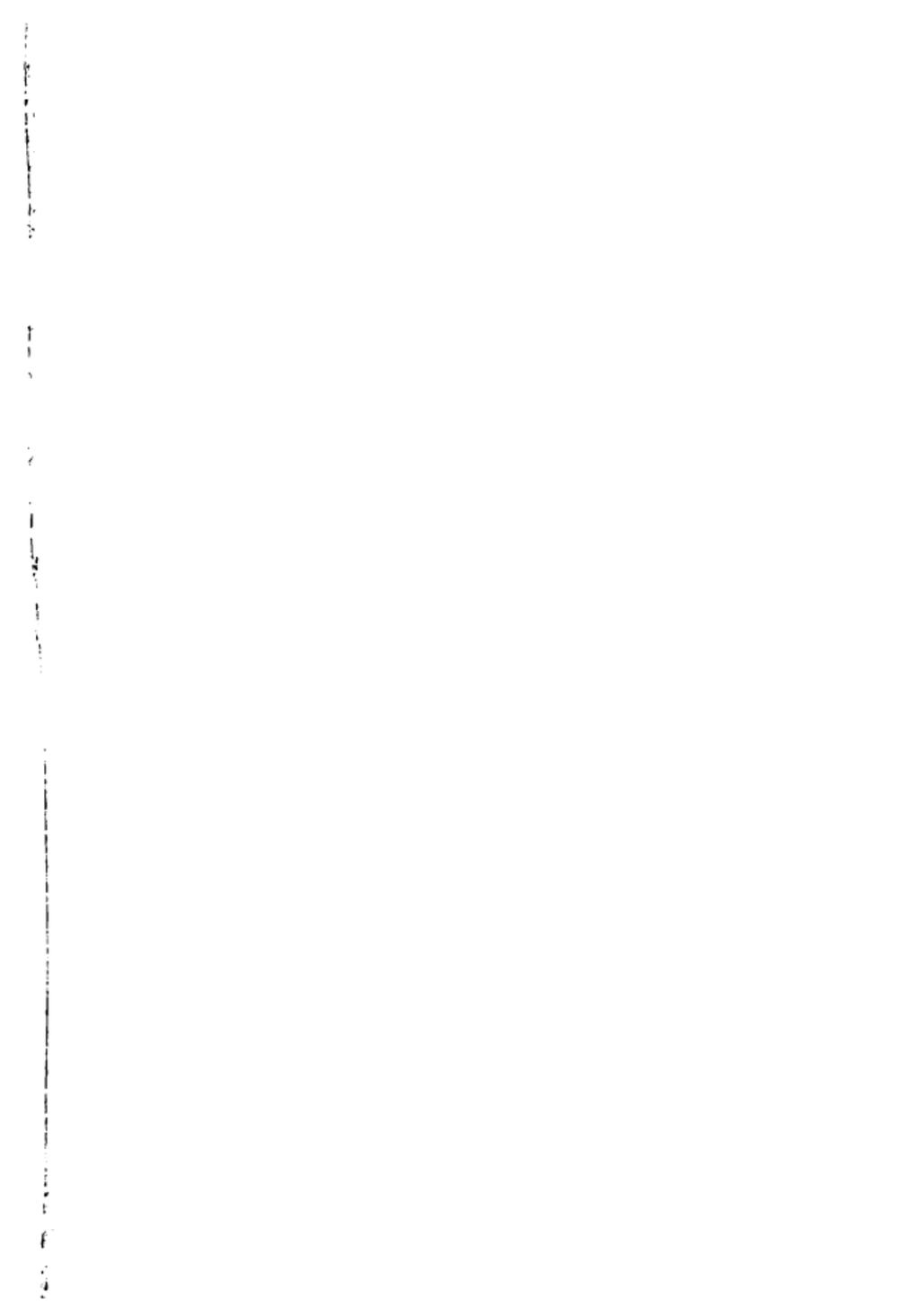
(۲۳۰) احتمالاً قرن ۱۱ - آغاز تا حج - مرعشی ۴۵۹۸ - با تصحیح در حاشیه و تملک ملاصدرا و سید محمد هاشم بن محمد عضدی و نظامعلی.
 ۲۷۷ برگ.
 فهرست مرعشی ۱۶۶/۱۲ - ۱۶۷.

(۲۳۱) قرن ۱۱ - (احتمالاً) تمام کتاب - کتابخانه چستریتی، لندن ۳۸۹۳.
 ۵۷۷ برگ
 فهرست عربی چستریتی ۵۰/۴.

(۲۳۲) زمان مجهول - تمام کتاب - کتابخانه محدث جلیل حاج میرزا حسین نوری - بسیار خوش خط - مذهب - مصحح - ممتاز - با فهرست محدث نوری، این نسخه را در مستدرک الوسائل به تفصیل وصف کرده، و در رساله فهرست کتب کتابخانه خود نیز به آن اشاره مختصری دارد.
 مستدرک الوسائل (چاپ قدیم) ۷۵۶/۳،
 آشنایی با چند نسخه خطی ۱۳۶/۱.

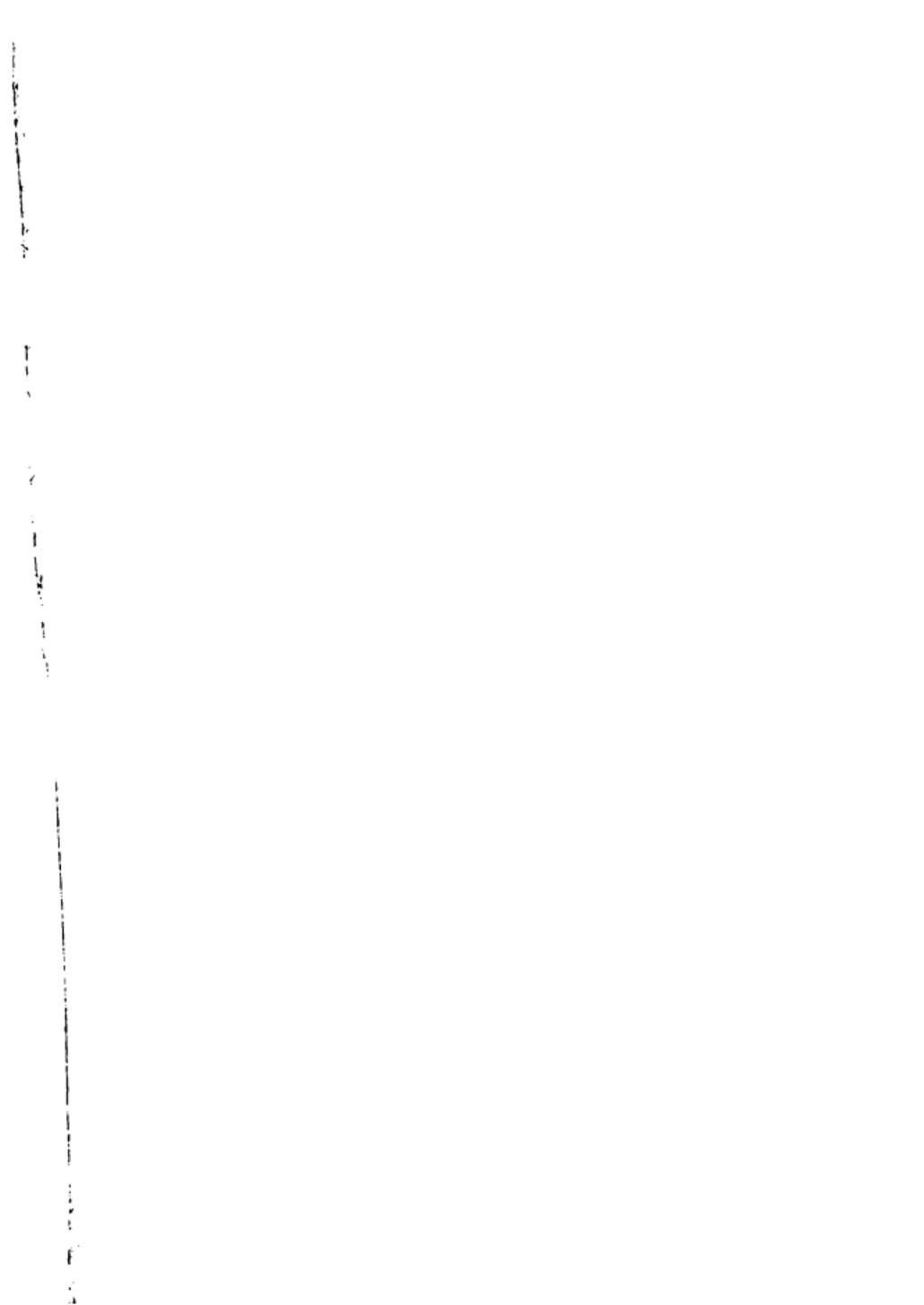
۲۳۳) سال ۱۱۲۸ - آغاز تا جهاد - کتابخانه مرحوم آیت الله شیخ محمد علی معزی، دزفول - حیدر علی بن محمد کرشکی، در منزل کربلایی محمد صالح، در دارالسلطنه هرات - با وقفنامه احمد بن غلامعلی در سال ۱۲۳۱، که تولیت وقف را به عهده شیخ محمد تقی نجفی گذاشته است.

فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرحوم آیت الله معزی، تألیف عبدالحسین طالعی.



فصل هفتم

کتابشناسی تهذیب



کتاب «تهذیب الاحکام»، در طول نزدیک به هزار سال، مشعل فروزان فقاقت بوده و چونان شمعی فروزان پروانه‌های علم حدیث و اخبار اهل بیت عصمت علیهم‌السلام را برگرد خود کشانده است. نسخه‌های بازمانده از تهذیب - که در فرصتی کوتاه و بدون امکانات ضروری، امکان شناسایی بیش از پانصد نسخه آن دست داد، و نیمی از آن در فصل قبل معرفی شد - نشان می‌دهد که در طول سده‌های دراز، چه خون دلها که نخوردند و چه خونها که در این راه نریختند، تا این کتاب بماند و کتابهای دیگر نیز بماند، که حامل علوم نورانی خاندان نور باشد.

باری از رهگذر این همه بحث و درس، تحقیقات فراوانی درباره کتاب «تهذیب» یا بخشها یا احادیث مختلف آن انجام شد که بخش اندکی از آن به قید کتابت درآمد، و در لابلای کتب فقهی و حدیثی گسترده شد. و از آن میان، کتابها و رسائل مستقلی نیز پدید آمد، که در گذار زمان، نام آنها - و گاه متن آنها - برای ما به یادگار ماند. در مجالی کوتاه که برای یافتن نسخه‌های تهذیب دست داد، امکان تهیه فهرست حاضر نیز فراهم آمد. و در آن از کتب مفصل (مقصود الانام در ۱۲ جلد) تا رساله‌های کوتاه، از کتب مستقل (مانند شروح و حاشیه‌های تهذیب) تا کتب غیر مستقل (کتب مربوط به کتابهای چهارگانه)، از کتب مطبوع

(مانند ملاذ الاخيار، حجة الاسلام و جز آن) تا مخطوط (مانند غاية المرام) یاد شد. در مورد هر کتاب - از جنبه کتاب شناسی، نسخه شناسی، شرح حال مؤلف و جز آن - مطالبی فراوان بود که تدوین آن به فرصتهای دیگر موکول شد. و امید است در آینده نزدیک انجام گیرد.

و اینک، مشخصات حدود ۹۰ کتاب و رساله پیرامون تهذیب، به ترتیب الفبایی عنوان، بیان می‌گردد.

۱) اجوبة المسائل

* درباره حدیث‌های شیخ طوسی در زیادات تهذیب

* نسخه خطی ملک ۷۴۲/۲۱

۲) احیاء الاحادیث

مولی محمد تقی بن مقصود علی مجلسی (م ۱۰۷۰) - تألیف: ۱۰۶۶ - ۱۰۶۷

* مؤلف، در یکی از اجازاتش به این کتاب تصریح می‌کند.

فرزندش علامه محمدباقر مجلسی در اجازه به امیر ابی‌الحسن استرآبادی، «شرح التهذیب» را در شمار تألیفات پدرش ذکر می‌کند. اردبیلی نیز در «جامع الرواة» می‌گوید: «این کتاب شرح قسمتی از تهذیب است.»

* نسخه خطی مرعشی ۴۶۰۲، که اواخر نسخه به خط مؤلف است. (فهرست مرعشی ۱۶۹/۱۲)

* مأخذ: کشف الحجب و الاستار / ۳۲۹: ۱۸۰۰

الذریعه ۱۵۹۶: ۳۰۷/۱

الذریعه ۱۵۶/۱۳

مرآة الكتب ۱۳/۲ و ۱۶۵

اجازات الحدیث ۲۴۷

فهرست مشاهیر ۴۳۴/۲

۳) رساله فی اسانید التهذیب و بیان احتمالاتها و ما يتعلق بها

تألیف شیخ فخرالدین طریحی نجفی، معاصر شیخ حرّ، که در فهرست تصانیف او مذکور است.

* مأخذ: ذریعه ۶۴/۱۱

۴) الاعلام الهادیه الرفیعة باعتبار الكتب الاربعه

علی نمازی شاهرودی

* در اثبات اعتبار کتب اربعه، از جمله تهذیب. شرح حال مؤلف در مقدمه مستدرک سفینه البحار ۵/۱-۲۳ (از جمله توضیح در مورد کتاب یاد شده، ص ۱۶-۱۳) آمده است.

* چاپ مشهد

۵) انتخاب الجید من تنبیهات السید

شیخ حسن بن محمد دمستانی بحرانی (م ۱۱۸۱)

* تلخیص و تنقیح کتاب «تنبیه الاریب» سید هاشم بحرانی در بررسی و توضیح اسانید و رجال تهذیب، که این تلخیص در سال ۱۱۷۳ فراهم آمده است.

* نسخه‌ها:

- نسخه خطی کتابخانه شیخ علی کاشف الغطاء در نجف که عکس آن در اختیار علامه سید عبدالعزیز طباطبایی است.

- رضوی، ۱۷۴۴، تحریر ۱۳۴۰ (فهرست الفبایی رضوی / ۶۸)

- ملی، ۲۲۳ ع (فهرست ملی ۷/۱۹۰)

- مرعشی، ۱۷۹۹، ۴۹۸۶، ۷۵۳۵

- مرعشی، عکسی (فهرست عکسی مرعشی / ۱-۲۴۳-۲۴۴)

- دانشگاه تهران ۲/۹۹۵ و ۶۸۸۵
 (فهرست دانشگاه ۲/۶۸۹ و ظاهراً ناقص است)
 - ادبیات تهران ۸۰ ج (فهرست / ۳۴)
 - سید محمدعلی روضاتی (یادنامه شیخ طوسی ۳/۶۸۸ - ۶۸۹)
 * مأخذ: الذریعه ۲/۳۵۸:۱۴۴۵
 مصفی المقال / ۱۲۹

۶) البحور الزاخرة - در شرح تهذیب

- سید نعمة الله جزایری (م ۱۱۱۲)
 * مأخذ: مقدمه سید محمد علی قاضی طباطبایی بر انوار النعمانية
 الذریعه ۳/۵۰ - آقا بزرگ تهرانی می گوید: جزائری در اول شرح نهج البلاغه
 خود (الحواشی الضافية) از این کتاب نام برده است. و شاید این نام دیگر
 کتاب «مقصود الانام» (شرح مفصل تهذیب الاحکام) باشد.

۷) تجرید اسانید التهذیب

- سید حسین بن علی بروجردی (م ۱۳۸۱)
 * مرحوم آیه الله بروجردی، این کتاب را در سلسله «تجرید الاسانید» نگاشته و
 در آن اسانید چندین کتاب معتبر شیعه را مورد بحث و بررسی قرار داده است.
 دو چاپ از این کتاب موجود است:
 ۱ - به نام «تنقیح اسانید التهذیب»، به اهتمام میرزامهدی صادقی تبریزی. قم:
 مطبعة سیدالشهدا علیه السلام، ۱۴۱۱، ۶۹۱ ص.
 ۲ - به اهتمام حسن نوری همدانی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
 * مأخذ: مصفی المقال / ۱۴۸.

۸) تهذیب الاکمام

قاضی سیدنورالله بن شریف حسینی مرعشی شوشتری شهید (م ۱۰۱۹)
* مأخذ: ریاض العلماء ۵/۲۶۶.

کشف الحجب و الاستار / ۳۲۹: ۱۷۹۹

الذریعه ۴/۵۳: ۲۱۶

الذریعه ۱۳/۱۵۹

مرآة الکتب ۲/۱۴۱ و ۱۶۵

طبقات قرن ۱۱/۲۷۱ (وصف نسخه‌ای از آن به خط شیر احمد تونی)

فهرست مشاهیر ۲/۳۴۸

۹) ترتیب التهذیب

سید هاشم بن اسمعیل بحرانی توبلی (م ۱۱۰۷)

* تقسیم موضوعی احادیث کتاب تهذیب است، با تذکر دادن بعض اغلاط که در اسانید کتاب روی داده است. در سال ۱۳۹۱ به اهتمام مرحوم آیه‌الله مرعشی چاپ شده است.

مؤلف، همزمان با این کتاب، «تنبيه الاریب» و پس از آن، «شرح ترتیب التهذیب» را نوشته، که هر دو در محل خود ذکر شده‌اند.

* مأخذ: ریاض العلماء ۵/۲۹۹

زندگی‌نامه علامه بحرینی / ۱۳۸ - ۱۳۹

الذریعه ۴/۶۴ - ۶۵: ۲۷۰

چهل مقاله (استادی) / ۵۱۶ - ۵۲۲ (شرح حال مختصر و منابع ترجمه او)

طبقات - قرن ۱۲/۸۰۹ - ۸۱۱

دائرة المعارف تشیع ۴/۲۱۱.

۱۰) ترجمه تهذیب الاحکام

محمد یوسف بن محمد ابراهیم گورکانی

※ ترجمه فارسی تهذیب.

※ مأخذ: الذریعه ۴/۹۲:۴۱۵

فهرستواره فقه هزار و چهارصد ساله اسلامی / ۳۲.

طبقات قرن ۱۲/۶۹۴ (به نام محمد کاوگانی نام برده و سال ۱۰۷۳ را برای

آن ذکر کرده است).

۱۱) تصحیح اسانید التهذیب

مولی محمد بن علی اردبیلی (صاحب جامع الرواة - م ۱۱۰۱)

※ تمام این رساله را محدث نوری (م ۱۳۲۰) در خاتمه مستدرک الوسائل

۷۱۹/۳ - ۷۵۷ تحت عنوان «الفائده السادسة فی نبذ مِمَّا یتعلق بکتاب

التهذیب» همراه با حواشی از مؤلف با عنوان «قال رحمه الله» و تعلیقاتی از خود

به عنوان «قلت» آورده است.

صاحب ذریعه، آن را «تصحیح الاسانید» نامیده است.

مؤلف، منتخبی از رساله خود را فراهم آورده که تحت عنوان «منتخب تصحیح

اسانید التهذیب» یاد می شود.

※ مأخذ: مستدرک الوسائل ۳/۷۱۹ - ۷۵۷ چاپ سنگی قدیم.

الذریعه ۴/۱۹۳:۹۶۰.

دائرة المعارف تشیع ۴/۴۰۲ - ۴۰۳

۱۲) تنبیه الاریب و تذکرة اللیب فی ایضاح رجال التهذیب

سیدهاشم بن سلیمان بحرانی توبلی (م ۱۱۰۷)

※ کتابی مبسوط در شرح اسانید تهذیب و بیان احوال رجال آن است. که مؤلف همزمان با تألیف «ترتیب التهذیب» نوشته است.

این کتاب، به تنقیح نیاز داشته، و لذا شیخ حسن دمستانی منتخبی منقح از آن به نام «انتخاب الجید من تنبیهات السید» فراهم آورده است.

※ نسخه‌ها

- رضوی ۷۵۲۲، ۷۵۲۳، ۷۵۲۴، ۱۳۱۵۱ (فهرست الفبایی رضوی / ۱۴۷)

- مجلس (فهرست مجلس ۳۰۵/۴)

※ مأخذ: زندگی‌نامه علامه بحرینی / ۱۳۹

الذریعه ۴/۴۴۰:۱۹۵۷.

مصفی المقال / ۱۲۹ و ۴۸۹.

※ توضیح:

حسن بن علی کثنوی یزدی (م ۱۲۹۷ - کربلا) در رساله خود: «هدایة الاسماء فی بیان کتب العلماء»، نام کتاب سید بحرانی را «تنبیهات الاریب فی رجال من لایحضره الفقیه» ثبت کرده و ظاهراً آن را با «تعریف رجال من لایحضره الفقیه» یکی دانسته است.

(بنگرید: زندگی‌نامه علامه بحرینی / ۱۳۴ - ۱۳۵).

هدایة الاسماء / ۱۱

※ مأخذ: کثنوی یزدی، حسن بن علی (۱۲۹۷): هدایة الاسماء فی بیان کتب العلماء، تصحیح: محمد تقی دانش پژوه. در: نسخه‌های خطی (نشریه کتابخانه

مرکزی)، دفتر ۶، مهر ۱۳۴۸، ص ۱ - ۶۲.

۱۳) تنقیح المرام فی شرح تهذیب الاحکام

محمد نعیم بن محمد تقی (مشهور به عرفی) طالقانی

* بخش موجود از کتاب - شرح مفصل قسمتی از کتاب طهارت - در سال ۱۱۴۷ به پایان رسیده است، که نسخه اصل مؤلف و حدود ۳۰۰ برگ به قطع رحلی است. آقابزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعه قرن ۱۲ به نام ملا نعیم طالقانی از مؤلف یاد کرده است.

علاوه بر کتاب یاد شده، سه کتاب دیگر از او در کتابخانه مروی هست، به نام اصل الاصول، منهج الرشاد، و رساله در حدوث عالم.
* نسخه: مروی ۷۸ (فهرست مروی / ۹۳ - ۹۴)

۱۴) جامع اسرار العلماء

قاسم بن محمد جواد الوندی (پس از ۱۱۰۰)

* شرح اخبار کتاب اربعه

* نسخه: مرعشی ۲۹۲، ۳۱۷ تا ۳۲۰. (فهرست مرعشی ۱/ ۳۳۷، ۳۵۶ - ۳۵۸)
* این کتاب، به نام «جامع الاحادیث و الاقوال» نیز نامیده شده است.
(مقدمه دکتر حسینعلی محفوظ بر اصول کافی ۱/ ۳۰، شرح مظفر بر اصول کافی ۱/ ۱۵، الشیخ الكلینی البغدادی و کتابه الکافی / ۱۶۲).

۱۵) جمال الاخیار

* فهرست موضوعی من لایحضر و تهذیب

مأخذ: آشنایی با چند نسخه خطی / ۳۱۷

(۱۶) جنة النعيم

سید علی بن محمد عریضی امامی (قرن ۱۱)

※ مؤلف، کتب متعددی از متون شیعه را به فارسی ترجمه و شرح کرده و به هر کدام نامی جداگانه داده است. از جمله سلسله هشت بهشت، که - به نوشته رضا استادی - شامل کتب زیر است: جنة الفردوس (شرح من لایحضره الفقیه)، جنة الخلد (شرح کافی)، جنة المأوی (شرح استبصار)، جنة عدن (شرح علل الشرایع)، جنة السلام (شرح عیون اخبار الرضا علیه السلام)، جنة صدق (شرح امالی صدوق)، جنة المقام (شرح کمال الدین صدوق)، و کتاب حاضر که شرح فارسی تهذیب است.

※ نسخه کتاب حاضر در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است. (فهرست

فیضیه استادی ۲/۲۰۰ - ۲۰۱)

※ مأخذ: فهرست وزیری ۱/۱۴۰ ضمن معرفی جنة الفردوس (که نسخه خطی

آن در کتابخانه وزیری به شماره ۱۰۷ موجود است).

※ توضیح: شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه ۲۵/۲۲۳ - ۲۲۴، نام این سلسله

کتب را به طریق دیگری ذکر کرده است، مراجعه شود.

(۱۷) حاشیة تهذیب

شیخ جمال الدین احمد ربعی احسانی (م ۱۲۴۷)

※ مأخذ: در ضمن شرح حال او یاد شده است (معارف الرجال ۱/۶۶ - حاشیه)

(۱۸) حاشیه تهذیب

مولی اسماعیل بن محمد حسین مازندرانی خواجه‌ی (م ۱۱۷۳)

※ صاحب «ذریعه»، نسخه آن را در کتابخانه سلطان المتکلمین دیده است.

※ مأخذ: طبقات - قرن ۱۲/۶۲-۶۴.

الذریعه ۲۴۸:۵۱/۶

※ توضیح: در ذریعه گوید: متوفی ۱۱۷۳ یا ۱۱۷۷. اما در طبقات، به طور قطع می‌گوید:

«متوفی ۱۱ شعبان ۱۱۷۳. در «تتمیم امل الامل» قزوینی، ۱۱۷۷ گفته که

صحیح نیست.»

(۱۹) حاشیه تهذیب

سیدحسن موسوی خراسان

تعلیقات بر تهذیب الاحکام چاپ نجف، که پس از تصحیح و تحقیق متن، در ذیل صفحات افزوده است. و غالب آنها، شامل مصادر روایات تهذیب، یا مشابه مضمون آنها از کتب «کافی»، «من لایحضره الفقیه» و «استبصار» است.

(۲۰) حاشیه تهذیب

حسن بن زین الدین شهید ثانی، صاحب معالم (م ۱۰۱۱)

※ به گفته علامه تهرانی، نسخه‌ای از آن نزد نوه حجة الاسلام شفتی اصفهانی موجود بوده است.

※ مأخذ: الذریعه ۲۵۲:۵۱/۶.

فهرست مشاهیر ایران ۱۲۵/۲.

۲۱) حاشیة تهذیب

سلیمان بن عبدالله ماحوزی (۱۰۷۵ - ۱۱۲۱)

✽ نویسنده در رساله‌ای که در موضوع سهو‌النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نوشته، به این کتاب ارجاع می‌دهد.

✽ منابع شرح حال او را استادی در چهل مقاله و سید احمد اشکوری در مقدمه «فهرست آل بابویه و علماء البحرین» (از تألیفات مؤلف) یاد کرده‌اند.

✽ مأخذ: الذریعه ۵۱/۶: ۲۵۳

طبقات اعلام الشیعه قرن ۳۲۳/۱۲

تلامذة العلامة المجلسی ۲۸ - ۲۹

فهرست آل بابویه و علماء البحرین ۷ - ۲۴

زندگی‌نامه علامه مجلسی ۳۸/۲

«چهل مقاله» (استادی) ۵۲۳ - ۵۲۸

۲۲) حاشیة تهذیب

شیخ صلاح الدین بن علی بن سلیمان بحرانی (م ۱۰۶۴)

✽ سماه‌جی در «اجازه» اش، و شیخ یوسف بحرانی در «لؤلؤة البحرین» از آن نام برده‌اند.

✽ مأخذ: الذریعه ۵۱/۶: ۲۵۴

لؤلؤة البحرین ۱۵/

مرآة‌الکتب ۱۶۶/۲

(۲۳) حاشیه تهذیب

مولی عبدالله بن حسین شوشتری (متوفی: ۱۶ محرم ۱۰۲۱)

✽ در ریاض العلماء از آن نام برده است. نسخه‌های آن در اختیار دانشوران بعدی بوده چنانچه محدث جزائری در شرح تهذیب از آن نقل کرده، و علامه مجلسی در ملاذالاکخیار به آن استناد می‌کند.

✽ مأخذ: روضات الجنات

طبقات - قرن ۱۱/۳۴۶

ریاض العلماء ۳/۱۹۸

الذریعه ۶/۵۱: ۲۵۵

الذریعه ۱۳/۱۵۷

مرآة الکتب ۲/۱۶۶

(۲۴) حاشیه تهذیب

میرزا عبدالله بن عیسی تبریزی اصفهانی - صاحب ریاض العلماء

✽ در «ریاض العلماء» ضمن بیان شرح حال خودش، از آن نام می‌برد

✽ مأخذ: ریاض العلماء ۳/۲۳۲

طبقات - قرن ۱۲/۴۴۹ - ۴۵۲

الذریعه ۶/۵۱: ۲۵۶

الذریعه ۴/۵۰۷

(۲۵) حاشیه تهذیب

شیخ عبدالنبی بن سعد جزائری - صاحب «الحاوی» (متوفی ۱۸ جمادی

الاولی ۱۰۲۱)

✽ در «روضات الجنات» از آن نام برده است.

✽ مأخذ: روضات الجنات

الذریعه ۶/۵۲: ۲۵۷

(۲۶) حاشیه تهذیب

مولی عزیزالله بن محمد تقی مجلسی (متوفی ۱۰۷۴)

✽ نواده او آقا احمد بهبهانی در «مرآة الاحوال» و محدث نوری به نقل از او در «الفیض القدسی» از آن نام برده‌اند.

✽ مأخذ: الذریعه ۵۲/۶: ۲۵۸

مرآة الاحوال

الفیض القدسی (ضمن بحار الانوار، ج ۱۰۵)

(۲۷) حاشیه تهذیب

سید صدرعلاء الملک بن عبدالقادر مرعشی (قرن ۱۰)

✽ حواشی شامل تحقیقاتی در مورد متن احادیث و تنقیح اسانید تهذیب و تحقیق در احوال رجال آن است.

مولی سلطان حسین بن محمد ندوشنی، این حواشی را در نسخه تهذیب خود، از نسخه اصل علاءالملک نقل کرده (در سال ۱۰۲۶)، و علاءالملک را به دقت نظر در «درایة الحدیث» و تحقیق احوال رجال حدیث ستوده است.

صاحب ذریعه، نسخه تهذیب ندوشنی را در ضمن موقوفات آخوند ملا علی نهاوندی در نجف اشرف دیده است.

✽ مأخذ: الذریعه ۵۲/۶: ۲۵۹

الذریعه ۵۰۵/۴

مصفی المقال / ۲۶۲-۲۶۶

✽ تفصیل بیشتر در مورد علاءالملک و مقامات علمی و آثار او، در: برگگی از تاریخ قزوین / ۶۳-۷۰، و توضیح حاشیه تهذیب در همان کتاب / ۶۷-۶۸.

(۲۸) حاشیه تهذیب

زین الدین علی بن سلیمان بحرانی (م ۱۰۶۴)
 * در ضمن فهرست تألیفات او ذکر شده است.
 منابع شرح حال او در مقاله استادی آمده است.
 * مأخذ: الذریعه ۵۲/۶: ۲۶۰

«چهل مقاله» استادی / ۵۰۶-۵۰۷

لؤلؤة البحرين / ۱۴

مرآة الکتب / ۱۶۶/۲

(۲۹) حاشیه تهذیب

سید قاسم بن محمد طباطبایی زواری
 * مأخذ: ریاض العلماء، نجوم السماء، مرآة الکتب / ۱۶۶/۲

(۳۰) حاشیه تهذیب

لطف الله بن محمد مؤمن خالی شیرازی
 * مأخذ: امل الامل / ۲۲۳/۲

(۳۱) حاشیه تهذیب

سید ماجد بن هاشم بحرانی (م ۱۰۲۸)
 * شیخ سلیمان ماحوزی بحرانی در «تاریخ علماء البحرين» آن را نام برده است.
 * مأخذ: الذریعه ۵۲/۶: ۲۶۱

رسالة علماء البحرين

(۳۲) حاشیه تهذیب

محمد بن حسن بن شهید ثانی (۹۸۰ - ۱۰۳۰)

* در «معاهد التنبیه فی شرح الفقیه» از آن به نام حاشیه نام برده است. محقق تهرانی به همین دلیل، آن را «حاشیه» نامیده است. با وجود این، به عنوان «شرح التهذیب» نیز به آن ارجاع داده است.

* نسخه‌ها:

- نسخه خطی ۱۴۷۷۰ رضوی - تحریر ۱۰۲۵ ق.

- نسخه خطی ۷۵۷۴ رضوی - تحریر ۱۰۲۸ ق.

- نسخه خطی ۱۹۹۹ رضوی - ۱۰۶۰ ق. (القبایبی رضوی / ۱۸۷)

- خطی ۶۴۳ مسجد اعظم قم (فهرست اعظم / ۱۲۹)

- بخشی از آن - در ضمن مجموعه ۲۰۸ - ج ادبیات تهران (فهرست ادبیات / ۱۷۰)

- کتابخانه شخصی سید محمدعلی روضاتی اصفهانی (یادنامه شیخ طوسی

۳/۶۹۲-۶۹۳)

- نسخه کهن به خط محمد مؤمن تبریزی که در زمان حیات مصنف از روی

خط او نوشته است. با آثار مقابله و تصحیح مؤلف. (آشنایی با چند نسخه

خطی / ۴۴۶)

* مأخذ: امل الامل / ۱۳۸/۱ - ۱۴۱

ریاض العلماء / ۵/۵۹

کشف الحجب و الاستار / ۳۲۹: ۱۸۰۲

الذریعه / ۵۲/۶: ۲۶۲

الذریعه / ۱۳/۱۵۷ - ۱۵۸

مرآة الکتب / ۲/۱۶۵

فهرست مشاهیر ایران / ۲/۴۴۵

(۳۳) حاشیة تهذیب

- جمال‌الدین محمد بن حسین خوانساری (مشهور به آقا جمال خوانساری - م ۱۱۲۱)
 * اردبیلی در «جامع الرواة» از آن نام برده است.
 * نسخه: سپهسالار (فهرست سپهسالار ۵۶۵/۱)
 * مأخذ: مرآة الكتب ۱۶۶/۲
 طبقات - قرن ۱۴۶/۱۲ - ۱۴۸
 الذریعه ۵۳/۶: ۲۶۳
 الذریعه ۵۰۶/۴
 توضیح: مرحوم تهرانی در ذریعه ۵۳/۶ به نقل از «روضات الجنات»، سال
 درگذشت او را ۱۱۲۵ نقل کرده، اما در «طبقات»، تاریخ ۱۱۲۱ را - به نقل از
 نجوم السماء - برگزیده است.

(۳۴) حاشیة تهذیب

- میرزا محمد بن علی استرآبادی (م ۱۰۲۸)
 * نسخه: مرعی ۳۷۸۹، ۴۶۰۴
 سپهسالار (فهرست سپهسالار ۶۰۱/۱)
 * مأخذ: امل الامل ۲۸۱/۲
 ریاض العلماء ۱۱۶/۵
 کشف الحجب و الاستار ۱۷۱/۸۵۶
 الذریعه ۵۳/۶: ۲۶۴
 مرآة الكتب ۱۶۵/۲

(۳۵) حاشیة تهذیب

سید محمد بن علی موسوی عاملی (صاحب مدارک - م ۱۰۰۹)

※ مأخذ:

کشف الحجب و الاستار / ۱۷۱: ۸۵۵ و ۳۲۹: ۱۷۹۸

الذریعه ۲۶۵۵۳/۶

الذریعه ۱۵۸/۱۳

مرآة الكتب ۱۶۵/۲

(۳۶) حاشیة تهذیب

آقا محمد باقر وحید بهبهانی (م ۱۲۰۶)

※ مأخذ: الذریعه ۵۱/۶: ۲۴۹

مرآة الكتب ۱۶۶/۲

شرح حال او در کتاب «وحید بهبهانی» علی دوانی (تهران امیر کبیر، ۱۳۶۲) و آثار او در همان کتاب، ص ۱۴۳ - ۱۴۸ بیان شده است.

(۳۷) حاشیة تهذیب

مؤلف: ناشناس

※ نسخه خطی: وزیری یزد ۳۳۷۴ (فهرست وزیری ۱۶۳۱/۵)

(۳۸) حاشیة تهذیب

ملاً محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰)

※ صاحب ذریعه می نویسد: نسخه‌ای از آن در کتابخانه سید عبدالحجت ابروانی در تبریز موجود است. احتمالاً همان حواشی است که پس از تدوین، به نام

«ملاذالاخيار» درآمده است.

حواشی تهذیب را شاگرد علامه مجلسی (محمد جعفر بن محمد طاهر خراسانی) تدوین و تنظیم کرده، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس به شماره ۱۷۹۵ از مجموعه طباطبایی موجود است، که «رسالة الاوزانیه» علامه مجلسی را هم ضمیمه دارد و مجموعاً ۲۸۸ صفحه است.

※ نسخه:

- رضوی ۹۲۶۸ (فهرست الفبایی رضوی / ۱۸۷).

- سپهسالار ۴۵۱۲ (فهرست سپهسالار / ۱۶۳/۴).

※ مأخذ: الذریعه ۵۱/۶: ۲۵۰.

کتابشناسی مجلسی / ۳۲۷.

۳۹) حاشیه تهذیب

سید محمد بشیر گیلانی - معاصر وحید بهبهانی

※ صاحب الذریعه، نسخه آن را به خط مؤلف در نجف دیده است.

※ مأخذ: الذریعه ۵۱/۶: ۲۵۱.

طبقات قرن ۱۳/۱۹۸

تراجم الرجال / ۳۰

تتمیم امل الامل / ۸۱

۴۰) حاشیه تهذیب

محمد حسین بن ابی الحسن کاشانی (قرن ۱۳)

※ نسخه خطی آن در کتابخانه شخصی حسن عاطفی (کاشان) موجود بوده است.

نسخه‌های خطی (نشریه) ۷/۷۲۸.

(۴۱) حاشیه تهذیب

- محمدزمان بن مولی کلب علی تبریزی اصفهانی (قرن ۱۲)
 * نسخه: رضوی ۱۶۳۶ (فهرست القبایی رضوی / ۱۵۳، فهرست رضوی ۱/۲۲).
 * مأخذ: طبقات - قرن ۱۲/۱۲ - ۲۹۲ - ۲۹۳

(۴۲) حاشیه تهذیب

- شیخ محمدعلی بن محمد بلاغی (م ۱۰۰۰)
 * نواده او شیخ عبدالله مامقانی در «تنقیح المقال» از آن نام برده است.
 * مأخذ: الذریعه ۵۳/۶ شماره: ۲۶۶

(۴۳) حاشیه تهذیب الاحکام

- سید نجم الدین حسینی جزائری (قرن ۱۱)
 * مأخذ: ریاض العلماء ۲۳۹/۵

(۴۴) حاشیه تهذیب

- قاضی نورالله مرعشی شهید (م ۱۰۱۹)
 * سید اعجاز حسین، آن را همان «تذهیب الاکمام» می‌داند، و مرحوم تهرانی (الذریعه ۵۰۷/۴) تصریح می‌کند که این حاشیه، غیر از شرح (تذهیب الاکمام) است.
 * مأخذ: کشف الحجب و الاستار / ۱۷۱: ۸۵۷
 الذریعه: ۵۳/۶: ۲۶۷

(۴۵) حاشیه تهذیب

سید حسن مدرس

* مأخذ: فهرست مشاهیر ۴۶۳/۲

(۴۶) حاشیه حجة الاسلام فی شرح تهذیب الاحکام

میرزا عبدالله بن عیسی تبریزی اصفهانی

* حاشیه ای است بر مقدمات اصولی حجة الاسلام ملاً محمد طاهر قمی، در شرح تهذیب (حجة الاسلام فی شرح تهذیب الاحکام) که مؤلف در ضمن شرح حال خود از آن نام برده است.

* مأخذ: ریاض العلماء ۲۳۲/۳

الذریعه: ۴۱۲: ۸۱/۶

(۴۷) حاشیه مشیخة التهذیب

محمد بن حسن حرّ عاملی (متوفی ۱۱۰۴)

* مؤلف، «مشیخة التهذیب» را در خاتمه وسائل آورده و مطالبی در نقد و بررسی به آن افزوده است.

* مأخذ: وسائل الشیعه ۲۰ (چاپ اسلامیة) ۲/ - ۳۲

(۴۸) حجة الاسلام فی شرح تهذیب الاحکام

مولی محمد طاهر بن محمد حسین قمی (م ۱۰۹۸)

* نسخه: مرعشی ۲۳۰۸، ۲۸۶۸، ۵۱۷۹

* چاپ عکسی: به اهتمام آیه الله مرعشی از روی یک نسخه خطی، به ضمیمه «ترتیب التهذیب» بحرانی، انتشارات فراهانی، ۱۳۹۱.

* مأخذ: امل الامل ۲/۲۷۷

رياض العلماء ۵/۱۱۱

كشف الحجب و الاستار / ۳۳۰: ۱۸۰۳

الذريعة ۶/۲۵۷: ۱۴۰۷

الذريعة ۱۳/۱۵۷

طبقات - قرن ۱۱/۳۰۲

روضات الجنات

علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ۱۱۸ - ۱۱۹ و ۱۲۴

فهرست مشاهیر ایران ۲/۱۷۷

سفينة النجاة (مؤلف) / مقدمه

۴۹) حدیقه‌النظار فی مشیخة الفقیه و التهذیب و الاستبصار

شیخ محمد علی بن قاسم آل کشکول (قرن ۱۳)

* بخشی از کتاب «اکمال منتهی المقال» مؤلف است که نویسنده به عنوان

رساله‌ای مستقل برای خود نام برده است.

محقق تهرانی در «مصفی المقال»، از آن به عنوان «حدیقه الانظار» نام

برده است.

* نسخه: رضوی شماره ض ۱۱۴۳۷ به خط مؤلف، تحریر در سال ۱۲۴۵.

(فهرست الفبایی رضوی / ۲۱۹)

* مأخذ: الذريعة ۲/۲۸۳: ۱۱۴۹

الذريعة ۶/۳۹۰ - ۳۹۱: ۲۴۲۹

مصفی المقال / ۳۰۶

۵۰) شرح ترتیب التهذیب

سیدهاشم بن اسمعیل بحرانی (م ۱۱۰۷)

* مؤلف، پس از نوشتن «ترتیب التهذیب» به شرح آن همت گمارده است.

* مأخذ: ریاض العلماء ۲۹۹/۵

زندگی نامه علامه بحرینی / ۱۴۸ - ۱۴۹

الذریعه ۳/۱۴۴: ۴۸

طبقات - قرن ۱۲/۸۰۹ - ۸۱۱

۵۱) شرح تهذیب

شیخ احمد بن اسمعیل جزائری (صاحب آیات الاحکام - م ۱۱۵۱)

* شیخ یوسف بحرانی در «لؤلؤة البحرين» از آن نام برده است.

* مأخذ: لؤلؤة البحرين / ۱۱۱ - ۱۱۷

مرآة الكتب ۲/۱۶۶

كشف الحجب والاسرار / ۳۲۹: ۱۷۹۶

الذریعه ۱۳/۱۵۶: ۵۳۰

طبقات قرن ۱۲/۲۹ - ۳۱

ماضی النجف و حاضرها ۲/۸۱

* توضیح: شیخ آقا بزرگ در ذریعه، سال درگذشت وی را ۱۱۴۹ گفته، ولی در

طبقات، ۱۱۵۱ را برگزیده است.

(۵۲) شرح تهذیب

ملاً عبدالله بن محمد تقی مجلسی (م ۱۰۸۴).

※ صاحب «ریاض العلماء» نسخه آن را در مشهد دیده و گفته: «خالی از فوائد نیست».

※ مأخذ: ریاض العلماء ۲۳۷/۳

الذریعه ۱۵۷/۱۳

طبقات - قرن ۱۱/۳۵۴

(۵۳) شرح تهذیب

شیخ عبداللطیف بن علی عاملی (شاگرد شیخ بهایی)

※ به گفته صاحب ذریعه، نسخه آن در کتابخانه معارف تهران (که اکنون به نام کتابخانه ملی فعالیت دارد) موجود است. اما از فهرست معارف چنین بر نمی آید.

※ مأخذ: فهرست معارف ۶۰/۱

الذریعه ۱۵۷/۱۳: ۵۳۳

(۵۴) شرح تهذیب

مولی محمد بن حسن شیروانی (م ۱۰۹۹)

※ مأخذ: الذریعه ۱۵۷/۱۳: ۵۳۵

(۵۵) شرح تهذیب

ملاً محمد امین بن محمد شریف استرآبادی (م ۱۰۳۶)

※ در کتاب خود (الفوائد المدنیة) از آن نام می برد.

صاحب ریاض العلماء آن را دیده و گفته: ناتمام مانده است.

* مأخذ: امل الامل ۲/۲۴۶

رياض العلماء ۵/۳۵-۳۷

كشف الحجب و الاستار / ۳۲۹: ۱۷۹۷

الذريعه ۱۳/۱۵۶: ۵۳۱

طبقات - قرن ۱۱/۵۶

مرآة الكتب ۲/۱۶۵

(۵۶) شرح تهذیب

مؤلف: ناشناس

* این کتاب در اختیار ثقة الاسلام تبریزی بوده، و در ۱۱۵۲ استنساخ شده، بین اجمال و تفصیل است و در آن از شیخ بهایی و آقا حسین خوانساری و مجلسی اول و مجلسی دوم نقل قول کرده است. ثقة الاسلام احتمال داده که این همان شرح شیخ احمد بن اسمعیل باشد.

* مأخذ: مرآة الكتب ۲/۱۶۶

(۵۷) شرح تهذیب

* مؤلف ناشناس، در قرن ۱۲ یا پس از آن می زیسته، چون در آن از شرح مولی باقر مجلسی و سید نعمه الله جزائری نقل می کند. صاحب «ذریعه»، نسخه آن را در نجف دیده است.

* مأخذ: الذريعه ۱۳/۱۵۶.

۵۸) شرح جملة من احاديث التهذيب

سيد محمد مهدي بحر العلوم (متوفى ۱۲۱۲)

※ مأخذ: فوائد الرجاليه (مقدمه) ۹۴/۱

۵۹) شرح حديث من التهذيب فى الحج

مؤلف: ناشناس

※ نسخه: ملك ۱۶۰۶/۱۱

۶۰) شرح حديث نبوى فى باب الزيادات فى القضاء و الاحكام فى التهذيب

مؤلف: ناشناس

※ نسخه: ملك ۱۶۰۶/۳۳

۶۱) شرح مشيخة شيخ الطائفة و الشيخ الصدوق

على بن حسن مشهدى (قرن ۱۲)

※ به نوشته آقا بزرگ تهرانى، در كتابخانه مرعى موجود است.

تاريخ كتابت: ۱۱۱۰.

※ مأخذ: الذريعه ۷۱/۲۱: ۴۰۰۲ (به نام مشيخة الاستبصار و التهذيب و من

لا يحضره الفقيه)

الذريعه ۱۴/۶۷-۶۸: ۱۷۷۱.

مصفى المقال / ۲۴۷

طبقات - قرن ۱۲/۵۲۲ و ۳۲۶. (در طبقات، آن را «شرح مشيخة الفقيه و

التهذيب» ناميده است)

۶۲) شرح مشیخة التهذیب

مرحوم شیخ محمد رازی (معاصر)

※ مشیخة تهذیب را شیخ حرّ عاملی در خاتمه «وسائل الشیعه» تماماً آورده و مواردی برای اصلاح و تکمیل بر آن افزوده است. آن گاه شیخ محمد رازی (مصحح بعضی از مجلدات وسائل الشیعه) بر آن شرح و تعلیقه زده است.
 ※ مأخذ: وسائل الشیعه (چاپ اسلامیة) ۲۰/۲ - ۳۲

۶۳) شرح مشیخة التهذیب

سید حسن موسوی خراسان (معاصر)

※ شرحی بر کتاب «مشیخة التهذیب»، که سید حسن خراسان، پس از تصحیح متن کتاب و مشیخه، در چاپ نجف، ذیل صفحات کتاب آورده است. (ضمیمه تهذیب ج ۱۰ ص ۱ - ۹۱).

۶۴) شرح مشیخة التهذیب

سید عبدالله بن میرزا محمد رحیم. (قرن ۱۳)

※ مؤلف، در این کتاب از استادش وحید بهبهانی زیاد نقل قول می‌کند.
 ※ مأخذ: الذریعه ۱۴/۶۶: ۱۷۶۷
 طبقات - قرن ۱۳/۷۷۶

۶۵) شرح مشیخة التهذیب

سید محمد اشرف بن عبدالحسیب علوی عاملی (م ۱۱۳۳) عالم محدث، نوه دختری میرداماد.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشیعه (کرام البررة ۱/۲۵۶) از آن

به عنوان «شرح مشیختی التهذیبین» نام برده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرعشی قم به شماره ۳۱۵۲/۱ هست که در فهرست مرعشی ۳۸۴/۸ به نام «طرق شیخ طوسی در دو کتاب تهذیب و استبصار» از آن یاد شده است.

* مأخذ: الفیض القدسی (ضمن: بحار الانوار جلد ۱۰۵)

نجوم السماء / ۲۱۵

اعیان الشیعه / ۱۲۵/۹

طبقات، قرن ۱۲

اجازات الحدیث / ۱۵۷

تلامذة العلامة المجلسی / ۷۷-۷۸

۶۶) شرح مشیخة التهذیب و الاستبصار

مولی محمد جعفر بن سیف الدین شریعتمدار استرآبادی (م ۱۲۶۳)

* فرزندش در «مبدأ الامال» این کتاب را نام برده است.

* مأخذ: الذریعه ۱۴/۶۶: ۱۷۶۶.

* نسخه: مرعشی ۳۱۵۲، ۴۰۲۳ (به نام «طرق الشیخ الطوسی» نامیده شده

است)

۶۷) صحه الاصول الاربعه

* در اثبات اعتبار کتب اربعه، از جمله تهذیب.

* نسخه: مرعشی ۲۶۵۹

۶۸) غایة المرام

سید نعمة الله بن عبدالله جزائری (م ۱۱۱۲)

※ به نوشته سید عبدالله جزائری نواده مؤلف در «الاجازة الکبیره»: مؤلف، ابتدا شرحی مفصل در ۱۲ مجلد به نام «مقصود الانام» نگاشته، و سپس با اختصار آن، کتاب حاضر (غایة المرام) را در ۸ مجلد پدید آورد.

※ نسخه: مرعشی ۲۶۹۰ تا ۲۶۹۶، ۳۱۳۸، ۴۸۴۳، ۵۹۵۳، ۶۱۲۷، ۶۱۲۸

- مجلس ۱۶۱، ۴۴۷۹، ۴۹۵۸ تا ۴۹۶۰ (فهرست مجلس ۲۰۰/۷،

۲۵۹/۱۲ - ۲۶۰، ۱۴/۲۴۹ - ۲۵۱)

- دانشگاه تهران ۵۹۳، ۶۹۸، ۱۲/۸۶۳۳، ۹۲۴۹ (فهرست دانشگاه

۱۴۳۳/۵ - ۱۴۳۷)

- گوهرشاد ۱۵۳ (فهرست گوهرشاد ۱/۱۲۹)

- سید محمد علی روضاتی، اصفهان (یادنامه شیخ طوسی ۳/۶۹۴ - ۶۹۷)

- (آشنایی با چند نسخه خطی ۱/۱۴۲، ۳۹۰، ۳۹۱)

- پزشکی شیراز (میراث اسلامی ایران ۱/۴۱۶)

- لس آنجلس (نشریه نسخه‌های خطی ۱۱ - ۱۲/۲۴۸ و ۲۹۷)

※ مأخذ: اجازات الحدیث ۲۹۷/

مرآة الکتب ۲/۱۶۵

امل الامل ۲/۱۶۵ و ۳۳۶

نابغه فقه و حدیث / سید محمد جزائری

الاجازة الکبیره / سید عبدالله جزائری

کشف الحجب و الاستار / ۳۲۸ - ۳۲۹: ۱۷۹۵

الذریعه ۱۳/۱۵۸ - ۱۵۹

الذریعه ۱۶/۱۸

ریاض العلماء ۲/۲۵۴

طبقات - قرن ۱۲/۷۸۵ - ۷۸۹

علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین / ۳۶۴

۶۹) الغسل مع خوف الضرر فی خبر عن ابی عبدالله علیه‌السلام فی التهذیب

مؤلف: ناشناس

* نسخه: ملک ۲۴/۱۶۰۶

۷۰) فهارس تهذیب الاحکام

- محمد جعفر شمس‌الدین - به ضمیمه چاپ جدید لبنان

۷۱) فهرست ابواب تهذیب

ملا محمد رضا بن محمد صالح قاینی بینا باجی (تألیف حدود ۱۱۰۹)

* در ابتدای نسخه تهذیب - کتابخانه رضوی ۱۹۷۵ - آمده است.

(فهرست رضوی ۵/۶۱، حجتی ۳/۶۴۴)

۷۲) فهرست ترتیب التهذیب

میرزا عباسقلی وقایعی تبریزی (معاصر)

* مؤلف، این فهرست را بر کتاب «ترتیب التهذیب» بحرانی در سال ۱۳۹۷

نوشته، و نسخه آن را به کتابخانه آیه‌الله مرعشی اهدا کرده است.

* نسخه: مرعشی ۸۵۵۴ (فهرست مرعشی ۲۲/۱۲۸)

(۷۳) فهرست ابواب الکتب الاربعة

سید ابوالقاسم احمد بن محمد حسینی قهبایی، صاحب کتاب «الارشاد فی ترجمه صاحب بن عبّاد»
* مأخذ: ذریعه ۱۶/۳۷۵: ۱۷۴۲

(۷۴) فهرست ابواب تهذیب الاحکام

ملا عبدالله بن حاجی محمد تونی بشروی خراسانی.
* مؤلف، این رساله را در ۱۰۶۰ فراهم آورده، و در آن علاوه بر فهرست عناوین ابواب، امور استطرادی آن باب نیز آمده است. ظاهراً اولین فهرستی است که بر تهذیب نوشته شده.

(۷۵) فهرست تهذیب الاحکام

محمد جعفر بن محمد صفی فارسی (قرن ۱۱)
* وی، این فهرست را در ۱۰ شوال ۱۰۹۶ به انجام رسانده، که فهرستی برای کافی نیز تنظیم کرده است (نسخه‌ای از فهرست کافی در دانشگاه تهران - شماره ۲/۶۳۰ و ۲/۷۰۲۹ - فهرست ۵/۱۴۴۹)
* نسخه: دانشگاه تهران ۱۹۳۹ تحریر ۱۰۹۷ - احمد بن قاسم حسینی مشهدی (فهرست دانشگاه تهران ۸/۵۵۵ - ۵۵۶)
* مأخذ: ذریعه ۱۶/۳۸۲: ۱۷۷۳
مصفی المقال / ۱۱۰

(۷۶) فهرست تهذیب الاحکام

* نسخه: مرعشی ۳۰۵۹

۷۷) فهرست تهذیب الاحکام

قاسم بن محمد بن شیخ حمزه (قرن ۱۳)

✽ در سال ۱۲۱۰ تألیف شده است.

✽ نسخه: کتابخانه مسجد اعظم قم ۱۸۲۲/۲ (فهرست اعظم / ۵۲۵)

۷۸) فهرست تهذیب الاحکام

محمد بن محمد فصیح مراغی غروی (قرن ۱۳)

✽ مؤلف، پس از مقابله و تصحیح متن تهذیب در ۴ ذیقعدہ ۱۲۱۹، فهرستی

تفصیلی برای کتاب ترتیب داده که در ۲۲ برگ، در ابتدای نسخه آمده است.

✽ نسخه: مجلس ۴۱۵۴/۱ (فهرست مجلس ۱۱/۱۵۷ - ۱۵۹)

۷۹) فهرست الکتب الاربعه

✽ بخشی از آن، فهرست تهذیب است.

✽ نسخه: مرعشی ۳۰۵۹

۸۰) فهرست الکتب الاربعه

سید احمد زنجانی

✽ در ۱۰۵ برگ طی شماره ۱۳۶ کتابخانه شخصی آیه الله زنجانی آمده است.

✽ مأخذ: آشنایی با چند نسخه خطی دفتر ۱ ص ۲۴۶

۸۱) فهرست کتب اربعه

آشنایی با چند نسخه خطی دفتر ۱/۱۸۰

۸۲) الفیوضات اللامعة فی حال الکتب الاربعة

* نسخه: مرعشی ۴۹۲۳، ۷۳۳۶

۸۳) گزیده تهذیب

محمدباقر بهودی (معاصر)

* مؤلف، با مبانی و روش خود که در مقدمه این کتاب، مقدمه گزیده کافی و کتاب معرفة الحدیث توضیح داده، به گزینشی از تهذیب دست زده است.

* چاپ تهران

۸۴) لزوم نقد مشیخه الصدوق فی من لایحضر و الشیخ فی التهذیبین

* تألیف در ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۰۱

* نسخه: ملک ۳۵۵۷ (فهرست ملک ۴۷۰/۶)

۸۵) مجمل فهرست تهذیب الاحکام

ملا عبدالله بن حاج محمد تونی بشروی خراسانی (م ۱۰۷۱)

* مؤلف، فهرستی مفصل برای تهذیب فراهم آورده، و سپس مجملی از آن پدید ساخت.

* نسخه: الهیات مشهد ۸۹۶/۳، به خط ظهیرالدین علی بن مولی مراد تفرشی،

ظاهراً از روی خط مؤلف (فهرست الهیات مشهد ۶۱/۲ - ۶۲)

۸۶) مشارق الاخبار فی شرح اخبار ائمة الاطهار

* نسخه: مرعشی ۱۷۲۶

۸۷) مشیخة التهذیب

شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰)

- * صاحب ذریعه، آن را کتابی مستقل به حساب آورده و گفته: «شیخ طوسی، فهرست اسانید خود به صاحبان منابع را در آن آورده، اما تمام طرق را ذکر نکرده و به کتاب «فهرست» خود و کتب «فهرست» دیگر علما ارجاع داده است.»
- * چاپ شده در خاتمه تهذیب جلد ۱۰. و در غالب نسخه‌های خطی هم هست.
- * مأخذ: الذریعه ۷۲/۲۱: ۴۰۰۴

۸۸) مشیخة التهذیبین (= التهذیب و الاستبصار)

سیدعلی سیستانی (معاصر)

- * نویسنده از تلامذه آیت اله خویی است. و این رساله را در ضمن تألیفات وی نام برده‌اند.

۸۹) مقصود الانام

سید نعمه الله بن عبدالله جزائری (م ۱۱۱۲)

- * شرح مفصل مؤلف بر تهذیب در ۱۲ مجلد، که «غایة المرام» را با اختصار آن پدید آورد.
- * مأخذ: نابغه فقه و حدیث

الاجازة الكبيرة

الذریعه ج ۲۲

الذریعه ۱۳/۱۵۸ - ۱۵۹ و ۱۶/۱۸

اجازات الحدیث (اشکورى) / ۲۹۷

طبقات - قرن ۱۲/۷۸۵ - ۷۸۹

۹۰) ملاذالایخیار

ملاً محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (م ۱۱۱۰)

* آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد: تا آخر کتاب النکاح نوشته شده، (ذریعه ۱۳/۱۵۶) که سهواست، به شهادت نسخه‌های اصل به خط مؤلف از تمام کتاب که بر اساس آن چاپ شده است.

* علامه مجلسی، این کتاب و «مرآة العقول» را به درخواست فرزندش محمد صادق مجلسی نوشته، و در ابتدای مرآة بیان داشته که:

«او شایسته اجابت است چرا که هم نیک است و هم دقت نظر دارد.»

محمد صادق قبل از پدرش در گذشته است.

* چاپ کتابخانه آیه‌الله مرعشی قم، به تصحیح سید مهدی رجایی، ۱۶ جلد

* نسخه: مرعشی ۲۳۸، ۲۳۹، ۳۹۷۲، ۳۹۷۳، ۴۲۹۱، ۴۸۳۵، ۴۸۳۶، ۵۲۰۲

- گوهرشاد مشهد ۲۹۸ (فهرست گوهرشاد ۱/۲۵۳)

- سید محمد علی روضاتی اصفهانی (یادنامه شیخ طوسی ۳/۶۹۹)

- مجلس ۴۴۷۴، ۵۸۳۲ (فهرست مجلس ۱۲/۱۵۳، ۱۷/۲۴۴)

- وزیری ۲۸۸۲، ۲۹۰۳، ۲۶۲۴، ۳۰۷۳

- عمومی اصفهان ۲۹۴۸ (فهرست اصفهان ۱/۲۵۹)

- دانشگاه تهران ۶۸۹۶ و ۸۲۶۴

- ادبیات تهران ۲۰۸ ج (فهرست ادبیات / ۱۷۰)

* مأخذ: مرآة الکتب ۲/۱۶۵

کشف الحجب و الاستار / ۳۲۹: ۱۰۸۱

الذریعه ۱۳/۱۵۶

طبقات قرن ۱۲/۳۶۵

اجازات الحدیث / ۲۷۶ و ۲۸۰ و ۲۸۴

علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ۲۶۳ و ۱۴۱
کتاب‌شناسی مجلسی / ۲۸۹ - ۳۰۰

(۹۱) منتخب تصحیح اسانید تهذیب

مولی محمد بن علی اردبیلی (م ۱۱۰۱)

منتخبی از رساله مبسوط او، که پیشتر، از اصل رساله یاد کردیم. این منتخب را مؤلف در خاتمه کتاب دیگر خود (جامع الرواة ۲/۴۷۳ به بعد) تحت عنوان «الفائده الثامنة» تماماً آورده است. مرحوم شیخ عبدالله مامقانی (م ۱۳۵۱) نیز این منتخب را در خاتمه جلد سوم رجال خود تنقیح المقال ۱/۳ - ۲۰) درج کرده است.

※ مأخذ: جامع الرواة ۲/۴۶۹ - ۵۴۴

تنقیح المقال ۱/۳ - ۲۰

الذریعه ۴/۱۹۳: ۹۶۰

دائرةالمعارف تشیع ۴/۴۰۲ - ۴۰۳

(۹۲) نخبه المقال فی تمییز الاسناد و الرجال

عباس حاجیانی دشتی (معاصر)

تقریر دروس استادش آیه‌الله سید تقی طباطبایی قمی، در زمینه اسانید شیخ طوسی و شیخ صدوق و طریق آنها به منابع اولیه.
چاپ قم: مطبعة مهر، ۱۳۹۷، ۵۳۵ ص.

(۹۳) حاشیة تهذیب

میرزا علی اکبر غفاری (معاصر)

این حواشی محقق معاصر، در ضمن چاپ جدید او، از کتاب تهذیب آمده است (چاپ مکتبة الصدوق، ده مجلد).

(۹۴) شرح مشیخه التهذیب

میرزا علی اکبر غفاری (معاصر)

این شرح بر مشیخه کتاب تهذیب، در ضمن تصحیح و تحقیق او از کتاب تهذیب (ج ۱۰ ص ۳۸۱ به بعد، چاپ مکتبة الصدوق) درج شده است.

فصل هشتم

منابع و مستندات تهذیب

1900

در این فصل، نگاهی داریم بر منابع احادیث مجلدات ۱ تا ۵ کتاب تهذیب الاحکام (براساس چاپ نجف، افست آن که توسط دارالکتب الاسلامیه تهران منتشر شده است).
روش استخراج و یافتن این منابع، در فصل اول بیان شده و نیازی به تکرار نیست.

در این فصل، ابتدا از یک منبع و نویسنده آن یاد می‌شود. و ذیل آن شماره احادیث تهذیب که از آن منبع نقل شده، بیان می‌گردد. شماره‌های احادیث و مجلدات، براساس چاپ نجف (تصحیح: سیدحسن خراسان) نقل شده است. در مورد جلد چهارم، که کتاب الزکاة و کتاب الصیام، هر کدام یک سلسله شماره‌گذاری جداگانه دارد، نام باب مربوطه (زکاة یا صیام) در پرانتز قید شده است.

منابع، به ترتیب الفبایی اسامی مؤلفان، مرتب شده‌اند.

در پایان این فصل، سه جدول آمده است:

جدول اول - فهرست منابع، به ترتیب الفبای نام نویسندگان، و تعداد احادیث نقل شده از آنها.

جدول دوم - فهرست منابع تهذیب، به ترتیب الفبای عنوان کتاب.
 جدول سوم - فهرست منابع تهذیب، به ترتیب زمان تألیف.
 جدول دوم و سوم - به منزله راهنما برای استفاده از جدول اول هستند. و لذا در آنها، به شماره‌های جدول اول ارجاع شده است.
 از خدای تبارک و تعالی می‌خواهیم که این اقدام کوچک را - مانند کتاب بزرگ تهذیب الاحکام - به فضل خود، به عنوان گامی در راه نصرت دین خود قبول فرماید. و ما را مشمول آیه شریفه قرار دهد که فرمود:

«ان تنصرواالله ینصرکم و یشبب اقدامکم» (۱)

و وعدة بی تخلّف حجّت خود - حضرت ولی عصر ارواحنا فداه - را شامل حال ما گرداند، که به آن مجاهد راه ولایت فرمود:

«نصرتنا فنصرناک، و لینصرنّ الله من ینصره» (۲)

اللهم انصر ناصریه و اخذل خاذلیه، و وال من والاه و عاد من عاداه،
 و عبّل فرجه و سهّل مخرجه، آمین یارب العالمین.

۱- سوره محمد (صلی الله علیه و آله)، آیه ۷.

۲- بحار الانوار ۷۵/۵۲، و نجم ثاقب، باب ۷ حکایت ۴۶ به نقل از آن.

ابان بن عثمان احمر بجلى كوفى
ج ٥٠٦/٢ «كتاب»

ابراهيم بن اسحاق احمرى نهاوندى، ابواسحاق
ج ١١٤٢/١ «النوادر»
ج ٢٧٧، ٢٦٨، ٢١٩/٣
ج ٢٣٦/٤ (زكاة)
ج ١٦١٣/٥

ابراهيم بن عبدالحميد اسدى
ج ٤٢٣/٣ «النوادر»

ابراهيم بن مهزيار اهوازى، ابواسحاق
ج ١٥٢٠/١ «البشارات»
ج ١٠٣٥/٤ (صيام)
ج ١٧٢٠/٥

ابراهيم بن هاشم قمى، ابواسحاق
ج ١٣٨٦، ١٣٨٣، ١٠٥٧/١ «النوادر»
ج ٧٤١ - ٧٣٩/٣

- ج ۳۹۷/۴ (زکاة)، ۵۳۳، ۷۲۵:۷۲۶ (صیام)
ج ۱۶۴۵/۵، ۱۷۰۶
- ابن رباح (احمد بن محمد بن علی بن عمر)
ج ۴۷۷/۴ - ۴۸۷، ۴۸۲ (صیام)
«الصیام»
- احمد بن ابراهیم بن ابی رافع صیمری
ج ۲۴۴/۳
«النوادر»
- احمد بن ادريس اشعری قمی، ابوعلی
ج ۱۲۳۴/۱، ۱۲۹۴، ۱۳۵۹، ۱۳۹۱، ۱۴۱۸، ۱۴۷۶، ۱۴۸۳
ج ۹۴۲/۲، ۱۵۷۰
ج ۶۶۰/۳، ۹۹۸، ۱۰۰۵، ۱۰۱۸
«النوادر»
- احمد بن حسن بن علی بن فضال
ج ۴۹/۲
ج ۷۹۳/۳
ج ۹۹۶/۴ - ۹۹۸، ۱۰۰۳، ۱۰۲۲، ۱۰۲۵ (صیام)
«الصلوة»
- (همان)
ج ۱۵۹۸/۵، ۱۷۳۹، ۱۷۲۱، ۱۷۳۴، ۱۷۴۰، ۱۷۴۴
«الحج»
- احمد بن حسین بن سعید اهوازی
ج ۱۵۸۳/۵
«الاحتجاج»

- «کتاب» احمدبن رزق غمسانی
ج ۱ / ۸۸۲
- «الجامع» احمدبن محمدبن ابی نصر سکونی بزنتی، ابو جعفر / ابو علی
ج ۵ / ۱۱۱، ۱۶۳۹
- «المحاسن» احمدبن محمد (ابی عبدالله) بن خالد برقی، ابو جعفر
ج ۱ / ۸۳، ۳۳۶، ۱۰۵۶، ۱۱۴۴
ج ۲ / ۴۱۵، ۷۸، ۴۷۲، ۱۳۱۵، ۱۴۳۲، ۱۵۱۰
ج ۳ / ۴۸۶، ۲۹۵
ج ۵ / ۱۶۱۸، ۱۶۶۳
- «الآداب» احمدبن محمدبن سعید همدانی (ابن عقده)
ج ۱ / ۱۵۱۹، ۱۶۶
ج ۲ / ۸۶۲، ۱۴۰
ج ۳ / ۱۲۰
ج ۴ / ۴۱۷ (زکاة)
ج ۵ / ۲۱
- «الرجال» (همان)
ج ۳ / ۴۴۷
- «الافضال» احمدبن محمدبن سلیمان (ابو غالب زراری)
ج ۴ / ۴۲۹، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۱ (صیام)

احمدین محمدبن سیار (سیاری) «النوادر»
ج ۴/۴۱۴ (زکاة)

احمدین محمدبن عبیدالله بن عیاش، ابو عبدالله / ابن عیاش «عمل شهر رمضان»
ج ۴/۹۲۲ (صیام)

احمدین محمدبن عیسی بن عبدالله اشعری قمی، ابو جعفر «النوادر»
ج ۱/۲۸، ۲۹، ۴۲، ۱۶۳، ۲۰۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۹، ۳۲۷،
۳۵۸، ۳۵۶ - ۳۶۰، ۳۶۷، ۴۰۴، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۴۲ - ۴۴۴، ۴۵۱، ۴۷۲، ۴۹۴،
۷۳۱، ۷۱۶، ۷۱۳، ۶۹۳، ۶۷۷، ۶۷۴، ۶۷۲، ۵۹۰، ۵۶۵، ۵۵۸، ۵۳۶، ۵۰۹، ۵۰۸ -
۸۶۷، ۸۴۱، ۸۲۲، ۸۲۱، ۸۰۵، ۷۹۰، ۷۸۳، ۷۷۸، ۷۷۳، ۷۷۲، ۷۴۳، ۷۳۳ -
۱۰۵۹، ۱۰۵۴، ۱۰۵۲، ۱۰۴۹، ۱۰۲۴، ۱۰۰۴، ۱۰۰۲، ۹۸۷، ۹۴۳، ۹۳۹، ۹۰۸،
۱۱۲۸، ۱۱۲۲، ۱۱۱۹، ۱۱۱۰، ۱۰۹۷، ۱۰۸۴، ۱۰۷۶، ۱۰۷۳، ۱۰۶۷، ۱۰۶۶ -
۱۱۳۷، ۱۱۴۱، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۵، ۱۱۵۷، ۱۱۵۹، ۱۱۶۴، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۶ -
۱۲۲۴، ۱۲۲۱، ۱۲۲۰، ۱۱۹۵، ۱۱۹۴، ۱۱۸۴، ۱۱۸۲، ۱۱۸۱، ۱۱۷۸، ۱۱۷۶ -
۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۶، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۹، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۷، ۱۲۸۹ -
۱۳۹۵، ۱۳۸۴، ۱۳۷۹، ۱۳۷۵، ۱۳۴۸، ۱۳۲۸، ۱۳۱۷، ۱۳۱۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۱ -
۱۴۵۷، ۱۴۴۲، ۱۴۴۰، ۱۴۳۹، ۱۴۲۹، ۱۴۲۲ - ۱۴۲۰، ۱۴۱۲، ۱۴۰۲، ۱۴۰۱،
۱۴۶۳، ۱۴۹۲، ۱۴۹۷، ۱۵۰۹، ۱۵۲۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۷

ج ۲/۹، ۱۰، ۱۵ - ۱۷، ۴۴، ۴۵، ۷۲ - ۷۵، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰ -
۱۰۸، ۱۱۴ - ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۹۹، ۲۶۵، ۲۷۲، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۳۴ -
۳۵۴، ۳۲۸ - ۳۶۰، ۳۷۰، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۰، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۲۳، ۴۳۴،
۴۶۸، ۴۷۱، ۴۹۲، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۱۱، ۵۱۷، ۵۲۶، ۵۵۰، ۵۵۹ - ۵۶۱، ۶۰۵،
۶۰۷، ۶۰۸، ۶۱۶، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۶، ۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۰، ۶۹۳، ۷۱۰،
۷۲۸، ۷۲۹، ۷۴۵، ۷۵۳، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۶، ۷۶۹، ۷۷۴، ۷۹۳، ۸۰۷، ۸۱۱

١١٣ ١٢٤ ١٢٦ ١٢٧ ١٣١ ١٧٠ ٩٥٠ ٩٥١ ٩٥٤ ١٠٤٦ ١٠٦٢ -
 ١٠٦٥ ١٠٨٢ ١٠٨٤ ١٠٩٢ ١١٠٣ ١١١٠ ١١١٥ ١١١٨ ١١٢٠ ١١٢٩
 ١١٣٧ ١١٤٣ ١١٤٧ ١١٥١ ١١٦٢ ١١٦٤ ١١٧٣ ١١٧٨ ١١٧٩ ١١٨٤
 ١١٨٩ - ١١٩٢ ١٢٠٠ ١٢٠٣ ١٢٠٥ ١٢٠٨ ١٢١٠ ١٢١٢ ١٢١٦ -
 ١٢١٩ ١٢٢٧ ١٢٢٨ ١٢٣٥ ١٢٣٧ ١٢٣٩ ١٢٤١ ١٢٤٣ ١٢٤٥
 ١٢٤٩ - ١٢٥١ ١٢٥٣ ١٢٥٩ ١٢٦١ ١٢٦٢ ١٢٨٩ ١٢٩٠ ١٢٩٤
 ١٢٩٩ ١٣٠٨ ١٣١٤ ١٣١٦ ١٣١٨ ١٣٢٠ ١٣٢٩ ١٣٣٢ -
 ١٣٣٩ ١٣٤٦ ١٣٤٩ ١٣٥٤ ١٣٥٨ ١٣٦٠ ١٣٦٢ ١٣٦٣ ١٣٦٩
 ١٣٧١ ١٣٧٢ ١٣٧٤ ١٣٨٢ ١٣٨٥ ١٣٩٩ ١٤٠٩ ١٤٢٥ ١٤٣٣
 ١٤٤٦ ١٤٥٩ ١٤٦٢ ١٤٨٦ ١٤٩٣ ١٤٩٧ ١٥٠١ ١٥٠٦ ١٥١٨
 ١٥١٩ ١٥٢٢ ١٥٣٠ ١٥٣٣ ١٥٣٧ ١٥٣٨ ١٥٤٠ ١٥٤٢ ١٥٤٥
 ١٥٥٨ ١٥٥٩ ١٥٦٧ ١٥٧٢ ١٥٧٨ ١٥٨٠

ج ٣/٢٠ ٢٨ ٢٩ ٣١ ٩٠ ٩٨ ١١٨ ١٢١ ١٢٩ ١٣٦ ١٤٢ ١٤٦ ١٤٦
 ١٦٧ ١٧١ ١٧٤ ١٨٠ ١٨٨ ١٩٠ ٢٨٥ ٣٤١ ٣٩٣ ٣٩٤ ٤٠١ ٤٠٦
 ٤٣٩ ٤٤١ ٤٤٥ ٤٥٨ ٤٦٣ ٤٦٤ ٤٩٣ ٤٩٧ ٥٠٤ ٥٢٢ ٥٢٤ ٥٢٦
 ٥٣٧ ٥٣٨ ٥٤٦ ٥٤٣ ٥٤٥ ٥٧٣ ٥٧٤ ٥٧٨ ٥٨٠ ٥٨٧ ٥٩٠ ٥٩١
 ٥٩٧ ٥٩٩ ٥٩٩ ٦٢٤ ٦٣٩ ٦٤٩ ٦٥٤ ٦٥٩ ٦٦٧ ٦٧٣ ٦٨٤ ٦٨٩ ٦٩٠ ٧٠٨
 ٧١٠ ٧١٢ ٧٢٢ ٧٢٥ ٧٣٤ ٧٣٥ ٧٥٤ ٧٥٧ ٧٥٨ ٧٦١ ٧٦٣ ٧٦٩
 ٧٧٠ ٧٧٢ ٧٨١ ٧٧٦ ٧٩١ ٧٩٢ ٧٩٤ ٨٠٢ ٨٠٧ ٨١٠ ٨١٢ ٨٢٧
 ٨٦٦ ٨٦٨ ٨٨٦ ٨٩٠ ٨٩٣ ٩٠٢ ٩١٢ ٩١٤ ٩٢٥ ٩٢٦ ٩٣٢ ٩٤١
 ٩٥٣ ٩٥٩ ٩٦٤ ٩٦٦ ٩٦٧ ٩٦٩ ٩٧١ ٩٧٤ ٩٨١ ٩٨٥ ٩٩٢ ٩٩٦
 ١٠٠٦ ١٠٢٢ ١٠٢٤ ١٠٣٠ ١٠٣٣ ١٠٣٧ ١٠٣٨

ج ٤/١٦٩ ٢٥٢ ٢٦١ ٣٠٥ ٣٤٢ ٣٤٩ ٣٥٠ (زكاة)

ج ۴/۵۳۱، ۵۳۲، ۵۷۴، ۵۹۰، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۳۰، ۶۵۲، ۶۵۹، ۶۶۷، ۶۶۸،
 ۶۹۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۸۲۵، ۸۳۳، ۸۴۳، ۸۹۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۸ -
 ۹۷۵، ۹۷۷، ۹۷۹، ۹۸۱، ۹۹۰، ۱۰۴۴ - ۱۰۴۶، ۱۰۴۹ (صیام)
 ج ۵/۱۶، ۳۱، ۳۴، ۴۵، ۸۶، ۱۱۰، ۱۵۷، ۱۶۳، ۲۱۳، ۲۲۴، ۲۶۴، ۲۷۰، ۳۴۲،
 ۳۴۳، ۳۵۰، ۳۷۵ - ۳۷۷، ۴۱۸، ۴۷۰، ۴۷۱، ۵۸۷، ۶۴۹، ۶۶۰، ۶۷۵، ۶۸۲، ۶۸۴،
 ۶۹۰، ۷۳۲، ۷۴۷، ۷۶۲، ۸۰۶، ۸۱۱، ۸۲۴، ۸۲۵، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۲، ۱۰۳۵،
 ۱۰۶۰ - ۱۰۶۲، ۱۰۶۶ - ۱۱۰۳، ۱۱۳۱، ۱۱۳۳، ۱۱۳۶، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰،
 ۱۲۴۹، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۵۰، ۱۳۶۶، ۱۳۹۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳،
 ۱۴۹۲، ۱۵۲۸، ۱۵۳۳، ۱۵۳۵ - ۱۵۴۲، ۱۵۴۰ - ۱۵۴۶، ۱۵۴۹، ۱۵۷۰، ۱۵۸۲،
 ۱۵۸۷، ۱۵۹۰ - ۱۵۹۶، ۱۶۰۰، ۱۶۱۹، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۵۵، ۱۶۸۳، ۱۶۹۳،
 ۱۷۰۷، ۱۷۱۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۵، ۱۷۳۵، ۱۷۶۱، ۱۷۶۹

اسحاق بن عمار ساباطی
 ج ۱/۱۳۲۳
 ج ۵/۱۰، ۱۶۸۹

اسماعیل بن ابی زیاد سکونی شعیری
 ج ۴/۱۰۱۳ (صیام)

اسمعیل بن جابر
 ج ۳/۸۷۳

ایوب بن نوح بن دراج نخعی، ابوالحسین
 ج ۴/۹۹۵ (صیام)
 ج ۵/۱۶۸۲

بکربن محمد ازدی

«اصل»

ج ۴۳۸/۲

جعفرین محمدبن جعفرین قولویه

«الوضوء»

ج ۴/۱، ۵، ۱۲، ۱۴، ۱۷، ۲۲، ۲۵، ۳۳، ۴۱، ۶۳، ۷۱، ۷۳-۷۶، ۷۸، ۷۹، ۹۵، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۲۸، ۱۳۲-۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۳، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۶، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۷-۲۲۹، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۸، ۲۷۶-۲۷۸، ۲۹۱، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۰، ۳۱۳-۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۶، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۳۸، ۳۴۳، ۳۴۶، ۳۶۸، ۳۹۱، ۴۱۶، ۴۲۳، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۵۲، ۴۵۵-۴۵۷، ۴۶۰، ۴۸۴-۴۸۶، ۴۹۹-۵۰۱، ۵۱۲، ۵۱۹، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۷-۵۲۷، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۴۹، ۵۵۵، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۱، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۷، ۶۱۳، ۶۱۹، ۶۲۵، ۶۲۹-۶۳۱، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۲، ۶۴۷، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۲، ۶۶۸، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۸، ۶۹۴، ۷۰۵، ۷۱۰، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۲۵، ۷۲۸-۷۳۶، ۷۴۴، ۷۴۷-۷۴۹، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۷-۷۷۱، ۷۷۵، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۶-۷۸۸، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۵، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۲، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۶، ۸۲۸، ۸۳۰، ۸۳۳، ۸۴۰، ۸۴۳، ۸۴۷، ۸۵۳، ۸۶۶، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۳-۸۷۳، ۸۹۰، ۸۹۴-۸۹۷، ۸۹۹، ۹۰۲، ۹۰۴، ۹۰۷، ۹۱۳-۹۱۶، ۹۲۲، ۹۲۴، ۹۲۶-۹۲۸، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۰، ۹۴۲، ۹۴۴، ۹۴۶، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۴-۹۵۶، ۹۵۸، ۹۶۱، ۹۶۹، ۹۷۳، ۹۷۸، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۳-۹۸۵، ۹۹۱-۹۹۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۸

همان

«الصلوة»

ج ۲۴۰/۳

همان

«الزکاة»

ج ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۵۱، ۲۴۹، ۲۳۲/۴

- همان
ج ۴/۴۶۹
- همان
ج ۵/۱۴۹۵، ۱۴۹۶
- حریرین عبدالله سجستانی
ج ۱/۱۰۲۱
ج ۲/۶۳۵
- همان
ج ۴/۷۱۳، ۷۲۳
- حسن بن راشد طفاوی
ج ۴/۱۰۳۸ (صیام)
- ج ۵/۸۵، ۱۶۲۵، ۱۶۲۹، ۱۶۳۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۴، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۶،
۱۷۳۸، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۵۳، ۱۷۶۶
- حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره بجلی، ابو محمد
ج ۵/۱۶۵۷
- حسن بن علی بن فضال
ج ۴/۶۴۷ - ۶۴۹ (صیام)
- حسن بن علی بن یقطين
ج ۵/۱۶۹۸
- «الصیام»
- «الحج»
- «الصلاة»
- «الصوم»
- «النوادر»
- «النوادر»
- «النوادر»
- «مسائل موسی بن جعفر رضی الله عنه»

حسن بن محبوب سرّاد، ابو علي «النوادر»
 ج ١/٤٩، ٨٠، ٤٨٢، ٥٣٠، ٨٦٦، ٩٤٧، ١٣٨٠، ١٤٠٧، ١٤٤٥، ١٤٧٠، ١٤٩١
 ج ٢/٤٨، ٢٦٠، ٩٢٨، ١٠١٣، ١٣٩١
 ج ٣/٤٣٦
 ج ٤/٣٥٩، ١٠٢٧، ١٠٤١ (صيام)
 ج ٥/١٢٥٠، ١١٠٧، ١١٤٥، ١١٧٤، ١٥٦٠، ١٦٢٦، ١٦٢٨، ١٦٣٥،
 ١٧٠٥، ١٧٠٢، ١٦٤٢

همان «المشيخة»
 ج ١/٣٢٢

حسن بن محمد بن سماعة كوفي «الصلوة»
 ج ٢/٧٦، ٩٥٨، ٩٦٤، ٩٨٢، ٩٨٤، ٩٨٨، ٩٩٢، ٩٩٩-١٠٠١، ١٠٠٧، ١٠١٦،
 ١٠٣٢، ١٠٤١، ١٠٤٣
 ج ٣/٣١٧

حسين بن سعيد بن حماد اهاوازي «الوضوء»
 ج ١/١٩، ٢٣، ٣٥، ٤٣، ٥٣، ٥٦، ١٠٠، ١٠٤، ١٠٦، ١١٠، ١٤٢، ١٤٧، ١٦٤،
 ١٦٩، ١٧٠، ١٨٦، ٢٠٨، ٢٦٠، ٢٦٥، ٢٦٧، ٣٢٩، ٣٣٩، ٣٥٥، ٣٦٢، ٣٧٠،
 ٣٧١، ٣٨١، ٣٨٣، ٣٨٨، ٣٩٣، ٣٩٦، ٤٠٦، ٤١٩، ٥١٠، ٥١١، ٥٢٥، ٥٢٦،
 ٥٣٣، ٥٣٥، ٥٤١، ٥٤٢، ٥٧٧، ٥٨١، ٥٩٢، ٦٠٢، ٦٤٩، ٦٨٢، ٦٩٨، ٧٣٤،
 ٧٧٤، ٧٩٤، ٨٤٨، ٨٥٠، ٩٢٩، ١٠١٣، ١٠١٧، ١٠٣٥، ١٠٣٨، ١٠٥٠، ١٠٦٠،
 ١٠٦٤، ١٠٧٤، ١٠٧٥، ١٠٨٧، ١٠٩٣، ١٠٩٨، ١١٠٢، ١١٠٦، ١١١٨،
 ١١٢١، ١١٢٦، ١١٢٧، ١١٣٠، ١١٣١، ١١٣٤، ١١٦٨، ١١٧٢، ١١٧٥، ١١٧٩،
 ١١٨٦، ١١٩٣، ١٢٤٧، ١٢٧٢، ١٢٧٥، ١٢٨٤، ١٢٨٥، ١٣٠٠، ١٣١٤،
 ١٣١٦، ١٣٢٠، ١٣٢١، ١٣٣١، ١٣٣٨، ١٣٥٦، ١٣٦٤، ١٣٦٦، ١٣٧٠

۱۳۷۱، ۱۳۷۴، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۹، ۱۴۱۴، ۱۴۱۷، ۱۴۲۵، ۱۴۲۸، ۱۴۴۱،
۱۴۴۴، ۱۴۵۲، ۱۴۵۵، ۱۴۸۴، ۱۴۸۶، ۱۴۹۰، ۱۵۰۵

همان «الصلوة»

ج ۲/۶-ا، ۱۱-۱۳، ۲۷-۴۱، ۴۶، ۴۷، ۵۵، ۵۹-۶۱، ۶۹، ۸۱، ۹۲، ۱۰۹،
۱۱۳، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۶-۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۳،
۱۷۴، ۱۷۶-۱۸۰، ۱۸۲-۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۹-۱۹۶، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۲،
۲۱۴، ۲۱۷-۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۶-۲۲۸، ۲۳۲-۲۳۷، ۲۴۱-۲۴۳، ۲۴۶، ۲۵۴-
۲۵۷، ۲۶۶-۲۶۹، ۲۷۶-۲۷۹، ۲۹۰-۲۹۴، ۲۹۷-۲۹۹، ۳۱۰-۳۱۳، ۳۱۷،
۳۲۰، ۳۲۱-۳۲۶، ۳۳۳-۳۴۳، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۶۱، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۷۳،
۳۸۱، ۳۹۰-۳۹۲، ۴۰۲-۴۰۶، ۴۴۱-۴۴۴، ۴۶۹، ۴۷۶، ۴۷۹، ۴۸۱-۴۸۹،
۴۹۴-۵۰۱، ۵۱۲-۵۱۵، ۵۱۸-۵۲۵، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۵۲، ۵۵۳،
۵۵۶-۵۵۸، ۵۷۱-۵۷۵، ۵۸۰-۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۲-۵۹۸،
۶۰۹، ۶۱۷، ۶۲۱، ۶۲۳، ۶۲۶-۶۲۹، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۶۴، ۶۷۰،
۶۷۶، ۶۷۹، ۶۸۶، ۶۹۱، ۶۹۲، ۷۰۰-۷۰۴، ۷۱۷-۷۲۳، ۷۲۷، ۷۳۵-۷۳۸،
۷۴۱، ۷۵۷، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۵-۷۸۸، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۵-۸۰۲، ۸۰۵-۸۰۹، ۸۱۷،
۸۳۲، ۸۴۸، ۸۵۲، ۸۵۴، ۸۶۰، ۸۶۷-۸۶۹، ۸۷۲، ۸۸۰-۸۸۳، ۸۹۲، ۹۰۱،
۹۰۴-۹۰۸، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۲۰، ۹۳۴، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۹، ۹۸۹، ۱۰۱۲، ۱۰۴۵،
۱۰۵۷-۱۰۵۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۴-۱۰۷۷، ۱۰۷۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۲، ۱۱۱۴،
۱۱۵۰، ۱۱۶۶، ۱۱۶۸، ۱۱۷۰، ۱۱۷۲-۱۱۷۴، ۱۱۷۶-۱۱۸۰، ۱۱۸۱،
۱۱۸۳، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۱۱، ۱۲۱۷، ۱۲۲۰، ۱۲۲۴، ۱۲۳۲، ۱۲۳۴، ۱۲۴۰،
۱۲۶۳، ۱۲۷۹، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۹۳، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۲۵، ۱۳۵۰-۱۳۵۳،
۱۳۶۷، ۱۳۹۰، ۱۴۱۳، ۱۴۱۶-۱۴۲۲، ۱۴۲۴، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۳۰، ۱۴۳۴،
۱۴۳۸-۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۷، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۶۹، ۱۴۷۴، ۱۴۹۶،
۱۴۹۸، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۷، ۱۵۰۹، ۱۵۱۳، ۱۵۳۴-۱۵۳۶، ۱۵۵۶، ۱۵۶۴،
۱۵۹۱، ۱۵۹۵

ج ۱۳/۳ - ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۸، ۵۱، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۶۴، ۶۶، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۵، ۹۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۷۲، ۱۷۸، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۶، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۲۱، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۵۱، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۸، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۹۷، ۴۰۰، ۴۰۸، ۴۰، ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۳۵، ۴۶۱، ۵۳۹، ۵۵۱، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۷۲، ۵۷۶، ۵۷۷، ۶۰۴، ۶۰۷، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۹، ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۳۷، ۶۴۷، ۶۵۰، ۶۵۲، ۶۵۵، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۵، ۶۶۶، ۷۱۵، ۷۱۹، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۹۸، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۹، ۸۴۸، ۸۵۸، ۸۶۱، ۸۸۷، ۸۸۹، ۸۹۵، ۹۱۶، ۹۱۸، ۹۲۰، ۹۲۹، ۹۳۴، ۹۴۰، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۵، ۹۷۷، ۹۸۲، ۱۰۰۰

همان «الزكاة»
ج ۸۴/۴، ۹۰، ۹۴، ۱۰۳، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۶۲، ۳۰۸، ۳۵۱، ۳۷۴، ۳۸۵، ۳۸۷

همان «الصوم»
ج ۴۳۴/۴، ۴۴۲، ۴۹۲، ۴۹۴، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۲۱، ۵۵۲، ۵۶۱، ۵۶۵، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۸۴، ۵۸۹، ۶۰۴، ۶۱۱، ۶۱۶، ۶۳۲، ۶۴۴، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۵، ۶۵۷، ۶۶۶، ۶۷۷، ۶۸۴، ۶۹۰، ۶۹۴، ۶۹۵، ۷۰۰، ۷۲۰، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۴۶، ۷۴۸، ۷۵۰، ۷۵۴، ۷۵۷، ۷۶۶، ۷۶۹، ۷۷۱، ۷۷۶، ۷۸۰، ۷۸۲، ۸۰۹، ۸۱۲، ۸۱۶، ۸۱۹، ۸۲۱، ۸۲۴، ۸۲۶، ۸۲۹، ۸۳۲، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۴۲، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۶، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۲، ۸۹۰، ۹۰۱، ۹۰۴، ۹۲۶، ۹۴۰، ۹۴۳، ۹۵۲، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۵، ۱۰۱۸، ۱۰۲۰

«الحج»

همان

ج ۵/۱۷، ۲۶-۲۸، ۴۰، ۵۲، ۶۴-۶۸، ۸۰، ۱۳۸، ۱۴۵-۱۴۸، ۱۵۶، ۱۶۰-
 ۱۶۲، ۱۸۸، ۱۹۰-۱۹۶، ۲۰۸، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۶۰-۲۶۳، ۲۷۷-۲۷۹،
 ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۰، ۳۳۲-۳۳۶، ۳۵۴، ۳۶۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۴۳، ۴۶۳، ۴۷۴،
 ۴۷۸، ۴۸۸، ۵۰۳-۵۰۵، ۵۱۹، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۳۱، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۵۴، ۵۵۹،
 ۵۹۱-۵۹۴، ۵۹۷، ۵۹۸، ۶۰۱، ۶۰۶، ۶۱۹، ۶۲۲-۶۲۵، ۶۲۹-۶۳۴، ۶۴۸،
 ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۸۰، ۶۸۳، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۹۱، ۶۹۴، ۶۹۶،
 ۶۹۸، ۷۰۵، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۲۰، ۷۲۲، ۷۲۴-۷۲۶، ۷۳۱، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۷،
 ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۴-۷۷۶، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۸، ۷۹۱، ۷۹۲، ۸۱۷، ۸۲۱، ۸۳۴،
 ۸۳۶-۸۴۰، ۸۴۳-۸۴۷، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۵-۸۶۷، ۸۶۹-۸۷۲، ۸۷۴، ۸۷۸،
 ۸۷۹، ۸۸۲-۸۸۵، ۸۹۵، ۹۱۳، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۳۱، ۹۳۸، ۹۴۰، ۹۴۵، ۹۴۶،
 ۹۴۸، ۹۵۱-۹۵۳، ۹۵۵، ۹۵۷-۹۶۰، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۹۱، ۹۹۵، ۹۹۹، ۱۰۰۳،
 ۱۰۱۰-۱۰۱۲، ۱۰۱۶، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۳-۱۰۲۵، ۱۰۲۸، ۱۰۳۰، ۱۰۳۶،
 ۱۰۳۹-۱۰۴۱، ۱۰۶۸، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۳، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۳، ۱۰۸۷،
 ۱۱۱۴، ۱۱۲۸-۱۱۳۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۴، ۱۱۵۲-۱۱۵۴، ۱۱۶۴-
 ۱۱۶۶، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۷، ۱۱۷۹-۱۱۸۲، ۱۱۸۷، ۱۱۹۸، ۱۲۰۱، ۱۲۱۹،
 ۱۲۵۳، ۱۲۶۳-۱۲۶۵، ۱۲۶۹، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۹-
 ۱۲۸۱، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۳۰۷، ۱۳۱۰-۱۳۱۲، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۵۳، ۱۳۵۸،
 ۱۳۶۱، ۱۳۶۳، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۸، ۱۳۹۸، ۱۴۳۸، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸،
 ۱۴۷۰، ۱۵۰۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۴، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۶۲-۱۵۶۴، ۱۵۸۵، ۱۵۹۷،
 ۱۶۴۱، ۱۷۲۴

«کتاب»

حسین بن حماد بن میمون عبدی، ابو عبدالله

ج ۲/۱۲۶۰

- حسين بن محمد بن عامر بن عمران اشعري قمى
«النوادر» ج ۲/۱۰۶۷، ۱۰۷۱، ۱۱۴۸، ۱۱۶۶، ۱۳۲۳، ۱۴۸۳، ۱۵۶۹، ۱۵۸۶
ج ۳/۵۶۲، ۷۵۱
- حسين بن يزيد بن محمد نوفلى، ابو عبدالله
«كتاب» ج ۵/۱۷۱۰، ۱۷۱۶
- حماد بن عثمان ناب
«كتاب» ج ۲/۹۲۴، ۹۵۵
- حماد بن عيسى جهنى، ابو محمد
«الصلاة» ج ۱/۹۰۶
ج ۲/۴۴۷، ۴۴۸
ج ۳/۸۳، ۳۳۰
- همان
«النوادر» ج ۴/۷۲۴، ۱۰۳۴ (صيام)
ج ۵/۱۶۰۲، ۱۶۳۷، ۱۷۰۴، ۱۷۴۲
- حميد بن زياد بن حماد دهقان، ابو القاسم
«الجامع فى انواع الشرايع» ج ۱/۱۴۱۶، ۱۴۷۱، ۱۵۰۲
ج ۳/۹۹۷، ۱۰۰۳
- داوود بن ابى يزيد
«كتاب» ج ۲/۹۲۹

۰۵۹۵، ۰۵۸۸، ۰۵۸۵، ۰۵۷۹-۰۵۷۷، ۰۵۶۷-۰۵۶۴، ۰۵۴۳، ۰۵۳۳، ۰۵۳۲، ۰۵۱۶، ۰۴۹۰،
 ۰۵۹۶، ۰۶۰۲-۰۶۰۴، ۰۶۱۰، ۰۶۱۱، ۰۶۲۲، ۰۶۲۴، ۰۶۷۸، ۰۶۸۷، ۰۶۸۸، ۰۷۱۲، ۰۷۱۳،
 ۰۷۲۴-۰۷۲۶، ۰۷۵۴، ۰۷۵۶، ۰۷۶۸، ۰۷۷۱-۰۷۷۳، ۰۷۸۴، ۰۸۰۰، ۰۸۱۵، ۰۸۳۴،
 ۰۸۴۲-۰۸۴۴، ۰۸۵۷-۰۸۵۹، ۰۸۸۷، ۰۹۰۲، ۰۹۰۳، ۰۹۰۹، ۰۹۱۰، ۰۹۱۲، ۰۹۱۷،
 ۰۹۱۸، ۰۹۲۲، ۰۹۴۴، ۰۹۵۳، ۰۹۹۰، ۰۹۹۱، ۰۱۰۴۷، ۰۱۰۵۳-۰۱۰۵۶، ۰۱۰۷۸، ۰۱۰۷۹،
 ۰۱۰۹۱، ۰۱۱۳۶، ۰۱۱۳۸-۰۱۱۴۱، ۰۱۱۵۳، ۰۱۱۷۷، ۰۱۱۸۲، ۰۱۲۱۸، ۰۱۲۴۴، ۰۱۲۴۶،
 ۰۱۲۴۸، ۰۱۲۸۷، ۰۱۲۸۸، ۰۱۳۰۱، ۰۱۳۰۲، ۰۱۳۰، ۰۱۳۴۰-۰۱۳۴۵، ۰۱۳۶۴-۰۱۳۶۶،
 ۰۱۳۶۸، ۰۱۳۶۹، ۰۱۴۴۰، ۰۱۴۴۸، ۰۱۴۴۹، ۰۱۴۷۰، ۰۱۴۷۳-۰۱۴۷۷، ۰۱۴۸۱-
 ۰۱۴۹۱، ۰۱۴۹۲، ۰۱۴۹۵، ۰۱۴۹۹، ۰۱۵۰۲، ۰۱۵۱۴، ۰۱۵۳۱، ۰۱۵۳۲، ۰۱۵۳۹

ج ۲۷/۳، ۰۵۰، ۰۶۱، ۰۷۸، ۰۸۸، ۰۹۳، ۰۱۰۵، ۰۱۰۶، ۰۱۱۲، ۰۱۲۲، ۰۱۲۸، ۰۱۳۰-۰۱۳۲،
 ۰۱۵۷، ۰۱۶۰، ۰۱۶۳، ۰۱۶۵، ۰۱۷۵، ۰۱۷۹، ۰۱۸۱، ۰۱۸۳، ۰۲۹۲، ۰۲۹۴، ۰۳۴۷، ۰۳۵۵،
 ۰۳۵۶، ۰۳۶۰، ۰۳۶۴-۰۳۶۶، ۰۳۷۳، ۰۳۸۳، ۰۳۸۶، ۰۳۸۷، ۰۳۸۹، ۰۳۹۰، ۰۴۰۴، ۰۴۶۲،
 ۰۴۶۵-۰۴۶۸، ۰۴۸۰-۰۴۸۲، ۰۴۹۶، ۰۴۹۸-۰۵۰۳، ۰۵۰۸، ۰۵۱۳-۰۵۲۰، ۰۵۲۴-۰۵۲۸،
 ۰۵۵۲-۰۵۵۴، ۰۵۵۷، ۰۵۵۹، ۰۵۶۰، ۰۵۶۹، ۰۵۷۰، ۰۵۷۵، ۰۵۸۸، ۰۵۸۹، ۰۶۰۲، ۰۶۰۳،
 ۰۶۴۵، ۰۶۴۶، ۰۶۵۳، ۰۷۱۸، ۰۷۲۹، ۰۷۳۰، ۰۸۱۴-۰۸۱۹، ۰۸۲۱، ۰۸۲۳، ۰۸۲۴، ۰۸۲۸،
 ۰۸۳۰، ۰۸۶۲-۰۸۶۴، ۰۹۱۹، ۰۹۲۱، ۰۹۲۲، ۰۹۲۸، ۰۹۳۳، ۰۹۵۱، ۰۹۵۲، ۰۹۵۶، ۰۹۵۷،
 ۰۹۷۸، ۰۹۹۳، ۰۹۹۴، ۰۱۰۲۳، ۰۱۰۲۵-۰۱۰۲۷، ۰۱۰۳۱، ۰۱۰۳۲

ج ۳۴/۴، ۰۳۷، ۰۳۹، ۰۴۸، ۰۵۲، ۰۵۳، ۰۵۹، ۰۶۱، ۰۶۲، ۰۶۷، ۰۶۹، ۰۷۲، ۰۷۸، ۰۸۳، ۰۸۷، ۰۸۸،
 ۰۹۵، ۰۹۸، ۰۹۹، ۱۰۰، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۹، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۸،
 ۱۷۲، ۱۹۲، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۲-۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۰،
 ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۶۷، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۴۳، ۲۵۲، ۲۵۵-۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱،
 ۲۶۵، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۷، ۲۸۲-۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۸-۲۹۰، ۲۹۳، ۲۹۹، ۳۰۰

ج ۴/۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۸ - ۴۵۱، ۴۶۷، ۴۷۶، ۴۸۹، ۴۹۵، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۷۱،
 ۵۹۹ - ۶۰۲، ۶۰۷، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۶، ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۸۷، ۶۹۱،
 ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۹ - ۷۱۱، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۴۹، ۷۵۳، ۷۷۲، ۷۹۸، ۸۰۲، ۸۰۳،
 ۸۱۸، ۸۲۰، ۸۳۱، ۸۳۹ - ۸۴۱، ۸۵۸، ۸۴۵، ۸۴۹، ۸۵۸، ۸۶۴، ۹۰۷، ۹۱۵،
 ۹۳۵، ۹۴۴، ۹۵۳ (صیام)

ج ۵/۸۷، ۸۹، ۱۲۲، ۲۴۶، ۲۴۹ - ۲۵۱، ۲۸۶، ۳۰۳، ۳۱۲، ۴۰۳ - ۴۰۵، ۴۱۰،
 ۴۱۱، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۶۴، ۴۹۳، ۵۰۱، ۵۰۷، ۵۱۳ - ۵۱۵، ۵۱۸،
 ۵۲۰، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۶۴، ۵۶۷، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۹۰، ۶۰۴،
 ۶۰۵، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۸، ۶۴۱، ۶۴۳، ۶۶۷، ۶۷۳،
 ۶۷۴، ۶۹۳، ۶۹۹ - ۷۰۱، ۷۰۴، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۳۴، ۷۳۹، ۷۴۸، ۷۵۹، ۷۶۰،
 ۷۷۷، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۳، ۸۷۵ - ۸۷۷، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۹۶، ۸۹۷، ۹۰۸ - ۹۱۱،
 ۹۲۵، ۹۳۶، ۹۶۱، ۹۹۲، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۶، ۱۰۶۹، ۱۰۷۴، ۱۰۸۱ - ۱۱۰۰،
 ۱۱۰۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۶، ۱۱۷۱ - ۱۱۷۳، ۱۱۷۵، ۱۱۷۸، ۱۲۹۳، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷،
 ۱۳۳۰، ۱۳۳۲، ۱۳۳۵، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲

«الوضوء»

سلمة بن خطاب براوستانی

ج ۱/۱۵۳۹، ۱۵۴۰

«ثواب الحج»

همان

ج ۵/۱۷۷۱

«کتاب»

سلیمان بن خالد بن دهقان

ج ۵/۱۶۳۰

- سماعة بن مهران بن عبدالرحمن حضرمي، ابونا شدة / ابو محمد «كتاب»
 ج ٣٠٣/٢
 ج ٤١٥/٣
 ج ١٠٢١/٤ (صيام)
- سهيل بن زياد ادمي رازي، ابو علي «النوادر»
 ج ٩٠٠/١، ٩٣٠، ١٠٦١، ١٢٣٥، ١٢٥٠، ١٣٦١، ١٣٩٠، ١٣٩٣، ١٣٩٧،
 ١٤١٣، ١٤١٥، ١٤٦٨، ١٤٨٢، ١٤٨٥، ١٤٨٧، ١٥٠١، ١٥١١
 ج ١٠١١/٢، ١٠٣٧، ١٠٣٨، ١٠٦٩، ١١٦٣، ١٢٢٩، ١٤٨٥، ١٥٦٣
 ج ٥٣٦/٣، ٦٢٠، ٦٨٨، ٧٢٧، ٧٥٥، ٧٧٦، ٧٧٩، ٩٠١، ٩٦١، ٩٨٩، ١٠٠١
 ج ١٠١٧، ١٠٠٢
 ج ١٥٨٠/٥
- صفوان بن يحيى بياح السابري، ابو محمد «الصلاة»
 ج ٤٦٩، ٤٦٨، ٥٢٨/٢
- همان «الصيام»
 ج ٧٢٢/٤
- همان «الحج»
 ج ١٦٠١/٥، ١٦٦٢، ١٦٨٦، ١٦٨٧، ١٦٩٠، ١٧٠٣، ١٧١٢، ١٧٤١، ١٧٤٩،
 ١٧٥٠، ١٧٦٣
- عامرين عبدالله بن جداعة ازدي عرب «كتاب»
 ج ٦٩٨/٢

- عباس بن معروف قمی، ابوالفضل
ج ۱/۱۵۲۵، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۴
ج ۵/۷۸، ۷۹، ۱۰۷۵، ۱۱۵۵، ۱۶۸۰، ۱۷۱۵
- «النوادر»
- عباس بن هلال شامی
ج ۲/۴۴۰
- «نسخة عن الرضا (ع)»
- عبدالله بن سنان بن ظریف
ج ۲/۴۳۷، ۱۰۹۶
- «الصلاة»
- عبدالله بن صلت قمی، ابوطالب
ج ۳/۹۸۰
- «کتاب»
- عبدالله بن مسکان
ج ۲/۴۴۶
ج ۳/۳۳۸
ج ۴/۹۵۴ (صیام)
ج ۵/۱۶۵۴
- «الحلال و الحرام»
- عبدالرحمن بن کثیر هاشمی
ج ۳/۳۱۸
- «کتاب»
- علاء بن رزین ثقفی
ج ۲/۴۳۵، ۴۳۶، ۵۳۸
- «کتاب»
- علی بن ابراهیم بن هاشم قمی،
ج ۱/۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۳، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۸۰، ۳۸۷، ۴۰۵، ۴۱۸، ۴۵۳، ۴۵۴
- «الشرايع»

.١١٢٩.١٠٩٦.١٠٩٥.١٠٨٥.١٠٨٣.١٠٦٣.٩١٧.٨٥١.٧٢٠.٤٥٩.٤٥٨
 .١٢٩٥.١٢٩٣.١٢٨٦.١٢٣١.١٢٣٠.١٢٢٣.١٢١٠ - ١٢٠٨.١١٨٣.١١٧٧
 .١٤٦٢-١٤٦٠.١٤٥٩.١٤٥١.١٤١٩.١٤١٠.١٤٠٨.١٣٩٨.١٣٥٧.١٣٢٩
 - ١٥١٢.١٥٠٠ - ١٤٩٨.١٤٩٣.١٤٨١.١٤٧٥ - ١٤٧٢.١٤٦٧.١٤٦٦
 ١٥٢٧.١٥١٦.١٥١٤

ج ٢/١٠٧.١١٢.١١٨.١١١.٧٧٩.٨٩٥.٩٤٣.٩٤٥.٩٤٨.٩٥٦.١٠١٠.١٠٣٩.
 .١١٩٧.١١٦٩.١١٦٧.١١٦٥.١١٤٦.١١٠٠ - ١٠٩٨.١٠٨٧.١٠٧٢.١٠٦٠.
 .١٣٥٩.١٣٣٠.١٣٢٨.١٣٢٧.١٣٢٤.١٣٢٢.١٢٣٦.١٢٣٣.١٢٢٦.١٢٢٣
 .١٤٩٤-١٤٩٠.١٤٨٨.١٤٣١.١٤٢٩.١٤٢٨.١٤١٨.١٣٨٩.١٣٨٧.١٣٨٦
 ١٥٨٤.١٥٥٧.١٥١٢

ج ٣/٤٨٩.٤٩٤.٤٩٥.٥٢٧.٥٤٨.٥٤٤.٥٩١.٥٩٢.٥٩٩.٦٢١.٦٤٠.
 .٧٧١.٧٥٦.٧٤٨.٧٣٨.٧٣٦.٧٢٤.٧٢١.٧٢٠.٦٩١.٦٥٦.٦٤٨.٦٤١
 ١٠٢١.١٠١١.٩٩١.٩٩٠.٩٤٨.٩٤٧.٩٢٤.٩٢٣.٩١٣.٩٠٣.٨٥٧

ج ٤/١٣٦ (زكاة) ٨٧١ (صيام)

ج ٥/٧٩٧.١١٩٧

«تفسير»

همان

ج ٤/١٢٩ (زكاة)

«مسائل»

علي بن جعفر بن محمد صادق (عليه السلام)
 ج ١/٣١٧.٣٤٥.٦٤٠.١٢٩٧.١٣٢١.١٣٢٦

ج ۸۸۴/۲

ج ۸۴۳، ۸۴۲، ۱۷۳/۳

ج ۵۱/۴ (زکاة)

۱۰۴۰، ۱۰۰۵، ۱۰۰۴، ۹۶۴ (صیام)

ج ۵/۴۸، ۴۲۱، ۷۱۹، ۱۲۴۷، ۱۶۲۰، ۱۶۴۸، ۱۶۷۸، ۱۷۰۰، ۱۷۰۸، ۱۷۱۹،

۱۷۴۵

«الصلاة»

علی بن حاتم قزوینی

ج ۳/۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۶-۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۸-۲۳۹، ۲۴۱-

۲۴۳، ۲۴۶، ۲۶۲، ۲۹۷، ۳۱۴

«الزکاة»

همان

ج ۲۲۶/۴

«الصوم»

همان

ج ۴/۴۹۰، ۴۹۱

«کتاب»

علی بن حسان واسطی منمسی، ابوالحسین

ج ۳/۳۱۷

«الوضوء»

علی بن حسن بن فضال کوفی

ج ۱/۶۸، ۲۷۴، ۲۷۵، ۳۴۴، ۳۵۳، ۴۳۹-۴۴۱، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۶۳-۴۶۶،

۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۸-۴۸۱، ۶۳۲-۶۳۷، ۷۹۶-۷۹۸، ۹۰۹، ۱۲۰۰-۱۲۰۷،

۱۲۱۱-۱۲۱۹، ۱۲۲۵-۱۲۲۹، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۵۱-۱۲۵۸، ۱۲۶۲،

۱۵۱۸

«الصلوة»

همان

ج ۳/۲۰۵-۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۲۵، ۲۲۷، ۴۳۴، ۱۰۱۹، ۱۰۴۲، ۱۰۴۶

«الزكاة و الخمس»

همان

ج ۱/۴-۹، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۲۳-۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۴۹، ۵۰، ۵۴، ۶۳، ۶۴، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۷، ۸۰، ۸۲، ۹۷، ۱۰۴، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۰۷، ۲۱۷، ۲۴۰، ۲۶۰، ۳۴۴، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۶-۳۷۱، ۳۷۶، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۱۶

«الصوم»

همان

ج ۴/۴۲۰-۴۲۸، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۶۲، ۴۶۴، ۵۴۱-۵۴۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۵، ۵۷۸، ۵۸۲، ۵۸۳، ۶۰۳، ۶۰۶، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۴۱، ۶۴۶، ۶۵۸، ۶۶۹، ۶۷۸، ۶۸۱، ۶۸۵، ۶۸۸، ۷۳۹-۷۴۱، ۷۴۳، ۷۸۳-۷۸۵، ۷۸۶، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۵، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۱۷، ۸۴۶-۸۴۸، ۸۵۰، ۸۷۲، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۸، ۸۸۱، ۸۸۳، ۸۸۵، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۹۱، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۸، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۹

«الصلوة»

على بن حسن بن محمد طاطرى كوفى، ابوالحسن

ج ۲/۶۴-۶۶، ۱۳۳-۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۵۴۹، ۶۶۱-۶۶۳، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۹۴، ۶۹۵، ۱۵۹۶-۱۵۹۸

«الجنائز»

على بن حسين بن بابويه قمى

ج ۱/۸۹۱، ۸۹۸، ۹۳۱، ۹۵۱، ۹۵۹، ۹۶۵، ۹۶۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۶، ۱۳۶۳، ۱۳۷۲، ۱۳۷۶، ۱۳۸۹، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۷، ۱۴۳۱، ۱۴۳۴، ۱۴۴۷، ۱۴۴۹، ۱۴۵۷، ۱۴۷۷، ۱۴۸۹، ۱۴۹۴، ۱۴۹۶

همان «الصلاة»

ج ۲/۹۷۹، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۹۵، ۱۰۰۷، ۱۰۱۰، ۱۰۱۲، ۱۰۱۵

ج ۳/۴۴۴، ۴۴۹، ۴۷۲، ۴۷۹

علی بن حکم کوفی «کتاب»

ج ۱/۱۴۵۳

ج ۲/۳۰۴، ۳۰۷

ج ۳/۱۴۰

علی بن محمد بن شیره کاشانی، ابوالحسن «الجامع فی الفقه»

ج ۱/۱۳۸۱

علی بن مهزیار اهوازی «الوضوء»

ج ۱/۹۳۸، ۱۱۵۶، ۱۱۶۹، ۱۳۶۷، ۱۳۸۵، ۱۵۲۶، ۱۵۳۶

همان «الصلاة»

ج ۲/۱۵۱، ۱۵۲، ۲۰۷، ۳۴۰، ۵۶۸، ۶۴۱، ۶۵۴، ۶۵۸، ۶۶۷، ۷۶۴، ۸۰۶

۸۲۲، ۱۰۰۸، ۱۰۳۶، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۸۵، ۱۳۳۱، ۱۳۷۰، ۱۳۸۸، ۱۴۴۲

۱۵۷۹، ۱۵۶۰، ۱۵۲۱، ۱۵۰۸، ۱۴۸۷

ج ۳/۲۵، ۲۶، ۷۲، ۷۶، ۳۶۸، ۳۶۹، ۷۱۷، ۸۹۱

همان «الزکاة»

ج ۴/۲۰۲، ۲۰۴، ۲۶۸، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۵۳، ۳۵۴

- همان «الصوم»
ج ۴/۴۲۰-۴۲۳، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۷۴، ۴۸۶، ۵۳۴-۵۳۶، ۵۵۳-۵۵۸
- همان «الحج»
ج ۵/۳۲۸، ۹۱۸، ۱۴۷۸، ۱۴۸۷، ۱۶۱۴، ۱۶۱۶، ۱۶۲۱، ۱۶۳۶، ۱۶۶۱، ۱۶۶۸، ۱۶۹۲، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶
- «كتاب»
عمار بن موسى سابطي، ابوالفضل
ج ۱/۱۳۲۲
ج ۴/۱۰۰۶، ۱۰۱۱، ۱۰۵۰ (صيام)
ج ۵/۱۰۴۳، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸
- «النوادر»
عمرو بن عثمان تقفي خزاز، ابو علي
ج ۵/۱۶۴۰
- «مسائل ابي الحسن موسى بن جعفر (صلوات الله عليهما)»
علي بن يقطين
ج ۲/۹۳۰
- «كتاب»
عمر بن يزيد
ج ۳/۸۴۱
ج ۵/۳۱۵
- «كتاب»
عمرو بن سعيد مدائني
ج ۲/۱۲۸۵، ۱۲۹۶
ج ۵/۱۷۳۰، ۱۷۵۲

- « کتاب » عیص بن قاسم
ج ۱۷۵۴/۵
- « کتاب » غیاث بن ابراهیم
ج ۸۶۵/۱
- « کتاب » فضالته بن ایوب
ج ۸۹۳/۱
ج ۷۰۷-۷۰۵، ۵۹۱/۲
ج ۱۷۰۹، ۱۶۵۶، ۱۶۵۳، ۱۶۵۲، ۷۶۷-۷۶۵/۵
- « کتاب » فضل بن شاذان
ج ۱۲۳۸، ۳۹۵/۱
ج ۱۵۸۵، ۱۵۱۱، ۱۴۱۷، ۱۳۶۱، ۱۲۸۳، ۱۲۲۲، ۱۲۲۱، ۱۱۴۵، ۱۱۰۲، ۱۰۷۳/۲
ج ۹۶۵، ۷۸۷، ۷۵۲، ۷۳۲، ۶۲۲، ۵۷۹/۳
ج ۶۸/۴ (زکاة)
- « کتاب » فضل بن یسار نهدی، ابوالقاسم
ج ۴۶۴/۲
ج ۳۱۶/۵
- « کتاب » قاسم بن محمد جوهری کوفی
ج ۱۰۳۱/۵
- « کتاب » لیث بن بختری المرادی، ابوبصیر / ابو محمد
ج ۱۲، ۱۱/۳

- محمد بن ابی الصهان (عبدالجبار) «روایات»
ج ۸۰/۲
ج ۱۶۴۶/۵، ۱۶۶۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۹، ۱۷۲۹، ۱۷۶۲
- محمد بن ابی عبدالله «کتاب»
ج ۱۲۶۰/۱
ج ۱۴۵/۴ (زکاة)
- محسن بن احمد «کتاب»
ج ۴۸۵/۳
- محمد بن ابی عمیر ازدی، ابواحمد «الصلاة»
ج ۱۱۹/۱، ۸۷۲، ۱۰۰۷، ۱۵۱۲، ۱۵۴۱
ج ۶۲۵، ۵۲۷/۲
ج ۷۲۳، ۴۵۹، ۲۶۴/۳
- همان «الصيام»
ج ۳۱۴/۴ (زکاة) ۷۱۵-۷۱۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۳ (صيام)
همان «مناسک الحج»
ج ۹۳/۵، ۵۱۶، ۵۴۸، ۵۸۴، ۵۸۵، ۶۵۵، ۶۵۶، ۱۰۳۴، ۱۰۸۵، ۱۱۹۶، ۱۶۳۳،
۱۷۱۴، ۱۶۳۴
- محمد بن احمد بن داوود قمی «الذخائر»
ج ۱۰/۱، ۸۱۷، ۸۸۴، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۳۵، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۷، ۱۳۹۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸

«المزار الکبیر»

همان

ج ۱/۲ ۸۹۸
ج ۵/۵ ۱۴۹۹

«البيان عن حقيقة الصيام»

همان

ج ۴/۴ ۴۵۶-۴۵۹-۴۶۱-۴۶۵-۴۷۲

«الوضوء»

محمد بن احمد بن يحيى اشعري قمی

ج ۱/۶ ۵۰-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۶۳-۵۰۶۷-۵۰۸۴-۵۰۹۶-۵۰۹۷-۶۲۰-۶۲۳-۶۶۷-۶۸۳-
۶۸۵-۶۹۲-۶۹۷-۷۱۷-۷۱۹-۷۳۵-۷۵۵-۷۶۶-۷۷۶-۷۷۷-۸۱۴-۸۱۵-
۸۲۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۴۹-۸۷۰-۸۸۰-۹۱۲-۹۵۷-۹۷۴-۹۷۹-۹۹۹-۱۰۱۱-
۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۶۴-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۱۹۶-۱۲۲۲-۱۲۴۴-۱۲۴۶-۱۲۴۸-
۱۲۶۱-۱۲۷۷-۱۲۸۱-۱۲۹۲-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۷-۱۳۳۰-۱۳۵۱-
۱۳۵۴-۱۳۶۲-۱۳۷۳-۱۳۸۲-۱۴۵۰-۱۴۵۴-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۸۸-۱۵۰۴-
۱۵۰۸-۱۵۰۷

«الصلاة»

همان

ج ۱/۲ ۱-۱۲۸-۱۳۹-۱۶۲-۲۰۴-۳۲۵-۳۶۲-۳۶۴-۳۶۶-۳۹۳-۳۹۵-۴۲۲-
۴۲۳-۴۲۵-۴۴۵-۴۴۹-۴۶۳-۴۷۵-۴۹۳-۵۳۴-۵۳۷-۵۵۱-۶۰۶-۶۱۲-
۶۱۴-۶۸۹-۶۹۶-۷۱۱-۷۳۰-۷۳۱-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۶-۷۴۸-۷۵۰-۷۵۸-
۷۶۰-۷۶۵-۷۷۰-۷۷۵-۷۸۹-۷۹۰-۸۰۸-۸۱۰-۸۱۴-۸۱۹-۸۲۳-۸۲۹-
۸۳۳-۸۳۷-۸۳۹-۸۴۹-۸۵۰-۸۸۲-۸۸۶-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۴-۸۹۷-
۸۹۷-۹۱۱-۹۲۳-۹۲۵-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۳-۱۰۴۹-۱۰۶۶-۱۰۸۳-۱۰۸۵-
۱۰۸۶-۱۰۹۳-۱۰۹۵-۱۱۰۱-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۴۴-۱۱۹۳-۱۱۹۶-
۱۲۴۷-۱۲۷۲-۱۲۷۷-۱۴۱۰-۱۴۱۲-۱۴۲۱-۱۴۶۳-۱۴۶۸-۱۴۸۴

محمد بن حسن بن فروخ صفار «الوضوء»
 ج ۱/ ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۷۲، ۱۳۳ - ۱۳۶، ۲۱۴، ۱۳۶، ۲۴۸، ۲۸۱ - ۲۸۵، ۳۰۰،
 ۳۲۰، ۳۲۵، ۳۳۲، ۳۷۵، ۳۸۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۱۰، ۵۴۸، ۵۸۶، ۷۴۰،
 ۸۸۱، ۱۰۷۰، ۱۱۳۲، ۱۳۴۶، ۱۳۵۵، ۱۳۶۸، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۴۸۰

همان «الصلاة»
 ج ۲/ ۱۴، ۴۸۰، ۷۹۲
 ج ۳/ ۳۲۰، ۴۰۲، ۴۷۳

همان «کتاب الزکاة»
 ج ۴/ ۱۴۰، ۱۴۲، ۲۲۱، ۲۴۱، ۲۵۶ - ۲۵۸، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۶۴، ۳۷۸، ۳۹۱،
 ۳۹۲، ۳۹۸، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۶ (زکاة)

همان «الصيام»
 ج ۴/ ۴۴۵ - ۴۴۷، ۵۲۸، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۱ - ۶۲۳، ۶۴۲، ۶۶۰، ۶۶۲، ۶۶۴،
 ۶۷۰، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۸۶، ۶۸۹، ۷۱۲، ۷۳۵، ۷۶۱، ۷۸۸، ۸۶۵، ۸۶۷،
 ۸۹۸، ۹۸۲، ۹۸۳، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸

همان «الحج»
 ج ۵/ ۱۶۴، ۲۹۶، ۵۴۴، ۸۰۷، ۸۶۲، ۹۸۹، ۱۰۶۳، ۱۰۶۷، ۱۰۶۷، ۱۲۵۷، ۱۲۸۴،
 ۱۲۹۲، ۱۲۹۴، ۱۳۱۶، ۱۳۵۴، ۱۴۳۰، ۱۴۳۳، ۱۴۹۳، ۱۵۱۷، ۱۵۲۰، ۱۵۴۱

محمد بن حسن بن ولید قمی «الجامع»
 ج ۱/ ۱ - ۸، ۳ - ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۳۰ - ۳۲، ۳۴، ۳۶ - ۴۰، ۴۴،
 ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۷۰، ۷۷، ۸۱، ۸۲، ۸۵ -
 ۹۳، ۹۶ - ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱ - ۱۱۵، ۱۲۱ - ۱۲۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۴،
 ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۷ - ۱۸۲، ۱۸۸ - ۱۹۲

١٩٦ - ٢٠٠، ٢٠٣ - ٢٠٥، ٢١٠، ٢١٣، ٢١٥، ٢١٧، ٢٢١، ٢٢٥، ٢٢٦، ٢٣٠،
 ٢٣١، ٢٣٣ - ٢٣٥، ٢٣٧، ٢٤٧ - ٢٥٢، ٢٥٤، ٢٦١، ٢٦٢، ٢٦٩ - ٢٧٣، ٢٩٠،
 ٢٩٤، ٢٩٥، ٣٠٢، ٣٠٧، ٣٠٩، ٣١٤، ٣١٥، ٣١٩، ٣٣٣، ٣٤٠، ٣٤٢، ٣٤٧ -
 ٣٥١، ٣٦٢، ٣٦٥، ٣٦٩ - ٣٧٧، ٣٧٩، ٣٨٤، ٣٨٥، ٣٩٠، ٣٩٢، ٤٠٢، ٤٠٧،
 ٤٠٨، ٤١٤، ٤١٥، ٤١٧، ٤٢٠ - ٤٢٢، ٤٢٧، ٤٢٨، ٤٤٧، ٤٤٧، ٤٦٧، ٤٧٠، ٤٨٣،
 ٤٨٧، ٤٨٨، ٤٩٢، ٤٩٥ - ٤٩٧، ٤٩٧، ٥٠٢، ٥٠٣، ٥١٣، ٥١٧، ٥١٨، ٥٢٤، ٥٣١،
 ٥٣٩، ٥٤٢، ٥٤٤، ٥٥٦، ٥٥٧، ٥٥٩، ٥٦٠، ٥٦٦، ٥٦٩ - ٥٦٩، ٥٧٢، ٥٧٨، ٥٧٩،
 ٥٨٠، ٥٨٥، ٥٩٤، ٥٩٥، ٥٩٨، ٦٠١، ٦٠٣ - ٦٠٦، ٦٠٦، ٦٠٨ - ٦١٢، ٦٢٤، ٦٢٤،
 ٦٤٤، ٦٤٦، ٦٥٢ - ٦٥٥، ٦٦١، ٦٦٤، ٦٦٦، ٦٦٩، ٦٧٠، ٦٧٩ - ٦٨١، ٦٨٨، ٦٨٩،
 ٦٩١، ٦٩٥، ٦٩٦، ٧٠٢ - ٧٠٤، ٧٠٦، ٧١١، ٧٢١ - ٧٢٤، ٧٢٩، ٧٣٠، ٧٣٧ -
 ٧٣٩، ٧٤٥، ٧٥٠، ٧٥٣، ٧٥٦ - ٧٥٩، ٧٦٤، ٧٦٥، ٧٨٠، ٧٨٤، ٧٨٥،
 ٧٩١، ٧٩٩ - ٨٠١، ٨٠٤، ٨٠٦، ٨١١، ٩٥٠، ٩٦٢

ج ٢٢٦/٢

ج ٢٢٣/٣، ٢٧٥، ٥١١، ٩٣٨، ٩٩٩، ١٠٠١، ١٠٠٢، ١٠٠٧، ١٠٣٦

ج ١٧٢١/٥ مكرر

«النوادر»

محمد بن حسين بن ابي الخطاب

ج ١/١٤٠٤، ١٤٠٦، ١٥١٠، ١٥٣١، ١٥٣٢

ج ٩٤/٢، ١٣٨١، ١٣٨٠

ج ٤/٤٨٣، ١٠٠٠، ١٠٠٨، ١٠٣٧ (صيام)

ج ٥/٩٣٣، ١٢٨٦، ١٤٧٩، ١٤٨٠، ١٦٠٩، ١٦١٠، ١٦١٢، ١٦٢٧، ١٦٣٢،

١٦٤٣، ١٦٤٧، ١٦٥٨ - ١٦٦٠، ١٦٦٤، ١٦٦٧، ١٦٦٩ - ١٦٧١، ١٦٧٦،

١٦٨٤، ١٦٨٥، ١٧٣٣، ١٧٣٧، ١٧٥٦

«كتاب»

محمد بن عبد الحميد

ج ١/١٥٣٣

محمد بن علی بن بابویه قمی «علل الوضوء»
 ج ۱/۳۷۳، ۳۷۴، ۳۸۶، ۵۴۰، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۵، ۵۷۶، ۵۷۶، ۶۶۵، ۶۹۰،
 ۶۹۹ - ۷۰۱، ۷۱۲، ۷۶۲، ۷۶۳، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۷، ۸۱۶، ۸۷۸، ۸۸۷، ۹۰۱،
 ۹۲۳، ۹۲۵، ۹۶۰، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۸۲، ۹۹۸، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱

همان «الصلاة»
 ج ۲/۴۲۴، ۴۲۷، ۶۹۷

همان «الصوم»
 ج ۴/۴۸۴، ۶۰۵

همان «من لا يحضره الفقيه»
 ج ۱/۳۰۴
 ج ۲/۴۱۰، ۴۶۵، ۴۷۰، ۵۳۹، ۵۴۲، ۶۹۹، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۳۱، ۹۵۷
 ج ۳/۳۱۹، ۳۲۸، ۷۴۷، ۸۴۰
 ج ۴/۸۸۹ (صیام)

محمد بن علی حلبی «کتاب»
 ج ۵/۱۰۳۳

محمد بن علی بن محبوب اشعری قمی «الوضوء»
 ج ۱/۱۳، ۲۶، ۲۷، ۶۰، ۶۶، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۴۵، ۱۵۰، ۲۰۲، ۲۶۴، ۲۷۹، ۳۰۱،
 ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۳۵، ۳۴۱، ۳۶۱، ۴۰۹، ۴۱۳، ۴۲۴، ۴۵۰، ۵۱۶، ۵۳۴، ۵۴۵،
 ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۹۳، ۶۲۸، ۶۷۸، ۷۰۷، ۷۰۹، ۸۱۳،
 ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۵، ۱۰۳۴، ۱۰۳۹، ۱۰۴۸، ۱۰۵۱، ۱۰۵۳، ۱۰۵۵،
 ۱۰۵۸، ۱۰۷۷، ۱۰۷۹، ۱۰۸۱، ۱۰۸۳، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۱، ۱۱۱۳

همان «الزکاة»

ج ۴/۱۹، ۴۰-۴۶، ۷۰، ۸۶، ۱۰۱، ۱۰۵-۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۵۸،
۱۷۹، ۱۸۰، ۲۷۰-۲۷۲، ۳۴۰، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۷۵، ۳۸۱، ۴۰۴

همان «الصیام»

ج ۴/۵۲۲-۵۲۷، ۵۳۰، ۵۳۳، ۹۶۳، ۹۷۶، ۹۸۴-۹۸۹، ۱۰۱۲، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷،
۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۳۲، ۱۰۳۹، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳

همان «الحج»

ج ۵/۱۴۱۸، ۱۴۲۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۶، ۱۴۹۷، ۱۵۸۴، ۱۵۸۶، ۱۵۸۸، ۱۵۹۹،
۱۶۴۴، ۱۷۵۹، ۱۷۶۴

محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین، ابو جعفر «النوادر»

ج ۱/۷۴۶، ۸۷۱، ۱۴۴۶

ج ۳/۲۶۵

ج ۴/۱۳۸ (زکاة) ۱۰۲۶ (صیام)

ج ۵/۳۱۱، ۷۱۴، ۱۶۲۴، ۱۶۸۸، ۱۷۵۵، ۱۷۵۸، ۱۷۶۵، ۱۷۷۰

محمد بن هیثم بن عروه تمیمی «کتاب»

ج ۴/۹۶۵-۹۶۷ (صیام)

محمد بن قاسم بن فضل بن یسار نهدي «کتاب»

ج ۵/۱۴۲۶

محمد بن مسعود عیاشی، ابوالنضر «الصلاة»

ج ۱/۱۰۳۶، ۱۰۳۷

ج ۲/۷۳۲، ۷۵۱، ۷۷۶، ۷۷۷، ۹۱۳، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۴۱، ۱۵۸۳، ۱۵۹۲-۱۵۹۵

ج ۳/۴۸۷، ۴۸۸، ۷۶۶، ۸۴۴، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۵۰

محمد بن مسلم بن رباح اوقص، ابو جعفر

«اربعمائة مسائل في ابواب الحلال و الحرام»

ج ١٠١٤/٤ (صيام)

«النوادر»

محمد بن يحيى عطار، ابو جعفر

ج ١/٣٨٢، ٤٦٢، ٩٧٥، ١٠٦٢، ١٠٨٠، ١٠٨٦، ١١٨٥، ١١٩٨، ١١٩٩، ١٢٧٦،

١٢٨٨، ١٣٥٨، ١٣٦٠، ١٣٩٢، ١٤١١

ج ٢/١٠٠٠، ١٠٠٩، ١٠٥٠-١٠٥٢، ١٢٣١، ١٢٣١، ١٣١٣، ١٣٢٦، ١٥٦٨

ج ٣/٥٩٠، ٦٢٣، ٦٨٧، ٦٩٢، ٦٩٣، ٧٨٠، ٩١٥، ٩٦٢، ١٠٢٠، ١٠٢٨، ١٠٢٩

ج ٥/١١٣، ١٧١٣، ١٧١٧

«الكافي»

محمد بن يعقوب كليني

ج ١/١١٧، ١١٨، ١٤٦، ١٦٠، ١٨٥، ٢٤٣، ٣٦٦، ٣٧٢، ٤٢٥، ٤٦١، ٤٢٦

٤٢٧، ٧٨٩، ١٠٠٣، ١٠٠٩، ١٠١٠، ١٠٩٤، ١١٠٧، ١١٩٧، ١٢٣٧، ١٥١٥

ج ٢/٢-٥، ١٨، ١٩، ٢٥، ٢٦، ٣٥-٣٨، ٥٦-٥٦، ٥٨، ٦٧، ٨٣، ٨٤، ٩٥، ١٠٣

١٢١، ١٢٤، ١٢٥، ١٣٠، ١٤١، ١٤٦، ١٤٧، ١٥٩، ١٦٣، ١٧٥، ١٨٥، ١٩٧

٢٠٣، ٢٠٨، ٢١٣، ٢٢٥، ٢٣٠، ٢٤٤، ٢٥١-٢٥٣، ٢٧٣-٢٧٥، ٢٨٩، ٢٩٥

٢٩٦، ٣٠١، ٣٠٨، ٣٠٩، ٣١١، ٣١٢، ٣١٨، ٣١٩، ٣٢٢-٣٢٢، ٣٢٤، ٣٤١، ٣٥٠

٣٥٣، ٣٦٣، ٣٦٧، ٣٧٥، ٣٧٨، ٣٨٦-٣٨٦، ٣٨٩-٣٩٦، ٤٠١-٤٠٧، ٤٠٩-٤١٦

٤١٨، ٤٢٨-٤٣٠، ٤٦٦، ٤٦٧، ٤٦٧، ٤٧٣، ٤٧٤، ٥٠٢-٥٠٣، ٥٠٨-٥١٠، ٥٣١

٥٤٤، ٥٤٧، ٥٤٨، ٥٥٤، ٥٥٥، ٥٦٢، ٥٦٣، ٥٦٩، ٥٧٠، ٥٧٦، ٥٩٩-٥٠١

٦١٥، ٦٣٧-٦٤٠، ٦٧١-٦٧٥، ٦٧٧، ٦٨٢-٦٨٥، ٧٠٨، ٧٠٩، ٧١٤-٧١٦

٧٣٣، ٧٣٤، ٧٣٩، ٧٤٠، ٧٤٢، ٧٤٧، ٧٥٢، ٧٥٥، ٧٥٩، ٧٦٣، ٧٦٧، ٧٧٨

٧٨٢، ٧٨٣، ٧٩١، ٧٩٦-٧٩٩، ٨٠١، ٨١٢، ٨١٨، ٨٢١، ٨٢٨، ٨٣٠، ٨٣٥

٨٣٦، ٨٣٨، ٨٤٠، ٨٤١، ٨٤٥-٨٤٧، ٨٥٥، ٨٥٦، ٨٦١، ٨٦٣-٨٦٦، ٨٧١

٨٨١، ٨٨٨، ٨٨٩، ٨٩٦، ٨٩٣، ٨٩٩، ٩٠٠، ٩١٤، ٩٢١، ٩٤٨

ج ۱/۳ - ۱۰، ۱۶، ۲۱، ۲۴، ۳۲، ۳۵، ۴۹، ۵۹، ۶۹، ۷۰، ۷۷، ۷۹، ۸۲، ۸۴، ۹۲، ۹۴، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۷، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۸، ۲۲۲، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۷۹، ۳۰۶، ۳۱۳، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۳۵، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۹، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۹۱، ۳۹۶، ۴۰۳، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۳، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۴، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۲، ۴۴۶، ۴۵۰، ۴۵۷، ۴۷۴، ۴۷۸، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۹۱، ۵۲۳، ۵۲۶، ۷۲۶، ۹۶۳، ۹۶۸، ۱۰۱۶، ۱۰۳۹

ج ۵/۴ - ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۶، ۲۸، ۳۱، ۳۸، ۴۷، ۵۵، ۵۸، ۶۰، ۶۵، ۶۶، ۷۵، ۷۶، ۷۹، ۸۱، ۸۵، ۸۹، ۹۱، ۹۳، ۹۶، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۷، ۱۹۳، ۱۹۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۲۰، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۸، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۳، ۲۸۳، ۲۸۶، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۴۱، ۳۷۹ (زکاة)

ج ۴/۴ - ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۹، ۵۰، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۲، ۵۱۷، ۵۳۷، ۵۴۰، ۵۴۶، ۵۵۱، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۸، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۹، ۵۸۱، ۵۹۱، ۵۹۸، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۴۰، ۶۴۳، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۶، ۶۸۳، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۷، ۷۰۱، ۷۰۳، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۲۹، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۴۲، ۷۴۵، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۳، ۷۶۵، ۷۷۰، ۷۷۳، ۷۷۵، ۷۷۷، ۷۷۹، ۷۸۷، ۷۸۹، ۷۹۱، ۷۹۴، ۷۹۷، ۷۹۹، ۸۰۱، ۸۰۴، ۸۰۷، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۳، ۸۱۵، ۸۳۰، ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۴۴، ۸۵۳، ۸۵۵، ۸۵۷، ۸۶۱، ۸۶۳، ۸۶۶، ۸۶۸، ۸۷۰، ۸۷۳، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۸۲، ۸۸۴، ۸۸۶، ۸۹۲، ۸۹۵، ۸۹۶، ۹۰۹، ۹۱۴، ۹۱۶، ۹۱۹، ۹۲۱، ۹۲۵، ۹۲۷، ۹۳۰، ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۳۹، ۹۴۵، ۹۵۱، ۹۶۰ (صیام)

ج ۱/۵- ۳، ۶، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۳۹، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۹،
 ۷۳، ۸۱، ۸۴، ۹۱، ۹۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۳،
 ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۹۲،
 ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۳، ۲۳۳، ۲۳۴،
 ۲۴۰، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۷، ۲۷۱، ۲۸۰، ۲۸۷،
 ۲۸۸، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۴، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۷، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۴۱، ۳۴۴،
 ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۶۰، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۷۴، ۳۷۸، ۳۸۱، ۳۸۹،
 ۳۹۱، ۳۹۵، ۳۹۸، ۴۰۸، ۴۲۲، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۴۰،
 ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۵۰، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۸، ۴۷۲، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۸۱، ۴۸۲،
 ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۱،
 ۵۱۷، ۵۲۱، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۳، ۵۴۶، ۵۴۷،
 ۵۴۹، ۵۵۵، ۵۵۷، ۵۶۳، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۵، ۵۹۶،
 ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۷، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۲۰، ۶۲۶، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۲،
 ۶۴۴، ۶۴۷، ۶۵۰، ۶۵۴، ۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۷۰، ۶۷۲، ۶۷۶، ۶۸۱،
 ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۶، ۷۱۱، ۷۱۳، ۷۲۱، ۷۲۷، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۴۰، ۷۴۶،
 ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۴، ۷۵۷، ۷۶۳، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۹۶، ۸۰۹، ۸۱۳، ۸۱۶، ۸۱۹، ۸۲۷،
 ۸۲۸، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۹، ۸۶۱، ۸۶۴، ۸۸۶، ۸۸۹، ۸۹۸، ۹۰۲،
 ۹۰۳، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۲،
 ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۷، ۹۴۲، ۹۴۴، ۹۴۷، ۹۵۶، ۹۵۹، ۹۶۲، ۹۶۷، ۹۷۱، ۹۷۶،
 ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۸، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۶، ۹۹۹، ۱۰۰۴، ۱۰۰۳، ۱۰۰۶، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹،
 ۱۰۹۲، ۱۰۹۴، ۱۰۹۸، ۱۱۰۲، ۱۱۰۴، ۱۱۰۶، ۱۱۰۸، ۱۱۱۱، ۱۱۱۳،
 ۱۱۱۷، ۱۱۲۱، ۱۱۲۳، ۱۱۲۵، ۱۱۲۷، ۱۱۳۵، ۱۱۳۸، ۱۱۳۸، ۱۱۴۳، ۱۱۸۸،
 ۱۱۹۱، ۱۲۱۸، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳، ۱۲۶۰، ۱۲۸۵، ۱۲۸۹،
 ۱۲۸۹، ۱۲۹۱، ۱۲۹۵، ۱۲۹۹، ۱۳۰۱، ۱۳۰۴، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۴۲، ۱۳۵۵،
 ۱۳۵۷، ۱۳۶۷، ۱۳۶۹، ۱۳۷۴، ۱۳۷۷، ۱۳۸۱، ۱۳۸۳، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹،
 ۱۴۲۴، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۳۴، ۱۴۳۷، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۵۰، ۱۴۵۳، ۱۴۷۶

۱۴۷۷، ۱۴۸۸ - ۱۴۹۱، ۱۴۹۸، ۱۵۰۰، ۱۵۰۳، ۱۵۰۶ - ۱۵۰۸، ۱۵۱۵،
۱۵۱۶، ۱۵۱۹، ۱۵۶۵ - ۱۵۶۹، ۱۵۷۱ - ۱۵۷۹

مسعدة بن صدقة عبدی
ج ۴/۹۹۴، ۱۰۲۸ (صیام)
«کتاب»

مسمع بن عبدالملک بصری
ج ۵/۹
«کتاب»

معاویة بن حکیم بن معاویة بن عمار دهنی
ج ۱/۷۴۱
«کتاب»

معاویة بن عمار بن ابی معاویة دهنی
ج ۲/۳۰۶
«الصلاة»

همان
ج ۴/۹۵۵ (صیام)
ج ۵/۱۳، ۵۱۲
«الحج»

معاویة بن میسرة
ج ۳/۴۱۴
«کتاب»

معمر بن خلاد، ابوخلاد
ج ۴/۴۷۳ (صیام)
«الزهد»

مفضل بن عمر کوفی، ابو عبدالله / ابو محمد
ج ۲/۱۴۲
«علل الشرايع»

«اصول الشرايع»

منصورين حازم بجلی، ابوايوب
ج ۸۶۵/۳

«النوادر»

موسی بن جعفر بن وهب
ج ۱۷۴۸/۵

«الصلاة»

موسی بن قاسم بجلی، ابو عبدالله
ج ۴۱۶/۳

«الصيام»

همان
ج ۶۸۲/۴ (صيام)

«الحج»

همان

ج ۵/۴، ۵، ۷، ۸، ۱۰، ۲۰، ۲۳، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۴۱، ۴۴، ۵۳، ۶۳، ۷۴،
۷۷، ۹۰، ۹۴، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۵۸،
۱۵۹، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۳،
۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۵۵،
۲۵۹، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۹۱، ۲۹۵، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۹،
۳۱۳، ۳۱۴، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۸۲،
۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۹، ۴۰۲، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۲۰، ۴۲۳، ۴۲۴،
۴۲۷، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۵۹، ۴۶۲، ۴۶۵، ۴۶۹،
۴۷۳، ۴۷۵، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۳، ۴۸۷، ۴۹۲، ۴۹۵، ۴۹۸، ۵۰۲، ۵۰۹، ۵۱۰،
۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۹، ۵۳۳، ۵۳۸، ۵۵۲، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۵، ۵۷۳، ۵۸۳، ۶۰۲،
۶۰۳، ۶۰۸، ۶۱۲، ۶۳۷، ۶۴۴، ۶۷۹، ۶۸۷، ۶۸۹، ۶۹۵، ۶۹۷، ۷۰۹، ۷۱۰،
۷۱۲، ۷۲۳، ۷۳۵، ۷۳۸، ۷۵۱، ۷۵۳، ۷۶۴، ۷۷۰، ۷۷۳، ۷۷۹، ۷۸۳،
۷۸۴، ۷۹۵، ۷۹۸، ۸۰۸، ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۸، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۲۳،
۸۲۶، ۸۲۹، ۸۳۱، ۸۳۵، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۸، ۸۵۰، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۸، ۸۷۳

۸۹۰- ۸۹۴، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۴، ۹۱۲، ۹۱۹، ۹۲۲، ۹۳۹، ۹۴۱، ۹۴۸، ۹۷۰،
 ۹۷۸، ۹۸۱، ۹۸۵، ۹۹۰، ۹۹۷، ۹۹۸، ۱۰۰۱، ۱۰۰۵، ۱۰۰۹، ۱۰۱۳، ۱۰۱۵،
 ۱۰۱۷، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۹، ۱۰۳۷، ۱۰۴۴، ۱۰۵۰، ۱۰۵۳،
 ۱۰۵۵، ۱۰۵۷، ۱۰۵۹، ۱۰۷۲، ۱۰۷۶، ۱۰۷۸، ۱۰۸۲، ۱۰۸۴، ۱۰۹۵،
 ۱۰۹۷، ۱۰۹۹، ۱۱۱۲، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۸، ۱۱۲۰، ۱۱۲۴، ۱۱۳۲، ۱۱۳۴،
 ۱۱۳۷، ۱۱۴۳، ۱۱۴۶، ۱۱۵۱، ۱۱۵۶، ۱۱۶۳، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۷۶،
 ۱۱۸۴، ۱۱۸۶، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۲، ۱۱۹۵، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۲،
 ۱۲۱۲، ۱۲۱۴، ۱۲۱۷، ۱۲۲۰، ۱۲۲۴، ۱۲۲۷، ۱۲۳۰، ۱۲۳۲، ۱۲۳۴،
 ۱۲۴۶، ۱۲۴۸، ۱۲۵۲، ۱۲۵۵، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸،
 ۱۲۷۰، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۸، ۱۲۸۲، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۹۰، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳،
 ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۲۱، ۱۳۲۵، ۱۳۳۱، ۱۳۳۳،
 ۱۳۳۴، ۱۳۳۶، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۷۳، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰،
 ۱۳۸۴، ۱۳۸۷، ۱۳۹۰، ۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۱۷، ۱۴۱۹، ۱۴۲۱، ۱۴۲۳،
 ۱۴۲۵، ۱۴۲۹، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۹، ۱۴۴۲، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶،
 ۱۴۵۶، ۱۴۶۶، ۱۴۶۹، ۱۴۷۱، ۱۴۷۵، ۱۴۸۵، ۱۵۰۲، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۹،
 ۱۵۱۴، ۱۵۱۸، ۱۵۲۱، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۶، ۱۵۵۰، ۱۵۵۹، ۱۵۶۱

«النوادر»

نضربن سوید صیرفی کوفی

ج ۱/۱۳۶۵، ۱۴۴۳

ج ۴/۷۲۱ (صیام)

هارون بن موسى بن احمد تلکبیری، ابو محمد «الجوامع فی علوم الدين»
 ج ۱/۶۷، ۳۰۸، ۳۲۴، ۳۵۲، ۴۳۳ - ۴۳۹، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۵ - ۴۷۷، ۴۸۲،
 ۴۹۸، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۲۰، ۵۲۱، ۹۱۸ - ۹۲۱، ۹۳۴
 ج ۳/۲۴۵

يعقوب بن يزيد بن حماد انباری سلمی، ابو يوسف «المسائل»
 ج ۱/۱۵۳۸

همان «نوادرالحيج»
 ج ۵/۱۰۱۸، ۱۰۴۲، ۱۲۹۸، ۱۵۸۹، ۱۶۰۳ - ۱۶۰۶، ۱۶۱۵، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱،
 ۱۶۶۵، ۱۶۷۳، ۱۶۷۷، ۱۶۷۹، ۱۶۹۱، ۱۶۹۴، ۱۷۰۱، ۱۷۲۶ - ۱۷۲۸، ۱۷۴۳،
 ۱۷۵۱، ۱۷۶۰، ۱۷۶۸.

جدول اول

فهرست منابع تهذیب به ترتیب الفبای نویسندگان و تعداد احادیث نقل شده از آنها

شماره	نام منبع	نویسنده	زمان (قرن)	احادیث در کتاب طهارت (حج ۱)	احادیث در کتاب صلوٰه (حج ۲ و ۳)	احادیث در کتاب زکاة (حج ۴)	احادیث در کتاب صیام (حج ۴)	احادیث در کتاب حج (حج ۵)	جمع
۱	کتاب	باب بن عثمان امر بجقی کوفی	۲	-	۱	-	-	-	۱
۲	الترادر	ابراهیم بن اسحاق اصری نطوئندی (موفی ۲۶۹)	۳	۱	۳	۱	-	۱	۶
۳	الترادر	ابراهیم بن عبد الحمید اسدی	۲	-	۱	-	-	-	۱
۴	البشارات	ابراهیم بن مهران اهورازی	۳	۱	-	-	۱	۱	۳
۵	الترادر	ابراهیم بن هاشم قسی	۳	۳	۲	۱	۳	۲	۱۱
۶	الصیام	ابن ریاح	۳	-	-	-	۲	-	۲
۷	الترادر	احمد بن ابراهیم صیمری	۴	-	۱	-	-	-	۱
۸	الترادر	احمد بن ادریس اشعری قسی	۳	۷	۶	-	-	-	۱۳
۹	الصلاة	احمد بن حسن (ابن فضال)	۳	-	۲	-	۶	-	۸
۱۰	المحج	احمد بن حسن (ابن فضال)	۳	-	-	-	-	-	۶
۱۱	الاحتیاج	احمد بن حسین بن سعید اهورازی	۳	-	-	-	-	۱	۱
۱۲	کتاب	احمد بن زرک غمضانی	۳	۱	-	-	-	-	۱
۱۳	الجامع	احمد بن محمد بن یحیی (م ۲۲۱)	۳	-	-	-	-	۲	۲

ادامه جدول اول

جمع	احادیث در کتاب حج (۵ ج)	احادیث در کتاب صیام (۴ ج)	احادیث در کتاب زکاة (۴ ج)	احادیث در کتاب صلوة (۳ و ۲ ج)	احادیث در کتاب طهارت (۱ ج)	زمان (قرن)	نویسنده	نام منبع	شماره
۱۴	۲	-	-	۸	۴	۳	احمد بن محمد برفی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰)	المحاسن	۱۴
۷	۱	-	۱	۳	۲	۴	احمد بن محمد همدانی - ابن عقده (۳۳۳ - ۳۴۹)	الآداب	۱۵
۱	-	-	-	۱	-	۴	احمد بن محمد همدانی - ابن عقده	الرجال	۱۶
۷	-	۷	-	-	-	۴	احمد بن محمد بن سلیمان زراری (۲۸۵ - ۳۶۷ یا ۳۶۸)	الافعال	۱۷
۱	-	-	۱	-	-	۳	احمد بن محمد بن سیار (سیاری)	النوادر	۱۸
۱	-	۱	-	-	-	۴	احمد بن محمد (ابن عیاش)	عمل شهر رمضان	۱۹
۶۹۱	۱۰۲	۴۲	۷	۴۰۳	۱۳۷	۳	احمد بن محمد بن عیسی اشعری	النوادر	۲۰
۳	۲	-	-	-	۱	۲	اسحاق بن عمار ساباطی	اصل	۲۱
۱	-	۱	-	-	-	۲	اسماعیل بن ابی زیاد سکونی	النوادر	۲۲
۱	-	-	-	۱	-	۲	اسماعیل بن جابر	کتاب	۲۳
۲	۱	۱	-	-	-	۳	ایوب بن یوسف نخعی	النوادر	۲۴
۱	-	-	-	۱	-	۲	بکر بن محمد ازدی	اصل	۲۵

ادامه جدول اول

شماره	نام منبع	نویسنده	زمان (قرون)	احادیث در کتاب طهارت (ج ۱)	احادیث در کتاب صلوة (ج ۲ و ۳)	احادیث در کتاب زکاة (ج ۴)	احادیث در کتاب صیام (ج ۴)	احادیث در کتاب حج (ج ۵)	جمع
۲۶	الروضه	جعفر بن محمد بن جعفر قولویه (متوفی ۲۶۷)	۴	۷۸۰	-	-	-	-	۷۸۰
۲۷	العلاوة	جعفر بن محمد بن جعفر قولویه	۴	-	۱	-	-	-	۱
۲۸	الزکاة	جعفر بن محمد بن جعفر قولویه	۴	-	-	۵	-	-	۵
۲۹	الصیام	جعفر بن محمد بن جعفر قولویه	۴	-	-	-	۱	-	۱
۳۰	الحج	جعفر بن محمد بن جعفر قولویه	۴	-	-	-	-	۲	۲
۳۱	العلاوة	حریر بن عبدالله سجستانی	۲	۱	-	-	-	-	۱
۳۲	الصوم	حریر بن عبدالله سجستانی	-	-	-	-	-	-	-
۳۳	الرواثر	حسن بن راشد طحاوی	۲	-	-	-	-	-	-
۳۴	الرواثر	حسن بن علی (ابن نمیر)	۲	-	-	-	-	۱	۱
۳۵	الرواثر	حسن بن علی (ابن فضال) (متوفی ۲۲۱)	۲	-	-	-	۲	-	۲
۳۶	مسائل موسی علیه السلام	حسن بن علی (ابن یقطين)	۲	-	-	-	-	۱	۱
۳۷	الرواثر	حسن بن محبوب سزاد (۱۴۹ - ۲۲۴)	۳	۱۱	۶	-	۳	۱۲	۳۲
۳۸	الشیخة	حسن بن محبوب سزاد	۳	۱	-	-	-	-	۱

جمع کل: ۲۸۹

مجموعه فقهی ابن قولویه

ادامه جدول اول

شماره	نام منبع	نویسنده	زمان (قرن)	احادیث در کتاب طهارت (ج ۱)	احادیث در کتاب صلوة (ج ۲ و ۳)	احادیث در کتاب زکاة (ج ۴)	احادیث در کتاب صیام (ج ۴)	احادیث در کتاب حج (ج ۱۵)	جمع
۳۹	الصلاة	حسن بن محمد بن سماعه (متوفی ۲۶۳)	۳	-	۶۲	-	-	-	۶۲
۴۰	الوضوء	حسین بن سعید اهوازی	۳	۱۴۳	-	-	-	-	۱۴۳
۴۱	الصلاة	حسین بن سعید اهوازی	۳	-	۵۸۸	-	-	-	۵۸۸
۴۲	الزکاة	حسین بن سعید اهوازی	۳	-	-	۳۶	-	-	۳۶
۴۳	الصیام	حسین بن سعید اهوازی	۳	-	-	-	۱۰۵	-	۱۰۵
۴۴	الحج	حسین بن سعید اهوازی	۳	-	-	-	-	۲۶۵	۲۶۵
۴۵	کتاب النوادر	حسین بن حماد عبیدی	۲	-	۱	-	-	-	۱
۴۶	کتاب النوادر	حسین بن محمد اشعری قمی	۳	-	۱۰	-	-	-	۱۰
۴۷	کتاب	حسین بن یزید نوفلی	۲	-	-	-	-	۲	۲
۴۸	کتاب	حماد بن عثمان ناب (م ۱۹۰)	۲	-	۲	-	-	-	۲
۴۹	الصلاة	حماد بن عیسی جهلی (م ۲۰۸ یا ۲۰۹)	۳	۱	۴	-	-	-	۵
۵۰	النوادر	حماد بن عیسی جهلی	۳	-	-	-	۲	۴	۶
۵۱	الجامع	حمید بن زیاد دهقان (م ۳۱۰)	۴	۲	۲	-	-	-	۵
۵۲	کتاب	داوود بن ابی یزید	۲	-	۱	-	-	-	۱
۵۳	کتاب	رویان بن صلت	۲	-	-	۲	-	-	۲

ادامه جدول اول

شماره	نام منبع	نویسنده	زمان (قرن)	احادیث در کتاب طهارت (حج ۱)	احادیث در کتاب صلوة (حج ۲ و ۳)	احادیث در کتاب زکاة (حج ۴)	احادیث در کتاب صیام (حج ۴)	احادیث در کتاب حج (حج ۵)	جمع
۵۴	روایت الباقر علیه السلام	زراره بن اعین (م ۱۵۰)	۲	-	۱	-	-	۱	۲
۵۵	کتاب	زید بن یونس شحام	۲	-	-	-	۱	۱	۲
۵۶	کتاب	سعد بن طریف اسکاف	۲	-	۱	-	-	-	۱
۵۷	الرحمة	سعد بن عبدالله اشعری (متوفی ۲۴۹ یا ۳۰۱)	۲	۷۲	۳۰۶	۷۲	۵۶	۱۰۷	۶۱۳
۵۸	الروضه	سلمة بن خطاب براوستانی	۳	۲	-	-	-	-	۲
۵۹	تواب الحج	سلمة بن خطاب براوستانی	۱	-	-	-	-	۱	۱
۶۰	کتاب	سليمان بن خالد دهقان	۲	-	-	-	-	۱	۱
۶۱	کتاب	ساعة بن مهران حضرمی (م ۱۴۵)	۲	-	۲	-	۱	-	۳
۶۲	النوار	سهیل بن زیاد ادومی رازی (زنده در ۲۵۵)	۳	۱۷	۲۱	-	-	۱	۳۹
۶۳	الصلاة	صفوان بن یحیی (م ۲۱۰)	۳	۳	-	-	-	-	۳
۶۴	الصیام	صفوان بن یحیی	۳	-	-	-	۱	-	۱
۶۵	الحج	صفوان بن یحیی	۳	-	-	-	-	۱۱	۱۱
۶۶	کتاب	عامر بن عبدالله ازدی	۲	-	۱	-	-	-	۱

ادامه جدول اول

جمع	احادیث در کتاب حج (ج ۵)	احادیث در کتاب صیام (ج ۴)	احادیث در کتاب زکاة (ج ۴)	احادیث در کتاب صلوة (ج ۳ و ۲)	احادیث در کتاب طهارت (ج ۱)	زمان (قرن)	نویسنده	نام منبع	شماره
۱۰	۶	-	-	-	۴	۲	عباس بن معروف قمی	النوار	۶۷
۱	-	-	-	۱	-	۲	عباس بن حلال شامی	نسخة عن الرضا عليه السلام	۶۸
۲	-	-	-	۲	-	۲	عبدالله بن سنان بن ظریف	الصلوة	۶۹
۱	-	-	-	۱	-	۲	عبدالله بن صلت قمی	کتاب	۷۰
۴	۱	۱	-	۲	-	۲	عبدالله بن مسکان	الحلال و الحرام	۷۱
۱	-	-	-	۱	-	۲	عبد الرحمن بن کثیر هاشمی	کتاب	۷۲
۳	-	-	-	۳	-	۲	علاء بن رزین تقفی	کتاب	۷۳
۱۴۴	۲	۱	۱	۸۰	۶۰	۳	علی بن ابراهیم قمی	الشرايع	۷۴
۱	-	۱	۱	-	-	۳	علی بن ابراهیم قمی	تفسیر	۷۵
۲۶	۱۱	۴	۱	۴	۶	۲	علی بن جعفر	مسائل موسی	۷۶
۴۳	-	-	-	۴۳	-	۴	علیه السلام	علیه السلام	۷۷
۱	-	-	۱	-	-	۴	علی بن حاتم قزوینی (زنده در ۳۵۰)	الصلوة	۷۸
۲	-	۲	-	-	-	۴	علی بن حاتم قزوینی	الزکاة	۷۹

ادامه جدول اول

شماره	نام منبع	نویسنده	زمان (قرن)	احادیث در کتاب طهارت (ج ۱)	احادیث در کتاب صلوة (ج ۱ و ۲)	احادیث در کتاب زکاة (ج ۴)	احادیث در کتاب صیام (ج ۴)	احادیث در کتاب حج (ج ۵)	جمع
۸۰	کتاب الوضوء	علی بن حسان واسطی	۲	-	۱	-	-	-	۱
۸۱	الوضوء	علی بن حسن بن فضال	۳	۶۴	-	-	-	-	۶۴
۸۲	الصلاة	علی بن حسن بن فضال	۲	-	۱۴	-	-	-	۱۴
۸۳	الزکاة و الخمس	علی بن حسن بن فضال	۳	-	-	۷۰	-	-	۷۰
۸۴	الصوم	علی بن حسن بن فضال	۲	-	-	-	۸۰	-	۸۰
۸۵	الصلاة	علی بن حسن طاطری	۲	-	۲۶	-	-	-	۲۶
۸۶	الجنائز	علی بن حسین بن بابویه قمی (م ۳۲۹)	۴	۲۶	-	-	-	-	۲۶
۸۷	الصلاة	علی بن حسین بن بابویه قمی	۴	-	۱۸	-	-	-	۱۸
۸۸	کتاب الجامع	علی بن حکم کوفی	۲	۱	۲	-	-	-	۴
۸۹	الوضوء	علی بن محمد بن شیره کاشانی	۳	۱	-	-	-	-	۱
۹۰	الصلاة	علی بن مهزیار اهرازی	۲	۷	-	-	-	-	۷
۹۱	الزکاة	علی بن مهزیار اهرازی	۲	-	۴۷	-	-	-	۴۷
۹۲	الصوم	علی بن مهزیار اهرازی	۲	-	-	۸	-	-	۸
۹۳	الصوم	علی بن مهزیار اهرازی	۲	-	-	-	۱۷	-	۱۷
۹۴	الصوم	علی بن مهزیار اهرازی	۲	-	-	-	-	۱۴	۱۴

مجموعه منابع این مقال

مجموعه منابعی علی بن مهزیار

مجموعه منابعی علی بن مهزیار

مجموعه منابعی این مقال

ادامه جدول اول

شماره	نام منبع	نویسنده	زمان (قرن)	احادیث در کتاب طهارت (ج ۱)	احادیث در کتاب صلوٰه (ج ۲ و ۳)	احادیث در کتاب زکاة (ج ۴)	احادیث در کتاب صیام (ج ۴)	احادیث در کتاب حج (ج ۵)	جمع
۹۵	کتاب النوار	عمار بن موسی سباطی	۲	۱	-	-	۳	۳	۷
۹۶	مسائل موسی علیه السلام	عمرو بن عثمان تقفی	۳	-	-	-	-	۱	۱
۹۷		علی بن یقظین (م ۱۸۲)	۲	-	۱	-	-	-	۱
۹۸	کتاب	عمر بن یزید	۲	-	۱	-	-	۱	۲
۹۹	کتاب	عمرو بن سعید مدائنی	۲	-	۲	-	-	۲	۴
۱۰۰	کتاب	عیص بن قاسم	۲	-	-	-	-	۱	۱
۱۰۱	کتاب	غیاث بن ابراهیم	۲	۱	-	-	-	-	۱
۱۰۲	کتاب	فضال بن یوآب	۲	۱	۴	-	-	۷	۱۲
۱۰۳	کتاب	فضل بن شاذان	۳	۲	۱۶	۱	-	-	۱۹
۱۰۴	کتاب	فضل بن یسار نهدی	۲	-	۱	-	-	۱	۲
۱۰۵	کتاب	قاسم بن محمد جوهری	۲	-	-	-	-	۱	۱
۱۰۶	کتاب	لیث بن یحیی	۲	-	۲	-	-	-	۲
۱۰۷	روایات	محمد بن ابی الصهبان	۳	-	۱	-	-	۶	۷
۱۰۸	کتاب	محمد بن ابی عبدالله	۳	۱	-	۱	-	-	۲

ادامہ جدول اول

شماره	نام منبع	نویسنده	زمان (قرن)	احادیث در کتاب طہارت (ع ۱)	احادیث در کتاب صلوٰۃ (ع ۲ و ۳)	کتاب زکاۃ (ع ۴)	احادیث در کتاب صیام (ع ۴)	احادیث در کتاب حج (ع ۵)	جمع
۱۰۹	کتاب	محمّد بن احمد	۲	-	۱	-	-	-	۱
۱۱۰	الصلوات	محمد بن ابی عمیر	۲	۵	۵	-	-	-	۱۰
۱۱۱	الصیام	محمد بن ابی عمیر	۲	-	-	۱	۸	-	۹
۱۱۲	مناسک الحج	محمد بن ابی عمیر	۲	-	-	-	-	۱۳	۱۳
۱۱۳	اللائعائر	محمد بن احمد بن داؤد قسّی (م ۳۷۸)	۴	۱۲	-	-	-	-	۱۲
۱۱۴	المرآة الکبیر	محمد بن احمد بن داؤد قسّی	۴	-	۱	-	-	۱	۲
۱۱۵	البیان عن حقیقۃ الصیام	محمد بن احمد بن داؤد قسّی	۴	-	-	-	۶	-	۶
۱۱۶	الوضوء	محمد بن احمد بن یحییٰ اشعری	۳	۸۸	-	-	-	-	۸۸
۱۱۷	الصلوات	محمد بن احمد بن یحییٰ اشعری	۳	-	۲۴۸	-	-	-	۲۴۸
۱۱۸	الزکاۃ	محمد بن احمد بن یحییٰ اشعری	۳	-	-	۳	-	-	۳
۱۱۹	الصیام	محمد بن احمد بن یحییٰ اشعری	۳	-	-	-	۲۱	-	۲۱
۱۲۰	الحج	محمد بن احمد بن یحییٰ اشعری	۳	-	-	-	-	۷۱	۷۱
۱۲۱	کتاب	محمد بن اسمعیل بن بزیع	۳	۲	-	-	-	-	۲

جمع کل: ۴۳۱

نوادیر الحکمة

ادامه جدول اول

شماره	نام منبع	نویسنده	زمان (قرن)	احادیث در کتاب طهارت (ج ۱)	احادیث در کتاب صلوة (ج ۳ و ۲)	احادیث در کتاب زکاة (ج ۴)	احادیث در کتاب صیام (ج ۴)	احادیث در کتاب حج (ج ۵)	جمع
۱۲۲	الوضوء	محمد بن حسن بن فروخ صفار (م ۲۹۰)	۲	۲۸	-	-	-	-	۲۸
۱۲۳	الصلاة	محمد بن حسن بن فروخ صفار	۳	-	۶	-	-	-	۶
۱۲۴	الزکاة	محمد بن حسن بن فروخ صفار	۳	-	-	۱۸	-	-	۱۸
۱۲۵	الصیام	محمد بن حسن بن فروخ صفار	۳	-	-	-	۳۰	-	۳۰
۱۲۶	الحج	محمد بن حسن بن فروخ صفار	۳	-	-	-	-	۲۰	۲۰
۱۲۷	الجامع	محمد بن حسن بن ولید قمی (م ۳۴۳)	۴	۲۶۵	۱۰	-	-	۱	۲۷۶
۱۲۸	التوادر	محمد بن حسین بن ابی الخطاب (م ۲۶۲)	۳	۵	۳	-	۴	۲۵	۳۷
۱۲۹	کتاب	محمد بن عبد الحمید	۲	۱	-	-	-	-	۱
۱۳۰	علل الوضوء	محمد بن علی بن بابویه قمی (م ۳۸۱)	۴	۳۴	-	-	-	-	۳۴
۱۳۱	الصلاة	محمد بن علی بن بابویه قمی	۴	-	۳	-	-	-	۳
۱۳۲	الصوم	محمد بن علی بن بابویه قمی	۴	-	-	-	۲	-	۲
۱۳۳	من لا یحضره	محمد بن علی بن بابویه قمی	۴	۱	۱۶	-	۱	-	۱۸
۱۳۴	کتاب القیبه	محمد بن علی حللی	۲	-	-	-	-	۱	۱

کتاب: ۱۲۱
ج: ۱
ص: ۱

کتاب: ۱۲۱
ج: ۱
ص: ۱

ادامہ جدول اول

شماره	نام منبع	نویسنده	زبان (قرن)	کتاب طهارت (حج ۱)	کتاب صلوٰۃ (حج ۲ و ۳)	احادیث در کتاب زکاة (حج ۴)	احادیث در کتاب صیام (حج ۴)	احادیث در کتاب حج (حج ۵)	جمع
۱۳۵	الروضہ	محمد بن علی بن محبوب اشعری قمی	۲	۱۲۱	-	-	-	-	۱۲۱
۱۳۶	الصلاة	محمد بن علی بن محبوب اشعری قمی	۳	-	۳۰۴	-	-	-	۳۰۴
۱۳۷	الزکاة	محمد بن علی بن محبوب اشعری قمی	۲	-	-	۲۲	-	-	۲۲
۱۳۸	الصیام	محمد بن علی بن محبوب اشعری قمی	۳	-	-	-	۲۴	-	۲۴
۱۳۹	الصحیح	محمد بن علی بن محبوب اشعری قمی	۲	-	-	-	-	۱۲	۱۲
۱۴۰	النواذر	محمد بن عیسیٰ بن یقین	۳	۳	۱	-	۱	۹	۱۵
۱۴۱	کتاب	محمد بن جہیم بن عروة	۲	-	-	-	۲	-	۲
۱۴۲	کتاب	محمد بن قاسم بن قفل	۲	-	-	-	-	۱	۱
۱۴۳	الصلاة	محمد بن مسعود عیاشی	۲	۲	۲۰	-	-	-	۲۲
۱۴۴	اربعائة مسائل	محمد بن مسلم (م ۱۵۰)	۲	-	-	-	-	-	۱
۱۴۵	النواذر	محمد بن یحییٰ عطار	۴	۱۵	۲۱	-	-	-	۲۹
۱۴۶	الکافی	محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹)	۴	۲۱	۳۰۷	۱۰۰	۱۶۷	۴۳۳	۱۰۲۷
۱۴۷	کتاب	مسند بن صدقہ عدی	۲	-	-	-	۲	-	۲
۱۴۸	کتاب	مسجع بن عبد الملک	۲	-	-	-	-	۱	۱
۱۴۹	کتاب	معاویہ بن حکیم دہقی	۲	۱	-	-	-	-	۱

جمع کل: ۵۰۲

ادامه جدول اول

شماره	نام منبع	نویسنده	زمان (قرن)	احادیث در کتاب طهارت (ج ۱)	احادیث در کتاب صلوة (ج ۲ و ۳)	احادیث در کتاب زکاة (ج ۴)	احادیث در کتاب صیام (ج ۴)	احادیث در کتاب حج (ج ۵)	جمع
۱۵۰	الصلاة	معاویة بن عمار دهنی (م ۱۷۵)	۲	-	۱	-	-	-	۱
۱۵۱	الحج	معاویة بن عمار دهنی	۲	-	-	-	۱	۲	۳
۱۵۲	کتاب	معاویة بن مبسر	۲	-	۱	-	-	-	۱
۱۵۳	الزهد	معمربن خلاد	۲	-	-	-	۱	-	۱
۱۵۴	علل الشرائع	مفضل بن عمر کوفی	۲	-	۱	-	-	-	۱
۱۵۵	اصول الشرائع	منصور بن حازم بجلي	۲	-	۱	-	-	-	۱
۱۵۶	النوادر	موسی بن جعفر بن وهب	۳	-	-	-	-	۱	۱
۱۵۷	الصلاة	موسی بن قاسم بجلي	۲	-	۱	-	-	-	۱
۱۵۸	الصیام	موسی بن قاسم بجلي	۲	-	-	-	۱	-	۱
۱۵۹	الحج	موسی بن قاسم بجلي	۲	-	-	-	-	۵۳۵	۵۳۵
۱۶۰	النوادر	نضر بن سويد صيرفي	۳	-	-	-	-	-	۳
۱۶۱	الجوامع	هارون بن موسى تلمكبرى	۴	۲۹	۱	-	-	-	۳۰
۱۶۲	المسائل	يعقوب بن يزيد انباري	۳	۱	-	-	-	-	۱
۱۶۳	نوادير الحج	يعقوب بن يزيد انباري	۳	-	-	-	-	۲۵	۲۵

جدول دوم

فهرست منابع تهذیب، به ترتیب الفبای عنوان کتاب			
شماره در جدول اول	نویسنده	زمان (قرن)	نام منبع
	«آ»		
۱۵	احمد بن محمد همدانی (ابن عقده)	۴	الآداب
	«الف»		
۱۱	احمد بن حسین بن سعید اهوازی	۳	الاحتجاج
۱۴۴	محمد بن مسلم	۲	اربعانة مسائل
۲۱	اسحاق بن عمار ساباطی	۲	اصل*
۲۵	بکر بن محمد ازدی	۲	اصل
۱۵۵	منصور بن حازم بجلی	۲	اصول الشرایع
۱۷	احمد بن محمد بن سلیمان (زراری)	۴	الافضال
	«ب»		
۴	ابراهیم بن مهزیار اهوازی	۳	البشارات
۱۱۵	محمد بن احمد بن داوود قمی	۴	البيان عن حقیقت الصيام
	«ت»		
۷۵	علی بن ابراهیم قمی	۳	تفسیر
	«ث»		
۵۹	سلمة بن خطاب براوستانی	۳	ثواب الحج

*- در مورد کتابهایی مانند اصل، الجامع، الحج، الزکاة، الصلوة، الصيام، کتاب، النوادر، الوضوء، که عنوانی مشترک برای کتابهایی مختلف با نویسندگان مختلف است، کتابها در داخل هر عنوان، به ترتیب نام اول نویسنده ذکر شده است. مثلاً: - اصل اسحاق... قبل از اصل بکر... و اگر نام اول نیز مشترک بوده، به ترتیب نام پدر نویسنده، مثلاً: - کتاب فضل بن شاذان قبل از کتاب فضل بن یسار ذکر شده است.

ادامه جدول دوم

شماره در جدول اول	نویسنده	زمان (قرن)	نام منبع
	«ج»		
۱۳	احمد بن محمد بز نظی	۳	الجامع
۵۱	حمید بن زیاد دهقان	۴	الجامع
۸۹	علی بن محمد بن شیره کاشانی	۳	الجامع
۱۲۷	محمد بن حسن بن ولید قمی	۴	الجامع
۸۶	علی بن حسین (ابن بابویه) قمی	۴	الجنائز
۱۶۱	هارون بن موسی تلعبری	۴	الجامع
	«ح»		
۱۰	احمد بن حسن (ابن فضال)	۳	الحج
۳۰	جعفر بن محمد (ابن قولویه)	۴	الحج
۴۴	حسین بن سعید اهوازی	۳	الحج
۶۵	صفوان بن یحیی	۳	الحج
۹۴	علی بن مهزیار اهوازی	۳	الحج
۱۲۰	محمد بن احمد بن یحیی اشعری	۳	الحج
۱۳۹	محمد بن علی بن محبوب اشعری	۳	الحج
۱۵۱	معاویة بن عمار	۲	الحج
۱۵۹	موسی بن قاسم بجلی	۲	الحج
۷۱	عبدالله بن مسکان	۲	الحلال و الحرام
	«ذ»		
۱۱۳	محمد بن احمد بن داوود قمی	۴	الذخائر
	«ر»		
۱۶	احمد بن محمد همدانی (ابن عقده)	۴	الرجال
۵۷	سعد بن عبدالله اشعری	۳	الرحمة

ادامه جدول دوم

شماره در جدول اول	نویسنده	زمان (قرن)	نام منبع
۱۰۷	محمد بن ابی الصهبان	۳	روایات
۵۴	زرارة بن اعین	۲	روایات الباقر علیه السلام
	«ز»		
۲۸	جعفر بن محمد (ابن قولویه)	۴	الزکاة
۴۲	حسین بن سعید اهوازی	۳	الزکاة
۷۸	علی بن حاتم قزوینی	۴	الزکاة
۹۲	علی بن مهزیار	۳	الزکاة
۱۱۸	محمد بن احمد بن یحیی اشعری	۳	الزکاة
۱۲۴	محمد بن حسن بن فروخ صفار	۳	الزکاة
۱۳۷	محمد بن علی بن محبوب اشعری	۳	الزکاة
۸۳	علی بن حسن بن فضال	۳	الزکاة والخمس
۱۵۳	معمر بن خلاد	۲	الزهد
	«ش»		
۷۴	علی بن ابراهیم قمی	۳	الشرايع
	«ص»		
۹	احمد بن حسن (ابن فضال)	۳	الصلاة
۲۷	جعفر بن محمد (ابن قولویه)	۴	الصلاة
۳۱	حریر بن عبد الله سجستانی	۲	الصلاة
۳۹	حسن بن محمد بن سماعة	۳	الصلاة
۴۱	حسین بن سعید اهوازی	۳	الصلاة
۴۹	حماد بن عیسی جهنی	۳	الصلاة
۶۳	صفوان بن یحیی	۳	الصلاة
۶۹	عبد الله بن سنان	۲	الصلاة

ادامه جدول دوم

شماره در جدول اول	نویسنده	زمان (قرن)	نام منبع
۷۷	علی بن حاتم قزوینی	۴	الصلاة
۸۲	علی بن حسن بن فضال	۳	الصلاة
۸۵	علی بن حسن طاطری	۳	الصلاة
۸۷	علی بن حسین (ابن بابویه)	۴	الصلاة
۹۱	علی بن مهزیار	۳	الصلاة
۱۱۰	محمد بن ابی عمیر	۲	الصلاة
۱۱۷	محمد بن احمد اشعری	۳	الصلاة
۱۲۳	محمد بن حسن صفار	۳	الصلاة
۱۳۱	محمد بن علی (ابن بابویه) قمی	۴	الصلاة
۱۳۶	محمد بن علی (ابن محبوب)	۳	الصلاة
۱۴۳	محمد بن مسعود عیاشی	۳	الصلاة
۱۵۰	معاویه بن عمار دهنی	۲	الصلاة
۱۵۷	موسی بن قاسم بجلی	۲	الصلاة
۶	ابن ربیع*	۳	الصیام
۲۹	جعفر بن محمد (ابن قولویه)	۴	الصیام
۳۲	حریر بن عبدالله سجستانی	۲	الصوم**
۴۳	حسین بن سعید اهوازی	۳	الصیام

*- نام او را شیخ طوسی نبرده است. احتمالاً نام وی، احمد بن محمد بن علی بن عمر باشد، که نجاشی، کتاب الصیام او را روایت کرده است.

** - برای اینکه کتابهای تحت عنوان «الصوم» و «الصیام» در کنار هم (با ترتیب الفبایی نویسندگان) قرار گیرد، تفاوت جزئی در عناوین را ندیده گرفتیم. و وحدت موضوع را بر این اختلاف جزئی مقدم داشتیم.

ادامه جدول دوم

شماره در جدول اول	نویسنده	زمان (قرن)	نام منبع
۶۴	صفوان بن یحیی	۳	الصیام
۷۹	علی بن حاتم قزوینی	۴	الصوم
۸۴	علی بن حسن بن فضال	۳	الصوم
۹۳	علی بن مهزیار اهوازی	۳	الصوم
۱۱۱	محمد بن ابی عمیر	۲	الصیام
۱۱۹	محمد بن احمد بن یحیی اشعری	۳	الصیام
۱۲۵	محمد بن حسن صفار	۳	الصیام
۱۳۲	محمد بن علی (ابن بابویه)	۴	الصوم
۱۳۸	محمد بن علی (ابن محبوب)	۳	الصیام
۱۵۸	موسی بن قاسم بجلی	۲	الصیام
	«ع»		
۱۵۴	مفضل بن عمر کوفی	۲	علل الشرایع
۱۳۰	محمد بن علی (ابن بابویه)	۴	علل الوضوء
۱۹	احمد بن محمد (ابن عیاش)	۴	عمل شهر رمضان
	«ک»		
۱۴۶	محمد بن یعقوب کلینی	۴	الکافی
۱	ابان بن عثمان	۲	کتاب
۱۲	احمد بن رزق غمشانی	۲	کتاب
۲۳	اسماعیل بن جابر	۲	کتاب
۴۵	حسین بن حماد عبدی	۲	کتاب
۴۷	حسین بن یزید نوفلی	۲	کتاب
۴۸	حماد بن عثمان ناب	۲	کتاب
۵۲	داوود بن ابی یزید	۲	کتاب

ادامه جدول دوم

شماره در جدول اول	نویسنده	زمان (قرن)	نام منبع
۵۳	ریان بن صلت	۲	کتاب
۵۵	زید بن یونس شحام	۲	کتاب
۵۶	سعد بن طریف اسکاف	۲	کتاب
۶۰	سلیمان بن خالد دهقان	۲	کتاب
۶۱	سماعه بن مهران حضرمی	۲	کتاب
۶۶	عامر بن عبدالله ازدی	۲	کتاب
۷۰	عبدالله بن صلت قمی	۲	کتاب
۷۲	عبدالرحمن بن کثیر هاشمی*	۲	کتاب
۷۳	علاء بن رزین ثقفی	۲	کتاب
۸۰	علی بن حسان واسطی	۲	کتاب
۸۸	علی بن حکم کوفی	۳	کتاب
۹۵	عمار بن موسی ساباطی	۲	کتاب
۹۸	عمر بن یزید	۲	کتاب
۹۹	عمر بن سعید مدائنی	۲	کتاب
۱۰۰	عیص بن قاسم	۲	کتاب

*- در میان اسامی که با «عبد» آغاز می شود، بعضی از نویسندگان کتاب رجال، اسامی «عبدالله» را قبل از نامهای دیگر مانند عبدالجبار، عبدالرحیم، عبدالکریم، و ... قرار می دهند. و این، کار به احترام لفظ جلاله (الله) انجام می شود. در اینجا، از این قاعده پیروی شده است. همین قاعده در برخی کتابها در حرف میم بکار می رود، که اسامی «محمد» - به احترام پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله - قبل از نامهای دیگر قرار می گیرد. در این موارد، ادب و تربیت دینی بر رعایت ترتیب الفبایی مقدم است.

ادامه جدول دوم

شماره در جدول اول	نویسنده	زمان (قرن)	نام منبع
۱۰۱	غیاث بن ابراهیم	۲	کتاب
۱۰۲	فضالة بن ایوب	۲	کتاب
۱۰۳	فضل بن شاذان	۳	کتاب
۱۰۴	فضل بن یسار نهدی	۲	کتاب
۱۰۵	قاسم بن محمد جوهری	۲	کتاب
۱۰۶	لیث بن بختری	۲	کتاب
۱۰۸	محمد بن ابی عبدالله	۲	کتاب
۱۰۹	محسن بن احمد	۲	کتاب
۱۲۱	محمد بن اسمعیل بن بزیع	۳	کتاب
۱۲۹	محمد بن عبدالحمید	۲	کتاب
۱۳۴	محمد بن علی حلبی	۲	کتاب
۱۴۲	محمد بن قاسم بن فضل	۲	کتاب
۱۴۱	محمد بن هیشم بن عروة	۲	کتاب
۱۴۷	مسعدة بن صدقة	۲	کتاب
۱۴۸	مسمع بن عبدالملک	۲	کتاب
۱۴۹	معاویة بن حکیم دهنی	۲	کتاب
۱۵۲	معاویة بن ميسرة	۲	کتاب
	«م»		
۱۴	احمد بن محمد برقی	۳	المحاسن
۱۱۴	محمد بن احمد بن داوود قمی	۴	المزار الکبیر
۳۶	حسن بن علی بن یقطین	۲	مسائل موسی بن جعفر علیه السلام
۷۶	علی بن جعفر علیه السلام	۲	مسائل موسی علیه السلام

ادامه جدول دوم

شماره در جدول اول	نویسنده	زمان (قرن)	نام منبع
۹۷	علی بن یقظین	۲	مسائل موسی علیه السلام
۱۶۲	یعقوب بن یزید انباری	۳	المسائل
۳۷	حسن بن محبوب سرّاد	۳	المشیخة
۱۱۲	محمد بن ابی عمیر	۲	مناسک الحج
۱۳۳	محمد بن علی (ابن بابویه) «ن»	۴	من لایحضره الفقیه
۶۸	عباس بن هلال شامی	۲	نسخة عن الرضا علیه السلام
۲	ابراهیم بن اسحاق نهاوندی	۳	النوادر
۳	ابراهیم بن عبد الحمید اسدی	۲	النوادر
۵	ابراهیم بن هاشم قمی	۳	النوادر
۷	احمد بن ابراهیم صیمری	۴	النوادر
۸	احمد بن ادریس اشعری	۳	النوادر
۱۸	احمد بن محمد سیاری	۳	النوادر
۲۰	احمد بن محمد اشعری	۳	النوادر
۲۲	اسمعیل بن ابی زیاد سکونی	۲	النوادر
۲۴	ایوب بن نوح نخعی	۳	النوادر
۳۳	حسن بن راشد طفاوی	۲	النوادر
۳۴	حسن بن علی (ابن مغیره)	۲	النوادر
۳۵	حسن بن علی (ابن فضال)	۳	النوادر
۳۷	حسن بن محبوب سرّاد	۳	النوادر
۴۶	حسین بن محمد اشعری	۳	النوادر

ادامه جدول دوم

شماره در جدول اول	نویسنده	زمان (قرن)	نام منبع
۵۰	حماد بن عیسی جهنی	۳	النوادر
۶۲	سهیل بن زیاد رازی	۳	النوادر
۶۷	عباس بن معروف قمی	۳	النوادر
۹۶	عمرو بن عثمان ثقفی	۳	النوادر
۱۲۸	محمد بن حسین بن ابی الخطاب	۳	النوادر
۱۴۰	محمد بن عیسی یقطینی	۳	النوادر
۱۴۵	محمد بن یحیی عطار	۴	النوادر
۱۵۶	موسی بن جعفر بن وهب	۳	النوادر
۱۶۰	نضر بن سوید صیرفی	۳	النوادر
۱۶۳	یعقوب بن یزید انباری	۳	نوادرالبحج
	«و»		
۲۶	جعفر بن محمد (ابن قولویه)	۴	الوضوء
۴۰	حسین بن سعید اهوازی	۳	الوضوء
۵۸	سلمة بن خطاب براوستانی	۳	الوضوء
۸۱	علی بن حسن بن فضال	۳	الوضوء
۹۰	علی بن مهزیار اهوازی	۳	الوضوء
۱۱۶	محمد بن احمد بن یحیی اشعری	۳	الوضوء
۱۲۲	محمد بن حسن صفار	۳	الوضوء
۱۳۵	محمد بن علی اشعری	۳	الوضوء

جدول سوم

فهرست منابع تهذیب، به ترتیب زمان تألیف*		
شماره در جدول اول	نویسنده	نام منبع
	قرن دوم	
۱۴۴	محمد بن مسلم	اربعمانه مسائل
۲۱	اسحاق بن عمار ساباطی	اصل
۲۵	بکر بن محمد ازدی	اصل
۱۵۵	منصور بن حازم بجلي	اصول الشرايع
۱۵۱	معاوية بن عمار دهنی	الحج
۱۵۹	موسی بن قاسم بجلي	الحج
۷۱	عبدالله بن مسكان	الحلال و الحرام
۵۴	زرارة بن اعین	روایات الباقر علیه السلام
۱۵۳	معمربن خلاد	الزهد
۳۱	حریر بن عبدالله سجستانی	الصلاة
۶۹	عبدالله بن سنان	الصلاة
۱۱۰	محمد بن ابی عمیر	الصلاة

*- چند نکته در مورد این جدول:

- (۱) تعیین زمان تألیف کتابها و مؤلفان آنها، بر اساس کتب رجال (عمدتاً رجال نجاشی) و بر اساس قرائن مختلف انجام شده است.
- (۲) کتابها در سه قرن (قرن ۲، ۳، ۴) تقسیم شده‌اند. تحت عنوان هر قرن، کتابها به ترتیب الفبای نام کتاب مرتب شده‌اند.
- (۳) در مورد عناوین مشترک (مانند: الصلاة، النوادر، کتاب و ...) مانند جدول قبل، کتابها به ترتیب نام مؤلف مرتب شده‌اند.
- (۴) ارجاعات، به جدول اول است.

ادامه جدول سوم

شماره در جدول اول	نویسنده	نام منبع
۱۵۰	معاویة بن عمار دهنی	الصلاة
۱۵۷	موسی بن قاسم بجلی	الصلاة
۳۲	حر یزید بن عبد الله سجستانی	الصوم
۱۱۱	محمد بن ابی عمیر	الصیام
۱۵۸	موسی بن قاسم بجلی	الصیام
۱۵۴	مفضل بن عمر کوفی	علل الشرایع
۱	ابان بن عثمان کوفی	کتاب
۱۲	احمد بن رزق غمشانی	کتاب
۲۳	اسماعیل بن جابر	کتاب
۴۵	حسین بن حماد عبدی	کتاب
۴۷	حسین بن یزید نوفلی	کتاب
۴۸	حماد بن عثمان ناب	کتاب
۵۲	داوود بن ابی یزید	کتاب
۵۳	ریان بن صلت	کتاب
۵۵	زید بن یونس شحام	کتاب
۵۶	سعد بن طریف اسکاف	کتاب
۶۰	سلیمان بن خالد دهقان	کتاب
۶۱	سماعة بن مهران حضرمی	کتاب
۶۶	عامر بن عبد الله ازدی	کتاب
۷۰	عبد الله بن صلت قمی	کتاب
۷۲	عبد الرحمن بن کثیر هاشمی	کتاب
۷۳	علاء بن رزین ثقفی	کتاب
۸۰	علی بن حسان واسطی	کتاب

ادامه جدول سوم

شماره در جدول اول	نویسنده	نام منبع
۹۵	عمار بن موسی سابطی	کتاب
۹۸	عمر بن یزید	کتاب
۹۹	عمر و بن سعید مدائنی	کتاب
۱۰۰	عیص بن قاسم	کتاب
۱۰۱	غیاث بن ابراهیم	کتاب
۱۰۲	فضالة بن ایوب	کتاب
۱۰۴	فضل بن یسار نهدی	کتاب
۱۰۵	قاسم بن محمد جوهری	کتاب
۱۰۶	لیث بن بختری	کتاب
۱۰۹	محسن بن احمد	کتاب
۱۲۹	محمد بن عبد الحمید	کتاب
۱۳۴	محمد بن علی حلبی	کتاب
۱۴۲	محمد بن قاسم بن فضل	کتاب
۱۴۱	محمد بن هیشم	کتاب
۱۴۷	مسعدة بن صدقة	کتاب
۱۴۸	مسمع بن عبد الملک	کتاب
۱۴۹	معاویة بن حکیم دهنی	کتاب
۱۵۲	معاویة بن میسرة	کتاب
۳۶	حسن بن علی بن یقطین	مسائل موسی علیه السلام
۷۶	علی بن جعفر علیه السلام	مسائل موسی علیه السلام
۹۷	علی بن یقطین	مسائل موسی علیه السلام
۱۱۲	محمد بن ابی عمیر	مناسک الحج
۶۸	عباس بن هلال شامی	نسخة عن الرضا علیه السلام

ادامه جدول سوم

شماره در جدول اول	نویسنده	نام منبع
۳	ابراهیم بن عبد الحمید اسدی	النوادر
۲۲	اسماعیل سکونی	النوادر
۳۳	حسن بن راشد طفاوی	النوادر
۳۴	حسن بن علی (ابن مغیره)	النوادر
۱۱	احمد بن حسین بن سعید	الاحتجاج
۴	ابراهیم بن مهزیار	البشارات
۷۵	علی بن ابراهیم قمی	تفسیر
۵۹	سلمة بن خطاب براوستانی	ثواب الحج
۱۳	احمد بزطی	الجامع
۸۹	علی بن محمد بن شیره کاشانی	الجامع
۱۰	احمد بن حسن (ابن فضال)	الحج
۴۴	حسین بن سعید	الحج
۶۵	صفوان بن یحیی	الحج
۹۴	علی بن مهزیار	الحج
۱۲۰	محمد بن احمد اشعری	الحج
۱۳۹	محمد بن علی (ابن محبوب)	الحج
۵۷	سعد بن عبدالله اشعری	الرحمة
۱۰۷	محمد بن ابی الصهبان	روایات
۴۲	حسین بن سعید	الزکاة
۹۲	علی بن مهزیار	الزکاة
۱۱۸	محمد بن احمد اشعری	الزکاة
۱۲۴	محمد بن حسن صفار	الزکاة
۱۳۷	محمد بن علی (ابن محبوب)	الزکاة

ادامه جدول سوم

شماره در جدول اول	نویسنده	نام منبع
۸۲	علی بن حسن بن فضال	الزکاة و الخمس
۷۴	علی بن ابراهیم قمی	الشرايع
۹	احمد بن حسن (ابن فضال)	الصلاة
۳۹	حسن بن محمد بن سماعة	الصلاة
۴۱	حسین بن سعید اهوازی	الصلاة
۴۹	حماد بن عیسی	الصلاة
۶۳	صفوان بن یحیی	الصلاة
۸۲	علی بن حسن بن فضال	الصلاة
۸۵	علی بن حسن طاطری	الصلاة
۹۱	علی بن مهزیار	الصلاة
۱۱۷	محمد بن احمد اشعری	الصلاة
۱۲۳	محمد بن حسن صفار	الصلاة
۱۳۶	محمد بن علی بن محبوب	الصلاة
۱۴۳	محمد بن مسعود عیاشی	الصلاة
۶	ابن ربیع	الصیام
۴۳	حسین بن سعید	الصیام
۶۴	صفوان بن یحیی	الصیام
۸۴	علی بن حسن بن فضال	الصوم
۹۳	علی بن مهزیار اهوازی	الصوم
۱۱۹	محمد بن احمد اشعری	الصیام
۱۲۵	محمد بن حسن صفار	الصیام
۱۳۸	محمد بن علی بن محبوب	الصیام
۸۸	علی بن حکم کوفی	کتاب
۱۰۳	فضل بن شاذان	کتاب
۱۰۸	محمد بن ابی عبدالله	کتاب

ادامه جدول سوم

شماره در جدول اول	نویسنده	نام منبع
۱۲۱	محمد بن اسمعیل بن بزیع	کتاب
۱۴	احمد بن محمد برقی	المحاسن
۱۶۲	یعقوب بن یزید انباری	المسائل
۳۷	حسن بن محبوب	المشیخة
۲	ابراهیم بن اسحاق نهاوندی	النوادر
۵	ابراهیم بن هاشم قمی	النوادر
۸	احمد بن ادریس اشعری	النوادر
۱۸	احمد بن محمد سیاری	النوادر
۲۰	احمد بن محمد اشعری	النوادر
۲۴	ایوب بن نوح نخعی	النوادر
۳۵	حسن بن علی (ابن فضال)	النوادر
۳۷	حسن بن محبوب سرّاد	النوادر
۴۶	حسین بن محمد اشعری	النوادر
۵۰	حماد بن عیسی	النوادر
۶۲	سهیل بن زیاد رازی	النوادر
۶۷	عباس بن معروف قمی	النوادر
۹۶	عمرو بن عثمان ثقفی	النوادر
۱۲۸	محمد بن حسین	النوادر
۱۴۰	محمد بن عیسی	النوادر
۱۵۶	موسی بن جعفر بن وهب	النوادر
۱۶۰	نضر بن سوید صیرفی	النوادر
۱۶۳	یعقوب بن یزید انباری	نوادرجح
۴۰	حسین بن سعید	الوضوء
۵۸	سلمة بن خطاب	الوضوء
۸۱	علی بن حسن بن فضال	الوضوء

ادامه جدول سوم

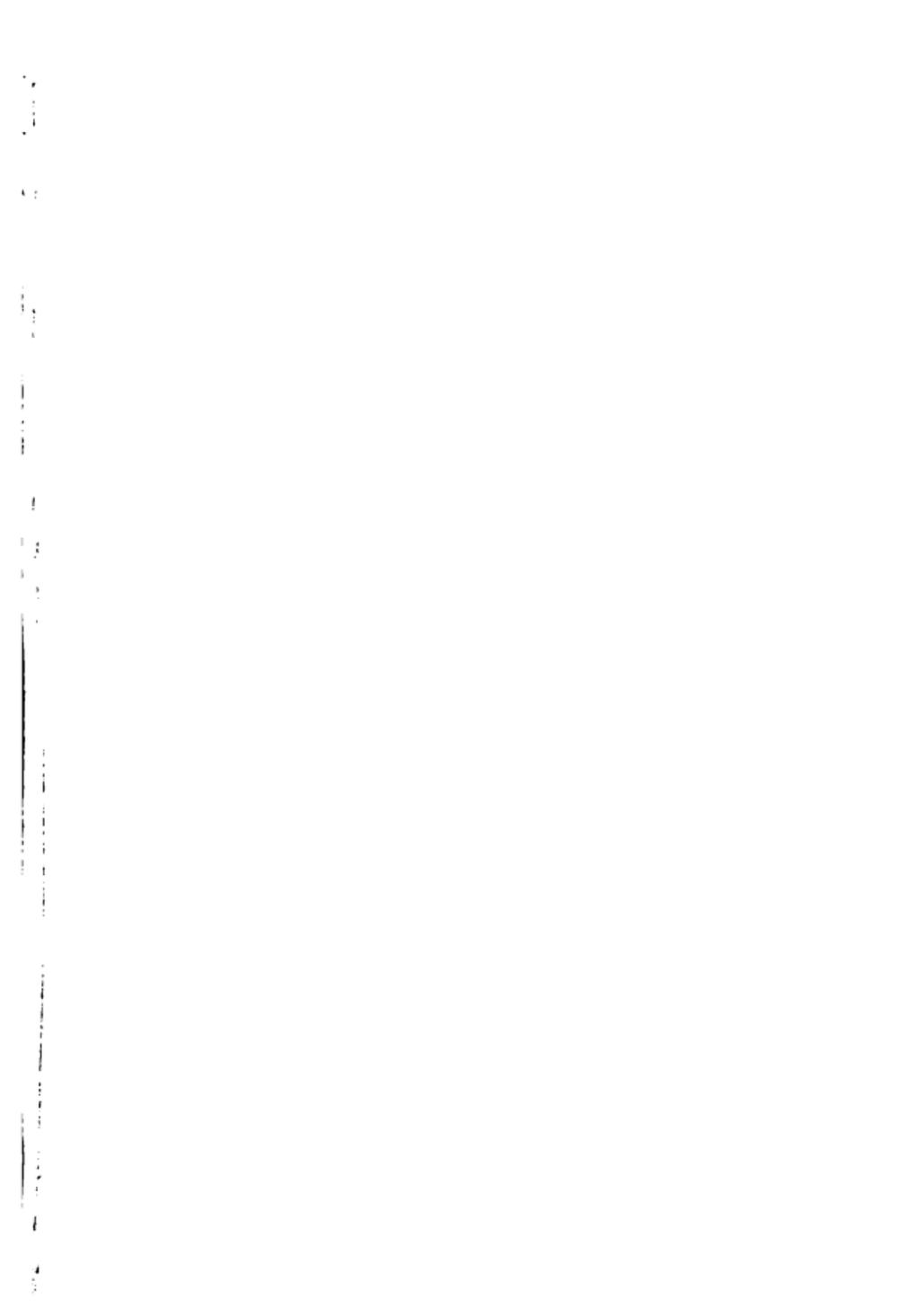
شماره در جدول اول	نویسنده	نام منبع
۹۰	علی بن مهزیار	الوضوء
۱۱۶	محمد بن احمد اشعری	الوضوء
۱۲۲	محمد بن حسن صفار	الوضوء
۱۲۵	محمد بن علی اشعری	الوضوء
۱۵	احمد بن محمد همدانی	الآداب
۱۷	احمد بن محمد زراری	الافضال
۱۱۵	محمد بن احمد بن داوود قمی	البيان عن حقيقة الصيام
۵۱	حمید بن زیاد دهقان	الجامع
۱۲۷	محمد بن حسن بن ولید قمی	الجامع
۸۶	علی بن حسین (ابن بابویه)	الجنائز
۱۶۱	هارون بن موسی تلعکبری	الجوامع
۳۰	جعفر بن محمد (ابن قولویه)	الحج
۱۱۳	محمد بن احمد بن داوود قمی	الذخائر
۱۶	احمد بن محمد (ابن عقده)	الرجال
۲۸	جعفر بن محمد (ابن قولویه)	الزکاة
۷۸	علی بن حاتم قزوینی	الزکاة
۲۷	جعفر بن محمد (ابن قولویه)	الصلاة
۷۷	علی بن حاتم قزوینی	الصلاة
۸۷	علی بن حسین (ابن بابویه)	الصلاة
۱۳۱	محمد بن علی (ابن بابویه)	الصلاة
۲۹	جعفر بن محمد (ابن قولویه)	الصيام
۷۹	علی بن حاتم قزوینی	الصوم
۱۳۲	محمد بن علی (ابن بابویه)	الصوم
۱۳۰	محمد بن علی (ابن بابویه)	علل الوضوء
۱۹	احمد بن محمد (ابن عیاش)	عمل شهر رمضان

ادامه جدول سوم

شماره در جدول اول	نویسنده	نام منبع
۱۴۶	محمد بن یعقوب کلینی	الکافی
۱۱۴	محمد بن احمد بن داوود قمی	المزار الکبیر
۱۳۳	محمد بن علی (ابن بابویه)	من لایحضره الفقیه
۷	احمد بن ابراهیم صیمری	النوادر
۱۴۵	محمد بن یحیی عطار	النوادر
۲۶	جعفر بن محمد (ابن قولویه)	الوضوء

فصل نهم

آشنایی با مؤلفان منابع
تهذیب



۱) ابان بن عثمان احمر بجلی کوفی (۱)

از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام. اصل او کوفی بوده و مدتی در بصره سکنی داشته است. اهل کوفه و بصره در باب اخبار شعراء و نسب و ایام از او روایت کرده‌اند. درباره تاریخ صدر اسلام کتابی نوشته است. بنگرید: معجم (۲) ۱۵۷/۱ - ۱۶۹، الاعلام الهادیة / ۱۴ - ۱۷، الشيخ الکلینی ۲۶۳/ - ۲۶۵.

۱- شرح حال‌ها، براساس رجال نجاشی نوشته شده، و در مواردی معدود، از منابع دیگر نیز استفاده شده است. ضمناً ارجاع به منابع دیگر - تا حد امکان - افزوده گردیده است.

البته تذکر این مهم لازم است که، در این رساله بنا بر اختصار بوده است. لذا شرح حال این بزرگان به اجمال ذکر شده است. و شرح حال تفصیلی ایشان در رساله‌ای دیگر به خامه نگارندگان آمده است. که پژوهندگان را به آن رساله ارجاع می‌دهیم.

۲- منظور از «معجم» در این فصل، «معجم رجال الحدیث» مرحوم آیه‌الله سیدابوالقاسم خویی (قم: آثار شیعه، ۱۴۱۰) است.

۲) ابراهیم بن اسحاق احمري نهاوندى، ابو اسحاق

از بزرگان شيعه در قرن سوم، اهل نهاوند، که در سال ۲۶۹ هجرى حیات داشته است. کتابهای زیادی نوشته، که برخی در تاریخ و بعضی در فقه است. آیه الله خوئی، تمام طرق روایات او را صحیح دانسته است. از او به لقب ابراهیم اعجمی و ابراهیم عجمی نیز نام برده‌اند. بنگرید: معجم ۱/ ۲۰۴ - ۲۰۹، ۱۸۲، ۳۶۱.

۳) ابراهیم بن عبدالحمید اسدی انماطی کوفی

از صحابه امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم السلام، که در نقل حدیث ثقه بود و کتاب «النودار» داشت. بنگرید: معجم ۱/ ۲۴۱ - ۲۴۶، الاعلام الهادیة / ۱۷ - ۲۰، الشیخ الكلینی / ۲۶۷ - ۲۶۸.

۴) ابراهیم بن مهزیار اهوازی

برادر علی بن مهزیار اهوازی، از اصحاب امام جواد و امام هادی و از سفرای ناحیه مقدسه حضرت مهدی علیهم السلام. در نقل حدیث ثقه بود. بنگرید: معجم ۱/ ۳۰۳ - ۳۰۸، الشیخ الكلینی / ۲۶۸ - ۲۶۹.

۵) ابراهیم بن هاشم قمی، ابو اسحاق

از صحابه امام رضا علیه السلام و شاگرد یونس بن عبدالرحمن. اصل او کوفی بود که به قم انتقال یافت. گفته‌اند: اولین کسی بود که حدیث اهل کوفه را در قم نشر داد، و ایشان به وی اعتماد داشتند. از کتابهای او، «کتاب قضایا امیر المؤمنین علیه السلام» موجود است که

با تصحیح و استدراک مرحوم سید محسن امین عاملی چاپ شده است. نزدیک به ۶۴۰۰ حدیث در کتب اربعه از طریق او روایت شده است.

وی مورد اعتماد مشایخ حدیث مانند کلینی، طوسی، ابن قولویه، ابن طاووس و دیگران بوده است. به علاوه، پسری دانشمند به نام علی بن ابراهیم داشته، که از او یاد خواهیم کرد.

بنگرید: معجم ۱/۳۱۶ - ۳۵۳.

۶) ابن رباح

شیخ طوسی به همین عنوان از او نام می‌برد. ولی احتمالاً نام وی، «احمد بن محمد بن علی بن عمر» بوده، چرا که مشخصاتی که نجاشی از «احمد بن محمد» داده، با آنچه شیخ طوسی درباره ابن رباح گفته، شباهت دارد. بیش از این اطلاعی از او نیافتیم.

بنگرید: معجم ۲۲/۱۷۹.

۷) احمد بن ابراهیم بن ابی رافع صیمری انصاری، ابوعبدالله

از نوادگان عبید بن عازب بود، که عبید، برادر براء بن عازب انصاری بود. در اصل کوفی و ساکن بغداد بود. نزد ثقة الاسلام کلینی علم آموخت. حدیثش مورد اطمینان و عقیده‌اش درست بود. درباره سقیفه، تاریخ ائمه علیهم السلام، اشربه کتاب داشت. «کتاب النوادر» او، مورد استفاده بزرگان - از جمله شیخ طوسی - بود. به دلیل نسب خانوادگی، به نام «احمد بن ابراهیم انصاری» نیز از او یاد کرده‌اند.

بنگرید: معجم ۲/۲۷ - ۳۰ و ۱۷، الشیخ الكلینی/ ۹۷ - ۹۸.

۸) احمد بن ادریس بن احمد اشعری قمی، ابوعلی

معاصر امام حسن عسکری علیه السلام، از خاندان بزرگ و مشهور اشعری قمی بود. کتاب «النوادر» او را کتابی مفصل و پر فایده دانسته‌اند. بیش از هزار حدیث او، به دست نجاشی رسیده است. نشانی ۵۳۷ حدیث منقول از او در کتاب کافی را می‌توان در کتاب: الشیخ الكلینی / ۳۶۸ - ۳۷۳ یافت. در سال ۳۰۶، در قریه قرعاء، در راه مکه به کوفه، از دنیا رفت.
بنگرید: معجم ۲/ ۳۸ - ۴۳.

۹) احمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن فضال بن عمر بن ایمن، ابو عبدالله

از اصحاب امام هادی و امام عسکری علیهما السلام، و از فقها و علمای بزرگ شیعه. به روایت شیخ طوسی در کتاب غیبت، امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «آنچه بنی فضال (احمد و برادرانش) از ما روایت کرده‌اند، بیذیرید.» در کتابهای رجال، گاهی از او به حذف بعضی از اجداد، و گاهی به نام «ابن فضال» نام برده‌اند.
بنگرید: معجم ۲/ ۷۶ - ۸۲.

۱۰) احمد بن حسین بن سعید بن حماد بن سعید بن مهران اهوازی، ابو جعفر
فرزند «حسین بن سعید» که در آینده می‌شناسیم. کتاب «الاحتجاج» و چند کتاب دیگر نگاشت. در قم درگذشت و همانجا مدفون شد.
بنگرید: معجم ۲/ ۹۳ - ۹۵.

۱۱) احمد بن رزق غمشانی بجلی کوفی

از اصحاب امام صادق علیه السلام، معتمد و صاحب کتاب بوده است.

بنگرید: معجم ۲/ ۱۱۵، تنقیح المقال ۱/ ۶۱.

۱۲) احمد بن محمد بن ابی نصر سکونی بزندی، ابو جعفر / ابوعلی

اهل کوفه و از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام بود. نزد ائمه علیهم السلام جایگاهی ویژه داشت. و کتابهایی - از جمله «الجامع» و «النوادیر» - به یادگار گذاشت.

در سال ۲۲۱، هشت ماه پس از حسن بن علی بن فضال درگذشت.

بنگرید: معجم ۲/ ۲۳۱ - ۲۴۳، الاعلام الهادیة / ۲۴ - ۲۷، الشیخ الكلینی /

۲۸۸ - ۲۸۹.

۱۳) احمد بن محمد (ابی عبدالله) بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی

برقی، ابو جعفر

از بزرگان شیعه، و از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام، که هزاران حدیث از او روایت شده است. اصل او کوفی بود. جدّ او - محمد بن علی - را والی عراق (یوسف بن عمر) پس از قتل زید شهید حبس کرده و سرانجام به شهادت می‌رساند. «خالد» که در این هنگام سن کمی داشته، همراه پدرش عبدالرحمن به قم فرار کرده و سکنی گزید.

کتابهای بسیاری نوشته، که محمد بن جعفر بن بطه، فهرست مبسوط آنها را نگاشته است. کتابهای «رجال» و «محاسن» او موجود است. «محاسن» را، برخی از محدثان، هم رتبه کتب اربعه می‌دانند.

سال وفات او را ۲۷۴ یا ۲۸۰ گفته‌اند.

بنگريد: معجم ۲/ ۲۶۱ - ۲۷۰، الاعلام الهاديّة / ۲۳ - ۲۴، الشيخ الكليني / ۳۷۴ - ۳۷۵ و ۴۳۷ - ۴۴۲، طبقات المفسرين (داوودي) ۱/ ۷۲، مقدمه «المحاسن» نوشته مرحوم سيد جلال الدين محدث ارموي، و مقدمه «المحاسن» چاپ جديد نوشته سيد مهدي رجايي اصفهاني.

۱۴) احمد بن محمد بن سعيد همداني (ابن عقده)، ابو العباس

نسب او - به روايت نجاشي - چنين است: احمد بن محمد بن سعيد بن عبدالرحمن بن زياد بن عبدالله بن زياد بن عجلان مولي عبدالرحمن بن سعيد بن قيس سبيعي همداني

به «ابن عقده» شهرت داشت. از بزرگان اهل حديث بود، که از حافظه بسيار قوي او حکايات مختلف نقل مي شد. بسيار ثقه و امانت دار بود. شيخ طوسي در «رجال» خود مي گويد: «سيصد هزار حديث از حفظ داشت، که صد و بيست هزار را با سند بيان مي کرد.» نعماني در کتاب «الغيبه» گويد: «در معتمد بودن و آشنائي او به حديث، ترديدی نيست.» وي، از مشايخ کليني بوده است. در سال ۲۴۹ زاده شد و در ۳۳۳ در کوفه از دنيا رفت. بنگريد: معجم ۲۲/ ۱۹۷، ۲/ ۲۷۴ - ۲۸۰، الشيخ الكليني / ۲۸۹ - ۲۹۰.

۱۵) احمد بن محمد بن سليمان (ابو غالب زراري)

نسب او چنين است: احمد بن محمد بن سليمان بن حسن بن جهم بن بکير بن اعين بن سنسن، و به ابو غالب زراري ملقب بود. از فقها و محدثان مورد اعتماد قرن چهارم، اصل او کوفي بود و در بغداد سکنی گزيده. و روايات بسياري از او نقل شد. وي از شاگردان کليني نيز بود.

کتابهایی در فقه و تاریخ نوشت، که «رسالة ابي غالب الزراري في آل اعين» (در شرح حال دانشمندان و فقهای خاندان اعین) امروز موجود است، و با تحقیق سید محمدرضا جلالی حسینی همراه تکمله‌ای از ایشان، تحت عنوان «معجم الاعلام من آل اعين الكرام» چاپ شده است (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۱ قمری). ابو غالب در ۲۸۵ متولد شد و در سال ۳۶۷ یا ۳۶۸ درگذشت.

بنگرید: معجم ۲/ ۲۸۰ - ۲۸۲، الشيخ الكليني / ۱۰۱ - ۱۰۲، مقدمه رسالة في آل اعين.

۱۶) احمد بن محمد بن سیار ابو عبدالله کاتب بصری (سیاری)، ابو یعقوب از کاتبان آل طاهر، که در زمان امام هادی و امام عسکری علیهما السلام می‌زیست. و در زمره اصحاب امام عسکری علیه السلام نیز یاد شده است.

کتابهای بسیاری نگاشته که بعضی از آنها - از جمله نوادر - به دست نجاشی و طوسی رسیده است.

بنگرید: معجم ۲/ ۲۸۲ - ۲۸۴، الشيخ الكليني / ۳۱۰.

۱۷) احمد بن محمد بن عبیدالله بن حسن بن عیاش جوهری، (ابن عیاش) ابو عبدالله پدر و جدش از بزرگان بغداد بودند. احادیث بسیاری روایت کرد. و کتب چندی نگاشت، که از آن میان، «مقتضب الاثر في عدد الائمة الاثنی عشر» موجود است. وی اخبار و کلای امام جواد تا امام مهدی علیهم السلام و نواب خاصه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه را در کتاب «اخبار و کلاء الائمة الاربعة» ثبت کرد.

نجاشی گوید: «جوهری را دیده بودم. با خودم و پدرم دوست بود. و احادیث

زیادی از او شنیدم که - به عللی - روایت نکردم. در علم و ادب قوی بود، شعر نیکو می‌گفت و خطی زیبا داشت. و در سال ۴۰۱ درگذشت.»
از آنجا که یکی از مشایخ او، ابن عقده بوده، در زمره معمرین به شمار می‌رود.

بنگرید: معجم ۲/۲۸۸ - ۲۹۰.

۱۸) احمد بن محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک اشعری قمی،
ابوجعفر

از اصحاب امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم السلام، شیخ قمی‌ها و چهرهٔ موجه و فقیه آنها. متقدمین و متأخران، او را توثیق کرده‌اند. از مشایخ کلینی، که تنها در فروع کافی، ۶۹۵ حدیث از او نقل کرده است. شیخ طوسی نیز از «نوادری» او بسیار نقل حدیث کرده است. قسمتی از این کتاب «نوادری» به دست شیخ حرّ عاملی رسیده، که هم اکنون موجود است. این ندیم سه کتاب برایش نام برده است.

بنگرید: معجم ۲/۲۹۵ - ۳۱۷، الاعلام الهادیة / ۲۸ - ۳۱، مفاخر اسلامی
۱/۳۸۲ - ۴۲۴، الشیخ الكلینی / ۲۹۱ - ۲۹۲ و ۴۳۰ - ۴۳۷.

۱۹) اسحاق بن عمار بن حیّان صیرفی، ابویعقوب

از خاندانی دانش‌پرور، که برادرانش یونس، یوسف، قیس و اسمعیل و نیز فرزندان برادرش علی بن اسمعیل و بشیر بن اسمعیل، از بزرگان محدثان شیعه بودند.
اسحاق، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرد. کتاب «نوادری» او در اختیار نجاشی و طوسی بوده است.

بنگرید: معجم ۳/۵۲ - ۶۴.

(۲۰) اسمعیل بن ابی زیاد سکونی شعیری

از اصحاب امام صادق علیه السلام بود. کتاب او را نجاشی و طوسی روایت کرده‌اند. بنگرید: معجم.

(۲۱) اسمعیل بن جابر

از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام بود. کلینی در فروع کافی ۲/۳ از کتاب او حدیثی نقل کرده است. طوسی او را ثقه و ممدوح دانسته است. بنگرید: معجم ۳/۱۱۵ - ۱۲۳.

(۲۲) ایوب بن نوح بن دراج نخعی کوفی قاضی، ابوالحسین

از خاندانی عالم و متقی برخاست: پدرش نوح بن دراج، صحیح الاعتقاد، متدین، متقی، از اصحاب امام صادق علیه السلام بود که مدتی در کوفه به قضاوت اشتغال داشت و در سال ۱۸۲ درگذشت و برادرش جمیل نیز از بزرگان شیعه بود.

ایوب بن نوح، از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام بود، که در تقوی و کثرت عبادت، زبانزد و در نقل روایات از ایشان بسیار مورد اعتماد بود. وکالت آن امامان بزرگوار را به عهده داشت. و در کتب رجال، او را در زمره بندگان صالح خدا شمرده‌اند. بنگرید: معجم ۳/۲۶۰ - ۲۶۶.

(۲۳) بکر بن محمد بن عبدالرحمن بن نعیم ازدی غامدی، ابو محمد

آل نعیم غامدی، خاندانی معتبر در کوفه بودند. بکر بن محمد، راوی معتمدی بود که اخبار بسیار از او نقل شد، و عمری طولانی داشت.

او را از اصحاب امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم السلام بر شمرده‌اند.
بنگرید: معجم ۳/۳۵۱-۳۵۸، الشیخ الکلینی / ۲۹۴-۲۹۵.

(۲۴) جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه، ابوالقاسم
از بزرگان شیعه و بسیار موثق بود. کتب فراوانی داشت، که «کامل الزیارات»
او موجود است. و با تصحیح علامه عبدالحسین امینی چاپ شده است. (نجف:
مرتضوی، ۱۳۵۶ قمری).

بنگرید: معجم ۴/۱۰۶-۱۰۸ و ۱۱۶، الشیخ الکلینی / ۱۰۳-۱۰۴، مفاخر
اسلامی ۳/۱۳۲-۱۵۲، مقدمه ترجمه منتخب کامل الزیارات (تهران: میقات،
۱۳۶۵)، که حدود چهل مأخذ درباره ابن قولویه بر شمرده است.

(۲۵) حریر بن عبدالله سجستانی از دی، ابومحمد
از بزرگان شیعه، اهل کوفه، که به تجارت روغن اشتغال داشت و به سیستان رفت و
آمد زیاد می‌کرد. و بالاخره به خاطر دفاع از شیع در همان منطقه به شهادت رسید.
ابن حجر (رجالی اهل سنت) در «لسان المیزان» نیز او را به نیکی یاد می‌کند.
بنگرید: معجم ۴/۲۹۴-۲۶۲، الاعلام الهادیة / ۳۹-۴۴، الشیخ الکلینی /
۲۹۶-۲۹۷.

(۲۶) حسن بن راشد طفاوی
دانشمندی بزرگوار، صاحب کتاب نوادر. خوبی در معجم احتمال داده که او
همان حسن اسد طفاوی - از اصحاب امام رضا علیه السلام - باشد.
بنگرید: معجم ۴/۳۲۲.

(۲۷) حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره بجلی کوفی، ابو محمد نجاشی، او را به عنوان «ثقة ثقة» (تأکید بر وثوق به او) می‌ستایند. بنگرید: معجم ۵/۶۹ - ۷۰.

(۲۸) حسن بن علی بن فضال کوفی

در نیمه دوم قرن دوم و ربع اول قرن سوم می‌زیست. فضل بن شاذان که او را درک کرده، از عبادت‌های زیاد او سخن می‌گوید. ابتدا فطحنی مذهب (پیرو عبدالله افطح) بود و در اواخر عمر به مذهب حق گروید. او را در شمار اصحاب امام رضا علیه السلام بر شمرده‌اند. در سال ۲۲۴ درگذشت. بنگرید: معجم ۵/۴۴ - ۵۳، الاعلام الهادیة / ۴۵ - ۴۷، الشيخ الكلینی / ۲۷۱ - ۲۷۲.

(۲۹) حسن بن علی بن یقظین بن موسی

فرزند علی بن یقظین وزیر هارون الرشید بود. و از امام کاظم و امام رضا علیهما السلام نقل حدیث می‌کرد. بنگرید: معجم ۵/۵۸ - ۶۲.

(۳۰) حسن بن محبوب سَرّاد (زَرّاد) کوفی، ابوعلی

از امام کاظم و امام رضا و شصت تن از اصحاب امام صادق علیهم السلام نقل حدیث می‌کند. ابن ندیم، ۴۷ کتاب از آثار او را نام می‌برد. طبرسی در «مکارم الاخلاق» و ابن ادریس در «سرائر» از کتابهای او نقل می‌کنند. در سال ۲۲۴ درگذشت.

بنگرید: معجم ۵/۸۹ - ۱۰۶، الاعلام الهادیة / ۴۷ - ۵۲، الشيخ الكلینی / ۲۷۳.

(۳۱) حسن بن محمد بن سماعه کندی صیرفی، ابو محمد / ابوعلی

فقیه پر حدیث ثقه، که بر مذهب واقفی بود. در مورد بیشتر مباحث فقهی کتاب نوشت. در شب پنجشنبه ۵ جمادی الاول سال ۲۶۳ در کوفه درگذشت و در جعفی مدفون گردید.

بنگرید: معجم ۵/۱۱۶ - ۱۲۳.

(۳۲) حسین بن حماد بن میمون عبدی کوفی، ابو عبد الله

از اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام بود. نجاشی و طوسی از کتاب او نقل کرده اند.

بنگرید: معجم ۵/۲۲۱ - ۲۲۴.

(۳۳) حسین بن سعید بن حماد بن سعید بن مهران اهوازی

از اصحاب امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم السلام. ساکن کوفه بود، سپس به اهواز رفت. از آنجا به قم کوچ کرد و آنجا درگذشت. برای او بیش از سی کتاب نقل کرده اند.

ابن ندیم گوید: او و برادرش حسن بن سعید، آگاه ترین مردم زمان خود به فقه و آثار و مناقب بودند.

متقدمان و متأخران، همه او را به وثوق و اعتماد ستوده اند. شیخ طوسی در تهذیب و شیخ کلینی در کافی به طور گسترده از کتابهای او نقل کرده اند.

بنگرید: معجم ۵/۲۴۳ - ۲۶۵، طبقات المفسرین ۱/۱۵۳، الاعلام الهادیة /

۵۲-۵۵، الشیخ الكلینی / ۳۰۰-۳۰۱، مفاخر اسلام ۱/۳۹-۷۳.

۳۴) حسین بن محمد بن عامر بن عمران بن ابی بکر اشعری قمی، ابو عبدالله از بزرگان و محدثان شیعه، که از امام کاظم و امام جواد علیهما السلام روایت کرد. از مشایخ کلینی بود، که از وی بیش از چهارصد حدیث نقل کرد. کتب رجال در اعتماد او سخن بسیار گفته‌اند.

بنگرید: معجم ۶/۸۳ و ۷۶، الشیخ الكلینی / ۳۶۴ - ۳۶۸.

۳۵) حسین بن یزید بن محمد بن عبدالملک نوفلی کوفی نخعی، ابو عبدالله شاعر و ادیب و محدث شیعه که در ری ساکن بود و همانجا درگذشت. از اصحاب امام رضا علیه السلام بود.

بنگرید: معجم ۶/۱۱۳ - ۱۱۵، الشیخ الكلینی / ۳۴۴.

۳۶) حماد بن عثمان ناب (ذوالناب) کوفی

حماد و برادرش، در روایت از امام صادق علیه السلام شریک بودند. حماد به علاوه، از امام کاظم و امام رضا علیهما السلام نقل حدیث کرد. و در سال ۱۹۰ درگذشت.

بنگرید: معجم ۶/۲۱۲ - ۲۲۳.

۳۷) حماد بن عیسی جهنی کوفی، ابو محمد

دوره حیات امام صادق تا امام جواد علیهم السلام را درک کرد. در سخن راستگو و ثقه بود. در سال ۲۰۸ یا ۲۰۹، در سیلی که از شجره به سوی مدینه جاری بود، درگذشت. و در این هنگام، بیش از نود سال سن داشت.

بنگرید: معجم ۶/۲۲۴ - ۲۳۸، الاعلام الهادیة / ۵۶ - ۵۷، الشیخ الكلینی /

(۳۸) حمید بن زیاد بن حماد دهقان کوفی، ابوالقاسم

از دانشمندان آگاه شیعه و ساکن نینوی بود. علاوه بر کتاب «الجامع فی انواع الشرایع»، دربارهٔ خمس و فرائض و دعا کتاب نوشت. از اساتید کلینی بود، که کلینی بیش از ۲۷۰ حدیث از او نقل کرده است. در سال ۳۱۰ درگذشت.
بنگرید: معجم ۶/۲۸۷ - ۲۹۲، الشیخ الكلینی / ۳۰۴ - ۳۰۵ و ۳۷۸ - ۳۸۱.

(۳۹) داوود بن ابی یزید کوفی عطار

از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام نقل حدیث کرد. علی بن حسن طاطری کتاب او را روایت کرده است.
بنگرید: معجم ۷/۹۱.

(۴۰) ریان بن صلت اشعری قمی، ابوعلی

راوی از امام رضا علیه السلام، که ثقة و صدوق بود.
بنگرید: معجم ۷/۲۰۹ - ۲۱۲.

(۴۱) زرارۀ بن اعین شیبانی، ابوالحسن / ابوعلی

از بزرگان خاندان اعین، که بیشتر افراد این خانواده، عالم و فقیه مکتب اهل بیت علیهم السلام بودند، چنانچه تحت عنوان «احمد بن محمد بن سلیمان» (شماره ۱۵ همین فصل) گفتیم.

زراره، قاری، فقیه، متکلم، شاعر و ادیبی بود که ویژگی‌های برجسته علمی و اخلاقی در او گرد آمده بود. در عین حال، زندگی را از تجارت می‌گذراند. از امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم السلام نقل حدیث کرد، و در سال ۱۵۰ درگذشت.

بنگرید: معجم ۲۱۸/۷ - ۲۵۷، الاعلام الهادیه / ۵۸ - ۵۹، الشیخ الكلینی / ۳۰۵ - ۳۰۶.

(۴۲) زید بن یونس (یوسف) شحام کوفی، ابوجمیله / ابواسامه از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بود.
بنگرید: معجم ۳۶۱/۷ - ۳۶۴ و ۲۱/۹۶ - ۱۰۱.

(۴۳) سعدبن عبدالله اشعری قمی، ابوالقاسم فقیه و دانشمند شیعه در زمان امام حسن عسکری علیه السلام، که سفرهای زیادی در طلب حدیث کرد. و کتابهای فراوانی نوشت. این کتابها، علاوه بر مجموعه‌ای فقهی، شامل کتابهایی در عقاید، تاریخ، شناخت فرقه‌ها، علوم قرآنی و امامت است. کتاب «الرحمة» او، از کتابهای جامع و از منابع عمده تهذیب است. منتخبی از «بصائر الدرجات» او - که در امامت است - امروز موجود و منتشر است. در سال ۳۰۱ یا ۲۹۹ درگذشت.
بنگرید: معجم ۸۴/۷ - ۸۷، الاعلام الهادیه / ۵۹ - ۶۱، مفاخر اسلام ۱۳۸/۲ - ۱۷۷، الشیخ الكلینی / ۳۰۶ - ۳۰۷.

(۴۴) سعدبن طریف حنظلی اسکاف کوفی قاضی بود و از امام باقر و امام صادق علیهما السلام و اصیغ بن نباته نقل حدیث می‌کرد.
بنگرید: معجم ۶۷/۸ - ۷۲.

(۴۵) سلمة بن خطاب بر اوستانی، ابوالفضل

از اهل ری بود. و کتابهایی در حج، نماز، تاریخ پیامبر و امام حسین نگاشت.
بنگرید: معجم ۸/ ۲۰۳ - ۲۰۶.

(۴۶) سلیمان بن خالد بن دهقان اقطع

از اصحاب امام باقر علیه السلام که زید شهید را در قیامش همراهی کرد. و در آن معرکه دستانش را بریدند. وی در زمان حیات امام صادق علیه السلام درگذشت. امام در فقدان او اظهار مصیبت کرد، و برای فرزندانش دعا کرد و اصحابش را به کمک آنها سفارش فرمود.
برادرش ابوالربیع نیز قاری و فقیه بود.
بنگرید: معجم ۸/ ۲۴۵ - ۲۵۴.

(۴۷) سماعة بن مهران بن عبدالرحمن حضرمی کوفی، ابوناثدة / ابو محمد

تاجر قز (خز) بود. و از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت می‌کرد. نجاشی او را به عنوان «ثقة ثقة» می‌ستاید. مسجدی که در کوفه ساخت، که پس از او به نام مسجد زرعة بن محمد حضرمی موسوم شد. رحلت او را، بعضی به سال ۱۴۵ در ۶۰ سالگی می‌دانند، که نجاشی، به دلیل روایت سماعة از امام کاظم علیه السلام در این تاریخ تردید می‌کند.

(۴۸) سهل (سهیل) بن زیاد آدمی رازی، ابوعلی

در نیمهٔ ربیع الثانی ۲۵۵ با امام حسن عسکری علیه السلام مکاتبه داشت. در ری سکنی گزید. کتابی در توحید و کتابی به نام نوادر داشت.
بنگرید: معجم ۸/ ۳۵۷ - ۳۵۹، الاعلام الهادیة / ۶۳ - ۶۴، الشیخ الکلینی /
۳۰۸ - ۳۰۹، ۳۸۱ - ۳۸۲، ۴۴۲ - ۴۴۹.

۴۹) صفوان بن یحیی بیاع السابری کوفی، ابو محمد

از امام رضا علیه السلام روایت حدیث می‌کرد و نزد حضرتش منزلتی عظیم داشت. در زهد و عبادت شهره بود. با عبدالله بن جندب و علی بن نعمان در خانه کعبه پیمان بستند که هر کدام از آنها زودتر درگذشت، دو نفر دیگر نماز و روزه و زکات او را کامل کنند. آن دو، قبل از صفوان درگذشتند. در نتیجه، صفوان، روزی ۱۵۰ رکعت نماز می‌گزارد، سه ماه در سال روزه می‌گرفت، و هر سال سه بار زکات اموال خود را می‌داد. و تمام کارهای خیر خود را از جانب آنها نیز دوبار انجام می‌داد.

شخصی دو دینار به او داد تا به کوفه برساند. صفوان گفت: من شتر را برای خودم کرایه کرده‌ام، نه برای حمل پول تو. و لذا برای حمل دو دینار، از صاحب شتر اجازه می‌گیرم.

صفوان سی کتاب نوشت، که عمدتاً در فقه بود. و در سال ۲۱۰ درگذشت. پدرش یحیی نیز از اصحاب امام صادق علیه السلام بود.

بنگرید: معجم ۱۲۳/۹ - ۱۳۷، الاعلام الهادیة / ۶۵ - ۶۶، الشیخ الكلینی / ۳۱۱ - ۳۱۳.

۵۰) عامر بن عبدالله بن جداعة ازدی

از اصحاب امام صادق علیه السلام. کتاب او در اختیار نجاشی و طوسی بوده است. بنگرید: معجم ۱۹۵/۹ - ۱۹۹.

۵۱) عباس بن معروف قمی، ابوالفضل

حسن بن علی بن فضال کوفی (م ۲۲۴)، علی بن مهزیار اهوازی (م: پس از ۲۲۹) و جمعی دیگر از او روایت کرده‌اند. بنگرید: معجم ۲۳۹/۹ - ۲۴۳.

۵۲) عباس بن هلال شامی

از اصحاب امام رضا علیه السلام، که نسخه‌ای از مکاتیب امام را روایت کرده است. و همان کتاب، در اختیار طوسی بوده است.
بنگرید: معجم ۲۵۰/۹ - ۲۵۱.

۵۳) عبدالله بن سنان بن ظریف کوفی

نجاشی او را به عنوان «ثقة ثقة» می‌ستاید. وی، شیعه‌ای درستکار از بهترین اصحاب امام صادق علیه السلام، و خزانه‌دار چهار خلیفه عباسی (منصور، مهدی، هادی، هارون) بود. درباره نماز، دو کتاب، و درباره دیگر ابواب احکام کتابی نوشته، که یکی از دو کتاب او در نماز، مورد استفاده شیخ طوسی در تهذیب بوده است.

بنگرید: الاعلام الهادیة / ۷۰ - ۷۲، معجم ۲۰۹/۱۰ - ۲۱۳.

۵۴) عبدالله بن صلت قمی، ابوطالب

از اصحاب امام رضا علیه السلام که مورد وثوق، و روایات او مورد اطمینان بود. کتابی نوشته که شیخ طوسی از آن استفاده کرده ولی توضیح نداده، ولی نجاشی همان را به عنوان «کتاب تفسیر» می‌شناساند.
بنگرید: معجم ۲۲۱/۱۰ - ۲۲۴.

۵۵) عبدالله بن مسکان، ابومحمد

راوی مورد وثوق از اصحاب امام کاظم علیه السلام. کتابی در امامت و کتابی در حلال و حرام نوشته، که کتاب دوم مورد استفاده طوسی در تهذیب بوده است. نجاشی می‌گوید:

«در زمان حیات ابی الحسن (امام کاظم علیه السلام) درگذشت.»
 بنگرید: الشیخ الكلینی / ۲۷۳ - ۲۷۴، الاعلام الهادیة / ۷۲ - ۷۵، معجم
 ۳۲۴/۱۰ - ۳۳۴.

۵۶) عبدالرحمن بن کثیر هاشمی

برادرزاده اش علی بن حسان هاشمی کبیر کتابهایش را روایت کرده، از
 جمله: کتابی در فضائل سوره قدر، کتاب صلح الحسن علیه السلام، کتاب فدک،
 و کتاب اظله. دو کتاب اول را نجاشی روایت کرده است.
 بنگرید: معجم ۳۴۳/۹ - ۳۴۵.

۵۷) علاء بن رزین ثقفی

شغل اصلی او، طبخ سویق (غذایی از آرد گندم و آرد جو و گوشت) بود. از
 بزرگان اصحاب امام صادق علیه السلام بود، که نزد محمد بن مسلم نیز علوم دین
 را فرامی گرفت.
 بنگرید: الاعلام الهادیة / ۸۲ - ۸۵، معجم ۱۶۷/۱۱ - ۱۷۲.

۵۸) علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، ابوالحسن

به گفته نجاشی در حدیث مورد وثوق، ثابت و مورد اعتماد بود و عقیده‌ای
 صحیح داشت. بسیار حدیث شنید و بسیار کتاب نوشت. تفسیری که از او
 رسیده، امروزه موجود است. این تفسیر و کتاب «الشراعی» قمی، از منابع تهذیب
 هستند. مزار او در قبرستان شیخان قم، مشهور، و مطاف اهل ولاست.
 ثقة الاسلام کلینی، تنها در فروع کافی، ۳۳۵۵ حدیث از او نقل کرده است.
 بنگرید: معجم ۱۹۳/۱۱ - ۲۱۰، طبقات المفسرین / ۱ - ۲۹۲، الشیخ الكلینی
 ۳۱۵/ و ۳۸۲ - ۴۰۵.

۵۹) علی بن جعفر علیه السلام

فرزند امام صادق، ساکن «عریض» از نواحی مدینه، که فرزندان او به همین سبب، «عریضی» نامیده می‌شوند. از او کتابی باقی مانده به عنوان مجموعه مسائلی که از برادر بزرگوارش امام موسی کاظم علیه السلام پرسیده و جواب گرفته است. این کتاب، با تقسیم موضوعی و بدون آن - به هر دو صورت - روایت شده، و امروز نیز موجود است.

او همان کسی است که تا زمان امام جواد علیه السلام در قید حیات بود. و در زمانی که بسیار پیر شده، و بزرگ بنی‌هاشم بود، تجلیل و احترام تمام از نوه برادر خود (امام جواد علیه السلام) می‌کرد، به دلیل امامتی که خدای حکیم به حضرتش داده بود.
بنگرید: معجم رجال الحدیث ۱۱/۲۸۴، الاعلام الهادیة / ۸۵ - ۸۶.

۶۰) علی بن حاتم قزوینی، ابوالحسن

از عالمان قرن چهارم هجری، که حسین بن علی بن شیبان قزوینی در سال ۳۵۰ از او حدیث شنید.
بنگرید: معجم ۱۱/۲۹۸ - ۲۹۹.

۶۱) علی بن حسان واسطی منمّس، ابوالحسین

از اصحاب امام صادق علیه السلام بود. در مقابل علی بن حسان هاشمی ملقب به کبیر، لقب «قصیر» داشت. بیش از صد سال عمر کرد. و کتاب او، از منابع تهذیب است.

بنگرید: الشیخ الكلینی / ۳۲۰، معجم ۱۱/۳۱۳ - ۳۱۵.

۶۲) علی بن حسن بن علی بن فضال کوفی، ابوالحسن

فقیه شیعیان در کوفه، و چهره بارز و مورد وثوق، آشنا به احادیث که کلام او را می‌پذیرفتند، در سن ۱۸ سالگی کتابهای پدر را در محضر او مقابله می‌کرد. خود و برادرانش، از پدرش از امام رضا علیه السلام روایت می‌کردند. کتابهای فراوانی نوشته، که بعضی از آنها به طریق روایت، به نجاشی رسیده، و نام آنها را در رجال خود آورده است. مختصری از شرح حال برادرش احمد بن حسن را در همین فصل (شماره ۹) و پدرش حسن بن علی را تحت رقم ۲۸ آوردیم.

بنگرید: معجم رجال الحدیث ۳۳۸/۱۱ - ۳۴۳، طبقات المفسرین ۴۰۳/۱.

۶۳) علی بن حسن بن محمد طائی طاطری کوفی، ابوالحسن

فقیهی بود که در حدیث به او وثوق داشتند. از اعیان و مشایخ واقفه بود. از آنجا که معیشت او، از محلّ فروش لباسهایی موسوم به «طاطریه» می‌گذشت، به طاطری موسوم شد.

بنگرید: معجم رجال ۳۴۹/۱۱ - ۳۵۰.

۶۴) علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ابوالحسن

بزرگ محدّثان قم، پیشرو، فقیه و مورد وثوق آنان، که در بغداد با حسین بن روح نوبختی نایب خاصّ امام مهدی علیه السلام دیدار کرد، و مسائلی از او پرسید. و بازگشت. سپس از او خواست که از حضرت مهدی علیه السلام بخواهد تا برای فرزنددار شدن او، به درگاه الهی دعا کند. در پاسخی که از ناحیه مقدسه حضرتش رسید، آمده بود: «ما، برای این امر، خدا را خواندیم. و به زودی صاحب دو فرزند پسر خواهی شد که پرخیر و برکت خواهند بود.» پس از آن، دو فرزندش محمد و حسین متولد شدند. شیخ صدوق بعدها می‌گفت: «من

به دعای حضرت صاحب الزمان علیه السلام متولد شدم.» و خود را از دلایل وجود حضرتش می‌دانت.

علی بن حسین بن بابویه - که به «ابن بابویه» و «صدوق اول» شهرت دارد - کتابهایی فراوان نگاشت که «الامامة و التبصرة» او هم اکنون موجود است. وی در سال ۳۲۸ به بغداد رفت، و در سال ۳۲۹ درگذشت، و در قم مدفون شد. مزار او در قم، مشهور است.

بنگرید: معجم ۱۱/۳۶۸ - ۳۷۰.

۶۵) علی بن حکم بن زبیر نخعی کوفی، ابوالحسن

محدث دانشمندی که نابینا بود، و پسر عمویش علی بن جعفر بن زبیر از او روایت کرد.

بنگرید: الشیخ الكلینی / ۳۲۰ - ۳۲۱، معجم ۱۱/۳۹۵.

۶۶) علی بن محمد بن شیره کاشی، ابوالحسن

فقیهی فاضل بود که احادیث فراوان از او روایت شد. نجاشی گوید: «احمد بن محمد اشعری به عقاید او اشکال می‌گرفت، ولی در کتابهای او چیزی نیست که بر این معنی دلالت کند.»

بنگرید: معجم رجال ۱۲/۱۷۲ - ۱۷۵.

۶۷) علی بن مهزیار بن اهوازی، ابوالحسن

اصل او از «دورق» خوزستان (شادگان فعلی) بود. پدرش ابتدا نصرانی بود، که اسلام آورد. علی بن مهزیار، نزد امام جواد و امام هادی علیهما السلام مکانت عظیم داشت، و مورد وثوق آن بزرگواران بود. و پیش از آن، از امام رضا علیه

السلام نیز نقل حدیث می‌کرد.

عقیده‌ای صحیح داشت، و در تمام نامه‌هایی که امامان زمانش به شیعیان می‌فرستادند، از او به نیکی یاد می‌کردند. در حدود چهل کتاب نگاشت، که برادرش ابراهیم بن مهزیار (بنگرید: شماره ۴ همین فصل) و فرزندش حسن بن علی بن مهزیار این کتابها را روایت کردند.

بنگرید: الشیخ الكلینی / ۳۲۳ - ۳۲۴، الاعلام الهادیة / ۸۸ - ۹۲، معجم ۱۹۲/۱۲ - ۲۰۵.

۶۸) عمّار بن موسی ساباطی، ابوالفضل

از خاندانی دانش‌پرور برخاست. عمار و برادرانش - قیس و صباح - از محضر امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت می‌کردند. کتاب عمار، در اختیار شیخ طوسی بوده است.

بنگرید: الاعلام الهادیة / ۸۶ - ۸۸، معجم ۱۲/۲۶۰ - ۲۶۴.

۶۹) عمرو بن عثمان ثقفی خزار کوفی، ابوعلی

در نقل حدیث ثقه بود. از پدرش نقل حدیث کرد. و پسرش محمد، کتابهایش را برای ابن عقده روایت کرد. نجاشی، او را موثق دانسته، و دو کتاب - الجامع فی الحلال و الحرام، النوادر - را برایش نام می‌برد، و کتاب «الجامع» را می‌ستاید.

بنگرید: معجم ۱۳/۱۱۷ - ۱۱۸.

۷۰) علی بن یقطین بن موسی بغدادی، ابوالحسن

اصل او کوفی بود. پدرش یقطین، از مروان اموی گریخت. و در دولت عباسیان مقامی یافت. علی بن یقطین در سال ۱۲۴ در کوفه متولد شد. و

مادرش، او و برادرش عبید را به مدینه فراری داد، تا عباسیان به قدرت رسیدند. در سال ۱۸۲، که امام موسی بن جعفر علیه السلام در زندان بغداد بود، علی بن یقطین درگذشت. وی، وزیر هارون الرشید بود. و امام کاظم علیه السلام او را بر این خدمت تشویق کرد. از او کتابی روایت شده که حاوی پرسشهای علی بن یقطین از امام کاظم علیه السلام و جوابهای امام است. درباره پرسش حسن، در شماره ۲۹ همین فصل سخن گفتیم.
بنگرید: معجم ۱۲/۲۲۷ - ۲۴۰.

۷۱) عمر بن یزید بیاع السابری کوفی

از راویان ثقه و صحابی امام صادق علیه السلام که امام او را فرزند خود خواند، و از اهل بیت دانست. کتابی نوشته که فرزندش حسین آن را روایت کرده است.
بنگرید: معجم ۱۳/۶۰ - ۶۲.

۷۲) عمرو بن سعید مدائنی

از اصحاب امام رضا علیه السلام و مورد وثوق بود.
بنگرید: معجم ۱۳/۱۰۴ - ۱۰۵.

۷۳) عیص بن قاسم بن ثابت بن عبید بن مهران بجلّی کوفی، ابوالقاسم

او و برادرانش ربیع و... فرزندان خواهر سلیمان بن خالد اقطع (بنگرید، سلیمان بن خالد، شماره ۴۶ در همین فصل) همه، از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بودند.

عیص، راوی ثقه بود. و کتابی دارد، که نجاشی آن را به سلسله خود از وی روایت می‌کند. در این سلسله، نام بزرگانی مانند صفوان بن یحیی، ایوب بن نوح،

عبدالله حمیری، و ابو غالب زراری دیده می‌شود، که خود، بر تقه بودن عیص گواهی می‌دهد.

بنگرید: الاعلام الهادیة / ۹۲ - ۹۳، معجم ۲۱۵/۱۳ - ۲۱۷.

۷۴) غیاث بن ابراهیم تمیمی اسدی

اصلاً اهل بصره بود، و در کوفه سکونت داشت. از روایان مورد وثوق امام صادق و امام کاظم علیهما السلام، کتابی منظم در حلال و حرام داشت، که اسماعیل بن ابان و راق از او روایت کرد.

بنگرید: معجم ۲۳۱/۱۳ - ۲۳۴.

۷۵) فضالة بن ایوب ازدی

ساکن اهواز بود. از امام کاظم و امام رضا علیهما السلام روایت می‌کرد. وی از جماعتی معدود است که در مورد صحیح دانستن روایات، نظر آنها حجت است. (تصحیح مایصح عنهم)

بنگرید: الشیخ الكلینی / ۳۲۴، الاعلام الهادیة / ۹۳ - ۹۵، معجم ۲۷۱/۱۳ - ۲۷۶.

۷۶) فضل بن شاذان بن خلیل ازدی نیشابوری، ابو محمد

از اصحاب امام رضا تا امام عسکری علیهم السلام، فقیه، متکلم، و محدث جلیل القدر بود. نجاشی می‌گوید: «در میان شیعه جلالتی دارد مشهورتر از آن که وصف شود.» نزدیک به ۱۸۰ کتاب نوشت که علی بن احمد بن قتیبة نیشابوری آنها را روایت کرد. از آن میان، «الایضاح» او چاپ شده، و منتخبی از «اثبات الرجعة» او نیز موجود است. مزار او نیز در نیشابور قرار دارد. جامع ترین شرح حال فضل بن شاذان را، علامه محقق مرحوم سیدجلال الدین محدث ارموی در

مقدمه کتاب «الایضاح» (چاپ دانشگاه تهران) آورده است، همان مقدمه‌ای که در چاپ لبنان، از کتاب ساقط شد. و در تهران توسط آقای فریدون جنیدی نیشابوری، تلخیص فارسی بسیار مغلوط و ناشیانه از آن ارائه گردید! و این است قدرشناسی از زحمات بزرگان! چنین کنند بزرگان، چو کرد باید کار! نیز بنگرید: طبقات المفسرین ۲/۳۳، الشیخ الكلینی / ۳۲۴ - ۳۲۵، الاعلام الهادیة / ۹۵ - ۹۶، معجم ۱۳/۲۸۹ - ۳۰۲.

۷۷) فضل بن یسار نهدی بصری، ابوالقاسم / ابومسور
راوی ثقة از امام باقر و امام صادق علیهما السلام، که در زمان امام صادق صلوات الله علیه درگذشت.

کتاب او را گروهی از بزرگان روایت کردند، از جمله: علی بن مهزیار، حسین بن سعید، محمد بن احمد بن یحیی، و احمد بن ادريس اشعری. درباره این بزرگان، ذیل نامهای آنان در همین فصل مراجعه شود.
بنگرید: معجم ۱۳/۳۱۶ - ۳۱۷.

۷۸) قاسم بن محمد جوهری کوفی
اصلاً کوفی و ساکن بغداد، و از اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام بود.
کتاب او را حسین بن سعید روایت کرده است.
بنگرید: معجم ۱۴/۴۷ - ۵۶.

۷۹) لیث بن بختری مرادی، ابوبصیر / ابومحمد
از خواص اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام. کتاب او را ابوجمیله مفضل بن صالح روایت کرده است. در میان رجال حدیث شیعه،

ابوبصیر، کنیة چند تن بوده، که مرحوم شیخ محمد تقی شوشتری رساله‌ای در این خصوص نوشته است. این رساله، به ضمیمه «قاموس الرجال» جلد ۱۱ (چاپ قدیم) منتشر شده است.

بنگرید: الاعلام الهادیة / ۲۱ - ۲۲، معجم ۱۴/۱۴۰ - ۱۵۲.

۸۰) محمد بن ابی الصهبان (عبدالجبار) قمی

از ابن بکیر روایت می‌کند. کتابی دارد که ابن ابی جید به سند خود از او روایت می‌کند.

بنگرید: معجم ۱۴/۲۶۳ - ۲۶۵ و ۱۶/۲۰۰ - ۲۰۳

۸۱) محمد بن ابی عبدالله اسدی کوفی

از سهل بن زیاد، محمد بن اسمعیل برمکی، موسی بن عمران نخعی روایت می‌کند. لذا می‌توان گفت: در نیمه قرن دوم قرن سوم می‌زیسته است. مولی محمد اردبیلی، احتمال داده، که او همان محمد بن جعفر اسدی باشد.

بنگرید: الشیخ الكلینی / ۳۲۷ - ۳۲۹، معجم ۱۴/۲۶۷ - ۲۷۳.

۸۲) محسن بن احمد قیسی

از اصحاب امام رضا علیه السلام، که احمد برقی کتاب او را روایت کرده است.

بنگرید: معجم ۱۴/۱۹۲ - ۱۹۵.

۸۳) محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی ازدی، ابواحمد

اصلاً بغدادی بود و در همین شهر سکونت داشت. به محضر امام کاظم و امام رضا علیهما السلام راه یافت. و امام کاظم او را بسیار بزرگ داشت. جاحظ، در

کتاب خود «البیان و التبيين» با یک واسطه از ابن ابی عمیر مطالبی نقل کرده و او را از «وجوه رافضه» می‌شمارد. وی در زمان خلفای بنی عباس - هارون و مأمون - زندانی شد، یا برای نشان دادن نام و نشان شیعیان، و یا به دلیل خودداری از قبول قضاء. به هر حال، پس از چهار سال آزاد شد. و در این مدت، خواهرش، کتابها را در محلی مخفی نگاه داشته بود تا دست مأموران حکومت به آنها نرسد. پس از آزادی، برخی از کتابها خراب شده و قابل استفاده نبود. در نتیجه ابن ابی عمیر، احادیث را از حفظ می‌گفت. و گاهی رجال سندهای آنها را به خاطر نداشت. از این رو، احادیث مرسل وی، از دیر زمان، در ردیف احادیث مسند دیگران اعتبار داشته است.

ابن خالد برقی، از ۹۴ کتاب ابن ابی عمیر نام می‌برد. وی در سال ۲۱۷ درگذشت. بنگرید: الشیخ الكلینی / ۲۶۹ - ۲۷۰، الاعلام الهادیة / ۹۶ - ۹۹، معجم ۲۷۹/۱۴ - ۲۹۴.

۸۴) محمد بن احمد بن داوود بن علی قمی، ابوالحسن

شیخ و فقیه اهل قم در روزگار خود، که غضائری گفته:

«کسی خوش حافظه‌تر، فقیه‌تر، و آشنا‌تر به حدیث از او دیده نشد.»

در سالهای آخر عمر، وارد بغداد شد، و به تدریس و تصنیف پرداخت. در سال ۳۷۸ در بغداد درگذشت، و در مقابر قریش مدفون شد. بنگرید: معجم ۳۳۱/۱۴ - ۳۳۴.

۸۵) محمد بن احمد بن یحیی اشعری قمی، ابوجعفر

از خاندان بزرگ اشعری قمی، که عالمان زیادی داشت. در نقل حدیث ثقه بود. راویان پس از او، در مورد مشایخ او دقت و بررسی زیادی کرده‌اند. کتابی

بزرگ و جامع به نام «نوادیر الحکمة» شامل ابواب مختلف داشت، که مشهور بود احادیث آن پاسخ به پرسشهای گوناگون را دربردارد. شیخ طوسی در تهذیب، از این کتاب، احادیث زیادی نقل کرده است. علاوه بر این، چند کتاب دیگر نیز نوشت که فرزندش احمد، و شاگردش محمد بن جعفر رزاز، از او روایت کرده‌اند. بنگرید: معجم رجال الحدیث ۲۶/۱۵ - ۴۴، الشیخ الكلینی ۳۳۱/ - ۳۳۲، الاعلام الهادیة ۹۹/ - ۱۰۱، مفاخر اسلام ۵۸/۲ - ۷۵.

۸۶) محمد بن اسمعیل بن بزیع، ابوجعفر

خاندان بزیع، از خانواده‌های عالم پرور بود. محمد بن اسمعیل نیز از این خاندان بود که از امام کاظم، امام رضا، و امام جواد علیهم السلام روایت کرد. و همزمان، در دولت عباسیان مقام وزارت داشت. امام رضا علیه السلام به جماعتی از شیعه می‌فرمود: «دوست داشتم که در میان شما مانند محمد باشد.» و به خود او فرمود: «خدای تعالی در بارگاه ستمگران، کسانی دارد که از دوستانش دفاع کنند... و تو از آنها باش، ای محمد.»

بنگرید: الاعلام الهادیة ۱۰۱/ - ۱۰۲، معجم ۹۵/۱۵ - ۱۰۲. برای فهرست ۱۸۵ حدیث منقول از وی در فروع کافی، بنگرید: الشیخ الكلینی ۴۰۸/ - ۴۱۰.

۸۷) محمد بن حسن بن فروخ صفار قمی، ابوجعفر

نجاشی نسب او را چنین گفته:

محمد بن حسن بن فروخ صفار، مولی عیسی بن طلحة بن عبیدالله بن سائر بن مالک بن عامر اشعری، ابوجعفر اعرج.

از چهره‌های شاخص شیعیان قم، مورد وثوق و جلیل القدر، و روایتش مورد اعتماد بود. شیخ طوسی، او را از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام دانسته و

گفته: او راست مسائل، که به خدمت امام حسن عسکری فرستاده و پاسخ گرفته است. از مشایخ کلینی است، که در کافی از او نقل حدیث کرده است. علاوه بر غالب ابواب فقهی، در امامت کتابهایی مفید داشت، که از آن میان «بصائر الدرجات» موجود و مشهور است. وی در سال ۲۹۰ در قم درگذشت. بنگرید: معجم ۲۴۸/۱۵ - ۲۵۱، مفاخر اسلام ۷۵/۲ - ۱۱۰، الشیخ الكلینی / ۳۳۵.

۸۸) محمد بن حسن بن ولید قمی

راوی جلیل القدر، و آشنا به رجال احادیث. کتابهای او را فرزندش احمد بن محمد و شاگرد بزرگوارش محمد بن بابویه (صدوق) روایت کرده‌اند. بنگرید: معجم رجال الحدیث ۲۵۲/۱۵ به بعد، طبقات المفسرین ۱۱۲/۲، الاعلام الهادیة / ۱۰۲ - ۱۰۳.

۸۹) محمد بن حسین بن ابی الخطاب زیات همدانی، ابو جعفر

از بزرگان شیعه در نیمه قرن سوم، راوی احادیث بسیار، ثقة معتمد، صاحب مقامی والا بوده، تصانیفی نیکو داشت. آثار او را محمد بن حسن صفار روایت کرد. نوادر او مورد استفاده طوسی بوده است. در سال ۲۶۲ درگذشت. بنگرید: الشیخ الكلینی / ۳۳۶ - ۳۳۷، معجم ۲۹۱/۱۵ به بعد.

۹۰) محمد بن عبدالحمید بن سالم عطار، ابو جعفر

از اصحاب ثقة امام کاظم علیه السلام، اهل کوفه و صاحب کتاب نوادر بود. بنگرید: معجم ۲۱۱/۱۶ - ۲۱۲.

۹۱) محمد بن علی بن بابویه قمی

دربارهٔ این بزرگوار و شخصیت علمی او، در فصل سوم سخن گفتیم. دربارهٔ شرح حال او به زبان عربی، رسالهٔ مرحوم شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی در مقدمهٔ «معانی الاخبار» موجود است. و به زبان فارسی، کتاب «زندگانی شیخ صدوق» نوشتهٔ محمد علی خسروی (چاپ انتشارات اسوه) و کتاب «فقیه ری» نوشتهٔ سید حسن خراسان ترجمه علیرضا میرزا محمد (چاپ انتشارات روزنامه اطلاعات). این سه کتاب، مکمل هم می‌باشند.

نیز بنگرید: مفاخر اسلام ۱۶۷/۳ - ۱۹۹، معجم ۱۶/۳۱۵ - ۳۲۶.

۹۲) محمد بن علی بن ابی شعبه حلبی، ابوجعفر

وی و برادرانش - عبیدالله، عمران، عبدالاعلی - از راویان موثق بودند. محمد، کتابی در تفسیر و کتابی در حلال و حرام با تقسیم موضوعی دارد، که کتاب اخیر، از منابع تهذیب است.

بنگرید: الاعلام الهادیه ۱۰۳/۱، معجم ۱۶/۳۰۲ - ۳۰۴ و ۳۱۳.

۹۳) محمد بن علی بن محبوب اشعری قمی، ابوجعفر

فقیه خوش عقیدهٔ ثقه، و بزرگ قم در روزگار خود. صاحب کتابهایی فراوان، که احمد بن ادریس اشعری از او روایت کرده، از جمله کتاب النوادر، که از منابع مهم تهذیب است.

بنگرید: معجم رجال الحدیث ۷/۱۷ - ۲۳، الشیخ الكلینی ۲۷۲/ - ۲۷۳.

الاعلام الهادیه ۱۰۳/ - ۱۰۵، مفاخر اسلام ۱/۴۲۵ - ۴۲۹.

(۹۴) محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین، ابوجعفر

از اصحاب امام جواد علیه السلام، که روایات زیاد و کتابهای نیکو داشت. فضل بن شاذان او را دوست می‌داشت، مدح و ثنایش می‌گفت. و او را بی‌مانند می‌دانست. وی نوه برادر علی بن یقظین بود. و در بغداد سکونت داشت.
بنگرید: الشیخ الكلینی / ۳۳۹، معجم ۱۷/ ۱۱۳ - ۱۲۱.

(۹۵) محمد بن قاسم بن فضل بن یسار نهدی

از خاندانی عالم‌پرور، که خود، پدر، عمو، و جدش همه راویان ثقة بودند. محمد، از اصحاب امام رضا علیه السلام بود. و کتاب او، از منابع تهذیب است.
بنگرید: معجم رجال الحدیث ۱۷/ ۱۵۴ - ۱۵۵.

(۹۶) محمد بن مسعود عیاشی سلمی سمرقندی، ابوالنضر

در دوره جوانی به تشیع گروید. نه تنها عمر، که مال فراوان خود را که به ارث از پدرش مانده بود - سیصد هزار دینار - به مکتب اهل بیت علیهم السلام وقف کرد. ابوجعفر زاهد گوید: «خانه او مانند مسجد، مملو از دانشوران بود، از ناسخ و مقابله‌کننده و قاری و حاشیه‌زننده و دیگران» کتب فراوان نگاشت، که نیمه اول تفسیر او، اکنون موجود است. و یکی از معتبرترین تفاسیر روایی شیعه به شمار می‌آید.

بنگرید: مفاخر اسلام ۲/ ۳۱۱ - ۳۳۰، معجم ۱۷/ ۲۲۴ - ۲۳۰.

(۹۷) محمد بن مسلم بن رباح اوقص، ابوجعفر

از خواص اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام، که «چهار صد مسأله در ابواب حلال و حرام» او را طوسی و نجاشی روایت کردند، و دز تهذیب

از آنها نقل شد. وی ساکن کوفه بود. و در سال ۱۵۰ درگذشت.
بنگرید: معجم ۱۷/۲۴۷ - ۲۵۶.

۹۸) محمد بن هیشم بن عروه تمیمی

اهل کوفه و ثقة بود، پدرش از اصحاب امام صادق علیه السلام بود، و صاحب کتابی است.

بنگرید: معجم ۱۷/۳۲۵ - ۳۲۷.

۹۹) محمد بن یحیی عطار قمی، ابوجعفر

از بزرگان شیعه در زمان خود، که احادیث زیادی روایت کرد، به طوری که تنها ثقة الاسلام کلینی در فروع کافی، ۲۷۸۷ حدیث از او نقل کرده است.
بنگرید: الشیخ الكلینی / ۳۴۱ - ۳۴۲، ۴۱۰ - ۴۲۹، معجم ۱۸/۴۰ - ۴۲.

۱۰۰) محمد بن یعقوب کلینی، ابوجعفر

صاحب کتاب کافی از کتب اربعه، که خود از منابع مهم سه کتاب دیگر هم هست. درباره او در فصل سوم سخن گفتیم. و تفصیل، موکول است به کتاب: الشیخ الكلینی و کتابه الکافی، تألیف ثامر هاشم جیب العمیدی.
نیز بنگرید: معجم رجال الحدیث ۱۸/۵۰ - ۶۶، مفاخر اسلام ۳/۱۹ - ۴۰.

۱۰۱) مسعدة بن صدقة عبدی، ابومحمد/ابوبشر

از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام. کتابی در خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام دارد، که از منابع نهج البلاغه است، و شیخ طوسی نیز در تهذیب از آن نقل می‌کند.

بنگرید: معجم ۱۸/۱۳۵ - ۱۳۹.

(۱۰۲) مسمع بن عبدالملک کردین بصری

وی بزرگ قبیله بکرین وائل در بصره، و از اصحاب امام باقر و امام صادق و امام کاظم علیهم السلام بود، که بیشتر از امام صادق نقل حدیث کرد.
بنگرید: معجم ۱۸/۱۵۴ - ۱۶۱.

(۱۰۳) معاویة بن حکیم بن معاویة بن عمار دهنی

ثقة جلیل، از اصحاب امام رضا علیه السلام، راوی دهها اصل از اصول حدیث، که علی بن حسن بن فضال کتابهای او را روایت کرد.
بنگرید: معجم ۱۸/۲۰۲ - ۲۰۵.

(۱۰۴) معاویة بن عمار بن ابی معاویة دهنی کوفی

از اصحاب ثقة امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بود. پدرش عمار، در میان عامه مورد وثوق و اعتبار بود. معاویة، در سال ۱۷۵ درگذشت.
بنگرید: الشیخ الكلینی/۳۴۲، الاعلام الهادیة/۵-۱۳، معجم ۱۸/۲۱۵ - ۲۱۸.

(۱۰۵) معاویة بن میسرّة بن شریح بن حارث کندی

از اصحاب امام صادق علیه السلام، که ابن ابی عمیر و احمد سراج کتاب او را روایت کردند.
بنگرید: معجم ۱۸/۲۱۸ - ۲۱۹.

(۱۰۶) معمر بن خلّاد بغدادی، ابوخلّاد

راوی ثقة، از اصحاب امام رضا علیه السلام، که کتاب الزهد او در اختیار شیخ طوسی بود.
بنگرید: معجم ۱۸/۲۶۲ - ۲۶۴.

(۱۰۷) مفضل بن عمر کوفی، ابو عبدالله / ابو محمد

از اصحاب امام صادق علیه السلام، که دو کتاب توحید مفضل و اهلیله را از حضرتش روایت کرد، چنانکه در فصل دوم گفته شد. «علل الشرایع» او، در شمار منابع تهذیب یاد شده است.
بنگرید: معجم ۱۸/۲۹۰-۳۰۵.

(۱۰۸) منصور بن حازم بجلّی کوفی، ابویوب

ثقة صدوق، از فقهای شیعه، که از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت کرد.

بنگرید: الاعلام الهادیة / ۱۰۵-۱۰۶، معجم ۱۸/۳۴۲-۳۴۷.

(۱۰۹) موسی بن جعفر بن وهب بغدادی، ابوالحسن

صاحب کتاب نوادر، که محمد بن احمد بن ابی قتاده و عمران بن موسی از او روایت می‌کنند.

بنگرید: معجم ۱۹/۳۴ و ۳۶.

(۱۱۰) موسی بن قاسم بن معاویة بن وهب بجلّی، ابو عبدالله

نجاشی در وصف معدودی از روایان - از جمله موسی بن قاسم - می‌گوید: «ثقة ثقة». کتابهای چندی نگاشته، که «کتاب الحج» او، از مهمترین منابع «تهذیب الاحکام» است.

بنگرید: معجم رجال الحدیث ۱۹/۷۰-۷۳، الاعلام الهادیة / ۱۰۶-۱۰۸.

۱۱۱) نصر بن سويد صيرفي كوفي

ثقة صحيح الحديث كه برای ترويج احاديث از كوفه به بغداد رفت. كتاب نوادر او را عيسى بن عبيد روايت کرده است.
بنگرید: معجم ۱۹/۱۵۱ - ۱۵۶.

۱۱۲) هارون بن موسى بن احمد تلعبري، ابو محمد

نجاشي او را ثقة معتمد و بدون ضعف می داند. و می گوید: «همراه با فرزندش ابو جعفر در خانه اش در بغداد حاضر می شدم، در حالی كه مردم نزد او قرائت حديث می كردند.»

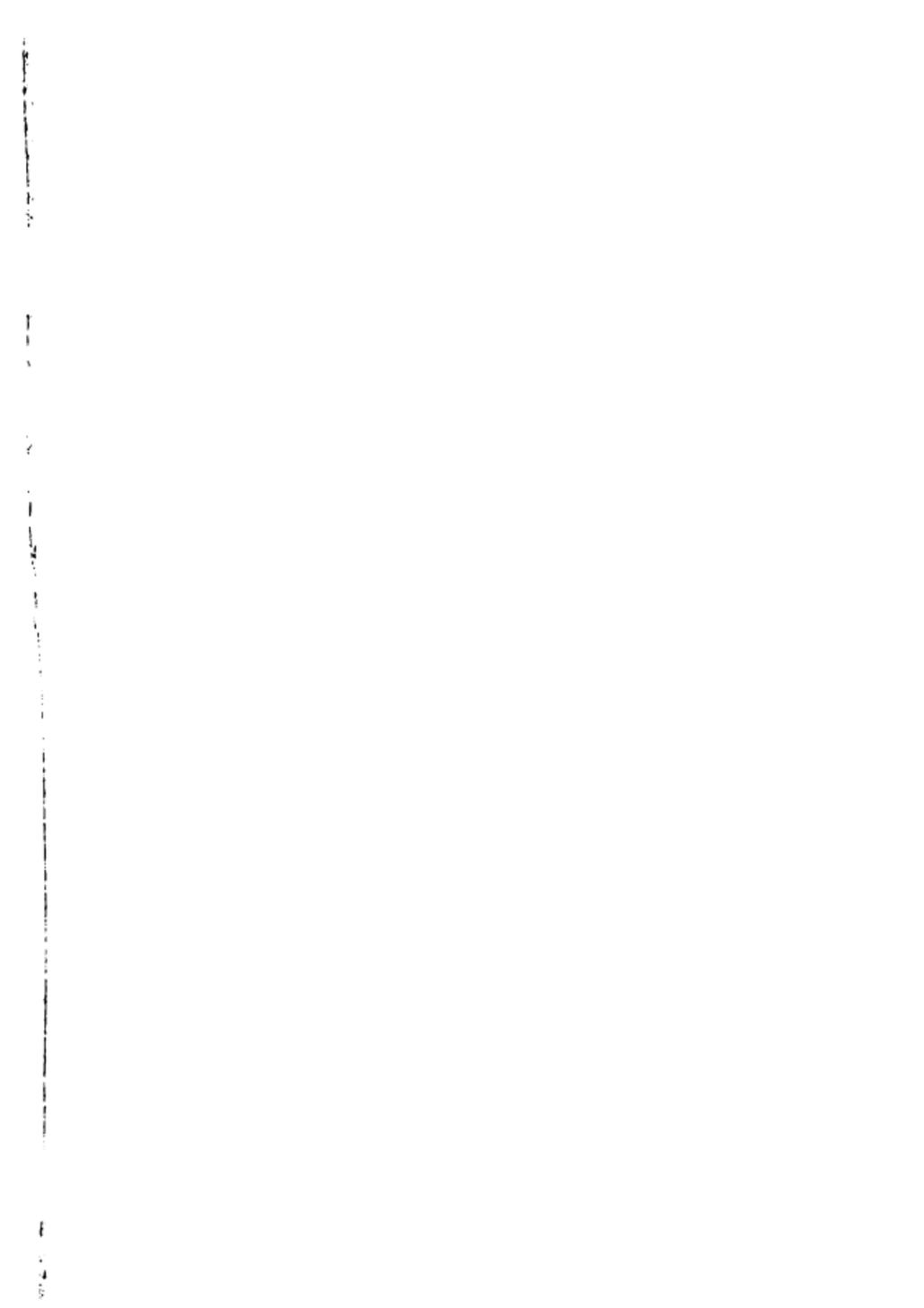
تلعبري، شاگرد كليني بود. و كليني در كافي، جلد ۶ كتاب الصيد، از وی روايت می كند. اين روايت، دلالت بر عظمت منزلت وی دارد، تا آنجا كه - به گفته ثامر هاشم جبيب - در تمام فروع كافي، تنها يك مورد روايت كليني از شاگردش ديده می شود، آن هم در اینجا. و اين، شهادت كليني بر عظمت هارون، و اعتراف به فضل و كمال او است. در ماه ربيع الثاني ۳۸۵ درگذشت.
بنگرید: معجم ۱۹/۲۳۵ - ۲۳۷، الشيخ الكليني / ۱۱۲.

۱۱۳) يعقوب بن يزيد بن حماد انباري سلمی، ابو يوسف

از اصحاب امام جواد عليه السلام، كه به بغداد آمد. وی ثقة و صدوق بود. و كتابهایی چند داشت، كه «المسائل» و «نوادر الحج»، از منابع تهذیب هستند.
بنگرید: الاعلام الهادية / ۱۱۴ - ۱۱۷، معجم رجال الحديث ۲۰/۱۴۷ - ۱۵۳.

فصل دهم

پایان کلام و آغاز راه



پایان کلام

مطالبی را که در نه فصل گذشته، در کمال اختصار - بدون تفصیل و اطناب - آمد، در چند جمله خلاصه می‌کنیم:

۱ - تاریخ نگارش و تدوین حدیث، از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله، و به امر صریح حضرتش آغاز می‌شود. مدّعیان خلافت رسول، برخلاف این امر صریح، نگارش و تدوین احادیث را مانع شدند. و به این ترتیب، بهترین یادگار پیامبر را از دسترس مردم دور ساختند. این کار، بدون هیچ مجوّز عقلی و شرعی، و صرفاً به دلایل سیاسی انجام شد. و آفاتی پدید آورد، که هنوز هم گریبانگیر جامعه اسلامی است.

۲ - حضرت زهرا و ائمه اطهار علیهم السلام که جانشینان بحق رسول خدا بودند، هیچگاه تن به دستورات ساختگی منع تدوین ندادند. این بزرگواران، به صورت‌های گوناگون، احادیث پیامبر را نشر دادند، صراط مستقیم را بیان کردند، و بدعتها را آشکار ساختند، از جمله:

اول - بیان احادیث نبوی، به شکل صحیح، بدون تغییر و تحریف.

دوم - نگارش احادیث.

سوم - تفسیر صحیح و بیان وجوه و معانی درست احادیث.

چهارم - عمل درست به احادیث، که خود، بهترین نحوه حفظ مواریث نبوی است.

پنجم - تشکیل مجالس عرض و مقابله احادیث، با حضور اصحاب.

ششم - امر اصحاب خود به نوشتن احادیث، و مقابله و تصحیح، و نشر آنها.

۳ - به این ترتیب، در میان شیعه، کتابهای گوناگونی پدید آمد، که به اصول اربعمائه (چهار صد اصل) شهرت یافت. این اصول، مستقیماً از معدن وحی گرفته شد، و به اعتبار وثوق راویان و عصمت امامان علیهم السلام منتشر شد. و تا چند قرن، در اختیار شیعه بود که به آن عمل می‌کردند.

۴ - از آنجا که چهار صد اصل، ترتیب موضوعی نداشت، کتابهایی جامع با ترتیب موضوعی از میان آنها پدید آمد. بعضی از این کتابهای جامع، امروز موجود نیست. و در میان کتب موجود، چهار کتاب به عنوان خیمه علم دین شناخته شد:

«کافی» تألیف نقه الاسلام کلینی، «من لایحضره الفقیه» تألیف شیخ ابو جعفر صدوق، «تهذیب الاحکام» و «استبصار» تألیف شیخ طوسی.

«کافی» به بیان احادیث مسند در اصول عقاید و اخلاق و احکام اختصاص یافت. صدوق در «من لایحضره الفقیه»، مجموعه‌ای از احادیث مرسل در احکام به صورت فتوایی گرد آورد. شیخ طوسی در «تهذیب»، احادیث مؤتلف و مختلف را با ذکر سند، همراه با وجه جمع در موارد اختلاف گرد آورد. و در «استبصار»، فقط اخبار مختلف را از تهذیب برگزید، گاه مسند مانند کافی و گاه مرسل، مانند فقیه.

۵- در بررسی زندگی شیخ طوسی دیدیم که زندگی او در قرن چهارم و پنجم شگفتی‌های زیادی داشت:

تألیف دهها کتاب و رساله، همراه با زعامت شیعه و تربیت شاگردان کارآمد، نوآوری و ابتکار در آثار در فضای آشوب زده بغداد یا حوزه خردسال نجف، بحث و بررسی آزاد توأم با احترام و ادب به اساتید در زمان حیات یا پس از رحلت آنها، و موارد دیگر.

۶- کتاب «تهذیب الاحکام»، خورشیدی است از این کهکشان نورافشان که در این رساله پیرامون آن سخن می‌گوییم. از این کتاب، در طول هزار سال، صدها نسخه پدید آمده، که ۲۳۳ نسخه گزیده در این رساله معرفی شد. همچنین کتابهای فراوانی پیرامون تهذیب نوشته شده که بیش از ۹۴ کتاب و رساله در اینجا شناسانده شد. و این کتابها، به جز انبوهی مباحث فقهی، اصولی، رجالی، حدیثی و ادبی، پیرامون تهذیب است، که در ضمن مجموعه گران سنگ تراث شیعه وجود دارد.

۷- منابع و مستندات جلد ۱ تا ۵ تهذیب را شناساندیم. به علاوه، احادیثی را که در این مجلدات تهذیب، از کتابهای یاد شده نقل شده برشمردیم. این منابع، شامل ۱۶۳ کتاب از ۱۱۳ دانشمند قرن دوم تا چهارم است، که آن زمان در اختیار شیخ طوسی بوده، و امروز، فقط تعداد معدودی از آنها موجود است. فهرست این منابع، به ترتیب الفبایی نام نویسندگان، الفبایی عناوین، و زمان تألیف نیز یاد شد.

۸- با نویسندگان این منابع به طور اجمال - در حد معرفی رجال نجاشی - آشنا شدیم. و برخی منابع دیگر برای شناخت این بزرگواران یاد شد.

آغاز راه

و اینک می‌خواهیم راهی دراز آغاز کنیم، راهی که بزرگان ما پیمودند و به قلّه‌های شکوهمند علم و ایمان دست یافتند. شناخت این راه و نحوه طی طریق، فرآیندی است سخت و دشوار، که سختی رهنوردی را، شیرینی رهنمودها جبران می‌کند. این رشته سر دراز دارد. و این بیان مفصل در وجیزه‌ای چنین کوتاه نمی‌گنجد. اما بیان چند پیشنهاد در اینجا، مقدمه‌ای بر آغاز راه است:

۱ - کتاب باید برای پر کردن خلأها نوشته شود، نه تزئید عدد کتب یا کسب شهرت. طوسی، شرح اصول عقاید از کتاب مقنعه را رها می‌کند و به آثار دیگر خود حواله می‌دهد. و شرح فروع احکام را می‌آورد، آن هم با هدفی متمایز از کتابهای دیگر فقهی و حدیثی خود (مانند استبصار، نهایه، مبسوط، خلاف...) این روش نگارش کتاب، باید دقیقاً شناسایی شود که برای معاصران بسیار درس آموز است.

۲ - شیخ طوسی، از اینکه یک نفر شیعه عقیده صحیح را رها کرده، به فکر تألیف تهذیب می‌افتد. از سویی می‌گوید:

«این، دلیل بر عدم ثبات او است در عقیده‌اش، که اختلاف در فروع، او را به ترک عقیده صحیح وا داشته است. اصول، مقدم بر فروع است.»

و این درس برای معاصران جالب توجه است که بررسی دین را از «حلیة المتقین» علامه مجلسی آغاز نکنند، که با وجود اهمیت و ارزش، در زمینه فروع فروع دین است، نه اصول دین.

۳- همین برگشت یک نفر، شیخ را به تألیف تہذیب وامی دارد، و پی‌ریزی چنین بنیانی عظیم، که در طول هزار سال، «از باد و باران نیابد گزند». متولیان دین، امواج توفنده شبهات ضدّ دین را باید جدی بگیرند.

۴- نوع پاسخ‌گویی مهم است. پاسخ، در حدّ جزوه‌ای تبلیغی (یکبار مصرف!) نیست، که قبل از نویسنده‌اش بمیرد. پاسخ، چنان سخت بنیان است که هزار سال، محور بحث و تدریس حوزه‌ها می‌شود و این نمونه در گذشته کم نبوده:

«کافی» کلینی که در پاسخ به نیاز چند تن پدید آمد.

«عبارات الانوار» میرحامد حسین، که در پاسخ کتاب «تحفه اثنی عشریه» نوشته شد، اما کماً و کیفاً قابل قیاس با آن نیست.

«شافی» سیدمرتضی که هیچگاه با بخش امامت از معنی همدانی نمی‌توان قیاس کرد. و چنین کنند بزرگان، چو کرد باید کار.

۵- وحدت رویه در تألیف، از اول تا آخر کتاب، در میان آشوبهای زمانه و اشتغالات زعامت و تدریس و پاسخ به سؤالات و مشکلات دیگر، درسی زیبا و دیدنی است.

۶- ادب و تواضع نسبت به بزرگان و اساتید، نیز از پیشنهادهای این رساله است! در زندگی شیخ طوسی می‌بینیم که کتاب عقاید خود را «تلخیص الشافی» (خلاصه کتاب شافی استادش سید مرتضی) نام می‌نهد، کتاب دیگر را «شرح جمل العلم و العمل»، که شرحی بر «جمل العلم و العمل» سیدمرتضی است،

تهذیب را شرح «مقنعه» استاد دیگرش شیخ مفید می‌داند، در حالی که بررسی این کتابها با متون قبل، عظمت علمی طوسی را در جوار عظمت ایمانی او نشان می‌دهد.

۷- جنبه‌های عظمت و اهمیت تهذیب باید شناسانده شود. از جمله:

جنبه‌های تفسیری، ادبی، تاریخی، فقه تطبیقی، دقت در نقل (نقل مسند یا مرسل، نقل شفاهی، در رجال و سند)، احتجاج ذیل خبر و دقت در بررسی مضامین اخبار، نقد و بررسی علمی و مؤدبانه کلام استادش شیخ مفید، تفکیک دقیق میان متن حدیث و توضیح مؤلف، تصریح به اسم مأخذ در مشیخه و فهرست. و جهات دیگر.

۸- داعیه انحصار نیست، اما زشت است که پژوهشگری خارج از مرزهای جغرافیایی و مرزهای دینی ما، به تحقیق در این موارد بپردازد، اما محقق داخلی مای خیر باشد. و آنگاه، ما به ترجمه تحقیق اتان کلبرگ در مورد منابع آثار سید ابن طاووس بنشینیم!

و زشت‌تر آنکه تنها تحقیق دانشگاهی در مورد اصول اربعمائه، از آن همان کلبرگ باشد، آن هم در نشریه^(۱) Jersalem studies.

تا روزی که خودمان پیشگام در این گونه بررسی‌ها نشده‌ایم، نمی‌توانیم به استقلال فرهنگی خودمان بیندیشیم!

1- Kohlberg, Etan

Usul = al - usul al - arbaumi'a.

JSAl (JeruSalem Studies in Arabic and Islam), 10, 1987, PP. 128 - 166.

reprinted in:

Belief and law in Imami sh'i'sm,

Variorum, Aldershot, 1991

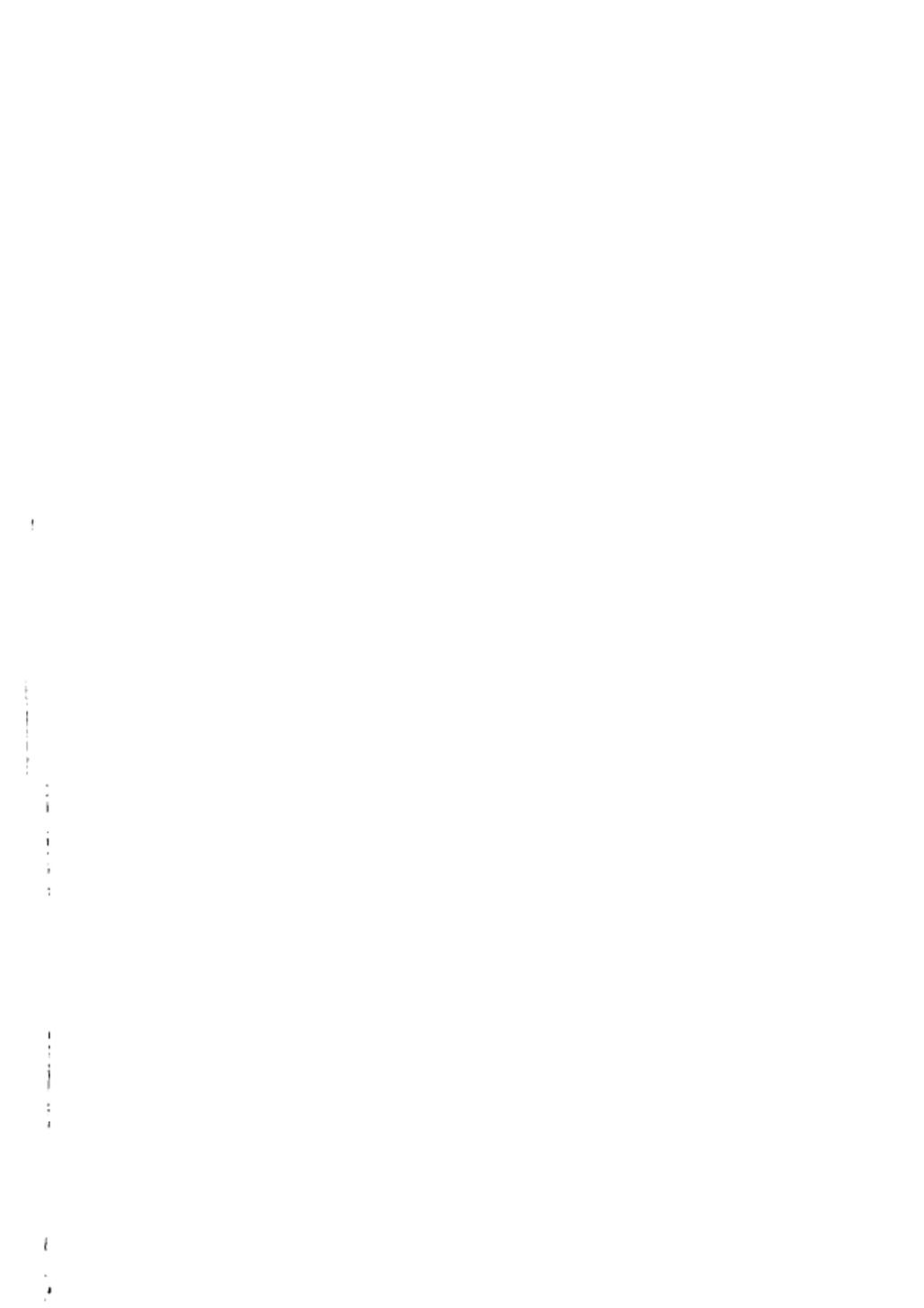
۹- تاریخ فقه شیعه و تاریخ فقه اهل سنت - به طور تطبیقی - باید روشن شود. اگر این کار، همراه با بررسی منابع آنها انجام گیرد، تقدّم زمانی شیعه و تأخّر دیگران مشخص می‌گردد. همچنین اصالت محتوای شیعه و التقاط محتوایی دیگران، که از نظر خاورشناسان دور مانده است.

این پژوهش، نخستین گام در این راه سخت و دراز است، که باید ادامه یابد. و در تداوم این راه، پژوهشهای دانشگاهی نقشی مهم دارند.

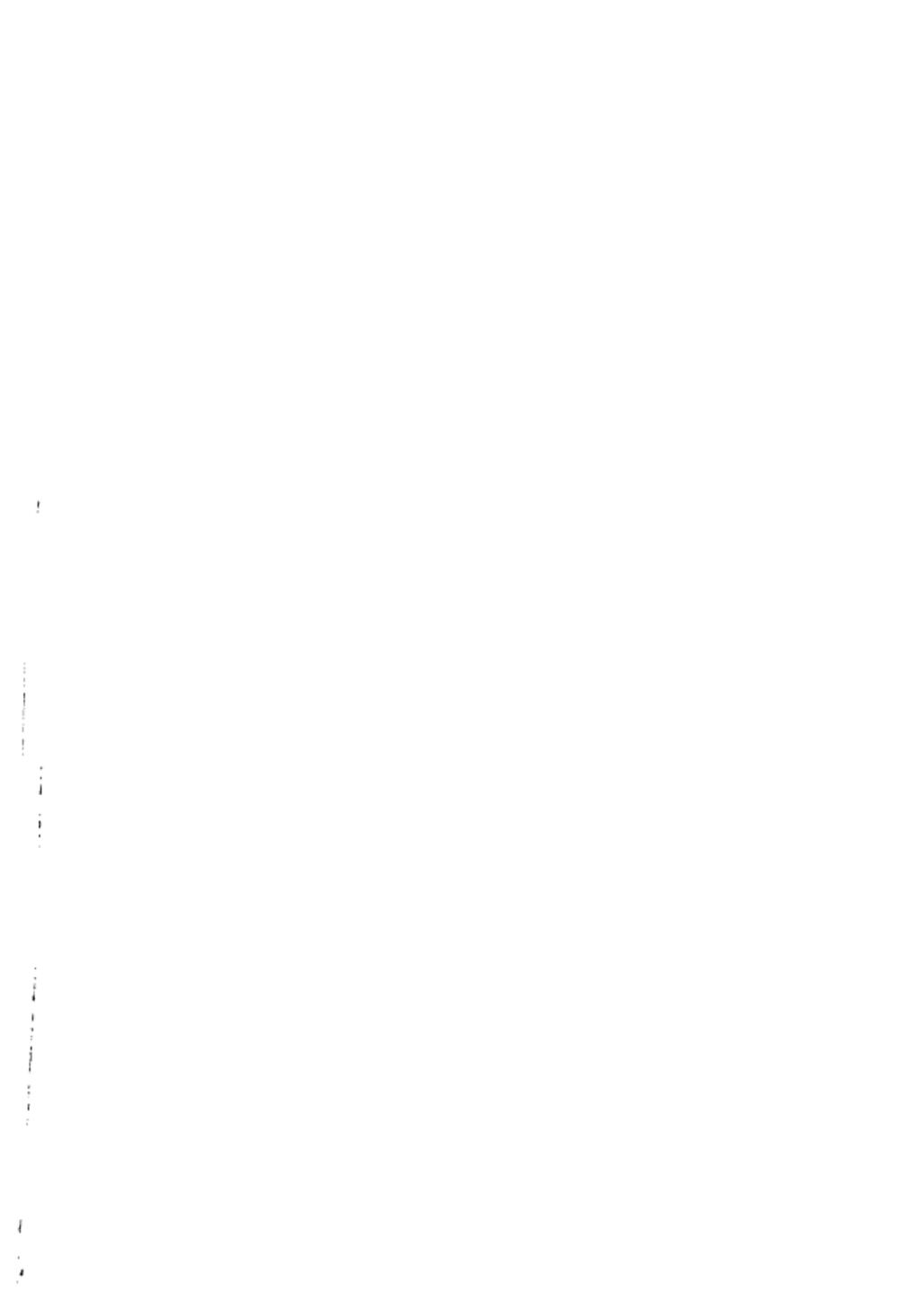
۱۰- و بالاخره، باید دید چگونه شیخ طوسی در زمان خود فعال بود و نقش داشت. و چرا برخی از وارثان طوسی در زمان خود، منفعل و بی‌نقش - یا احیاناً دارای نقش منفی - بودند. این بررسی، بی‌نظر و پیش‌داوری، نتایج مهمی در پی دارد، و ناگفته‌هایی را باز می‌گوید.

درد دل‌های استاد شهید مطهری در سخنرانی ارتجالی خود در کنگره هزاره شیخ طوسی - تحت عنوان «الهامی از شیخ الطائفة» - هنوز باید بازگو شود، و موضوع پژوهشها قرار گیرد، که سخت درد انگیز و درس آموز است.

در زمان کوتاه این پژوهش، مجال اندک عرضه نتایج آن و ضرورت رعایت اختصار، ناگفته‌های بسیار باقی ماند. و این پژوهش، آغاز راهی است دراز، که نگارندگان برای پیمودن آن عزمی جزم دارند. و امید است با نظر عنایت حضرت بقیةالله ارواحنا فدا، به مقصد برسند. و توفیق از خداست.

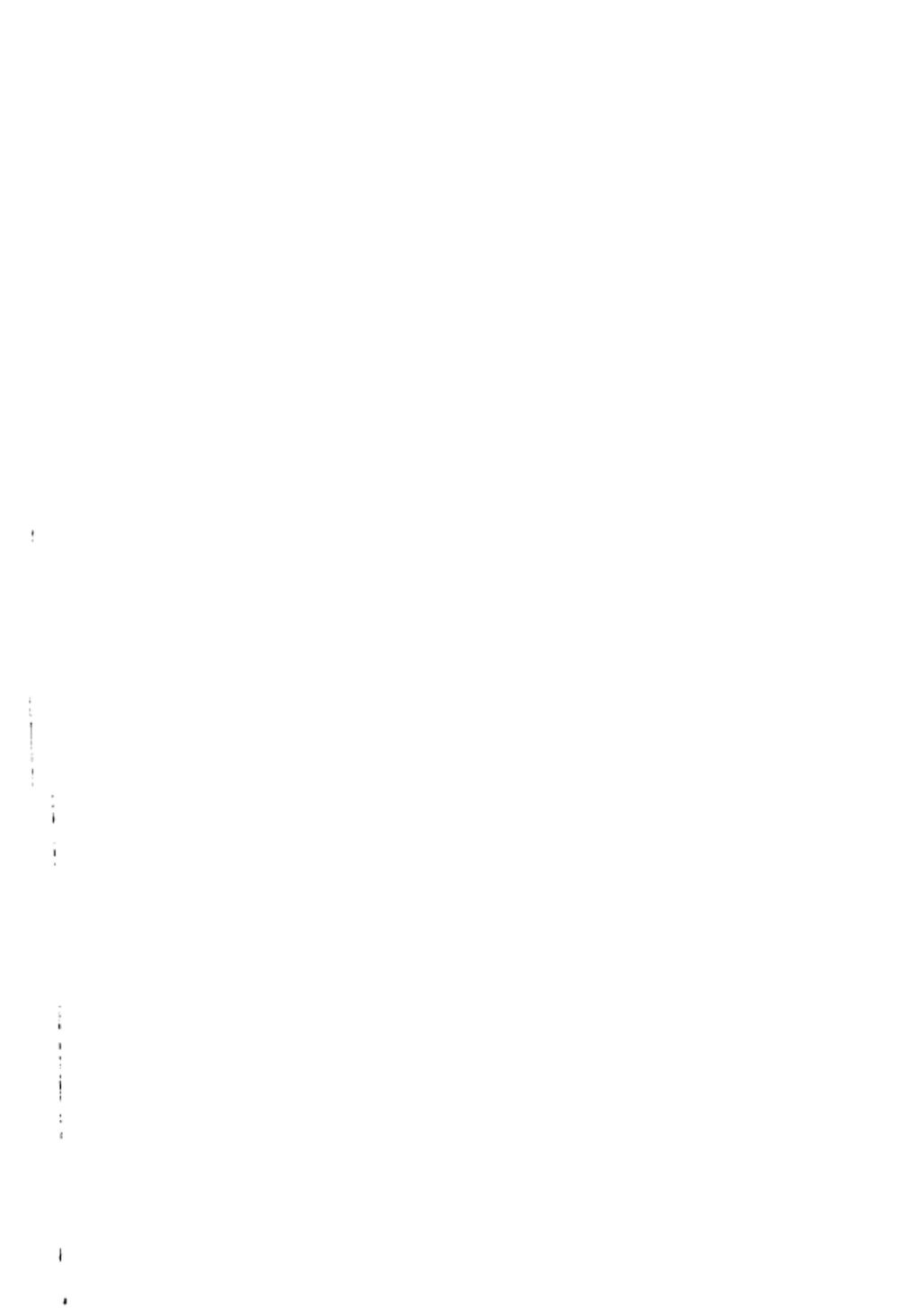


پیوست‌ها



پیوست اول

شخصیت علمی و مشایخ
شیخ طوسی



شخصیت علمی و مشایخ شیخ طوسی

نوشته: استاد فقیه، علامه محقق،
سید عبدالعزیز طباطبایی یزدی
(قدس سزه)

میراث علمی و فکری گرانبهایی که از علامه بی بدیل معاصر، مرحوم علامه سید عبدالعزیز طباطبایی یزدی (رحمة الله علیه و حشره مع موالیه المعصومین علیهم السلام) بر جای مانده، آن چنان گسترده است که هر بخش آن در معرض استفاده قرار گیرد، انبوهی از گفتنی‌های ناگفته را به محضر علاقمندان علم و دین و محبتان اهل بیت عصمت علیهم السلام عرضه می‌دارد.

در این مجال مختصر، امکان پرداختن به زوایای علمی و باقیات صالحات زندگانی پر برکت این بزرگ‌مرد را نداریم، گرچه حق استادی این بزرگوار بر نگارندگان این سطور، اقتضای انجام وظیفه بیش از این را می‌طلبد. برای این مهم، اهل تحقیق را به یاد نامه سه جلدی استاد، ارجاع می‌دهیم که در نخستین سالگرد آن فقید (سال ۱۳۷۵) توسط «مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث» در قم انتشار یافت. گرچه درد نهان و سوز سینۀ آن عالم ربانی در مظلومیت امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام و مکتب نورانی خاندان معصوم آن حضرت صلوات‌الله‌علیهم، در هیچ گفتاری قابل انتقال و بیان نیست. هر کس آن سید بزرگوار را از نزدیک دیده، می‌داند که برای آباء و اجداد گرامی خود

علیهم السلام چه فرزند صالحی بود. و چگونه، با تمام وجود، با تلاشهای بی وقفه و مخلصانه و بی‌ریا، برای دفاع از حریم مقدس خاندان نور صلوات الله علیهم در برابر هجوم دشمنان، قرار و آرام نداشت. حشره الله معهم علیهم السلام.

این رساله را نزدیک به سی سال پیش، استاد فقید نگاشته، و بر خلاف اغلب آثار خود، به زبان فارسی نوشته‌اند. این رساله، علاوه بر فوایدی که در موضوع خود دارد، در زمینه‌هایی همچون: شیوه صحیح تحقیق، همت و الا برای تتبع و استقصای کامل، ادب نقد کلام بزرگان، استفاده کامل از منابع فریقین همراه با غیرت و تعصب دینی، پافشاری بر ارزشهای والای ولایت، و نشان دادن اخلاق تحقیق، یکی از بهترین نمونه‌های علمی است، که یادآور علم و ادب سلف صالح شیعه امامیه است.

در یک کلام، ادب درس و ادب نفس را - یکجا - می‌توان در این مقال، به روشنی دید. از این رو، خوانندگان گرامی را - به ویژه کسانی که استاد فقید را از نزدیک ندیده‌اند - به تعمق در روش تحقیق و نگارش این مقاله فرامی‌خوانیم، که آینه‌ای از سیمای استاد است، سیمایی که عمق و دقت علمی به علاوه سوز درون نیز در آن هویدا بود.

این مقاله، نخستین بار در زمان حیات استاد، در سالنامه «میراث اسلامی ایران» (از انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی) شماره دوم، ص ۳۶۳ - ۴۱۲ منتشر شد. و در اینجا، فقط با افزودن علائم سجاوندی برای استفاده بهتر و نیز افزودن بعضی سطور در پاورقی بین کروشه []، همراه با تصحیح خطاهای روشن مطبعی نقل می‌گردد.

از خدای متعال می‌خواهیم که روح آن بزرگ را با موالی معصوم خود علیهم السلام محشور گرداند، و ما را از دعای خیر آن فقید سعید بهره‌مند سازد. آمین یا رب العالمین.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بدون تردید شیخ طوسی بزرگترین شخصیت علمی است، و در میان همه دانشمندان بزرگ جهان تشیع شیخ طوسی مقام اول را حائز است، یعنی پس از مقام ائمه علیهم السلام، شیخ طوسی مقام و مرتبه مخصوص به خود دارد. همه بزرگان شیعه، او را رئیس و پیشوا و رهبر خود دانسته‌اند. علامه حلی، او را (شیخ الامامیه و وجههم و رئیس الطائفة)^(۱) خوانده. شیخ حسین بن عبدالصمد او را (امام بوقت، و شیخ عصره، رئیس هذه الطائفة و عمدتها، بل رئیس العلماء كافة)^(۲) دانسته. سماهیجی گفته: (شیخ الطائفة و رئیس المذهب، امام فی الفقه و الحدیث)^(۳).

شیخ اسدالله دزفولی گوید:

(رئیس المذهب، شیخ الطائفة، قدوة الفرقة الناجية و بانی مبانی کل علم و عمل)^(۴).

۱- خلاصة الاقوال ص ۷۲.

۲- وصول الاخیار ص ۷۱.

۳- اجازة شیخ عبدالله سماهیجی.

۴- مقابس الانوار ص ۴.

مرحوم سیدحسن صدر فرموده: (امام‌الفقہ و الحدیث و التفسیر و الکلام، لانظیر له فی کل علماء الاسلام فی کل فنون العلم، و صنّف کتابا لم یسبقه احد فی الاسلام الی مثلها)^(۱).

شیخ طوسی در میان دانشمندان شیعه بلکه در علمای اسلام، مانند ندارد، نه پیش از او و نه بعد از او کسی به پایه او نرسیده است.

رادمردی که حوزه علمیّه هزار ساله نجف اشرف - که سرچشمه همه حوزه‌های شیعه است - یکی از آثار درخشان و جاوید اوست. بلکه باید گفت: شیخ طوسی کسی است که استقلال روحانیت تشیع و نگهداری و محفوظ ماندن آن از گزند مخالفین به همت والای او بوده است.

نابغه عجیبی که در همه دانشهای اسلامی و فنون مذهبی، بنیانگذار و صاحب مکتب زنده است. تمامی دانشمندان شیعه به مقام عظمت او خاضع و او را رئیس طائفه و پیشوای مذهب دانسته‌اند. علامه بحرالعلوم این معنی را بهتر و صریحتر بیان کرده، فرموده:

«شیخ الطائفة المحققة و رافع اعلام الشریعة الحقة، امام الفرقة بعدالائمة المعصومین، و عماد الشیعة فی کل ما یتعلق بالمذهب والدين»^(۲).

چنانکه ملاحظه می‌شود، آشکارا می‌فرمایند: از دوازده امام گذشته، شیخ طوسی پیشوا و رهبر است. این است که با تمام نوابغ بزرگ، رجال نامی، محققان و الامقام، دانشمندان برجسته که طی چهارده قرن در عالم تشیع پدید آمده‌اند و جهانی را پر از فکر و دانش و نور کرده‌اند، مقام والای «شیخ الطائفة» بودن از میان همه آنها، طی قرنهای متمادی منحصر به شیخ طوسی است، مقام اختصاصی او است و این تشریف تنها با اندام او راست آمده و بس.

۱- تأسیس الشیعه ص ۳۰۴.

۲- رجال بحرالعلوم و خاتمه مستدرک ۵۰۵.

در دانشمندان شیعه با آمدن محقق‌ها، خواجه نصیرها و علامه‌ها و مجلسی‌ها و صدها و هزارها از این قبیل شخصیت‌های نامی و محققان بزرگ، کسی به اوج این مقام نرسیده و به این منصب حساس دست نیافته، و همه اینها خود، او را با مقام و لقب «شیخ الطائفه» یاد می‌کنند و نام می‌برند.

و همچنین کلمه «شیخ» به طور مطلق در اصطلاح دانشمندان، طی هزار سال است که مخصوص شیخ طوسی است، و منصرف است به فرد اکمل و شیخ مطلق. و اگر جز او را بخواهند، باید قیدی و قرینه بر او بیفزایند تا مقصود معلوم شود. (۱)

و همچنین کلمه «ابوجعفر» هرگاه در آغاز متن حدیث باشد، امام باقر علیه‌السلام است. و در جاهای دیگر، منصرف به بزرگترین شخصیت علمی و اشخص علما یعنی ابوجعفر طوسی است. با اینکه بیشتر بزرگان شیعه - مانند برقی، بزظی، صفار، ابن الولید، احمد بن محمد بن عیسی، محمد بن یحیی، محمد بن مسلم و بسیاری مانند اینها - از شخصیت‌های بزرگ و رجال برجسته کنیه‌شان ابوجعفر است.

شگفت آنکه نگارندگان کتب اربعه، هر سه کنیه‌شان «ابوجعفر» است. با همه این، در میان همه و همه، «ابوجعفر» مطلق، شیخ طوسی است.

در همه رشته‌های علوم اسلامی، شیخ طوسی در میان شیعه، مؤسس و بنیان‌گذار و صاحب مکتب است. در اوائل غیبت کبری، پایه و پی‌ریزی در علوم و فنون مذهبی از شیخ طوسی است. بعد از شیخ مفید و سید مرتضی، پیشرو او بوده و شالوده را او ریخته و دانشمندان بعد، از آثار او بهره برده و از مکتب و روش او پیروی کرده‌اند که شرح آن را به طور اجمال اشاره می‌کنیم:

۱- تفسیر قرآن

در تفسیر قرآن مجید، نخستین تفسیر کامل و جامع و مفصل را شیخ طوسی نوشته است. و مفسران بعدی اسلام، از مکتب تفسیری او پیروی نموده و آن را دنبال کرده‌اند، و این سبک تفسیر کامل و جامع در اسلام بی‌سابقه بود. دانشمندان صدر اسلام، هر یک، از نظر رشته تخصصی خود تفسیری بر قرآن می‌نوشت. غالباً یا محدث بوده‌اند که تفسیر قرآن را به مآثور و روایات با ذکر سند می‌نوشتند، چون طبری و ابن‌ابی حاتم و مانند آنها. یا ادیب بودند، جنبه‌های مختلف ادبی قرآن را تفسیر می‌کردند، یا لغتش یا اعرابش یا معانی‌اش یا مشکلاتش و مانند اینها چون ابوعبید و ابوعبیده و اخفش و زجاج و مانند اینها که اعراب القرآن و غریب القرآن و معانی القرآن و مجازات القرآن و مشکل اعراب القرآن و مانند اینها نوشته‌اند. حتی سیدرضی که تفسیری بزرگ و در نهایت خوبی نوشته و حَقّاً در فهم معانی آیات بهترین تفسیر است، در عین حال، بیشتر به جنبه‌های ادبی پرداخته و معانی آیات را روشن کرده، حقیقت که تفسیر هم همان است^(۱). ولی چنانکه گفتیم، جامع و کامل نیست. و

۱- تفسیر سیدرضی، «حقائق التأویل» نام دارد. و متأسفانه تنها جلد پنجم آن به دست آمده که شامل تفسیر سوره آل عمران و سوره نساء است و در نجف اشرف چاپ شده. نسخه کهنی مورخ ۵۳۳ از همین جلد در کتابخانه آستان قدس هست. درباره این تفسیر، همین بس که دانشمندی چون ابن جنی استاد سیدرضی درباره او گفته:

«و صنف کتابا فی معانی القرآن الکریم یتعذّر وجود مثله ...»

وفیات الاعیان ابن خلکان ۴ : ۴۵، شذرات الذهب ۳ : ۱۸۳.

نخستین کسی که در اسلام تفسیر کامل و جامع نوشت، و تمام رشته‌های تفسیری - از قرآات و لغت و اعراب و ادب و شواهد و معانی و احکام و غیر ذلک - را جمع کرد، و سندهای خسته‌کننده را انداخت، و مطالب کلامی و مباحث عقایدی به استناد آیات مربوطه داخل تفسیر کرد، شیخ طوسی بود. اگر در میان شیعه - بلکه در میان همه تفاسیر اسلامی - «مجمع البیان» طبرسی، بهترین و جامعترین تفسیر شمرده شده، با اعتراف و تصریح خود طبرسی، دنباله و پیروی از «تبیان» کرده، تنظیم و تحریر تبیان است^(۱).

از این رو است که دانشمندان اهل تسنن در کتابهای تاریخ و تراجم، شرح حال شیخ طوسی را که می‌نویسند - هر چند در دو سطر باشد - حساسترین فرازش یاد کردن از تفسیر اوست، و او را به تفسیرش معرفی می‌کنند. و تفسیر «تبیان» چنان در نظر دانشمندان جلوه داشته و جالب افتاده که معرف شیخ طوسی واقع شده^(۲).



ذهبی در سیر اعلام النبلاء در شرح حال سیدرضی گفته: «له معانی القرآن ممتع يدل على سعة علمه».

۱- نگاه کنید به دیباچه مجمع البیان.

۲- ابن تغری بردی در نجوم زاهره ج ۵ ص ۸۲ گفته: «فقیه الامامية الرافضة و عالمهم و هو صاحب التفسیر الكبير و هو عشرون مجلدة».

صفدی در الوافی بالوفیات ۲: ۳۴۹ گفته: «شیخ الشیعة ... له تفسیر كبير عشرون مجلدة».

عماد کاتب در کتاب «دولة آل سلجوق» ص ۳۳ گفته: «و كان امام الشيعة و هو الذي صنف التفسیر و يسر من امور هم العسير».



در پایان، ناگفته نماند: تصور نشود که شیخ طوسی از طبری استفاده کرده است، بلکه همان مدارک در اختیار طبری بوده، چون کتابهای قرآت قاریان یا تفاسیر متقدمان - چون مقاتل و سدی و مجاهد و ضحاک و مانند آنها - و همچنین غریب القرآن‌ها و معانی القرآن‌های گذشتگان. همه این مدارک و مآخذ، در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی بغداد، در اختیار شیخ طوسی بوده و



سبکی در طبقات کبری ۳: ۵۱ و در طبقات وسطی گفته: «فقیه الشیعه و مصنفهم له تفسیر القرآن...». و ابن شهبه در طبقات الشافعیة (نسخه کتابخانه ظاهریه شام، برگ ۱۳۶) گفته: «ولأبی جعفر الطوسی تفسیر کبیر، عشرون مجلده».

سبط ابن جوزی در مرآة الزمان (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف، جلد ۱۲ برگ ۱۱۷) گفته: «فقیه الامامیة، صاحب التفسیر الکبیر، و هو عشرون مجلده».

سیوطی در طبقات المفسرین ص ۲۹ ش ۹۱ گفته: «له تفسیر کبیر عشرون مجلده».

اکنون بنگر به گفته گولدزیه‌ر در «مذاهب التفسیر الاسلامی» ص ۳۰۴ که گفته است: تبیان به کلی مفقود شده و وجود ندارد! و کسانی هم که شرح حال شیخ طوسی را نوشته‌اند از این کتاب نام نبرده‌اند!! و بروکلن هم در تاریخ ادبیات عرب از این کتاب یاد نکرده است!

در صورتی که خوشبختانه نسخه‌های کهن و متعددی از تبیان در کتابخانه‌های دنیا هست و گفتار بعضی شرح حال نویسان را هم ملاحظه فرمودید، حتی بروکلن هم در جلد اول ذیل ص ۷۰۵ کتاب تبیان را در شمار تألیفات شیخ طوسی یاد کرده است و دو کتاب هم اشتباهاً به شیخ طوسی نسبت داده است: یکی الفصول فی الاصول و دیگری فصول الاحکام!

مستقیماً مورد استفاده او نیز قرار گرفته است^(۱).

نهایت اینکه طبری هر جمله‌ای را که از یکی از اینها نقل کرده، با سندی که به مؤلف آن داشته نقل کرده است. ولی شیخ طوسی - با اینکه سند روایت همه آنها را داشته - بدون سند نقل کرده و مستقیماً گفته: فلان چنین خوانده و فلان چنین گفته است. همچنانکه احادیثی را هم که نقل کرده است، سندها را انداخته و بدون سند آورده است.

۲ - فقه

اما در فقه، مقام رهبری و پیشوایی شیخ الطائفة آشکارتر از آن است که لازم باشد پیرامون آن چیزی گفته یا نوشته شود، و مسلّم‌تر از آن است که نیاز به شرح و بسطی در اطراف آن باشد.

حتی اهل تسنن هم در کتابهای تاریخ و تراجم، شرح حال شیخ طوسی را که

۱- شیخ طوسی تبیان را در بغداد نوشته است. در تابستان سال ۱۳۸۸ که برای بار دوم از طرف کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام برای دیدن کتابخانه‌ها و بررسی نسخه‌های خطی ارزنده و عکسبرداری از آنها به ترکیه رفته بودم، در شهر بورس در کتابخانه مسجد اورخان، جزو کتابهای کتابخانه خراج چی اوغلو به شماره ۱۲۹، نسخه‌ای از مجلد آخر تبیان را دیدم. در آخرش نوشته بود: «وافق الفراغ من عمله يوم العشرين والواحد من رجب سنة ۴۴۱ ووافق الفراغ من تبييضه يوم الاحد الرابع عشر من جمادى الآخرة من سال ۴۴۴». تاریخ تحریر نسخه هم ۲۶ جمادى الاولى سال ۵۸۱ بود.

بنابراین شیخ طوسی در بغداد در سال ۴۴۱ تألیف تبیان را به پایان رسانده، و در مدت سه سال هم آن را پاکنویس کرده است.

نوشته‌اند، او را با عنوان فقیه‌الشیعه^(۱) یا فقیه‌الامامیه^(۲) یا شیخ‌الشیعه و عالمهم^(۳) یا امام‌الشیعه^(۴) و مانند اینها تعبیر می‌کنند، آنها هم او را به این سمت شناخته و معرفی می‌کنند.

شیخ‌الطائفة در هر یک از شعب مختلف فقه، کتابهای جداگانه پرداخته که طی هزار سال دارای موقعیتی خاص و اهمیتی بسزا بوده:

الف - در تنظیم متون اخبار و روایات، به صورت مسأله و فتوا، کتاب «نهایه» مانند ندارد. و تا پیش از «شرایع الاسلام» محقق حلی کتاب، درسی و متن فقهی بوده که آنرا درس می‌گفتند، می‌خواندند، از بر می‌کردند، بخصوص در اجازات علما جداگانه یاد می‌شد و اجازه داده می‌شد، شرح می‌کردند، مشکلاتش را حل می‌کردند^(۵).

۱- چون سبکی در طبقات کبری ج ۴ ص ۱۲۶ و در طبقات وسطی (نسخه خطی کتابخانه ظاهریه شام)، ابن جوزی در منتظم ۸ : ۲۵۲، ابن کثیر در بدایه و نهایه ۱۲ : ۹۷، ابن حجر در لسان‌المیزان ۵ : ۱۳۵، سبط ابن جوزی در مرآةالزمان (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف) جلد ۱۲ برگ ۱۹ و ۲۲، یوسف بن عبدالهادی حنبلی در کتاب تراجم (نسخه خطی کتابخانه ظاهریه) برگ ۳۶، حاجی خلیفه در کشف‌الظنون ج ۱ : ۳۱۱، ابن فوطی در تلخیص مجمع‌الآداب ج ۴ ق ۲ ص ۸۱۵ شماره ۱۱۹۲، فهرست کتابخانه عبدلیه در جامع زیتونه در تونس ج ۱ ص ۲۷.

۲- چون ابن تغری بردی در نجوم زاهره ج ۵ : ۸۲ و ابن اثیر در کامل ۸ : ۸۱ و ۱۰۶.
 ۳- مانند ذهبی در سیراعلام‌النبلأ (نسخه عکسی مجمع علمی دمشق) جلد ۱۲، و صفدی در الوافی بالوفیات ۲ : ۳۴۹، و سیوطی در طبقات‌المفسرین ص ۲۹.

۴- چون عماد کاتب در دولة آل سلجوق ۳۳.

۵- شیخ ابوعلی فرزند شیخ طوسی و نظام‌الدین صهرشتی شاگرد شیخ طوسی

ب - در طرح مسائل گوناگون و تفریع فروع، کتاب بزرگ مبسوط بی سابقه است.
ج - در مقارنه فقهی و حقوق تطبیقی نیز، کتاب خلاف بی سابقه و مانند نداشته است.

د - در جمع میان خبرهای ناسازگار و حل مشکلات حدیث و روایات مشکل و توجیه خبرهای متعارض و وفق دادن آنها با یکدیگر، شیخ طوسی از همگان پیشقدم است. کتاب استبصار مانند پیدا نکرد. و نیروی فکری او بود که بر همه مشکلات فائق شد و راه را برای مجتهدان و دانشمندان بعد هموار ساخت. و آن مطالب که هزار سال پیش با فکر نیرومند خود بیان کرده و به اصطلاح «وجه جمع»هایی که شیخ در استبصار بیان فرموده، امروز جزء بدیهیات علم فقه و حدیث شده است.

از این رو مقام رهبری و پیشوایی در فقه، مقام مسلم اوست. و فقیهان و دانشمندان اسلام پس از او، تربیت یافته گان مکتب زنده اویند.

حقاً اگر در مذهب شیعه، در اجتهاد بسته شده بود و پیروی مجتهد مرده واجب یا جائز بود، اگر در میان شیعه - مانند سایر مذاهب عامه - قرار بود همه از یک شخص معین که هزار سال پیش مرده تقلید کنند و دانشمندان حق اظهار نظر نداشته باشند، اگر در شیعه نیز قرار بود چنین باشد، تحقیقاً در میان هزاران



نهایه را شرح کرده اند. و همچنین قطب راوندی (در گذشته ۵۷۳) شرح های متعدد و مختلفی بر نهایه نوشته: شرحی دارد بزرگ در ده جلد به نام مغنی، و شرحی دیگر بر مشکلات نهایه، و شرح مایجوز و مالايجوز من النهایه، و نهایه النهایه، همه از قطب راوندی و پیرامون نهایه است. محقق حلی نیز شرحی بر مشکلات نهایه نوشته که نکت النهایه نام دارد، و ضمن جوامع فقهیه به چاپ رسیده است.

دانشمند محقق و فقیهان بزرگ شیعه، شیخ الطائفه، امام مذهب بود، و این منصب، مقام مسلم او بود.

تفوق علمی او به قدری مسلم عموم بود، و به اندازه‌ای بر افکار عمومی سیطره داشت، و به حدی به اعماق دلها نفوذ کرده و همگان مرعوب و دلباخته قدرت علمی او بودند که سالیان دراز، کسی را یارای مخالفت با او نبود. امتداد و موج قدرت فقهی و پرتو عظمت و موقعیتش، تا حدود دو قرن، شیعه را تحت تأثیر قرار داده بود. و آراء و نظریاتش بر افکار دانشمندان حکومت می‌کرد و استقلال در رأی ضعیف شده بود.

سیدابن طاوس (درگذشته ۶۶۴) از سدیدالدین محمود حمصی (درگذشته ۶۰۵) نقل کرده که می‌گفته است: در شیعه فتوا دهنده و صاحب رأیی باقی نماند^(۱).

شاید جهت اینکه دانشمندان از فتوا دادن خودداری می‌کردند، یکی از این دو جهت یا هر دوی اینها باشد:

۱- ایمان عمیق فقها به قدرت علمی و مقام شامخ فقهی شیخ الطائفه بود، چنانکه گفتیم سالیان دراز مرعوب عظمت او بودند. عبدالجلیل رازی از دانشمندان قرن ششم، در کتاب النقص ص ۱۵۹ گفته:

«و ابو جعفر طوسی معروف و مشهور است... بزرگ قدر و رفیع جاه، و بر قول و فتوای او اعتماد تمام است».

۲- و شاید موقعیت شیخ الطائفه در انظار عمومی، اجازه نمی‌داد کسی اظهار

۱- نگاه کنید به مقاله این جانب در مجله «اسلام» چاپ نجف اشرف سال اول شماره ۶ ص ۲۲۱- ۲۲۳ و مقاله جناب آقای دانش‌پژوه در مجله فرهنگ ایران زمین جلد ۴ ص ۸۸- ۸۹.

مخالفت با او کند. و به قدری شیخ مورد تقدیس افکار عمومی بود که کوچکترین مخالفت با او را در فتوا جسارت و اسائه ادب نسبت به مقام والای او می دانستند.

حتی ابن ادریس (در گذشته ۵۹۷) هم که مشهور به مخالفت با شیخ شده و نخستین کسی است که به این حریم رخنه وارد ساخته، از میان سخنانش عظمت و موقعیت شیخ طوسی به خوبی ظاهر می شود.

در کتاب سرائر، در مبحث آب حمام، پس از بیان مسائل بسیاری گوید: همه اینها که گفتیم، با نظر شیخ ما ابو جعفر طوسی موافق است.

در جای دیگر سرائر گفته: اما آنچه در برخی کتابهای شیخ ما ابو جعفر دیده می شود که به ظاهر مخالف است با آنچه ما اختیار کردیم، فرمایش شیخ صراحت ندارد، بلکه قابل تأویل است.

در جای دیگر گفته: شیخ ابو جعفر در کتاب جمل و عقود موافق است با این قول. از همه اینها به دست می آید که ابن ادریس هم به خود جرأت مخالفت صریح با شیخ طوسی را نمی داده یا محیط و زمان و اجتماع آن روز مقتضی آن نبوده، در آنجا که رأی شیخ موافق بوده همچون دلیل بر مطلب خود می آورد. و آنجا که مخالف بوده، می گوید: صریح در خلاف گفته من نیست، بلکه قابل توجیه است و می توان گفت شیخ هم با نظر من موافق است.

علامه حلی در دیباجه منتهی المطلب فرمود: «متأخران از شیخ طوسی بهره برده اند، و اگر سخنی هم از خود داشتند - و آن هم اندکی است - در کتابهای خویش نیابورده اند».

حتی تا زمان محقق و علامه هم، اگر فقهاء می خواستند در کتابهای فقهی در فتواهای شیخ طوسی تأملی و تردید کنند، تأدباً و احتراماً نام شیخ را نمی بردند و

مطلب را بدون نسبت به او آورده و آنگاه در او خدشه و تردید می‌کردند^(۱).
 و اما در غیر صورت مخالفت یا تردید، در بیشتر کتابهای فقه، می‌بینیم غالب مسائل فرعی را با «قال‌الشیخ» آغاز و با متن عبارات او عنوان می‌کنند.

۳- اصول فقه

اما در فن اصول فقه، همین بس که شیخ طوسی - طبق تصریح خود او در دیباچه کتاب عده - نخستین کسی است که در این فن کتابی مفصل و مستدل نوشته، و «عده» شیخ، باید بیش از «ذریعه» سید مرتضی باشد. شیخ در دیباچه «عده» می‌فرماید: «از اصحاب ما کسی در این باب چیز مستقلی تاکنون ننوشته جز آن مختصری که شیخ ما ابو عبدالله (مفید) نوشته و جز مباحث و مطالبی که سید اجل (مرتضی) در رساله‌ها و جواب مسائل متعرض شده است».

سید مرتضی کتاب ذریعه را در سال ۴۲۰ تألیف کرده، پس باید شیخ طوسی کتاب عده را پیش از این تاریخ نوشته باشد.

علامه بحر العلوم فرموده: کتاب عده، بهترین کتابی است که در اصول تصنیف شده است.

۴ - علم کلام

در علم کلام، همین بس که شیخ طوسی بهترین تربیت شدگان مکتب شیخ مفید و سید مرتضی است. و روی نظریات آنها فکر کرده و پی‌ریزی نموده و کتابهای متعددی در کلام نوشته. و بهترین آنها - بلکه بهترین کتابهای کلامی - «تمهید» او است که مفصل و روان - و در عین حال، دقیق و محققانه - تصنیف شده.

علامه حلی - که از بزرگترین متکلمین اسلام است - درباره شیخ طوسی فرموده: «و هو المهدب للعقائد». علامه بحر العلوم فرموده: «مهدب فنون المعقول والمنقول». و ابن کثیر از او به «متکلم الشیعة» تعبیر کرده است^(۱).

ابن حجر گفته: «دارای مصنفات بسیاری است در علم کلام، طبق مذهب امامیه»^(۲).

و هم در این مورد، همین اندازه بس که بدانیم حکومت معاصر و دربار خلافت وقت (القائم بامرالله خلیفه عباسی) با اختلاف نظری که در بین بود، برابر قدرت کلامی شیخ خضوع کرده، به رسمیت، کرسی کلام را که به منزله عالی‌ترین مدال علمی بوده، بر شیخ طوسی اختصاص داده است^(۳).

متأسفانه این کرسی تاریخی هم در ماه صفر ۴۴۹ در بازار کرخ به دست جاهلان آشوبگر بسوخت^(۴).

۱- البداية و النهاية ۱۲ : ۷۱.

۲- لسان المیزان ۵ : ۱۳۵.

۳- از سابقه و لاحقه این کرسی اطلاعات کافی در دست نیست. جز آنکه در کتاب النقص ص ۴۸ آمده که سلطان محمد به شیخ امام ناصرالدین ابواسماعیل محمدبن حمدان بن محمد حمدانی قزوینی کرسی تدریس داد، و همچنین در تذکرة الحفاظ ۳ : ۷۶۹ آمده: کان ابن ابی داود امام اهل العراق و من نصب له السلطان المنبر. شرح حال ابن حمدانی در فهرست منتجب‌الدین آمده است.

۴- مرآة الزمان جلد ۱۲ برگ ۲۲.

۵- ادعیه و زیارات

حتی در قسمت ادعیه و زیارات و اذکار هم، شیخ طوسی پیشوا و پیشقدم است. نخستین کتاب مفصل و جامع در این موضوع، کتاب مصباح‌المتهدجد اوست. دانشمندان بعدی از او گرفته و از او پیروی کرده‌اند. حتی سیدابن طاووس که متخصص و محض در این جهت بوده و ده کتاب در این موضوع پرداخته، همه را به نام «المهمات لصلاح المتعبد و التتمات لمصباح المتهدجد»، یا «التتمات و المهمات» نامیده و آنها را تتمیم و دنباله کتاب شیخ طوسی قرار داده است. و همچنین قبس‌المصباح تألیف صهرشتی شاگرد شیخ طوسی، و اختیارالمصباح تألیف سید ابن‌باقی، و منهاج‌الصلاح علامه حلی، و ایضاح‌المصباح سید علی بن عبدالکریم نیلی، همه گرفته از مصباح شیخ طوسی و گزیده کتاب اوست.

۶- علم حدیث

در علم حدیث نیز، از چهار کتاب که مهمترین کتابهای حدیث است و کتب اربعه خوانده می‌شود، دو کتاب از آنها از شیخ طوسی است: استبصار و تهذیب. ۱- اما استبصار، چنانکه پیش گفتیم، در جمع میان خبرهای ناسازگار و حل مشکلات حدیث و وفق دادن میان آنها بی‌سابقه و بی‌نظیر است. ۲- اما تهذیب، دوره جامع مدارک فقه و احادیث احکام است، به منزله کتاب وسائل‌الشیعه امروز. تا پیش از آن فقها و محدثین و دانشمندان، در فقه به تهذیب استناد می‌کردند و در مقام فتوا دادن به آن مراجعه می‌کردند. و اصولاً چنانکه خواهد آمد، شیخ طوسی محور حدیث و روایات شیعه است.

و سوم این دو کتاب، کتاب امالی شیخ است که در آن اخبار غیر فقهی را جمع کرده است و غالباً آنچه از روایات اخلاقی و اعتقادی یا مربوط به فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام یا روایات تفسیری یا تاریخی بوده، در آن جمع کرده است. و لذا در آن از مشایخ غیر شیعی خود نیز، حدیث بسیاری نقل کرده است.

۷- علم رجال

در علم رجال، در میان شیعه، چهار کتاب اصلی در دست است که متون کتابهای رجالی شمرده می‌شود. از این چهار متن، سه کتاب آن از شیخ طوسی است، از این رو است که علم رجال و کتابهایی که در آن تاکنون نوشته شده، بیشتر، از گفته‌های شیخ مایه گرفته و با سخنان او تأمین می‌شود.

و در رشته اجازات دانشمندان و سلسله اسناد محدثین شیعه، همه به شیخ طوسی منتهی می‌شود و به دور نام او می‌چرخد. اجازات را که بررسی کنیم، می‌بینیم هر دانشمندی و هر محدثی که اجازهای برای کسی نوشته، اجازات و روایات و اسانید خود را - مختصر یا مفصل - تا به شیخ طوسی می‌رساند، بزرگان علما هم به این معنی تصریح دارند^(۱).

۱- چون ابن شهر آشوب در دیباچه معالم‌العلما و دیباچه مناقب آل‌ابی‌طالب. و مجلسی اول در پایان اجازهای که به آقا حسین خوانساری داده فرموده:
«و بهذه الطرق نروی مصنفات من تقدم علی‌الشیخ ابی جعفر من‌المشایخ المذكورین و غیر هم، و جمیع مااشتمل علیه کتاب فهرست اسماء المصنفین و جمیع کتبهم و روایاتهم بالطرق التی له الیهم.

و انما اکثرنا الطرق الی‌الشیخ ابی جعفر رضی‌الله عنه، لان اصول المذهب

گویا سبب اینکه شیخ طوسی مدار اسناد و اجازات و محور طرق و روایات قرار گرفته، نه تنها شخصیت علمی و موقعیت اجتماعی او است، بلکه علاوه بر آن چون دو کتاب از کتب اربعه حدیث از اوست. و دیگر آنکه از شیخ کلینی و شیخ صدوق متأخر بوده، اسناد و اجازات محدثینی که از مشایخشان شروع می‌شود به بالا می‌رود، نخست به شیخ طوسی می‌رسد، طرق و اسانید او هم به کلینی و صدوق معلوم است، و لذا اجازات و اسناد تا به شیخ طوسی برسانند کافی است، از شیخ به بعد واضح و مشخص است.

و به علاوه سه کتاب از چهار کتاب رجالی هم از او است. و مخصوصاً فهرست که طرق و اسانید مصنفات و اصول شیعه و روایات حدیث و اصحاب ائمه علیهم‌السلام در آن ضبط و مشخص است. و به ضمیمه دو مشیخه تهذیب و استبصار که بر آن افزوده شود، طرق و اسانید احادیث و مصنفات و اصول و کتابهای شیعه کاملاً روشن و مشخص می‌گردد.

و مجموع این پنج وجه که ذکر شد، سبب شده که شیخ الطائفه، مرکز اسناد و محور روایات و مجمع اجازات شود، و در این جهت بر هر یک از نجاشی و کلینی و شیخ صدوق و شیخ مفید و همه و همه امتیاز داشته باشد. و متعیناً او شایسته است که مرکز اسناد و حلقه ربط و مجمع طرق و آخرین ایستگاه سلسله اجازات و روایات باشد.



کلهها ترجع الی کتبه و روایاته».

فرزندش مجلسی دوم در مقدمه بحار ج ۱ ص ۶۷ فرموده: «فاما اسانید کتب اصحابنا فاكثرها عن الشيخ ابی جعفر الطوسی».

شیخ اسدالله دزفولی در مقابس ص ۵ فرموده: «و الیه ینتهی معظم الطرق الی علیها ینبت روایات الاصحاب و اجازاتهم».

اهمیت شناختن اساتید شیخ طوسی

از آنچه که گفته شد، به دست می‌آید که شناسایی مشایخ شیخ طوسی تا چه اندازه ضروری و لازم است، و بررسی دقیق و تحقیق کامل پیرامون هر یک از آنها، تا چه اندازه حائز اهمیت است.

مشایخ شیخ طوسی

تا آنجا که می‌دانیم، تا قرن هشتم، کسی مشایخ شیخ طوسی را یک جا یاد نکرده است. در تاریخ ۲۵ شعبان ۷۲۳ که علامه حلی اجازه روایتی مفصلی برای بنی زهره نوشته است، در پایان آن اجازه، نام ۲۵ تن از اساتید شیخ طوسی را - لیست مانند - صورت داده است.

پس از او در قرن چهاردهم، حاجی نوری آن صورت را در خاتمه مستدرک آورده، و چند تنی هم بر آن افزوده است. پس از او هم کتابهای شیخ طوسی که چاپ شده، در مقدمه هر کدام مختصری از زندگانی شیخ طوسی نوشته شده و ضمناً همان صورت اسامی مشایخ شیخ از خاتمه مستدرک نقل شده، دانشمند معظم آقای ربانی هم در مقدمه چاپ بحار، چند تنی بر آن افزوده‌اند.

من از چندی پیش به فکر شدم تا آنجا که برای من ممکن باشد پیرامون یک یک آنها مطالعاتی کنم و آنها را بشناسم، و تنها به شمردن نام آنها - آنهم مغلوط و محرّف چنانکه خواهد آمد - اکتفا نکنم. نتیجه کنجکاویهای من تاکنون، این شد که خواهید دید.

و اصولاً فکر کردم از کتابهای خودش آنها را به دست بیاورم ولی متأسفانه و هزار افسوس که کتابهای شیخ ما را چندین بار نابخردان اخلاصگر سوزانده‌اند، و تعداد کمی از کتابهایش به دست ما رسیده است. عبدالجلیل رازی که شاگرد پسر شیخ طوسی بوده، در کتاب النقص ص ۱۵ و ص ۱۸۰ گفته:

«شیخ ابوجعفر طوسی فقیه و عالم و مفسر و مقری و متکلم، که زیاده از دو یست مجلد در فنون علوم تصنیف ساخته است».

به همین نسبت هم از مشایخش تعداد کمی به دست خواهد آمد. و اگر همه کتابهای شیخ در دست بود، بسیاری از مشایخش به دست می‌آمد، چه قاعده شیخ طوسی باید خیلی بیش از سی و پنج استاد دیده باشد و خیلی بیش از اینها باید شیخ داشته باشد، زیرا شیخ طوسی در قرن پنجم که اوج ترقی و توسعه فرهنگ و علوم اسلامی و ادبی و عقلی بوده تحصیل کرده، در وقتی که مراکز علمی از بزرگان دانش و فرهنگ و مشایخ عظام و محدثینی عالیقدر و بزرگترین متخصص در هر رشته و از علوم عقلی و نقلی، مملو بوده، مثلاً معاصرش ابوسعید سمان اسماعیل بن علی را گفته‌اند که ۳۶۰۰ شیخ داشته است!^(۱) و بالخصوص شیخ طوسی در سه مرکز مهم که بزرگترین مراکز علمی آن تاریخ - بلکه بزرگترین مراکز علمی دنیای اسلام - شمرده می‌شوند: نیشابور و بغداد و کوفه،

تحصیل کرده و استاد دیده^(۱).

مثلاً در همان اوقات، ابو عبدالله صوری به کوفه رفته و در آنجا از چهارصد شیخ، حدیث فرا گرفته^(۲).

از مشایخ کوفه شیخ طوسی، جز «ابن خشیش» کسی دیگر به دست نیامده، در صورتی که یقیناً اساتید کوفه اش منحصر به یک نفر نبوده است.

همچنانکه در نیشابور و بقیه حوزة های خراسان، به حدس قوی اساتید بسیاری را درک کرده، ولی پس از کنجکاوی و کاوش بسیار، از اساتید نیشابورش، بیش از دو سه نفر - آن هم بعضی مسلم و بعضی به حدس - بیشتر به دست نیامد.

نمونه دیگر، شاگردان اویند که گفته اند: «تنها از مجتهدان شیعه، سیصد تن در درسش حاضر شدند. و اما شاگردانش از عامه خیلی بیش از اینها بوده اند». در صورتی که از مجموع شاگردان شیخ، نام بیش از سی و چند تن را نمی دانیم^(۳).

۱- بغداد که معلوم است، دلائل و تفصیل اینکه شیخ در نیشابور و کوفه استاد دیده، بعد خواهد آمد.

۲- در مرآة الزمان گفته: «محمد بن علی ابو عبدالله صوری در ۳۷۶ در صور بزاد و در ۴۱۸ برای تحصیل به بغداد آمد و سپس به کوفه رفت و در آنجا از چهارصد استاد، حدیث فرا گرفت و بیشتر کتابهای خطیب بغدادی بجز تاریخ بغداد از کتابهای همین صوری گرفته شده، صوری در ۴۴۱ درگذشت».

ناگفته نماند این ابو عبدالله صوری جز ابو عبدالله صوری علی بن الحسین است که از شاگردان شیخ طوسی بوده و در نجف تبیان را با گروهی از شاگردان نزد وی فرا گرفته و شیخ در سال ۴۵۵ برای آنان اجازه ای نوشته است.

۳- شهرت علمی و صیت فضل شیخ طوسی در بلاد اسلام طنین انداز بوده. از

پس این چند تن از اساتید شیخ را که یاد خواهیم کرد، همه اساتید وی نخواهند بود، ولی برای شناختن بقیه هم راهی نداریم.

طبق آنچه قرائن و شواهد دلالت دارد، یکی از کارهای حساس شیخ طوسی این است که افکار و عقاید هر مکتب و آراء و مبانی هر مذهبی را مستقیماً از اساتید متخصص خود آن مکتب و مذهب آموخته، و مبانی علمی اشعری و معتزلی و مذاهب فقهی حنفی و شافعی و مانند آن را نزد برجسته‌ترین دانشمندان، همان مذهب و مکتب فراگرفته، و این خود بر عظمت و شخصیت او و ارزش و اصالت کتابها و آثار او افزوده است.



شهرهای دور و نقاط مختلف، مسائل مشکل را به خدمتش می‌فرستادند، چنانکه تعدادی از تألیفاتش جواب همین‌گونه مسائل است.

و از نقاط دور و نزدیک، طلاب و دانشمندان برای درک محضرش به خدمت او شتافته، از درسش بهره می‌بردند. ابن فوطی در شرح حال شیخ طوسی در تلخیص مجمع‌الآداب ج ۴ ق ۲ ص ۸۱۵ پس از تجلیل بسیاری گفته: «و کان فی زمانه المجمع علی فضله و الیه الرحلة من جمیع البلاد...».

اساتید شیخ طوسی

اساتید شیخ طوسی را به چهار گروه باید تقسیم‌بندی کرد:

۱- اساتید شیخ پیش از رفتن به بغداد.

۲- اساتید وی در بغداد.

۳- اساتید وی پس از مهاجرت از بغداد.

و به عبارت دیگر اساتید او در نیشابور، در بغداد، در کوفه.

۴- کسانی که به غلط جزو اساتید وی شمرده شده‌اند. و اساتید وی نیستند.

اساتید شیخ طوسی پیش از رفتن به بغداد

متأسفانه در منابع و مآخذی که در دست است، از زندگانی شیخ طوسی پیش از هجرت به بغداد اطلاعات کافی نیست، جز آنکه در ماه رمضان ۳۸۵ متولد شده و طبق گفته خودش^(۱) در سال ۴۰۸ به بغداد رفته، اما این ۲۳ سال کجا بوده و در چه حوزه‌هایی تحصیل می‌کرده و چه اساتیدی را درک کرده چیزی نمی‌دانیم.

البته علی‌القاعده در طوس و خراسان بوده و تحصیل کرده، و به حدس قوی گفتیم در نیشابور - که بزرگترین حوزه‌های علمی خراسان، بلکه از بزرگترین مراکز علمی اسلامی آن روز به‌شمار می‌رفت - باید تحصیل کرده باشد.

خوشبختانه بر این مطلب دلیلی هم به دست آمد که در شرح حال ابوحازم نیشابوری خواهد آمد. و مجموعاً از اساتید شیخ پیش از رفتن به بغداد، این سه نفر را می‌توانیم نام ببریم: ابوحازم نیشابوری که مسلماً از اساتید این دوره اوست، و ابو محمد عبدالحمید مقرئ نیشابوری و ابوزکریا محمد بن سلیمان حرانی.

۱- ابو حازم نیشابوری (؟ - ۴۱۷)

ابو حازم عمر بن احمد بن ابراهیم بن عبدویه بن سدوس بن علی بن عبدالله بن عبیدالله بن عبدالله بن عتبّه بن مسعود عبدویی هذلی جاولی مسعودی اعرج نیشابوری اشعری شافعی.

شیخ طوسی در فهرست ش ۸۷۳ و در رجال ص ۴۶۵ در شرح حال ابو منصور صرام نیشابوری نگارندگان کتاب (بیان الدین) فرموده: «من بیشتر کتاب بیان الدین را نزد ابو حازم نیشابوری فراگرفتم».

شرح حال ابو حازم در بسیاری از کتابها آمده است.

شاگرد وی خطیب بغدادی در تاریخ بغداد شرح حالش را چنین نوشته:

در سال ۳۸۹ به بغداد آمد و املاء حدیث کرد و به شهر خود بازگشت، و زنده بماند تا من او را در سفر نیشابور دریافتم. او مردی ثقه و راستگو و عارف و حافظ بود. من کسی را ندیدم که بتوان به او حافظ گفت و شایسته این لقب بزرگ باشد، جز دو تن: یکی حافظ ابونعیم اصفهانی و دیگری ابو حازم نیشابوری.

معاصرش ابن ماکولا نیز در اکمال گفته: وی مردی ثقه و حافظ بود.

عبدالغافر در سیاق گفته: ابو حازم حافظ و امام در فن حدیث بود، ثقه و امین و کثیرالسمع و حسن الاصول بود، از مشایخ خراسان و عراق و حجاز تحمل حدیث کرده و در سال ۳۸۷ به حج رفت و در شب چهارشنبه دوم شوال ۴۱۷ درگذشت و امام ابواسحاق اسفرانی بر وی نماز کرد و در گورستان عاصم نزدیک پدرش به خاک سپرده شد.

ذهبی در تذکره الحفاظ درباره او حافظ امام، محدث نیشابور، گفته، سپس ستایش های خطیب را درباره او آورده.

در نجوم زاهره، از او به حافظ کبیر و رحال تعبیر شده، از آنچه گذشت، به

دست می‌آید ابو حازم در سال ۳۸۷ به حجاز به حج رفته و از آنجا به سال ۳۸۹ به بغداد رفته، کمی مانده و املاء حدیث کرده، به شهر خود بازگشته و در آنجا مانده، تا در سال ۴۱۵ که خطیب بغدادی به نیشابور رفته، در آنجا به خدمتش رسیده و از او بهره برده و در سال ۴۱۷ درگذشته است.

بنابراین به طور مسلم، شیخ طوسی کتاب بیان‌الدین را در نزد ابو حازم نیشابوری خوانده، و از اینجا دانسته می‌شود که شیخ طوسی مقداری از دوران تحصیلی را در نیشابور گذرانده و از اساتید آن شهر دانش آموخته است^(۱).

۲ - مقری نیشابوری

ابو محمد عبدالحمید بن محمد مقری نیشابوری (درگذشته به سال ۴۲۷) علامه حلی در اجازه بنی زهره، او را از اساتید شیخ طوسی شمرده، و دیگران چون شیخ حر عاملی و علامه بحر العلوم و حاجی نوری و صاحب ذریعه و دیگران، همه از او گرفته‌اند. ولی در کتابهای شیخ طوسی روایتی از او و اشارتی به او نیافتیم. شرح حالش هم در کتابها نیامده، جز آنچه که عبدالغافر فارسی در سیاق آورده گفته:

۱- تاریخ بغداد ۱۱: ۲۷۲، اکمال ابن ماکولا ۲: ۲۸۰، سیاق، ذیل تاریخ نیشابور، برگ ۵۷ ب، تذکره الحفاظ ۳: ۱۰۷۲، المشتبه ۴۳۵، العبر ۳: ۱۲۵، سیر اعلام النبلاء ۱۱: ۷۴ (نسخه عکسی مجمع علمی دمشق)، المنتظم ۸: ۲۷، تبیین کذب المفتری ابن عساکر ص ۲۴۱، طبقات شافعیه ۴: ۷، البدایه و النهایه ۱۲: ۲۱، تبصیر المنتبه ۳: ۹۸۴، نجوم زاهره ۴: ۲۶۵، معجم المؤلفین ۷: ۲۷۲، کامل ابن اثیر ۷: ۲۳۷، شذرات الذهب ۳: ۲۰۸.

«عبدالحمیدبن محمدبن محمدبن جعفر مشهدی، ابومحمد، مرد عقیف و ظاهر الصلاحی بود، حسکانی گفته: در مشهد و نیشابور بر او تلمذ کرده‌ام و در سال ۴۲۷ درگذشت».

بنابراین مقری از اساتید دوره خراسان شیخ طوسی بوده که یا در مشهد یا در نیشابور از او دانش آموخته است.

۳- حمرانی

ابوزکریا محمدبن سلیمان حمرانی.

شیخ طوسی در فهرست، در پایان شرح حال شیخ صدوق، چند تنی را که واسطه‌اند میان ایشان و صدوق، و به وسیله آنها از شیخ صدوق روایت می‌کند نام برده، از جمله گوید: «و ابوزکریا محمدبن سلیمان حمرانی».

نسخه‌های فهرست در اینجا مختلف است. حمرانی و حرانی و حمدانی، در هر نسخه طوری آمده. بعدها علامه حلی در اجازه بنی زهره، اساتید طوسی را که شمرده، این حمرانی را نیز نام برده و اضافه کرده: «من اهل طوس» (از مردم طوس بوده است).

از این رو، صاحب ذریعه رحمة الله علیه استظهار کرده‌اند که حمرانی باید از اساتید پیش از هجرت شیخ طوسی به بغداد باشد.

اینجانب هرچه کوشش کردم، در کتابهای تراجم و رجال، چنین کسی به این نام و نشان نیافتم، جز آنکه را که ابن بشکوال در کتاب صله آورده و در شرح حالش گفته است:

«محمد بن سلیمان بن محمود خولانی، کنیه‌اش ابو سالم است. در سال ۴۲۳ به بازرگانی به اندلس آمد، ابن خزرج در تاریخ اندلس او را یاد کرده و بسیار ستوده و گفته است: مردی با ذکاوت و حافظه بود، شعر نیکو می‌سرود. و در جمله‌ای از علوم و فنون دست داشت. حدیث بسیاری از مشایخ عراق و خراسان و مراکز دیگر روایت می‌کرد، روایاتش بسیار عالی‌السند بود، ابن خزرج گفته: او در شعبان ۴۲۳ به من اجازه روایت داد و در آن هنگام هفتاد و چهار سال داشت»^(۱).

چنین گمان می‌رود که استاد شیخ طوسی همین خولانی باشد، و در اثر تحریف نسخه‌ها، خولانی، حمرانی شده و حمرانی، حرانی و حمدانی و مانند آن شده.

بنابراین، شیخ صدوق را در خراسان دیده و هنگام درگذشت شیخ صدوق ۳۲ سال داشته، عالی‌السند بوده، شیخ طوسی هم او را در عراق یا خراسان دیده و از او روایت حدیث کرده، وگرنه محمد بن سلیمان در این طبقه به جز او نیافتیم.

گروه دوم: اساتید شیخ طوسی در بغداد

چون بیشتر اساتید وی از این گروه هستند، آنها را به ترتیب حرف اول نامهایشان یاد خواهیم کرد.

۴- احمد بن ابراهیم قزوینی

شیخ طوسی در رجال ص ۵۰۵ و ۵۱۸ و در فهرست ص ۱۵۷ و ۲۱۴، از او روایت کرده است. شرح حالش را در مدارک و مأخذ نیافتیم، رافعی هم در تدوین نامی از او نبرده است.

تنها کسی که شرح حالی برایش نوشته است آقا رضی قزوینی است در ضیافة الاخوان، و او هم جز آنکه گفته است:

«از مشایخ شیخ طوسی است و شاید برادر حسین بن ابراهیم قزوینی باشد که آنهم از اساتید شیخ بوده»، و چند تن احمد بن ابراهیم را نام می‌برد که از مردم قزوین و در نیمه‌های قرن چهارم بوده‌اند، و گفته است: «اینکه استاد شیخ طوسی است جز اینها است»، مطلب دیگری ندارد.

پس از آقارضی، هرکس نامی از او برده، جز آنکه گفته است: از مشایخ شیخ طوسی بوده، مطلب دیگری نداشته است.

۵- ابومنصور سُکری (۳۶۲ - ۴۵۰)

ابومنصور احمد بن حسین بن علی بن عمر بن محمد بن حسن بن شاذان بن ابراهیم بن اسحاق بن علی بن اسحاق، حضرمی، بیع، معروف به ابن سکری.

شاگردش خطیب بغدادی در تاریخ بغداد شرح حالش را نوشته گفته است:
«از جدش و علی و راق و ابن شاهین و قاضی ابو محمد ابن معروف روایت
حدیث کرده»^(۱).

شیخ طوسی در مجلد اول امالی ص ۳۱۳ به بعد، مقدار زیادی حدیث از وی
روایت کرده، و او همه آنها را از جدش ابوالحسن علی بن عمر سکری روایت
کرده است.

خطیب در تاریخ بغداد ۱۲ : ۴۰ شرح حال جد او را نیز نوشته و گفته است:
«در ۲۹۶ متولد شده و در ۲۷ شوال ۳۸۶ درگذشته است، در جامع منصور
املاء حدیث می کرده و در آخر عمر نابینا شد، مردی امین و ثقه بود».

۶- ابن عبدون (? - ۴۲۳)

ابو عبدالله احمد بن عبدالواحد بن احمد بن عبدون بزاز معروف به ابن عبدون و
ابن حاشر.

دو شاگردش - شیخ طوسی و نجاشی - هر دو شرح حالش را نوشته اند. شیخ
طوسی در مشیخه تهذیب و رجال درباره او فرمود: «کان کثیرالسمع و الروایة،
سمعنا منه و اجازلنا بجمع مارواه».

نجاشی نیز گفته: «در ادبیات عرب نیرومند بود، ادبیات را از بزرگان فن
فرا گرفته بود».

ابن عبدون از ابن الزبیر قرشی، ابوطالب انباری، ابوبکر شافعی و حسن بن حمزه
علوی طبری و احمد بن محمد بن حسن بن ولید، ابوالفرج صاحب اغانی و محمد بن

علی شجاعی کاتب، روایت کرده. ابن حجر در تبصیرالمتنبه در شرح حالش گفته: «از بزرگان شیعه بود، از دعلج و دانشمندان آن طبقه روایت کرده است». ابن عبدون، از جمله چند استاد است که شیخ طوسی از آنها بسیار روایت کرده، در موارد بسیاری در تهذیب و استبصار و فهرست و رجال، و جلد دوم امالی ص ۶۰ و ۸۷ و ۲۸۳، و کتاب غیبت ص ۲۱ و ۸۸ و ۱۵۵، از او روایت کرده است^(۱).

۷- ابن الصلت اهوازی (۳۲۴-۴۰۹)

ابوالحسن احمد بن محمد بن احمد بن موسی بن هارون بن الصلت اهوازی. استاد شیخ طوسی و نجاشی و خطیب بغدادی، و شاگرد قاضی محاملی و ابن عقده است. شیخ طوسی هرچه در تهذیب و استبصار و امالی و فهرست و سایر کتابهایش از ابن عقده روایت کرده است، بواسطه همین ابن الصلت است. در فهرست و رجال در شرح حال ابن عقده (در گذشته به سال ۳۳۳) فرموده: «خبر داد، ما را به تمامی کتابها و روایت های او، ابوالحسن احمد بن محمد بن موسی اهوازی، و خط ابن عقده را که کتابهای خود را شرح داده و آنها را به او اجازه داده بود، در دست داشت».

از امالی شیخ به دست می آید که ابن الصلت در بغداد، مسجدی داشته و در مسجد خودش درس می گفته و املاء حدیث می کرده، و شیخ طوسی در آغاز

۱- رجال شیخ ص ۴۵۰، رجال نجاشی ص ۶۴ و ۶۸، الاکمال ۲: ۲۹۳، خلاصه الاقوال ص ۲۰، تبصیرالمتنبه ابن حجر ۱: ۳۹۲، ریاض العلماء (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام) جلد ۵ برگ ۱۳۸، اعیان الشیعه ۹: ۵۰، الکنی و الالقاب ۱: ۳۴۱، معجم المؤلفین ۱: ۳۰۵، امل الآمل ۲: ۱۶-۱۷، ریحانة الادب ۵: ۷۹.

ورودش به بغداد به درس او حاضر شده، در آغاز جزء ۱۲ امالی ص ۳۴۰ فرموده:

«اخبِرنا ابوالحسن احمد بن محمد بن هارون بن الصلت اهلوازی سماعاً منه فی مسجده بشارع دارالریق ببغداد سلخ ربیع الاول سنه ۴۰۹».

شیخ طوسی در جلد اول امالی ص ۹۴ و ۳۱۵ و ۳۲۰ تا ۳۲۷ و ۳۴۰ تا ۳۵۹، به وسیله او از ابن عقده روایت کرده است.

شاگردش خطیب بغدادی شرح حال او را در تاریخ بغداد نوشته و درباره او گفته:

«مردی نیک و راستگو بود (کان صدوقاً صالحاً) و در سال ۳۲۴ بزاد و در ۸ جمادی الثانیه سال ۴۰۹ درگذشت».

و این ابن الصلت اهوازی، جز ابوالحسن احمد بن محمد بن موسی بن القاسم بن الصلت بن الحارث بن مالک بغدادی (متولد ۳۱۷ و درگذشته در رجب سال ۴۰۵) است که معروف به «مجبر» بوده است. و ذهبی در مشتبیه ص ۵۱۷ شرح حال او را آورده است.

حضرت آیت الله بروجردی رحمه الله علیه در مقدمه خلاف، ابن الصلت اهوازی را با ابن الصلت مجبر بغدادی یکی دانسته اند و فرموده اند:

«ابن الصلت در ۴۰۵ درگذشته است، بنابراین از اساتید شیخ طوسی است، پیش از هجرت به بغداد!»

در صورتی که دیدیم خود شیخ طوسی در امالی تصریح کرده است که در مسجدش در بغداد، سلخ ربیع الاول ۴۰۹، از او حدیث شنیدم.

بنابراین مسلماً استاد شیخ طوسی، ابن الصلت اهوازی است که شیخ از او در آخر ربیع الاول ۴۰۹ حدیث شنیده و او دو ماه بعد در ۸ جمادی الثانیه همان سال درگذشته است.

ذهبی در میزان الاعتدال ج ۱ ص ۱۳۲ هر دو ابن الصلت را یاد کرده: بغدادی را به شماره ۵۳۲ و اهوازی را به شماره ۵۳۳^(۱).
 پدر وی ابوالطیب محمد ابن الصلت سوم است، چه او نیز از دانشمندان و محدثین بوده، از اهواز به بغداد رفت و در آنجا بزیست و حدیث می‌گفت. دارقطنی از او روایت کرده است و به سال ۳۲۵ درگذشت.
 ابن جوزی در منتظم ۷: ۱۸ - ۱۹ شرح حال وی را آورده، و او را به راستگویی ستوده است.

۸ - ابن حسکه

ابوالحسین جعفر بن حسین بن حسکه قمی.
 از شاگردان شیخ صدوق و اساتید شیخ طوسی است. شیخ در فهرست در شرح حال شیخ صدوق، از جمله اساتیدی که به واسطه آنها از شیخ صدوق روایت می‌کند، ابن حسکه را شمرده است.
 ابن حجر در لسان المیزان شرح حالش را نوشته گوید:
 «شیخ طوسی شرح حال او را در رجال شیعه آورده و درباره او گفته است: مردی فاضل و در روایت حدیث مورد وثوق بود».
 (کان فاضلاً ثقة فی الروایة).
 و این عبارت، نه در رجال شیخ است و نه در فهرست، به تصریح ابن حجر،

۱- شرح حال اهوازی در تاریخ بغداد ۴: ۳۷۰، میزان الاعتدال ۱: ۱۳۲، العبر ۳: ۱۰۰ و لسان المیزان ۱: ۲۵۵، تذکرة الحفاظ ۳: ۱۰۴۹، امل الأمل ۲: ۲۷، آمده است.

این عبارت را از رجال شیخ نقل کرده است. و گویا نسخه‌ای که ابن حجر از رجال شیخ دیده، اینگونه زیادی‌ها بسیار داشته که در نسخه‌هایی که تاکنون بدست ما رسیده است، دیده نمی‌شود^(۱).

۹- ابن شاذان بزاز (۳۳۹-۴۲۶)

ابوعلی حسن بن احمد بن ابراهیم بن حسن بن محمد بن شاذان بن حرب بن مهران بزاز اشعری حنفی متکلم.

شاگردش خطیب بغدادی شرح حالش را نوشته و مشایخش را شمرده تا آنجا که گفته:

«حدیثش را نوشتیم، مردی راستگو و صحیح‌الکتاب بود. و گروهی از اساتید، نیز حدیث از او نوشته‌اند. از هری درباره او گفته: ابن شاذان از موثقتین کسانی است که پروردگار آفریده است.»

ابن جوزی و ذهبی و ابن کثیر و ابن تغری بردی و ابن عساکر، شرح حالش را نوشته‌اند و همه او را راستگو و ثقة دانسته‌اند. در جواهرالمضیئه گفته:

«اصل او از دورق [شادگان] اهواز بوده است.»

ابن شاذان مشایخ خود را در کتابی جمع کرده، و مشیخه‌ای برای خود تألیف کرده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه ظاهریه دمشق شما به شماره ۳۴۷ حدیث هست، چنانکه آثار بسیاری از او نیز در آن کتابخانه هست و در فهرست آن کتابخانه منعکس است.

شیخ طوسی در شرح حال ابن‌اخی طاهر (یحیی بن الحسن) در فهرست و

رجال، از ابن ابوعلی ابن شاذان روایت کرده است.

خطیب نیز در تاریخ بغداد ۷: ۴۲۱ در شرح حال ابن اخی طاهر، به وسیله همین ابن شاذان از او به سندش از جابر روایت کرده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«علی خیر البشر، فمن امتری فقد کفر».

خطیب در تاریخ بغداد ۴: ۶۸ شرح حال احمد پدر ابن شاذان را نیز نوشته است و گفته:

«در سال ۳۸۳ درگذشت، و من به وسیله دو فرزندش حسن و عبدالله از او روایت می‌کنم».

و از اینجا به دست می‌آید که پدر ابن شاذان احمد نام داشته نه ابراهیم. و ابراهیم، جد او بوده است^(۱).

و رساله‌ای که شیخ طوسی بر ردّ ابن شاذان نوشته است (مسألة فی النقض علی ابن شاذان فی مسألة الغار) گمان می‌رود یا ردّ بر همین ابن شاذان بوده یا احمد بن شاذان پدرش بوده. و گمان می‌رود که شیخ طوسی کلام مکتب اشعریان را از این استاد آموخته باشد. در رجال که او را نام می‌برد، از او به ابن شاذان المتکلم تعبیر می‌کند.

۱- تاریخ بغداد ۷: ۲۷۹، المتظم ۸: ۸۶، العبر ۳: ۱۵۷، الجواهر المضيئة ۱: ۱۸۶، تذکرة الحفاظ ۳: ۱۰۷۵، البداية و النهایة ۱۲: ۳۹، النجوم الزاهرة ۴: ۲۸۰ و ۲۸۲، فهرس حدیث ظاهریه ص ۶-۶۲، رجال ابن داود ۴۴۳، لغت‌نامه دهخدا ۳: ۶۶. تبیین کذب المفتری ابن عساکر ص ۲۴۵، تاریخ الاسلام ذهبی (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام) جلد ۷ ص ۲۰-۲۱، تنقیح المقال ۱: ۳۰۹-۳۱۰، شذرات الذهب ۳: ۲۲۸.

۱۰ - شریف ابومحمد محمدی

شریف ابومحمد حسن بن احمد بن قاسم بن محمد بن علی بن عبداللہ بن جعفر بن عبداللہ بن جعفر بن عبداللہ بن جعفر پسر محمد حنفیہ، محمدی علوی، زنده در سال ۴۲۵.

از ابو عبداللہ صفوانی و ابوالحسن دھقان و ابوالحسین محمد بن علی بن فضل بن تمام، و اسماعیل بن علی خزاعی روایت حدیث کرده است. شیخ طوسی در فهرست در شرح حال همین خزاعی فرموده: «خبر داد ما را به همه روایت‌هایش شریف ابومحمد محمدی، و از هلال حفار مسند امام رضا علیه السلام را شنیدیم که از او روایت می‌کرد.»

شیخ در مشیخه تہذیب و استبصار، و در فهرست شماره ۶۰۰ و ۷۱۲، و در رجال ص ۵۰۳ و کتاب غیبت ص ۱۱۰ و ۲۳۹ و ۲۸۰، از او روایت کرده است. شاگرد دیگرش نجاشی نیز شرح حال او را نوشته و از او به شریف نقیب سید الطائفة تعبیر کرده است. و از تألیفاتش، کتاب خصائص امیر المؤمنین علیه السلام من القرآن و چند کتاب دیگر را نام برده است، تا آنجا که گفته: «فوائد بسیاری از او آموختم.»

مفصلترین شرح حالش در اعیان الشیعه است که ۲۶ تن از اساتید و تعدادی از شاگردانش را نام برده است.

شخصیت او به اندازه‌ای بوده که در نقابت سادات، جانشینی سید مرتضی با او بوده، و همین بس که نجاشی درباره او «سید الطائفة» بگوید. پدرش نقیب بصره بود. و پسرش شریف تقی عمید الشریف ابوعبداللہ محمد نقیب، موصل بود. و پسر او ابوالبرکات محمد، نقابت بغداد را داشت.

شگفت آنکه در ریاض العلماء و اعیان الشیعه، او از مشایخ شیخ مفید شمرده

شده به استناد به اینکه مکرر در اسانید شیخ مفید دیده می‌شود که از شریف ابو محمد علوی روایت کرده است.

در صورتی که ابو محمد علوی که شیخ مفید از او روایت کرده، یا ابن‌اخی طاهر است، چنانکه علامه تهرانی در قرن پنجم اعلام‌الشیعه در شرح حال همین ابو محمد محمدی فرموده:

«استاد شیخ طوسی و نجاشی است. و او جز ابو محمد علوی - ابن‌اخی طاهر حسن بن محمد بن یحیی در گذشته به سال ۳۵۸ - است که شیخ مفید در ارشاد از او بسیار روایت کرده است».

یا ابو محمد علوی استاد مفید، حسن بن حمزه طبری معروف است که او هم ابو محمد علوی است و شیخ مفید از او بسیار روایت کرده است. و این که استاد شیخ طوسی است ابو محمد محمدی است، که چون از فرزندان محمد حنفیه است محمدی گفته می‌شود.

اینکه در الفصول المختارة دیده می‌شود بعضی مناظرات شیخ مفید در مجلس با شکوه شریف ابوالحسن احمد بن القاسم محمدی بوده، این شخص پدر همین ابو محمد محمدی است، پس چگونه می‌شود شیخ مفید که در رتبه و مقام پدر او بلکه والاتر بوده، شاگرد او باشد؟!^(۱)

۱- شرح حال شریف ابو محمد محمدی، علاوه بر کتابهای انساب، در لسان‌المیزان ۲: ۹۴، اعیان‌الشیعه ۲۱: ۳۶، ریاض‌العلماء (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف) باب کنیه‌ها ج ۵ برگ ۱۲۹ حرف ح جلد ۲ برگ ۱۲، طبقات اعلام‌الشیعه علامه تهرانی (اعلام قرن پنجم)، و رجال نجاشی ص ۵۱ آمده است.

۱۱ - ابن‌اشناس (۳۵۹ - ۴۳۹)

ابوعلی حسن بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن اشناس بزاز معروف به ابن‌اشناس و ابن‌حمّامی.

شاگردش خطیب در تاریخ بغداد شرح حالش را نوشته و مشایخش را برشمرده و گفته: «مقدار کمی به درس او رفتم و حدیث او را نوشتم، روایتش درست بود ولی رافضی بود! در منزلش در محله کرخ جلسات داشت. شیعیان بغداد در آن شرکت می‌کردند. برای آنها حدیث و تاریخ می‌خواند و سخن می‌گفت».

علامه امین عاملی در اعیان‌الشیعه شرح حالش را مفصل نوشته، اساتید و شاگردان و تألیفاتش را نام برده است. از جمله تألیفاتش، کتاب‌الاعتقادات در ردّ بر زبیدیها و کتاب کفایه در عبادات و کتاب عمل ذی‌الحجه است.

سیدابن طاوس در کتاب اقبال فرموده: «کتاب عمل ذی‌الحجه، ابن‌اشناس که یکی از مصنفین ما بوده، به خط خودش که در سال ۴۳۷ تألیف آن را به پایان رسانده است در کتابخانه من موجود است»، و بسیار از او نقل می‌کند.

شیخ طوسی در جلد اول امالی ص ۹۸ و جلد دوم ۶۰ و ۸۷، از او روایت کرده است.

حاجی نوری در خاتمه مستدرک، در شمار اساتید شیخ طوسی دوبار او را نام برده، یکی به شماره (۳۱) به نام ابوعلی حسن بن اسماعیل حمّامی، و دیگر به شماره (۳۸) به نام ابوعلی حسن بن محمد بن اشناس، و همچنین شیخ حر عاملی در امل‌الآمل او را دوبار یاد کرده است.^(۱)

۱۲ - ابن فحام (؟ - ۴۰۸)

ابو محمد حسن بن محمد بن یحیی بن داود سامرائی مقری معروف به فحام و ابن فحام.

از شاگردان اسماعیل صفار و محمد بن عمر و رزّاز و محمد بن فرخان دوری بوده، و تجوید و قرآت را از ابوبکر نقاش آموخته، استاد شیخ طوسی و نجاشی و ابوسعید سمان و دیگران است.

خطیب بغدادی از او روایت نکرده، بلکه به وسیله ابوسعید سمان از او روایت کند. و چون شرح حال او را در تاریخ بغداد آورده، به دست می‌آید که از سامراء به بغداد آمده و مدتی در آنجا بوده و به سامراء بازگشته و در آنجا به سال ۴۰۸ درگذشته است.

خطیب گفته: «کان ثقة، علی مذهب الشافعی و کان یرمی بالتشیع».

ابن جوزی گفته: «کان یتفقّه علی الشافعی و کان یرمی بالتشیع».

شیخ طوسی در امالی جزء ۱ ص ۲۸۰ - ۳۰۷، از او احادیث زیادی روایت کرده است که از آنها و از روایاتی که عماد طبری در بشارة المصطفی لشیعہ المرتضی بواسطه ابوعلی فرزند شیخ طوسی از شیخ طوسی از ابن فحام روایت کرده کاملاً تشیع او ظاهر می‌گردد و در بعضی از آنها شیخ طوسی تصریح



تاریخ الاسلام ذهبی (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام) جلد ۷: ۷۱-۷۲، لسان المیزان ۲: ۲۵۴، ریاض العلماء: و حرف ح، الکنی و الالقاب ۱: ۲۰۵، معجم المؤلفین ۳: ۲۷۵، امل الآمل ۲: ۶۳، ریحانة الادب ۵: ۲۵۰ و ۳۱۳، انساب سماعنی (اشناسی)، تاریخ الاسلام: در وفیات سال ۴۳۹.

فرموده که در بغداد از او حدیث شنیده است.^(۱)

و از طرفی خطیب بغدادی و ابن جوزی و سمعانی گفته‌اند که ابن فحام در سال ۴۰۸ در سامرا درگذشت، خطیب گوید: «از ابو الفضل ابن سامری شنیدم که گفت ابن فحام در ۴۰۸ درگذشت».

بنابراین شیخ طوسی در همان سال ۴۰۸ که وارد بغداد شده، از او حدیث شنیده و وی در همان سال به سامراء بازگشته و در گذشته است، یا به گفته ذهبی در تاریخ الاسلام، در خود بغداد در گذشته است.

گرچه تاریخ درگذشت وی را مختلف نوشته‌اند، در طبقات القراء جزری (۳۴۰) و در لسان المیزان (۴۵۸) آمده، ولی آنچه که خطیب و ابن جوزی و سمعانی و ذهبی گفته‌اند که در ۴۰۸ بوده، درست است.

ذهبی در کتاب معرفة القراء الکبار، شرح حال ابن الفحام را جزء مقریان بزرگ به شماره ۳۰۲ آورده و گفته است:

«که در علم قرآت سرآمد شد و عمر طولانی کرد و مقریان عصر به علوم و اطلاعات او نیازمند شدند، شیخ طوسی پیشوای شیعیان علوم قرآت و حدیث از او گرفته، و درگذشت وی در بغداد در سال ۴۰۸ اتفاق افتاد، قاری بود، فقیه بود، به فقه شافعی آشنایی داشت و مطلع بود، ولی شیعه استواری بود، کتابی دارد که در آن شستن پاها را در وضو به جای مسح رد کرده و باطل دانسته و وضوی با مسح را صحیح دانسته، و همچنین کتابی دارد در شأن نزول آیاتی که درباره اهل بیت علیهم السلام نازل شده است».

جزری در طبقات القراء، شرح حال وی را آورده، پس از نام و نسبش گفته:

۱- بشارة المصطفی نسخة خطی زمان مؤلف، متعلق به کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف، برگ ۱۱۵۶.

«ابومحمد الفحام المقرئ الفقیه البغدادی السامری شیخ مصدر بارع»، و ۱۴ تن از اساتید و شش تن از شاگردان او را در علم تجوید و قرآت شمرده، و در گذشت وی را به سال ۳۴۰ دانسته؛ در صورتی که درگذشت استاد وی نقاش را در ۳۵۱ نوشته. خود جزری هم گفته: فحام عمر طولانی کرد. بنابراین گمان می‌رود اختلاف در سال وفات او، در اثر غلط چاپی رخ داده باشد، و گرنه طبقه او و اساتید و شاگردانش اقتضا می‌کند که درگذشت او در اوائل قرن پنجم باشد. شیخ طوسی که در ۴۰۸ به بغداد آمده، از او روایت می‌کند. و از طرفی خطیب هم او را درک نکرده. و اگر تا ۴۵۸ زنده بود، خطیب او را درک می‌کرد.^(۱)

۱۳ - حسین بن ابراهیم قزوینی

ابو عبدالله حسین بن ابراهیم قزوینی.

شیخ طوسی در فهرست شماره ۲۳۶ و در کتاب غیبت (چاپ سنگی) ص ۱۹۰ و ۲۵۲ و ۲۵۸ و ۲۶۳ و ۲۶۷ و در جلد دوم امالی ص ۲۷۱ تا ۲۸۳ و ۲۹۱ و ۳۰۳ تا ۳۰۸ از او روایت کرده است.

شرح حالش را در جایی نیافتیم و رافعی هم در تدوین از او نام نبرده. آقا رضی قزوینی در ضیافة الاخوان او را یاد کرده، ولی بیش از اینکه او از مشایخ شیخ طوسی بوده، اطلاعات دیگری در دست نداشته. و همچنین هر یک از شرح حال نویسان که او را نام برده‌اند، بیش از این چیزی از او نمی‌دانسته‌اند، تا آنجا

۱- تاریخ بغداد ۷: ۴۲۴، طبقات القراء ۱: ۲۳۲، لسان المیزان ۲: ۲۵۱، المنتظم ۷: ۲۸۸، معجم المؤلفین ۳: ۲۹۲، ریاض العلماء (نسخه کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام) جلد ۵ برگهای ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۹۱، الکنی واللقاب ۱: ۳۶۴.

که میرزا عبدالله افندی نیز در ریاض العلماء گفته: شرح حالی برایش در کتابهای رجال نیافتم!

ولی ابن حجر در لسان المیزان ۲: ۲۷۲ شرح حالش را نوشته و گفته است: «ابوجعفر طوسی او را در مشایخ خود نام برده و او را به نیکی ستوده است و گفته که او از محمد بن وهبان روایت می‌کرد، و همچنین علی بن حکم شرح حال او را در بزرگان شیعه (شیوخ الشیعه) نوشته است».

۱۴ - ابن حناط

ابوعبدالله حسین بن ابراهیم بن علی، ابن حناط قمی. از ابوالعباس احمد بن نوح سیرافی و ابومحمدهارون بن موسی تلکعبری حدیث روایت کرده است.

میرزا عبدالله اصفهانی در ریاض العلماء شرح حال وی را نوشته، گوید: «فاضل و عالم و فقیه و جلیل بود، معاصر با شیخ مفید و سایر دانشمندان آن طبقه بود، از تلکعبری نقل حدیث می‌کرد و شیخ طوسی از او روایت کرده است. سید ابن طاوس بر او و کتابهایش اعتماد بسیاری داشت و از کتابهایش در تألیفات خود - بویژه در مهج الدعوت - بسیار نقل کرده است.

علامه حلی نیز او را در بعضی اجازة‌ها نام برده است. فاضل معاصر نیز در امل الآمل^(۱) او را یاد کرده است، بعضی شاگردان محقق کرکی در رساله مشایخ شیعه او را نام برده و گفته که از شاگردان تلکعبری بوده است».

علامه تهرانی رحمة الله علیه در قرن پنجم اعلام الشیعه شرح حال وی را

نوشته و گفته: «در اجازه کبیره (ابن حناط) و در ریاض العلماء (ابن خیاط) آمده. شیخ طوسی در کتاب غیبت از او روایت کرده است.

سید هاشم بحرینی در «مدینه المعاجز» از کتاب ابو جعفر محمد بن جریر نقل کرده^(۱) روایتی از ابو عبدالله حسین بن ابراهیم بن عیسی معروف به ابن خیاط قمی از احمد بن محمد بن عیاش ...

من گویم: منظور، ابن عیاش جوهری صاحب مقتضب الاثر است که در ۴۰۱ در گذشته است. و در جمله‌ای از اسانید این کتاب (کتاب محمد بن جریر)، روایت ابو عبدالله قمی از ابن عیاش دیده می‌شود و منظور همین ابن حناط قمی است، و در غیبت شیخ طوسی، ابن حناط از تلکبری و احمد بن نوح سیرافی روایت کرده است».

شیخ طوسی در کتاب غیبت ص ۲۲۳ و ۲۲۶ و ۲۳۸ و ۲۴۳ و ۲۵۱، از او روایت کرده است. و حسین بن ابراهیم که در ص ۱۷۸ آمده است نیز به قرینه روایت وی از احمد بن نوح، همین قمی است نه قزوینی.

۱۵ - ابو عبدالله ابن قادسی (۳۵۶ - ۴۴۷)

ابو عبدالله حسین بن احمد بن محمد بن حبیب بزار معروف به ابن قادسی بغدادی.

از علماء و محدثین بغداد بود. در مسجد منصور و مسجد برائثا و مسجد شرقیه املاء حدیث می‌کرد. از ابوبکر ابن شاذان و ابوبکر قطیعی و ابوبکر

۱- منظور، محمد بن جریر طبری شیعی متأخر معروف به صغیر، صاحب دلائل الامامة است، که هم عصر شیخ طوسی بوده است.

محمد بن احمد گرگانی و ابوالفضل شیبانی روایت می‌کرد، خواهرزاده هبة‌الله بن سلامة بغدادی معروف مؤلف ناسخ و منسوخ است.

شاگرد وی خطیب بغدادی، شرح حال او را در تاریخ بغداد نوشته و حدیثی را که در مسجد مدینه از وی شنیده آورده است.

ابن قادسی مدتی در مسجد منصور - که از مساجد با اهمیت و حساس بغداد بود - املاء حدیث می‌کرد. در ضمن، مناقب اهل بیت علیهم‌السلام را نیز بیان می‌کرد، و روایاتی که در فضائل آنان رسیده روایت می‌کرد، بر مخالفین سنگین آمد؛ خطیب بغدادی به سراغ وی رفته، بهانه‌ها گرفته، تا آنکه صریحاً او را از املاء حدیث منع کرد!

خود خطیب در شرح حال وی به این جریان اشاره دارد. دیگران هم در شرح حال وی، داستان خطیب را با او از تاریخ بغداد نقل کرده‌اند.

خطیب گوید: «آنگاه به مسجد براننا - که مرکز اجتماع شیعیان بود - رفت. در آنجا املاء حدیث کرد و گفت: ناصبیان مرا از گفتن فضائل خاندان پیغمبر در مسجد منصور مانع شدند!

و سپس به مسجد شرقیه (مسجد شیعیان) رفت و املاء حدیث کرده، رافضیان که در آن هنگام در بغداد نیرومند و بسیار بودند، دور وی گرد آمدند». سمعانی شرح حال او را - از اکمال ابن ماکولا و تاریخ بغداد - در انساب آورده و همین جریان را عیناً نقل کرده و آنگاه گفته است: «و کانت له سماعات جیده».

علامه حلی در اجازه بنی‌زهره، در زمرة اساتید شیعی شیخ طوسی، ابو عبدالله ابن القادسی را نام برده، نهایت اینکه در اثر تحریف نسخه‌ها، ابن القادسی، ابن الفارسی شده. دیگران پس از او همچون سید بحر العلوم و حاجی نوری و علامه تهرانی و هر کس که شرح حال شیخ طوسی را نوشته، تحریف شده او را در شمار اساتید شیخ طوسی آورده‌اند.

هر چه کوشش کردم ابن الفارسی را بشناسم، چنین کسی نیافتم. تا آنکه در آخر نسخه خطی من لایحضر، حدیثی نوشته شده بود که آن را عبدالجبار بن عبدالله بن علی مقری روایت کرده بود از شیخ طوسی از ابو عبدالله حسین بن احمد بن حبیب قادسی از ابو بکر محمد بن احمد گرگانی ...

چون نام خودش و پدرش به دست آمد، به تاریخ بغداد مراجعه کردم، و شرح حال وی را در آنجا و در مآخذ دیگر یافتم، و دانستم که در اثر تحریف قادسی به فارسی، این استاد دانشمند، گمنام و ناشناس مانده، حتی میرزا عبدالله اصفهانی که حقا استاد ماهر این فن است او را تشخیص نداده و تطبیق نکرده است. در ریاض العلماء دوبار او را یاد کرده است. در کتبه‌ها در مجلد آخر او را به صورت تحریف شده آورده و گفته:

«ابو عبدالله ابن الفارسی از مشایخ شیخ طوسی است.»

و در حرف (ح) جلد ۳ او را به نامش یاد کرده، گفته: «ابو عبدالله حسن بن احمد بن حبیب فارسی از اجلاء این طائفه بوده و از معاصرین شیخ طوسی است، ابو الوفاء عبدالجبار بن عبدالله بن علی رازی از او روایت کرده، چنانکه از اواخر تفسیر مجمع البیان به دست می‌آید.»^(۱)

۱- تاریخ بغداد ۱۶:۸، ریاض العلماء (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام). حرف ح جلد ۲ برگ ۱۱ و جلد ۵ در باب کتبه‌ها برگ ۱۰۸، لسان المیزان ۲:۲۶۴، شذرات الذهب ۳:۲۷۵، امل الأمل ۲:۳۵۴، انساب سمعانی ۱۰/۱۰ قادسی).

۱۶ - حسین بن اسماعیل

ابن حجر در لسان‌المیزان ج ۲: ۲۷۴ شرح حال وی را چندین نوشته: «یکی از اساتید ابوجعفر طوسی است، از مرزبانی و جماعتی روایت کرده است. شیخ طوسی او را به نیکی ستوده و او را توثیق کرده است، عمر بن محمد صیرفی نیز از او روایت کرده است.

ابن ابی طی نیز در کتاب «رجال شیعه» او را یاد کرده و شرح حالش را نوشته است».

در کتابهای شیخ طوسی روایتی از حسین بن اسماعیل ندیدم، شاید همان ابن‌اشناس معروف باشد (حسن بن محمد بن اسماعیل که به شماره ۱۱ گذشت)، ولی ابن حجر در لسان‌المیزان، او را جداگانه در حسن نام‌ها آورده چنانکه گذشت، و این را در حسین نامها یاد کرده است.

۱۷ - غضائری (? - ۴۱۱)

ابو عبدالله حسین بن عبیدالله بن ابراهیم غضائری بغدادی. شرح حال این دانشمند ارجمند در همه کتابهای رجالی شیعه و برخی از کتابهای رجالی دیگران آمده است، و همه او را به بزرگی و دانشمندی و فضیلت و تقوی ستوده‌اند، مقدم بر همه دو شاگرد وی شیخ طوسی و نجاشی شرح حال وی را نوشته‌اند.

شیخ طوسی در کتاب رجال، در شرح حال وی فرموده: «مردی دانشمند و بااطلاع بود، به حالات رجال کاملاً آشنا و دارای تألیفاتی است. ما همه آنها را در فهرست نام برده‌ایم. از او حدیث شنیدیم و به ما اجازه همه آنچه را که روایت

کرده بود داد».

در صورتی که نه از خود او و نه از آثار او در فهرست شیخ اثری دیده نمی‌شود، و همین جریان را میرمصطفی تفرشی در کتاب تقدالرجال یادآور شده است. ولی میرزا عبدالله اصفهانی در ریاض العلماء سخت بر او اعتراض کرده که چرا گفته است شرح حال غضائری در فهرست شیخ نیست! در نسخه‌ای که او از فهرست داشته است نبوده، چون میان نسخه‌های فهرست، تفاوت و اختلاف بسیار است.

به هر صورت، میرزا عبدالله شرح حال غضائری را مفصل نوشته^(۱) و بعضی

۱- و دیگر از کسانی که شرح حال غضائری را مفصل نوشته است، ذهبی است در کتاب سیر اعلام النبلاء (نسخه عکسی مجمع علمی دمشق جلد ۱۱ برگ ۷۳)، در اینجا متن آن را می‌آوریم:

«شیخ الشیعه و عالمهم ابو عبدالله الحسین بن عبدالله بن ابراهیم البغدادی الغضائری، یوصف بزهد و ورع وسعة علم، یقال: کان احفظ الشیعه لحديث اهل البيت - غنه و سمنه - روی عنه ابو جعفر الطوسی و ابن النجاشی الرافضیان و هو فیروی عن ابی بکر الجعابی و سهل بن احمد الدیاجی و ابی المفضل الشیبانی.

قال الطوسی تلمیذه: خدم العلم و طلبه لله و کان حکمه انفذ من حکم الملوک. و قال ابن النجاشی: صنف کتبا منها کتاب یوم الغدیر و کتاب مواطن امیر المؤمنین علیه السلام و کتاب الرد علی الغلاة و غیر ذلك، مات فی صفر ۴۱۱.

قلت: هو من طبقة الشيخ المفید فی الجلالة عند الإمیة، یفتخرون بهما و یخضعون لعلمهما حقه و باطله!»

و دیگر از مآخذ شرح حال غضائری:

رجال شیخ طوسی ص ۴۷۰ - ۴۷۱، رجال نجاشی ۵۱، میزان الاعتدال ۱: ۲۵۳، لسان المیزان ۲: ۲۸۸، روضات الجنات ۱۸۳، اعیان الشیعه ۲۶: ۳۵۱،

اساتید وی را شمرده، از جمله: احمد بن محمد صفوانی و ابوغالب زراری و تلعبیری و ابوالفضل شیبانی و احمد بن ابراهیم صیمری و ابن عیاش جوهری و بزوفری و ابن قولویه و احمد بن محمد بن حسن بن ولید و احمد بن محمد بن یحیی عطار و شیخ صدوق و قاضی جعابی و دیگران را نام برده، که بیشتر آنان شاگردان کلینی می‌باشند.

و فرموده: فرزندش احمد به ابن غضائری معروف بوده و مردم از روی اشتباه پدر و فرزند هر دو را ابن غضائری می‌خوانند.

علامه مجلسی در دیباچه بحار ۱: ۴۱ درباره رجال ابن غضائری فرموده: «این کتاب، اگر از حسین بن عبیدالله باشد که او از اجله ثقات است. و اگر از فرزندش احمد باشد - چنانکه ظاهر هم همین است - پس بر او اعتماد زیادی ندارم».

ولی مسلماً کتاب رجال از پدر نیست و از فرزند است، زیرا نجاشی شرح حال پدر را نوشته و کتابهایش را شمرده و کتابی در رجال میان آنها نیست. علاوه بر این، شیخ طوسی در دیباچه، فهرست تصریح کرده که: «ابوالحسین احمد بن حسین بن عبیدالله در رجال دو کتاب نوشت و از بین رفته است».

در پایان یادآور شویم که غضائری استاد شیخ طوسی، جز ابو عبدالله حسین بن حسن بن محمد مخزومی غضائری (در گذشته به سال ۴۱۴) است که شرح حال وی در تذکره الحفاظ ۳: ۱۰۵۷ و شذرات (جلد ۳) و کتابهای دیگر آمده است، گرچه نام و کنیه و لقب و شهر و شغل و عصر هر دو یکی است.



الکنی واللقاب ۱: ۳۵۹، ریاض العلماء (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام) ۲: ۱۲۴، امل الأمل ۲: ۹۴، ریحانة الادب ۱۵۸: ۳، العبر ذهبی ۳: ۱۱۶.

۱۸ - حمویه بصری

ابو عبدالله حمویه بن علی بن حمویه بصری.

شیخ طوسی در جزء چهاردهم امالی جلد ۲ ص ۱۳ - ۱۹، از او روایت کرده است و فرموده: «در بغداد، روز شنبه نیمه ذی القعدة سال ۴۱۳ در منزل غضائری بر او حدیث خواندم و از او روایت کردم».

عماد طبری در کتاب بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله، به وسیله ابوالحسن محمد بن حسین بن احمد فقیه از وی روایت کرده و او از ابوالفضل شیبانی و ابوالحسن محمد بن محمد بن بکر هزانی روایت کرده است. ابن شهر آشوب در کتاب مناقب، از کتاب حدیث او (شاید امالی داشته) نقل کرده، و در امالی شیخ طوسی در بعضی نسخه‌ها بصری و در بعضی نسخ دیگر نضری آمده است. (۱)

۱۹ - ابن مهدی (۳۱۸ - ۴۱۰)

ابو عمر عبدالواحد بن محمد بن عبدالله بن محمد بن مهدی بن خشان بن نعمان بن مخلد بزاز فارسی.

از قاضی محاملی و محمد بن مخلد و محمد بن احمد بن یعقوب بن شیبیه و ابن عقدة و اسماعیل صفار و ابن سماک و دیگران روایت حدیث کرده. و استاد شیخ طوسی و نجاشی و خطیب بغدادی و بسیاری از دانشمندان این طبقه بوده است.

شاگرد وی خطیب در تاریخ بغداد در شرح حال او گفته: «به درس وی حاضر شدم و حدیث او را نوشتم. مردی ثقة و امین بود، در محله زعفرانی در بغداد می زیست».

شیخ طوسی در جلد اول امالی ص ۲۵۲ - ۲۸۰ روایاتی از او و او از ابن عقده روایت کرده است. و در ص ۲۶۳ فرموده: خبر داد ما را ابن مهدی در خانه خود در بغداد در درب زعفرانی در میدان ابن مهدی در محله کرخ به سال ۴۱۰، گفت: خبر داد ما را ابن عقده در مسجد برائنا پس از پایان نماز جمعه روز هشتم جمادی اول سال ۳۳۰.

و در شرح حال ابن عقده در رجال شیخ ص ۴۴۲ فرموده: «از ابن مهدی و ابن الصلت شنیدیم از وی روایت می کردند». ابن تغری بردی در نجوم زاهره شرح حال وی را آورده و او را بسیار ستوده و درباره وی گفته است «کان اماماً محدثاً ثقة من كبار المشايخ...».

در تاریخ بغداد آمده: «کان رومی الاصل!». ولی پس از برخورد به منتظم ابن جوزی دانسته شد که عبارت به غلط چاپ شده، و درست آن همان است که در منتظم آمده: «کازرونی الاصل» بوده. (۱)

۱- تاریخ بغداد ۱۱: ۱۳، النجوم الزاهرة ۴: ۲۴۵، شذرات الذهب ۳: ۱۹۲، ریاض العلماء؛ معجم المؤلفین ۶: ۲۱۱.

۲۰- ابن حمّامی مَقْرئ (۳۲۸-۴۱۷)

ابوالحسن علی بن احمد بن عمر بن حفص بن عبدالله معروف به حمّامی یا ابن حمّامی.

شیخ طوسی در جزء سیزدهم امالی مجلد اول ص ۳۸۹-۳۹۱ حدیثهایی از او روایت کرده است.

شاگرد وی خطیب در تاریخ بغداد، شرح حال او را آورده و از اساتید وی علی بن محمد ابن الزبیر قرشی کوفی و محمد بن علی بن دحیم کوفی و عبدالباقی ابن قانع را نام برده و گفته: «من به درس وی حاضر شدم و از او حدیث نوشتم، مردی راستگو و متدین و فاضل بود». و آنگاه گفته: «ابن ابی الفوارس دربارهٔ وی چنین گفته است: اگر کسی از خراسان تا بغداد، آن همه راه ببیماید تا سخنی یا روایتی از ابن حمّامی یا ابواحمد فرضی بشنود، بجا و روا باشد».

ابن تغری بردی دربارهٔ او «امام محدث کبیر الشان» گفته، ابن ماکولا و ذهبی و ابن حجر و ابن عماد، وی را مَقْرئ عراق خوانده‌اند. چنین گمان می‌رود شیخ طوسی علاوه بر اینکه از او حدیث شنیده و روایت کرده، علوم قرآات را نیز در نزد وی فرا گرفته باشد.

علاوه بر اینکه تفسیر تبیان، آشنائی شیخ را با علوم قرآات و تخصص او را در این رشته‌ها می‌رساند، عبدالجلیل رازی که شاگرد پسر وی بوده، در کتاب نقض ص ۱۸۰ شیخ را از جمله به مفسر و مَقْرئ معرفی می‌کند و می‌رساند که در این رشته متخصص و مشهور بوده و آن را نزد اساتیدی چند، چون همین حمّامی مَقْرئ و عبدالحمید مَقْرئ نیشابوری و ابن فحّام و دیگران آموخته است.

ابن حمّامی دارای تألیفات و آثار بسیاری بوده که جمله‌ای از آنها تاکنون باقی مانده و در فهرست علوم حدیث کتابخانه ظاهریه شام ص ۴۶-۴۷ نسخ

آنها معرفی شده است. و درگذشت وی در آن فهرست ۴۳۷ ضبط شده است. ولی ذهبی در کتاب عبر، مرگ او را در سال ۴۱۷ ضبط کرده و گفته است که وی ۸۹ سال عمر کرده است.^(۱)

۲۱ - ابن ابی جید قمی

ابوالحسن ابن ابی جید علی بن احمد بن محمد بن ابی جید طاهربین حسن اشعری قمی، شاگرد ابن الولید قمی (درگذشته به سال ۳۴۵) و از مشایخ طوسی و نجاشی است.

شیخ طوسی در مشیخه تهذیب و استبصار، و در فهرست و رجال و امالی و رساله تحریم فجاج از او روایت کرده است. چون ابن ابی جید مستقیماً از ابن ولید روایت می کرده و عالی السند بوده است، شیخ طوسی روایت از او را بر روایت دیگران ترجیح میداده است.

شیخ در رجال ص ۴۴۴ در شرح حال محمد بن یحیی عطار فرموده: «خبر داد ما را به روایات او حسین بن عبیدالله (غضائری) و ابوالحسین ابن ابی جید قمی که در سال ۳۵۶، از او حدیث شنیده بود.»

و در شرح حال ابن ولید در رجال ص ۴۹۵ فرموده: «خبر داد ما را ابوالحسن ابن ابی جید به همه روایتهای او». و در اسانید فهرست، روایت شیخ از

۱- تاریخ بغداد ۱۱: ۳۲۹، اکمال ابن ماکولا ۳: ۲۸۹، انساب سماعی ۴: ۲۳۲، المنتظم ۸: ۲۸، اللباب ۱: ۳۱۵، تذکره الحفاظ ۳: ۱۰۷۳، العبر ۳: ۱۲۵، المشتبه ۲۴۵، البداية و النهایة ۱۲: ۲۱، النجوم الزاهرة ۴: ۲۶۵، تبصیر المشتبه ۲: ۵۱۲، طبقات القراء ۱: ۵۲۱، تنقیح المقال ۲: ۲۶۷، فهرست ظاهریه ۴۶ - ۴۷، شذرات الذهب ۳: ۲۰۸، کامل ابن اثیر ۷: ۳۲۷، توضیح المشتبه ۳: ۲۹۷.

ابن ابی جید از ابن ولید زیاد به چشم می خورد.

در قاموس الرجال برگرفته میرداماد - که گفته: «چنانکه از رجال نجاشی به دست می آید. ابو جید پدر ابن ابی جید طاهر نا داشت است» - اعتراض کرده و گفته: «چنین چیزی از رجال نجاشی به دست نمی آید».

در صفحه آخر امالی شیخ چاپ سنگی در اثر غلط چاپی، ابن ابی جید، ابن ابی حمید شده و به استناد آن در مقدمه چاپ بحار، یکی از مشایخ طوسی، ابن ابی حمید شمرده شده و تفصیل آن خواهد آمد.^(۱)

۲۲- سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶)

شریف ابوالقاسم علم الهدی علی بن حسین بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم فرزند امام موسی بن جعفر علیه السلام.

شاگردان وی شیخ طوسی و نجاشی و خطیب بغدادی شرح حال او را نوشته و به غایت ستوده اند.

شیخ طوسی در کتاب رجال ص ۴۸۴ شرح حال او را آورده فرموده: «علی بن الحسین... الملقب بالمرتضی ذوالمجدین علم الهدی ادام الله تعالی ایامه اکثر اهل زمانه ادبا و فضلا، متکلم فقیه جامع للعلوم کلها مدالله فی عمره... وله تصانیف کثیرة ذکرنا بعضها فی الفهرست و سمعنا منه اکثر کتبه و قرأناها علیه».

در فهرست نیز، شرح حال او را آورده و آثار وی را نام برده و آنگاه فرموده:

۱- ریاض العلماء (نسخه عکسی کتابخانه امیر المؤمنین علیه السلام) ج ۵: در باب کنیه ها، برگ ۱۳۶، معجم رجال الحدیث: باب کنیه ها، اعیان الشیعه، جامع الرواة ۱: ۵۵۴، قاموس الرجال ۱۰: ۲۲۵، ریحانة الادب ۵: ۲۱۵.

«بیشتر این کتابها را بر او خوانده‌ام. و مابقی آن را دیگران که بر او می‌خواندند من حاضر بوده و شنیده‌ام».

شهرت و عظمت و مقام علمی و موقعیت اجتماعی سید مرتضی، نیازی به شرح و بسط ندارد. زندگانی پرافتخار و ممتد وی، هر قسمتش در خور آن است که کتابهای متعدد درباره آن نوشته شود. ادیبان بزرگ و بلیغان مقتدر - همچون ثعالبی در تنمة الیتیمیة، و ابن خلکان در وفيات الاعیان و باخرزی در دمیة القصر، و عماد اصفهانی در خریدة القصر، و حموی در معجم الادباء، و سید علی خان مدنی در درجات رفیعه و دیگران و دیگران - هر یک در ستایش علم الهدی قلم فرسایی‌ها کرده و داد سخن داده‌اند، و در آخر به عجز خود اعتراف نموده‌اند. و ابن شاکر کتبی در عیون التواریخ، شرح حال مفصلی از سید نوشته است. ابن تغری بردی در نجوم زاهره از قول ذہبی نقل کرده که گفته:

«و كان المرتضى ايضا رأساً في الاعتزال، كثير الاطلاع و الجدل، ثم ذكر كلاماً عن ابن حزم في هذا المعنى انزه الشريف عن ذكره مراعاة لسفله الطاهر لا لاعتقاده القبيح!...»

ذہبی در تاریخ الاسلام گفته:

(كان شاعراً ماهراً، متكلماً، ذكياً، له مصنفات حجة على مذهب الشيعة...).

و نیز در تاریخ الاسلام، شرح حال فرزند سید مرتضی (حسن) ملقب به اطهر را نیز آورده و گفته است:

«دارای تالیفاتی بوده و در سن کهولت در گذشته است».

ولی در تذکره الحفاظ، در گذشتگان به سال ۴۳۶ را که می‌شمارد، گوید:

«و فيها شيخ الحنفية! و محدثهم! ابوطالب! حسين بن موسى! الشريف

المرتضى واضع كتاب نهج البلاغة!»

درست داستان حسن و حسین شده! چون خیلی درهم و برهم کرده! معلوم نیست سید رضی را خواسته بگوید یا سید مرتضی را. در هر صورت، هر کدام را گفته باشد، این یک سطر چندین اشتباه دارد:

اگر منظور سید مرتضی بوده، شیخ حنفیان نبوده و محدث آنان هم نبوده و کنیه وی هم ابوطالب نیست و نام هم حسین نیست و نام پدر وی هم موسی نیست و واضح نهج البلاغه هم نیست.

و اگر سید رضی بوده، او هم شیخ حنفیان نبوده و محدث آنان هم نبوده و کنیه وی هم ابوطالب نبوده و نام وی هم حسین نبود، و نام پدر وی هم موسی نبوده و لقب وی هم مرتضی نبوده و از درگذشتگان به سال ۴۳۶ هم نبوده و او گردآورنده کتاب نهج البلاغه است نه واضح آن.

ذهبی از شدت نصب و دشمنی و عنادی که با شیعه دارد به بزرگان شیعه که می‌رسد گویا گه گیجه می‌گیرد و پرت و پلامی گوید!! از این رو این مورخ اسلام! نسبت به بزرگان شیعه از این اشتباهات زیاد دارد. مثلاً در میزان الاعتدال ج ۱: ۲۱۲ شماره ۸۲۶ در شرح حال صاحب ابن عباد گفته:

«اسماعیل بن عباد [د، ت]، ابوالقاسم الصاحب، ادیب بارع شیعی معتزلی و له روایة قليلة، و نظمه لابأس به، و شعره حسن جداً و بتشبیها ته یضرب المثل». ملاحظه می‌شود که از طرفی می‌گوید: «نظمه لابأس به» و بلافاصله می‌گوید: «شعره حسن جداً!» و چنانکه ملاحظه می‌فرمایید صاحب را از راویان موجود در سنن ابوداود و ترمذی دانسته و رمز «د»، «ت» را که رمز سنن ابوداود و ترمذی است پس از نام او گذارده، در صورتی که ابوداود در سال ۲۵۷ و ترمذی در ۲۷۹ در گذشته‌اند و صاحب ابن عباد در ۳۲۶ متولد شده است!

۲۳- ابن شبل وکیل

ابوالقاسم علی بن شبل بن اسد وکیل، شاگرد ابومنصور ظفر بن حمدون بن شداد بادرائی و استاد شیخ طوسی و نجاشی است.

شیخ طوسی در جزء چهاردهم امالی جلد ۲: ۱۹ فرموده: خوانده شده بر ابوالقاسم علی بن شبل و من می‌شنیدم در منزلش در بغداد در ربض در باب محول در ماه صفر ۴۱۰...

و در فهرست به شماره ۹ و در رجال ص ۴۷۷، نیز از او روایت کرده است. (۱)

۲۴- قاضی تنوخی (۳۶۵-۴۴۷)

ابوالقاسم علی بن محسن بن علی بن محمد بن داود بن ابراهیم بن تمیم بن جابر... خود و پدر و جد وی، قاضی و ادیب و دانشمند و شاعر بوده‌اند. و خاندان او از خاندانهای علمی عراق به شمار می‌رود.

قاضی تنوخی از شاگردان علی بن عیسی رمانی و ابوعبیدالله مرزبانی خراسانی و از دوستان و ملازمان سید مرتضی علم الهدی و ابوالعلاء معری بوده و استاد نجاشی و ابوالغنائم نرسی و غرس النعمه صابی و خطیب بغدادی است. و علامه حلی در اجازه بنی زهره او را از اساتید شیخ طوسی شمرده.

خطیب بغدادی در شرح حال وی گفته: «گواهی او از زمان کودکی تا پایان عمر پذیرفته بود، مردی رستگار و با احتیاط و در حدیث راستگو بود».

در کتابهای شیخ طوسی، مدرکی برای اینکه قاضی تنوخی استاد شیخ

طوسی بوده، به دست نیامد. ولی چون علامه حلی در اجازه بنی زهره وی را از اساتید شیخ طوسی شمرده، به تنهایی برای مدرکیت و استناد کافی است. اما اینکه علامه ایشان را از اساتید اهل کوفه شیخ طوسی شمرده است، ظاهراً درست نباشد. و قاضی تنوخی و خاندان و نیاکان او همه در بغداد بوده‌اند. و خود قاضی تنوخی هم در شهرهای متعددی در عراق به قضاوت منصوب شده، ولی هیچ‌گاه قاضی کوفه نبوده است.^(۱)

۲۵- ابن بشران (۳۲۸-۴۱۵)

ابوالحسین علی بن محمد بن عبدالله بن بشران بن محمد بن بشر بن مهران بن عبدالله معدل.

از اساتید شیخ طوسی و حافظ بیهقی صاحب سنن کبری و خطیب بغدادی است. خطیب، شرح حال وی را در تاریخ بغداد آورده، و تعداد زیادی از اساتید

۱- تاریخ بغداد ۱۱۵:۱۲، المنتظم ۱۶۸:۸، فوات الوفيات ۶۸:۲، الوافی بالوفیات (نسخه عکسی مجمع علمی دمشق) مجلد ۱۲ برگ ۱۴۰، تاریخ الاسلام ذهبی (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام) مجلد ۷ برگ ۱۱۶، النجوم الزاهرة ج ۵: ۵۸، لسان المیزان ۲۵۲:۴، اعیان الشیعه ۹:۴۲، شذرات الذهب ۳: ۲۷۶، معجم المؤلفین ۷: ۱۷۵، ریحانة الادب ۱: ۲۲۹، الغدير ۴، مرآة الزمان سبط ابن جوزی (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام) جلد ۱۲ برگ ۱۱ و درباره او گفته: «فسمع الحديث الكثير وصنف الكتب، و كان صدوقاً محتاطاً في الحديث، وقيل: كان معتزلياً يميل الى الرفض».

ابن كثير گفته: «كان صدوقاً محتاطاً الا انه كان يميل الى الاعتزال و الرفض».

البدایة و النهایه ۱۲: ۶۷.

او را شمرده و درباره او گفته: «مردی راستگو و ثقه و متدین و خوشخو بود». شیخ طوسی در جلد دوم امالی ص ۸-۱۳ از او روایاتی نقل کرده و فرموده: «خبر داد ما را ابوالحسین ابن بشران معدل در منزل خود در بغداد در ماه رجب سال ۴۱۱». (۱)

۳۶- ابن شاذان قمی

ابوالحسن محمد بن احمد بن علی بن حسن بن شاذان قمی. از مشایخ شیخ طوسی و نجاشی و کراجکی و احمد بن محمد بن شهریار خازن است. شیخ طوسی در جلد دوم امالی ص ۲۹۴-۲۶۹ و ۳۰۰ و ۳۱۷، از ابن شاذان حدیث روایت کرده است. میرزا عبدالله اصفهانی در ریاض العلماء و صاحب ذریعه در طبقات اعلام الشیعه (قرن پنجم) شرح حال وی را نوشته‌اند. کتاب مائة منقبة که شاید ایضاً دفائن النواصب هم همان کتاب باشد، از اوست و به مناقب ابن شاذان معروف است. و کتاب دیگری به نام "بستان الکرام" نیز دارد. ابن قولویه قمی دائی خود او یا دائی پدر او بوده است. ابن شاذان از پدر خود و از عبدالعزیز ابن قولویه دائی زاده خود و از قاضی معافی بن زکریا و قاضی ابوالحسن محمد بن عثمان بن عبدالله نصیبی حدیث روایت می‌کرد.

۱- تاریخ بغداد ۱۲: ۹۸-۹۹، المنتظم ۸: ۱۸، العبر ۳: ۱۲۰، شذرات الذهب

از اسانید کتاب "الحجة علی الذاهب" به دست می‌آید که احمد بن محمد بن شهریار خازن نیز از او روایت می‌کرده است. و کراجکی کتاب "مناقب" او را در مسجد الحرام به سال ۴۱۲ بر او خوانده است.

پدر او احمد بن علی بن شاذان نگارنده کتاب امالی و زادالمسافرین است، نجاشی و ابن حجر عسقلانی شرح حال او را نوشته‌اند. نجاشی به وسیله پسرش از او روایت کرده است، ابن حجر گفته: «منتجب الدین ابن بابویه شرح حال او را در کتاب تاریخ ری آورده و او را ستوده و درباره او گفته:

در زمان خود، شیخ طائفه شیعه بوده، و دو فرزند او محمد و جعفر و جز آنها از او حدیث روایت کرده‌اند».^(۱)

۲۷- ابن ابی الفوارس (۳۳۸-۴۱۲)

حافظ ابوالفتح محمد بن احمد بن محمد بن فارس بن سهل بغدادی ابوالفوارس، استاد شیخ طوسی و خطیب بغدادی است.

شیخ طوسی در جلد اول امالی ص ۳۱۲ از او روایت کرده و فرموده است: خبر داد ما را به طور املاء در مسجد رصافه در سمت شرقی بغداد در ماه ذوالقعدة به سال ۴۱۱.

شاگرد وی خطیب در تاریخ بغداد، شرح حال وی را نوشته و جمعی از استادان و شاگردان وی را نام برده و گفته:

۱- ریاض العلماء در مجلد آخر در کنیه‌ها (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام) جلد ۵ برگ ۱۰۱، طبقات اعلام الشیعه، لسان المیزان ۱: ۳۴، ریحانة الادب ۶: ۳۶.

«به جستجوی حدیث به بصره و خطه فارس و خراسان و اصفهان سفر کرد، و از مشایخ آن سامان حدیث بسیار نوشت. دارای حافظه و معرفت و امانت و وثوق بود و به نیکی و وارستگی شهرت داشت، در سمت خاوری بغداد می‌زیست و در مسجد رصافه حدیث املاء می‌کرد».

مؤلف فهرست نسخه‌های خطی حدیث کتابخانه ظاهریه شام، از او به «ثقة و حافظ» تعبیر کرده، و بعضی آثار او را که در آن کتابخانه بوده نام برده است. (۱)

۲۸ - شیخ الشرف عبیدلی نسابه (۳۳۸ - ۴۳۷)

ابوالحسین محمد پسر ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن علی بن صالح بن عبیدالله اعرج فرزند حسین اصغر فرزند امام زین العابدین علیه‌السلام. شیخ طوسی در رجال ص ۴۶۵ از او روایت کرده در شرح حال ابن اخی طاهر فرموده:

«اخبّرنا عنه ابوعلی ابن شاذان من العامة و ابوالحسین ابن ابی جعفر النسابه». ابن عساکر در تاریخ شام و ذهبی در تاریخ الاسلام شرح حال وی را آورده‌اند و نسبش را چنانکه آوردیم ضبط کرده‌اند. شیخ الشرف نگارندگان کتاب تهذیب الانساب است و صاحب الصندوق معروف است. ابن عساکر گفته: «ابوالغنائم نسابه در کتاب خود او را یاد کرده و گفته است: در

۱- تاریخ بغداد ۱: ۳۵۲، المتظم ۸: ۵، الوافی بالوفیات ۲: ۶۱، تذکرة الحفاظ ۳: ۱۰۵۲، سیر اعلام النبلاء (نسخه عکسی کتابخانه مجمع علمی دمشق) جلد ۱۱ برگ ۵۰، طبقات القراء ۲: ۷۹، شذرات الذهب ۳: ۱۹۶، معجم المؤلفین ۹: ۱۴، فهرست کتابهای حدیث کتابخانه ظاهریه در شام ص ۱۸۷، کامل ابن‌اثیر

شام و طبریه و مصر به خدمتش رسیدم و از او دانش آموختم و از محضر وی بهره بسیار گرفتم. دارای آثار زیادی بود و شعر بسیار گفته، در سال ۳۹۸ به شام سفر کرده، و از بغداد اعراض کرد و به موصل رفت در آنجا بماند تا در سال ۴۳۵ به بغداد بازگشت».

ذهبی در تاریخ الاسلام اساتید وی را از جمله پدر خود او و شیخ مفید و ابن حیویه و ابوالفرج اصفهانی را نام برده و آنگاه گفته: «احد شیوخ الشیعة کان اعلم الناس بالانساب صنف کتاب اسماء کتاب الاعقاب...»^(۱)

۲۹- ابن مَخلَد (۳۲۹-۴۱۹)

ابوالحسین محمد بن محمد بن ابراهیم بن مخلد بزاز بغدادی حنفی. شیخ طوسی در پایان مجلد اول و آغاز جلد دوم امالی، روایاتی را که از ابن مخلد در خانه وی در بغداد در درب سلولی در قطیعه در ماه ذی الحجه سال ۴۱۷ شنیده بود، آورده است. خوشبختانه از جزوه امالی ابن مخلد و همان حدیثی که او در سال ۴۱۷ در بغداد بر شیخ طوسی و سایر شاگردان املاء می کرده، نسخه‌ای که خط خود او به

۱- شرح حال وی علاوه بر اغلب کتب انساب، در: لسان المیزان ۵: ۳۶۶، الوافی بالوفیات ۱: ۱۱۸، النجوم الزاهرة ج ۵: ۴۱، تاریخ ابن عساکر (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام) جلد ۵۲ برگ ۱۵۲، تاریخ الاسلام ذهبی (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام) جلد ۷ برگ ۶۸، اعیان الشیعه ۴۵: ۳۲۵، ریاض العلماء: حرف ش، الذریعه ۲: ۳۷۰ و ۴: ۵۰۸، اعلام زرکلی ۷: ۲۴۵، معجم المؤلفین ۱۱: ۲۴۶، ریحانة الادب ۳: ۶۵، میزان الاعتدال ۴: ۳۰، عمدة الطالب ۳۱۴-۳۱۵.

همان تاریخ ۴۱۷ بر آن هست، در کتابخانه ظاهره شبام در ضمن مجموعه شماره ۹۰، برگ ۵۹-۶۷ محفوظ است و در فهرست حدیث آن کتابخانه معرفی شده است.

شاگرد دیگر وی خطیب در تاریخ بغداد شرح حال او را نوشته، و او را به فضیلت و راستی و درستی ستوده است.

در نجوم زاهره در شرح حال او آمده که: «لم یکن فی زمانه اعلی سنداً منه و کان صدوقاً صالحاً ثقة فقیهاً فاضلاً عالماً...»

ابن جوزی و صفدی و ذهبی و دیگران نیز شرح حال او را در کتابهای خود آورده، و او را به شایستگی و وارستگی و فضیلت و وثوق و امانت ستوده‌اند. ذهبی در عبر گفته: «ابن مخلد آخرین کسی است که از صفار (اسماعیل بن محمد) و ابن بختری (ابوجعفر محمد بن عمرو) و عمر اشنانی روایت کرده است.»

ابن مخلد از قاضی اشنانی ابوالحسن عمر بن حسن بن علی شیبانی بغدادی به سال ۳۳۹ در منزل وی روایت کرده، و قاضی اشنانی در همان سال در گذشته است، چنانکه در گذشت ابن بختری نیز در همان سال رخ داده است.

و همچنین ابن مخلد از ابوبکر نجاد و جعفر بن محمد بن نصیر خلدی و دیگر محدثان روایت می‌کرده است.^(۱)

۱- تاریخ بغداد ۳: ۲۳۱، المنتظم ۸: ۳۷، النجوم الزاهره، ۴: ۲۷۰، العبر ذهبی ۳: ۱۳۳، البداية و النهایة ۱۲: ۲۵، الوافی بالوفیات صفدی ۱: ۱۱۸، تاریخ الاسلام ذهبی (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام) مجلد ۷ برگ ۷، شذرات الذهب ۳: ۲۱۴، کامل ابن اثیر ۷: ۳۳۴.

۳۰- شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳)

ابوعبدالله محمد بن محمد بن النعمان بن عبدالسلام حارثی عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید و ابن المعلم.

شیخ طوسی در کتاب فهرست، شرح حال این استاد بزرگ را مفصل نوشته و او را به غایت ستوده و فرموده: «از برجسته‌ترین متکلمان امامیه است. در دوران وی ریاست تشیع با او بود، در علم کلام و فقه بر همگان مقدم بود، دانشمندی تیز هوش و نکته سنج و حاضر جواب بود، حدود دویست کتاب تألیف کرده...»

روز درگذشت وی، از کثرت انبوه مردمی که بر او می‌گریستند و بر وی نماز کردند، بی سابقه و بی‌مانند بود.»

پس آنگاه تعدادی از کتابهای وی را می‌شمارد و می‌فرماید: «و جز اینها از تألیفات او که در فهرست آثار وی ضبط است و من همه اینها را نزد وی فرا گرفته‌ام، بعضی را خودم بر او خوانده‌ام، و بعضی دیگر را مکرر که بر او خوانده می‌شد، من حاضر بوده و فرا گرفته‌ام.»

شیخ مفید، بزرگترین استاد شیخ طوسی و سیدین رضی و مرتضی است، چنانکه این سه بزرگوار نیز، بزرگترین تربیت یافتگان مکتب اویند، و همین سه مهر تابان آسمان علم و فضیلت، خود گواه روشن و سند زنده نیروی علمی شیخ مفید می‌باشند.

مقامات عالیة علمی شیخ طوسی، بیشتر فرا گرفته از محضر این استاد اکرم و نابغه بزرگ است، و به همین دلیل شیخ طوسی در آثار خود از این استاد ارجمند، خیلی بیش از دیگر اساتید خود نام برده و روایت کرده است. مقام والای شیخ مفید بر همگان روشن، و همه می‌دانند که وی یکی از بزرگترین

دانشمندان نامی اسلام و سرآمد پرچمداران جهان تشیع است، و وی در پیشرفت تشیع فوق العاده مؤثر بوده، گامهای برجسته و خدمات ارزنده او به عالم علم و تشیع بی سابقه و بی مانند است. و تأثیر عمیق او را در راه مذهب از ناراحتی و بد زبانی متعصبان می توان به خوبی به دست آورد. (۱)

۱- خطیب در تاریخ بغداد گفته: «صنف کتباً فی ضلالاتهم و الذب عن اعتقادهم و مقالاتهم.... و كان احداً من الضلال! هلک به خلق من الناس! الی ان اراح الله المسلمین! منه!!»

در نجوم زاهره آمده: «قرأ علیه الرضی و المرتضی و غیرهما من الرافضة، و كان له منزلة عن بنی بویه و عند ملوک الاطراف الرافضة. قلت: كان ضالاً مضلاً هو و من قرأ علیه و من رفع منزلته.»

صفدی گفته: «رأس الرافضة صنف لهم کتباً فی الضلالات... الا انه كان اوحد عصره فی فنونه.» و آنان که تعصب کمتری داشته اند - چون ذهبی و یافعی و ابن العماد - فقط گفته اند: «اراح الله منه.»

و اما ابوالقاسم ابن النقیب چون مرگ این دانشمند بزرگ اسلامی را شنید، به خاک افتاد و سجده شکر به جا آورد! و آن روز را عید گرفت و جشن و شادمانی بر پا کرد! و آن روز را نشست، تا مردم به تبریک و تهنیت او بیایند! (کامل ابن اثیر ۷: ۳۱۹)

[آری، چنین بود که روزگاری دنیامداران عالم نما، و زرپرستان بی حمیت، در راه مبارزه با مکتب والای انسانیت، و بزرگان مکتب امیرالمؤمنین علیه آلاف التحية و الثناء، چنین می کردند. از این کردار و رفتار و گفتار نابه هنجار، مظلومیت شیعه و فقه آل محمد و مظلومیت فقهاء و علمای بی بدیل اسلامی

شیخ مفید، در علم فقه سرآمد فقهای عصر، بلکه در شمار بزرگترین فقهای اسلام است که در استنباط احکام، بنیان‌گزار و در روش اجتهاد و تحول فقهی مجدد بوده است.

همچنانکه در علم کلام و مناظره و ردّ شبهات مخالفین و استدلال بر حقایق مذهب، فوق‌العاده نیرومند و مقتدر بوده. بسیاری از دانشمندان بزرگ معاصر را - همچون قاضی باقلانی اشعری و قاضی عبدالجبار معتزلی و علی بن عیسی رمانی و ابو عبدالله جعل و صدها مانند آنان و بلکه محیط آن روز بغداد را - تحت تأثیر خود درآورده بود.

مجالس پرشکوه و مباحثات مجلّل او، و آن محافل علمی و مناظرات وی با ارباب مقالات و فِرَق و دفاع‌های علمی او از حریم تشیع و استدلالات منطقی او برای اثبات مذهب در جهان علم و دانش بی‌نظیر است.

ابن کثیر گفته: «و کان مجلسه یحضره خلق کثیر من العلماء من سائر الطوائف».

ابن جوزی در منتظم گفته: «و کان لابن المعلم مجلس نظر بداره یحضره کافّة العلماء».

خانه شخصی شیخ مفید در حقیقت بزرگترین کنگره علمی اسلامی بود که همه دانشمندان اسلام از مذاهب مختلف در آن شرکت می‌کردند و آزادانه به



هویدا می‌گردد.

و چنین بوده است که این مکتب به ودیعت به ما سپرده شده است. ما در راه احیاء و به پا داشتن احکام نورانی آن واقعاً چه کرده‌ایم؟! آیا مصداق این کلام الهی نیستیم که فرمود:

«فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاة و اتبعوا الشهوات» [

مناقشات علمی و مذهبی می‌پرداختند و مجلس وی همیشه آمادهٔ مناظره و مباحثه بود و کلیه دانشمندان فِرَق مختلف در آن محضر شریف حاضر می‌شدند و در همهٔ مجالس و مناظرات، شیخ مفید با نیروی علمی خود بر همه پیشوایان مذاهب و فِرَق تفوق پیدا می‌کرد، و همیشه غلبه با او بود.

و همچنین مجالس دیگر وی در دیوان و دارالعلم سید مرتضی و منازل سایر بزرگان و نقبا و اشراف و به هر جا که شیخ مفید قدم می‌نهاد و حضور به هم می‌رسانید، آن مجلس، مجلس علم و دانش و آن محفل، محفل استفاده و فیض بود. ابن ندیم گفته: «انتهت ریاسة متكلمی الشيعة اليه، مقدم فی صناعة الکلام علی مذهب اصحابه، دقیق الفطنة، ماضی الخاطر، شاهدته فرأيته بارعاً».

دیگران^(۱) در شرح حال شیخ مفید گفته‌اند: «وکان یناظر اهل کل عقیده مع الجلالة العظمة»^(۲)

قسمتی از مناقشات و مباحثات و مجالس پرافتخار وی را سید مرتضی گزین کرده و به تحریر در آورده و به نام «الفصول المختاره» مکرر چاپ شده و همچنین ترجمه آن به فارسی به نام «مناظرات شیخ مفید» نیز به چاپ رسیده است.

شیخ مفید، حقاً شایسته است که چون همهٔ دانشمندان بزرگ جهان، ده‌ها کتاب درباره‌اش نوشته شود و هر جنبه‌ای از زندگانی وی در خور کتابی جداگانه است.

کسی که نسبت به دیگران شرح حال شیخ مفید را مفصّل نوشته و تا حدی توانسته است حق این مرد بزرگ را ادا کند، ابن ابی طی حلی است در کتاب

۱- چون ذهبی در عبر، و یافعی در مرآة الجنان، و ابن حجر در لسان المیزان، و ابن العماد در شذرات الذهب، و ابن عساکر در عیون التواریخ.

۲- [این سطر، در چاپ نخست این رساله، جابه‌جا شده بود است که در اینجا تصحیح می‌گردد.]

تاریخ الامامیه، که متأسفانه تا کنون به دست نیامده، ولی تاریخ نگاران پس از او چون ذهبی و یافعی و ابن شاکر و ابن حجر و ابن العماد حنبلی در شرح حال شیخ مفید در کتابهای خود هر یک قسمتی از گفته‌های او را آورده‌اند.

ابن حجر به نقل از ابن ابی طی در لسان المیزان گفته که: «شیخ مفید، شب زنده دار بود، جز پاسی از شب به خواب نمی‌رفت. بقیه شب را به عبادت و نماز و راز و نیاز یا مطالعه یا درس یا تلاوت قرآن مجید به صبح می‌رسانید.»^(۱)

و چون ذهبی قسمت بیشتری از گفته ابن ابی طی را نقل کرده و این شرح حال هم به طول انجامید، از ترجمه آن خود داری می‌شود، و متن عربی آن را عیناً در پاورقی درج می‌کنم.^(۲)

۱- ماکان المفید ینام من الیل الاهیجة، ثم یقوم یصلی او یطالع او یدرس او یتلو القرآن... (۳۴۴/۱۷)

۲- ذهبی در سیر اعلام النبلاء (نسخه عکسی مجمع علمی دمشق) جلد ۱۱ برگ ۷۶ شرح حال شیخ مفید را چنین نوشته است: «عالم الرافضة، صاحب التصانیف، الشیخ المفید، واسمه محمد بن محمد بن نعمان البغدادی الشیعی و کان یعرف بابن المعلم، کان صاحب فنون و بحوث و کلام و اعتزال! و ادب.

ذکره ابن ابی طی فی تاریخ الامامیه، فاطنب و اسهب، و قال: کان اوحد زمانه فی جمیع فنون العلم: الأصولین و الفقه و الاخبار و معرفة الرجال و التفسیر و النحو و الشعر، و کان ینظر اهل کل عقیده مع العظمة فی الدولة البویهیه و الرتبة الجسیمه عند الخلفاء.

و کان قوی النفس، کثیرالبر، عظیم الخشوع، کثیر الصلاة و الصوم، یلبس الخشن من الثیاب، و کان مدمیماً للمطالعة و التعلیم، و من احفظ الناس، قیل انه ما ترک للمخالفین کتاباً الا و حفظه! و بهذا قدر علی حل شُبّه القوم، و کان من احرص الناس علی التعلیم، یدور علی المكاتب و حوانیت الحاکه فیتلمح الصبی الفطن

فهرست ابن ندیم ۲۶۶ و ۲۹۳، فهرست شیخ ص ۱۸۶، رجال شیخ ص ۵۱۴، رجال نجاشی ص ۸۳ - ۲۸۴، تاریخ بغداد: ۳: ۲۳۱، عیون التواریخ ابن شاکر کتبی (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام) جلد ۷ برگ ۵۷.

المنتظم ۸: ۱۱، مرآة الجنان ۳: ۲۸، العبر ۳: ۱۱، میزان الاعتدال ۴: ۲۶، ۳۰ لسان المیزان ۵: ۳۸۶، شذرات الذهب ۳: ۱۹۹، ریاض العلماء (نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام) جلد ۵ در باب کنیه ها برگ ۱۳۵، روضات الجنات، خاتمه مستدرک ج ۳ ص ۵۲۲، تذکرة الحفاظ ۳: ۱۰۵۶، کامل ابن اثیر ۷: ۳۱۳، مقدمه تهذیب چاپ نجف، البداية و النهاية ۱۲: ۱۵.

۳۱- هلال حفار (۳۲۲-۴۱۴)

ابوالفتح هلال بن محمد بن جعفر بن سعدان بن عبدالرحمان بن ماهویه بن مهباز بن مرزبان کسکری بغدادی معروف به حفار، استاد شیخ طوسی و حافظ بیهقی نگارندگان سنن کبری و خطیب بغدادی.

شیخ طوسی در جلد اول امالی ص ۳۸۵ فرموده: (خوانده می شد بر ابوالفتح هلال حفار و من می شنیدم) و در ص ۳۵۹ و در فهرست ص ۳۶ و در رجال ص ۴۵۲ از وی روایت کرده است.

✦

فیستأجره من ابویه - یعنی فیضله! - قال: و بذالك كثرت تلامذته.

و قيل: ربما زاره عضدالدولة و يقول له: اشفع تشفع، و كان رابعة نحيفا أسمر، عاش ستا و سبعين سنة، و له اكثر من مائتي مصنف... الى ان قال: مات سنة ۴۱۳، شیعه ثمانون الفاً و قيل بلغت تأليفه مائتين، لم اقف على شيء منها والله الحمد!!

يكنى ابا عبدالله».

خطیب در تاریخ بغداد شرح حال وی را آورده و گفته است: «از او حدیث شنیدم، مردی راستگو بود و در سمت خاوری بغداد می‌زیست».

و همچنین ابن جوزی و ابن اثیر و ابن کثیر و ذهبی، شرح حال او را نوشته‌اند و وی را راستگو و موثق و مسند بغداد و عالم به حدیث و عالی الاسناد خوانده‌اند.^(۱)

هلال حفار کتاب امالی داشته و نسخه‌ای از آن را ابن شهر آشوب دیده و از آن در کتاب مناقب نقل کرده است.

۳۲- ابوالحسن صقال

شیخ طوسی در کتاب امالی، در آغاز جزء ۱۶ و ۱۷، گروهی از مشایخ خود را که به وسیله آنها از ابوالفضل شیبانی روایت می‌کند نام می‌برد. و از جمله ابوالحسن صقال را نام برده، همه روایتهای سه جزء ۱۶، ۱۷، ۱۸ امالی شیخ روایتهای ابوالفضل شیبانی است که شیخ به وسیله این گروه آن‌ها را از او روایت کرده است و فرموده است: «اخبرنی جماعة عن ابی الفضل...»

در این جا شیخ طوسی ابوالحسن صقال را با کنیه و لقب یاد کرده و او را با نام و نام پدر یاد نکرده است. و این کنیه و لقب هم در اثر تحریف نویسندگان و غلطهای چاپی کتابهای حدیث و رجال، به صورتهای گوناگون در آمده است: ابوالحسن، ابوالحسین، صفار، صقال، ابن صفار، ابن صقال. و در شرح حال‌های

۱- تاریخ بغداد ۷۵:۱۴، منتظم ۱۵:۸، کامل ابن اثیر ۷: ۳۱۵، تذکره الحفاظ ۱۰۵۷:۳، العبر ۱۱۸:۳، البدایة و النهایة ۱۷:۱۲، شذرات الذهب ۳: ۲۰۱، ریحانة الادب ۱: ۳۳۴، الذریعة ۲: ۲۱۶.

شیخ طوسی که در مقدمه کتابهای وی چاپ شده، به همین صورتهای گوناگون نوشته شده ولی - طبق آنچه که در نسخه کهن امالی^(۱) و نسخه کهن بشارةالمصطفی صلی الله علیه و آله^(۲) آمده - صحیح همان «ابوالحسن صقال» است.

ولی هر چه تلاش کردم او را بشناسم و شرح حال وی را به دست آورم، متأسفانه کوشش فراوان من به جایی نرسید، جز آنکه نام او را از اسناد کتاب بشارةالمصطفی به دست آوردم، در آنجا که فرموده:

«خبر داد ما را ابوالحسن محمد بن حسین معروف به ابن صقال».^(۳)

۱- امالی شیخ طوسی نسخه مورخ ۵۸۰ متعلق به کتابخانه ملی ملک به شماره ۱۲۱، برگ ۲۹۰ و ۳۱۰.

۲- نسخه خطی قرن ۶ در دوران مؤلف، متعلق به کتابخانه امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در نجف اشرف.

۳- در بشارةالمصطفی صلی الله علیه و آله، نسخه خطی، برگ ۱۶۰ ب چنین آمده:

(اخبرنا الشيخ ابو علی الحسن بن محمد بن الحسن الطوسی رحمه الله فی ما اجاز لی روايته عنه و کتب لی بخطه سنة ۵۱۱ بمشهد امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، قال: اخبرنی ابوالحسن محمد بن الحسین المعروف بابن الصقال، قال: حدثنا ابوالفضل محمد بن معقل العجلی القرمیسینی بشهر زور...)

در اینجا چنانچه ملاحظه می شود، ابن صقال آمده و از مشایخ ابوعلی پسر شیخ طوسی است نه خود شیخ طوسی! ولی نسخه غلط است و افتاده دارد. باید جمله «قال حدثنا ابی» افتاده باشد. و همچنین ابوالفضل محمد بن معقل هم درست

از اینجا نام صفال و نام پدر او به دست می‌آید، ولی شرح حال وی را در جایی نیافتیم.

میرزا عبدالله اصفهانی در ریاض العلماء در باب کنیه‌ها، چند بار در ص ۸۶، ۱۰۱، ۱۷۳ و همچنین صاحب ذریعه در قرن پنجم اعلام الشیعه او را با کنیه و لقب یاد کرده‌اند، ولی شرح حالی از او در دست نداشته‌اند، جز آنکه گفته‌اند: از اساتید شیخ طوسی بوده است.

۳۳- ابوطالب ابن غرور

ابوطالب حسین بن علی بن محمد بن غرور انماطی، محدث و شاعر و بازرگان و در قرن پنجم می‌زیسته است.

تنها جایی که شرح حالی برای او یافتیم، کتاب الوافی بالوفیات صفدی بود. در جزء ۱۲ ص ۴۵۶ شرح حال او را آورده و چند بیتی از اشعار او را نقل کرده و گفته است: «شجاع ذهلی از او حدیث روایت کرده است، و او را شعر بسیاری است. و مهیار (دیلمی شاعر توانا و مشهور) اشعار خوب او را گزین کرده و در



نیست، باید «ابوالمفضل عن محمد بن معقل» باشد، و این ابوالمفضل محمد بن عیدالله بن مطلب شیبانی است که از محمد بن معقل روایت می‌کند، چنانکه شیخ طوسی در امالی از ابن خثیش از ابوالمفضل شیبانی از محمد بن معقل روایت کرده است. و کنیه محمد بن معقل، ابوالحسن است نه ابوالفضل، چنانکه در کتاب اختصاص ص ۲۰۸ و ۲۱۰، سه روایت از او روایت شده است و در هر سه ابوالحسن خوانده شده. و همچنین بشهر زور، در نسخه امالی مورخ ۵۸۰ «بسه‌ورد» است.

کتاب (صفوه) آورده است.»

ابن غرور، از ابوالحسن ابن الجندی احمد بن محمد بن عمران بغدادی (در گذشته به سال ۳۹۶) و از ابوالفضل شیبانی محمد بن عبدالله بغدادی (در گذشته به سال ۳۸۷) و از ابو غالب زراری (در گذشته به سال ۳۶۸) و احمد ابن ابراهیم بن ابی رافع صیمری بغدادی حدیث روایت کرده است. و در شرح حال ابن غرور در ریاض العلماء آمده است که از بعض موارد به دست می‌آید که او از ابن قولویه قمی (در گذشته‌ی. به سال ۳۶۸) نیز روایت می‌کرده است.

شیخ طوسی رحمة الله علیه در کتاب فهرست، در شرح حال همین ابن الجندی به شماره (۹۸) همه کتب و روایات ابن الجندی را از ابن غرور و او از ابن الجندی روایت کرده است.

و همچنین در کتاب امالی در مجلس ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ به وسیله گروهی از اساتید خود - که یک یک آنها را نام برده - از ابوالفضل شیبانی روایت کرده است و از جمله یکی ابوطالب ابن غرور را نام می‌برد.^(۱)

و همچنین در کتاب رجال ص ۴۴۳ و ۴۴۵، از او روایت کرده است. ابن غرور در کتابهای رجال و حدیث، دچار تحریف به صورتهای گوناگون شده است: ابوطاهر!، ابن غرور، ابن حزوّر، ابن عرفه، و مانند اینها.

۱- امالی شیخ طوسی از حدیث شماره (۹۹۵) تا شماره (۱۳۳۵) همه حدیثهای ابوالفضل شیبانی است که شیخ آنها را از این گروه اساتید خود - که از آنها است ابن غرور از ابوالفضل - روایت کرده است.

۳۴- ابو عبدالله اخوسروره

گرچه در آثار شیخ طوسی از این شخص اثری دیده نمی‌شود، ولی علامه حلی او را در شمار اساتید شیخ طوسی آورده است.

علامه حلی در اجازه مفصلی که برای بنی زهره نوشته، تعداد زیادی از دانشمندان نامی شیعه را نام برده و آثار آنها را شمرده، و طریق خود را برای روایت آن آثار، از نگارندگان آنها بیان کرده است.

و چنانکه در پیش گفتیم، بیشتر آن اسناد و طرق به شیخ طوسی می‌رسد، از این رو در پایان این اجازه فهرست وار اساتید شیخ طوسی را شمرده، و پس از این اجازه که به طور خصوصی برای روایت کتابهای یاد شده داده است، سایر کتابهای شیعه را - که خیلی زیاد است و طبعاً همه آنها نام برده نشده است - یک جا و به طور عموم، اجازه روایت همه آنها را داده است.

در این اجازه که اساتید شیخ طوسی را شمرده، آخرین کسی را که نام برده، اخوسروره است.

و اینک متن عبارت علامه در آن اجازه: (۱)

«و ابو عبدالله اخوسروره و کان یروی عن ابن قولویه.

و کثیراً من کتب الشیعة الصالحة، فلیروا اداً الله ایامهم ذلک، محتاطین

فی الروایة).

یعنی: «و بسیاری از کتابهای صحیح شیعه را اجازه می‌دهم که از من روایت

کنند با رعایت احتیاط».

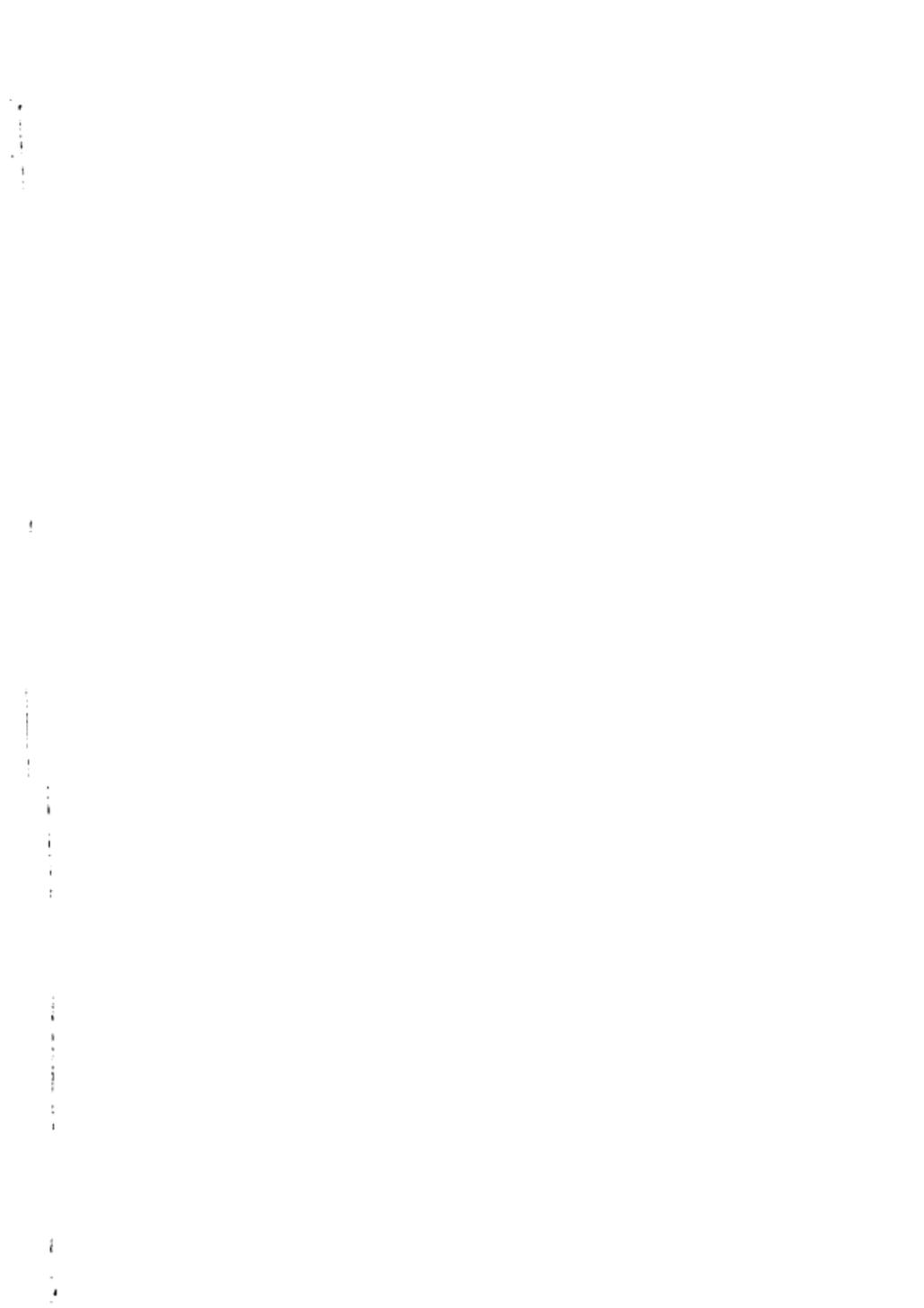
در اینجا حاجی نوری دچار اشتباهی شده‌اند، کلمه واو را که حرف عطف

۱- نسخه عکسی کتابخانه امیرالمؤمنین صلوات الله علیه، جلد پنجم برگ ۱۱۲.

است پیش از «کثیراً» ندیده‌اند، و در نوشته‌های قدیم هم سرسطر معمول نبوده است. از این رو، کلمه «کثیراً» بدنبال «ابن قولویه» آمده بدون (واو)، و از این رو، گمان شده که مطلب تا به آخر، مربوط به ابو عبدالله اخوسروه به چیزی است. و سروره^(۱) را هم سروره خوانده‌اند، فرموده‌اند: «ابو عبدالله اخوسروه که بسیاری از کتابهای صحیح شیعہ را از ابن قولویه روایت می‌کرده است».

و دیگران که پس از حاجی نوری آمده‌اند - چون علامه بزرگوار صاحب ذریعه و هر یک از آقایانی که در مقدمه چاپ کتابهای شیخ طوسی، شرح حال وی را نوشته‌اند - به استناد حاجی، در شمار اساتید شیخ گفته‌اند: ابو عبدالله اخوسروه که بسیاری از کتابهای صحیح شیعہ را از ابن قولویه روایت می‌کرده است!

۱- در اجازه بنی زهره که در جلد آخر بحار مندرج است، در نسخه اصل اجازات بحار متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شماره ۱۷۷۴ برگ ۷۵، «أسروره» آمده.



پیوست دوم

تطبیق صفحات چاپ سنگی
تهذیب با چاپ نجف

دانشمندان بزرگواری که در طلیعه ورود چاپ سنگی به ایران، دهها سال پیش، به تصحیح، تحقیق، مقابله، چاپ و نشر کتب اربعه و دیگر کتابهای حدیثی مشایخ امامیه - قدس الله اسرارهم - اقدام کردند، فضل تقدّم در جهت نشر کلام نور را از آن خود ساختند.

گاهی معاصران در بررسی چاپهای سنگی، تنها به مواردی از آنها اشاره می‌کنند که به نظر آنها غلط می‌آید. البته در همه موارد، چنین نیست. و در مواردی، چاپ‌های سنگی، دقیق‌تر و صحیح‌تر هستند. با این همه، به فرض وجود آن اغلاط، اگر زحمات پیشینیان را - با امکانات محدودشان - در نظر آوریم، اینگونه ناسپاسانه قضاوت نمی‌کنیم، و به یاد می‌آوریم که تلاشهای آن بزرگان سلف، سبب حفظ موارث علمی و دینی ما شده، تا به دست ما رسیده است. آنگاه آیه شریفه را به یاد می‌آوریم که خدای تعالی می‌فرماید:

«هل جزاء الاحسان الا الاحسان»

باری، مصححان چاپ حروفی بیست جلدی وسائل الشیعه محدث عاملی (چاپ اسلامی، دانست آن در لبنان)، نشانی احادیث کتاب شریف تهذیب را

بر اساس نسخه چاپ سنگی آن مشخص کرده‌اند. و این مطلب، کار را برای کسانی که از چاپ ۲۰ جلدی وسائل استفاده می‌کنند، دشوار ساخته بود. یکی از دانشمندان معاصر (جناب شیخ محمد مظفری) در اقدامی جالب، جدولی تطبیقی، از شماره‌های صفحه‌های چاپ سنگی با چاپ جدید حروفی در مورد چند کتاب (کافی، تهذیب، استبصار، من لایحضره الفقیه، و تحف العقول) تدوین نموده است.

برای مزید استفاده خوانندگان، فصل مربوط به تهذیب را از این کتاب، نقل می‌کنیم.

راهنمای تهذیب الاحکام

نقل از کتاب: راهنمای کتب اربعه، شیخ محمد مظفری. قم: ۱۴۰۵ هجری قمری، چاپخانه علمیه، ۹۶ صفحه. شامل تطبیق چاپهای قدیم و جدید: کتب اربعه و تحف العقول.

ج ۱ الجدید	ج ۱ القدیم	ج ۱ الجدید	ج ۱ القدیم	ج ۱ الجدید	ج ۱ القدیم
۱۲۴	۳۵	۶۶	۱۹	۵	۳
۱۲۸	۳۶	۷۰	۲۰	۸	۴
۱۳۱	۳۷	۷۵	۲۱	۱۳	۵
۱۳۵	۳۸	۷۷	۲۲	۱۶	۶
۱۳۸	۳۹	۸۱	۲۳	۲۰	۷
۱۴۲	۴۰	۸۵	۲۴	۲۴	۸
۱۴۵	۴۱	۸۹	۲۵	۲۷	۹
۱۴۹	۴۲	۹۲	۲۶	۳۱	۱۰
۱۵۳	۴۳	۹۶	۲۷	۳۵	۱۱
۱۵۷	۴۴	۹۹	۲۸	۳۹	۱۲
۱۶۱	۴۵	۱۰۴	۲۹	۴۳	۱۳
۱۶۴	۴۶	۱۰۶	۳۰	۴۷	۱۴
۱۶۷	۴۷	۱۱۰	۳۱	۵۱	۱۵
۱۷۰	۴۸	۱۱۳	۳۲	۵۵	۱۶
۱۷۴	۴۹	۱۱۷	۳۳	۵۹	۱۷
۱۷۷	۵۰	۱۲۰	۳۴	۶۲	۱۸

ج الجديد	ج القديم	ج الجديد	ج القديم	ج الجديد	ج القديم
۳۴۶	۹۹	۲۶۳	۷۵	۱۸۰	۵۱
۳۴۹	۱۰۰	۲۶۶	۷۶	۱۸۴	۵۲
۳۵۳	۱۰۱	۲۷۰	۷۷	۱۸۵	۵۳
۳۵۷	۱۰۲	۲۷۴	۷۸	۱۹۰	۵۴
۳۶۱	۱۰۳	۲۷۷	۷۹	۱۹۴	۵۵
۳۶۴	۱۰۴	۲۸۱	۸۰	۱۹۷	۵۶
۳۶۸	۱۰۵	۲۸۵	۸۱	۲۰۱	۵۷
۳۷۲	۱۰۶	۲۸۸	۸۲	۲۰۴	۵۸
۳۷۵	۱۰۷	۲۹۱	۸۳	۲۰۸	۵۹
۳۷۹	۱۰۸	۲۹۳	۸۴	۲۱۱	۶۰
۳۸۲	۱۰۹	۲۹۸	۸۵	۲۱۵	۶۱
۳۸۵	۱۱۰	۳۰۱	۸۶	۲۱۸	۶۲
۳۸۹	۱۱۱	۳۰۴	۸۷	۲۲۱	۶۳
۳۹۲	۱۱۲	۳۰۷	۸۸	۲۲۴	۶۴
۳۹۶	۱۱۳	۳۱۱	۸۹	۲۲۸	۶۵
۴۰۰	۱۱۴	۳۱۳	۹۰	۲۳۲	۶۶
۴۰۴	۱۱۵	۳۱۷	۹۱	۲۳۵	۶۷
۴۰۷	۱۱۶	۳۲۰	۹۲	۲۳۸	۶۸
۴۱۱	۱۱۷	۳۲۴	۹۳	۲۴۱	۶۹
۴۱۵	۱۱۸	۳۲۷	۹۴	۲۴۶	۷۰
۴۱۹	۱۱۹	۳۳۱	۹۵	۲۴۹	۷۱
۴۲۲	۱۲۰	۳۳۴	۹۶	۲۵۲	۷۲
۴۲۶	۱۲۱	۳۳۸	۹۷	۲۵۶	۷۳
۴۳۰	۱۲۲	۳۴۱	۹۸	۲۵۹	۷۴

ج ٢ الجديد	ج ١ القديم	ج ٢ الجديد	ج ١ القديم	ج ١ الجديد	ج ١ القديم
٨٤	١٥٨	٣	١٣٤	٤٣٣	١٢٣
٨٧	١٥٩	٤	١٣٥	٤٣٨	١٢٤
٩١	١٦٠	٩	١٣٦	٤٤١	١٢٥
٩٤	١٦١	١٢	١٣٧	٤٤٥	١٢٦
٩٧	١٦٢	١٦	١٣٨	٤٤٨	١٢٧
١٠٠	١٦٣	١٩	١٣٩	٤٥٢	١٢٨
١٠٣	١٦٤	٢٣	١٤٠	٤٥٦	١٢٩
١٠٧	١٦٥	٢٦	١٤١	٤٥٩	١٣٠
١١٠	١٦٦	٢٩	١٤٢	٤٦٣	١٣١
١١٣	١٦٧	٣٣	١٤٣	٤٦٦	١٣٢
١١٦	١٦٨	٣٦	١٤٤	٤٦٩	بياض
١١٩	١٦٩	٤٠	١٤٥	انتهى الجزء الاول من الطبعة الحديثة	
١٢٣	١٧٠	٤٣	١٤٦		
١٢٦	١٧١	٤٧	١٤٧		
١٣٠	١٧٢	٥٠	١٤٨		
١٣٢	١٧٣	٥٣	١٤٩		
١٣٦	١٧٤	٥٧	١٥٠		
١٣٩	١٧٥	٦١	١٥١		
١٤٢	١٧٦	٦٤	١٥٢		
١٤٦	١٧٧	٦٧	١٥٣		
١٤٩	١٧٨	٧١	١٥٤		
١٥٢	١٧٩	٧٤	١٥٥		
١٥٦	١٨٠	٧٧	١٥٦		
١٥٩	١٨١	٨١	١٥٧		

ج ۲ الجديد	ج ۱ القديم	ج ۲ الجديد	ج ۱ القديم	ج ۲ الجديد	ج ۱ القديم
۲۲۹	۲۳۰	۲۴۷	۲۰۶	۱۶۳	۱۸۲
۲۳۳	۲۳۱	۲۵۰	۲۰۷	۱۶۶	۱۸۳
۲۳۶	۲۳۲	۲۵۳	۲۰۸	۱۷۰	۱۸۴
۲۴۰	۲۳۳	۲۵۶	۲۰۹	۱۷۳	۱۸۵
۲۴۳	۲۳۴	۲۶۰	۲۱۰	۱۷۷	۱۸۶
۲۴۶	۲۳۵	۲۶۳	۲۱۱	۱۸۱	۱۸۷
۲۴۹	۲۳۶	۲۶۷	۲۱۲	۱۸۴	۱۸۸
۲۵۲	۲۳۷	۲۷۰	۲۱۳	۱۸۷	۱۸۹
۲۵۶	۲۳۸	۲۷۴	۲۱۴	۱۹۰	۱۹۰
۲۵۹	۲۳۹	۲۷۶	۲۱۵	۱۹۴	۱۹۱
۲۶۳	۲۴۰	۲۷۹	۲۱۶	۱۹۷	۱۹۲
۲۶۶	۲۴۱	۲۸۳	۲۱۷	۲۰۰	۱۹۳
۲۷۰	۲۴۲	۲۸۶	۲۱۸	۲۰۳	۱۹۴
۲۷۳	۲۴۳	۲۹۰	۲۱۹	۲۰۷	۱۹۵
۲۷۷	۲۴۴	۲۹۳	۲۲۰	۲۱۱	۱۹۶
۲۸۱	۲۴۵	۲۹۶	۲۲۱	۲۱۴	۱۹۷
۲۸۳	انتهی الی	۳۰۰	۲۲۲	۲۱۸	۱۹۸
		۳۰۴	۲۲۳	۲۲۲	۱۹۹
		۳۰۸	۲۲۴	۲۲۵	۲۰۰
		۳۱۲	۲۲۵	۲۲۹	۲۰۱
		۳۱۶	۲۲۶	۲۳۲	۲۰۲
		۳۱۹	۲۲۷	۲۳۶	۲۰۳
		۳۲۲	۲۲۸	۲۳۹	۲۰۴
		۳۲۶	۲۲۹	۲۴۳	۲۰۵

ج ٣ الجديد	ج ١ القديم	ج ٣ الجديد	ج ١ القديم	ج ٣ الجديد	ج ١ القديم
١٤٠	٢٩٣	٧٦	٢٦٩	٢	٢٤٥
١٤٢	٢٩٤	٧٨	٢٧٠	٣	٢٤٦
١٤٥	٢٩٥	٨١	٢٧١	٧	٢٤٧
حواشي	٢٩٦	٨٤	٢٧٢	١٠	٢٤٨
١٤٧	٢٩٧	٨٦	٢٧٣	١٣	٢٤٩
١٥١	٢٩٨	٨٩	٢٧٤	١٧	٢٥٠
١٥٤	٢٩٩	٩٣	٢٧٥	٢٠	٢٥١
١٥٧	٣٠٠	٩٥	٢٧٦	٢٣	٢٥٢
١٦١	٣٠١	٩٩	٢٧٧	٢٦	٢٥٣
١٦٤	٣٠٢	١٠٠	٢٧٨	٢٩	٢٥٤
١٦٨	٣٠٣	١٠٣	٢٧٩	٣٢	٢٥٥
١٧٢	٣٠٤	١٠٥	٢٨٠	٣٦	٢٥٦
١٧٥	٣٠٥	١٠٨	٢٨١	٣٩	٢٥٧
١٧٩	٣٠٦	١١٠	٢٨٢	٤٢	٢٥٨
١٨٣	٣٠٧	١١٣	٢٨٣	٤٦	٢٥٩
١٨٦	٣٠٨	١١٥	٢٨٤	٤٩	٢٦٠
١٩٠	٣٠٩	١١٨	٢٨٥	٥٢	٢٦١
١٩٣	٣١٠	١١٩	٢٨٦	٥٥	٢٦٢
١٩٧	٣١١	١٢٢	٢٨٧	٥٨	٢٦٣
٢٠٠	٣١٢	١٢٤	٢٨٨	٦١	٢٦٤
٢٠٤	٣١٣	١٢٧	٢٨٩	٦٤	٢٦٥
٢٠٨	٣١٤	١٣٠	٢٩٠	٦٧	٢٦٦
٢١٢	٣١٥	١٣٤	٢٩١	٧٠	٢٦٧
٢١٦	٣١٦	١٣٧	٢٩٢	٧٣	٢٦٨

ج ۴ الجديد	ج ۱ القديم	ج ۳ الجديد	ج ۱ القديم	ج ۳ الجديد	ج ۱ القديم
۲	۳۴۸	۳۱۲	۳۴۱	۲۲۰	۳۱۷
۵	۳۴۹	۳۱۵	۳۴۲	۲۲۴	۳۱۸
۸	۳۵۰	۳۱۸	۳۴۳	۲۲۸	۳۱۹
۱۲	۳۵۱	۳۲۲	۳۴۴	۲۳۲	۳۲۰
۱۴	۳۵۲	۳۲۶	۳۴۵	۲۳۶	۳۲۱
۱۷	۳۵۳	۳۳۰	۳۴۶	۲۳۹	۳۲۲
۲۱	۳۵۴	۳۳۳	۳۴۷	۲۴۳	۳۲۳
۲۵	۳۵۵	۳۳۴	انتهی الی	۲۴۷	۳۲۴
۲۷	۳۵۶			۲۵۱	۳۲۵
۳۰	۳۵۷			۲۵۴	۳۲۶
۳۴	۳۵۸			۲۵۸	۳۲۷
۳۷	۳۵۹			۲۶۲	۳۲۸
۴۰	۳۶۰			۲۶۵	۳۲۹
۴۳	۳۶۱			۲۶۹	۳۳۰
۴۷	۳۶۲			۲۷۳	۳۳۱
۵۱	۳۶۳			۲۷۶	۳۳۲
۵۳	۳۶۴			۲۸۱	۳۳۳
۵۷	۳۶۵			۲۸۵	۳۳۴
۶۰	۳۶۶			۲۸۸	۳۳۵
۶۴	۳۶۷			۲۹۲	۳۳۶
۶۸	۳۶۸			۲۹۶	۳۳۷
۷۱	۳۶۹			۲۹۹	۳۳۸
۷۵	۳۷۰			۳۰۴	۳۳۹
۷۹	۳۷۱			۳۰۸	۳۴۰

ج ۴ الجديد	ج ۱ القديم	ج ۴ الجديد	ج ۱ القديم	ج ۴ الجديد	ج ۱ القديم
۲۳۹	۴۲۰	۱۵۸	۳۹۶	۸۲	۳۷۲
۲۴۳	۴۲۱	۱۶۱	۳۹۷	۸۶	۳۷۳
۲۴۷	۴۲۲	۱۶۴	۳۹۸	۹۰	۳۷۴
۲۵۰	۴۲۳	۱۶۷	۳۹۹	۹۳	۳۷۵
۲۵۴	۴۲۴	۱۷۰	۴۰۰	۹۶	۳۷۶
۲۵۷	۴۲۵	۱۷۲	۴۰.۱	۹۹	۳۷۷
۲۶۱	۴۲۶	۱۷۵	۴۰.۲	۱۰.۲	۳۷۸
۲۶۵	۴۲۷	۱۷۸	۴۰.۳	۱۰.۶	۳۷۹
۲۶۹	۴۲۸	۱۸۲	۴۰.۴	۱۰.۹	۳۸۰
۲۷۲	۴۲۹	۱۸۵	۴۰.۵	۱۱.۲	۳۸۱
۲۷۶	۴۳۰	۱۸۹	۴۰.۶	۱۱.۵	۳۸۲
۲۸۰	۴۳۱	۱۹۳	۴۰.۷	۱۱.۸	۳۸۳
۲۸۳	۴۳۲	۱۹۶	۴۰.۸	۱۲.۲	۳۸۴
۲۸۶	۴۳۳	۲۰۰	۴۰.۹	۱۲.۵	۳۸۵
۲۹۰	۴۳۴	۲۰.۳	۴۱.۰	۱۲.۸	۳۸۶
۲۹۳	۴۳۵	۲۰.۷	۴۱.۱	۱۳.۰	۳۸۷
۲۹۷	۴۳۶	۲۱.۰	۴۱.۲	۱۳.۳	۳۸۸
۳۰۰	۴۳۷	۲۱.۴	۴۱.۳	۱۳.۷	۳۸۹
۳۰.۳	۴۳۸	۲۱.۸	۴۱.۴	۱۴.۰	۳۹۰
۳۰.۷	۴۳۹	۲۲.۱	۴۱.۵	۱۴.۳	۳۹۱
۳۱.۰	۴۴.۰	۲۲.۵	۴۱.۶	۱۴.۶	۳۹۲
۳۱.۳	۴۴.۱	۲۲.۸	۴۱.۷	۱۴.۹	۳۹۳
۳۱.۷	۴۴.۲	۲۳.۲	۴۱.۸	۱۵.۲	۳۹۴
۳۲.۰	۴۴.۳	۲۳.۵	۴۱.۹	۱۵.۵	۳۹۵

ج ۵ الجديد	ج ۱ القديم	ج ۵ الجديد	ج ۱ القديم	ج ۴ الجديد	ج ۱ القديم
۸۶	۴۷۱	۲	۴۴۷	۳۲۴	۴۴۴
۹۰	۴۷۲	۵	۴۴۸	۳۲۸	۴۴۵
۹۳	۴۷۳	۱۰	۴۴۹	۳۳۲	۴۴۶
۹۷	۴۷۴	۱۳	۴۵۰	۳۳۴	انتهی
۱۰۰	۴۷۵	۱۷	۴۵۱		
۱۰۳	۴۷۶	۲۰	۴۵۲		
۱۰۶	۴۷۷	۲۳	۴۵۳		
۱۰۹	۴۷۸	۲۷	۴۵۴		
۱۱۳	۴۷۹	۳۱	۴۵۵		
۱۱۷	۴۸۰	۳۴	۴۵۶		
۱۲۰	۴۸۱	۳۷	۴۵۷		
۱۲۳	۴۸۲	۴۰	۴۵۸		
۱۲۷	۴۸۳	۴۳	۴۵۹		
۱۳۰	۴۸۴	۴۷	۴۶۰		
۱۳۴	۴۸۵	۵۱	۴۶۱		
۱۳۸	۴۸۶	۵۴	۴۶۲		
۱۴۲	۴۸۷	۵۸	۴۶۳		
۱۴۷	۴۸۸	۶۱	۴۶۴		
۱۴۹	۴۸۹	۶۵	۴۶۵		
۱۵۳	۴۹۰	۶۸	۴۶۶		
۱۵۹	۴۹۱	۷۳	۴۶۷		
۱۶۰	۴۹۲	۷۶	۴۶۸		
۱۶۳	۴۹۳	۸۰	۴۶۹		
۱۶۷	۴۹۴	۸۴	۴۷۰		

ج ٥ الجديد	ج ١ القديم	ج ٥ الجديد	ج ١ القديم	ج ٥ الجديد	ج ١ القديم
٣٣٤	٥٤٣	٢٥٣	٥١٩	١٧٠	٤٩٥
٣٣٨	٥٤٤	٢٥٤	٥٢٠	١٧٤	٤٩٦
٣٤٢	٥٤٥	٢٤٠	٥٢١	١٧٧	٤٩٧
٣٤٥	٥٤٦	٢٤٣	٥٢٢	١٨١	٤٩٨
٣٤٨	٥٤٧	٢٤٧	٥٢٣	١٨٤	٤٩٩
٣٥٢	٥٤٨	٢٧٠	٥٢٤	١٨٧	٥٠٠
٣٥٥	٥٤٩	٢٧٤	٥٢٥	١٩٠	٥٠١
٣٥٩	٥٥٠	٢٧٧	٥٢٦	١٩٤	٥٠٢
٣٦٢	٥٥١	٢٨١	٥٢٧	١٩٧	٥٠٣
٣٦٦	٥٥٢	٢٨٤	٥٢٨	٢٠١	٥٠٤
٣٧٠	٥٥٣	٢٨٧	٥٢٩	٢٠٥	٥٠٥
٣٧٣	٥٥٤	٢٩٠	٥٣٠	٢٠٨	٥٠٦
٣٧٧	٥٥٥	٢٩٤	٥٣١	٢١١	٥٠٧
٣٨٠	٥٥٦	٢٩٧	٥٣٢	٢١٥	٥٠٨
٣٨٤	٥٥٧	٣٠١	٥٣٣	٢١٩	٥٠٩
٣٨٨	٥٥٨	٣٠٥	٥٣٤	٢٢٢	٥١٠
٣٩١	٥٥٩	حواشي	٥٣٥	٢٢٦	٥١١
٣٩٤	٥٦٠	٣٠٩	٥٣٦	٢٢٩	٥١٢
٣٩٨	٥٦١	٣١٣	٥٣٧	٢٣٢	٥١٣
٤٠١	٥٦٢	٣١٧	٥٣٨	٢٣٦	٥١٤
٤٠٥	٥٦٣	٣٢١	٥٣٩	٢٣٩	٥١٥
٤٠٨	٥٦٤	٣٢٤	٥٤٠	٢٤٣	٥١٦
٤١٢	٥٦٥	٣٢٧	٥٤١	٢٤٦	٥١٧
٤١٦	٥٦٦	٣٣١	٥٤٢	٢٥٠	٥١٨

ج ۶ الجديد	ج ۲ القديم	ج ۶ الجديد	ج ۲ القديم	ج ۵ الجديد	ج ۱ القديم
۷۲	۲۶	۲	۲	۴۲۰	۵۶۷
۷۵	۲۷	۵	۳	۴۲۳	۵۶۸
۷۹	۲۸	۸	۴	۴۲۶	۵۶۹
۸۲	۲۹	۱۲	۵	۴۲۹	۵۷۰
۸۶	۳۰	۱۶	۶	۴۳۳	۵۷۱
۸۸	۳۱	۱۸	۷	۴۳۷	۵۷۲
۹۱	۳۲	۲۲	۸	۴۴۰	۵۷۳
۹۵	۳۳	۲۵	۹	۴۴۴	۵۷۴
۹۷	۳۴	۲۸	۱۰	۴۴۷	۵۷۵
۹۹	۳۵	۳۱	۱۱	۴۵۱	۵۷۶
۱۰۳	۳۶	۳۳	۱۲	۴۵۴	۵۷۷
۱۰۷	۳۷	۳۷	۱۳	۴۵۷	۵۷۸
۱۰۹	۳۸	۴۰	۱۴	۴۶۰	۵۷۹
۱۱۳	۳۹	۴۳	۱۵	۴۶۴	۵۸۰
۱۱۵	۴۰	۴۶	۱۶	۴۶۸	۵۸۱
۱۱۸	۴۱	۴۹	۱۷	۴۷۱	۵۸۲
۱۲۲	۴۲	۵۲	۱۸	۴۷۵	۵۸۳
۱۲۶	۴۳	۵۵	۱۹	۴۷۹	۵۸۴
۱۲۹	۴۴	۵۷	۲۰	۴۸۳	۵۸۵
۱۳۲	۴۵	۵۹	۲۱	۴۸۷	۵۸۶
۱۳۵	۴۶	۶۱	۲۲	۴۹۰	۵۸۷
۱۳۹	۴۷	۶۴	۲۳	۴۹۳	انتهی الی
۱۴۲	۴۸	۶۶	۲۴		
۱۴۶	۴۹	۷۱	۲۵		

ج ۶ الجديد	ج ۲ القديم	ج ۶ الجديد	ج ۲ القديم	ج ۶ الجديد	ج ۲ القديم
۳۲۲	۹۸	۲۳۸	۷۴	۱۴۹	۵۰
۳۲۵	۹۹	۲۴۲	۷۵	۱۵۲	۵۱
۳۲۸	۱۰۰	۲۴۶	۷۶	۱۵۵	۵۲
۳۳۲	۱۰۱	۲۵۰	۷۷	۱۶۰	۵۳
۳۳۵	۱۰۲	۲۵۳	۷۸	۱۶۳	۵۴
۳۳۹	۱۰۳	۲۵۸	۷۹	۱۶۷	۵۵
۳۴۲	۱۰۴	۲۶۱	۸۰	۱۷۱	۵۶
۳۴۶	۱۰۵	۲۶۵	۸۱	۱۷۴	۵۷
۳۴۹	۱۰۶	۲۶۸	۸۲	۱۷۸	۵۸
۳۵۳	۱۰۷	۲۷۲	۸۳	۱۸۳	۵۹
۳۵۷	۱۰۸	۲۷۶	۸۴	۱۸۷	۶۰
۳۶۱	۱۰۹	۲۷۹	۸۵	۱۹۰	۶۱
۳۶۴	۱۱۰	۲۸۲	۸۶	۱۹۴	۶۲
۳۶۸	۱۱۱	۲۸۶	۸۷	۱۹۸	۶۳
۳۷۲	۱۱۲	۲۹۰	۸۸	۲۰۲	۶۴
۳۷۶	۱۱۳	۲۹۳	۸۹	۲۰۶	۶۵
۳۸۰	۱۱۴	۲۹۶	۹۰	۲۰۹	۶۶
۳۸۴	۱۱۵	۳۰۰	۹۱	۲۱۳	۶۷
۳۸۷	۱۱۶	۳۰۳	۹۲	۲۱۷	۶۸
۳۹۱	۱۱۷	۳۰۶	۹۳	۲۲۰	۶۹
۳۹۵	۱۱۸	۳۰۸	۹۴	۲۲۴	۷۰
۳۹۸	۱۱۹	۳۱۱	۹۵	۲۲۷	۷۱
۳۹۹	انتهى الى	۳۱۴	۹۶	۲۳۱	۷۲
		۳۱۸	۹۷	۲۳۵	۷۳

۷ج الجديد	۲ج القديم	۷ج الجديد	۲ج القديم	۷ج الجديد	۲ج القديم
۱۸۰	۱۶۷	۹۱	۱۴۳	۲	۱۱۹
۱۸۳	۱۶۸	۹۴	۱۴۴	۴	۱۲۰
۱۸۷	۱۶۹	۹۸	۱۴۵	۸	۱۲۱
۱۹۱	۱۷۰	۱۰۲	۱۴۶	۱۲	۱۲۲
۱۹۴	۱۷۱	۱۰۵	۱۴۷	۱۶	۱۲۳
۱۹۸	۱۷۲	۱۰۸	۱۴۸	۲۰	۱۲۴
۲۰۲	۱۷۳	۱۱۲	۱۴۹	۲۳	۱۲۵
۲۰۵	۱۷۴	۱۱۶	۱۵۰	۲۷	۱۲۶
۲۰۹	۱۷۵	۱۲۰	۱۵۱	۳۱	۱۲۷
۲۱۳	۱۷۶	۱۲۴	۱۵۲	۳۴	۱۲۸
۲۱۶	۱۷۷	۱۲۸	۱۵۳	۳۸	۱۲۹
۲۱۹	۱۷۸	۱۳۱	۱۵۴	۴۲	۱۳۰
۲۲۴	۱۷۹	۱۳۵	۱۵۵	۴۶	۱۳۱
۲۲۷	۱۸۰	۱۳۹	۱۵۶	۵۰	۱۳۲
۲۳۱	۱۸۱	۱۴۳	۱۵۷	۵۳	۱۳۳
۲۳۵	۱۸۲	۱۴۶	۱۵۸	۵۷	۱۳۴
۲۳۸	۱۸۳	۱۵۰	۱۵۹	۶۱	۱۳۵
۲۴۱	۱۸۴	۱۵۴	۱۶۰	۶۴	۱۳۶
۲۴۵	۱۸۵	۱۵۷	۱۶۱	۶۸	۱۳۷
۲۴۸	۱۸۶	۱۶۱	۱۶۲	۷۲	۱۳۸
۲۵۲	۱۸۷	۱۶۵	۱۶۳	۷۵	۱۳۹
۲۵۵	۱۸۸	۱۶۹	۱۶۴	۷۹	۱۴۰
۲۶۰	۱۸۹	۱۷۳	۱۶۵	۸۳	۱۴۱
۲۶۳	۱۹۰	۱۷۶	۱۶۶	۸۷	۱۴۲

٧ج الجديد	٢ج القديم	٧ج الجديد	٢ج القديم	٧ج الجديد	٢ج القديم
٢٤٨	٢٣٩	٢٥٦	٢١٥	٢٦٧	١٩١
٢٥١	٢٤٠	٢٥٩	٢١٦	٢٧١	١٩٢
٢٥٥	٢٤١	٢٦٢	٢١٧	٢٧٥	١٩٣
٢٥٨	٢٤٢	٢٦٦	٢١٨	٢٧٨	١٩٤
٢٦٢	٢٤٣	٢٧٠	٢١٩	٢٨٢	١٩٥
٢٦٦	٢٤٤	٢٧٣	٢٢٠	٢٨٥	١٩٦
٢٧٠	٢٤٥	٢٧٨	٢٢١	٢٩٠	١٩٧
٢٧٤	٢٤٦	٢٨٢	٢٢٢	٢٩٣	١٩٨
٢٧٧	٢٤٧	٢٨٥	٢٢٣	٢٩٧	١٩٩
٢٨١	٢٤٨	٢٨٩	٢٢٤	٣٠٠	٢٠٠
٢٨٤	٢٤٩	٢٩٢	٢٢٥	٣٠٤	٢٠١
٢٨٨	٢٥٠	٢٩٧	٢٢٦	٣٠٨	٢٠٢
٢٩١	انتهى الى	٣٠١	٢٢٧	٣١١	٢٠٣
		٣٠٦	٢٢٨	٣١٥	٢٠٤
		٣١٠	٢٢٩	٣١٨	٢٠٥
		٣١٤	٢٣٠	٣٢١	٢٠٦
		٣١٨	٢٣١	٣٢٥	٢٠٧
		٣٢١	٢٣٢	٣٢٩	٢٠٨
		٣٢٦	٢٣٣	٣٣٣	٢٠٩
		٣٢٩	٢٣٤	٣٣٧	٢١٠
		٣٣٣	٢٣٥	٣٤١	٢١١
		٣٣٧	٢٣٦	٣٤٤	٢١٢
		٣٤٠	٢٣٧	٣٤٨	٢١٣
		٣٤٤	٢٣٨	٣٥٢	٢١٤

ج ۸ الجديد	ج ۲ القديم	ج ۸ الجديد	ج ۲ القديم	ج ۸ الجديد	ج ۲ القديم
۱۷۹	۲۹۹	۹۱	۲۷۵	۲	۲۵۱
۱۸۲	۳۰۰	۹۵	۲۷۶	۵	۲۵۲
۱۸۶	۳۰۱	۹۹	۲۷۷	۹	۲۵۳
۱۸۹	۳۰۲	۱۰۲	۲۷۸	۱۳	۲۵۴
۱۹۳	۳۰۳	۱۰۵	۲۷۹	۱۷	۲۵۵
۱۹۷	۳۰۴	۱۰۹	۲۸۰	۲۱	۲۵۶
۲۰۱	۳۰۵	۱۱۳	۲۸۱	۲۵	۲۵۷
۲۰۴	۳۰۶	۱۱۷	۲۸۲	۲۸	۲۵۸
۲۰۷	۳۰۷	۱۲۰	۲۸۳	۳۱	۲۵۹
۲۱۱	۳۰۸	۱۲۵	۲۸۴	۳۶	۲۶۰
۲۱۶	۳۰۹	۱۲۸	۲۸۵	۳۹	۲۶۱
۲۱۸	۳۱۰	۱۳۱	۲۸۶	۴۳	۲۶۲
۲۲۲	۳۱۱	۱۳۵	۲۸۷	۴۷	۲۶۳
۲۲۶	۳۱۲	۱۳۹	۲۸۸	۵۰	۲۶۴
۲۳۰	۳۱۳	۱۴۳	۲۸۹	۵۴	۲۶۵
۲۳۴	۳۱۴	۱۴۶	۲۹۰	۵۸	۲۶۶
۲۳۶	۳۱۵	۱۴۹	۲۹۱	۶۱	۲۶۷
۲۴۰	۳۱۶	۱۵۳	۲۹۲	۶۵	۲۶۸
۲۴۴	۳۱۷	۱۵۷	۲۹۳	۷۰	۲۶۹
۲۴۷	۳۱۸	۱۶۰	۲۹۴	۷۳	۲۷۰
۲۵۱	۳۱۹	۱۶۴	۲۹۵	۷۷	۲۷۱
۲۵۴	۳۲۰	۱۶۸	۲۹۶	۸۱	۲۷۲
۲۵۹	۳۲۱	۱۷۱	۲۹۷	۸۴	۲۷۳
۲۶۲	۳۲۲	۱۷۵	۲۹۸	۸۸	۲۷۴

ج ۹ الجديد	ج ۲ القديم	ج ۹ الجديد	ج ۲ القديم	ج ۸ الجديد	ج ۲ القديم
۹۹	۳۶۳	۲	۳۳۹	۲۶۶	۳۲۳
۱۰۳	۳۶۴	۵	۳۴۰	۲۶۹	۳۲۴
۱۰۷	۳۶۵	۹	۳۴۱	۲۷۳	۳۲۵
۱۱۱	۳۶۶	۱۳	۳۴۲	۲۷۶	۳۲۶
۱۱۵	۳۶۷	۱۷	۳۴۳	۲۷۹	۳۲۷
۱۱۹	۳۶۸	۲۱	۳۴۴	۲۸۳	۳۲۸
۱۲۳	۳۶۹	۲۵	۳۴۵	۲۸۷	۳۲۹
۱۲۶	۳۷۰	۲۹	۳۴۶	۲۹۱	۳۳۰
۱۲۹	۳۷۱	۳۳	۳۴۷	۲۹۵	۳۳۱
۱۳۳	۳۷۲	۳۷	۳۴۸	۲۹۹	۳۳۲
۱۳۷	۳۷۳	۴۱	۳۴۹	۳۰۳	۳۳۳
۱۴۱	۳۷۴	۴۵	۳۵۰	۳۰۷	۳۳۴
۱۴۶	۳۷۵	۴۹	۳۵۱	۳۱۰	۳۳۵
۱۵۰	۳۷۶	۵۴	۳۵۲	۳۱۳	۳۳۶
۱۵۳	۳۷۷	۵۸	۳۵۳	۳۱۷	۳۳۷
۱۵۷	۳۷۸	۶۲	۳۵۴	۳۲۱	۳۳۸
۱۶۱	۳۷۹	۶۷	۳۵۵	۳۲۴	۳۳۹
۱۶۴	۳۸۰	۷۱	۳۵۶	۳۲۵	انتهى الى
۱۶۸	۳۸۱	۷۵	۳۵۷		
۱۷۱	۳۸۲	۷۸	۳۵۸		
۱۷۵	۳۸۳	۸۳	۳۵۹		
۱۷۸	۳۸۴	۸۶	۳۶۰		
۱۸۱	۳۸۵	۹۰	۳۶۱		
۱۸۶	۳۸۶	۹۵	۳۶۲		

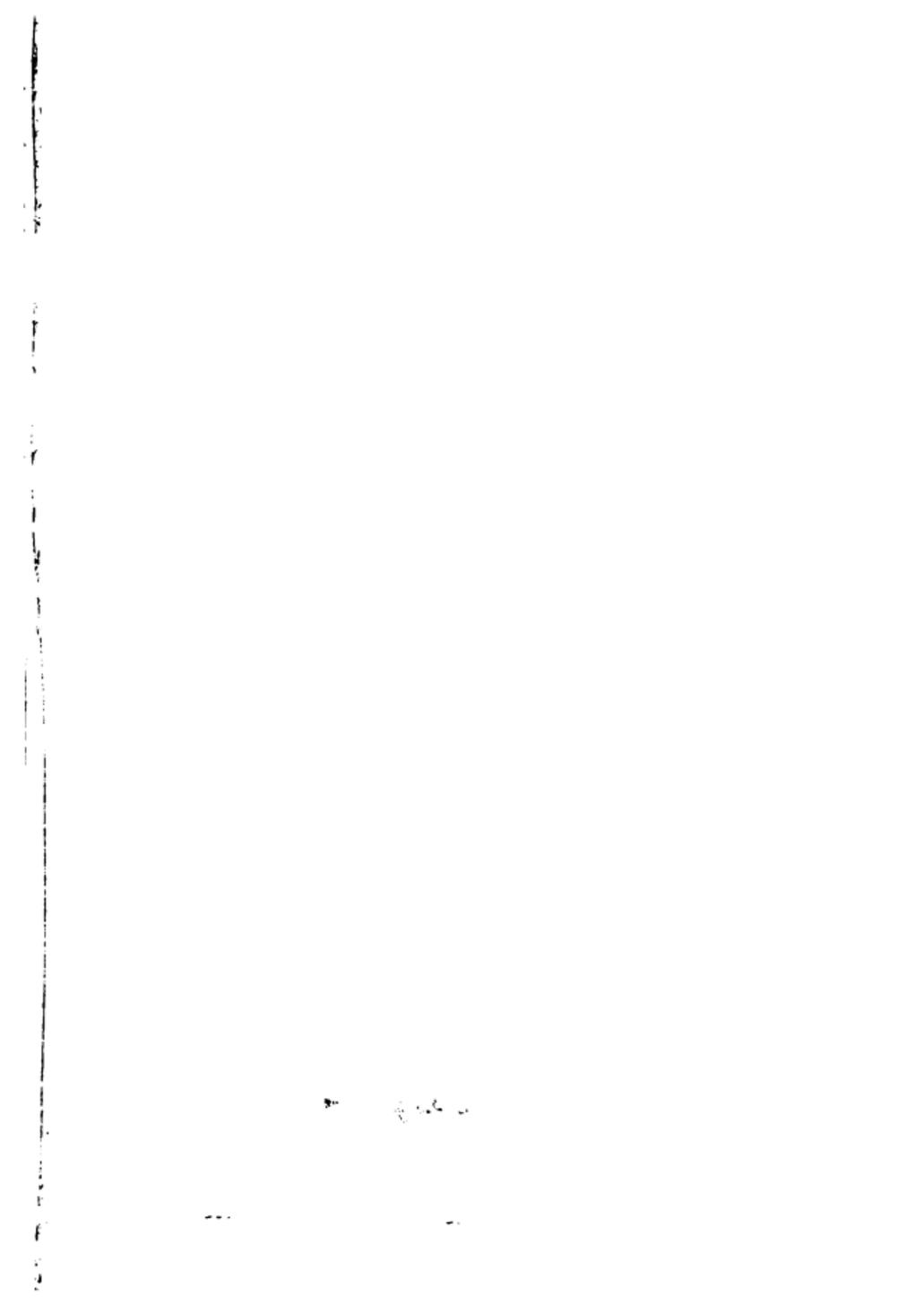
ج ۹ الجديد	ج ۲ القديم	ج ۹ الجديد	ج ۲ القديم	ج ۹ الجديد	ج ۲ القديم
۳۵۹	۴۳۵	۲۷۲	۴۱۱	۱۸۹	۳۸۷
۳۶۲	۴۳۶	۲۷۵	۴۱۲	۱۹۴	۳۸۸
۳۶۷	۴۳۷	۲۷۹	۴۱۳	۱۹۷	۳۸۹
۳۷۰	۴۳۸	۲۸۳	۴۱۴	۲۰۱	۳۹۰
۳۷۴	۴۳۹	۲۸۶	۴۱۵	۲۰۵	۳۹۱
۳۷۸	۴۴۰	۲۹۰	۴۱۶	۲۱۰	۳۹۲
۳۸۳	۴۴۱	۲۹۳	۴۱۷	۲۱۴	۳۹۳
۳۸۶	۴۴۲	۲۹۷	۴۱۸	۲۱۸	۳۹۴
۳۹۱	۴۴۳	۳۰۰	۴۱۹	۲۲۱	۳۹۵
۳۹۵	۴۴۴	۳۰۴	۴۲۰	۲۲۴	۳۹۶
۳۹۸	انتهی الی	۳۰۸	۴۲۱	۲۲۸	۳۹۷
		۳۱۲	۴۲۲	۲۳۲	۳۹۸
		۳۱۶	۴۲۳	۲۳۶	۳۹۹
		۳۱۹	۴۲۴	۲۳۹	۴۰۰
		۳۲۳	۴۲۵	۲۴۲	۴۰۱
		۳۲۷	۴۲۶	۲۴۵	۴۰۲
		۳۳۱	۴۲۷	۲۴۹	۴۰۳
		۳۳۴	۴۲۸	۲۵۱	۴۰۴
		۳۳۸	۴۲۹	۲۵۴	۴۰۵
		۳۴۱	۴۳۰	۲۵۷	۴۰۶
		۳۴۵	۴۳۱	۲۵۹	۴۰۷
		۳۴۸	۴۳۲	۲۶۲	۴۰۸
		۳۵۲	۴۳۳	۲۶۵	۴۰۹
		۳۵۶	۴۳۴	۲۶۸	۴۱۰

ج ۱۰ الجديد	ج ۲ القديم	ج ۱۰ الجديد	ج ۲ القديم	ج ۱۰ الجديد	ج ۲ القديم
۱۷۰	۴۹۳	۸۶	۴۶۹	۲	۴۴۵
۱۷۲	۴۹۴	۸۹	۴۷۰	۶	۴۴۶
۱۷۵	۴۹۵	۹۳	۴۷۱	۹	۴۴۷
۱۷۹	۴۹۶	۹۷	۴۷۲	۱۱	۴۴۸
۱۸۳	۴۹۷	۱۰۰	۴۷۳	۱۵	۴۴۹
۱۸۶	۴۹۸	۱۰۴	۴۷۴	۱۹	۴۵۰
۱۹۰	۴۹۹	۱۰۸	۴۷۵	۲۲	۴۵۱
۱۹۳	۵۰۰	۱۱۱	۴۷۶	۲۵	۴۵۲
۱۹۷	۵۰.۱	۱۱۵	۴۷۷	۲۸	۴۵۳
۲۰۰	۵۰.۲	۱۱۹	۴۷۸	۳۲	۴۵۴
۲۰۴	۵۰.۳	۱۲۳	۴۷۹	۳۵	۴۵۵
۲۰۷	۵۰.۴	۱۲۶	۴۸۰	۳۸	۴۵۶
۲۱۱	۵۰.۵	۱۲۹	۴۸۱	۴۲	۴۵۷
۲۱۵	۵۰.۶	۱۳۲	۴۸۲	۴۶	۴۵۸
۲۱۸	۵۰.۷	۱۳۵	۴۸۳	۵۰	۴۵۹
۲۲۲	۵۰.۸	۱۳۹	۴۸۴	۵۳	۴۶۰
۲۲۵	۵۰.۹	۱۴۲	۴۸۵	۵۶	۴۶۱
۲۲۹	۵۱.۰	۱۴۶	۴۸۶	۶۰	۴۶۲
۲۳۳	۵۱.۱	۱۵۰	۴۸۷	۶۴	۴۶۳
۲۳۶	۵۱.۲	۱۵۳	۴۸۸	۶۷	۴۶۴
۲۴۱	۵۱.۳	۱۵۶	۴۸۹	۷۱	۴۶۵
۲۴۴	۵۱.۴	۱۵۹	۴۹۰	۷۵	۴۶۶
۲۴۸	۵۱.۵	۱۶۲	۴۹۱	۷۸	۴۶۷
۲۵۱	۵۱.۶	۱۶۶	۴۹۲	۸۲	۴۶۸

ج ۱۰ الجديد	ج ۲ القديم	ج ۱۰ الجديد	ج ۲ القديم	ج ۱۰ الجديد	ج ۲ القديم
۳۰۶	۵۳۳	۲۸۳	۵۲۵	۲۵۵	۵۱۷
۳۰۹	۵۳۴	۲۸۶	۵۲۶	۲۵۸	۵۱۸
۳۱۳	۵۳۵	۲۸۹	۵۲۷	۲۶۲	۵۱۹
۳۱۵	انتهی الی	۲۹۳	۵۲۸	۲۶۵	۵۲۰
والحمد لله رب العالمين		۲۹۶	۵۲۹	۲۶۸	۵۲۱
		۲۹۸	۵۳۰	۲۷۲	۵۲۲
		۳۰۱	۵۳۱	۲۷۵	۵۲۳
		۳۰۳	۵۳۲	۲۷۹	۵۲۴

پیوست سوم

نمونه نسخه‌های تهذیب ←



فصل ششم این رساله، به فهرست گزیده نسخه‌های خطی کتاب تهذیب اختصاص داشت.

در آغاز آن فصل، و در جای جای این رساله، از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر سلف صالح در حفظ موارث نورانی شیعی سخن گفتیم. و اهمال، سستی، غفلت، عدم توجه، و ناسپاسی خود نسبت به آن همه موارث گرانبها را که بحمدالله به جا مانده، و وسیله اتمام حجت الهی بر ما نیز هست - یادآور شدیم. اینک، در این پیوست، نمونه‌هایی از صفحات برخی از این نسخه‌های خطی، عیناً کلیشه می‌شود، تا بار دیگر مسئولیت عقلی و شرعی خود را به یاد آوریم، و دل و جان خود را با زیارت خطوط زیبای بزرگان امامیه علیهم‌السلام زینت بخشیم، و از خدا بخواهیم تا خلف ناصالح برای آن سلف صالح نباشیم.

«رینا لا تَوَاخِذْنَا ان نَسِينَا اَوْ اَخْطَاْنَا، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهِ الطَّاهِرِيْنَ،
صَلَوَاتِ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ وَّ لَعْنَةِ اللّٰهِ عَلٰى اَعْدَائِهِمْ اِلٰى يَوْمِ الدِّيْنِ.»

او از راه الشمس و بان بعد از ظهر و بعد از چهار رکعات بعد از المغرب با حاکم
 لا بد که در این سفر و لاجرم رکعتان بعد از نماز که کان ای فصلی
 و هکذا قاعده و انا اصلها و انما نام رکات و کان صلی رسول الله صلی الله
 علیه و آله لثنت عشره رکعت بن الیل و روت ابی بن سعد عن محمد
 بن سنان بن ابی یسکان بن ابی عمیر قال سئل عن ابی عبد الله علیه
 السلام عن افضل اجرت ما لکنه بنی لثله قال نام الخیر و روت
 الحسن بن سعد بن محمد بن ابی عمیر عن حماد بن عثمان قال سئل عن ابی عبد
 الله علیه السلام عن ثلثه رسول الله صلی الله علیه و آله بانها رقت لثنت
 بطین ذکر نماز و لکن الاخر ککف استعانا فعلمت علی فقال لثانی
 رکعات قبل الظهر و ثانی بعدهما قلت فالغریب قال اربع بعدهما قلت
 حبه قال کان رسول الله صلی الله علیه و آله یصلی الغریب بنام و قال
 یصلی لثنته فی الاصل بنی عمیر و یصلی لثنته و یصلی لثنته و یصلی لثنته
 و یصلی عن ثلثه بنی سنان بن ابی یسکان عن ثلثه بنی سنان بن ابی عبد الله
 قال صلوا لثنته بنی رکعات حين نزول الشمس قبل الظهر و رکعات
 بعد الظهر و رکعات قبل العصر و اربع رکعات بعد المغرب و رکعات بعد المساء
 الاخره لثنته بنی سنان بن ابی یسکان بن ابی عمیر و لثنته بنی سنان بن ابی عبد الله
 و ثانی رکعات بنی سنان بن ابی یسکان بن ابی عمیر و لثنته بنی سنان بن ابی عبد الله
 انه اجد و ثانی ابی الکافرون عن الرکعتین الاولتین و ثانی ابی الکافرون
 بنی لثان بن الرکعتین رکعات قبل الغریب جیحا قال هو انه اجد و فصلت بینهم
 بنی لثان بن الرکعتین لثنته قبل الغریب عن الاولی منها قبل ابی الکافرون
 و ثانی لثان بن الرکعتین لثنته قبل الغریب عن الاولی منها قبل ابی الکافرون
 و ثانی لثان بن الرکعتین لثنته قبل الغریب عن الاولی منها قبل ابی الکافرون
 ذکرنا مثل ما رواه احمد بن محمد بن عیسی بن الحسن بن علی بن بنت الباقس
 عن محمد بن ابی سنان قال سمعت ابی عبد الله علیه و آله یقول لا یصل الا قبل اربع
 و اربعین رکعة قال و لثان بنی لثان بنی لثان بنی لثان بنی لثان بنی لثان بنی لثان
 بنی لثان بنی لثان بنی لثان بنی لثان بنی لثان بنی لثان بنی لثان بنی لثان بنی لثان
 ان محمد بن علی بن ابی عمیر و اربعین رکعة لثان بنی لثان بنی لثان بنی لثان بنی لثان
 بعد الظهر و یصل علی ما عداهما بعد الاخر و قد قد بنا بنی لثان بنی لثان بنی لثان
 و رکعت و یصل ما عداهما بعد الاخر و قد قد بنا بنی لثان بنی لثان بنی لثان

بلغ عرضا بحمد
 الجهد والکفاية التي والى الطاهرين وسلم. ليا ينله كتاب الزکوة والجهنم له وجزء
 وصلی الله على محمد وآله علی بد اضعف عباد الله واحوجهم اليه استيه
 الذنوب علی بن منصور بن حسين المرزباني
 تجاوز الله عن سيئاته يوم الاهد
 ناسع عشر جلد اول الاربعين
 سنه ست وسبعين وثلاثمائة
 والمجد لله وحده
 وصلى الله
 على محمد
 وآله



عبارت الحسن بن فضال بن محمد بن علی بن محمد بن محمد بن علی بن هرون ابو عبد الله علیه السلام از ائمه
 بلاصله علی خانه مسعرا مرثیة قال محمد بن الحسن الواسع و هذا الخبر لا يصلح فاضله...
 لغیر فی بلاصله مرثیة لا یابننا حجاز صلوة النساء علی العانة صید فذات مینا ما راه علی...
 من الحسن بن عبد الرحمن بن ابی نجرات و سنویون محمد و محمد بن ابی سعید عن عظم سمی و یمن...
 من خلیفة قال كنت مع ابی عبد الله علیه السلام فتالد رجل من القرین فقال یا ابا عبد الله یصلی فی...
 الجاسر قال یقال ابو عبد الله علیه السلام صل علی الله و الله صل علی الله و الله کان هرزم المیرغ بن ابی العاصم
 و عدلی علی طریح او ان زینب بنت ابی علی التیمم فی بیت و ان فاطمة علیها السلام فی خبیث فی سائرها
 فضلت علی اخرتها عن عمر العباس بن عمار عن ابی القزاع عن سماعه عن ابی یوسف عن ابی عبد الله علیه السلام فی
 انما قال یصلی فی الدرة الشبابة یخرج الی الخبابة یصلی علیها الا ان تکلن امرجة قد دخلت فی السن
 علی یلقد عن احمد بن الحسن بن محمد بن سعید عن مصدق بن صدقة عن عمال الساباطی عن ابی
 عبد الله علیه السلام قال یصلی علی ارمیاء و ان کان قد صل علیهم یخبر محمد بن الولید فی
 عن یونس بن یعقوب عن ابی عبد الله علیه السلام قال سالت عن لیثانة ان ادر رکعها حق بلغت
 التبر اصلي علیها قال ان ادر رکعها قبل ان تدفن فان شئت فصل علیها...

نور

بصیر

تمت الزیادات والمد لله سبب العالیین

وصلواته علی خیرة من خلقه محمد و آله الطاهیرین سلوة

بلغت للقبائل من الازل لسانها
 غیر الله و قد انالنا و اوارزفة
 برسع العلی الا خلا و الا انصام
 الذ انهنها یوم النقا الحاد و شر
 ذوا قس احوام عامه نمان خنا سوا
 کتبا و هم اهل الحان الذی
 محمد علی طریح الا ان عن العانة
 و عنهم و عن صوم آباءهم و امها
 جمع المؤمنین و المؤمنات
 العالمین و صلی الله علی محمد و آله

...
 ...
 ...

سرجام و در برهمن من بعد الحید من جعفر قال قال دین و لداننا و دیر الدنی بان منیه درهم
 عده من ارجیم من التوفی عن السکوف من جعفر بن یس عده السهم قال قال رسول الله صلی الله علیه
 و آله من امر شیفا قدس صدره عن جعفر بن ارجیم من التوفی عن السکوف عن جعفر بن ارجیم علیه السلام
 لمن رجل لا شرف له صیران فاحدها رجل ضربه ما فی جبل فاحصل احداهما فترفع ذلک الی علی
 علیه السلام فلم یضنه و قال فا اراد الاصلاح و روی سوسی و کسر من فذاه علی بن عبدالله
 علیه السلام قال فاجتبت الفساضه لبعطه ما فی الرجل المصوف بالستر الممنه فان شهدوا علیه
 حافظت شهادتهم و روی ابن ابراهیم بن یونس اصحابه من علی بن عبدالله علیه السلام فی رجل مسلم
 کان فی مرض المشرب فقتله المسلمون ثم علم به الامام بعد فقال یحق حکایته و قد مر منه و ذلك

قال الله عز وجل وان كان من قرم عددکم و هو من خسر و قد یومنه

ثم کتاب البیات و الحمد لله رب العالمین علی یو العبد الضعیف

الضعیف الی رحمة الله الملك العقی مرضی عن العیون و التوفی

الحسینی فی یوم الخیر انی شهر شهر حب الی حب

سنة احدى و ستین و تسایه المهریه

اللهم احفظ ید الکاتب عن النار

بجهد و الاضیاء

برحمته الی ارجم

الراعیون

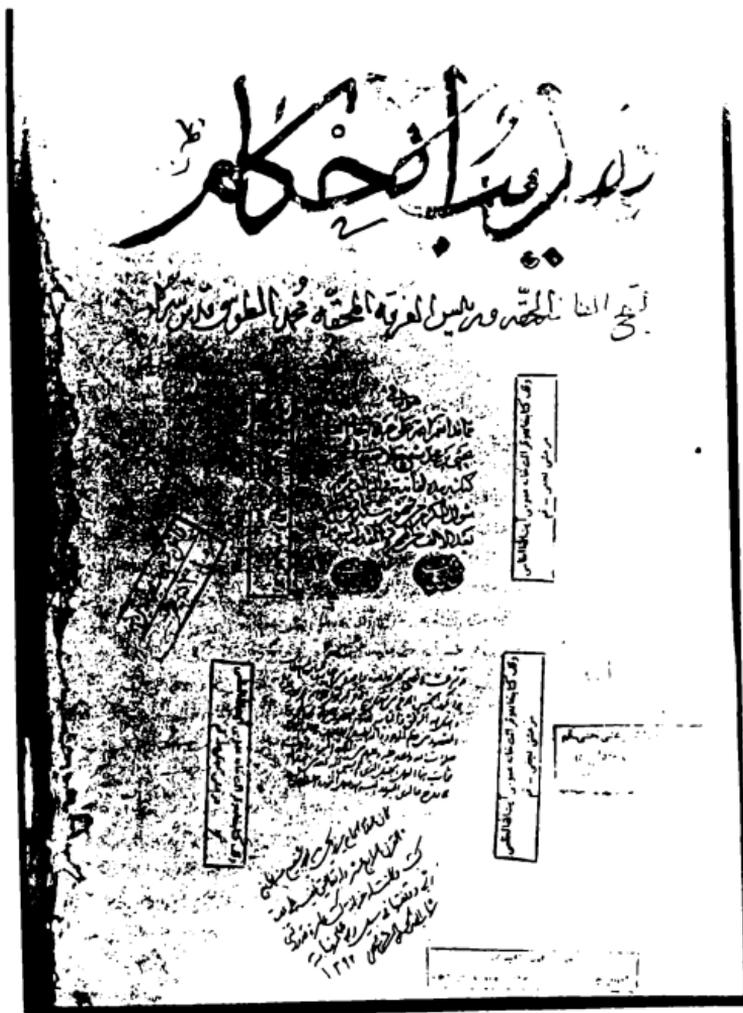
در راه و عملاً با طرف دیگر است و رایج در این است
 رایج حال الله و الخالق الطهره سائر الی المحرم و ادر
 له ما احاب له رایج المحرم المود رایج حد رایج حرمه و ادر الی الکرک
 عملاً و در ابره شانه (عظما هو محالاً که به فاحر) رایج
 احاب له رایج الخاب للمعابل رایج به ان، بطرف احاب و ادر
 له الی الایر المعصوب رایج رایج له جمع احاب الی علی
 رد این و عمله بطرفم الواهله الی الایر المصوب بعد من الی
 احمد و کتاب علی الخوی اول الصاد ابراهیم علی عهد الامام
 محمد باقر علیه السلام

وقف کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی
 مرتضیٰ انصاری قم - ایران



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ اسْتَعِين رَبِّهِمْ
 لِيُصَلِّحُوا لِيُحَدِّثُوا فِي الْحَدِيثِ وَاسْتَفْهَمُوا فِي حَيْثُ مِنْهُ وَخَلَّفَهُمْ وَكَرَّمَهُمْ لِيُحَدِّثُوا
 الْأَهْلَ قَائِلِينَ بِالْعِلْمِ وَحَدِيثًا بِحَدِيثٍ أَصْحَابًا يَدْعُوهُمُ إِلَى تَقْوَى اللَّهِ وَمَا وَجَّهَ فِيهَا
 مِنَ الْأَخْلَاقِ وَالنَّبَاتِ وَالْمَنَافِعِ وَالنَّصَاحَةِ لِأَنَّكَ دَسِيقُ حَرْبٍ لَا يَأْتِيهِ مَابِطَانٌ وَلَا
 يَتَلَمَّحُ حِدْبَةٌ وَفِي مَقَابِلِهِ مَا يَأْتِي وَفِيهِ جَعَلَ عَمَّا لِيُفَوِّدَ ذَلِكَ مِنْ عَقْلِ الطَّعُونِ عَلَى مَذْهَبِهَا
 وَنَظَرُ قَوْمٍ يَذَلُّكَ إِلَى مَعَالِ اسْتَعْدَادٍ وَذَكَرَ وَاسْتَلِمَ بَرَزَ سُبُوخًا تَلَفَ وَخَلَّفَ بَصِيغَةً عَلَى
 عَمَّا لِيُفَهِّمَ بِالْأَخْلَاقِ الَّتِي يَدْعُونَ إِلَيْهَا فِي تَشَعُّبِ عَلَيْهِمْ بِأَمْرٍ قَلِيمٍ فِي الْبُرُوقِ
 وَيَذَكِّرُونَ أَنَّ هَذَا عَمَّا لِيُفَهِّمَ أَنْ يَتَعَدَّى عِلْمُهُمْ وَلَا أَنْ يَسْمَعَ الْعُلَمَاءَ لِيُعْلِمَ وَذَكَرَ وَجَدْنَا
 إِسْتِدْرَاقًا فَاحِرًا عَلَى الْعِلْمِ وَتَشْرِيحًا بِأَسْرَابِ بَيْتِكُمْ وَوُجُودَ هَذَا الْأَخْتِلَافِ سَلَّمَ مَعَ عِنْفَادِ
 بَطْلَانِ ذَلِكَ دَلِيلًا عَلَى أَنَّ ذَلِكَ صَحِيحٌ وَحَدِيثٌ عَلَى جَمَلِهِ عَمَّا لِيُفَهِّمَ فِي الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ وَنَظَرُ
 انْتِظَارِ عَمَّا لِيُفَهِّمَ فِي الْأَلْفَافِ شَهْرٍ وَتَرْتِيبِهِمْ بِرُجُوعِ عَمَّا لِيُفَهِّمَ فِي الْحَقِّ مَا اسْتَشْتَرَى عَلَيْهِ الْوَجْهَ فِي ذَلِكَ
 وَعَمَّا لِيُفَهِّمَ فِي شَهْرٍ وَتَرْتِيبِهِمْ بِرُجُوعِ عَمَّا لِيُفَهِّمَ فِي الْحَقِّ مَا اسْتَشْتَرَى عَلَيْهِ الْوَجْهَ فِي ذَلِكَ
 كَانَ بَعْدَ الْحَقِّ وَبَيِّنَ بِالْإِمَامَةِ فَجَعَلَ عَمَّا لِيُفَهِّمَ فِي الْحَقِّ مَا اسْتَشْتَرَى عَلَيْهِ الْوَجْهَ فِي ذَلِكَ
 الْمَذْهَبِ وَدَانَ بَعِيْنِ مَالِمْ يَتَّبِعُونَ وَجِوَّعًا لِيُفَهِّمَ فِيهَا وَهَذَا يَدْرِكُ عَلَيْهِ وَخَلَّفَ فِيهِ عَلَى عَمَّا لِيُفَهِّمَ
 وَأَعْتَقَدَ الْمَذْهَبَ فِيهِمْ التَّغْلِيظَ لِأَنَّ الْأَخْتِلَافَ فِي الْفُرُوعِ لَا يُوْجِبُ تَرْكَ مَا تَمَّتْ بِالْأَدْنَى
 مِنَ الْأَصُولِ وَذَكَرَ إِسْنَادًا كَانَ الْعَمَلُ عَلَى هَذَا الْوَجْهِ فَالْإِسْتِغْنَاءُ بِشَيْءٍ كَمَا يَحْتَجُّ عَلَى تَأْوِيلِهَا
 خِطَابَ الْمُخْتَلَفَةِ وَالْإِحَادِيثَ الْمُنَاقِضَةَ عَمَّا لِيُفَهِّمَ فِي الْمَهَامَاتِ فِي الْبَدِينِ وَمِنْ وَجْهِ نَفَرَاتِ الْفِرَقِ
 مَا يَمُرُّ لَمْ يَسْمَعْ لِلشَّكِّ وَالرِّبْضِ فِي الْعِلْمِ وَتَلَفَ أَنْ لَقْدَ فِي حَيْثُ السَّجْدَ فِي عَمَّا لِيُفَهِّمَ
 اللَّهُ الْمُرْسُومَةَ بِالْفَضْعَةِ لِأَنَّهَا شَافِيَةٌ فِي مَعَاهَا مَا فِي كَثْرَةِ إِخْتِلَافِهَا فِي حُكْمِ الشَّرْعِ وَفِيهَا
 بَعِيدٌ مِنَ الْحَقِّ وَفِي الْقُدْرَةِ أَنْ يُولَى بِأَبِ بَعْلَقُونَ بِالْعَمَلِ وَتَرَكَ مَا قَدَّرَهُ فَذَلِكَ مَا
 يَتَعَلَّقُ بِالتَّوْحِيدِ وَالتَّوْحِيدِ وَالتَّنَوُّعِ وَالتَّمَاثُلِ مِنْ شَرْحِ ذَلِكَ بِطَوْرٍ وَبَسْتِ بَعْدَ
 بِهَذَا الْكُتَابِ بَيَانٌ مَا يَتَعَلَّقُ بِالْأَصُولِ وَإِنْ أَرَادَ كُلُّ بَابٍ مَخْرُجٌ مَاتَرَجٌ وَكَرَّمَهُ
 مَتَلَفٌ فَاسْتَدْرَكَ عَلَيْهَا مَا يَظَاهِرُ نَفَرًا وَمِنْ حَيْثُ وَالْحَوْضُ وَدَلِيلًا وَمَعَادٍ وَمِنْ حَيْثُ
 الْمُفْطُوحُ بِمَا لِيُفَهِّمَ فِي سُبُوخٍ أَوْ لِأَحَارِجٍ تَقَرُّونَ بِهَا الْفَرِيقَ بِهَذَا تَنْبِيْهُ
 مِنْ جَمَاعٍ تَدْبِئُونَ أَنَّهَا فِيهَا تَوْجِيعٌ تَوْفِيقٌ مَحْفُومٌ ذَلِكَ جَدُّ ذَلِكَ مَا وَرَدَ فِي حَرْبِ
 صِحَابًا شَهْرًا فِي ذَلِكَ وَتَرْتِيبًا وَرَدَّ عَمَّا لِيُفَهِّمَ فِيهَا وَبِهِ رَدُّ
 فِيهَا مَا تَأْوِيلُ جَمْعِهَا وَبِهِمَا وَرَدَّ عَمَّا لِيُفَهِّمَ فِيهَا مَا رُجِعَ بِهَذَا
 عَمَّا لِيُفَهِّمَ فِيهَا وَرَدَّ عَمَّا لِيُفَهِّمَ فِيهَا وَرَدَّ عَمَّا لِيُفَهِّمَ فِيهَا
 حَيْثُ يُولَى وَفِي ذَلِكَ رَدُّ وَرَدَّ عَمَّا لِيُفَهِّمَ فِيهَا وَرَدَّ عَمَّا لِيُفَهِّمَ فِيهَا





روی برگ اول «تهذیب» شیخ طوسی (نسخه شماره ۹۴)

العباس بن عمر بن الخطاب عن ساه بن ابي عمير عن ابي عبد الله عليه السلام قال قال الربيع بن خثيم في الخبر القائل
 تخرج اللبانة فضلي عليها الا ان تكون امرأة فمخلت السن على الفرس من صاحب الحسن
 من عمرو بن سعيد بن سعد بن حمد بن عماد بن ابي عن ابي عبد الله عليه السلام قال قلت لابي
 عليه السلام لو اراد ان يذهب وان كان قد صل عليه ممنوع ممنوع من الوليد بن يزيد بن يعقوب بن
 ابي عبد الله عليه السلام قال سالته عن اللبانة لو اراد ركبا حتى يذبح الفرس صل عليه قال ان اذنتها
 قبل ان تدفن فانت امن شئت فضل عليها



ثم نثر في هذا الموضع حفرة فراه وعضها
 فراه ردا على فصله وبنده حسن ذكرا ورج
 ثم فراه مذبرا وانهار وسحق وانعاش
 زو هو اسود الفاصل لذلك الامور
 احييت في زيروى هذا السبب عن
 ابن مؤلفه شيخ الطائفة وسيد هذه
 سيد احمد محمد باقر بن محمد
 الزينى شمرى قدس الله امره
 حرر وسبب والف من الهرة البعير

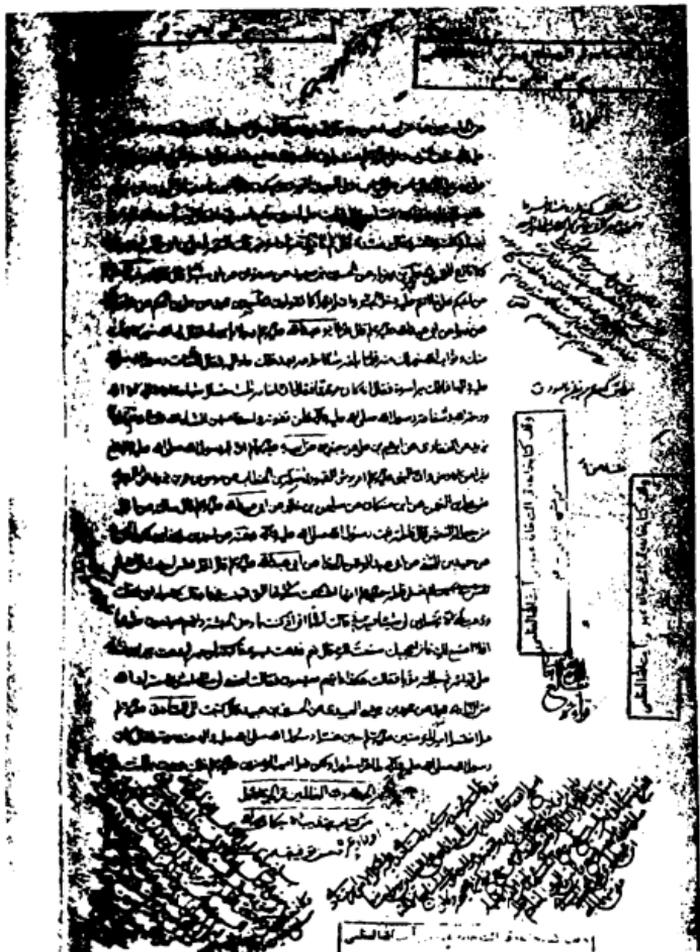
تشان زيادات وظهرت ربه العالمين
 وصل الله على سيدنا ونبينا محمد وآل
 الطيبين الطاهرين في يوم الجمعة
 عشية عيد الفطر المبارك
 ابن حاجي دويش محمد شيرازي

کتابخانه عمومی آیت الله العظم
 مرعشی نجفی - قم

الکتبه الاربعه و غیره از مخطوطات مورخین السنیة با استناد کتابت منہم را حرمت لایزاله از بیرون
 عمی بقید اکتد و المصنف الاثر بنید الشارک الیه الشارک بقا و از مستحکم از بیرون عمی ما الفقه
 الکتبه و الشارک و غیره کتاب تفصیل و کمال الشریعه و تحصیل مشارک الشریعه و کمال الاعا و کمال
 و شایسته الصفة الناید و غیره و کمال الشارک و احیایه بالمشروط المذکور و
 ان لا یشترک فی الدعای الصالحه علی الاحابیه حرره محمد الحسن علی عده اهل البیت و در وقت تحریر
 ۱۰۵۶ هـ و ایمنه و صلواتی علیهم

دفتر کتابخانه
 مؤسسه تحقیقاتی





پایان «تهذیب الاحکام» با علامت بلاغ و مقابله (نسخه شماره ۱۵۷)

یاریت و الحمد لله رب العالمین کثیرا کثیرا و احقر کاتبه فی یوم الاحد
 معین شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۵ هـ قمری و المجلد سوره سنه اربع و مئوه و مئوه و مئوه
 علی درویشی المیزان القاسم العاصم العرفی الیه و الجماع الی غیره
 العالی الشیخ العرفی و المصنف محمد مصمم بن ابی
 القاسم الاصفهانی الشیخ الفاضل
 معالیه علیه و آله و سلم
 و الحمد لله وحده

۱
 ۱
 ۱

کتاب الفرائض فی احوال الاحکام
 تصنیف محمد بن ابی القاسم
 صریح ماده کتبه و تصحیح الفرائض و کلامه ابو الحسن
 محمد بن ابی القاسم کتبه و تصحیح الفرائض
 فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۵ هـ قمری
 کتبه محمد بن ابی القاسم

من رجل بوجه امره علم يدخل بها فزنت قال يفرق بينهما ومحمد الحمدي واصداق لها
 عمر بن الخطاب وعطيف بن عبيد بن عمير وعبد الله بن عمرو بن عبد الله بن عمرو بن عبد الله بن عمرو
 من اهل الجرم من يرمي بوجه امره من اهل الكوفة من بني عثم قال خالت امره وعلى
 الماس بن صفاء الصداق لاهل المراء ولا عدو عليها ولا مراتب فيها فقال بعض من حضر ان
 امره ان يزوج امره واهل ارضها ولا ينسب له ثم محمد الامران يكون امره بنو اللطيف
 ما زوج به مع ان كان للماس بن هشام كان امره ان يزوجه كان الصداق على الخمر
 فان لم يكن له ينسب كان الصداق على الماس لاهل المراء ولا مراتب فيها ولا عدو عليها
 لها نصف الصداق ان كان برص لها صداقا لظهير بن زيد بن جعفر بن محمد بن ابي
 ان علماء قال اذا اغتصبت امرأة فانتصت فلعنة عشرتها ما اذا كانت حرة فعلم الصداق
 وورد في النام من يرمي بوجه امره الحسن بن راشد بن عمرو بن ابي العباس بن ابي
 الحسن بن يعقوب بن ابي اسحاق بن العزلة في شروحه المراء التي اقيمت اهل المراء والمشرق
 السليطه والندبه والمراء التي اصرح ولداها والامه هذا اخرا لاجناس من تهذيب النكاح
 وبنوهم والسادس كتاب الطلاق ان ساء امره وصل الى محمد والذكر الامم الساء
 الاعلام وصاحح الطلاق والمحمد بن عبد الله بن ابي اسحاق بن ابي اسحاق بن ابي اسحاق
 ومسلم بن عبد الله بن عموامه والنسب على شعا على

السلطه الطوبى
 السلطه الطوبى
 السلطه الطوبى

السلطه
 السلطه الطوبى

كره

محمد بن ابي اسحاق بن ابي اسحاق

الشهيد بن ابي اسحاق
 في تهذيب النكاح
 من اهل الجرم

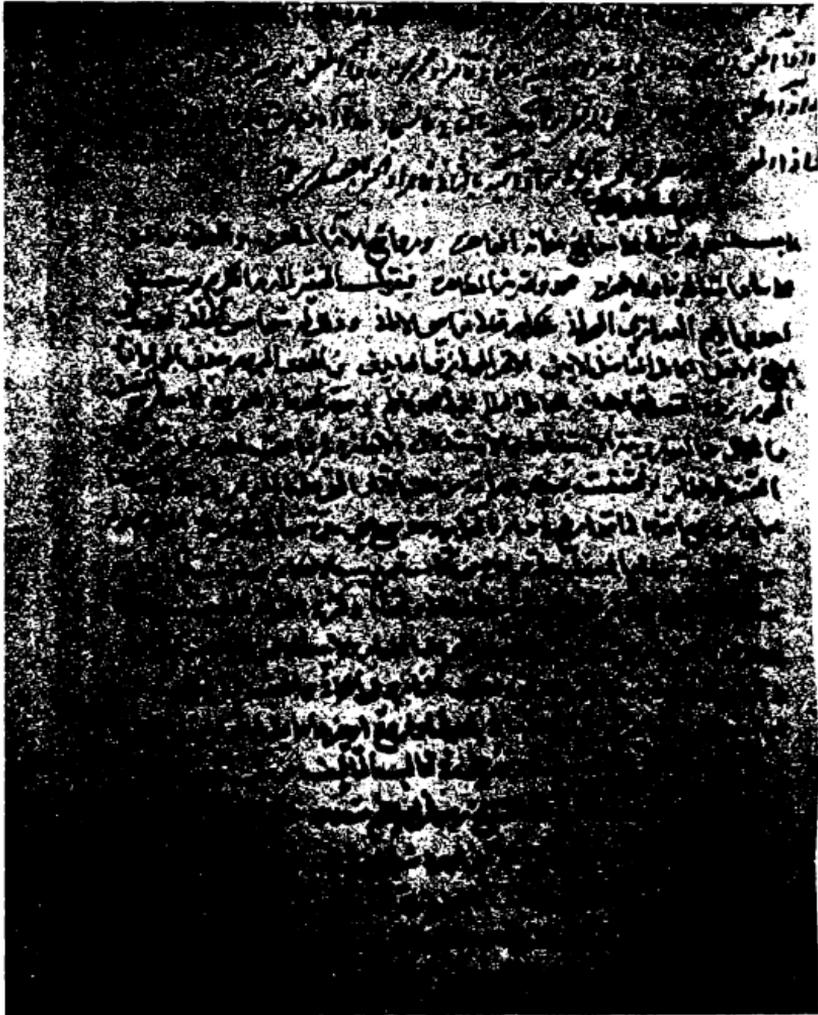
نزهة من اهل الجرم
 في تهذيب النكاح
 من اهل الجرم
 في تهذيب النكاح

قال سالس من رجل كاتب جعلا على الف درهم ولم يسمو له من كاتبه ان
 محرم من كاسه فورد في الورق والمكاتب ادى الى ولاه خمسا درهم ثم مات المكاتب
 ورثه مالا وورثه سالس له ركا فعال اضعفت ما ترك المكاتب من شئ ما رثه لاه الذي
 كاتبه ووضعت الساقى لاس المكاتب لا روات ونصفه حر ووضف عهد فاذا ادى المكاتب
 كان كاتبه ماه وبقى على ابيه حر لاسبب احد علمه من الناس عمره من محمد بن احمد
 العلوى من العرك من على بن جعفر بن ابي بصير من جمعهم قال سالس من المكاتب هل
 مطرطرة ومضان او على بن كاتبه او بنجور بها فتر فعال العطر عليه ولا بنجور بها فتر
وان عطاء الشئ على ما دنا وقال على بن جعفر بن ابي بصير من جمعهم من ابيه قال قال
 رسول الله ص في رجل وقع على كاتبه فعالم من كاسه وطها مال علمه ورثها فان
 ولدته منه هي على كاسها وان محوت فردت في الورق هي من امانت الازداد قال
 وسالس من اليهودى والصرافى والمحموس هل يصلح ان يسكنوا في دار المحبرة قال اما
 ان يلبسها فلا يصلح وقال ان يلبسها واخرجوا منها بالليل فلا بأس ثم كتبت
 العتق والندب والمكاتب ولمسكت الایمان والندب ورا الكفارات والحمد لله حمده
 وصلى الله على جبرئيلة محمد وآله الطيبين الطاهرين وسلم نبينا كراما

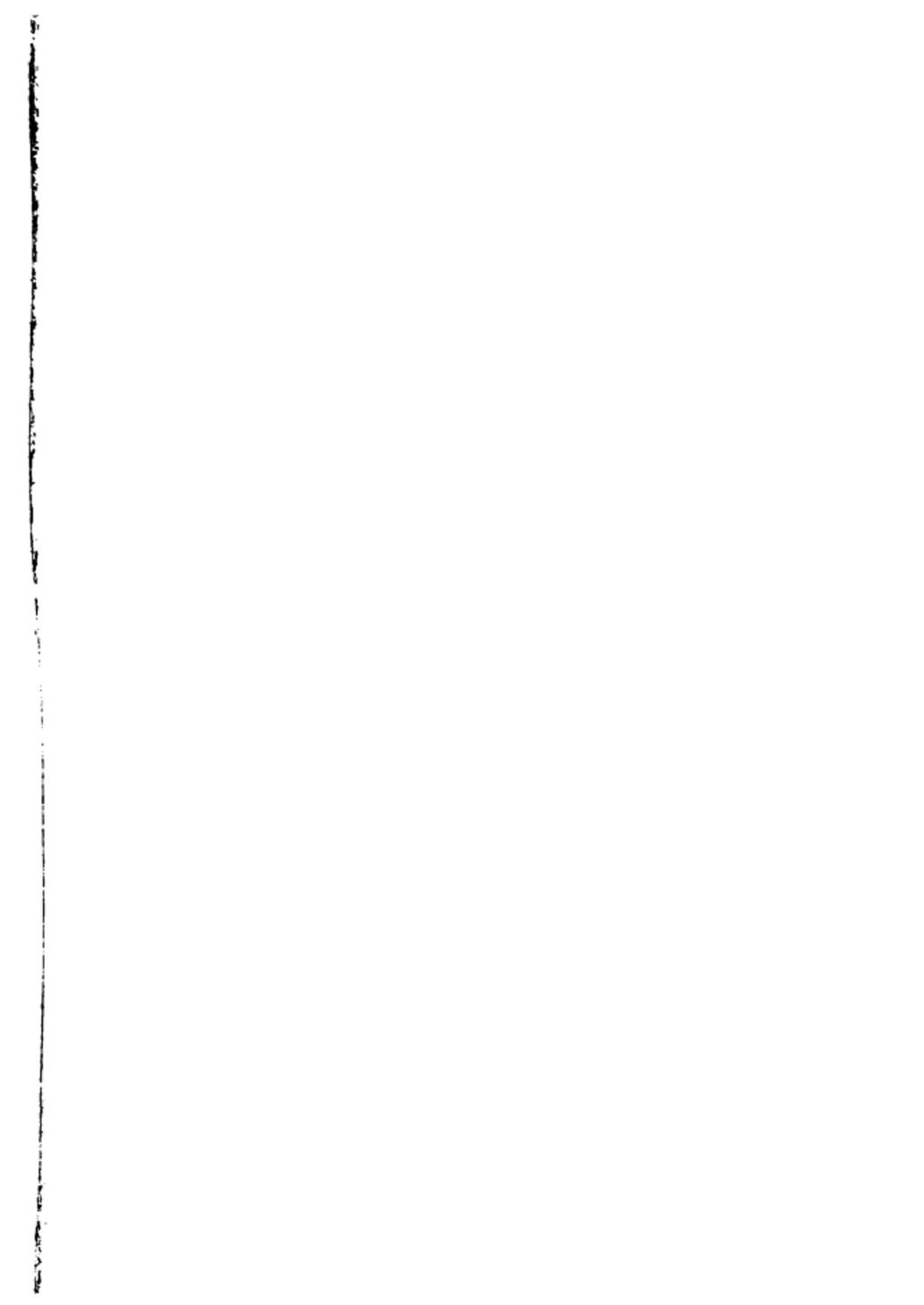
لا يبيع احد له ولا يبيع له من كاسه رزاه من العتق
 في جزم الفاضل الآخذ للعتق والى رسله انما
 وانا الفقير الى عفوانه وغوانه روحا فاعلم حمده
 وابل حرمه الواسع حمده من ربي العباد
 وذلك في ايامه اذ اركب من السلام



صفحه‌ای از «تهذیب الاحکام» با بلاغ تونی (نسخه شماره ۱۸۴)



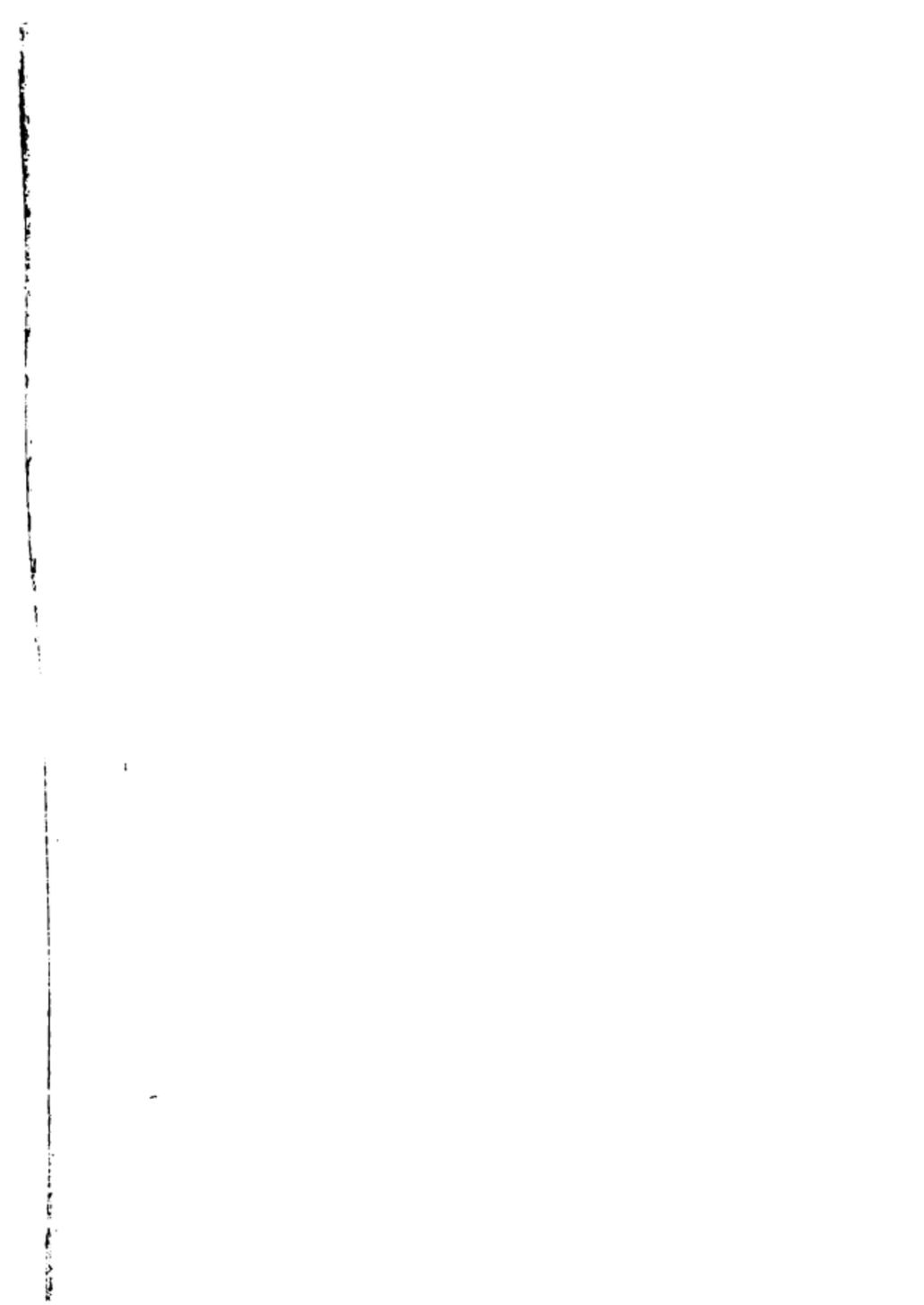
آغاز اجازة شیخ یوسف بحرانی (نسخه شمار ۲۰۴)



معرفى كهن ترين نسخه

شفاى شدة كتاب

«تهذيب الاحكام»



در مراحل پایانی چاپ این کتاب، با نسخه‌ای از کتاب تهذیب الاحکام آشنا شدیم که در هیچ یک از فهرس موجود، نامی و اطلاعاتی پیرامون آن درج نگردیده بود. و تا آنجا که ما یافته‌ایم، کهن‌ترین نسخه شناخته شده و تاریخ‌دار کتاب «تهذیب الاحکام» به شمار می‌رود.

با توجه به ارزش نسخه و زمان کتابت آن، خالی از لطف ندیدیم که اطلاعات مختصری از این نسخه عیناً براساس یادداشت استاد معظم آقای ابوالفضل عربزاده که در فهرست منتشر نشده نسخه خطی کتابخانه مرحوم آیه‌الله العظمی گلپایگانی قدس سره آمده است؛ در اختیار پژوهندگان قرار دهیم. جا دارد از همکاری ایشان در این مورد و مساعی ایشان در راستای معرفی آثار گرانبگای شیعه قدردانی گردد.

کد: $\frac{۳۴}{۹۲}$	شماره کل: ۶۷۲۲	فهرست نگاری: ۴
اهداءکننده: آیه‌الله العظمی گلپایگانی <small>قدس سره</small>	تاریخ اهداء: ۱۳۷۱/۸/۲	
کتاب: تهذیب الاحکام (۱)	جلد: ۳	زبان: عربی

۱- شیخ طوسی در سال ۴۰۸ از طوس به شهر بغداد مهاجرت می‌نماید. و در آنجا در مجلس درس شیخ مفید شرکت کرده و تا سال ۴۱۳ که استاد وی وفات می‌نماید، همراه استاد بوده است. همانطور که شیخ در ابتدا کتاب تهذیب متذکر شده است، از استاد خود با لفظ (ایده‌الله) یاد می‌کند. این کلام نشان‌دهنده آن

تاریخ کتابت: ۵۷۵ هـ
 اندازه: ۲۵ × ۱۹ س. م
 برگ: ۱۲۹ سطر: ۲۲ خط: نسخ
 کاغذ: نخودی برقی
 حاشیه: با خطوط مختلف
 نوع جلد: مقوا و تیماج عنابی با ترنج و سرترنج

مؤلف: طوسی نام: محمد نام پدر: حسن / شیخ الطایفه (۳۸۵ - ۴۶۰)
 محمد بن حسن بن علی طوسی، ابو جعفر، شیخ الطایفه، فقیه، اصولی، متکلم،
 محدث و مفسر، ولد فی رمضان ۳۸۵ و توفی فی المحرم ۴۶۰. از تصانیف او:
 التبیان فی تفسیر القرآن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، العده فی الاصول.

محشی: بیش از ۲۰ شرح و حاشیه بر تهذیب الاحکام نوشته شده است.
 مصحح: در حاشیه کتاب آثار تصحیح و مقابله دارد.
 عناوین: با مرکب قرمز
 موضوع: فقه
 موضوعات: زکوة، خمس، صوم و حج (تا نزول منی)
 آغاز: کتاب الزکاة باب ماتجب فیہ الزکاة، قال الشیخ رحمہ اللہ فی تسعة اشیاء
 الذهب و الفضة و الحنطة و الشعیر الخ.
 انجام: و یخرج الی منی قبل یوم الترویہ. قال: نعم. قلت: فیخرج

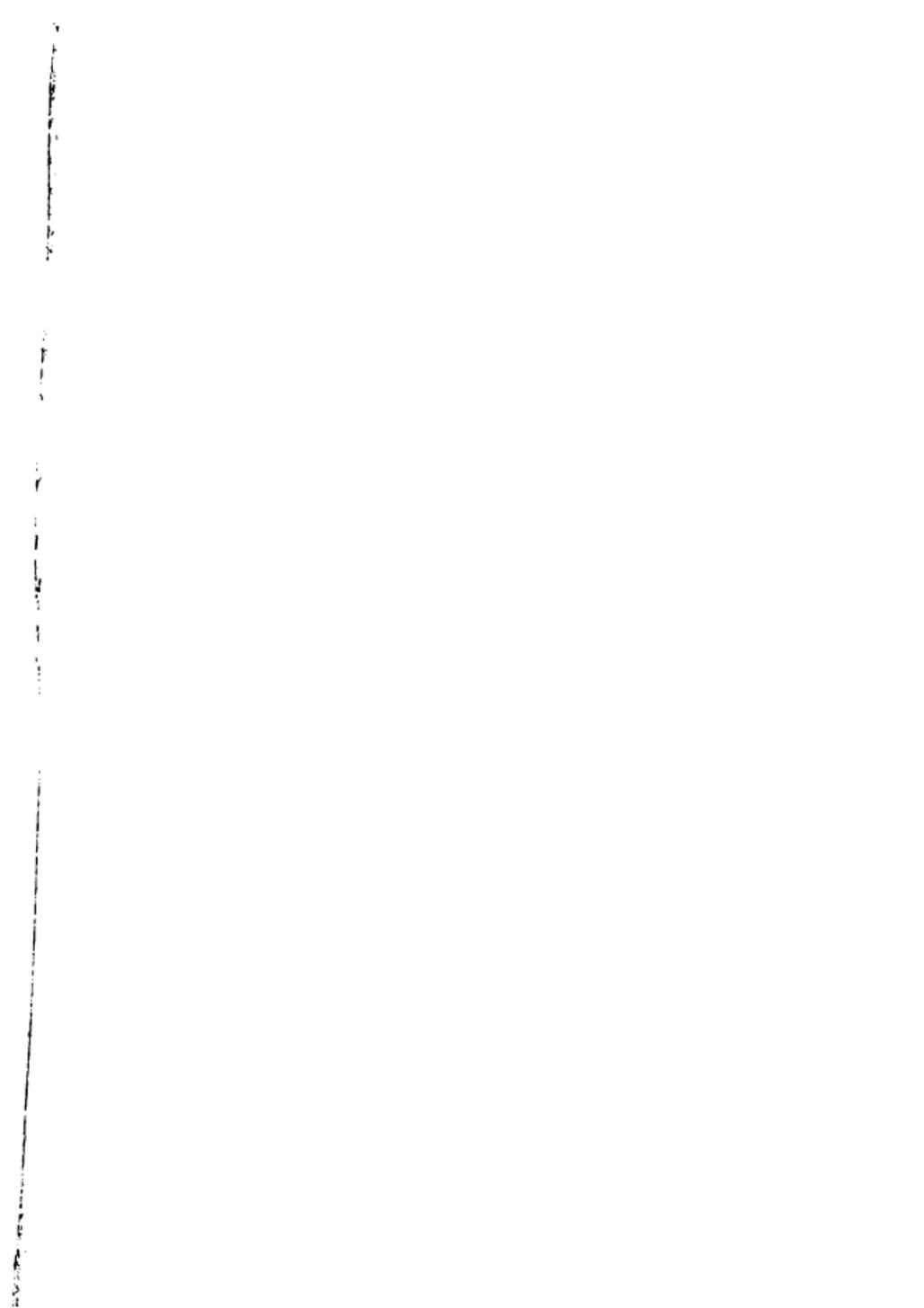


است که کتاب تهذیب را در زمان حیات استاد خود نگاشته است.
 با قرائن موجود، شیخ طوسی کتاب «تهذیب الاحکام» را باید بین سالهای
 ۴۰۸ تا ۴۱۳ نگاشته باشد و بدین ترتیب آنچه را گفته‌اند تاریخ تألیف کتاب
 تهذیب سال ۴۰۰ می‌باشد، اصلاح می‌گردد.

توضیحات: تهذیب الاحکام یکی از کتب اربعه شیعه و شرح فروع مقنعه شیخ مفید از طهارة تا دیات است. نسخه فوق بحث زکوة، صوم و حج تا نزول منی را در بردارد. این جمله در آخر کتاب زکوة آمده است (وقع الفراغ فی آخر نهار الجمعة من سادس ذی القعدة من سنة خمس سبعین خمس مائة). در حاشیه اوراق حواشی به خطوط مختلف از علماء و مقابله شده به خط محمد مؤمن بن حاجی علی اصغر قزوینی است. جلد مقوا با تیماج عنابی و ترنج و سرترنج ضربی. این نسخه به خاطر قدمت و حواشی از اهمیت خاصی برخوردار است.

معجم المؤلفین ۹: ۲۰۲، الذریعه ۴: ۵۰۴-۵۰۵

فهرست منابع و مأخذ



* قرآن کریم

آ

- ۱- آشنایی با چند نسخه خطی / رضا استادی، سیدحسین مدرسی طباطبایی. تهران، ۱۳۵۴.
- ۲- آشنایی با مصادر زندگانی شیخ الطائفة / ناصرالدین انصاری قمی. در: مجله نور علم شماره ۳۴ (اسفند ۱۳۶۸) ص ۱۴۱ - ۱۶۵، و شماره ۳۵ (خرداد ۱۳۶۹)، ص ۱۴۵ - ۱۶۲. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
- [فهرست ۳۴۰ کتاب و مقاله که تمام یا بخشی از آنها در مورد شیخ طوسی است. تلفیقی از منابع معرفی شده در «مصادر الدرسة و عن النجف و الشیخ الطوسی» محمد هادی امینی، و «مقدمة التبیان» شیخ آقا بزرگ تهرانی، با تکمیل و بیان مصادر جدید.]
- ۳- آراء و آثار کلامی شیخ طوسی / علال الفاسی، ترجمه محمود فاضل یزدی مطلق. در: نامه آستان قدس رضوی، شماره ۲ دوره جدید، شماره مسلسل ۳۹ (سال ۱۳۵۷) ص ۹۶ - ۱۱۲.

الف

- ۴- الاستبصار / ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تصحیح: سیدحسن موسوی خراسان. تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ ش، ۴ ج.
- ۵- اجازات الحدیث / سید احمد حسینی. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
- ۶- الاعلام الهادیة الرفیعة باعتبار الکتب الاربعة / علی نمازی شاهرودی. مشهد: مؤلف.

- ۷- انتخاب الجید من تنبیهات السید/حسن بن محمد دستانی، نسخه عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه کاشف الغطاء، نجف.
- ۸- امل الآمل/حر عاملی، تصحیح: سید احمد حسینی. قم.
- ۹- ایرانیون و الادب العربی/قیس آل قیس. تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج ۳.

ب

- ۱۰- برگی از تاریخ قزوین/سیدحسین مدرس طباطبایی. قم: کتابخانه مرعشی.
- ۱۱- بحار الانوار/محمدباقر مجلسی. تهران: اسلامیه، ۱۱۰ ج.

ت

- ۱۲- تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید/ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تصحیح: سید حسن موسوی خراسان. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ (افست از چاپ نجف)، ۱۰ ج.
- ۱۳- تنقیح اسانید التهذیب/سیدحسین بروجردی، به کوشش: مهدی صادقی تبریزی. قم: سیدالشهداء علیه السلام، ۱۴۱۱ ق.
- ۱۴- تجرید اسانید التهذیب/سید حسین بروجردی، به کوشش: حسن نوری همدانی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۵- تلامذة العلامة المجلسی/سید احمد حسینی. قم: کتابخانه مرعشی.
- ۱۶- تراجم الرجال/سید احمد حسینی. قم.
- ۱۷- تنمیه امل الآمل/عبدالنبی قزوینی، تصحیح: احمد حسینی. قم: کتابخانه مرعشی.
- ۱۸- تنقیح المقال/عبدالله مامقانی. تهران: اسلامیه، جهان، ۳ ج (چاپ سنگی).
- ۱۹- تراثنا/مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث. فصلنامه مؤسسه، چاپ قم و بیروت.
- ۲۰- تاریخ حصرالاجتهاد/آقا بزرگ تهرانی. تصحیح: محمد علی انصاری. خوانسار: مدرسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۱۰ ق.

۲۱ - تدوین السنة الشریفة / سید محمدرضا حسینی جلالی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

ج

- ۲۲ - جامع الرواة / محمد اردبیلی. تهران ۲ ج.
- ۲۳ - جامع المقال / فخرالدین طریحی، تصحیح: محمد کاظم طریحی. تهران: جعفری تبریزی.
- ۲۴ - جامع احادیث الشیعه / سید حسین بروجردی. تهران: چاپ سنگی، ج ۱.

چ

۲۵ - چهل مقاله / رضا استادی. قم: کتابخانه مرعشی، ۱۳۷۳.

خ

۲۶ - خاطرات من از استاد شهید مطهری / علی دوانی. تهران: صدرا، ۱۳۷۲.

د

- ۲۷ - دائرة المعارف تشیع / احمد صدر حاج سید جوادی تهران: شط، ۱۳۷۳، ج ۴.
- ۲۸ - در کنگره شیخ طوسی / حسین خدیو جم. در: مجله نگین شماره ۵۹ (سال ۱۳۴۹)، ص ۱۶ - ۱۸ و ۵۰ - ۵۳.

ذ

۲۹ - الذریعة الی تصانیف الشیعة / آقا بزرگ تهرانی. بیروت: دارالاضواء، ۲۶ ج.

ر

- ۳۰ - الرجال / ابوالعباس احمد بن علی نجاشی، تصحیح: جلال الدین غروی آملی. تهران: مرکز نشر کتاب مصطفوی.
- ۳۱ - الرجال / ابوالعباس احمد بن علی نجاشی، تصحیح: محمد جواد نایینی.

- بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۸ ق، ۲ ج.
- ۳۲- ریاض العلماء/عبدالله اصفهانی تبریزی، تصحیح: سیداحمد حسینی. قم: کتابخانه مرعشی، ۶ ج.
- ۳۳- روش کلامی شیخ طوسی/عبدالمحسن مشکوة الدینی. در: مجله معارف اسلامی ۱۲ (فروردین ۱۳۵۰) ص ۸۲-۸۵.
- ۳۴- راهنمای کتب اربعه/محمد مظفری. قم: علمیه، ۱۴۰۵ ق، ۹۶ صفحه. (شامل تطبیق چاپهای قدیم و جدید کتب اربعه و تحف العقول).

ز

- ۳۵- زندگی نامه شیخ طوسی/آقا بزرگ تهرانی، ترجمه: علیرضا میرزا محمد، سید حمید طبیبیان (ترجمه حیاة الشیخ الطوسی که به ضمیمه جلد اول تفسیر تبیان چاپ شده). تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران، ۱۳۶۱ ش.
- ۳۶- زندگی نامه علامه بحرینی/سید محمد برهانی. تهران: مکتبه النجاشی.

س

- ۳۷- سفینه النجاة/محمد طاهر قمی، تصحیح: حسین درگاهی، حسن طارمی. تهران: نیک معارف، ۱۳۷۳.

ش

- ۳۸- الشیخ الكلینی البغدادی و كتابه الكافی/ناشر هاشم حبیب العمیدی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲. (رساله پایان نامه مؤلف، سال ۱۹۸۹، دانشگاه کوفه).
- ۳۹- شیخ طوسی، خورشید ابرار/علیرضا شهروی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ (در سلسله دیدار با ابرار). ترجمه عربی آن تحت عنوان «الطوسی شیخ الطائفة» می آید.

- ۴۰- شیخ طوسی و عقیده او دربارهٔ خبر واحد/سید احمد فاطمی احمد آبادی.
در: مجلهٔ ارمغان ۴۳ (سال ۱۳۵۳)، ص ۱۵۸-۱۶۸.
- ۴۱- شیخ طوسی و کتاب نهاییه/محمد تقی دانش پژوه. در: فرهنگ ایران زمین،
شمارهٔ ۴ ص ۷۴-۱۲۱.
- ۴۲- شیخ طوسی / علی دوانی. در: مکتب اسلام، سال اول، شمارهٔ ۶ و ۷.

ط

- ۴۳- طبقات اعلام الشيعة/آقا بزرگ تهرانی. قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۳ ش، ۱۲ ج.
(قرن ۴ تا ۱۴).
- ۴۴- الطوسی شیخ الطائفة/علیرضا شهروی، ترجمهٔ کمال السید. قم: انصاریان،
۱۴۱۶ (از سلسلهٔ «لقاء مع الابرار»، شمارهٔ ۹) ۷۷ ص

ع

- ۴۵- علامهٔ مجلسی بزرگمرد علم و دین/علی دوانی. تهران: امیرکبیر

ف

- ۴۶- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ آستان مقدّس حضرت معصومه/محمد
تقی دانش پژوه. قم.
- ۴۷- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ ملی فارس/علینقی بهروزی. شیراز:
کتابخانهٔ ملی، ۲ ج.
- ۴۸- فهرست چهار کتابخانهٔ مشهد/زیر نظر ایرج افشار. تهران: فرهنگ ایران زمین.
- ۴۹- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مدرسهٔ علوی خوانسار/رضا مختاری.
در: آینهٔ پژوهش شمارهٔ ۲۲.
- ۵۰- فهرست کتب دینی کتابخانهٔ سلطنتی/بدری آتابای. تهران: کتابخانهٔ سلطنتی.
- ۵۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق دانشگاه
تهران/محمد تقی دانش پژوه. تهران: دانشگاه تهران.

- ۵۲- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران/سید محمدباقر حجتی. تهران: دانشگاه تهران، ۲ ج.
- ۵۳- فهرست کتب قلمی کتابخانه آصفیه/سیدتصدق حسین نیشابوری. حیدرآباد دکن: دارالطبع سرکار عالی، ۱۳۴۴ قمری.
- ۵۴- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه تربیت تبریز.
- ۵۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس سنا/محمد تقی دانش‌پژوه. تهران: مجلس سنا، ۲ ج.
- ۵۶- فهرست کتب شیخ طوسی/آقا بزرگ تهرانی، ترجمه سیدعلی اکبر موسوی در: نامه آستان قدس رضوی، شماره ۱۳ ص ۸-۱۷، شماره ۱۴ ص ۱۶-۲۶، شماره ۱۵ ص ۲۵-۳۹.
- (مقدمه التبیان مؤلف، که به توصیه ایشان، ترجمه فارسی شده است.)
- ۵۷- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیری/محمد شیروانی. یزد: وزیری، ۵ ج.
- ۵۸- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم/رضا استادی. قم: مسجد اعظم.
- ۵۹- فهرست آل بابویه و علماء البحرین/سلیمان ماحوزی بحرینی، تصحیح: سیداحمد حسینی. قم: کتابخانه مرعشی.
- ۶۰- الفیض القدسی فی ترجمه العلامة المجلسی/حسین نوری طبرسی (ضمیمه جلد ۱۰۵ بحار الانوار). تهران: اسلامیه.
- ۶۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه سپهسالار /علینقی منزوی تهران: مدرسه سپهسالار، ۵ ج.
- ۶۲- فهرست کتابخانه معارف/عبدالعزیز جواهر کلام. تهران، ۲ ج.
- ۶۳- الفوائد الرجالیة /سید محمد مهدی بحر العلوم. قم: اسماعیلیان، ۴ ج.
- ۶۴- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد/محمود فاضل (یزدی مطلق). مشهد: گوهرشاد، ۴ ج.
- ۶۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی/عبدالحسین حائری. تهران: مجلس، ۲۱ ج.

- ۶۶- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه مشهد/محمود فاضل (یزدی مطلق). مشهد: دانشگاه مشهد، ۳ ج.
- ۶۷- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی اصفهان/جواد مقصود همدانی. اصفهان
- ۶۸- فهرست میکرو فیلمهای دانشگاه تهران/محمد تقی دانش‌پژوه. تهران: دانشگاه تهران، ۳ ج.
- ۶۹- فهرست نسخه‌های کتابخانه ملی تبریز/سید ودود میریونسی. تبریز: کتابخانه ملی، ۲ ج.
- ۷۰- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیه‌الله گلپایگانی/سید احمد حسینی، رضا استادی. قم: گلپایگانی، ۳ ج.
- ۷۱- فهرست کتابخانه‌های رشت و همدان/زیر نظر ایرج افشار. تهران: فرهنگ ایران زمین.
- ۷۲- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آخوند ملاعلی همدانی/جواد مقصود همدانی. همدان: کتابخانه آخوند، ۱۳۵۶.
- ۷۳- الفهرست / ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تصحیح: سید محمد صاق بحر العلوم. نجف: حیدریه.
- ۷۴- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک / ایرج افشار، محمد تقی دانش‌پژوه، سید محمد باقر حجتی. تهران: کتابخانه ملک، ۱۰ ج.
- ۷۵- فهرست مشاهیر ایران / ابوالفتح حکیمیان. تهران: دانشگاه ملی (شهید بهشتی)، ۲ ج.
- ۷۶- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیه‌الله مرعشی/سید احمد حسینی. قم: کتابخانه مرعشی، ۲۳ ج + ۲ ج. راهنما.
- ۷۷- فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه عمومی آیه‌الله مرعشی/محمد علی حائری. قم: کتابخانه مرعشی، ۲ ج.
- ۷۸- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی/غلامعلی عرفانیان و مشهد: کتابخانه رضوی.

- ۷۹- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی / عبدالله انوار، حبیب‌الله عظیمی.
تهران: کتابخانه ملی، ۱۲ ج.
- ۸۰- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران / علینقی منزوی،
محمد تقی دانش پژوه. تهران: دانشگاه تهران، ۱۸ ج.
- ۸۱- فهرستواره نسخه‌های خطی اهدایی سید محمد مشکوة به کتابخانه مرکزی
دانشگاه تهران / محمد شیروانی. تهران: دانشگاه تهران.
- ۸۲- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران /
محمد تقی دانش پژوه. تهران: دانشگاه تهران.
- ۸۳- فهرستواره فقه هزار و چهار صد ساله اسلامی / محمد تقی دانش پژوه. تهران:
علمی و فرهنگی.
- ۸۴- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه مروی تهران / رضا استادی.
تهران: مدرسه مروی، ۱۳۷۲.
- ۸۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه فیضیه / رضا استادی. قم:
مدرسه فیضیه، ۱۳۵۴، ۲ ج.

ک

- ۸۶- الکافی / ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح: علی اکبر غفاری. تهران:
دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، ش، ۸ ج.
- ۸۷- کشف الحجب و الاستار / سید اعجاز حسین نیشابوری کنتوری. قم:
کتابخانه آیه الله مرعشی (افست).
- ۸۸- کتابشناسی مجلسی / حسین درگاهی، علی اکبر تلافی. تهران: بنیاد امام
رضا علیه السلام.
- ۸۹- کنگره هزارمین سال میلاد شیخ طوسی / حسین خدیو جم. در: مجله یغما
۲۳ (سال ۱۳۴۹) ص ۱۰۶-۱۰۹

ل

۹۰- لؤلؤة البحرين / يوسف بحرینی.

م

- ۹۱- المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم / محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۹۲- معجم رجال الحدیث / سید ابوالقاسم خویی. قم: آثار شیعه، ۲۳ ج.
- ۹۳- مشیخة التهذیب / ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، شرح: سید حسن موسوی خراسان (به ضمیمه جلد ۱۰ تهذیب). تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- ۹۴- ملاذالاخیار فی شرح تهذیب الاخبار / محمد باقر مجلسی، تصحیح: سید مهدی رجایی. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۶ ج.
- ۹۵- من لایحضره الفقیه / ابوجعفر محمد بن علی قمی، تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: اسلامی، ۴ ج.
- ۹۶- مفاخر اسلام / علی دوانی. تهران: امیرکبیر، ۴ ج.
- ۹۷- مرآة الکتب / علی ثقة الاسلام تبریزی. تبریز: عبدالله ثقة الاسلامی، ۴ ج (چاپ عکسی از روی نسخه اصل مؤلف)
- ۹۸- المعجم المفهرس لالفاظ بحار الانوار / قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱.
- ۹۹- مستدرک سفینه البحار / علی نمازی شاهرودی. تهران: بنیاد بعثت، ج ۱.
- ۱۰۰- مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال / آقا بزرگ تهرانی. به کوشش احمد منزوی. تهران.
- ۱۰۱- مستدرک الوسائل / حسین نوری طبرسی. تهران: اسلامی، ج ۳ (چاپ سنگی قدیم).
- ۱۰۲- معارف الرجال / محمد حرزالدین. قم: کتابخانه مرعشی، ۱۲ ج. (افست از چاپ نجف).
- ۱۰۳- ماضی النجف و حاضرها / محمد باقر آل محبوبه. قم (افست)، ۳ ج.

- ۱۰۴- میراث اسلامی ایران/به کوشش رسول جعفریان. قم: کتابخانه مرعشی، ۱۳۷۳.
- ۱۰۵- معادن الحکمة فی مکاتیب الائمة/محمد علم الهدی کاشانی. مقدمه آیه الله مرعشی. یزد، کتابخانه وزیری، ج ۱.
- ۱۰۶- مقام شیخ ابو جعفر طوسی/حسین کریمان. در: یادنامه آق اولی. تهران: ۱۳۵۶، ص ۹۶-۱۲۰.

ن

- ۱۰۷- نسخه های خطی (نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)/محمد تقی دانش پژوه، ایرج افشار و... تهران: دانشگاه تهران، ۱۲ ج.
- ۱۰۸- نجوم السماء/محمد علی کشمیری. قم: بصیرتی.
- ۱۰۹- نابغه فقه حدیث/سید محمد جزائری. اصفهان: حسینیه عمادزاده.
- ۱۱۰- نخبه المقال/عباس حاجیانی دشتی. قم: مهر، ۱۳۹۷ ق.

و

- ۱۱۱- وسائل الشیعه/محمد بن حسن حر عاملی، تصحیح: عبدالرحیم ربانی شیرازی، محمد رازی. تهران: اسلامیه، ۲۰ ج.
- ۱۱۲- وسائل الشیعه/محمد بن حسن حر عاملی، تصحیح: موسسه آل البيت. قم: آل البيت، ۳۰ ج.

ه

- ۱۱۳- هزاره شیخ طوسی/به کوشش: علی دوانی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش، ۲ ج.
- ۱۱۴- هدایة الاسماء فی بیان کتب العلماء/حسن کتوی یزدی - در مجموعه «نسخه های خطی» ج ۶. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.

ی

- ۱۱۵- یادنامه کنگره هزاره شیخ طوسی / به کوشش محمد واعظ زاده خراسانی.
مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۵۴، ۳ ج.
- ۱۱۶- یکصد و شصت نسخه خطی / رضا استادی. قم.
- ۱۱۷- یک نسخه کتاب قدیم (جلد چهارم تفسیر تبیان) / محیط دزفولی. در:
ارمغان ۳، ص ۴۳۸ - ۴۳۹.

118. Catalogue of the Arabic Manuscripts salarjung Museum. and library / Late Haji Maulana Muhammad Ashraf. India, 1981. Vol. 4.
119. Catalogue of the Arabic Manuscripts in Reza Library/Imtiyaz Ali Arshi. Rampur: Reza Library Trust, 1963, Vol. 1.
120. Catalogue of the Arabic Manuscripts in the John Rylands Library/A.Mingana. Manchester: the Manchester university press, 1934.
121. The chester Beatty Library, A Hand list of the Arabic Manuscripts/Arthur J.Arberry, Vol. 1 - 8, Dublin: Hodges, Figgis & co., 1955 - 1966.
122. The Role of Shaikh al - Tusi in the revolution of a formal science of Jurisprudence among the shiah/Charles J.Adams. in the: Co - Memorial Millenary of shaikh - al - Tusi, Vol. 3, pp. 3 - 14. Mashhad: Ferdowsi university, press, 1976.
123. Materials from shaykh Tusi's fihrist for the Early History of Imamite Doctrine/Montgomery W. watt. Ibid, pp. 28 - 45.

main section of the treatise includes the introduction of approximately 160 books amongst the ancient books which have been the source of the book "Tahzeeb al – Ahkam". Here, the names of the books along with Tusi authors, the hadith numbers from tahzeeb (vol 1 – 5) which have been narrated from this source and then a brief life – history of the author of this source will be mentioned.

This source shall include the existing books like "Kafi" of kulaini as well as non – existing books (either the collection of jurisprudence of Hussein – ibn – saeed, muhammad – ibn – Ahmad Ashári or solely written book like Al – Hajj of musa – ibn – Qasim Bejelli).

With this outlook on "Tahzeeb", scattered flower – petals amongst the multifoliate flowers in the garden of religious knowledge is acquired. The author's task over here is similar to archeology which, by discovery the surviving pieces from the ancient civilization before the eyes of every one. The last chapter of this treatise is the end of discussion and the beginning of a long way and divine grace.

MUHAMMAD HUSSEIN SAFAKHAH

ABDUL HUSSEIN TALEI E

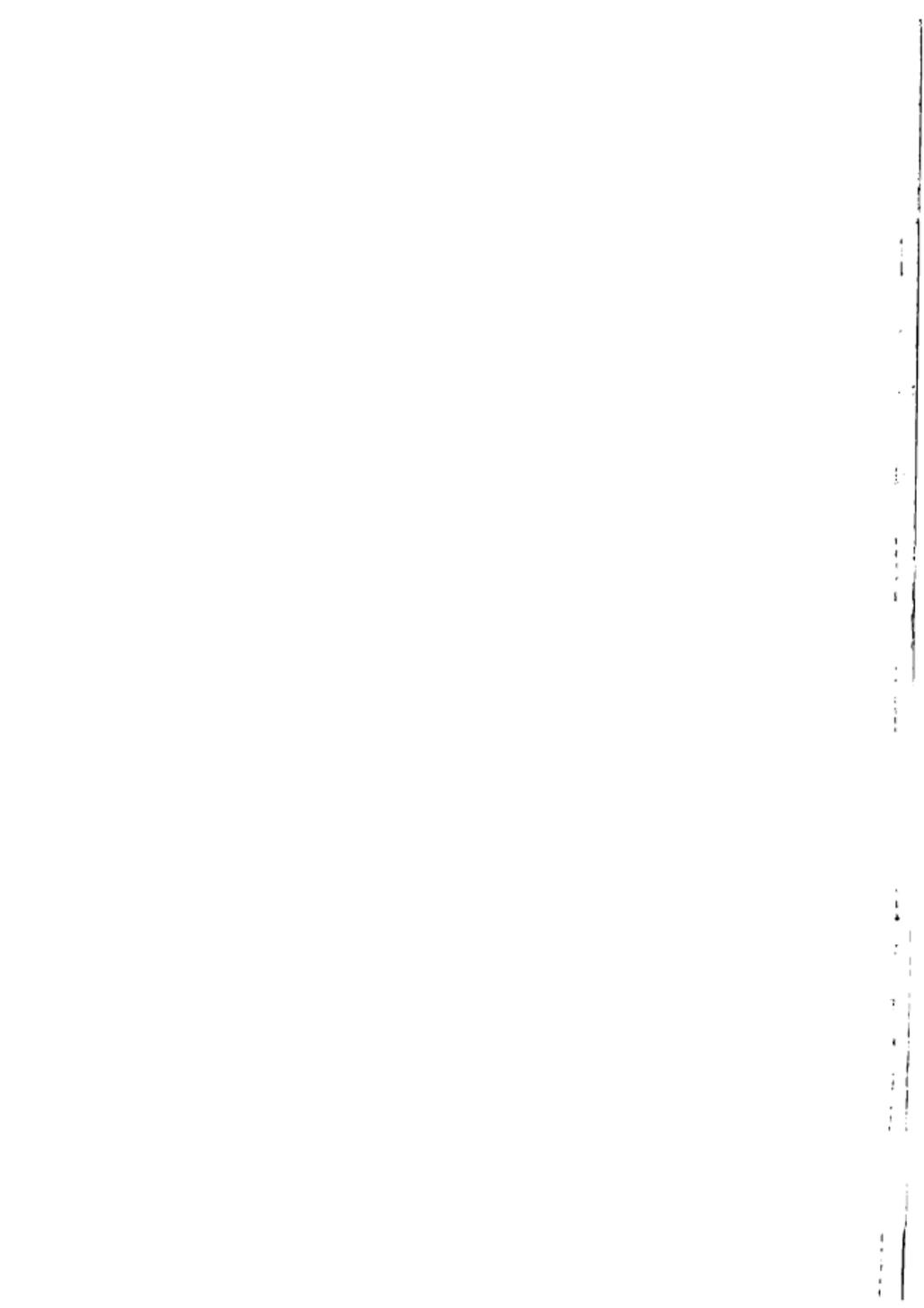
TEHRAN – 1997

ABSTRACT⁽¹⁾

"Tahzeeb al – Ahkam" is one of the four original shiite books or hadith which Abu Jafar Muhammad – ibn – Hassan Tusi (385 – 460 A.H.) has written the commentary on "muqna'h" of shaikh Abu Abdullah mufid (died in 413). Together with three other books (Kafi, Estibsar and man – la – yahzoruhul – Faqih) Tahzeeb al – Ahkam demands special attention due to the special place it occupies in the shiite reflection.

However our universities till today, have not given the required importance to it.

In this treatise after briefly examining the history of compilation of hadith and acquaintance with four hundred originals (the books which the companions of Imams have written) and the four afore – mentioned books, we shall engage in the examination of the scholarly life of shaikh Tusi and his writings. Thereafter, acquaintance with tahzeeb al – Ahkam, manuscripts and the books written in connection to it will be mooted as an introduction to the main matter of the treatise. The



BIBLIOGRAPHY OF IMAMIT SHĪA

1

**RESEARCH IN REFERENCES OF
TAHZIB-AL-AHKAM**

SHEIKH TUSI

(385 - 460 A.H.)

**BY: M.H. SAFAKHAH
A.H. TALEIE**

ABROON CO.

TERAN: 2000